فهرست

بند سوم

مصوبات دورهٔ دوم قانونگذاری

فهرست

قسمت اول ـ قوانین

مصوب دورهٔ دوم قانونگذاری

بند سوم

مصوبات دورهٔ دوم تقنینیه

قسمت اول

قوانین

قانون ☆

انحصار نمک

مصوب سوم ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ ۱ـ انحصار استخراج وفروش نمک درسرمعادن اعم ازسنگی‌وآبی درکلیهٔ ممالک محروسه ایران با دولت است .

مادهٔ ۲ ـ هرگاه یکی ازمعادن دائره قبل ازانحصار در اراضی ثابت‌الملکیه مالک معینی‌واقع شده‌ودرتصرف‌دولت‌نبوده باشدبایدصاحب‌ملک‌آن معدن رابقیمت‌عادله‌سابقه‌بدولت بفروشد ویاآنکه دولت معادل متوسط مبلغی‌که در پنج سال اخیر قبل ازانحصارصاحب ملک ازآن معدن استفاده مینموده است همه ساله بصاحب ملک عاید دارد .

مادهٔ ۳ـ اگرمعدن تازه دراراضی‌ثابت‌الملکیه اشخاصی کشف شد مالک همان اراضی معدن را تا دوبرابر قیمت عادله جریبانه قبل ازکشف بدولت خواهد فروخت والاآنشخص حق دائرکردن آنرا نخواهد داشت .

مادهٔ ۴ ـ برای اداره کردن معادن نمک وزارت فوائد عامه تشکیل ادارهٔ مرکزی درطهران وایجاد شعب درولایات خواهد نمود .

مادهٔ ۵ ـ کلیهٔ مخارج استخراج نمک بعهدهٔ دولت است .

مادهٔ ۶ـ قیمت نمک درسرمعدن ازقرار یکهزار مثقال یکهزار دینارخواهد بود.

(*) این قانون بموجب‌قانون «الغاء مالیات نمک» مصوب۳جمادی‌الثانیه۱۳۲۹قمری نسخ شده است .

مادهٔ ۷ - برای جلوگیری ومنع قاچاق وزارت فوائدعامه نظامنامهٔ لازمهٔ اینکاررا تدوین نموده بموقع اجرا خواهد گذاشت .

مادهٔ ۸ - برای جلوگیری از ترقی قیمت نمك وزارت فوائدعامه درنقاطی که صلاح میداند تأسیس انبار برای ذخیره داشتن نمك خواهد نمود .

مادهٔ۹- عایدات خرج دررفته ادارهٔ نمك هرچه میشود باصورت مرتبی ازکلیهٔعایدات ومخارج اداری آن دررأس هرماه تسلیم وزارت مالیه خواهد شد .

مادهٔ ۱۰ - وزارت فوائد عامه‌کلیه معادن نمك حوزهٔ طهران را تا ده روز بعد از تاریخ اعلان این قانون از حالت حالیه‌که اجاره و استیجاره است خارج نموده و بشکل اداره امانی عمل خواهد نمود ودرمعادن نمك سایرولایات نیز در ظرف سه ماه این ترتیب معمول خواهد شد .

قانون ☆

مالیات بلدی بروسایط نقلیه ☆

مصوبه پنجم شهر ربیع الاول۱۳۲۸ قمری

مادهٔ اول - فقرهٔ اول : مالیاتهائیکه برای مصارف بلدیه در بلاد ایران هرماهه ازوسایط نقلیه دریافت خواهد شد بقرار ذیل است :

(۱) درشکه مطلقاً دوازده قران
(۲) کالسکه ولاندو مطلقاً پانزده قران
(۳) چهار چرخه بارکش چهارقران
(۴) دوچرخه بارکش دو قران و دهشاهی
(۵) دلیجان امنیبوس پانزده قران
(۶) چرخهای دستی سیار مخصوص کسب یکقران
(۷) اتوموبیل پنج‌تومان
(۸) واگون اتوموبیل هریکی سه تومان
(۹) گاری یکتومان
(۱۰) دوچرخه سواری پنجقران
(۱۱) ولوسیپد دوقران
(۱۲) ولوسیپد بخاری (موتورسیکل) پنجقران

(*) این قانون بموجب قانون «مالیات‌راه والغای عوارض‌ومالیاتهای بلدی » مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی نسخ شده‌است .

(۱۳) اسب وقاطر وشتراعم ازاسب کالسکه ودرشکه و گاری وسواری یا باری دوقران.
(۱۴) الاغ سواری یکقران .
(۱۵) الاغ باری دهشاهی .
(۱۶) گاو عرابه کش یکقران .

فقره ثانی : مالیاتهائیکه برای مصارف مزبوره ازوسایط نقلیه که ازخارج داخل شهرمیشود درهردفعه ورود دریافت خواهد شد بقرارذیل است :
(۱) ازهر گاری بدون ملاحظه عدهٔ اسب چهارقران .
(۲) دوچرخه بارکش بدون ملاحظه عده اسب یکقران .
(۳) چهارچرخه بارکش بدون ملاحظه عده اسب دوقران .
(۴) کالسکه ودرشکه بدون ملاحظه عده اسب سه قران .
(۵) اتومبیل یکتومان .
(۶) واگون اتومبیل ششقران .
(۷) دلیجان چهارقران .
(۸) گاوبارکش والاغ سه شاهی قاطرواسب ویا بوپنجشاهی شترشش شاهی .

مادهٔ دوم ـ انجمن بلدی هرشهری ازبلاد ایران اگرصلاح ومقتضی بداند حق دارد کسوراعشاری اضافه (یعنی چند صد یك) یا تومان شمارنسبت باصل مالیات بلدی وسایط نقلیه برای همان شهرتصویب نموده بتوسط حاکم بوزیرداخله پیشنهاد کند که پس ازتصدیق بصورت لایحه قانونی بمجلس تقدیم نماید .

مادهٔ سوم ـ تأدیهٔ مالیاتهای مذکوره درفقره اولی مادهٔ (۱) بموجب قبض و بلیط مخصوص خواهد بود که مدت اعتبارآن دربلیط مصرح است مالها وچارپایان مذکوره درفقره ثانیه ازمادهٔ اولی هم که ازطرف شهرها بشهرتردد میکنند میتوانند درهرماهی یکمرتبه مطابق وسایط نقلیه مذکوره درفقره اولی درمادهٔ یك مالیات دادهوازاداره بلدیه قبض و بلیطماهیانه برای خود تحصیل نمایند وسایط نقلیه که دارای بلیط ماهیانه باشند درحین خروج و دخول بشهرازتأدیه مالیات ودخولیه مذکوره درفقره ثانیه مادهٔ (۱) معاف خواهند بود .

مادهٔ چهارم ـ کالسکه ودرشکه و امثال آنهاکه اسقاط شده ویا مثل مال التجاره برای فروش گذاشتهاند از مالیات بلدی معاف خواهند بود ولی باید اداره بلدیه قبلاچرخ آنها را بسته ومهرسربی کند وهروقت صاحب آلات مزبوره بخواهدآنها را بکاربیندازد ویا بفروشد باداره بلدیه اطلاع میدهد که مهرخود را بردارد وازآن روزتأدیه مالیات خواهد نمود وحق مهر کردن اداره بلدیه درهرمرتبه دوقران خواهد بود .

مادهٔ پنجم ـ هرکس از تأدیه مالیاتهای مزبوره درظرف مدتی که بلدیه معین میکند امتناع وتخلف نماید دردفعه اولی بعلاوه یك ثلث ودردفعات بعدهنصف مبلغ اصل از اودریافت خواهد شد .

مادهٔ ششم ـ مالیاتهای مذکوره درمواد فوق بتوسط مباشرین اداره بلدیه‌وصول‌شده وبرطبق دستورالعملهای انجمن بلدی که موافق قوانین خواهد بود درتحت نظارت انجمن بلدی خرج خواهد شد.

مادهٔ هفتم ـ صاحبان وسائط نقلیه مکلفند براینکه خودشان باداره بلدیه‌عده‌وسایط نقلیه خود را ازهرقبیل بعد ازاعلان ادارهٔ مزبوره درمدت مهلتی که خود اداره معین میکند اظهارنموده بلیط ماهیانه دریافت‌کنند درصورت تخلف ازمضمون این ماده وتأخیراظهار تا یکماه نصف مبلغ بدهی اودریافت میشود .

مادهٔ هشتم ـ وسایط نقلیه‌که ازمالیات معافند بقرارذیل است :

(۱) وسایط نقلیه مخصوص سلطنت ودولت .
(۲) وسایط نقلیه مخصوص مأمورین سیاسی دول خارجه .
(۳) وسایط نقلیه عسکریه ازهرقبیل .
(۴) وسایط نقلیه متعلقه بخدمات صحیه .
(۵) وسایط نقلیه مخصوص بخدمات بلدیه .

مادهٔ نهم ـ این قانون در هرمحل ده روز بعد ازاعلان آن بموقع اجرا گذاشته می‌شود .

تبصره ـ درمواردیکه نوشته شده است (بدون ملاحظه عده اسب) نه‌مقصودآنست‌که از مالهائیکه به‌گاری ودوچرخه وغیره بسته شده است مالیـات علیحده گرفته نمیشود مگر درصورتیکه بگاری ودلیجان وکالسکه ودرشکه زیاده ازچهارمـال وبچهارچرخه زیادتر از دومال وبدوچرخه زیادترازیك مال بسته شودکه درآن موارد ازمالهای زیـادی موافق‌جزء هشتم فقره ثانیه مالیات اخذ میشود .

قانون

حمل اسلحه

مصوب ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ۱ ـ هیچکس‌نباید درشهرها هیچ نوع اسلحه ناریه باخود حمل نماید .

مادهٔ۲ ـ طبقات نظامی فقط درهنگام مأموریت خدمت نظامی ودرمواقع مشق اسلحه‌گرفته وبعد ازختم مأموریت مذکوریا عملیات نظامی اسلحه ناریـه خود را در مراکزمقرره خواهندگذاشت .

مادهٔ۳ ـ مأمورین حفظ نظم‌وامنیت‌ازقبیل پلیس‌وژاندارم وامنیه‌فقط می‌توانند اسلحه راکه دولت برای آنها معین داشته است حمل نمایند .

مادهٔ۴ ـ اشخاصیکه بقصد شکارو یا مسافرت بـا اسلحه میخواهند ازشهرعبور نمایند باید برحسب اجازه‌کتبی اداره نظمیه باشد .

مادهٔ۵ ـ هرگاه کسی بـا مواد ایـن قانون مخالفت نمایـد اسلحهٔ او ضبط و خودش ازبیست و چهار ساعت الی ده روز حبس یـا از یك تومان الی بیست تـومان جریمه میشود .

مادهٔ۶ ـ این قانون درظرف یکفهته پس ازتاریخ انتشار درطهران و درظرف یکماه درسایربلاد بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

قانون

تخفیف مخابرات ومراسلات راجعه بجراید

مصوب ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ اول ـ اخبارجرایدکه حاوی وقایع اتفاقیه واطـلاعات تجارتی وپلتیکی میباشد وفقط بـرای طبع و نشردرروزنامه ازنقطه بنقطه مخابره میشود بنصف قیمت معموله قبول ومخابره خواهدشد .

مادهٔ دوم ـ اخبارتلگرافی جرایدکه شامل اعلانات ومطالب شخصی وتظلمات مردم باشد تمام قیمت معموله ازآنها اخذ میشود .

مادهٔ سوم ـ اجرت پستی جراید ازنقطه بنقطه دیگردرداخله اعم ازیك نمره یا بسته نصف قیمت معمولی دریافت میشود .

قانون

راجع به روده *

مصوبهٔ پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ اول ـ روده و کپون وزه متصل بروده کلیه ذبایح در تمام مملکت بعنوان مالیات متعلق بدولت است .

مادهٔ دوم ـ هر گاه محقق شود که کسی بدون اجازهٔ دولت روده و کپون وزه فروخته است نصف قیمت ازفروشنده دریافت خواهدشد .

مادهٔ سوم ـ کسانی که برای مصارف داخلی روده و زه و کپون لازم داشته باشند درابتیاع حق تقدم برسایرمشتریان دارند وفقط بصنف زهتاب دوثلث ازقیمت عادله تخفیف داده میشود .

مادهٔ چهارم ـ ترتیب جمع آوری روده وزه وکپون وادارهٔ این کاررا وزارت مالیه مرتب خواهد نمود .

مادهٔ پنجم ـ این قانون درهرمحل ده روز پس از اعلان بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

قانون

متمم قانون وظایف

مصوبهٔ ۲۶ ربیع الثانی سنه۱۳۲۸قمری

مادهٔ اولـ حقوق دیوانی متوفی هر مبلغی که زیاده از دوهزار تومان باشد ضبط خزانه دولت شده فقط دوهزار تومان آن موافق مواد ذیل بین ورثه تقسیم و تاپانزده سال در حق آنها برقرار خواهد بود .

مادهٔ دوم ـ از یك الی پانصد تومان موافق قانون وظائف نصف بلاکسر آن در حق ورثه برقرار میشود .

---

* این قانون بموجب «الغاء عوارض راجع بروده » مصوب ۱۵ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی (دوره ششم تقنینیه) نسخ شده است .

* این قانون قبلا دردورهٔ پنجم ملغی شده است ،

مادهٔ سوم – از پانصدویك تومان الی یکهزارتومان هرقدرباشد ثلث بلاکسر آن برنصف پانصد تومان اول اضافه خواهدشد .

مادهٔ چهارم – از یکهزار و یك تومان الی یکهزار وپانصد تومان‌هرمبلغی که باشد ربع بلاکسرآن برنصف اول و ثلث‌ثانی افزوده‌خواهدشد .

مادهٔ پنجم – از یکهزاروپانصد و یك تومان الی دوهزار تومان هر مبلغی که باشد خمس بلاکسر آن برنصف وثلث و ربع فوق‌الذکر اضافه میشود .

مادهٔششم – تقسیم آنچه در حق ورثه برقرار میشود موافق مواد سوم وچهارم وپنجم قانون وظایف خواهدبود .

مادهٔ هفتم – درصورتیکه وراث حقوق دیوانی شخصی داشته باشند سهم هریك از وراث ذکورکه بعلاوه حقوق شخصی متجاوز از ششصد وچهل و یك‌تومان و سهم هریك از وراث اناث‌که بعلاوه حقوق شخصی متجاوز از سیصدوبیست‌تومان باشد تفاضل از سهم ارثی آن وارث کسر میشود و اگر حقوق شخصی وارث ذکور ششصد و چهل و یك تومان و یا بیشتر وحقوق شخصی اناث سیصدوبیست تومان‌یا‌بیشتر باشد از حقوق متوفی‌چیزی‌باو داده نمیشود .

مادهٔ هشتم – حقوق جنسی متوفی هرمقدار باشد وزارت مالیه بقیمت متوسط پنج سال اخیر در محل آن را تسعیر نموده و در جزو مبلغ نقدی مذکور درمادهٔ اول محسوب و بین ورثه تقسیم میشود درصورتیکه حقوق دیوانی متوفی منحصر بجنس‌باشد قیمت‌آن موافق مواد فوق بین وراث تقسیم میشود .

مادهٔ نهم – این قانون ازروز اعلان‌آن‌بموقع اجراگذاشته‌شده و بکلیه حقوق متوفیانیکه از تاریخ ذیقعده ۱۳۲۴ ببعدواقع شده و زائد برپانصد تومان‌بوده و مجلس شورای ملی تاکنون قرار قطعی درآن‌باب نداده است نیز تعلق میگیرد .

☆☆☆

بموجب‌قانون مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری مادهٔهفتم قانون‌فوق‌تفسیر شده‌است .

قانون

قبول و نکول بروات تجارتی *

مصوب پنجشنبه ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸

مادهٔ اول ـ چون باب برات باب حواله است وشخص برات کننده درمقابل ذمه مشغول خود حواله‌میکند هرگاه پس‌از برات کردن انکارمدیونیت کند ازاوپذیرفته نخواهدشد.

مادهٔ دوم ـ حواله گیرندهٔ اولی میتواند باسم کسی دیگرحواله نماید ودومی بسومی وهکذا هرچند نفرباشند دراینصورت تمامی حواله دهندگان برای‌قبول برات کفیل یکدیگرند یعنی‌درصورت پروتست‌برات هرلاحق بسابق خود رجوع کرده وجه برات رادریافت‌مینمایند تا برسد بحواله‌کنندهٔ اولی .

مادهٔ سوم ـ شخصی‌که برات باوحواله شده تا زمانیکه قبولی ننوشته‌است‌ذمه‌حواله کننده مشغول وجه‌آن برات است اگرچه تاریخ‌رؤیت‌آنرا نوشته باشد .

مادهٔ چهارم ـ درصورتی‌که برات ورودی نبوده بدین معنی‌که برای ادای وجه مهلت قرارداده شده خواه ازحال رؤیت وخواه ازحال تحریردارندهٔ برات حق‌دارد برات را ارائه داده قبولی بنویساند یا فقط تاریخ رؤیت رانویسانده درسروعده‌درصورت‌عدم‌نکول مطالبه وجه را بنماید .

مادهٔ پنجم ـ هرگاه دارندهٔ برات مطالبهٔ قبول یا نکول نماید باید شخصی‌که باو حواله شده منتهی درظرف چهل وهشت ساعت‌آن برات را صریحاً قبول یا نکول نوشته‌مهر یا امضا نماید .

توضیح ـ کسیکه باوحواله شده باید برای قبول این جمله معین را بنویسد (من‌این برات را یا فلان مقدارآن راقبول دارم) وبرای‌نکول این جمله را بنویسد (من‌این‌برات را نکول میکنم) .

---

* موافق قانون‌مصوب‌پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ قمری مواد ۱و۲و۳و۷ تفسیر ومادهٔ ۶ الغاء شده است وهمچنین برطبق مادهٔ ۲۴۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳و۱۳۰۴ شمسی قانون فوق با اصلاح‌آن نسخ شده است .

مادهٔ ششم ـ شخصی که باوحواله شده هرگاه برات راقبولی نوشت باداء وجه‌قبولی نوشتهٔ خود ملزم است و نباید قبول معلق بشرط باشد .

مادهٔ هفتم ـ شخصی که باوحواله شده میتواند قسمتی ازمبلغ حواله شده را قبولی بنویسد دراین صورت بقیه وجه برات را دارندهٔ برات میتواند پروتست نماید .

مادهٔ هشتم ـ هرگاه درظرف چهل وهشت ساعت مذکوردرمادهٔ پنجم شخصی که باو حواله شده قبولی ننوشت دارندهٔ برات بعد ازانقضای مدت مزبوره حق دارد براترا باطاق تجارت برده مطالبه پروتست آن را بنماید واطاق تجارت تا بیست وچهارساعت ازتاریخ این مطالبه براترا پروتست میکند درمحلی که اطاق تجارت رسماً تأسیس نشده محکمهٔ تجارت ودرمحلی که آن نیز تشکیل نشده محکمه ابتدائی حقوق ودرجائیکه آنهم تشکیل نشده ادارهٔ حکومت محلی عمل پروتست را انجام میدهد .

مادهٔ نهم ـ پس ازپروتست برات شخص ثالثی میتواند باعتبار برات کننده اولی یا یکی دیگرازحواله کنندگان تأدیه‌وجه حواله شده‌را بعهده گیرد دراین صورت‌شخص‌مذکور باید قبول خود را درپروتست نامه نوشته وامضاء نماید وقبول این شخص حق‌رجوع‌دارنده براترا به حواله کنندگان اسقاط نمیکند .

مادهٔ دهم ـ درصورتیکه برات پروتست شوددارندهٔ برات مختاراست که وجه‌برات را موافق مدلول آن ازبرات کننده درهمان محل مطالبه نماید ویا رجوع بمحل صدورحواله نموده وجه برات را دریافت کند مخارج وخسارت وارده‌ازپروتست برات برعهدهٔ حواله کننده است مگراینکه بموجب سند عدم ضمان خود را شرط کرده باشد .

مادهٔ یازدهم ـ درصورتیکه برات ورودی بوده بدین معنی که بعد ازرؤیت مهلتی برای ادای وجه مقرر نشده هرگاه درحین مطالبهٔ وجه کسیکه برات بعهدهٔ او است تا چهل‌و هشت ساعت ادای وجه را نکند دارنده برات حق پروتست‌آن را داشته وبدون پروتست‌حق رجوع به‌حواله‌کننده ندارد .

مادهٔ دوازدهم ـ این قانون سه ماه بعد ازطبع وانتشارآن درکلیه مملکت‌محروسهٔ ایران مجری خواهد شد .

قانون

اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مصوبهٔ ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۸ قمری

فصل اول

در ترتیب شعب ادارات مرکزی

مادهٔ اول – ادارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از قرار ذیل است:

(۱) دائرهٔ وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر .

(۲) مدیر کل .

(۳) ادارهٔ تعلیم عمومی .

(۴) ادارهٔ معارف .

(۵) ادارهٔ اوقاف .

(۶) دائرهٔ تحقیقات .

(۷) دائرهٔ تفتیش .

(۸) دائرهٔ محاسبات .

(۹) هیئت شورای معارف .

فصل دوم

در وظایف وزیر و اعضاء ادارات

مادهٔ دوم ـ وظایف وزیر :

(۱) مسئولیت صحت مصارف ادارهٔ هر شعبه .

(۲) اجرای قوانین موضوعه در ترویج معارف و تصحیح امور اوقاف.

(۳) تهیه اسباب تحصیلات ابتدائی مجانی اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالیه .

(۴) ترتیب شعب ادارات وزارتخانه در ایالات و ولایات .

(۵) حفظ ارتباط ادارهٔ معارف ایران با سایر دول .

مادهٔ سوم ـ وظائف مدیر کل :

(۱) مسئولیت امور اداره در نزد وزیر .

(۲) تدارک موجبات پیشرفت امور ادارات.

(۳) تصدیق مراتب لیاقت اجزاء و استحقاق آنها در نیل بمراتب و درجات عالی تر .

(۴) تعیین حدود و حقوق اجزاء و اظهار آن در راپرتهائیکه بدولت یا بمجلس شورای ملی تقدیم میشود .

(۵) ترتیب نظامنامه‌ها و مواظبت در اجرای آنها .

(۶) نظارت در اثاثیهٔ ادارات مرکزی .

(۷) ترتیب بودجهٔ وزارتخانه .

(۸) امضای احکام وقراردادهای اداره قبل از امضای وزیر .

(۹) تصدیق راپورتهای اداره‌ای که بامضای مدیران ادارات است .

(۱۰) نظارت در مالیه وزارتخانه و محاسبه آنها .

(۱۱) امضاء در موارد ذیل عوض وزیر درصورتیکه وزیر اجازه داده باشد.

(اولا) در تعیین مدت اجازهٔ مرخصی اجزاء جزو غیراز رؤساء .

(ثانیاً) اجرای سیاسات ومجازات اداره درحق اجزاء جزو.

(ثالثا) توقیف مقرری وعزل اجزاء جزو موافق قانون تشکیلات اداره و قانون استخدام .

(رابعاً) امضاء وقبول مخارج ومصارفی که از صد تومان تجاوز نکند و مبنی بر قرار نامه باشد یا سابقاً بموجب دستخط یا امضای وزیر جاری شده باشد .

(خامساً) تحدید تکالیف ووظایف خدمه وزارتخانه .

(سادساً) تهیه یادداشتهای راجعه بامور مالیه وزارتخانه که باید بدیوان محاسبات تحویل شود .

مادهٔ چهارم ـ وظایف ادارهٔ تعلیم عمومی :

(۱) مراقبت در امور تعلیمات ابتدائیه ومتوسطه .

(۲) کسب اطلاع از دوران مدارس مرکزی و بلوکی و ایالات وولایات .

(۳) ترتیب راپورتهای لازمه درتنظیمات مقتضیه وپیشرفت تعلیمات درمکاتب و مدارس وترتیب لوایح در تشریح نواقص وانتشار آنها در روزنامجات .

(۴) احصاء مکاتب و مدارس مملکت واحصای شاگردان در طبقات ثلاثه .

(۵) تدارك معلمین از برای فنون وعلوم وتدریس در مدارس .

(۶) ترتیب کلاسهای درس برای اکابر .

(۷) تهیه وسائل برای پیشرفت کار مکاتب و طبع کتب .

(۸) ایجاد مدارس مجانی برای ایتام .

(۹) ایجادمدارس شبانه روزی برای شاگردان خارج وداخل که بخواهنددرمرکز تحصیل کرده باشند .

مادهٔ پنجم ـ وظایف ادارهٔ معارف :

(۱) مراقبت در امور تعلیمات عالیه وفرستادن شاگرد بخارجه .

(۲) تشکیل کتابخانه ومجموعه‌های علمی وتاریخی .

(۳) تأسیس موزه‌های تاریخی وعلمی وصنعتی .

(۴) تحصیل عتیقیات و نظارت درحفریات .

(۵) نگاهداری آثار قدیمه و حفظ آنها از اندراس وفنا .

(۶) نگاهداری اشیاء نفیسه و سایر اموال امکنه مقدسه وغیرها که ودایع ملی در آنجا هست .

(۷) تأسیس قرائت خانه و کتابخانه و مجمع هـای علمی و ادبی در مرکز و ایالات وولایات .

مادهٔ ششم - وظایف ادارهٔ اوقاف :

(۱) تحصیل صورت صحیح از وقف‌نامه‌ها وموقوفات مرکزی وایالتی وولایتی و بلوکات درکل ممالك ایران .

(۲) نظارت کلیه براعمال متولیان و نظار و تفتیش در وصول و ایصال عایدات اوقاف و ممانعت ازحیف ومیل اولیاء و مباشرین وقف نسبت باعیان ومنافع موقوفات و تدارك موجبات آبادی آنها .

(۳) اداره‌کردن موقوفاتیکه تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر یا دولت است .

(۴) مـراقبت در صرف عایدات اوقـاف بمصارف مخصوصه خودش حسب ما اوقفها اهلها .

(۵) اهتمام درصرف منافع موقوفاتیکه مصرف معین نداردو باید درمطلق بریات صرف شود در مصارف تعلیمات وفوائد عمومیه .

(۶) اداره‌کردن موقوفاتیکه‌متولی مخصوص نداردبموجب اذن از طرف یکی‌از احکام شرع .

مادهٔ هفتم - وظایف ادارهٔ تحقیقات :

(۱) تسویهٔ اختلافات بین متولی ونظاراوقاف وخدمه وموظفین موقوفات .

(۲) تحقیق نوشتجات واسناد راجعه باوقاف ورجوع بعدلیه درصورت لزوم .

(۳) تحقیق جمع وخرج وعایدی اوقاف مختلفه .

(۴) تحقیق وتمیزاملاك موقوفه ازاملاك شخصی .

مادهٔ هشتم - وظایف دائرهٔ تفتیش :

(۱) تفتیش در مـدارس ابتدائیـه و متوسطه و عالیه و ملاحظهٔ نظافت و حفظ صحت آنها .

(۲) تفتیش دراجرای نظامنامه‌ها ومحاسبات و عایدات وکیفیت جریان اموردر کلیهٔ ادارات وزارتخانه .

(۳) تقدیم راپرتهای هفتگی و ماهیانه وسالیانه از اوضاع مدارس و اوقاف و پیشرفت‌کارتعلیمات وکتب رایجه درمکاتب وکیفیت امورسایر ادارات وزارتخانه .

مادهٔ نهم - وظایف دایرهٔ محاسبات :

(۱) ترتیب ونگاهداری‌کتب ودفاترواوراق لازمه برای حقوق‌اجزاء وزارتخانه وحساب‌کلیهٔ وجوه عایدهٔ اداره معارف واوقاف .

(۲) ترتیب صورتهای ماهیانه ازبرای هیئت شورای معارف وصورتهای‌ششماهه در روزنامه .

مادهٔدهم - وظایف هیئت مشاوره :

(۱) حل غوامض امورمعارف .

(۲) تسویهٔ اختلافات بین مکاتب ومدارس .

(۳) رد وقبول تألیفات معینه برای مدارس ومکاتب .

(۴) مشورت درتدارك نواقص تعلیمات ولوازم تحصیلات ثلاثه از وجوه اعانه و غیره وترجیح بعضی تدارکات بمقتضیات حال .

(۵) تعیین مصرف وجوه فوق‌العاده که برسم هدیه واعانه میرسد ووجوه‌موقوفات که باختیار وزارت معارف گذارده شده باشد .

(۶) معاونت فکری به وزیر در هر نوع مسئله و مشکلی کــه به آن هیئت رجوع شود .

فصل سوم*

ترتیب ادارات معارف واوقاف درایالات وولایات

مادهٔ یازدهم ــ برای ایفاء بوظایف مذکوره علاوه برادارات مرکزی‌درایالات وولایات نیزشعبه‌ها برحسب لزوم تأسیس میشود .

مادهٔ دوازدهم ــ اداره‌کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصراست با اجازهٔ سلطان عصر خواهد بود .

قانون

تأسیس روزنامهٔ رسمی

مصوبهٔ ۱۴ شهرشوال المکرم ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ واحده ــ در تحت مراقبت ونظارت وزارت داخله بــه مخارج دولت در پایتخت روزنامهٔ رسمی ایران تأسیس میشودکه حاوی خواهد بود دستخط‌های‌سلطنتی واحکام وزارت خانه‌ها واعطای امتیازوشئونات وعزل ونصبها وقوانین موضوعه و صورت مشروح جلسات دارالشورای ملی وهرگونه مطالب رسمی دیگردولت را .

* فصل سوم مشتمل برمادهٔ ۱۱و۱۲ درتاریخ ۲۹جمادی‌الثانیه ۱۳۲۹ قمری‌بقانون فوق ضمیمه وتصویب شده است .

قانون *

راجع بحفظ‌الصحه و آبله کوبی

مصوبهٔ پنجم شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ اول - ازمالیات وسایط نقلیه تومانی یکقران برای اصلاح امور حفظ‌الصحه و بالخاصه تعمیم آبله‌کوبی و تقسیم سرم گلودرد دیفتری بطورمجانی تخصیص می‌شود .

مادهٔ دوم - وجوهی‌که ازاین ممرحاصل میگردد بمجلس حفظ‌الصحه رسمی‌مرکزی دولت داده میشودکه بنظارت وتصویب مجلس‌مذکوردرتمام مملکت بمصرف برسد .

قانون **

محاسبات عمومی

مصوب۲۱ صفر۱۳۲۹ قمری

مادهٔ۱- بودجه دولت سندی است‌که معاملات دخل‌وخرج مملکتی برای مدت معینی درآن پیش‌بینی وتصویب شده باشد . مدت مزبوره را سنه مالیه می‌گویند وعبارت است از یکسال شمسی .

مادهٔ ۲- دورهٔ عمل عبارت ازمدتی است‌که قانون برای جریان معاملات بودجه یك سنه مالیه معین می‌نماید مدت مزبوره برای تشخیص و حواله مطالبات دائنین دولت تا روز آخرماه سیم‌سال بعداست وبرای ختم اعمال‌دائر بدریافت‌عایدات وپرداخت مخارج تاروزآخر سال بعداست .

مادهٔ ۳- مقیاس زمان بعدازاین درمحاسبات دولتی سالهای شمسی و ماههای شمسی (بروج) خواهدبود .

---

* قانون فوق‌بموجب مادهٔ۱۰قانون «اصلاح وسایط‌نقلیه» شامل‌آن قانون بوده ولذا بر حسب قانون « مالیات راه والغاء عوارض‌ومالیاتهای بلدی» مصوب۱۹ بهمن‌ماه۱۳۰۴شمسی نسخ شده است .

** این قانون بموجب قانون مصوب۱۰اسفند ماه۱۳۱۲ نسخ شده است .

مادهٔ ۴- هرگاه دائنین دولت تا روز آخر دورهٔ عمل بمقام مطالبه حقوق خود برنیایند حوالجاتی که دروجه آنها صادرشده است باطل میشود بدون اینکه بحقوق ثابته آنها خللی برسد یعنی آن حوالجات برای دوره عمل بعد تجدید میشود.

مادهٔ ۵- اعتباراتی که کل یا جزء آن تا روز آخر سنه مالیه موقع خرج پیدا نکرده باشد از بودجه برگشت خواهد کرد همچنین است اعتباراتی که موقع خرج پیدا کرده لیکن کل یا جزو آن درمواعد مقرره تشخیص یا حواله نشده باشد ولی این اعتبارات قسم اخیررا پس از برگشت از بودجه بدورهٔ عمل بعد میتوان انتقال داد.

مراد از اعتبارات وجوهی است که قبلا برای خرج معینی پیش بینی وتصویب شده باشد.

مادهٔ ۶- اعتباراتی که برای مخارج یك سنه مالیه معین شده است نباید بمصرف مخارج سنهٔ مالیه دیگر برسد.

تهیهٔ بودجه

مادهٔ ۷- همه ساله هروزیری باید بودجه مخارج وزارتخانه خودرا برای سنه آتیه حاضر نموده درظرف ۳ ماه اول سال بوزارت مالیه بدهد.

مادهٔ ۸- وزیرمالیه بایدتمام این بودجه‌ها را دریك مرکزجمع وبودجه عایدات را نیز بآنها ضمیمه کرده بودجه کل دولت را تکمیل وتنظیم نماید.

مادهٔ ۹- این بودجه کل دراوایل نیمه آخرسال برحسب دستخط همایونی برای سال بعد پیشنهاد مجلس‌شورای ملی خواهد شد.

تصویب بودجه

مادهٔ ۱۰ -- مجلس شورای ملی لایحه قانونی بودجه کل را در نیمه آخر سال در تحت شور و مباحثه در آورده و منتهی تا پانزده روز قبل از عید نوروز تصویب می‌نماید و پس از آنکه بودجه کل از تصویب مجلس شورای ملی گذشت حکم قانون سالیانه مالیه پیدا می‌کند.

بودجهٔ عایدات

مادهٔ ۱۱-- هیچ مالیاتی‌وضع ودریافت نمیشودمگراینکه مجلس‌شورای ملی آنرا تصویب و اعلیحضرت همایونی امضاء کرده باشد.

هیچگونه مالیات مملکتی و عایدات دولتی دریافت نمیشود مگر بدستیاری مباشرین و تحصیلداران خزانهٔ دولتی وموافق عنوانی که قانوناً مقرر شده باشد.

مادهٔ ۱۲- جز مالیاتهائی که بموجب قانون سالیانه بودجه تصویب می‌شود اخذ هر گونه مالیات دولتی دیگر بهر اسم و رسم که باشد ممنوع است عمالی که امر با خذ این قبیل مالیاتهای ممنوعه بدهند و اشخاصی که فهرست و تعرفه و اسناد آنرا بسازند و کسانی که متصدی وصول آن بشوند درشمار سارقین اموال دولت محسوب شده و از طرف دولت قانوناً تعقیب و مجازات خواهند شد .

بودجهٔ مخارج

مادهٔ ۱۳- وزراء نمیتوانند علاوه بر مأخذ اعتباراتی که در جزو بودجه برای آنها منظور شده است خرجی کرده ویا عملی را متصدی شوند که موجب خرج خارج از اعتبارات معینه باشد مگر اینکه از طرف مجلس شورای ملی برای ادای آن خرج اعتبارات اضافی داده شده باشد .

مادهٔ ۱۴- هیچ وزیری نمی‌تواند بدست آویز محل مخصوص برمیزان اعتبارات ادارهٔ خود بیفزاید .

مادهٔ ۱۵- وزیرمالیه نمیتواند علاوه برمأخذ اعتبارات هروزارتخانه تأدیه وجهی را اجازه دهد .

مادهٔ ۱۶- بودجه مخارج با رعایت تقسیم بفصول ومواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد .

مادهٔ ۱۷- بودجه هروزارتخانه ماده بماده ازطرف مجلس شورای ملی تصویب میشود.

مادهٔ ۱۸- اعتباراتی راکه درموادقانون بودجه معین شده است ازیك ماده بمادهٔ دیگر نمیتوان انتقال داد .

مادهٔ ۱۹- مخارج راجع بهیئت اجزاء ومأمورین (پرسنل) واثاثیه هروزارتخانه باید بکلی ممتاز ومنفصل از یکدیگر پیشنهاد شود .

مادهٔ ۲۰- کلیه حقوق دیوانی بهر اسم ورسم که باشد باید درکتابچه علیحده مرتب شده جزوشعبه دیون عمومیه ومستمریات تقاعدی وزارت مالیه باشد .

مادهٔ ۲۱- شعبه دیون عمومیه درمقابل وزارت مالیه مسئول اجرا وتطبیق قوانین متعلقه بحقوق مزبور خواهد بودوهرسال یك حساب سالیانه ازاضافات وموضوعات که درعرض آنسال بدفترکل وارد شده بدفترمحاسبات کل ودیوان محاسبات خواهد داد .

مادهٔ ۲۲- حقوق مذکور در مادهٔ ۲۰ و ۲۱ پس ازطبع وتوزیع سال اول درآتیه همه ساله بشرح وجزو در بودجه قلمداد نشده فقط میزان کل آن باتعیین تفاوتی که نسبت بسال قبل حاصل شده است درج خواهد گردید .

مادهٔ ۲۳ ـ تمام معاملات دولتی از خرید و فروش و اجاره و استیجار و مقاطعه و غیره باید باطلاع عموم و بترتیب مزایده ومناقصه صورت پذیرد سوای مستثنیاتی که قانون می‌کند.

مادهٔ ۲۴ ـ درموارد ذیل معاملات دولتی ممکن است بدون اطلاع عموم وترتیب مزایده ومناقصه صورت بگیرد .

(۱) معاملاتی که بملاحظه صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند .

(۲) نسبت بخرید اشیائی که منحصر بفرد باشد .

(۳) در مورد صنایع مستظرفه و امثال آن که انجام پذیر نخواهد بود مگر بدست صنعتگران مخصوص .

(۴) برای اقداماتی که بعنوان امتحان ازطرف دولت بعمل میآید .

(۵) درمعاملات یا اقداماتی که فوریت انجام آن در نزد هیئت دولت ثابت بوده ونتوان منتظر انقضای مدت اعلان عمومی وترتیب مزایده ومناقصه گردید دراینصورت تامبلغ پنج هزار تومان فقط بتصویب هیئت وزراءاست وعلاوه برآن باتصویب دیوان محاسبات آن معامله انجام خواهد گرفت .

مادهٔ ۲۵ ـ معاملاتی که پس از اعلان در ظرف مدت معینه قانونی داوطلبی پیدا نکرده باشد و یا اینکه داوطلبان شرایطی پیشنهاد نمایند که قابل قبول نباشد دولت میتواند آن معامله را باهرکس بخواهد انجام دهد مشروط براینکه از احدی که قبلا معین گردیده است تخلف نشود .

مادهٔ ۲۶ ـ اعتبارات اضافی منظور نمیشود مگر بموجب قانون مخصوص اعتبارات اضافی بر دوقسم است : فوق‌العاده ومنضمه ـ اعتبارات فوق‌العاده اعتباراتی است که پیش‌بینی آن در قانون بودجه غیرممکن بوده وبرای تأسیسات یااحتیاجات جدیده یا بجهت توسعه تأسیسات خارج ازحدود قانون بودجه لازم میشود ـ اعتبارات منضمه اعتباراتی است که برای تکافی مخارج بعضی اموریکه در بودجه پیش‌بینی شده است لازم میشود .

مادهٔ ۲۷ ـ قانونی که اعتبارات فوق‌العاده ومنضمه را معین میکند باید محل مخارج آنرا ازمنابع مخصوص مشخص نماید .

مادهٔ ۲۸ ـ در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم قانون اساسی معین میشود اعتبارات منضمه ویا فوق‌العاده که راجع باحتیاجات جدیده باشد بایدپس ازمذاکره درمجلس وزراء برحسب حکم شورای دولتی تصویب شودوتا زمانی که شورای دولتی تأسیس نشده است تصویب دیوان محاسبات کافی خواهد بوددرظرف یکماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره باید پیشنهاد شود تا بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

مادهٔ ۲۹ ـ هرماه وزیرمالیه برحسب مبلغ تقاضا شده سایروزراء تقسیم وجوهی راکه درماه بعد میتواندحواله کند معین نموده بعرض ملوکانه میرساند .

تشخیص و حواله مخارج

مادهٔ ۳۰- تشخیص خرجی که برخزانه دولت تحمیل میشود فقط راجع بوزراء یا اشخاصی است که ازطرف وزراء مخصوصاً مجاز باین امر هستند مراد از تشخیص آنست که میزان بدهی دولت پس ازرسیدگی باسناد دربرابرهریك ازدائنین معین شوداسناد تشخیص قرض باید حاوی دلایل حقوق دائنین دولت بوده بترتیبی که قواعد مخصوصه هر اداره معین می کند نوشته شده باشد .

مادهٔ ۳۱ - حواله سندی است که بموجب آن دائن باید طلب تشخیص شدهٔ خود را دریافت نماید حواله وزراء بردوقسم است حواله مستقیم وحواله اعتباری .

حواله مستقیم آنست که خود وزراء بلاواسطه دروجه یك یا چندین طلبکار دولت صادرمی کنند .

حواله اعتباری سندی است که بموجب آن وزراء باشخاصیکه‌حواله کنندگان درجه‌دوم نامیده‌میشوند ازقبیل حکام یامأمورین مخصوص اجازه می‌دهند تامبلغ‌معینی درحق‌طلبکاران دولت حواله صادرنمایند این حوالجات اخیررا حوالجات ابلاغی مینامند .

مادهٔ ۳۲ - هیچ خرج دولتی تأدیه نخواهد شد مگراینکه قبلا یکی ازوزراءمستقیماً آنرا حواله کرده باشد یا اینکه حواله کنندگان درجه دویم بموجب حواله اعتباری وزراء حواله ابلاغی داده باشند .

مادهٔ ۳۳ - حوالجات وزراء باید بامضای‌دیوان محاسبات رسیده ومبلغ آن ازحدود اعتبارات معینه وتقسیمات ماهیانه خارج نباشدوالا وزیرمالیه‌آن حواله را امضا نخواهدکرد

مادهٔ ۳۴ - وزراء اسناد مطالباتی راکه حواله خزانه می کنند بحوالجات مستقیم ضمیمه می‌نمایند وهمچنین حواله کنندگان درجه دویم اسناد رابه‌صورت حوالجات‌ابلاغی که نزد تحویلداران میفرستند منضم خواهندکرد .

مادهٔ ۳۵ - وزراء خلاصه حواله مستقیم را وحواله کنندگان درجه دویم عین‌حواله ابلاغی را بطلبکارتسلیم میکنند که بموجب آن طلب خود راازخزانه دریافت دارند .

مادهٔ ۳۶ - هرخلاصه حواله‌مستقیم وهرحوالهٔ ابلاغی که‌بموجب حواله‌اعتباری‌صادر میشود برای اینکه دریکی ازصندوقهای دولتی وجه‌آن پرداخته‌شود بایدمستندباسنادی باشد که ازآن اسناد بطورصحیح وواضح معلوم شودکه وجه معینی برعهده دولت بوده وپرداخت آن حواله ذمه دولت‌راکلایاجزئاًازدین مزبوربری خواهد ساخت .

مادهٔ ۳۷ - تعیین اسناد مذکوره درماده فوق بسته بقرارداد وزیرمالیه با هریك از وزراست که نسبت بانواع شعبات اموراسناد لازمه را دریك فهرست معین می کنند باملاحظه شرایط ذیل :

(اولا) از بابت مخارج اجزاء ازقبیل مواجب ومزد وحق‌الزحمه صورتی ازاسامی آنها که مطالب ذیل را دارا باشد :

(الف) رتبه یا شغل .
(ب) خدمتیکه کرده است .
(ج) مدت خدمت .
(د) حقوقیکه بموجب قوانین یا نظامنامه یا احکام برقراراست .
(هـ) کسوراتیکه بموجب قانون یا نظامنامه یا احکام باید موضوع شود .

(ثانیاً) از بابت مخارج اثاثیه ازقبیل خرید و اجاره اموال منقوله وغیرمنقوله وخرید مواد ضروریه معیشت ومخارج بنائی ونگهداری ومرمت کاری عمارات و استحکامات نظامی (قلعه وبرج وبارو) وطرق وشوارع ومخارج ساخت ومرمت ومواظبت اموال منقوله وغیرمنقوله.

(الف) سواد یا خلاصه مصدق ازفرامین واحکام وزراء وقبالجات فروش واجاره نامه وقراردادها .
(ب) شرح اشیائی که تحویل شده وحسابهائی که قطع شده وشرح تشخیص طلب .
دراین مشروحه بایدکاری که انجام شده ووجهی که برذمه دولت است معین گردد .

تادیهٔ مخارج

مادهٔ ۳۸ ـ وزیرمالیه باید مراقب باشدکه هرحواله مستقیم واعتباری که درحدود بودجه بوده وبامضای دیوان محاسبات رسیده باشد وهمچنین هرحواله ابلاغی که در حدود حواله اعتباری باشد درهمان موعد ومحلی که ازجانب حواله‌کننده معین شده است کارسازی‌شود .

مادهٔ ۳۹ ـ تحویلداران نمی‌توانند وجهی راکه بصندوق آنها حواله شده نپردازند مگروقتی که برخودآنها محقق شود دراسناد عیب ونقصی بوده ویا صحت قبوض مشکوک باشد ویا اینکه کاروخدمتی که وجه درازاءآن داده میشود هنوزمحقق نشده است ویا اینکه ازحدود اعتبارات معینه یا تقسیمات ماهیانه متجاوزشده باشد .

مادهٔ ۴۰ ـ درصورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدارمکلف است که ملاحظات خود راکتباً به‌آورندهٔ حواله بدهد وهمانروزسوادی ازملاحظات مکتوبه برای وزیر مالیه بفرستد تا وزیرمشارالیه بلافاصله باوزیریکه حواله راجع باداره اوست مذاکره‌نماید.

(محاسبات وزراء)

مادهٔ ۴۱ ـ وزراء درآخرهرسنهٔ مالیه حسابهای خودرا باید مطابق موادذیل‌بطبع رسانیده بنمایندگان توزیع ودرخارج منتشر نمایند :

(۱) حساب مخارج .
(۲) حساب عایدات .
(۳) محاسبات کل مالیه .

حساب مخارج

مادهٔ ۴۲ ـ دراول هر سال هر یك از وزراء صورتی ازمخارج دورهٔ عملی منقضیه وزارتخانه خود ترتیب میدهند این حساب شامل کافه عملیاتی خواهد بود که ازافتتاح تا اختتام دورهٔ بعمل آمده است ومطالب ذیل درآن مندرج خواهد بود :

(۱) اعتبارات معینه .
(۲) مخارجی که ازبابت حقوق دائنین دولت موقع خرج پیدا کرده است .
(۳) وجوهی که بموجب حواله پرداخته شده است .
(۴) تتمهٔ مخارج که باید پرداخته شود .
(۵) فاضل اعتبارات برمخارج .
(۶) اعتباری که کل یا جزو آن مصرف نشده و باید برگشت ویا بسال بعد منتقل شود مطابق مادهٔ (۵) .
(۷) مقایسهٔ مخارج مشروحه درفصول ومواد بودجه دورهٔ عمل گذشته یامخارج مشروحه درفصول ومواد بودجه دورهٔ قبل ازآن وتعیین اختلاف با ذکرسبب آن .
(۸) اعتبارات قطعی دورهٔ عمل .

مادهٔ ۴۳ ـ حسابهای دوره عمل وزراء باید بیك نمط وازروی یك قاعده ترتیب شده و عین تقسیمات فصول ومواد بودجه را بنماید .

حساب عایدات

مادهٔ ۴۴ ـ وزیرمالیه علاوه برصورت مخارج وزارتمالیه که مطابق دوماده فوق مثل سایروزراء ترتیب میدهد صورت کلیه عایدات دولتی راکه حاوی فقرات ذیل میباشد ازبابت دوره عمل گذشته مرتب مینماید .

(۱) تخمین عایدات .
(۲) حقوق تحقیقی دولت ازبابت عایدات ومالیات عمومی .
(۳) وجوهی که وصول شده است .

(۴) تتمهٔ عایدات که باید وصول شود ـ وجوهی که از بابت عایدات دورهٔ عمل گذشته وصول میشود باید درجزو عایدات دورهٔ عمل جاریه محسوب شود .

(محاسبات کل مالیه)

مادهٔ ۴۵ـ وزیر مالیه در اول هر سنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده منتهی تا چهار ماه از سال گذشته بمجلس شورای ملی ودیوان محاسبات تقدیم مینماید این حساب که مبنای اصلی لایحهٔ قانونی تفریغ بودجه خواهد بود بایدشامل تمام عملیات راجعه بوصول ومصرف وجوه دولتی وحاکی از کیفیت امورعایدات ومخارج ازاول سال تاآخرسال بوده باشد مستند این حساب مواد مشروحه ذیل است :

(اولا) حساب مالیات وعایدات عمومی

این حساب بترتیب سال ودورهٔ عمل واقسام عایدات باید فقرات ذیل راحاوی باشد:
(الف) حقوق تحقیقی دولت .
(ب) وجوهی که ازاین بابت وصول شده است ،
(ج) بقیه وجوهی که باید وصول شود.

(ثانیاً) حساب مخارج عمومی

این حساب باید به نسبت سال ودورهٔ عمل ووزارتخانه وفصول ومواد مراتب ذیل را تعیین کند :
(الف) حقوق ثابته دائنین دولت که درازای خدمات انجام یافته عرض سال است.
(ب) وجوهی که ازبابت این حقوق پرداخته شده است.
(ج) تتمه مخارجی که باید پرداخته شود.

(ثالثاً) حساب خزانه

این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد :
(الف) وجوهی که مابین تحویلداران دولت ردوبدل میشود.
(ب) صدورواسترداد تمسکات خزانه که بوعده است ـ مستند این حساب صورت مطالبات وديون ادارهٔ مالیه وصورت قروض جاریه دولت خواهد بود.

(رابعاً) حساب بودجه‌ها

این حساب عبارت است ازیك صورتیکه کیفیت قطعی و تحقیقی دورهٔ عمل منقضیه و کیفیت تقریبی دورهٔ عمل جاریه درآن مصرح باشد دراینحساب باید ازیکطرف درجزو بودجه عایدات میان عایدات تخمینی وحقوق تحقیقی دولت باوجوهی که ازاین بابت وصول شده است ازطرف دیگر درجزو بودجه مخارج میان اعتبارات وحقوق تحقیقی دائنین دولت باوجوهی که بموجب حواله وابلاغ وزراء پرداخته شده است مقایسه بعمل آید.

مادهٔ ۴۶ ـ وزیرمالیه صورتی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده طبع ونشرمیسازد.

(الف) صورت تمام اموال غیرمنقوله دولت که مخصوص یك ادارهٔ دولتی یا تأسیسات عمومی است .

(ب) صورت تمام اموال غیرمنقوله دولتی که مخصوص یك ادارهٔ دولتی یا تأسیسات عمومی نیست .

(ج) شرح تغییراتی که درعرض سال دراملاك سابق‌الذکر بهم میرسد .

مادهٔ ۴۷ ـ صورت مذکوره درماده قبل (۴۶) بضمیمه صورت کلیهٔ اموال‌منقوله‌دولتی همه‌ساله بعد ازطبع ونشر بمجلس شورای ملی تقدیم میشود .

رسیدگی وتفتیش اداری حسابهای وزارتخانه‌ها

مادهٔ ۴۸ ـ حسابهائی که ازطرف وزراء طبع ونشرمیشود باحسابهای کل‌مالیه‌مقابله‌و تفتیش خواهد شد .

مادهٔ ۴۹ ـ وزیرمالیه درآخرهرسال باید تشکیل یك کمیسیون دوازده‌نفری که‌مرکب خواهد بود ازشش نفرازنمایندگان مجلس شورای ملی سه‌نفرازسناوسه‌نفرازدیوان‌محاسبات ازحضورهمایونی استدعا نماید ـ تکلیف کمیسیون مزبور به‌قرارذیل است :

(اولا) بستن وختم نمودن روزنامه ودفترکل وزارت مالیه درآخرسال .

(ثانیاً) مطابقه نمودن حسابهای‌دخل وخرج که وزراء طبع کرده‌اند با دفاترمحاسبات مرکزی هریك ازوزارتخانه‌ها .

(ثالثاً) مطابقه‌کردن صورت محاسبات کل مالیه با دفترکل وزارت مالیه .

(رابعاً) رسیدگی بدفترکل محاسبات بوسائلی که دردست است ازقبیل مقابله دفتر مزبوربا روزنامه وسایردفاتراداره محاسبات کل وبا نتیجه حساب محاسبین جزو .

(خامساً) نوشتن صورت مجلسی که حاکی کیفیت امر بوده و باید طبع و به وزیر مالیه و مجلس شورای ملی داده شود .

مادهٔ ۵۰ ـ دیوان محاسبات مأموریت دارد که در بارهٔ محاسبات مخارج و عایدات عمومی که هر سال صاحبان جمع نقدی به دیوان مزبور می‌دهند موافق قانون دیوان محاسبات رسیدگی وحکم نماید .

مادهٔ ۵۱ ـ دیوان محاسبات ازروی اسناد وحسابهائی که صاحبان جمع میدهند به حساب‌های وزیر مالیه وسایر وزراء رسیدگی نموده ودرضمن راپورتی که بمجلس شورای ملی تقدیم مینماید مطابقت حسابهای وزراء را با بودجه که ازمجلس گذشته است تصریح نموده و نیزدر راپورت مزبور معایبی که در محاسبات مشاهده نموده و اصلاحاتی که بنظر میآورد پیشنهاد می‌نماید .

تفریغ بودجه

مادهٔ ۵۲ ـ تفریغ بودجه بموجب لایحه‌قانونی است که وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می‌کند .

مادهٔ ۵۳ ـ موقع پیشنهاد کردن لایحه‌قانونی تفریغ بودجه ازروزختم دوره‌عمل منتهی تا پانزده ماه بعد خواهد بود .

مادهٔ ۵۴ ـ لایحه مزبوره باید شامل صورت قطعی تمام اعتبارات وعایدات ومخارج دوره منقضیه بوده ونتیجهٔ قطعی معاملات کل بودجه‌آنرا تصریح نماید ومستندآن صورت‌های ذیل است :

(۱) صورت حسابهای وزراء وحساب کل مالیه .
(۲) صورت مجلس کمیسیون تفتیش .
(۳) راپرت سالیانه دیوان محاسبات .

مادهٔ ۵۵ ـ لایحه‌قانونی تفریغ بودجه با رعایت تقسیمات بفصول ومواد پیشنهادمجلس شورای ملی‌خواهد شد.

تعیین عایدات

مادهٔ ۵۶ ـ صورتیکه درتحت عنوان عایدات بلایحه قانونی راجعه به‌تفریغ‌معاملات هردوره عمل منضم خواهد شد مواد ذیل را ناطق می‌باشد :

(۱) برآوردعایدات.
(۲) حقوق ثابته ازبابت مالیات وعایدات‌عمومی.

(۳) وجوهاتی که وصول شده‌است.
(۴) تتمهٔ عایدات که باید وصول‌شود.

تعیین مخارج

مادهٔ ۵۷ - صورتی که در تحت عنوان مخارج با رعایت تقسیمات بفصول و مواد بلایحه قانونی راجعه بتفریغ معاملات هردوره عمل ضمیمه خواهد شد مراتب ذیل را مصرح می باشد :

(۱) اعتبارات‌معینه.
(۲) حقوق ثابته دائنین‌دولت.
(۳) وجوه پرداخته‌شده.
(۴) تتمه مخارجی که باید پرداخته‌شود.

قانون *

دیوان‌محاسبات

مصوب۲۳ صفر۱۳۲۹ قمری

بنداول- درتأسیس وتشکیل دیوان محاسبات

مادهٔ۱- محل دیوان محاسبات درپایتخت مملکت‌است .

مادهٔ۲-دیوان‌محاسبات‌مرکب‌است‌ازیك رئیس کل‌وسه نفررئیس‌محکمه‌وشش‌نفرمستشار ودوازده نفر ممیز .

مادهٔ۳- دیوان محاسبات‌دارای سه محکمه است که هریك مرکب می‌باشدازیك رئیس ودونفرمستشار .

مادهٔ۴- برای‌دیوان محاسبات‌یك‌نفر مدعی‌العموم‌ویك‌نفر دفتردار کل بترتیبی که‌ذکر خواهدشد معین میشود- رئیس کل ومدعی‌العموم ودفتردارکل اختصاص بهیچ محکمه ندارند ودرهریك‌ازمحاکم اولی‌بسمت ریاست‌ودویمی‌بسمت وکالت‌عمومی‌وسومی برای‌هرنوع‌تحریرات میتواند حاضر شود .

مادهٔ ۵ - تحریرات و نگارشات دیـوان محاسبات از قبیل مراسلات صـادره و

* این قانون بموجب قانون مصوب ۲۴دیماه ۱۳۱۲ نسخ شده است .

نوشتن صورت مجالس محاکم و مجالس عمومی و یادداشتهای لازمه و همچنین ضبط دفاتر دیوان محاسبات و دفاتر مذاکرات و اصل احکام و صورت حسابها و هر نوع اسناد راجعه بآن و اسناد خرج و دادن سواد مصدق احکام وصورتهای مطابق با اصل بعهده اداره دفترداری کل است .

مادهٔ ۶ ـ مجالس عمومی در مواقع لازمه از رؤساء و اعضاء محاکم ثلاثه در تحت ریاست رئیس کل ووکالت عمومی مدعی العموم تشکیل میشود ـ تحریرات مجالس عمومی بعهدهٔ دفتردار کل است .

مادهٔ ۷ ـ عدهٔ اعضاء هریك ازمحاکم درموقع محاکمه ودادن رأی نباید کمتر ازسه نفر باشد وچنانچه کمتر باشد رئیس کل باید یکی ازمستشاران محکمه دیگررا ضمیمهٔ اعضاء آن محکمه نماید وهرگاه کلیه محاکم مشغول کار باشند یکنفر ازممیزین که مرجع رسیدگی آن کار نبوده ضمیمه خواهد شد .

مادهٔ ۸ ـ درمجالس عمومی اگرعدهٔ اعضاء غیر از مدعی العموم از هفت نفر کمتر باشد مذاکرات معتبر نخواهد بود .

مادهٔ ۹ ـ درمحاکم ومجالس عمومی عدهٔ رأی دهندگان بایدفرد باشد واگر زوج شود رئیس کل یکنفر ازممیزین را بترتیبی که درمادهٔ (۷) ذکرشد ضمیمه خواهد کرد واحکام باکثریت آراء صادر میشود .

مادهٔ ۱۰ ـ درموقع غیبت رئیس کل یکی ازرؤسای محاکم که مدت خدمتش بیشتراست قائم‌مقام اومیشودودرصورت تساوی مدت خدمت مابین رؤسای محاکم مسن‌ترین آنها قائم‌مقام رئیس کل میشوند .

مادهٔ ۱۱ ـ در موقع غیبت رؤسای محاکم یکی از مستشاران که اقدم در خدمت است بجای او مقرر خواهد شد و در صورت تساوی خدمت مابین مستشاران مسن‌ترین آنها قائم مقام میشود .

مادهٔ ۱۲ ـ انتخاب اعضای دیوان محاسبات موافق اصل (۱۰۱) قانون اساسی مورخ (۲۵) شعبان (۱۳۲۵) ازوظایف مجلس شورای ملی است و درموقع انتخاب وزیر مالیه عدهٔ که کمتر ازدومساوی عدهٔ که بایدانتخاب شود نباشد بمجلس شورای ملی پیشنهادمینماید ومجلس میتواند عده لازمه را ازمیان آن اشخاص یا ازخارج انتخاب کند و بایدآن اشخاص دارای شروط مقرره درمادهٔ (۲۲) باشند .

مادهٔ ۱۳ ـ مجلس شورای ملی درموقع انتخاب اعضای دیوان محاسبات ابتدا یکنفر

برای ریاست کل و سه نفر برای ریاست محاکم بـاکثریت تامه و هیجده نفر دیگر بسمت عضویت دیوان محاسبات باکثریت نسبی انتخاب مینماید و این بیست ودو نفر ازمیان هیجده نفر ازاعضاء شش نفر را باکثریت تامه برای مستشاری انتخاب میکنندمـابقی اعضاء سمت ممیزی خواهند داشت .

انتخاب رئیس کل فردی وسایر جمعی خواهدبود. درموردانتخابات‌فوق‌هر گاه‌دومرتبه اکثریت تامه حاصل نشد در مرتبهٔ ثالث اکثریت نسبی کافی است .

مادهٔ ۱۴ـ همه ساله یك خمس از اعضاء دیوان محاسبات بطریق ذیل منفصل و عوض آنها انتخاب میشوند ازابتدای سال دویم تا اول سال پنجم هرسال یك خمس ازاعضاء دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی بطورقرعه ازشغل خود منفصل وعوض‌آنها را بترتیبی که در مادهٔ (۱۲و۱۳) ذکرشد انتخاب مینمایدواین‌قرعه درظرف مدت مذکوره بین اعضائی کشیده میشودکه درابتداء انتخاب شده‌اند ودراول سال ششم قسمتی که از منتخبین سال اول بـاقی مانده طبعاً منفصل خواهند بود وازابتدای سال هفتم ببعد همه ساله‌آن قسمت‌که پنجسال‌تمام داخل‌کار بوده‌اند ازخدمت منفصل وعوض‌آنهـا انتخاب جدید بعمل میآید اعضای منفصله را میتوان مجدداً انتخاب کرد ،

مادهٔ ۱۵ـ تعیین مدعی‌العموم ازطرف دولت وبموجب فرمان همایونی‌خواهد بود.

مادهٔ ۱۶ ـ وزیر مـالیه همه ساله اسامی اعضائی راکه پنج سال خدمت‌کرده وطبعاً منفصل خواهند شد بضمیمهٔ اسامی اشخاصی‌که لایق انتخاب میداند قبلا بمجلس‌شورای ملی پیشنهاد مینماید .

مادهٔ ۱۷ـ انتخاب دفتردارکل باکثریت تامه با دیوان محاسبات است سایر اجزاء دفتررا دفتردارکل معین نموده وبا تصویب رئیس‌کل بشغل خود برقرارمی‌گردند ومسائل راجعه بترفیع رتبه وعزل‌آنها باظهاردفتردارکل وتصویب رئیس‌کل خواهد بود.

مادهٔ ۱۸ـ وزیرمالیه‌درصورت لزوم یك‌یادونفروکیل عمومی تصویب‌وبافرمان‌همایونی منصوب خواهند شد .

مادهٔ ۱۹ـ رئیس واعضاء واجزاء دیوان محاسبات بـاید قبل ازشروع بکاردرمجلس عمومی دیوان محاسبات قسم یادکنندکه ازروی صحت ودرستی بوظایف خود عمل نموده و نسبت بدولت وملت خیانت نخواهندکرد .

مادهٔ ۲۰ـ مسائل راجعه بعزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضـای وزیرمالیه یارئیس کل دیوان محاسبـات بـا حضوراعضاء تمام محاکم مذاکره و اخـذ رأی شده بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد وکسب‌تکلیف میشود درایـام تعطیل مجلس شورای ملی

اگرعضوی قابل عزل شد موقتاً ازکارخارج میشود تاپس ازافتتاح مجلس شورای‌ملی‌تکلیف اومعلوم شود .

مادۀ ۲۱- مواجب اعضاء دیوان محاسبات ودفتردارکل ومدعی‌العموم درفهرستی‌که ضمیمه این قانون‌است معین وبا حقوق سایراجزاء ومستخدمین‌دیوان‌محاسبات‌که عدۀآنها درنظامنامه داخلی معین می‌شود همه سالـه جزو بودجه وزارت مالیـه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود .

مادۀ ۲۲- شرایط انتخاب شدن برای عضویت دیوان محاسبات بقرارذیل است:

(۱) تبعیت ایران .

(۲) سن سی‌لااقل برای تمام اعضاء .

(۳) شرایط عمومی‌که برای‌کلیه مستخدمین ادارات دولتی معین می‌شود .

مادۀ ۲۳- اشخاص ذیل ازعضویت دیوان محاسبات محرومند مگردرصورتی‌که پس‌از قبول عضویت دیوان مزبورازشغل خود استعفا دهند.

(۱) کسانیکه دارای شغل دولتی بوده ویا متصدی یکی ازمعاملات دولتی باشند.

(۲) نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا و اعضای انجمن‌هـای ایالتـی و ولایتی و بلدی .

مادۀ ۲۴- اعضاء دیوان محاسبات‌که‌درزمان تعطیل مجلس شورای ملی‌مدت‌خدمتشان منقضی میشود باید بشغل خود بـاقی باشند تاوقتی‌که مجلس شورای ملی افتتاح شده وپس‌از آن مطابق مادۀ (۱۴) عمل شود.

مادۀ ۲۵- هریك ازاعضاءکه مستعفی یامتوفی یامعزول می‌شوند عوض‌آن‌رابه‌ترتیبی که درمادۀ (۱۲) ذکرشد مجلس شورای‌ملی انتخاب می‌نماید ابتدای خدمت‌اعضائی‌که‌بجای اعضای مستعفی یامتوفی یا معزول انتخاب می‌شوند ازابتدای تاریخ انتخاب عضومستعفی یا متوفی یامعزول حساب می‌شود .

مادۀ ۲۶- هرساله رئیس‌کل مستشارهرمحکمه رابترتیبی بمحکمه دیگرانتقال‌خواهد دادکه‌دومستشاردوسال متوالی دریك محکمه نمانند.

مادۀ ۲۷- مدعی‌العموم ساعی و مواظب خواهـد بود که در هرموقع مراسم قانونی رعایت شود ودرصورت مشاهده تخلف مراتب رابریاست‌کل اطلاع‌داده اصلاح‌آنرادرخواست خواهدکرد .

مادۀ ۲۸- هرگاه محاکم دیوان محاسبات ازانعقاد جلسات اهمال نمایندویابتکالیف خود عمل نکنند یـا ازدائره نظم خارج شوند رئیس‌کل بآنهـا اخطارخواهدکردودرصورت

لزوم میتواند بمجلس عمومی رجوع نماید مدعی‌العموم هم درموارد فوق حق‌دارد مراتب‌را برئیس‌کل اطلاع داده تشکیل مجلس عمومی راتقاضا نماید.

مادهٔ ۲۹- درمواردیکه مجلس عمومی مطابق موادفوق برای رسیدگی بشکایات تشکیل میشود راپرتی از اعتراضاتیکه شده ونتیجه‌قرارداد مجلس بتوسط وزیرمالیه بمجلس شورای ملی داده خواهد شد.

مادهٔ ۳۰- درصورتی‌که اعضاء دیوان محاسبات دراجرای تکالیف خوداهمال‌ورزند یا اعمالی ازایشان مشاهده شودکه باوظایف آنها منافات دارد مجلس عمومی‌دیوان‌محاسبات حق موأخذه وانفصال موقتی وعزل را نسبت بآنها دارد ولی درصورت عزل موافق‌مادهٔ(۲۰) رفتارخواهد شد.

مادهٔ ۳۱- درجات مؤاخذه‌رامجلس عمومی‌دیوان محاسبات درنظامنامهٔداخلی‌دیوان معین خواهدکرد این‌درجات ازدفعه ثانی ببعد مستلزم کسرمقداری ازمقرری ماهیانه‌خواهد بودکه حداقل‌آن یك سدس وحداکثرآن نصف مقرری مزبورباشد.

مادهٔ ۳۲- ممیزینی‌که درانجام امورکوتاهی می‌نمایندرئیس‌کل حق مؤاخذه‌ازآنها خواهد داشت ودرصورت تکرار با حضوررؤسای محاکم بازخواست خواهد شد.

مادهٔ ۳۳- اعضائی‌که‌موقتاً منفصل می‌شوند درمدت انفصال حق مقرری ندارند.

مادهٔ ۳۴- اعضاء دیوان محاسبات درهیچیك ازمعاملات دولتی نبایددخالت نموده‌یا واسطه واقع شوند.

مادهٔ ۳۵- مرخصی اعضاء دیوان محاسبات تاسه‌روز باجازه‌رئیس‌کل خواهدبودعلاوه برآن بسته باجازه مجلس عمومی‌است واین‌درصورتی است کهٔ‌رئیس کل ومدعی‌العموم‌تصدیق بدهندکه غیبت عضویکه مرخصی میخواهد باعث نکث‌کارنخواهد شد.

مادهٔ ۳۶- اجازه مرخصی به‌بیش ازیك ثلث‌اعضاء دیوان محاسبات‌داده نخواهدشد.

بند دوم

حدود ووظایف دیوان محاسبات

فصل اول

درکلیات وظایف دیوان محاسبات

مادهٔ ۳۷- دیوان محاسبات موافق قوانین وقواعد مقرره درکلیه عایدات، ومخارج‌و اموال دولت نظارت وتفتیش مینماید.

مادهٔ ۳۸- پس ازوضع قانونی برای تضمین صاحبان جمع دیوان محاسبات مراقب خواهد بود که صاحبان جمع مطابق شرایط مقرره تضمین شوند .

مادهٔ ۳۹- دیوان محاسبات حسابهای وزارتخانه‌ها را بترتیبی که درفصل (۴) ذکر می‌شود رسیدگی کرده درصورت صحت تصدیق‌نامه مطابقت می‌دهد ودرباره اشخاصی که نقود دولتی ویا اجناسی راکه درحکم نقود است متصدی می‌باشند وباید حساب خود را بدیوان محاسبات بدهند رسیدگی کرده وحکم میدهد.

مادهٔ ۴۰- دیوان محاسبات همه ساله بکلیه حسابهای بانکها وکمپانی‌های داخله و خارجه واشخاصی که دارای امتیاز بوده وباید حقی بدولت بدهند رسیدگی وتفتیش می‌نماید.

مادهٔ ۴۱- دیوان محاسبات می‌تواند ازوزراء وادارات وعمال آنها هر نوع اطلاع و اسنادیکه متعلق بعایدات ومخارج دولت است ونوشتجات وتوضیحاتیکه لازم دارد بخواهد و میتواند مستقیماً باآنها مکاتبه نماید .

مادهٔ ۴۲- اگردیوان محاسبات درضمن‌اجرای وظایف خود نقصی دراجرای‌قوانین ونظامنامه‌های ادارات دولتی راجع باموری مالیه مشاهده‌کند بوزارتخانه متبوعه‌آن اداره اخطارمی‌نماید .

فصل دوم - درتفتیش مخارج

مادهٔ ۴۳- کلیه احکام راجعه بمعاملات و امتیازات وتصویب مخارج ونصب و تعیین وترفیع رتبه ونقل وتبدیل مأمورین دولتی‌که موجب تولید خرج می‌شود وبرقراری‌مواجب ومستمری وامثال‌آن‌که برخزانه دولت تحمیل می‌شود باید تماماً دردیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد .

مادهٔ ۴۴- درصورتی‌که فرامین و احکام مذکوره درماده فوق در دیوان محاسبات تسجیل نشده باشد دیوان مذکورباید درموقع دادن راپورت سالیانه صورت علیحده‌ای‌هم‌از مخارجی‌که فرامین‌واحکام‌تسجیل‌نشده ببودجه‌دولت تحمیل می‌نماید خارج‌نویس کرده بلایحه قانونی تفریغ بودجه وراپورت سالیانه منضم نماید .

مادهٔ ۴۵- هرگاه دیوان محاسبات دریکی ازاحکام وفرامین‌که باوپیشنهاد می‌شود تباینی باقوانین ونظامات موضوعه‌ملاحظه نماید پس ازمذاکره ازثبت‌آن امتناع کرده‌ودلایل خود را بتوسط رئیس‌کل بوزارتخانه‌که مرجع‌آنهااست‌ارسال‌میدارد درصورتیکه‌وزارتخانهٔ

مذکوره بدلایل دیوان محاسبات متقاعد نشد باید صورت مزبوررا بمجلس وزراء پیشنهاد کند وهرگاه مجلس وزراء هم مقصود وزارتخانه مربوطـه را تقویت کرد بدیوان محاسبات تکلیف مینماید که درآن تجدید نظر کند ودراین صورت اگردیوان محاسبات بعقیدۀ اولیۀ خود باقی بماند احکام یا فرامین با قیداحتیاط تسجیل نموده وبلافاصله راپورت‌آن‌را بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مادۀ ۴۶ـ مسئولیت وزراء باتسجیل دیوان محاسبات مرتفع نمی‌شود .

مادۀ ۴۷ـ حوالجات مستقیم واعتباری باید بضمیمه اسنادآن‌بدیوان‌محاسبات ارائه وحواله مزبوره تسجیل شود مواقعی راکه حوالجـات بعد ازتأدیه باید تسجیل‌شودقانون‌معین خواهد نمود .

مادۀ ۴۸ـ دیوان‌محاسبات می‌تواند‌درمرکزمستقیماً وخارج‌ازمرکز بتوسطانجمنهای ایالتی وولایتی‌یامأمورین‌محلی و یا بتوسط ادارۀ تفتیش‌که قانوناً مقررمی‌شود درمخـارج دولتی تفتیشات بعمل‌آورد.

مادۀ ۴۹ـ دیوان محاسبات بایدمراقب باشدکه مخارج ازبودجه مصوبه‌تجاوز نکند وانتقالات غیرقـانونی درآن بعمل نیاید وتأدیه وجوه بروفق قوانین ونظامات مقرره باشد .

فصل سوم - درنظارت دردریافت عایدات

واموال نقدی وجنسی دولت

مادۀ ۵۰ـ وزراء همه‌ساله صورتهای دریافت وپرداخت وجوهی راکه درامتداددورۀ عمل‌بتوسط مأمورین دولت بعمل‌آمده است پس ازرسیدگی درادارات خودبدیوان‌محاسبات می‌فرستند .

مادۀ ۵۱ـ حساب صندوق تحویلـداران دولتی باتعیین‌کلیه موجودی صندوق اعم از نقود واسناد وکیفیت‌آن اسناد درآخرهرسال تقدیم دیوان محاسبات می‌شود .

مادۀ ۵۲ـ راپرتهـای مفتشین و سایـرکار گـذاران دولت‌که مأمور گرفتن حساب هستند وبجاهای لازم می‌دهند بدیوان محاسبات داده‌خواهدشد وهمچنین راپرتهائیکه‌ادارات مختلفه‌بوزارت‌مالیه داده‌وحساب‌عایدات‌سالیانه‌راتصریح‌ومحل‌فاضل‌حساب‌راتعیین‌میکندبدیوان محاسبات داده خواهد شد .

مادهٔ ۵۳ـ راپرتهائیکه راجع بواردات وصادرات وموجودی ورسیدگی انبارهاومخازن دولتی است ونیز راپورتهای راجعه بتمام معاملات نقدی وجنسی صاحبان جمع بدیوان محاسبات تسلیم میشود .

فصل چهارم - در معاینه و رسیدگی بحسابهای وزراء

مادهٔ ۵۴ـ صورتحسابی که هریك از وزراء در آخر هر دورهٔ عمل باید بدهند با محاسبات کل مالیه قبل از پیشنهاد بمجلس شورای ملی بتوسط وزیر مالیه بدیوان محاسبات داده خواهد شد .

مادهٔ ۵۵ـ دیوان محاسبات حساب وزراء را بامحاسبات کل مالیه رسیدگی کرده حاصل هردورا جمعاً و خرجاً با یکدیگر مقابله و مطابقت آنها را باقوانین بودجه تفتیش و تحقیق مینماید و از طرف دیگر نتیجهٔ کلیات وجزئیات حسابهای مزبوره رابا حسابهای صاحبان جمع که موافق مادهٔ (۶۱) بدیوان محاسبات تسلیم میشودمقایسه کرده ومعلوم میکند که موافقت دارد یا ندارد ودرمواقعی که لازم داند ریزحساب واصل صورتحسابها رارسیدگی کرده هرگونه سندی برای اینکارلازم داشته باشد ازمقامات لازمه میخواهد وپس ازرسیدگی تصدیقنامه مطابقت که درمادهٔ (۳۹) قیدشده است میدهد .

مادهٔ ۵۶ـ دیوان محاسبات حسابهائی راکه رسیدگی کرده بانضمام صورت مذاکره خود بوزارت مالیه میفرستد .

مادهٔ ۵۷ـ راپورتی که درخصوص فقرات ذیل نوشته خواهدشد بصورت مذاکرات مادهٔ فوق ضمیمه شده بالایحه قانونی تفریغ بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود.

(۱) ملاحظات دیوان محاسبات در باب اینکه ادارات مختلفه دولتی چگونه قواعداداری راجعه بمالیه خودرا مجری داشته‌اند.

(۲) تغییرات واصلاحاتی که برای تکمیل قوانین و نظامنامه‌های مالیه اداری وقواعدمحاسبه وجوه دولتی مقتضی میداند.

مادهٔ ۵۸ـ رسیدگی وتصدیق حسابهای وزارتخانه‌ها ومحاسبات کل مالیه ومذاکرات راجعه بلایحهٔ قانونی تفریغ بودجه وبراپورت مذکوردرمادهٔ (۵۷) بایددرمجلس عمومی دیوان محاسبات واقع شود.

فصل پنجم - در محاکمهٔ محاسبات

مادهٔ ۵۹ـ دیوان محاسبات دربارهٔ حسابهای صاحبان جمع نقدی دولت و اجناسی

که در حکم نقود است وحساب کارگذاران دیوانی که مأمور یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظۀ وجوه دولتی هستند رسیدگی کرده و حکم میدهد و نیز در مادۀ حساب‌های خزانه‌داران و مأمورین سایر تأسیسات عمومی که رسیدگی آن را قانون محول بدیوان محاسبات کرده باشدحکم خواهد دادونسبت بحساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده وتصدیق میدهد .

مادۀ ۶۰ـ احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکوره بدون استیناف خواهد بود .

مادۀ۶۱ـ صاحبان‌جمع ومأمورین مذکوردرمادۀ (۵۹) بایدصورت حسابهای هرسنه مالیه را تادوماه ازسال بعدبدیوان محاسبات تسلیم نمایند .

مادۀ ۶۲ ـ در موارد ذیل دیوان محاسبات رأساً حکم به تسلیم صورت حساب خواهد کرد .

(۱) درصورتیکه درمواعد معینه‌صاحب جمع صورت حساب راتسلیم نکرده باشد.

(۲) درموقع انفصال صاحب جمعی ازمأموریت‌خود .

(۳) وقتی‌که در یکی‌ازادارات تشخیص‌داده میشودکه‌صندوق صاحب جمع‌کسری پیدا شده است .

درهریك ازاین سه موقع مدتیکه‌بایددرظرف آن‌صورتحساب تسلیم شوددرحکم دیوان محاسبات معین‌خواهدشدوحکم مذکورباهتمام مدعی‌العموم وبتوسط‌اداره متبوعه صاحب جمع بمشارالیه ابلاغ میشود .

مادۀ ۶۳ـ هرگاه مدتی‌که ازطرف دیوانمحاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورتحساب را تسلیم ننمایددیوانمحاسبات میتواندبجرم این امرنماید تامبلغی که ازنصف مواجب ومددمعاش سالیانه ویا حق‌الجعاله اومتجاوزنباشد ازمقرری‌آن صاحب جمع‌کسرشود ونیزمیتواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی‌ویاعزل‌دائمی اورااززوزارتخانۀ متبوعه‌اش بخواهد این‌تنبیهات با شرایط نظارت وریاستی‌که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خوددارند منافات نخواهدداشت اگرچنانچه صاحب‌جمع بازهم ازارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوانمحاسبات‌حساب صاحب جمع‌باهتمام مدعی‌العموم مرتب وبدیوان‌محاسبات تسلیم می‌شودکه پس‌ازرسیدگی دربارۀ آن‌حکم صادرکندهرنوع مخارجی‌که ازاین‌بابت حاصل‌شود بعهدۀ صاحب جمع است.

مادهٔ ۶۴– درموقع رسیدگی بحساب صاحب جمعی اگر دیوان محاسبات نظراتی داشته باشد بتوسط ادارهٔ متبوعه اوموافق شرایطی که درفصل راجعه باصول محاکمات مقرر است بمحل اقامتش یامحلی که درپایتخت اختیارکرده ابلاغ خواهد شد مشارالیه میتواند مطابق قواعدی که درفصل مزبورمذکوراست درظرف پانزده روزازتاریخ ابلاغ حکم ملاحظات خودرا تقدیم نماید .

مادهٔ ۶۵ – دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب در باب نتیجه آن حکم صادر می کند .

مادهٔ ۶۶– مدعی العموم حق داردازهرحسابی اطلاع بهمرساند.

مادهٔ ۶۷– صاحب جمع مزبورمیتواند ازتاریخ ابلاغ حکم تاپانزده روزمستقیماً یا بتوسطاداره متبوعه خودبرحکم مزبوراعتراض نمایداگرمحکومیت آنشخص راجع بقسمتهائی از حساب باشدکه موافق مادهٔ (۶۴) نظرات کتبی درآن باب برای او فرستاده شده است و در ظرف پانزده روز مقرر در ماده (۶۴) ملاحظات خود راً در مقابل آن نظرات اقامه نکرده این اعتراض قبول نخواهد بود حکمی که از طرف دیوان محاسبات درباب قبول یا رد اعتراض صادرمیشود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگردر صورتی که قبل ازصدور حکم ثانوی دیوان محاسبات حکم بر توقیف اجرا نمایدودرچنین موقع بایدعقیده مدعی العموم خواسته شود .

مادهٔ ۶۸– هرگاه دیوان محاسبات درضمن رسیدگی حساب تقلب وخیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم دیوان محاسبات بمدعی العموم وزارت عدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع برای آنکه موافق قوانین معموله سیاست شودابلاغ مینماید ودرچنین موقع باید عقیدهٔ مدعی العموم نیزخواستو شود .

مادهٔ ۶۹– محاکمات راجعه بحساب درديوان محاسبات علنی است .

مادهٔ ۷۰– احکام دیوان محاسبات بطریق فوق العاده درتحت دوعنوان ممکن است طرف ایرادواقع شود .

(۱) بعنوان نقض حکم.

(۲) بعنوان تجدید نظر .

اقدام بدووسیله فوق ممکن است هم ازطرف صاحب جمع وهم ازطرف مدعی العموم بعمل آیداعمال بهریك ازدووسیله فوق موجب توقیف احکام اصلی نمیشودمهلت تقاضای نقض ازتاریخ ابلاغ رسمی حکم بصاحب جمع تایکماه است.

مادهٔ ۷۱ـ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود براینکه دیوان محاسبات ازحدود اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت این کار را نداشته ویا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است ویا ازاصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه‌ای اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه این تقاضا بمجلس شورای دولتی پیشنهاد می‌شود وحکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ می شود تـا زمانی که مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد می‌شود وحکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ می‌شود.

مادهٔ ۷۲ـ درصورتیکه حکم دیوان محاسبات نقض شود مجدداً در مجلس عمومی رسیدگی ومحاکمه بعمل آمده وحکم قطعی اخیر صادر میشود.

مادهٔ ۷۳ـ تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل باید قبول شود:

(۱) اگر سهوی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است.

(۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهر ترتیبی که متصور است ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دودفعه بحساب آمده است.

(۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبوره درموقع تصفیهٔ حساب موجود بوده وصاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد.

(۴) اگر آن حکم ازروی اسناد جعلی صادر شده باشد درسه شق اخیر بعد از انقضای مدت سه سال از تاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحب جمع ثابت نماید که فقط دوماه است فقرات ازقلم افتاده یا فقرات مکرر شده را ملتفت شده است یا اسناد جدیدی بدست آورده ویا تصدیقی که درمقامات رسمی ازبابت جعلیت سند داده شده است باستحضار او رسیده است.

مادهٔ ۷۴ـ درموقع ومدت معینه درمادهٔ (۷۳) تجدید نظر ممکن است نظر بخواهش دیوان محاسبات یا مدعی العموم وقوع یابد و دراین صورت درموقع مذاکرات صاحب جمع یا وکیلش باید حضور داشته باشد.

مادهٔ ۷۵ـ تجدید نظر فقط نسبت بقسمتهائی ازحساب که موافق مادهٔ (۷۳) مورد ایراد واقع شده وتصحیحاتی که نتیجه این عمل است منتج اثر خواهد بود.

مادهٔ ۷۶ـ بعداز تقاضای تجدید نظر ـ اولا دیوان محاسبات پس از اصغای عقیدهٔ مدعی العموم مشورت کرده در باب قبول یا رد آن حکم میدهد.

مادهٔ ۸۹ ـ رئیس کل حسابها را مابین ممیزین تقسیم و یک یا چند حساب را که راجع بیک صاحب جمع نباشد بیک نفر رجوع کرده و در روی صورت حساب معین می‌کند که ممیز راپورت آن حساب را پس ازرسیدگی بکدام یک ازمحاکم باید بدهد ممیز و اعضاء محکمهٔ که صورت حساب بآنجا رجوع شده است نباید بـا صاحب جمع نسباً و یاسبباً تا درجهٔ چهارم‌قرابت داشته باشند .

مادهٔ ۹۰ ـ یك ممیز نبـاید بحساب هـای دو دوره عمل متوالـی یك صاحب جمـع رسیدگی نماید .

مادهٔ ۹۱ ـ دفتردار کل باید ارجاع هرحساب را بممیز آن اطلاع داده وکلیه حساب و اسناد را تحویل مشارالیه نماید ونیزصورتی ازامورراجعه بهرمحکمه را برئیس آن محکمه داده‌و بعلاوه درروزآخرهرماه صورتی ازحسابهائی که در ماه قبل بممیزین رجوع شده برئیس محکمه مرجع حساب تسلیم نماید .

مادهٔ ۹۲ ـ ممیزهرحساب باید شخصاً رسیدگی کرده و برای هرصورت حساب راپورتی جداگانه بدهد راپورت مزبورمشتمل بردوکتابچه علیحده خواهد بود که هریك در فقرات ذیل مبین عقیده ممیزاست :

(۱) ملاحظات راجعه بصحت جمع وخرج وحاصل حساب‌ـدراین کتابچه ایراداتیکه ممیز بردفعات ومیزان جمع وخرج دارد بیان مینماید یعنی اگرازبابت‌جمع بیش ازآنچه صاحب‌جمع قلمداد کرده است باید بپای اومحسوب شود ونیزازبابت خرج اگربعضی وجوه قلمدادی نبایدقبول شود وهمچنین اگر مسئولیتی ازبابت قوانین وقواعد حساب برعهدهٔ صاحب جمع وارد است تمام این ایرادات دراین کتابچه قید خواهد شد .

(۲) ملاحظات راجعه بجمع ازحیث مطابقت با قوانین مملکتی وملاحظات راجعه بخرج‌از حیث مطابقت با اعتبارات مصوبه .

مادهٔ ۹۳ ـ اگرممیز درموقع رسیدگی بصورت حساب وجود صاحب جمع یا وکیلش را برای دادن توضیحات لازم داند اورا احضارمینماید واگرصاحب جمع یا وکیلش اسناد و اوراقی ازبرای اثبات صحت حساب ابراز کنندممیزبصورت مزبورالحاق خواهد کرد ودرصورتیکه ممیزدر عملیات‌حساب سهویـااشتباهی‌ملاحظه‌نمایدحق‌دارد تصحیح‌آنرا بصاحب جمع تکلیف کند و هرگاه ممیزدرباب صورت حساب بخواهد با صاحب جمع یا وکیلش مکاتبه نماید هرمراسله که مینویسد باید برئیس محکمه ارائه داده واگررئیس مزبور ارسال‌آنرا صلاح دانست بتوسط دفتـر فرستاده خواهد شد .

مادهٔ ۹۴ ـ ممیزدرمتن راپورت خود معین میکند که صاحب جمع باقی دارد یافاضل و

یا میزان جمع وخرج مطابق است وباید مفاصا داده شود یا لازم است که درباب تصفیه آن بعضی تحقیقات واقدامات مقدماتی بعمل آید .

مادهٔ ۹۵ - هرگاه ممیز درضمن تحقیقات ورسیدگی ملاحظاتی درباب ترتیبات اداره متبوعه صاحب جمع داشته باشد راپورت جداگانه نوشته منضم بصورت حساب خواهد کرد .

مادهٔ ۹۶ - صورت حساب واسناد و راپورتهای مذکوره درماده (۹۲) و (۹۵) پس از رسیدگی بحساب بتوسط دفتردار کل برئیس محکمه مرجع داده میشود رئیس محکمه یکی از مستشاران را باطلاع اعضاء آن محکمه برای رسیدگی براپورت ممیز معین مینماید و دردفتری که درمادهٔ (۸۸) ذکرشد تاریخ روزی که ممیز صورت حساب را تسلیم دفترخانه کرده است یادداشت می شود .

مادهٔ ۹۷ - یك مستشار نباید برای رسیدگی بحسابهای دو دورهٔ عمل متوالی یك صاحب جمع معین شود .

مادهٔ ۹۸ - مستشار براپورت ممیز رسیدگی کرده معلوم مینماید که :

(اولا) ممیز شخصاً بحساب رسیدگی کرده است یا خیر .

(ثانیاً) اعتراضات وملاحظات وایراداتیکه ممیز حساب درراپرت خود قیدکرده است چه حالت دارد .

(ثالثاً) ممیز اسناد خرج را بابت‌های خرج تطبیق کرده صحت وسقم هریك را معین وبتمام آن اسناد رسیدگی کرده است یا خیر .

مادهٔ ۹۹ - مستشار پس ازرسیدگی بمطالب ماده قبل رأی خود را درراپورت کتبی بیان ومنضم بصورت حساب مینماید .

مادهٔ ۱۰۰ - در روزمعین و درمحکمه مرجع مستشاریکه بسمت مخبری معین شده با حضورممیزیا ممیزین عقیده خود رادرباب حساب صاحب جمع وایرادات ممیز بیان میکندوهمچنین ممیزمخبرعقیدهٔ خود را توضیح میکند ولی حق رأی دادن ندارد .

مادهٔ ۱۰۱ - مستشاران درهریك ازفقرات حساب رأی خود را بترتیب قدمت خدمت یا کبرسن داده ورئیس محکمه نتیجه راجعهٔ بهریك ازفقرات حساب را درحاشیه راپورت قید کرده پس ازآن حکم کلی درذیل راپورت صادروبامضای رئیس مستشاران میرسد .

مادهٔ ۱۰۲ - درضمن رسیدگی اگر محکمه ملاحظاتی داشته باشد موافق مادهٔ (٦٤) بصاحب جمع ابلاغ خواهد کرد .

مادهٔ ۱۰۳ - اگرصاحب جمع باقی یا فاضل نداشته باشد این مسئله درحکم محکمه قید وحکم مزبوربمنزله مفاصا حساب خواهد بود .

مادهٔ ۱۰۴ - درصورتیکه صاحب جمع باقی داشته باشد مبلغ آن درحکم دیوان محاسبات

معین وامر بوصول آن خواهد شد واگر فاضل داشته باشد حکمی که در آن باب صادرمیشود بمنزله سند طلب اوخواهد بود .

مادهٔ ۱۰۵– صورت اصل حکم را ممیز نوشته خود امضا میکند پس از آن بامضای رئیس محکمه رسانیده بدفتردار کل میدهد که بامضای رئیس کل برساند وبعد ازاین ترتیبات سوادمصدق حکم مزبوربتوسط مدعی‌العموم برای وزارتخانه متبوعه صاحب جمع ارسال میشود .

مادهٔ ۱۰۶– پس ازآنکه حکم صادرواصل آن امضا شد دفتردار کل مضمون آنرا در ذیل صورت حساب قید خواهد کرد .

مادهٔ ۱۰۷– درموقع رسیدگی اگرمحکمه محکومیت یا تخلیص صاحب‌جمع را رأی‌ندهد وازبرای تصفیه حساب خود را محتاج بحکم اعدادی یا قرینه داند نظرات دیوان‌محاسبات را در این باب موافق مادهٔ (٦٤) مدعی‌العموم بتوسط اداره متبوعهٔ صاحب جمع باوابلاغ مینماید .

مادهٔ ۱۰۸– در موقع مذکوره درمادهٔ قبل بـه تمام بابت‌هائیکه مستندات راجعه بآن خواسته شده درحکم دیوان محاسبات قید وحکم مزبوربامضای رئیس کل ودفتردار کل میرسددر صورتی که محتاج باقامهٔ شهود یا بعضی تحقیقات دیگرباشد بمحاکم ابتدائی محل مأموریت داده میشود که رسیدگی کرده راپورت آن را بـه دیوان محاسبات ارسال دارند تـا زمانی که محاکم ابتدائی درمحل برقرار نشده است این مأموریت را دیـوان محاسبات بهر کس که طرف وثوق او باشد خواهد داد پس ازاینکه این اقدامات بانجام رسید صورت تمام نوشته‌جات واسناد دردفتـر ضبط خواهـد شد که طرف بتواند اطـلاع بهمرساند و هرگاه درضمن رسیدگی دیوان محاسبات خود بـدواً بـدون خواهش صـاحب جمع تحقیقاتی لازم دانـد مدعی‌العموم مواظب انجام آن خواهد بود .

مادهٔ ۱۰۹– وزارت مالیه وسایروزارتخانه‌ها هرماهه فهرستی ازاحکام دیوان‌محاسبات که بتوسط آنها فرستاده شده است نوشته اگرآن احکام درپایتخت بمحکوم ابلاغ‌شده وصول قبض‌رسید طرف مقابل واگراحکام بولایات فرستاده شده است وصول آنرا بتوسط حکومت محل خواسته در مقابل فهرست حکم قید می کند – پس ازآن قبض رسید را بفهرست مزبورمنضم‌وبدیوان‌محاسبات ارسال میدارد .

مادهٔ ۱۱۰– حکام ولایات هم درآخرهرماه بطریق فوق فهرستی ازاحکام دیوان محاسبات که درکرسی ایالات وولایات مستقیماً ودرسایرشهرهای جزوبتوسط نواب حکومت بصاحبان جمع ابلاغ کرده‌اند با قبوض رسید بوزارت مالیه وسایر وزارتخانه‌هاکه واسطهٔ تبلیغ بوده‌اند خواهنـد فرستاد که بدیوان محاسبات تسلیم شود .

مادهٔ ۱۱۱– درصورتی که صاحب جمع موافق مادهٔ (٦٧) بخواهد بحکم محکمه‌اعتراض

نماید باید در ظرف پانزده روز پس از تاریخ ابلاغ حکم مستقیماً یـا بتوسط ادارهٔ متبوعه خود عرضحال اعتـراض را بدیوان محاسبات بدهد تاریخ اعتراض دردفتر مذکور در مادهٔ (۸۸) قید خواهد شد .

مادهٔ ۱۱۲ - صورت عرضحال اعتراض برحسب امر رئیس کل به مدعی‌العموم داده می‌شود که عقیدهٔ خود را درباب رد یا قبول اظهار نماید .

مادهٔ ۱۱۳ - عقیدهٔ مدعی‌العموم که کتباً بیـان شده است باهتمامات خود مدعی العموم بصاحب جمع یا وکیلش ابلاغ وراپرتی ازاین ابلاغ بدفترخانه داده میشود که دردفتر مادهٔ (۸۸) قید شود .

مادهٔ ۱۱۴ - صاحب‌جمع درظرف پانزده روزازتاریخ ابلاغ حق داردجواب خودرابضمیمهٔ اسناد ارسال دارد .

مادهٔ ۱۱۵ - این جواب نیزبمدعی‌العموم داده میشود تا اینکه بتواندنظرات آخری خودرا درمحکمه اظهارنماید .

مادهٔ ۱۱۶ - ده روزبعد ازمدت معینه درمادهٔ (۱۱٤) مدعی‌العموم وصاحب جمع یـا وکیلش می‌تواند انعقاد محکمه را برای مذاکرات راجع به رد یاقبول اعتراض درخواست‌نمایدو بموجب این درخواست رئیس دیوان محاسبات امری دراین باب صادرومستشاری را بسمت مخبری معین میکند واگرمداخله مستشاریا ممیزی که سابقاً بسمت مخبری معین شده بودند لازم باشد امرنامهٔ مزبورقید خواهد شد این امرنامه باید بطرف مقابل ابلاغ شود .

مادهٔ ۱۱۷ - مدعی‌العموم پنج‌روزقبل ازشروع برسیدگی اعتراض باید اسنادی‌راکه‌برای اثبات مطالب خود دارد بدفتردیوان محاسبات بدهد تا صورتی ازاسناد بجهت‌طرف مقابل فرستاده شده ومستحضرشود .

مادهٔ ۱۱۸ - بعد ازاین اقدامات درروزی که معین شده محکمه منعقد وشروع بمحاکمه مینماید ومستشاری که اخیراً برای مخبری معین شده بود راپرت‌آن حساب رااظهاروصاحب جمع یا وکیلش ملاحظات وتوضیحات خودرا داده و مدعی‌العموم‌رأی‌قطعی‌خود رابیان‌مینماید .

مادهٔ ۱۱۹ - همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه درهمان جلسه یـا درجلسه دیگرحکم صادر خواهدکرد وصورتی ازآن بمدعی‌العموم داده خواهد شد تا بتوسطادارهٔ متبوعه صاحب جمع باوابلاغ نماید وصاحب جمع نیزمی‌تواند سواد حکم مزبوررا ازدفتربخواهد .

مادهٔ ۱۲۰ - دفتردار کل مضمون حکم را درذیل صورت حساب قید خواهد نمود .

مادهٔ ۱۲۱ - درمواقعی که صاحب جمع درمواعد مقرره حساب خود رابدیوان محاسبات تسلیم نکند وموافق مادهٔ (٦۲) باید خود دیوان محاسبات اقدام نماید ازاین‌قـرار رفتار میشود

مدعی‌العموم مراتب را کتباً بدیوان محاسبات اظهارمیکند وحکمی ازطرف دیوان مزبور که متضمن مهلت مذکوره درمادهٔ (۶۲) باشد صادرمیشود حکم مزبوربتوسط مدعی‌العموم باداره‌ٔ متبوعه‌صاحب جمع داده خواهد شد که باوابلاغ کنند .

مادهٔ ۱۲۲ـ اگرصاحب جمع یا وکیلش دررأس مدت حاضرشد مطابق مادهٔ(۸۹) وبعدها رفتارمیشود درصورتیکه دررأس وعده حاضرنشوند رئیس محکمه بدرخواست مدعی‌العموم می‌تواند روزمحکمه را معین ویکنفرازمستشاران را بسمت مخبری برقرار کنند .

مادهٔ ۱۲۳ـ درروزمعین دیوان محاسبات موافق ماده (۶۳) صاحب جمع را بیك جزای نقدی محکوم ساخته و حکم می کنـد که مدعی‌العموم حساب صاحب جمع‌رابوسیله مقتضیه‌ترتیب داده تسلیم‌نماید تادرمحکمه رسیدگی شود این‌حکم‌باداره‌ٔمتبوعه‌صاحب‌جمع داده میشود که بـاو ابلاغ کنند ـ براین حکم دیوان محاسبات موافق ترتیبات مواد (۱۱۱) تـا (۱۲۰) می‌توان اعتراض کرد .

فصل سوم

درتجدید نظر

مادهٔ ۱۲۴ـ تقاضای تجدید نظرباید درظرف مدت مذکوره درمادهٔ (۷۳) بعمل آمده و تمام اسنادی که راجع به‌صحت تقاضا است منضم بعرضحال شود این عرضحال با اسناد مزبوره‌باید بطرف ابلاغ شود پس ازآن دیوان محاسبات درباب قبول استدعای تجدید نظرشور کـرده و بعد بترتیب معمول حکم صادرمی کند .

مادهٔ ۱۲۵ـ درصورت قبول تجدید نظردرحکمی که صادرمی‌شود ذکر دلیلی نخواهد شد حکم مزبوربامضای دفتـردارکل رسیده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده یـا بوکیلش ابلاغ میشود و تاریخ ابلاغ در کتابچهٔ ثبت و در ظـرف سی روز از ایـن تاریخ سواد دیگری بطـرف شخصی که تقاضا نموده ابـلاغ و پس ازآن موافق ترتیباتی که درباب محاکمهٔ ابتدائی گفته شد عمل می‌شود .

مادهٔ ۱۲۶ـ حکم قبول تجدید نظـر باعث توقیف اجرای حکم اولی نیست ولی هرگاه توقیف حکم تقاضا شود دیوان محاسبات می‌تواند حکم را توقیف وبرای این امراگرلازم دانـد حکم بدادن وجه‌الضمانه نماید .

مادهٔ ۱۲۷ـ درصورتیکه تجدید نظرقبول نشود حکمی که صادرمی‌شود باید مستندبدلیل بوده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده‌است ابلاغ واسناد مذکوره درمادهٔ (۱۲۴)را که‌تحویل دفتر کرده بود مسترد نماید .

فصل چهارم - درمحاکمه پس ازابطال حکم

مادهٔ ۱۲۸- پس ازآنکه موافق مادهٔ (۷۱) حکم دیوان محاسبات نقض شد در جلسه عمومی رسیدگی و محاکمه شده موافق ترتیباتی که درباب احکام ابتدائی گفته شد حکم قطعی صادرخواهد گردید ولی اعضائی که درصدورحکم نقض شده شرکت داشته‌اند نباید درمحکمه ثانوی دخالت نمایند .

مادهٔ ۱۲۹- احکام صادره بموجب ماده قبل تغییرناپذیرخواهد بود .

فصل پنجم

دررسیدگی بحسابهای وزراء وتهیه راپرت سالیانه

مادهٔ ۱۳۰- حساب‌های وزراء ومحاسبات کل مالیه که موافق مادهٔ (٥٤)بدیوان محاسبات داده میشود بدواً بمحاکم رجوع خواهد شد وپس ازرسیدگی رئیس محکمه یکی ازمستشاران را مأمورمی کند که ازروی نتایج حاصله ازرسیدگی محکمه راپورتی تهیه نموده و درروزیکه رئیس کل معین خواهدکرد تقدیم مجلس عمومی نماید .

مادهٔ ۱۳۱- هریك ازمحاکم دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب وزراء و صاحبان جمع درباب موافقت رفتار ادارات مختلفه دولتی با قواعد اداری راجعه بمالیه مذاکرات خواهد کرد .

مادهٔ ۱۳۲- رئیس محکمه یکی از مستشاران آن محکمه را بسمت مخبری معین میکند تا راپورت کتبی در خصوص نتایج حاصله از مذاکرات ماده فوق تهیه نموده و بمجلس عمومی پیشنهاد نماید .

مادهٔ ۱۳۳- رئیس کل هرساله کمیسیونی مرکب از رؤسای محاکم وسه نفر مستشار که هریك را یکی ازمحاکم معین خواهدکرد ومدعی‌العموم تشکیل داده و درخصوص تغییرات و اصلاحات لازمه قوانین وقواعد اداری راجعه بمالیه وبنقود و اموال دولتی مشاوره می کند .

مادهٔ ۱۳۴- مستشارهرمحکمه راپورتی درباب اصلاحات واقداماتی که محکمه مزبوره‌در عرض سال ودرضمن اجرای وظایف خود لازم دانسته است تهیه نموده وبکمیسیون تقدیم‌می کند.

مادهٔ ۱۳۵- رئیس کل یکی از مستشاران را مأمور میکند که ازروی نتایج مذاکرات کمیسیون راپرت کتبی تهیه نموده وبمجلس عمومی تقدیم کند .

مادهٔ ۱۳۶ ـ پس ازاینکه موافق سه ماده فوق مقدمات بعمل آمد رئیس کل جلسهٔ عمومی را منعقد ودرخصوص راپرتهای محاکم مذکوره درمواد (۱۳۰) و (۱۳۲) و (۱۳۵) وراپرت کمیسیون مذاکره میکند پس ازآن دریك یا چند جلسه متوالیه مذاکرات بعمل آمده و قـرار راپرت سالیانه مذکوره درمادهٔ (۵۷) داده میشود و رئیس کل یکی از مستشاران را بـرای تهیه راپورت معین مینماید .

مادهٔ ۱۳۷ ـ پس ازاینکه راپـورت محاکم راجعه بمطابقه حساب وزراء و محاسبات کل مالیه درجلسهٔ عمومی مذکوره درمادهٔ (۱۳۰) قرائت شد دیوان محاسبات درباب رسیدگی و تصدیق نامهٔ مطابقت که درمادهٔ(۳۹) و(۵۵)ذکرشده‌استمذاکره کرده‌وراپورتی تهیه‌میکندراپرت مزبوروصورت مذاکرات به وزیرمالیه تسلیم میشود تا بموجب مادهٔ (۵۷) به‌ضمیمهٔ لایحهٔ قانونی تفریغ بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

بند چهارم - در ترتیبات کلی

مادهٔ ۱۳۸ ـ درمواردی که بموجب مواد (٦٤) و (٦٧) و(٧٠) و(١١٤) مدتی من‌باب مهلت معین شده اگرطرف درپایتخت است همان مدت محسوب واگرخارج ازپایتخت است برای هرپنج فرسنگ یك روزبرمدت قانونی افزوده خواهد شد .

مادهٔ ۱۳۹ ـ دیوان محاسبـات بـرای نظم و ترتیب محاکم و دفتـر خود و تکالیف مستخدمین وتهیه ملزومات و آنچه برای اجرای قانون حاضره لازم است نظامنامهٔ داخلی مرتب خواهد ساخت .

مادهٔ ۱۴۰ ـ اگردیوان محاسبات ملاحظه کند عدهٔ محاکمی که بموجب این قانون معین است برای تصفیه وتفریغ حساب‌های مفاصا نشده سنوات قبل ازوضع این قانون‌کافی‌نیست‌باتصویب وزیرمالیه میتواند یك محکمهٔ فوق‌العاده که عده اعضاء و ممیزین آن مطابق عدهٔ اعضاء وممیزین یکی ازمحاکم دیوان محاسبات بوده و اعضای‌آن موافق مادهٔ (۱۲) انتخاب خواهند شد موقتاً تشکیل دهد بقای این چنین محکمه موقتی بعد ازدوسال ازتاریخ احداث‌آن بسته‌باجازه مخصوص مجلس شورای ملی است .

مادهٔ ۱۴۱ ـ مقرری اعضاء دیـوان محاسبات و مـدعی العموم و دفتـردار کل بقـرار ذیل است :

رئیس کل	یکماهه		(۱۸۰۰) قران
رؤسای محاکم ومدعی‌العموم	«	نفری	(۱۳۰۰) «
مستشاران ودفتردار کل	«	«	(۱۰۰۰) «
ممیزین	«	«	(۸۰۰) «

قانون تحدید تریاك

مصوب ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول - از تاریخ وضع این قانون از هر مثقال تریاك مالیده سیصد دینار مالیات دریافت میشود .

مادهٔ دوم - محض جلوگیری ازمضاراستعمال شیره سوخته تریاك اولا درتمام نقاط‌مملکت کلیهٔ سوخته تریاك بمأمورین وزارت مالیه تسلیم میشود که ضبط نمایند وفقط بعنوان‌حق‌الزحمه برای هرمثقال سه‌شاهی* بکسانی که سوخته را بمأمورین مزبور تسلیم مینمایند داده میشود و هرگاه کسی ازتسلیم سوخته امتناع نماید ویا مخفی بدارد سوخته اوضبط وبا حضورهمان ش تلف میشود ثانیاً مأمورین مزبور درهر نقطه عده و اسامی اشخاصی را که شیره استعمال میکنند با مقدارشیره که درهر محل مصرف میشود معین نموده و ازسوخته ضبط شده بقدرضرورت نقاط مزبوره شیره تهیه کرده وبآن اشخاص میدهند و درعوض هرمثقال سه عباسی حق‌الزحمه دریافت میدارند و درآخرسال آنچه باقی بماند با اطلاع وزارت مالیه تلف خواهند نمود .

مادهٔ سوم - درنقاطیکه ترتیب ضبط سوخته تریاك قبل ازوضع این قانون معمول بوده است مدلول مادهٔ(۲) ازتاریخ‌وضع این قانون بموقع اجرا گذاشته میشودودرنقاطیکه هنوزجاری نشده است سه ماه بعد ازتاریخ مزبورمجری خواهد شد .

مادهٔ چهارم - ازاول سال سوم تاآخرسال هفتم بعد ازوضع این قانون هرسال بهرمثقال تریاك مالیده یکصد وپنجاه دیناربرمالیات سال قبل وبهرمثقال شیرهٔ سوخته یکصد وپنجاه دینار برمبلغ سال قبل افزوده میشود ازاول سال هشتم استعمال شیره کلیتاً واستعمال تریاك غیرازآنچه برای دوا لازم است ممنوع خواهد بود .

مادهٔ پنجم - تریاکی که بعنوان تجارت‌ازمملکت خارج میشود ازادای این‌مالیات‌معاف خواهد بود .

مادهٔ ششم - ترتیب اجرای این قانون وجلوگیری ازقاچاق وتفتیش ترتیبات اداری‌آن موافق نظامنامه‌ایست که باتفاق وزارت مالیه وداخله مدون میشود .

---

* بموجب قانون ۹ میزان ۱۳۳۳ قمری این مبلغ به یکشاهی تقلیل یافته است وبعد بموجب قانون ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ معاملات راجع به تریاك منحصر بدولت شده است .

قانون

استقراض دو کرور و نیم لیره انگلیسی

مصوب ۳ جمادی‌الاولی مطابق ۱۳ برج ثور ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ ۱ ـ دولت مجاز است که دو کرور و نیم لیره انگلیسی بافرع صدی پنج و نزول صدی دوازده و نیم بتوسط بانک شاهنشاهی استقراض نماید.

مادهٔ ۲ ـ ترتیب استهلاک و تأمین این استقراض از این قرار خواهد بود:

(۱) وجه استهلاک ازقرار صدی نیم بعداز پنجسال از تاریخ این استقراض تأدیه خواهد شد.

(۲) اعتبار این قرض همان اعتبار قرض سابق مورخه غره حمل ۱۳۲۸ دولت ببانک شاهنشاهی خواهد بود موافق شرایط مندرجه درهمان قرار داد (یعنی اولین عایدات گمرکات جنوب بعداز وضع مخارجی که از این محل باید داده‌شود).

(۳) درصورتیکه بانک شاهنشاهی راجع بعدم تأدیه اصل استقراض شرطی پیشنهاد نمایدکه بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استقراض را تا مدتی نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد مزبور را قبول نماید مشروط براینکه مدت مزبوره از تاریخ امضای قرارداد استقراض تاپنجسال بیشتر نباشد.

مادهٔ ۳ ـ اسناد این استقراض از هرنوع مالیات وتحمیلات که بعدها قرار گذاشته‌شود معاف خواهدبود.

مادهٔ ۴ ـ پس از تأدیه سه میلیون و سیصد و نود وشش هزارو ششصد و نود و هفت تومان‌طلب سابق بانک و سیصدو چهل‌هزار تومان وجهی‌که اخیراً بعنوان مساعده استقراض گرفته شده است تتمه وجوه استقراض دربانک باقی خواهد بود تاوقتیکه لایحه راجعه بخرج ولوایح تفتیشیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد.

قانون

راجع بمخارج وجه استقراض دو کرور و نیم لیره

مصوب ۲۸ برج ثور ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول - مبلغ سه کرور و بیست و پنج هزار تومان اعتبار برای مصارف قشونی تخصیص میشود بترتیب ذیل :

(اولا) مبلغ دوکرور و سیصد و هفتاد وپنج هزار تومان برای مصارف پانزده هزار و هفتصد نفر قشون در اردبیل . قراچه‌داغ . استرآباد . خراسان و سیستان . بروجرد . لرستان . عربستان . کردستان . کرمانشاهان . فارس و بنادر مبلغ مزبور از بودجه کل قشونی تنگوزئیل برگشت خواهدکرد .

(ثانیاً) یکصد و پنجاه‌هزار تومان اعتبار برای حقوق عقب افتادهٔ سنهٔ ایت ئیل قشون .

مادهٔ دوم - دویست و بیست هزار تومان برای خرید اسلحه .

مادهٔ سوم - یکصدهزار تومان برای پرداخت حقوق عقب افتادهٔ سفراء و مأمورین دولت ایران درخارجه .

مادهٔ چهارم - دویست هزار تومان برای مصارف ادارهٔ امنیه باین ترتیب که هشتاد هزار تومان برای ادارهٔ امنیه فارس ویکصد و بیست هزار تومان مطابق پیشنهادیکه بعداز ورود متخصصین سوئدی دروزارت داخله تهیه و بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود.

مادهٔ پنجم - تتمهٔ وجه استقراض تا یکصد و بیست و پنجهزار تومان برای حقوق عقب افتاده سنهٔ ایت ایل امنیه و نظمیه .

مادهٔ ششم - برای نظارت و مواظبت در تسعیر لیره و خرید نقره از وجه

استقراض و نیز برای تهیه نقشه بجهت تفتیش مخارج مذکور فوق و حصول اطمینان کامل از اینکه وجوه کاملا درمحل خود بمصرف میرسد کمیسیونی مختلط از نمایندگان وزارتخانه‌های مختلفه درتحت ریاست وزیرمالیه تشکیل میشود اعضای کمیسیون مزبور هشت نفرازمستخدمین خارجه وهفت نفر از مستخدمین ایرانی که بانتخاب وزراء خواهند بود عضو اینکمیسیون میشوند.

مادهٔ هفتم ـ کمیسیون مزبور ترتیبی راکه برای تفتیش و نظارت در مخارج و مصارف قشون صلاح میداند اعم از اینکه از وجه استقراض باشد یا از عایدات دیگر دولت و نیز ترتیب تفتیش سایر مخارج و عایدات دولتی را بصورت لایحه بهیئت وزراء پیشنهاد مینماید تاپس از تصویب آنها بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود .

قانون

تفتیشیه وجه دو کرور ونیم لیره استقراض

مصوب غره جمادی‌الثانیه مطابق ۹ جوزا ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ۱ ـ تفتیش عالی و واقعی اعمال (۱/۲۵۰/۰۰۰) لیره استقراضی که از بانك شاهنشاهی ایران موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ شده و تفتیش مخارجی که برای این کار مطابق مواد یك و دو و سه وچهار وپنج قانون (۱۹) جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده درتحت نظارت خزانه دارکل بوزارت مالیه سپرده میشود .

مادهٔ۲ ـ تا موقعی که تشکیلات جدیدهٔ وزارت مالیه ایجادشود تفتیش اعمال ومخارج فوق‌الذکر موقتاً بیك شعبه‌که مخصوصاً تشکیل میشود سپرده خواهد شد شعبه مذکوردر تحت نظارت خزانه‌دارکل خواهد بود .

مادهٔ۳- درآخرهرماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیه راجعه باستقراض رادر ضمن راپرت تقدیم دولت مینماید .

مادهٔ۴ - شعبه‌که درماده دوم این لایحه ذکرشده قائم‌مقام کمیسیونی خواهد بود که درقانون جمادی الاولی۱۳۲۹ مندرج است .

تفسیر اصل هفتم قانون اساسی

مصوب۷ جمادی الاولی مطابق۱۶ ثور۱۳۲۹ قمری

مادهٔ۱ - مراد از دو ثلث اعضاء مجلس وسه ربع‌که در اصل هفتم قانون اساسی مسطوراست دوثلث وسه ربع اعضاء حاضره درمرکزاست درصورتیکه عده حاضرین در مرکز باندازه‌ای باشدکه قانوناً مجلس بتواند تشکیل شود .

مادهٔ۲ - مراد از عبارت آخر مـاده هفتم قانون اساسی اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بـدهند این است که رد یا قبول مطلب مطرح شده وقتی حاصل میشودکه بیش از نصف حضار به رد یا بقبول آن مطلب رأی بدهند .

قانون ثبت اسناد ☆

مصوب۱۲ شهرجمادی الاولی۱۳۲۹ قمری

باب اول

در تشکیل ادارهٔ ثبت اسناد

مقدمه

مادهٔ۱- ادارهٔ ثبت اسنادعبارتاست ازدائرهٔ ثبتاسنادودفترراکدکل.

☆ این قانون بموجب « قانون نسخ قانون ثبت اسناد» مصوب۲۸ حمل۱۳۰۲ شمسی (دورهٔ چهـارم) نسخ شده است.

مادهٔ۲- دائرهٔ ثبث اسناددرحوزه‌های محاکم ابتدائی که قانوناً تأسیس‌شده‌است تشکیل میشوددایرهٔ مذکوره‌مرکب‌است از:

(اولا) ازمباشرین ثبث‌اسنادکه درمحلهائی که یامقرمحکمه ابتدائی‌است ویادرحوزهٔ محکمه مذکوره‌واقع‌است‌معین‌میشوند .

(ثانیاً) از یك دفتر راکدکه در تحت ریاست یکنفر مدیر در نزد محکمه ابتدائی تأسیس می‌شود .

مادهٔ۳- دفترراکدکل‌که درتحت ریاست یك‌نفر دفتردارکل‌است درمرکز درتحت ادارهٔ وزارت عدلیه‌تأسیس‌می‌شود.

مادهٔ۴- عدهٔ مباشرین ثبت درهرمحل وحوزهٔ محکمه ابتدائی‌منوط بمقتضیات محل و کیفیات حوزهٔ مذکوره میباشدوآن عده راوزیرعدلیه باموافقت وزیرمالیه ووزیرداخله معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد می‌نماید .

فصل اول

درمباشرین ثبت‌وحقوق وتکالیف آنها

مادهٔ۵- مباشرین ثبت بایددارای شرایط ذیل‌باشند:

(اولا) تابعیت‌ایران .

(ثانیاً) مذهب اسلام .

(ثالثاً) سن‌آنها لااقل بیست وپنج باید باشد .

(رابعاً) دادن امتحان بطوریکه درمادهٔ ۸ مقرراست .

مادهٔ ۶ - اشخاص مفصله ذیل نمیتوانند مباشرثبت معین شوند :

(اولا) اشخاصیکه درتحت قیمومیت شرعی هستند .

(ثانیاً) ورشکستگان بتقصیر .

(ثالثاً) مرتکبین جنایات ازقبیل قتل وسرقت وغیرهما ومعروفین‌بارتکاب جنایات که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده‌اند .

مادهٔ ۷ - مباشرین ثبت نمی‌توانند با شغل خود شغلی را درادارات دولتی یا انجمنهای بلدیه وایالتی وولایتی وغیرها توأم نمایند ویا شغل وکالت‌را درمحاکم‌عدلیه متصدی شوند .

مادهٔ ۸ - شغل مباشرت ثبت باشخاصی تفویض میشود که قبلاامتحان‌سواد فارسی ودانستن قوانین ونظامنامه راجعه‌بثبت اسناد راکاملا درحضوررئیس محکمه ابتدائی ومدعی‌العموم آن‌محکمه ومدیرثبت داده باشند پروگرام آن امتحان را وزارت عدلیه مرتب وبرای اطلاع اهالی درجراید محل اعلان می‌نماید .

تنبیه - هرگاه‌شغل مدعی‌العموم درمحکمه ابتدائی تأسیس نشده باشد بجای اودونفراز معاریف محل که‌صلاحیت امتحان نمودن‌را داشته باشند بمجلس امتحان دعوت میشوند.

مادهٔ ۹ - رئیس محکمه ابتدائی صورت اشخاصی راکه امتحان داده‌اند باوراق راجعه بکیفیات امتحان نزد رئیس‌محکمه استیناف فرستاده‌اشخاص مزبوره رامعرفی میکندورئیس‌محکمه استیناف بعد ازمداقه‌لازمه‌نتیجهٔ‌امتحانات‌رابضمیمه عقیدهٔ خودبوزیرعدلیه راپرت‌داده منتظرصدور تصدیق وزیرعدلیه برای نصب مباشر ثبت میشود .

مادهٔ ۱۰ - عزل مباشرین ثبت بعد ازصدورحکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد باوزیرعدلیه است .

مادهٔ ۱۱- مباشرین ثبت قبل ازمباشرت بشغل خودشان باید درهیئت اجتماعیه محکمه ابتدائی قسم یاد نمایند که بصحت ودرستی وظایف خود را انجام‌خواهندداد.

مادهٔ ۱۲- مباشرین ثبت درخدمت دولتی محسوب وازحیث رتبه وحقوق وکفایت خدمتی مقام معاونین منشی‌های (دفتردارهای)محاکم ابتدائی را دارند مقرری مباشرین ثبت به موجب‌مادهٔ ۱۳۳معین میشود .

مادهٔ ۱۳- مباشرین ثبت مکلفند که وظایف خودرا فقط درحوزهٔ محکمه‌ابتدائی متبوعه انجام بدهند واقدامات آنها درخارج ازحوزهٔ مذکوره اثرقانونی ندارد ولی درحدودحوزهٔ محکمه ابتدائی‌متبوعه مباشرین ثبت‌وظایف خودرانسبت بکلیه ارباب رجوع انجام میدهند ولوآنکه‌اقامتگاه ارباب رجوع درخارج حوزهٔ مذکوره باشد .

مادهٔ ۱۴- مباشرین ثبت مکلفند اسنادی راکه نزدآنها میآورندافشا ننمایند ومضمون آن اسناد رابکسی نگویند مگردرمواردی که قانون اجازه میدهد تخلف ازمفاد این‌ماده مستلزم مجازاتی میشود که درمادهٔ ۱۲٤مصرح است .

مادهٔ ۱۵- مباشرین ثبت مهری خواهندداشت که علامت شیروخورشید را دارا ودرزیرآن نوشته خواهد بود فلان (اسم) مباشرثبت‌فلان‌جا(محل) .

مادهٔ ۱۶- نمونه امضا ونمونه نقش مهرهرمباشرثبت باید یك نسخه بدفترراکد حوزهٔ ابتدائیه ونسخه دیگربدفترراکدکل فرستاده شودکه ضبط شده و درمواقع لازمه برای تطبیق باامضاء ومهرمباشرثبت موجود باشد .

مادهٔ ۱۷ـ دفاتر ثبت باید قیطان کشیده وصفحات آن نمره‌دارونمره صفحات معین وممضی بامضای رئیس محکمه ابتدائی وعضوآن بوده بمهررسمی محکمه ممهورباشد .

مادهٔ ۱۸ـ دفاترمباشرت ثبت ازقرارتفصیل ذیل است :

(اولا) دودفتربرای ثبت اسناد بطوری که قانون معین می کند ـ یکی برای معاملات راجعه باموال غیرمنقوله ودیگری برای سایرمعاملات .

(ثانیاً) دودفترفهرست که درآن مباشرثبت مفاد اسناد ثبت شده وتصدیقات خود را با قید سجلات و امضاء‌ها وهمچنین کلیه اقداماتی را که موافق وظایف خود بعمل میآورد نسختین می‌نویسد (بطوراختصارفهرست می کند) .

(ثالثاً) دفترنماینده عمومی که بترتیب حروف تهجی برای‌کلیه اسنادی که درنزد مباشرثبت ثبت یا تصدیق شده ترتیب می‌شود .

(رابعاً) دفترصورت اسنادیکه درمباشرت ثبت تودیع می‌شود .

(خامساً) دفترصورت اشخاصی که ورشکسته ویا درتحت قیمومیت یا ولایت شرعی اعلان شده‌اند .

(سادساً) دفترعایدات .

مادهٔ ۱۹ـ صفحات دفاترثبت وتصدیق باید طولش هفت گره وعرضش پنج گره باشد ودر هرصفحه ستونی خواهد بود برای اینکه صورتهائی که ازثبت یا سوادی که ازسندداده‌می‌شود قید شود عدد سطوررا دردفاترثبت وتصدیق با سایرتفاصیل وزیرعدلیه با موافقت وزیرمالیه معین وبجاهای لازم اعلام مینمایند .

مادهٔ ۲۰ـ دفاترفهرست باید تماماً بیك اندازه بوده وحاوی پنج ستون مفصله باشد:

ستون اول ـ برای نمرهٔ کارگذارابتدای هرسال شمسی تجدیدمیشود.

دوم ـ برای تاریخ روزوماه وسال .

سیم ـ برای اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت اشخاصی که سندآنها ثبت میشود ویا بآنها تصدیقی داده میشود .

چهارم ـ برای مضمون ثبت یا تصدیقی که میشود وحقوقی که دریافت میشود .

پنجم ـ برای قبض رسید اشخاصی که سندشان ثبت شده است یا تصدیقی گرفته‌اند یا ثبت سندی ویا سواد سندی که بهآنها داده شده باقید اسم وشهرت وشغل قبض دهنده .

مادهٔ ۲۱ـ سایردفاترموافق اندازه واسلوبی ترتیب می‌شودکه وزارت عدلیه معین و نمونه‌آنرا بجای لازم می‌فرستد دفاترعایدات موافق قوانین محاسبات عمومی با استحضار وزارت مالیه باید مرتب شود .

مادهٔ ۲۲ – پس از انقضای یك سال از اتمام دفاتر ثبت وفهرست مباشر ثبت مکلف است درآخرهردفتری عدهٔ اسنادی راکه درآن ثبت یا تصدیق شده وهمچنین عدهٔ اقداماتی راکه فهرست شده معین وامضا نموده دفاتر ثبت و هردونسخه دفترفهرست را بدفترراکد ثبت اسناد تسلیم نماید .

مادهٔ ۲۳– مدیرثبت بصحت‌قیدیکه درآخردفاترتسلیم شده بعمل‌آمده وبامضای‌مباشرثبت رسیدگی نموده پس ازتصدیق صحت وامضاء دفاترمزبوره یك نسخه دفترفهرست را بدفترراکد تسلیم ودفترثبت را با نسخهٔ دیگردفترفهرست بدفترراکدکل ارسال میدارد .

مادهٔ ۲۴ – مرخصی مباشرین ثبت اسناد موافق قانون مرخصی مستخدمین دولت وباجازهٔ‌رئیس‌محکمهٔ ابتدائی خواهد بود ولی باید مباشر ثبت درحین مرخصی و همچنین در حال مرضی که مانع ازتصدی شغل است یك نفر را که دارای اوصاف وشرایط مباشر ثبت باشد به محکمهٔ ابتدائی بجای خود معرفی کرده ومسئولیت اداء خسارتی که قانوناً برعهده‌اوست بعهده بگیرد .

مادهٔ ۲۵– درصورت فوت مباشرثبت یا انفصال ویا عزل اورئیس محکمه ابتدائی فوراً دفاتررا توقیف کرده بدفترراکد میفرستد وروی مهرمباشربا سوهان دوخطی که همدیگررا بطور عمودی تقاطع میکند کشیده‌آنرا ازاعتبارمیاندازد .

فصل دوم

دردفترراکد ومدیرثبت

مادهٔ ۲۶– دفترراکد که درتحت نظارت مدیرثبت است درنزد هرمحکمه ابتدائی‌تأسیس میشود ومقصود ازتأسیس‌آن حفظ نسخه ازدفاترفهرست ونمونه نقش مهروامضاهای مباشرین ثبت واسناد واوراق راجعه بدائره ثبت اسناد است .

مادهٔ ۲۷– مدیرثبت ازمستخدمین دولت محسوب وازحیث رتبه ومقام واوصاف وشرایط وحقوق وتکالیف خدمتی وعزل ونصب باعضومحکمهٔ ابتدائی مساوی‌است .

مادهٔ ۲۸– درجاهائیکه کثرت کاراقتضاء کند مدیرثبت معاون داشته باشد معاون اونیزاز مستخدمین دولت محسوب وازحیث درجه ومقام واوصاف وشرایط وحقوق وتکالیف خدمتی وغیره با منشی‌های دفتردارهای محکمه ابتدائی مساوی است .

مادهٔ ۲۹- هرگاه مدیر ثبت معاون نداشته باشد وظایف او را درصورت مرض یا غیبت او موقتاً یکی ازمنشی‌های محکمهٔ ابتدائی بانتخاب رئیس محکمهٔ ابتدائی انجام‌میدهد .

مادهٔ ۳۰- مدیر ثبت دارای مهرمخصوصی با علامت شیروخورشید بوده ودرزیر آن علامت نوشته خواهد بود (دفترراکد ثبت اسناد فلان محل) نمونه امضای هرمدیر ثبت وهمچنین نمونه نقش مهردفترراکد باید بکلیهٔ دفاترراکد ثبت اسناد ودفترراکد کل فرستاده شود که درموقع تطبیق مهروامضای اسناد حاضرباشد :

مادهٔ ۳۱ - علاوه برتنظیم دفتر راکد دفاتر مفصله ذیل در دفتر مزبور باید ترتیب شود .

(اولا) دفترصورتهائیکه ازثبت دفاترفهرست باشخاص لازم ازدفترراکد داده می‌شود .

(ثانیاً) دفترمخصوصی برای ثبت‌اسامی املاك موقوفه که‌درحوزه‌محکمه ابتدائی‌واقع‌است بترتیب حروف تهجی .

(ثالثاً) دفترفهرست امورجاریه .

(رابعاً) دفترعایدات .

درباب ترتیب و طرز دفاتر مدیر ثبت باجرای مقررات مـادهٔ ۱۷ و ۲۱ این قانون مکلف است .

فصل سیم

دردفترراکد کل ودفتردار کل

مادهٔ ۳۲- مقصود ازتأسیس دفترکل حفظ دفاترمذکوره درمادهٔ ۲۳ونمونه امضاها ونقش مهرمباشرین ثبت ونمونه امضای مدیران ثبت ونقش مهردفاترراکد است .

مادهٔ ۳۳- دفتردارکل درخدمت دولتی محسوب وازحیث رتبه ومقام وحقوق وتکالیف خدمتی با عضومحکمه استیناف مساوی است ودرصورتیکه مشارالیه معاون داشته باشد معاون‌مزبور نیزدرخدمت دولتی محسوب وازحیث رتبه ومقام‌وحقوق وتکالیف بامنشی (دفتردار) محکمه‌استیناف مساوی میباشد .

مادهٔ ۳۴- دفترراکدکل دارای مهرمخصوص باعلامت شیروخورشید بوده در زیرآن نوشته خواهد بود (دفترراکدکل ثبت اسناد) .

مادهٔ ۳۵ـ نمونه امضای دفتردار کل و نمونه نقش مهر دفتر را کد کل باید بکلیه دفاتر فرستاده شود که درمواقع لازمه موجود باشد .

مادهٔ ۳۶ ـ علاوه برتنظیم دفتر راکد کل دفتردار کل مکلف است دفاتر مفصله را ترتیب بدهد :

(اولا) دفتر فهرست صورتهائی که از ثبت دفاتر باشخاص لازم از دفتر راکد کل داده می‌شود .

(ثانیاً) دفتر فهرست امورجاریه .

(ثالثاً) دفترعایدات .

ترتیب دفاتر مذکوره موافق مقررات مادهٔ ۱۷ و ۲۱ این قانون و دستورالعمل وزارت عدلیه میباشد .

فصل چهارم

درنظارتیکه نسبت باجزای ادارهٔ ثبت اسناد بعمل میآید ودرمسئولیت آنها

مادهٔ ۳۷ـ مباشرین ومدیران ثبت ومعاونین آنها دراداره و درتحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که درحوزه آن واقعند .

مادهٔ ۳۸ ـ محکمه ابتدائی درصورت لزوم باید بتوسط یکی از اعضای خود یا توسط مأمورمخصوص دفاترمباشرین و مدیران ثبت حوزه خود را تفتیش نموده صحت یا عدم آنرا معین و یك نسخه راپورت خود را برئیس محکمه استیناف و نسخه دیگر را بوزارت عدلیه ارسال دارد .

مادهٔ ۳۹ـ مباشرین ومدیران ثبت ومعاونین آنها وهمچنین دفتردار کل ومعاون اودرمورد تقصیرات راجعه بشغل خودشان موافق قوانینی که برای صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه‌مقرراست مورد مسئولیت ومؤاخذه میشوند ودرصورتیکه خیانت یا جنایتی ازآنها ناشی شود موافق قوانین بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب ومحاکمه میشوند .

مادهٔ ۴۰ـ درصورتیکه ازمباشر ثبت یا مدیر ویا معاون اورفتاری مشاهده شود که شایسته

مقام آنها نبوده ودرانظار عامه رکیك وقبیح باشد (ولواینکه آن رفتاراز اشخاص مذکوره درخارج ازخدمت ناشی شود) اطلاعات راجعه بآن نوع رفتارواعمال اشخاص مذکوره توسط رئیس محکمه ابتدائی یا مدعی العموم آن محکمه بمحکمهٔ ابتدائی پیشنهاد شده محکمهٔ مذکوره بعدازخواستن توضیحات ازمتهم ورسیدگی درجلسه اداری محکمه رأی خود را درابقا یا انفصال مباشریا مدیر ثبت اظهارمیدارد ودرموارد مقتضی اقدامات لازمه را بلاتأخیربرای ضبط اسنادی که متعلق بمردم درمباشرت ثبت امانت است بعمل می آوردرأی محکمه ابتدائی باتمام اسنادونوشتجات نزد رئیس محکمهٔ استیناف فرستاده میشود مشارالیه رأی خودرا ضمیمه رأی محکمه ابتدائی نموده مراتب رأبوزارت عدلیه پیشنهاد می نماید انفصال محکوم منوط بصدورحکم وزیرعدلیه است وحکم وزیرعدلیه قابل شکایت نیست .

مادهٔ ۴۱ـ شکایاتی که ازمباشرین یا مدیرثبت راجع بامتناع آنها ازثبت اسنادیاراجع به ثبت سندی ویا تخلف آنها ازوظایف قانونی خودشان میشود درآن محکمهٔ ابتدائی باید رسیدگی شود که مباشرین ومدیرهای ثبت درحوزه آن واقعند .

مـادهٔ ۴۲ـ هرگاه شکایات مذکوره درماده قبل ازمعاونین مدیرثبت باشد درصورتیکه مدیرثبت حاضرباشد خودش بشکایات مذکوره رسیدگی کرده آنچه راکه موافق مادهٔ ۳۹ ازخصایص محاکمه است بدانجا ارجاع مینماید ولی درصورت مرض یاغیبت مدیرثبت کلیه شکایات ازمعاون اوراجع بمحکمه ابتدائی متبوعه است .

مـاده ۴۳ـ شکایت نامه ازمباشرین یا مدیرویا معاون اوباید درمدت دوهفته از تاریخ وقوع ماده شکایت بمحکمه ابتدائی داده شود .

مادهٔ ۴۴ـ یك نسخه شکایت نامه بخود متشکی عنه ودیگری بمحکمه ابتدائی دادهمیشود ومتشکی عنه مکلف است که شکایت نامه را درمدت یك هفته یا توضیحاتی که لازم میداندبمحکمهٔ متبوعه بفرستد محکمه مزبوره درصورت لزوم طرفی راکه با شاکی درمعامله یا ترتیب سندی شرکت داشته ازشکایت شاکی مطلع نموده ضمناً روزرسیدگی را اعلام میدارد .

مادهٔ ۴۵ـ درصورتیکه محکمه ابتدائی بعد ازرسیدگی امتناع مباشرثبت را ازثبت اسناد تصدیق کند شاکی میتواند درمدت دوهفته ازتاریخ اعلام حکم محکمه باوحکم مذکورراستیناف نماید ولی هرگاه محکمه ابتدائی ثبت سندی راکه مباشرثبت نموده است یا تصدیقی راکه داده است تأیید نماید شاکی میتواند بجهت تکذیب اعتبارآن ثبت یا تصدیق درمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد ازثبت آن سند اقامه دعوا نماید .

مادهٔ ۴۶ـ بادعای خسارت ازمباشرومدیرثبت ومعاون اودرمحکمه ابتدائی متبوعه آنها رسیدگی میشود .

باب دوم

درمشاغل اداره ثبت اسناد

فصل اول - در مشاغل مباشرین ثبت و ترتیب انجام آن

قسمت اول

— مواد عمومی —

مادهٔ ۴۷ـ مشاغل مباشرین ثبت ازقرارتفصیل است :

اول ـ ثبت اسنادی که نزدآنها می‌آورند موافق قسمت دویم این فصل .

دویم ـ دادن صورت ازثبت دفاتراسناد همچنین سواد اسنادیکه ثبت میشود موافق قسمت سیم این فصل .

سیم ـ تصدیقاتیکه مباشرین ثبت موافق قسمت چهارم این فصل میدهند .

چهارم ـ پذیرفتن وحفظ کردن اصول اسنادی که درمباشرت ثبت امانت می‌گذارند .

ماده ۴۸ـ درموارد ثبت یا تصدیق باید جهات ذیل قویاً رعایت شود :

اولا ـ تاریخ سال وماه وروزودرمواقع لازمه ساعت .

ثانیاً ـ اسم شخص واسم پدروشهرت درصورتیکه باشد ومحل اقامت مباشر ثبت .

ثالثاً ـ امضای او .

مادهٔ ۴۹ـ درمواردی که مباشر ثبت صورتی ازثبت دفاتر یا سوادی ازاسناد یاتصدیقی میدهد ذیل صورت وسواد وتصدیق را امضا ومهر کرده نمرهٔ دفتررا درآنها قید کرده تاریخ دادن آنها را صریحاً درخود صورت یا سواد یا تصدیق با تمام حروف مینویسد .

مادهٔ ۵۰ ـ هرگاه صورت و سواد و تصدیق درروی چند ورق نوشته شده باشد باید اوراق مذکوره قیطان کشیده وممهورونمرهٔ صفحات معین وبامضای مباشر ثبت ممضی باشد .

مادهٔ ۵۱ ـ امضای اشخاص دراسناد وتصدیقات وهمچنین قبض رسیدی که دروقت گرفتن صورت وسواد وتصدیق میدهند درصورتیکه بزبان غیرفارسی باشد باید بزبان فارسی ترجمه‌وتوسط مباشر ثبت تصدیق شود وهرگاه مباشر ثبت آن زبان خارجه را نداند ترجمه را بتصدیق عالم به‌آن زبان رسانیده امضای مترجم را تصدیق میکند .

مادهٔ ۵۲ ـ اسامی اشخاص که اسناد خود را برای ثبت می‌آورند یاتصدیقی میخواهند ویا سندی را امضا می‌نمایند باید باقید محل اقامت وشغل آنها بطوری صراحتاً نوشته شود که در هویت آنها تردیدی حاصل نشود .

مادهٔ ۵۳ ــ هر گاه مباشر ثبت درهویت اشخاص شکی داشته باشد باید توسط دونفرمعروف خود که طرف اعتماد اوباشند تحقیقات لازمه بعمل آورد تحقیقات مذکوره را دردفتر وهمچنین درخود اسناد وتصدیقاتی که می‌دهد قید می کند درمعاملات راجعه بغیرمنقول تحقیقات بایدتوسط سه نفرمعروف ومعتمد بعمل آید .

مادهٔ ۵۴ ــ درصورتیکه مباشرثبت نتواند بوسیله مذکوره درمادهٔ قبل هویت اشخاص را معلوم کند این نکته را درسند وتصدیق ودفترقید کرده وسایل دیگری راکه بواسطه آن هویت اشخاص را معلوم کرده ذکرمی نماید .

مادهٔ ۵۵ ــ وقتی که مباشرثبت سندی راجع بنفع خود یاکسانی که درتحت ولایت یا وصایت یا قیمومیت اوواقعند یا با اوقرابت نسبی تا درجهٔ چهارم یا سببی تا درجه سیم دارند یادر خدمت اوهستند ثبت می‌نماید باید بمطلعین که درسایراسناد مقرراست دونفردیگر که معتمدبوده واصحاب معامله را میشناسند منضم کرده با حضورایشان سند را ثبت کرده بامضای ایشان نیز برساند والا آن ثبت نسبت بمواد وموارد یکه بنفع اشخاص مزبوره راجع است از درجهٔ اعتبار ساقط است .

قسمت دوم

درترتیب ثبت اسناد واعتبار آن

مادهٔ ۵۶ ــ اسناد باید کلمه بکلمه من‌البدو الی‌الختم متناً وهامشاً بلاتفاوت مطابق بااصل ثبت شود .

مادهٔ ۵۷ ــ مباشرثبت نمیتواند اسناد اشخاصی راکه طرفین یایك طرف معاملهٔ آنهاغیر بالغ یا مجنون یاسفیه هستند یابواسطه ورشکستگی ممنوع ازتصرفند ثبت نماید مگراینکه ولی آنهاآن معامله راکرده باشد وهمچنین نمیتواند اسنادی راکه موضوع معاملهٔ آنها ازموقوفات یااز مشترکات عمومی یا مجهول‌المالك یا ازاملاك واموال دولت بی‌اذن دولت است ثبت نمایدوهر گاه درصلاحیت اشخاص شك داشته باشد باید بواسطه سه نفردراموال غیرمنقول ودونفردراموال منقوله تحقیق کرده ومراتب را ثبت نماید .

مادهٔ ۵۸ ــ اشخاصی که توسط آنان تحقیقات مزبوره درمادهٔ قبل بعمل می‌آید باید بالغ وامین ومعروف مباشر ثبت باشند هر گاه مباشر ثبت آنها را نشناسد باید تصدیقی درباب هویت خودشان ازیکی ازادارات رسمی ابرازنمایند .

مادهٔ ۵۹ ــ هر گاه اشخاص مطلع یکی ازصفات مفصله ذیل را دارا باشند ثبت اسناد از درجه اعتبارساقط است :

اولا - کوریا گنك یا کر یا دیوانه یا غیر بالغ باشند .

ثانیاً - اشخاصی که درمعامله ذی‌نفع‌اند یعنی درخود سند معامله راجع بفایده ونفع آنها چیزی نوشته شده است .

ثالثاً - خدمه مباشر ثبت واجزاء اوچه درمباشرت ثبت اسناد باشندوچه درخارج آن .

رابعاً - اقوام اصحاب معامله تا درجه چهارم وهمچنین خدام اصحاب معامله .

خامساً - اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنایات محکوم شده‌اند .

ماده ۶۰- مباشر ثبت نمیتواند برای ثبت اسنادی را قبول کند که موضوع آن ومعامله که شده است مخالف قوانین شرع ومملکت باشد والاثبت ازدرجه اعتبارساقط است .

ماده ۶۱- هرگاه اصحاب معامله یا مطلعین زبان فارسی را ندانند ومباشر ثبت نیززبان آنها را نداند حضورمترجم لازم است .

مادهٔ ۶۲ - دردفتر ثبت علاوه برمندرجات مادهٔ (۴۸) اسامی مطلعین ووسائل تحقیق هویت آنهاوهویت اصحاب‌معامله وهمچنین اسنادی که اصحاب معامله یامطلعین دراثبات هویت خودشان ابرازمینمایند ووکالتنامه‌مصدقه وکلابایدصریحاً بعدازثبت‌سندقید شودونیزباید اسامی اشخاصیکه حق گرفتن صورت رادارند قیدشود

مادهٔ ۶۳ - تصدیقنامه‌هویت ووکالتنامه درمباشرت ثبت‌ضبط ودرروی آنهاتاریخ سال‌وماه وروز ونمرهٔ ثبت‌دفتر قیدشود .

مادهٔ ۶۴ - مباشر ثبت قبل از ثبت سندحقی که بآن‌تعلق میگیردباصحاب معامله‌یاوکلاء آنهااعلام مینمایدوبعد ازتحصیل‌رضایت آنهاسندرا ثبت‌میکند .

مادهٔ ۶۵ - ثبت‌اسناد بایدبزبان وخط‌فارسی باشدوسندیکه بغیرزبان یاخط‌فارسی است بایدمطابقت ترجمه‌آن بااصل‌بدواً بتصدیق‌عالم بآن‌زبان‌یاخط رسیده‌ترجمه مصدقه‌را مباشر ثبت‌قبول وثبت‌نماید واگرفقط امضاء سندبغیرخط فارسی‌باشدباید بتصدیق عالم بآن‌خط فارسی‌نوشته وبامضای آن‌عالم رسیده‌برای ثبت‌قبول‌شود .

مادهٔ ۶۶ - ثبت باید خوانا بوده واعداد راجعه بمبلغ وتاریخ ونمره لااقل باید یکمرتبه باتمام حروف نوشته شود وهمچنین تاریخ ونمره بایدبا تمام‌حروف درروی سندی که ثبت‌شده‌است نوشته‌شود .

مادهٔ ۶۷ - فاصله سطور ازهمدیگر باید بیك اندازه بوده سطور دریکجا شروع شده ودر یکجا ختم شود بالا بردن سطور درآخر سطر اکیداً ممنوع است باید هرجا که سطر بانتها رسید مباشر ثبت بقیه مطالب را بسطر نو ببرد جـای سفید و تصحیح و اضافه جایز است فقط بشرایط ذیل :

اولا - جای‌سفید را باید بدو خطی که همدیگر را تقاطع نمایند ازحیز استفاده انداخت .

ثانیاً - درموقع تصحیح واضافه باید روی کلماتی که اشتباهاً نوشته شده یازیادی است خط نازکی بامرکب قرمز کشیده وهر گاه باید کلمات دیگر جای کلمات خط کشیده نوشته‌شود باید بین‌السطور بالای کلمات باطل‌شده نوشت .

ثالثاً ـ نکات‌فوق‌الذکر (جای‌سفید وتصحیح‌واضافه) باید درآخر ثبت‌قیدشده بامضای اصحاب معاملهٔ برسد هر گاه رعایت ترتیبات مقرره دراین‌ماده نشود ثبت ازدرجهٔ اعتبار ساقط است ومباشر ثبت موافق مادهٔ ۸۱ و ۱۳۱ مجازات میشود .

مادهٔ ۶۸ - تراشیدن وپاك کردن بهرنحوی ازانحاء در دفتر ثبت‌اسناد بکلی‌ممنوع‌است هر گاه تخلف‌ازمفاد این‌ماده بشود کلمات تراشیده وهمچنین کلیه آنچه که درمحل پاك‌شده نوشته شده‌است ازدرجه اعتبارساقط است‌ومباشر ثبتی که مرتکب‌این خلاف‌قانون شده‌است موافق مادهٔ ۸۱ و ۱۲۱ مجازات میشود .

مادهٔ ۶۹ - ثبت‌سند برای‌اصحاب معامله یاوکلای آنهادرحضور مطلعین قرائت وبااصل سندمقابله وباامضای آنهاتصدیق میشود .

مادهٔ ۷۰ - اصحاب معامله که قرائت‌ثبت دفتررا بی‌حضور مطلعین استماع نموده‌اند در وقت‌امضای ثبت‌باید اعلام‌نمایند که ثبت‌را قرائت کرده یاقرائت‌آنرا استماع کرده‌اند ومراتب‌باید دردفتر قیدشود .

مادهٔ ۷۱ - درصورتیکه اصحاب‌معامله اشخاص کر یا کور یا گنك باشندحضور مطلعین درقرائت ومعامله‌ثبت سندلازم‌است .

مادهٔ ۷۲ ـ اشخاصیکه سواددارندمیتوانند خودشان‌ثبت‌سندرا خوانده‌رضایت خودرااعلام نمایند، واین‌نکته بایدقبل ازامضای ایشان‌دردفتر قیدشود .

مادهٔ ۷۳ - درمواردی که‌معامله‌راجع باشخاصی‌است که هم کرندوهم‌بیسواد بعلاوه‌مطلعین معمولی‌باید شخصی‌هم که طرف‌اعتماد آنهاست‌ومیتواند باآنهـا باشاره‌حرف بزنددعوت شودوشخص مذکورباید جامع‌تمام شرایط مندرجه درمادهٔ ۵۹ باشدبجز شرایط فقره چهارم که مانع‌ازدعوت اونخواهد شد .

مادهٔ ۷۴ - مباشرثبت بایدبتوسط سؤالاتیکه راجع بموضوع سنداست‌یقین حاصل‌نماید که‌شخص کر وبیسواد اشاراتی‌راکه باومیشود میفهمد .

مادهٔ ۷۵ ـ اشخاصی که هم کر و هم گنگ‌بوده و قادر برقرائت باشند و طرف معامله هستند باید بعد از خواندن ثبت دفتر باخط خودشـان در دفتر بنویسند که ثبت‌را خوانده‌اند و رضایت‌نامه دارند .

مادهٔ ۷۶ - در موردی که اشخاص مذکوره در مادهٔ قبل سواد نداشته باشند باید بعلاوه شخصی که باشاره باآنها حرف میزند نیز شخصی را دعوت کرد که این اشارات را می فهمد این شخص باید جامع شرایط مطلعین باشد بجز شرایط فقره چهارم که مانع ازپذیرفتن او نیست .

مادهٔ ۷۷ - بعدازاجرای ترتیبات فوق‌الذکر ذیل‌ثبت رادرخود دفتر ثبت اصحاب معامله ومطلعین ومباشر ثبت‌امضاء میکنند .

مادهٔ ۷۸ - هر گاه طرف یا طرفین معامله بواسطه بیسوادی یاجهات دیگری نتوانند امضاء نمایندشخص دیگری به‌امر ایشان امضاء نموده ومطلعین نیز جهت‌راقیدوامضاء مینمایند .

مادهٔ ۷۹ - هر گاه طرف معامله بواسطه مرض سخت یا موانع مشروع دیگری نتواند درمباشرت ثبت حاضر بشود ، مباشر ثبت میتواند درخارج ازساعاتی که برای‌کار درمباشرت معین شده‌درمنزل آن‌شخص حاضرشده بارعایت تمام‌ترتیبات مقرره وظایف خودرا انجام‌بدهد .

مادهٔ ۸۰ - برای‌اینکه تاریخ ثبت بیشتر ثابت ومصون از تغییر باشدمباشر ثبت همه‌روز هنگام‌بسته‌شدن‌مباشرت تمام‌دفاتر رامیبنددمقصود ازبستن‌دفاتر آنست که‌مباشر‌ثبت درذیل آخرین سطر تاریخ روزوماه وسال‌را گذاشته‌امضاء مینماید تخلف‌ازمفاد این ماده مستوجب‌مجازاتی‌میباشد که درمادهٔ ۱۳۱ مقرر است .

مادهٔ ۸۱ - هر گاه بواسطه تقصیرمباشر ثبت‌سندی ازاعتبارافتاده باشدمشارالیه‌بایدبعلاوه مجازات مقرره ازعهدهٔ مصارف ثبت آن‌سند برآید .

اعتبار ثبت اسناد

مادهٔ ۸۲ - مقصوداز‌ثبت‌اسنادموافق ترتیباتی که‌دراین‌قانون مقرراست‌رسمی کردن‌اسناد ثبت شده است یعنی قطعی‌کردن تاریخ سند وضبط خط و مهر و اقرار وحفظ مندرجات سنداز تغییر وتبدیل .

مادهٔ ۸۳ - سندرسمی ازجهات مذکوره درمادهٔ قبل درمحاکم عدلیه معتبر ودرمقام دعوا محل‌اعتماد است‌بنابر این کسیکه برعلیه اوسند رسمی ابرازمیشود نمیتواند اظهاربی‌اطلاعی یاشبهه وتردیدنسبت به‌آن‌سند نمایدفقط درمقام ردسندیا بایدمجعول بودن‌آنرا مدلل‌نماید ویاثابت کند که سندرسمی بجهتی ازجهات قانونی ازاعتبار افتاده‌است .

قسمت سیم

در دادن صورت ازدفاتر ثبت اسناد وسواد اسناد

مادهٔ ۸۴ - قواعد مقرره در مواد ٤٨ و ٥٢ و ٦٦ و ٦٨ در موقع دادن صورت ثبت سند و سواد نیز لازم الرعایه است والا صورت و سوادی که داده میشود از درجهٔ اعتبار ساقطاست.

مادهٔ ۸۵ - صورت ثبت سند فقط باشخاصی داده میشود که دردفتر ثبت معین شده یابو کالا و یابوراث آنهاویا بالاخره باشخاصی که آن حق به آنها منتقل شده انتقال حق را بخود ثابت نمایند در مواردی که صورت ثبت سند باشخاصی داده میشود که حق گرفتن صورت را ثابت کرده اند ولی اسم آنهادرسند قیدنشده است وهمچنین درمواردی که صورت موافق مادهٔ ۸٦ بحکم محکمه داده میشود باید نکات مذکوره دردفتر وصورتی که داده میشود قیدشود.

مادهٔ ۸۶ - اشخاصی که درمادهٔ قبل مذکور نیستند فقط بحکم محکمه که صلاحیت حکم رادارد میتوانندصورت بگیرند.

مادهٔ ۸۷ - کسانیکه خود حق گرفتن صورت ثبت یا سواد سند راداشته وصورت یاسوادی سابقاً گرفته اند میتوانند نسخه دویم وسیم وهکذا ازمباشرت ثبت بگیرند مباشر ثبت آن راداده وچندم بودن آنرا درنسخهٔ که داده دردفتر قید میکند.

مادهٔ ۸۸ - مباشرین ثبت نمیتوانند سوادسندی را که دردفاتر ثبت شده بکسی غیر ازاشخاصی کهحق گرفتن صورت را دارند بدهند.

مادهٔ ۸۹ - مباشرین ثبت نمیتوانند باشخاصیکه حق گرفتن صورت یاسواد راندارنددرباب اسنادی که ثبت میشود اطلاعات یاتوضیحات بدهند مگر درموارد مفصلةالذیل:

اولا - برای صاحبمنصبان عدلیه درصورتیکه ایفای وظایف آنها اقتضا کند وکتباً این اقتضارا بمباشر ثبت اظهارنمایند.

ثانیاً - برای امنای سایردوایر دولتی درصورتیکه کتباً این لزوم رااظهارواجازهٔ رئیس محکمهٔ ابتدائی رابه آن اظهارنامه منضم نمایند.

ثالثاً - بغیر اشخاص مزبوره در فقره اول و دوم این ماده مشروط برضایتنامه کتبی یکی از اشخاصی که خود حق گرفتن صورت دارند یاموافق مادهٔ ۸٦ بحکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد.

مادهٔ ۹۰ ـ مباشر ثبت تصدیق مطابق بودن صورت ثبت دفتر رابا اصل ثبت وسوادسند رابا اصل‌سند باترتیبات مقرره بعمل میآورد .

مادهٔ۹۱ ـ دادن صورت ثبت سند یاسوادسند هردفعه‌باید دردفتر قیدشده ونیز تصریح‌شود که‌بکی داده‌شده است .

مادهٔ۹۲ ـ اشخاصیکه صورت‌ثبت‌سندرا میگیرندباید رسیدآنرا دردفتر فهرست‌مباشرت‌ثبت نوشته وامضاء نمایند .

مادهٔ ۹۳ ـ صورتیکه موافق قواعد مقرره نوشته وداده شده است حکم خود ثبت دفتر واصل سندرا دارد وهمچنین‌سوادی‌که بارعایت ترتیبات قانونی داده شده است‌حکم‌اصل سندرادارد مادامی‌که‌مطابق نبودن صورت‌راباثبت دفتریاثبت‌دفتررابااصل‌سندیامطابق نبودن سواد رابااصل سند طرفی‌که بعلیه اوآن صورت یاسواد ابراز شده است ثابت ننموده ولی درمواردی که قانون ابراز اصل سندراتقاضا میکند ابراز صورت‌یا سوادی که ازمباشرت ثبت اسناد گرفته شده است بجای اصل جایز نیست .

قسمت چهارم

در تصدیقاتی که مباشرین ثبت میدهند

مادهٔ ۹۴ ـ تصدیقاتیکه مباشرین ثبت بموجب خواهش ارباب رجوع میتوانند بدهند در مواردمفصلة الذیل :

اولا ـ تصدیق مطابق بودن سوادبا اصل سند .
ثانیاً ـ تصدیق اصالت امضاء .
ثالثاً ـ تصدیق اینکه درچه تاریخ سندی دردفاترثبت ثبت شده است .
رابعاً ـ تصدیق اظهاریکه ازطرف شخصی توسط مباشرثبت بشخص دیگری شده‌است.
خامساً ـ تصدیق هویت .
سادساً ـ تصدیق حیات .

مادهٔ۹۵ ـ تصدیق زنده بودن‌کسی را وقتی مباشر ثبت می تواند دادکه یقین داشته باشد آن شخص در حال حیات است و اگرمحتاج بتشخیص هویت او باشد اقداماتی راکه در تشخیص هویت مقرر است بعمل می‌آورد و باید در تصدیق‌نامه تصریح کند که تا چه تاریخ وبکدام وسیله یقین به حیات‌آن شخص داشته و چه اقدام دراطلاع به حیات‌یا تشخیص هویت اونموده است .

مادۀ۹۶- درمواردتصدیق مطابق بودن سواد بااصل‌سندی که بمباشر ثبت ارائه میشود مشارالیه باید سواد رابا اصل مطابق نموده ودر تصدیق قیدکندکه چه‌کس اصل را باو ارائه داده وسواد ازاصل برداشته شده‌است یا ازسواد دیگری ودراصل یاسوادجای تراشیده یاپاك شده یاکلمات زیادشده ویاملاحظات مخصوص دیگری بوده یا نه .

مادۀ۹۷- تصدیق اصل بودن امضاء ازقرارذیل، بعمل میآید: هرگاه سندی راطرفین یا طرف درحضورمباشرثبت امضا نکرده‌اند یاباید درحضور اوامضاکنند ویاباید درحضوراو اقرارنموده اقرارخود را امضا نمایند.

مادۀ۹۸- تشخیص هویت اشخاصی‌که تصدیق اصالت امضاء میخواهندومباشرثبت‌آنان را نمی‌شناسد بترتیبی‌که درمادۀ۵۳ و۵۴ معین شده است بعمل‌میآید وتصدیق اصل بودن امضا را مباشرثبت درروی اصل‌سند نوشته وامضا میکند .

مادۀ۹۹- تصدیق اینکه درچه تاریخ سندی دردفاتر ثبت اسناد ثبت شده است درروی خودسند بعمل میآید وقید میشودکه چه شخص آن سند راآورده بوددرچه تاریخ وبخواهش چه شخص یا چه اشخاص‌آن سند در دفتر ثبت اسناد ثبت شده‌است .

مادۀ۱۰۰- درصورتیکه شخصی‌بخواهد بطرف خودایفای حقی‌یا ادای تکلیفی رااعلام نماید ممکن است‌که آن اعلام را توسط مباشرثبت بعمل‌آورد مثلااعلام موجر بمستأجر در تخلیه‌خانه یا اظهار طلبکار بمقروض درتأدیه دین ولی درکلیه این‌موارد باید اعلام‌برای نیل بمقصودی نباشدکه برخلاف قوانین است .

مادۀ۱۰۱- مباشرثبت دراین موارد تصدیقنامه اعلامی راکه بتوسط اوبعمل‌آمده‌است بهریك ازطرفین‌که بخواهند میدهد و جواب طرف را با اظهاری‌که باوابلاغ شده‌است در تصدیقنامه میتوان قید نمودولی مشروط براینکه یاطرف، خودش آن‌قیدرابخواهد ویا رضایت خودرا ابرازو امضاء نماید.

مادۀ۱۰۲- درصورتیکه طرف غائب باشد یابواسطه مرضی‌یا جهات مشروع دیگری یابلاعذرمباشرثبت را نپذیردیاپذیرفته جوابی باظهاراو ندهد مباشرثبت بخواهش‌رجوع‌کننده میتواند مراتب راتصدیق نماید.

مادۀ ۱۰۳ - تصدیق هویت‌کسی بدینطور بعمل میآیدکه بدواً باید مباشرثبت یقین کامل‌حاصل‌کند شخصی‌که تصدیق میخواهد فی‌الواقع خوداواست وهرگاه تصدیق‌خواهنده را نشناسد بایدموافق مادۀ۵۳ و۵۴ اقدامات لازمه درتشخیص هویت مشارالیه وحصول اطمینان بعمل‌آورددراین‌نوع تصدیقات بایدمباشرثبت تصریح‌کندکه درچه تاریخ برای اویقین‌حاصل شده‌است‌که شخص‌تصدیق خواهنده خوداواست واقداماتی راکه برای تشخیص هویت اوکرده است درتصدیقنامه قیدکند .

مادهٔ ۱۰۴ ــ تصدیقاتی که مباشر ثبت موافق شرایط مقرره درقانون میدهد درمحاکم و ادارات دولتی معتبر ومحل اعتماداست مگر اینکه کسیکه بر علیه او تصدیق مباشر ثبت ابراز میشود مجعول بودن تصدیقنامه را مدلل کند .

مادهٔ ۱۰۵ ــ درهر تصدیقی که مباشر ثبت میدهد بایداسم اشخاص وشهرت ومحل اقامت آنان وتاریخ سال وماه وروزودرصورت لزوم ساعت ومضمون اقراریا اظهار نوشته شودودردفتر فهرست مباشرت ثبت تمام نکات مزبوره صریحاً قید میشود .

قسمت پنجم

اسنادیکه در مباشرت ثبت امانت میگذارند

مادهٔ ۱۰۶ ــ مباشرین ثبت می توانند درحضور شهود اسنادی راکه درمباشرت ثبت امانت میگذارند قبول نمایند هر گاه صاحب امانت بخواهدامانت خودرا درپاکت ممهور بمباشرت ثبت بسپارد باید درحضور دونفر شاهد یازیادترصورت مجلس راجع باسنادنوشته شده واسناد مذکوره درلف پاکت گذارده ومهرشده بمباشرت تودیع شود.

مادهٔ ۱۰۷ ــ مباشر ثبت قبض رسیدی نوشته خودش و اشخاصی که شاهد قضیه بوده اند امضا مینمایند ورسید را دردفتر فهرست ثبت میکنند.

مادهٔ ۱۰۸ ــ هر گاه ارباب رجوع بقبض رسیداکتفا نکرده بخواهند که درحضور شهود صورتمجلس نوشته شده تمام سند متناً وهامشاً در آن صورت قید شود و اگر اسناد در لف پاکت سر بمهر است شکل ظاهری پاکت و مهر تصریح شود مباشر ثبت مکلف است که آن تقاضای ارباب رجوع راایفا نموده صورت مذکورراترتیب داده بعدازامضای خودش وصاحب امانت وشهود صورت مذکوررامشارالیه دردفتر ثبت اسناد باترتیبات مقرره ثبت نموده بصاحب امانت بدهد .

مادهٔ ۱۰۹ ــ اشخاصی که امانات خودراپس میگیرند بایداستردادآنرا درحضوردونفر شاهد معتمد دردفترفهرست مهروامضا نمایند وامانات فقط وقتی مستردمیشود که قبض رسیدیا صورتمجلس رااعاده دهند یاصورت آنرا بترتیبی که درباب صورتهای اسناد تصریح شده تسلیم ویا حکم محکمه راکه صلاحیت دارد ابراز نمایند .

مادهٔ ۱۱۰ ــ اشخاصی که قبض رسید یاصورتمجلس ویا صورت اسناد مذکوره رابرای استرداد امانات ابراز مینمایند و معروف مباشر ثبت نیستند باید حق خودشان را درگرفتن امانات ثابت نمایند .

فصل دویم

در مشاغل مدیرهای ثبت ودفتردار کل وترتیب انجام آن

مادهٔ ۱۱۱ ـ مشاغل مدیرهای ثبت ازقرارتفصیل است :

اولا ـ ترتیب دفتر راکد و مسئولیت تنظیم آن موافق نظامنامه‌ای که وزیر عدلیه مرتب مینماید .

ثانیاً ـ دادن صورت‌ثبت دفاتروسواداسنادمتعلقه بدفاتر که دردفتر راکد مضبوط است وقبول واسترداد امانات‌که بدفتر راکد تودیع شده است .

ثالثاً ـ فرستادن صورتی‌ازثبت املاك موقوفه بتمام مباشرین ثبت‌که درحوزهٔ محکمه ابتدائی متبوعه‌مدیرواقعند .

رابعاً ـ ترتیب‌دفترا شخاصیکه ورشکسته‌اعلان شده وهمچنین‌صورت اشخاصیکه درتحت قیمومت‌یاولایت شرعی اعلان شده‌اندبرای‌آنکه درمواقع‌لازمه باصورتیکه مباشرین‌ثبت موافق مادهٔ ۱۸ ترتیب میدهند مطابقه شود .

مادهٔ ۱۱۲ ـ دفتردارکل مکلف است دفتر راکدکل را موافق نظامنامه‌که وزیر عدلیه مرتب مینمایدتنظیم نماید وصورت ثبت دفاتری راکه دردفترراکدکل‌مضبوط است باشخاص ذیحق بدهد .

مادهٔ ۱۱۳ ـ معاونین مدیردفتر راکد ودفتردارکل به‌آنان درانجام مشاغل مرجوعه کمك مینمایند ولی‌صورت ثبت دفاتروسواد اسنادراجعه بدفاتررا فقط وقتی معاونین مزبوره میتوانند باشخاص‌لازم بدهندکه مدیریادفتردارکل‌غائب باشندودراین‌مواردبایدمعاونین‌موافق قوانین‌که برای مباشرین ثبت مقرر است رفتار نمایند .

فصل سوم

درحقوقی که اداره ثبت دریافت میدارد و ترتیب آن

مادهٔ ۱۱۴ ـ حقوقی‌که مباشرین‌ثبت اسناددریافت میدارندبردونوع‌است : حقوق‌نسبی وحقوق ثـابت .

حقوق نسبی باسنادی تعلق میگیرد که متضمن نقل و انتقال اموال باشد .
حقوق ثابت باسنادی تعلق میگیرد که موضوع آن نقل و انتقال اموال نباشد .
مادهٔ۱۱۵ـ تعرفه مخصوصی برای تعیین حقوقی که دراداره ثبت اسناددریافت میشود منضم باینقانون میباشد .

مادهٔ۱۱۶ـ هرگاه هردوطرف معامله برای استفاده قانونی باداره ثبت اسنادرجوع نمایندحقوق‌مقرره رابالمناصفه میپردازندوالافقط طرفی‌که باداره مذکوره رجوع میکندولی هرگاه اصحاب معامله قراری درباب تأدیه حقوق مابین‌خودشان داده باشند موافق قرارداد آنان باید رفتار شود .

مادهٔ۱۱۷ـ پس ازثبت سند مباشر ثبت مبلغ دریافتی راباتمام حروف‌درذیل‌ثبت‌سنددر دفتر ودرروی سند مینویسدولی درصورتیکه معادل وجه دریافتی برروی سند تمبردولتی‌الصاق شده باشد نوشتن وجه در روی سندلازم نیست .

مادهٔ۱۱۸ـ درخصوص دریافت حقوق دولتی مباشرین‌ثبت مکلف نیستنداسنادرادرنوع وطبقه‌که طرفین اظهارمیدارند قراردهند وهمچنین‌نبایدبواسطه تأویلات وتفسیرات خودسرانه آنچه راکه درمفادعبارات اسناد مفهوم نمیشودفرض نمایندبلکه بایدنوع حقیقی سندراماًخذ قرارداده موافق تعرفه حقوق دولت را دریافت‌کنند .

مادهٔ۱۱۹ ـ مباشر ثبت حق داردصحت اقراراتی راکه درحضور او میشود وهمچنین صحت مندرجات اسناد را برای حفظ حقوق دولتی تفتیش و تحقیق نماید .

مادهٔ ۱۲۰ ـ ترتیب محاسبات اداره ثبت اسناد و تفتیش آن موافق محاسبات عمومی دولتی است ، ووزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه دستورالعمل اجرای آنرامرتب وابلاغ مینمایند .

باب سوم

در مجازات اجزای ادارهٔ ثبت ومقرری آنان

فصل اول ـ در مجازات

مادهٔ۱۲۱ـ هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد یکی ازتقصیرات مفصله ذیل را مرتکب

شوند ازشغل خودمعزول و بهیچ خدمت دولتی قبول نمیشوند بعلاوه ازدوسال الیچهار سال محبوس خواهند شد :

اول ـ اسنادی که بجهات ظاهره ازسندیت افتاده قبول وثبت نمایند. مثل اسناد مجعوله و محکوکه وقلمرفته وامثال آنها.

دوم ـ سندی را بدون حضورطرفین یایك طرف یاوکیل ثابت الوکالهٔ آنان ثبت کنند.

سوم ـ سندی راباسم کسانیکه آن معامله رانکرده اند ثبت کنند.

چهارم ـ تاریخ سندی یاثبت سندی رادردفترمقدم یامؤخر ثبت کنند.

پنجم ـ قسمتی ازدفاتر خودرا مفقود یامکتوم کنند یاورقی بکشند یا به تزویر دیگری ثبت سندی راااز استفاده بیندازند.

ششم ـ دفتررا بتراشند ویاپاك کنند خواه کلمه رابکلمه دیگر تبدیل ویاحذف نمایند.

مادهٔ ۱۲۲ ـ هرگاه اجزاءادارهٔ ثبت اسناد سندی رابدون تحقیق هویت اشخاص یاباعدم علم بصلاحیت اصحاب معامله یاباعلم بعدم قابلیت موضوع معامله ثبت کنند ازشغل خودمعزول و بهیچ خدمت دولت قبول نمیشوند.

مادهٔ ۱۲۳ ـ هرگاه اجزاء ادارهٔ ثبت اسنادسندی راکه مفاد آن مخالف قوانین مقرره است ثبت کنند ازششماه الی یکسال ازشغل خود منفصل میشوند.

مادهٔ ۱۲۴ ـ هرگاه اجزاء اداره ثبت اسناد صورت ثبت یاسواد سندی را بکسانیکه در این قانون رخصت داده نشده بدهند یاخود اسنادیکه نزد آنان می آورند افشا نمایند یامضمون آنها رابکسانیکه حق ندارند توضیحات یااطلاعات دهند ازشغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نخواهند شد.

مادهٔ ۱۲۵ ـ هرگاه اجزاء اداره مزبوره تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد ازشغل خودمعزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نخواهندشد .

مادهٔ ۱۲۶ ـ هرگاه اجزاء اداره ثبت اسناد سندی راکه دراداره سربسته تودیع شده باز کنند ازشغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نگردیده وازیکماه الی ششماه محبوس میشوند وهرگاه خودیامضمون سندتودیع شده رابکسانی که حق استرداد آنرا ندارند ارائه یاافشاء کنند ازشغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نشده بعلاوه ازششماه الی یکسال محبوس خواهند شد.

مادهٔ ۱۲۷ ـ هرگاه اجزاء ادارهٔ مزبوره وجه ثبت را زیاده برمقداری کـه قانوناً مرخصند نگاهداشته بخزانه عاید ندارند باید بقدر آنچه زائد بر قدرقانونی نگاهداشته اندازمقرری خودروی آن گذاشته بخزانه دولت تسلیم کنند .

مادهٔ ۱۲۸– هرگاه اجزاء اداره ثبت اسناد وجه ثبت را عمداً کمتر از تعرفه اخذ نمایند دردفعه اول دومقابل آنچه کسر گرفته‌اند ودر دفعه دوم سه مقابل ودردفعه سوم چهار مقابل از مقرری آنها مسترد بخزانه دولت میشود واگر مقرری نداشته یاکفایت نکنند درهریك ازصور مزبوره درمقابل هریك تومان یك روزحبس خواهندشد ودردفعه چهارم علاوه بر ترتیب مقرر دردفعه سوم ازشغل خود نیز منفصل میشوند.

مادهٔ ۱۲۹–هرگاه معلوم شود یکی ازاجزاء اداره مزبوره بعد ازاخذ حقوق دولت تمام یاقسمتی ازآنرا پنهان کرده از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت قبول نمیشود بعلاوه از ششماه الی یکسال مقرری اومسترد وازششماه الی یکسال محبوس میشود.

مادهٔ ۱۳۰–هرگاه اجزاء اداره ثبت اسناد علاوه بر تعرفه وجهی اخذ کرده وبحساب دولت نیاورده باشند موافق مادهٔ ۱۲۸ مجازات میشوند و اگر زیاده را بحساب دولت آورده‌اند بواسطه غفلت موافق مادهٔ ۱۳۱ مجازات میشوند ودرهر دوصورت زیاده بصاحبش مسترد میشود.

مادهٔ ۱۳۱– هرگاه اجزاء ادارهٔ مزبوره مقررات این قانون رادر اصلاح جای سفید و کلمات زایده وعده وفاصله وتوافق سطور وسایر ترتیبات مقرره درمادهٔ ۶۷ و ۸۰ وهمچنین دستورالعملهای وزارت عدلیه رادر ترتیب دفاتر رعایت ننمایند دردفعه اول ثلث مقرری یکماههٔ آنان و دردفعه دویم مقرری یکماهه تمام مقطوع ودردفعه سوم ششماه ازاین خدمت منفصل میشوند.

مادهٔ ۱۳۲–هرگاه اجزاء ادارهٔ مزبوره بواسطهٔ تأخیر ازوقت حضور یاغفلت ومسامحه اموراداره رامعوق ومعطل دارند دردفعه اول اخطار کتبی ودردفعه دوم اخطار کتبی باقید دوورقه خدمت ودردفعه سوم وچهارم وبعدازآن بهردفعه بکسر مقرری یکماهه مجازات میشوند.

فصل دوم

درمقرری اجزاء اداره ثبت اسناد

مادهٔ ۱۳۳–مقرری اجزاء اداره ثبت اسناد موافق قانون مقرری مأمورین ومستخدمین دولتی معین میشود.

مادهٔ ۱۳۴– علاوه برمقرری مذکور اضافه ازمحل عایدات مباشرت ثبت همه ماهه برای مباشرین ثبت مقرر میشود ومقدارآن نبایدکمتر ازصدی دو وبیشتر ازصدی چهار عایدات مباشرت ثبت باشد واضافه هرمحلی را نظر بمقتضیات آن محل وزیر عدلیه بموافقت وزیر مالیه معین وبمقامات لازمه پیشنهاد میکنند.

مادهٔ ۱۳۵ ـ هرماه عشر مقرری هریك از اجزاء ادارهٔ ثبت اسناد و عشر آنچه علاوه برمقرری از عایدات بآنان داده میشود در صندوق عدلیه بعنوان ذخیره برای آنها محفوظ خواهد شد .

مادهٔ ۱۳۶ ـ هرگاه یکی ازاجزاء مرتکب تقصیری شده که برحسب این قانون مستلزم کسرمقرری اواست ازوجهی که برای اوذخیره شده تأدیه خواهدشد ودرصورت عدم کفایت از مقرری آنان مسترد میشود .

مادهٔ ۱۳۷ ـ هریك ازاجزاء که تاآخرسال مرتکب تقصیری که موجب انفصال یاکسر مقرری است نشده بحسب تقاضای خود اونصف آنچه درآنسال برای او ذخیره شده باو داده میشود و درصورت انفصال یا وفات تمام ذخیره بعد ازتأدیه حقوق متعلقه بآن بخود یاوارث او داده میشود .

تعرفهٔ اعمال ادارهٔ ثبت اسناد

مادهٔ ۱۳۸ ـ حقوقی که در ادارهٔ ثبت اسناد برای اعمال مقرره اخذ میشود از قرار تفصیل ذیل است :

(اول) برای ثبت اسنادیکه موضوع آنها عین مال غیر منقول است از قبیل قباله و بیع شرط ورهن ومصالحه نامه وهبه نامه وصداق نامه ووصیتنامه ووقفنامه وامثال آنها از هریکتومان نیم شاهی دریافت میشود.

(دوم) از ثبت اسناد متعلقه بـه اموال منقوله از نقود و اجناس و منافع اعیان از قبیل تمسکات و اجاره نامه و فته طلب و قبض و صداق نامه و غیرها بهریك تومانی ربع یك شاهی .

(سوم) برای ثبت کلیه اسنادیکه موضوع مالی نداردازقبیل طلاقنامه ووکالتنامه وقرارنامه واستشهادنامه وامثال آنها بهرسندی دوقران .

(چهارم) برای دادن صورت ثبت دفتر بهرصفحه ازدفتردوقران .

(پنجم) برای دادن سواد سند بهر صفحه که نمونه آنرا وزارت عدلیه معین و اعلام مینماید دوقران .

(ششم) ازتصدیق مطابقت سوادبااصل وتصدیق اصالت امضا وتصدیق اینکه درچه تاریخ سندی ثبت شده وتصدیق اظهار یااقرارکسی که ازهریکی دوقران .

(هفتم) ازتصدیق هویت یا حیات کسی بهریك چهارقران .

(هشتم) از تبلیغ اظهار کسی بکسی یا ثبت آن در دفتر پنجقران .

(نهم) حق‌الامانه برای حفظ هر یك سندی که باز باشد یا یك پاکت سر بسته اگرچه متضمن چند سند باشد تا شش‌ماه و کمتر از آن هرچند باشد پنجقران و بعد ازشش ماه اول تاشش ماه دیگر پنجقران وهکذا بهرشش ماه پنجقران وآخرین مدت بعد از شش ماه هرقدر باشد حکم شش ماه را دارد.

(دهم) قبض رسید امانت که بصاحب امانت داده میشود یکقران .

(یازدهم) صورت مجلس که بجای قبض امانت مرتب و بصاحب امانت داده میشود پنج قران .

تنبیهات

(اول) درهرمورد حق تعرفه کمتر از یکشاهی معفواست .

(دوم) کسور صفحه در فقره چهارم وپنجم ـ اگرسطورتا نصف صفحه نرسیده‌است نصف قیمت دریافت می‌شود واگر از نصف گذشت قیمت تمام صفحه دریافت می‌شود .

(سوم) مخارج حرکت درفقره هشتم بعهده رجوع کننده است .

ماده ۱۳۹ـ دایره ثبت اسناد درحوزهٔ محاکم ابتدائی که قانوناً تشکیل شده تأسیس خواهدشد ووزارت عدلیه قبل‌ازتأسیس دایره ثبت اسناد درمحلی‌بایدبدواً بودجه‌آنرا ازمقام مقننین گذرانیده بعداقدام در تأسیس دایره مزبوره بنماید .

قانون

اصلاح «قانون قبول ونکول بروات»*

مصوب چهارم برج جوزا مطابق ۲۶ جمادی الاولی۱۳۲۹ قمری

مادهٔ۱ـ اگر برات‌کننده دربرات تصریح باخذ وجه‌آن نموده بعد انکار مدیونیت کند ازاوپذیرفته‌نخواهد شد .

مادهٔ۲ـ برات‌گیرنده اولی میتواند وجه آنرا ازکسی دیگر گرفته برات را باسم او

---

*این قانون بموجب مادهٔ ۲۴۲ (قانون تجارت) مصوب۱۳۰۳ و۱۳۰۴ شمسی‌نسخ شده است .

نماید و دومی بسومی وهکذا هرچند نفر باشند در اینصورت تمامی برات کنندگان مدیون یکدیگرند باین معنی که درصورت پروتست برات هرلاحق بسابق خودرجوع کردهوجه خودرا دریافت میدارد تا برسد بحواله کننده اولی ولی اگریکی از ایادی متوسطه غیرمعتبردرآمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خودرا دریافت کند .

مادۀ ۳- هرگاه کسی که برات بعهدۀ اواست بعد ازقبول نوشتن‌ازاداء تمام یاقسمتی ازوجه‌آن امتناع کند دارندۀ برات‌آنرامطابق موادآتیه بپروتست رسانیده ومطالبه وجه‌آنرا موافق ماده دوم مینماید.

مادۀ۶- نسخ‌شده‌است.

مادۀ۷- شخصی که باوحواله شده میتواند قسمتی‌ازمبلغ حواله شده را قبولی بنویسد دراینصورت بقیه وجه برات رادارنده برات میتواند پروتست نماید درهیچ موردقبولی نباید معلق بشرط باشد.

قانون طبابت*

مصوب ۳جمادی الاخری ۱۳۲۹ قمری

مادۀ۱- هیچکس در هیچ نقطه ایران حق اشتغال بهیچ یك از فنون طبابت و دندانسازی نداردمگرآنکه‌ازوزارت‌معارف اجازه نامه گرفته و بثبت وزارت داخله رسانیده باشد .

مادۀ۲ - در آتیه اسنادیکه وزارت معارف آنرا رسماً شناخته و بصاحب آن اجازه نامه خواهد داد ازاین قراراست :

اولاً - تصدیق‌نامه‌هائی که‌درمملکت‌ایران بتوسط مدارس‌طبی‌دولت‌داده میشود.

ثانیاً - تصدیق‌نامه‌های طبی دولتی ممالك خارجه .

مادۀ۳ - گیرنده اجازه‌نامه طبابت مبلغ پنج تومان بصندوق‌وزارت معارف باید کارسازی نماید .

---

*درتاریخ۲۸شهریورماه۱۳۰۶قانونی‌راجع به‌اجازه‌نامه طبابت ودرتاریخ دوم‌آذرماه ۱۳۰۶ مـاده‌الحاقیه بقانون مذکورتصویب شده‌است .

مادهٔ ۴ ـ اشخاصی که هیچ یك از تصدیق نامه های مذکور درمادهٔ دویم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنجسال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده اجازه‌نامه بآنها داده نمیشود واز مداومت بشغل مزبور ممنوع خواهند بود.

مادهٔ ۵ ـ اشخاصی که دارای هیچیك از تصدیقنامه‌های مذکور در مادهٔ دوم این قانون نیستند و بیش از پنجسال وکمتر از ده سال درطهران طبابت کرده‌اند اجازه‌نامه طبابت میتوانند بگیرند مشروط براینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوصی که برطبق مادهٔ هشتم این قانون در وزارت معارف منعقد میشود امتحان دهند یا آنکه تا مدت چهارماه یکی از اسناد ذیل را بوزارت معارف ارائه دهند :

اولاً ـ تصدیق تحصیل وتلمذ در مطب یکی ازاطبای معروف مشروط براینکه در آن تصدیق نامه ذکر شده باشد که دارندهٔ آن لااقل پنجسال بالاستمرار از تلامذه او بوده است .

ثانیاً ـ تصدیقنامهٔ اطبای مریضخانه دولتی وآمریکائی .

توضیح ـ تصدیقنامه های مذکورفقط تا چهارماه بعد ازنشراین قانون اعتبار خواهد داشت ووزارت معارف برطبق آن اجازه‌نامه طبابت خواهد داد بعدازانقضاء آن مدت آن تصدیقنامه‌ها ازاعتبارخواهد افتادوفقط اسناد مذکور درمادهٔ دویم این قانون برای تحصیل اجازه‌نامه طبابت معتبر خواهد بود .

مادهٔ ۶ ـ اشخاصی که بیش ازدهسال درطهران استمراراً مشغول طبابت بوده‌اند بهرحال حق دارند اجازه‌نامه طبابت بگیرند .

مادهٔ ۷ ـ برای آنکه اشخاص مذکوردرماده پنجم وششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده اجازه‌نامه بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهارماه کمیسیونی در

وزارت‌معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور میتوانند خودشانرا بآن‌کمیسیون معرفی نمایند وکمیسیون مزبور مرکب خواهد بود :

اولاً ـ ازیکنفر از معلمین طب مدرسه دارالفنون .

ثانیاً ـ ازیکنفر از اطبای مریضخانهٔ دولتی .

ثالثاً ـ از یکنفر از اطبای مریضخانه آمریکائی .

رابعاً ـ ازیکنفر از اطبای معروف ایرانی .

خامساً ـ از دونفر نمایندهٔوزارت‌معارف که یکی ازآنان رئیس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود .

مادهٔ۸ ـ ازتاریخ نشراین قانون تامدت سه سال هرسال دونوبت دربهاروپائیز یك‌کمیسیون در وزارت‌معارف‌منعقد خواهد شد برای اینکه مطابق مادهٔ پنجم این قانون اشخاصی را که بیش از پنجسال وکمتر از دهسال در طهران طبابت‌کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند وخودرا بکمیسیون مذکور درماده قبل معرفی نموده‌اند بمعرض امتحان درآورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود :

اولاً ـ از معلمین رسمی طبی دارالفنون .

ثانیاً ـ ازچهارنفر ازاطبای معروف .

ثالثاً ـ ازیکنفر نمایندهٔوزارت‌معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود .

تعیین اشخاص‌مذکور باوزارت‌معارف‌است .

مادهٔ۹ ـ اشخاصیکه تاتاریخ نشر این قانون درولایت مشغول طبابت بوده یا در طهران وولایات دندانسازی میکردند باید تا یکسال بعد از نشر این قانون خود را بوزارت‌معارف‌معرفی‌کرده برای مداومت بشغل مزبور اجازه نامه تحصیل نمایند لیکن پس‌ازانقضای یکسال درهیچیك از نقاط ایران بهیچکس اجازه‌نامه طبابت ودندانسازی داده نخواهد شد مگر بموجب اسناد مذکور در مادهٔ دوم این قانون .

مادهٔ ۱۰ – هرکس برخلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول اخطار میشود ودر نوبت دوم چهارماه محبوس و در نوبت سوم یکسال محبوس خواهد شد .

مادهٔ ۱۱ – بعدازانتشاراین قانون هیچ طبیبی برای امورصحیه وطبیه‌درادارات دولتی مستخدم واجیر نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور درمادهٔ دوم دارای اجازه نامهٔ طبابت باشد .

مادهٔ ۱۲ – نسخهٔ رمزکلیتاً ممنوع است وهرطبیبی که نسخهٔ رمز بدهد مجازات اوچهارماه حبس خواهد بود .

مادهٔ ۱۳ – وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول مادهٔ اول این قانون از چهارماه بعد از نشر آن در طهران و از یکسال بعد از نشر آن در ولایات بموقع اجراگذاشته شود .

قانون

الغای مالیات نمك *

مصوب۳ جمادی‌الاخری ۱۳۲۹

مادهٔ واحده – مجلس‌شورای‌ملی‌قانون مورخه۳ربیع‌الاول۱۳۲۸راجع بانحصار نمك را نسخ مینماید .

قانون

تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران**

مصوبه۱۵جمادی‌الثانیه۱۳۲۹قمری

مادهٔ۱ – خزانه‌دارکل‌ممالك محروسه‌ایران مأمور نظارت مستقیم وواقعی‌تمام معاملات

---

* رجوع بصفحهٔ ۲۴۰

** این قانون معروف به (قانون۲۳جوزا) وبموجب قانون (نسخ قانون۲۳جوزا) مصوب۲۶حوت۱۳۳۳ قمری نسخ شده است .

مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات ازهر قبیل و تفتیش و محاسبات تمام مخارج دولتی میباشد .

مادهٔ ۲ ـ خزانه‌دار کل مکلف است تشکیلات ذیل رادروزارت مالیه برقرار نماید:

(۱) اداره کل دریافت مالیات وعوارض وعایدات دولتی ازهر قبیل اعم ازمالیاتها وعوارض موجوده یا مالیاتهائیکه درآتیه برقرار خواهد شد .

(۲) اداره کل تفتیش و نظارت ومحاسبات کلیه عایدات ومخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجعه به آنها .

(۳) اداره کل معاملات نقدی که کلیه معاملات دولت با بانك واعمال راجعه بضرب سکه وصرافی Change واستقراض ومرابحه واستهلاك واستحاله وامتیازات وقراردادهای مالیه اعم ازاینکه قراردادهای مزبورعایداتی برای دولت تحصیل نموده یامتضمن تعهدات مالیه از طرف دولت باشد بارعایت قوانین مقرره راجع به‌آن اداره خواهدبود.

مادهٔ ۳ـ خزانه‌دار کل درهر یك ازادارات سه گانه مذکوره درمادهٔ دویم دوایروشعباتی راکه برای جریان امورآنها لازم بداند دایرخواهدنمود .

مادهٔ ۴ـ بعدازدایر نمودن تشکیلات مرکزی لدی‌الاقتضا خزانه‌دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات درهریك ازولایات لازم بداند برقرارخواهدکرد.

مادهٔ ۵ـ خزانه دار کل مأمور نگاهداری خزانهٔ مملکت است و هیچیك از مخارج دولتی بدون امضا (در حوالجات مستقیم) ویا تصدیق او (درحوالجات اعتباری) پرداخته نخواهد شد .

مادهٔ ۶ـ خزانه‌دار کل نظامنامه‌هائی راکه برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکوره درمواد فوق لازم است تدارك نموده ونظامنامه‌های مذکور بعدازآنکه به‌امضای وزیرمالیه رسیدواعلان شدلازم الاجراء خواهدبود .

مادهٔ ۷ـ برای تشکیل هیئت مخصوص تفتیش مبلغ شصت‌هزارتومان بخزانه‌دار کل اعتبار داده میشوددرصورتیکه برای تشکیل هیئت مزبوره مستخدمین جدید باکنترات لازم شود کنترات آن موافق معمول بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد .

مادهٔ ۸ـ تهیه بودجهٔ مملکتی که بایدازطرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهادشودیکی ازتکالیف خزانه‌دار کل خواهدبودوتمام وزارتخانه‌ها ومستخدمین دولتی مکلف هستنداطلاعاتی راکه مشارالیه لازم دارد بلاتأخیر تهیه وتسلیم نمایند .

مادهٔ ۹ـ خزانه‌دار کل مکلف است هر نوع صرفه‌جوئی که مقتضی باشد درمصارف ومعاملات دولتی بعمل آوردواین یکی ازتکالیف حتمیه اواست .

مادهٔ ۱۰ ـ خزانه‌دار کل مکلف است هر سه ماه یکمرتبه راپرت مفصلی درخصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید .

مادهٔ ۱۱ ـ خزانه‌دار کل مطالعات لازمه را دراصلاحات قوانین موجوده مالیه وایجاد منابع جدیده عایدات که مقتضی وصلاح و مناسب مملکت باشد مینماید که بتوسط هیئت دولت بمجلس شورای ملی پیشنهادشود .

مادهٔ ۱۲ ـ اختیاراجزای اداراتی که بموجب موادفوق درتحت ریاست خزانه‌دار کل دایرمیشود با خود مشارالیه است .

قانون

تعرفهٔ مخابرات تلگرافی

مصوبه ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ ۱ ـ قیمت مخابرات تلگرافی درتمام خاك ایران بخط فارسی تا ده کلمه اول دوهزاروده شاهی وبعد هرکلمه پنج شاهی است .

مادهٔ ۲ ـ پرداخت قیمت مخابرات تلگرافی اعم ازسؤال یاجواب بعهدهٔ تسلیم کنندهٔ صورت تلگراف است .

مادهٔ ۳ ـ سؤال کننده میتواند مطالبه‌جواب کند درصورتیکه هنگام‌مخابره‌سؤال قیمت هرعده‌کلمه راکه برای جواب خودکافی میداند بدفتر تلگراف تحویل نمایدکه اول‌آن ده‌کلمه خواهد بود تلگراف‌خانه درآن صورت مکلف است عدهٔ‌کلماتی‌که وجه آن دریافت شده بمخاطب اعلام نماید .

مادهٔ ۴ ـ هرگاه بعد ازانقضای مدت پانزده روزجواب نرسید اداره قیمت‌جواب را بسؤال‌کننده رد خواهدکرد وپس ازآن اگر مخاطب بخواهد جواب بدهد بایـد از عهدهٔ قیمت برآید .

مادهٔ ۵ ـ ادارهٔ تلگراف دربرابرقیمت مخابرات معادل‌وجهی که‌دریافت میدارد

تمبرروی قبض که بحامل میدهد الصاق خواهد نمودکه نصف آن روی قبض و نصف روی سوش (ته ورق کتابچه) خواهد بود .

مادۀ۶ – قیمت قبض تلگرافی پنجشاهی است .

مادۀ۷ – درمواقعیکه ادارۀ تلگراف بتواند قبول مخابرات فوری و حضوری نماید قیمت مخابرات حضوری دو برابر و مخابرات فوری سه برابر تلگرافات معمولی است .

مادۀ۸ – مدلول مادۀ سوم و چهارم وهفتم درروی تمام اوراق تلگرافی بطبع خواهد رسید .

مادۀ۹ – اسم مقصد جزوکلمات محسوب میشود .

مادۀ ۱۰ – اشخاصی که خواسته باشند میتوانندآدرس خود را بطوراختصار بادارۀ تلگراف معرفی نمایند و دراین صورت اداره تلگراف مبلغ سه تومان سالیانه برای ثبت آدرس دریافت خواهد داشت .

مادۀ ۱۱ – قیمت مخابرات تلگرافی بخط لاتین بهرزبانی که باشد در داخله مملکت تا ده‌کلمۀ اول سه هزارودهشاهی است وبعد هرکلمه هفت شاهی است و در صورتی‌که عدۀکلمات معلوم نباشد هردوازده حرف یك‌کلمه محسوب خواهد شد .

مادۀ ۱۲ – مواد این‌قانون شش ماه پس ازامضاء درتمام مملکت‌مطابق نظامنامۀ اداری وزارت تلگراف بموقع اجراگذاشته میشود وتمام مقررات سابق راجع باین‌مواد منسوخ خواهد شد .

مادۀ ۱۳ – مخابرات تلگرافی سوای مخابرات سلطنتی مجانی نخواهد بود و وجه‌گرفته میشودولی برای هروزارتخانه وانجمن‌های ایالتی وولایتی مبلغی‌اعتبارداده میشودکه اگرازآن مبلغ زیاد شد وجه‌آن را بدهند .

مادهٔ ۱۴ - برای اخذ سواد هر تلگراف موافق قوانین مقرره از هر یك کلمه تا صد کلمه اداره تلگراف مبلغ دوهزار دینار دریافت میدارد .

مادهٔ ۱۵ - هر گاه سواد تلگراف از یکصد کلمه تجاوز کرد بهر یکصد کلمه پانصد دینار دریافت خواهد شد .

تفسیر مادهٔ هفتم

متمم قانون وظایف

مصوبه ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۹ قمری

مقصود از حقوق شخصی وراث که در مادهٔ هفتم متمم قانون وظایف ذکر شده اعم از حقوق نقدی تنها یا حقوق جنسی تنها یا حقوق نقدی و جنسی به ضمیمهٔ یکدیگر است و ترتیب تقویم حقوق جنسی بنحوی است که درمادهٔ هشتم قانون وظایف مقرر است .

قانون

حکومت نظامی

مصوبه ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ۱ - ازوقتی که اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع بـه امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیئت وزراء بتوسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد.

مادهٔ۲ - باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که بـا سرعت وشدت در تقصیرات واقداماتی که برضد امنیت وآسایش عمومی است رسیدگی نمایند .

* رجوع بصفحه ۲۴۵ قانون (متمم قـانون وظایف)

مادهٔ۳ ـ تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند .

مادهٔ۴ ـ اشخاصیکه عملا برضد دولت مشروطه وامنیت وآسایش عمومی اقدام وخیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود .

مادهٔ۵ ـ اشخاصی که سوء ظن مخالفت بـا دولت مشروطه وامنیت و انتظـام عمومی درحق آنها بشود قوهٔ مجریه حق توقیف آنان را خواهد داشت و پس از توقیف باستنطاق آنان شروع میشود هرگاه دراستنطاق سوء ظن بکلی رفع نشود شخص مظنون درتوقیف باقی وبعد ازاختتام حکومت نظامی بعدلیه تسلیم خواهد شد .

مادهٔ۶ ـ هرگاه هیئت حاکمه محاکم نظامی تخفیف مجازات مقصری رامقتضی بدانند این حق راخواهند داشت که بتوسط وزراء مسئول ازمقام نیابت سلطنت تخفیف مجازات شخص مقصررا درخواست نمایند وغیرازهیئت حاکمه احدی حق این توسط را نخواهد داشت .

مادهٔ۷ ـ مأمورینی‌که تأمین‌شهر بعهدهٔ آنان واگـذار است در صورت سوء ظن حق دخول بمنازل و اجرای تحقیقات خواهند داشت درصورت مقاومت ومخالفت‌جبراً میتوانند داخل شوند ومخالف ومقاوم قهراً دستگیروموافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهد شد .

مادهٔ۸ ـ روزنامه جات و مطبوعات اگر برضد اقـدامات دولت انتشاراتی بطبع رسانند نمرات روزنامه و ادارهٔ روزنامه توقیف خواهـد شد در صورتی کـه تحریك بضدیت دولت شده باشد متصدیان یا مدیران‌آنهـا موافق حکم محکمه نظامی‌مجازات خواهند شد .

مادهٔ۹ ـ مجازاتیکه درحق مستخدمین دولت و کسانی‌که متصدی اموردولتی بوده‌اند مقررمیشود قابل تخفیف نیست .

مادهٔ ۱۰ – اجتماعات وانجمن‌ها درمدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروك باشد اگراجتماعی منعقد شود بمجرد اخطار اولی پلیس باید متفرق شوند ودر صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب به محکمه نظامی ومحکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلا یا بعضاً مسلح باشد مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف وموافق حکم محکمه نظامی مجازات میشوند .

مادهٔ ۱۱ – حمل اسلحه از هرقبیل جز بـرای مأمورین دولت‌که مأمور نظم و امنیت عمومی هستند اکیداً ممنوع است هرگاه سلاحی در دست‌کسی غیر از مأمورین دولت‌دیده شود اسلحه‌ضبط دولت‌وحامل‌آن موافق حکم‌محکمهٔ نظامی‌مجازات میشود.

مادهٔ الحاقیهٔ اول – مأمورینی که‌افشای‌اسرار تلگرافی وکتبی دولت‌را بنمایند جلب بمحکمه نظامی شده قویاً سیاست خواهند شد .

مادهٔ الحاقیهٔ دویم – حکومت نظامی شامل نقاطی خواهد شدکه دولت‌درآن نقاط اعلان حکومت نظامی را لازم بداند .

قانون

حقوق وراث متوفیات کمتر ازدوتومان

مصوبه ۱۷ شهرشعبان‌المعظم ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ واحده – حقوق سهمی هریك از وراث‌که نقداً جنساً درسال از دوتومان تجاوزنکند وزارت مالیه ازطرف دولت پنج برابرمبلغ‌آنرا نقداً بدون‌کم وکسر بوراث داده وآن حقوق را ابدی ضبط مینماید .

قانون

اجازه افتتاح نه باب مدرسه ابتدائیه

مصوبه ۲۸ سنبله مطابق ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ ۱ ـ نه مدرسه ابتدائی که هریك دارای شش کلاس خواهد بود بشرح ذیل درمرکزطهران ومراکزایالات اربعه تأسیس میشود :

طهران (۵ باب) ـ شیراز (باب) ـ تبریز (باب) ـ مشهد مقدس (باب) ـ کرمان (باب) .

برای هریك باب ازپنج باب مدرسه طهران دویست وپنجاه تومان که یکهزارو دویست وپنجاه تومان است وبرای هریك ازمدارس مراکزایالات دویست تومان ازطرف دولت داده میشود .

مادهٔ ۲ ـ درکلیه کلاس‌های مدارس ابتدائی دولتی پسران نظر بحال فقراء نصف از شاگردان مجانی و نصف دیگر بـا اجرت مختصری که در مـادهٔ سوم مذکور است قبول می‌شوند .

مادهٔ ۳ ـ اجرتی که از شاگردان مدارس ابتدائی دولتی گرفته می‌شود از ایـن قرار است .

درکلاس اول ودویم سالیانه شش تومان ـ کلاس سوم وچهارم نـه تومان کلاس پنجم وششم دوازده تومان ـ واین جمله بسه قسط گرفته میشود .

مادهٔ ۴ ـ عدهٔ شاگردان هرکلاس متجاوزازسی نفرنخواهد بود .

مادهٔ ۵ ـ عایدات مدارس مزبوره ابتدائیه تحویل وزارت مالیـه شده بتصویب شورای معارف بمصرف تکمیل وتوسعه مدارس ابتدائیه میرسد .

درجلسه نهم شوال‌المکرم مطابق دهم میزان ۱۳۲۹ نسبت بمقرری مصوبه مادهٔ اولی معین ومبرهن شدکه دویست وپنجاه تومان ودویست تومان‌که ازطرف دولت داده میشود ماهیانه است .

قانون

انتخابات مجلس‌شورای‌ملی*

مصوب۲۸شهرشوال‌المکرم مطابق ۲۹میزان۱۳۲۹قمری

فصل اول

عده نمایندگان وتقسیم آنان بایالات وولایات

مادهٔ۱ - عدهٔ‌نمایندگان ملت برای مجلس‌شورای ملی درمملکت ایران‌یکصد وسی وشش نفراست .

مادهٔ۲ - تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت تخمینی ولایات ازقـرار شرح جدولی است‌که بآخراین قانون منضم شده است .

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

مادهٔ۳ - انتخاب‌کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند :

اول - تبعه ایران باشند .

---

* قسمتی‌ازموادقانون‌فوق بموجب‌قانون(نسخ‌واصلاح‌قسمتی‌ازموادقانون‌انتخابات)مصوب ۱۳۰۴شمسی (دوره پنجم تقنینیه) اصلاح وماده بندی‌آن تغییر نموده است .

دویم – لااقل بیست سال داشته باشند .
سوم – درحوزهٔ انتخابیه متوطن یا لااقل ازششماه قبل ازموقع انتخاب درآنجا ساکن باشند .

مادهٔ۴ – کسانیکه از حق انتخاب کردن محرومند:
اول – نسوان
دویم – کسانیکه خارج ازرشد وآنهاکه درتحت قیمومت شرعی هستند .
سوم – تبعه خارجه.
چهارم – اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام درحضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط بثبوت رسیده باشد .
پنجم – اشخاصیکه کمتر ازبیست سال‌دارند.
ششم – ورشکستگان بتقصیر.
هفتم – متکدیان و اشخاصیکه بوسائل بیشرفانه تحصیل معاش‌مینمایند.
هشتم – مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی‌شده‌اند .
نهم – مقصرین سیاسی‌که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند.

مادهٔ۵ – کسانیکه بواسطهٔ شغل ومقام خود از انتخاب کردن محرومند:
اول – اهل‌نظام بری وبحری باستثنای صاحبمنصبان‌افتخاری.
دوم – صاحبمنصبان و اجزای امنیه‌ونظمیه درمحل خدمت.

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

مادهٔ۶ – انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند:

اول ـ متدین بدین حضرت محمدبن عبدالله صلی‌الله علیه وآله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی وزردشتی وکلیمی).

دوم ـ تبعه ایران باشند .

سوم ـ خط وسواد فارسی باندازهٔ کافی داشته باشند .

چهارم ـ درمحل انتخاب معروف باشند .

پنجم ـ سن ایشان کمتر از سی وزیاده از هفتاد سال نباشد .

ششم ـ معروف بامانت ودرستکاری باشند .

مادهٔ۷ ـ اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند :

اول ـ شاهزادگان بلافصل (ابناء و اخوان واعمام پادشاه).

دوم ـ نسوان .

سوم ـ تبعه خارجه .

چهارم ـ مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری .

پنجم ـ حکام کل و جزو ومعاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود .

تبصره ـ سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس ازانتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خوداستعفاء دهند .

ششم ـ ورشکستگان بتقصیر .

هفتم ـ مرتکبین قتل و سرقت وسایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند .

هشتم ـ متجاهرین بفسق و اشخاصی که فساد عقیدهٔ دینی و خروجشان ازدین حنیف اسلام درنزدیکی ازحکام شرع جامع الشرائط ثابت و یابشیاع رسیده باشد.

نهم ــ مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام واقدام کرده‌اند .

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

مادهٔ ۸ ــ درمرکز هر حوزهٔ انتخابیه مطابق صورتیکه درجدول منضم باین‌قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل می‌دهد که متصدی ومسئول صحت انتخابات باشد و اگر تمام اهالی یك حوزهٔ انتخابیه نتوانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل‌آورند انجمن نظارت مرکزی با تصویب حکومت در نقاط لازمه انجمنهای نظارت جزو تشکیل خواهد داد که متصدی انتخابات شوند .

مادهٔ ۹ ــ در محل‌هائی‌که انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً برقراراست انجمن نظارت مرکب خواهد بود ازسه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی بانتخاب خود انجمن وچهارنفرازمردمان معروف به امانت وبا سواد ازطبقات اربعه علماء وتجار و اصناف واعیان و ملاکین به تعیین حاکم ــ انجمن نظارت انتخابات درهرمحل درتحت نظارت حاکم محل خواهد بود .

مادهٔ ۱۰ ــ درجاهائیکه انجمن ایالتی وولایتی نیست انجمن‌نظارت انتخابات مرکب خواهد بود ازسه‌نفرازمعتمدین اهل محل بعلاوه چهار نفر ازطبقات اربعه‌مذکوره درمادهٔ هشتم بتعیین حکومت .

مادهٔ ۱۱ــ انجمن نظارت ازمیان اعضای خود یکنفر رئیس ویك یادو نفر منشی انتخاب مینماید .

مادهٔ ۱۲ - انجمن نظارت دوهفته بعد از انجام انتخابات حوزهٔ انتخابیه متفرق میشوند .

فصل پنجم

طریق انتخابات

مادهٔ ۱۳ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی درکلیه مملکت ایران بطور یکدرجه ومستقیم است .

مادهٔ ۱۴ - درمحلهائیکه موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یکنفر نماینده دارند انتخاب فردی عمل میشود ودرمحلهائیکه بیش از یکنفر نماینده باید انتخاب نمایند انتخاب جمعی خواهد بود .

توضیح : مراد از انتخاب جمعی آنستکه هریك از انتخاب‌کنندگان در ورقهٔ رأی بعدهٔ مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص می‌نویسند و مراد از انتخاب فردی آنستکه هریك از انتخاب کنندگان در ورقهٔ رأی اسم یك شخص را می‌نویسند .

مادهٔ ۱۵ - انتخاب نمایندگان باکثریت نسبی است .

مادهٔ ۱۶ - درصورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هرعده‌که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود .

مادهٔ ۱۷ - ایلات عمده موافق حوزه بندی انتخابات هرکدام یك نماینده مستقیماً بعضویت مجلس شورای ملی میفرستند وسایرایلات‌که اسم آنها برده نشده در جزوهرحوزهٔ‌که هستند رأی خواهند داد .

مادهٔ ۱۸ - درهریك حوزهٔ انتخابیه‌که چندین نقطهٔ آن در انتخابات شرکت

دارند هرگاه بعضی از آن نقاط درمدتی که انجمن مرکزی درحدود همین قانون معین می‌کند انتخابات خود را بعمل نیاورند حق انتخاب آنان ساقط میشود وانتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است .

مادهٔ ۱۹– هریك از انتخاب‌کنندگان زیاده بریك مرتبه حق‌رأی دادن ندارند مگر درصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود .

مادهٔ ۲۰– انتخاب‌کنندگان مجبور نیستند نمایندهٔ خودرا ازساکنین محل‌خود انتخاب کنند .

فصل ششم

کیفیت دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان

مادهٔ ۲۱ – انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ده روز الی یك ماه قبل از موعد انتخاب اشاعه میدهد اعلان مزبور مطالب ذیل را دارا خواهد بود :

اول ـ شرایط انتخاب‌کنندگان وانتخاب شوندگان .

دوم ـ محل و اوقاتی راکه انجمن نظارت یا شعب آنورقه تعرفه خواهد داد .

سوم ـ مکان وزمانیکه انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود .

چهارم ـ عدهٔ نمایندگانیکه صاحبان تعرفه‌باید منتخب نمایند .

مادهٔ ۲۲– اشخاصیکه شرایط انتخاب‌کردن رادارا هستند اگردرظرف مدتی‌که انجمن نظارت بجهت‌گرفتن تعرفه معین نموده‌است تعرفه نگیرند درآن انتخابات حق ایشان ساقط است .

مادهٔ ۲۳ – تعرفهٔ که به انتخاب کنندگـان داده می‌شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود :

اول ـ نمره و تاریخ .

دویم ـ اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او و شغل ومنزل او .

سوم ـ زمان و مکانیکه دارندهٔ تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد .

چهارم ـ ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب .

پنجم ـ مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت .

مادهٔ ۲۴ ـ انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه‌هائی راکه میدهد بترتیب نمره درکتابچه مخصوصی ثبت میکنند .

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب شدگان

مادهٔ ۲۵ ـ بمناسبت اهمیت محل مدت اخذرأی از یك‌الی پنج‌روزخواهد بود بتعیین انجمن نظارت وپس از انقضای موعدی که انجمن نظارت برای اخذرأی معین‌میکند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد .

مادهٔ ۲۶ ـ دادن رأی بایدمخفی باشد وباین جهت دارنده تعرفهٔ قبل از ورود بمجلس انتخاب اسم یك یاچندنفرمنتخبین خودرامطابق عدهٔ‌که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی‌نشان باید نوشته وپیچیده با خود داشته باشد .

مادهٔ ۲۷ ـ پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی‌که اعلان شده قبل ازشروع بگرفتن اوراق رأی رئیس انجمن نظارت جعبهٔ را که برای ضبط اوراق‌رأی معین شده است درحضور اعضای انجمن وحاضرین ازانتخاب کنندگان بازنموده خالی بودن‌آنرا می‌نمایاند آنگاه درحضور جمع درب جعبهٔ مختوم شدهٔ اوراق رأی از شکافی‌که فوق جعبه است انداخته میشود .

مادهٔ ۲۸ ـ هریك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب

درکمال آرامی تعرفه وورقهٔ رأی خود را بیکی از اعضاء که برای این کار معین شده است میدهدگیرندهٔ تعرفه نمرهٔ تعرفه رابصوت بلند میگوید تامنشی انجمن نمره‌رادر کتابچه ثبت تعرفه پیداکرده نشان کند پس ازنشان کردن نمرهٔگیرندهٔ تعرفه آنرا ابطال نموده بصاحبش ردمینماید وورقه رأی‌اورا بدون نگاه‌کردن درجعبهٔ انتخاب میاندازد صاحبان تعرفه باحتیاط مواردی‌که تجدید انتخاب لازم شود تعرفهٔ باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت .

انتخاب‌کنندگان پس ازدادن ورقهٔ رأی وپس گرفتن تعرفه‌باطله درصورت‌تنگی جاواخلال نظم وترتیب انتخاب بامررئیس ازمجلس انتخاب خارج میشوند .

مادهٔ ۲۹ – درمحل هائی‌که‌انتخاب دریکروز تمام نمیشوددرختام مجلس آنروز تمام اعضاء بااحتیاطات لازمه جعبه ودفاتر راجع بانتخاب رابسته محفوظ گذاشته مهر کرده روزبعد همان اعضاء آنراباز میکنند .

مادهٔ ۳۰ – بعد ازاعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبهٔ انتخاب رادرحضور اعضاء وحاضرین ازانتخاب‌کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء مینماید .

مادهٔ ۳۱ – یکی ازاعضاء اوراق انتخاب‌راشمرده عدهٔ‌آن‌را باعدهٔ رأی‌دهندگانی که نمرهٔ تعرفه آنها درکتابچهٔ ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق میکند در صورت زیادتی اوراق رأی بعدهٔ اوراق زایده از کلیهٔ برداشته شده باطل میشود و نتیجه در صورت مجلس نوشته میشود .

مادهٔ ۳۲ –اوراق انتخاب را یکی از اعضاء بصوت بلند یك‌یك خوانده بیك نفردیگر از اعضاء می‌دهد وسه‌نفردیگر از اعضاء اسامی را بترتیبی که خوانده میشود مینویسند .

مادهٔ ۳۳ – هرگاه در اوراق انتخاب زیاده یاکمتر از عده معینه اسامی نوشته

باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد درصورت اول آن عدهٔ اسامی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نمیشود .

ماده ۳۴ - از اوراق رأی آنچه سفید یالایقرء باشد یاآنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضاء انتخاب کننده را داشته باشد یابیش ازیك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه‌صورت‌مجلس میشود .

مادهٔ ۳۵ - بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلام مینماید اوراق انتخاب راتا موقع انحلال انجمن نظارت محفوظ میدارندو درآن هنگام درمحضر حکومت وحضور جمعی از وجوه محل اوراق مذکوره رامعدوم میکنند باستثنای آنهاکه درمواد قبل ذکر شده و باید ضمیمه صورت مجلس بشود .

مادهٔ ۳۶ - در هرحوزه انتخابیه انجمنهای نظارت، نقاط جزو صورت مجلس انتخابات خودشان را بامضای اعضای انجمن رسانیده بانجمن نظارت مرکزی حوزه انتخابیه میفرستندتادر آنجابا ملاحظه صورت مجلس های انتخاباتکلیه نقاط مشترکه آن حوزه تشخیص نماینده منتخب حوزه رابنمایند .

مادهٔ ۳۷ - هرگاه‌بعضی ازانجمنهای نظارت نقاطجزو صورت‌مجلس انتخابات خودرا درمدتی‌که انجمن مرکزی برای‌آنها معین‌کرده بانجمن‌مزبور نفرستادندانجمن مرکزی انتخابات آن حوزه راخاتمه داده نتیجه را معین میکند ولی این امرمانعاز حق شکایت رأی دهندگان‌آن نقاط نخواهد بود .

مادهٔ ۳۸ - منشی انجمن‌نظارت مرکزی‌صورت مجلس‌انتخابات رادرسه‌نسخه حاضرکرده بمهر حکومت وبامضای اعضای انجمن نظارت رسانیده یك‌نسخه بحکومت نسخه دیگربتوسط حکومت ووزارت داخله بمجلس شورای‌ملی و نسخه‌ثالث باکتابچه ثبت اوراق تعرفه بانجمن ایالتی یاولایتی محل میفرستد .

مادهٔ ۳۹ ـ اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق ورود بمجلس انتخاب ندارند.

مادهٔ ۴۰ ـ ورود درمحوطه انتخاب باداشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

مادهٔ ۴۱ ـ اسامی انتخاب‌شده‌گان بعدازاتمام انتخابات ازطرف حاکم‌محل اعلان‌میشود

مادهٔ ۴۲ ـ نمایندگانی که بعضویت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بمهر یا امضاء اعضاءِ انجمن نظارت و حکومت محل اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفترمجلس شورای ملی نمایند.

مادهٔ ۴۳ ـ مادام که منتخبین اعتبارنامه نمایندگی نگرفته‌اند هرگاه یکی از ایشان فوت شود یاقبول نمایندگی ننماید ازبقیه منتخبین کسی که نسبتاً حائز اکثریت است بنمایندگی معین میشود ولی‌پس‌ازدریافت اعتبارنامه باید مطابق مادهٔ (۵۲) همین قانون‌عمل شود.

فصل هشتم

درشکایات راجعه بانتخابات

مادهٔ ۴۴ ـ اگر ازانتخاب‌کنندگان وانتخاب‌شوندگان کسی‌دربین‌انتخابات‌شکایت یا ایرادی راجع بانتخابات داشته باشد مانع‌ازانجام انتخاب نخواهدشد ولی شرح‌آن شکایت باید درصورت مجلس درج‌شود.

مادهٔ ۴۵ ـ انجمن نظارت بعدازختم‌انتخابات تایکهفته‌شکایات‌راجع به‌انتخابات را می‌پذیرد پس‌ازآن پذیرفتن شکایات را ختم‌کرده درظرف یکهفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی‌**مینما**ید.

مادهٔ ۴۶ ـ متشکیان از انتخابات یا از انجمن نظارت می‌توانند پس‌از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خودرا درظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهارنمایند وحکم مجلس شورای‌ملی قاطع خواهد بود شکایات راجعه بانتخاباتی‌که بعدازافتتاح

مجلس شورای ملی بعمل می‌آید باید درظرف ماه اول بعد از انحلال انجمن نظارت بمجلس شورای ملی اظهارشود .

مادهٔ ۴۷ ـ انتخاباتیکه مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد ازدرجهٔ اعتبارساقط است وتهدید ویاتطمیع کننده ازسه ماه الی یك سال محبوس میشود وبرای یك الی دو دوره انتخابیه ازحق انتخاب محروم خواهد بود .

مادهٔ ۴۸ ـ حق اعتراض برانتخابات رااشخاصی دارندکه حق انتخاب کردن را داشته باشند .

فصل نهم

مواد مختلفه

مادهٔ ۴۹ ـ همین‌که نصف بعلاوه یك نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی افتتاح می‌یابد و رأی ایشان باکثریت مناط اعتبار و مجری است .

مادهٔ ۵۰ ـ مدت دورهٔ تقنینیه دوسال‌شمسی‌است وابتدای آن ازروزی است‌که مجلس شورای ملی افتتاح میشود .

مادهٔ ۵۱ ـ مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً وایاباً ازقرارفرسخی پنجقران دولت ادا میکند مخارج لازمه متعلقه بانتخابات را به اطلاع حکومت دولت میپردازد .

مادهٔ ۵۲ ـ هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر بیش از سه ماه به آخر دوره تقنینیه باقی باشد اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد ولی اگر اهل محل در ظرف سه ماه از زمان اخطار نماینده

خودرا انتخاب نکردند مجلس شورای ملی یك نفر را عوض نماینده مستعفی یامتوفی انتخاب می کند .

مادهٔ ۵۳ - سه ماه بآخر هردوره تقنینیه مانده از طرف دولت اعلان شروع بانتخابات جدیدداده خواهدشدومردم می توانند هریك ازمنتخبین سابق را اگربخواهند دوباره انتخاب کنند .

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
آذربایجان – نوزده نفر	تبریز ، اوجان‌عباس ، مهرانه‌رود، دهخوارقان، گوگان، عجب‌شیر ، ارونق و انزاب ، آلان براغوش ، هشترود .	۹ نفر	تبریز
	اردبیل ، مشکین وآستارا ، نمین ولگج خلخال اجارود	۲ «	اردبیل
	قراچه‌داغ و ایلات ، خانمرود ، بدوستان	۱ «	اهر
	سراب ـ گرم‌رود	۱ «	سراب
	مراغه ، بناب ، چهار اویماق و ایلات ، میاندوآب ، افشار ، چهاردولی ـ صائن‌قلعه	۲ «	مراغه
	ساوجبلاغ مکری ، سلدوز	۱ «	ساوجبلاغ
	ارومی وتوابع	۱ «	ارومیه
	خوی ، ماکو ، سلماس ، مرند ، کرکریکانات	۲ «	خوی

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هرحوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
استراباد - یکنفر	استرآباد و توابع و بندر جز	۱ نفر	استرآباد
اصفهان - پنجنفر	اصفهان، برخوار، ماربین، بروحی رود، قهاب، کرارج، برآآن، رودشتین، اردستان، مهاآباد، قهپایه.	۳ «	اصفهان
	قمشه، سمیرم، جرقویه، ابرقوه، لنجان، دهاقان، اسفرجان.	۱ «	قمشه
	فریدن، چهارمحال، نجف‌آباد، کرون، دهق.	۱ «	نجف‌آباد
بروجرد و لرستان ٤ نفر	بروجرد، سیلاخور، جاپلق، بختیاری، چهارلنگ.	۲ «	بروجرد
	خرم‌آباد، پیشکوه، پشتکوه.	۲ «	خرم‌آباد

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
خراسان و سیستان ـ ۱۵ نفر	مشهد، چناران، رادکان ـ پیوه‌ژن، گلمکان، شاندیز، درزاب، اردمه، میان‌ولایت، سرجام، تبادکان، چولائی‌خانه، اخلومه، جام، باخرز	٤ نفر	مشهد
	کلات، دره‌جز، سرخس .	۱ «	دره‌جز
	ترشیز، کوه‌سرخ، بجستان .	۱ «	سلطان‌آباد
	سبزوار، مزینان، جوین، بام، صفی‌آباد، سرولایت .	۲ «	سبزوار
	تربت‌حیدریه وبلوکات ومهولات خوافین .	۱ «	تربت
	نیشابور وتوابع .	۱ «	نیشابور
	قوچان و شیروان .	۱ «	قوچان
	بجنورد واسفراین وجاجرم .	۱ «	بجنورد
	طبس، تون، بشرویه، گناباد .	۱ «	تون
	قاینات، خوسف، نهبندان طبس مسینا	۱ «	بیرجند
	سیستان .	۱ «	سیستان

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
خمسه ۳ نفر	زنجان و توابع، حومه سلطانیه، ابهررود، طارمات، افشار، ارباد، انگوران، دوبرن و سایر بلوکات	۳ نفر	زنجان
سمنان و دامغان یکنفر	سمنان، دامغان، جندق، بیابانك	۱ نفر	سمنان
ساوه و زرند یك نفر	ساوه، زرند، خلجستان، مزلقانچای و توابع	۱ نفر	ساوه
شاهرود و بسطام ـ یکنفر	شاهرود، بسطام، نردبن و توابع	۱ نفر	شاهرود
طهران - پانزده نفر	طهران، کن، سولقان، اواسانات، شمیرانات قصران، لورا، شهرستانك و سایر توابع.	۱۲ نفر	طهران
	غار، فشافویه.	۱ «	حضرت عبدالعظیم
	خوار، و رامین.	۱ «	ایوانکی
	شهریار، ساوجبلاغ اشتهارد، برقان، فشند	۱ «	گردان

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
دماوند وفیروز کوه یکنفر	دماوند ، فیررز کوه .	۱ نفر	دماوند
عراق - دو نفر	سلطان آباد ، کزاز ، فراهان ، خلجستان ، تفرش ، آشتیان ، گرگان ، شرا ، بزچلو ، سربند ، وفس	۲ نفر	سلطان آباد
عربستان - چهار نفر	دزفول و توابع .	۱ نفر	دزفول
	شوشتر وناصری و توابع	۱ «	شوشتر
	محمره و فلاحیه وجراحی و سایر بنادر	۱ «	محمره
	بنی طرف وحویزه و بساتین	۱ «	بنی طرف
فارس - سیزده نفر	شیراز ، سروستان ، کویم ، زرقان ، دشتک ، ارسنجان ، مرودشت ، نیریز ، اصطهبانات ، کازرون ، خشت ، بیضا ، اردکان .	۵ نفر	شیراز
	فسا ، داراب .	۱ «	فسا

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
بقیه فارس	آباده ، اقلید ، بوانات.	۱ نفر	آباده
	بهبهان، کوه‌کلویه.	۱ »	بهبهان
	بوشهر ، برازجان، خورموج ،شبانکاره، تنگستان	۲ »	بوشهر
	لار ، لنگه ، بستك	۱ »	لار
	عباسی ، میناب ، فورك ، طارم	۱ »	عباسی
	جهرم ، فیروز آباد ، فراش‌بند .	۱ »	جهرم
قزوین - دو نفر	قزوین، طالقان، خرقان ، افشار بکشلو ،الموت رودبار ، بلوك زهرا ، وایلات و غیره	۲ نفر	قزوین
قم - یکنفر	قم و توابع	۱ نفر	قم
کاشان دو نفر	کاشان ونطنز و جوشقان و توابع	۲ نفر	کاشان

اسامی ایالات و ولایات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
کردستان ٤ نفر	سنندج ، ئیلاق ، اسفندآباد ، چهار دولی ، حسین‌آباد ، قراتوره ، ساران ، هوماتو ، کلاترزان ، کوماسی ، مریوان ، اورامان ، تخت ژادم ، کاورود ، مور مور ، بیلوار ، امیرآباد، جوانرود ، اورامان‌لهون ، روانسر شادی‌آباد.	۳ نفر	سنندج
	سقز ، بانه ، خور خوره ، تیلکوه .	۱ نفر	سقز
کرمانشاهان-چهار نفر	کرمانشاه واطراف ، ماهیدشت ، دردفرامان ، میاندربند، زیردربند ، بلده ، جلالوند ، کلهر ، ذهاب ، کرند ، قصرشیرین ، سنجابی ، گوران ، سنقر ، کلیائی ، چمچال ، دینور ، هرسین ، بیستون ، صحنه ، کنگاور ، وسایر توابع	٤ نفر	کرمانشاهان
گروس یکنفر	بیجار وتوابع	۱ نفر	بیجار

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
کرمان و بلوچستان ۷ نفر	چترود ، کرمان ، ماهان ، قناتغستان ، لنگر ، سر اسیابین ، هوتك ، جوپار ، باغین ، کویرات ، کوهپایه ، خبیص ، تکابات ، کشیت ، سیرچ ، کوك ، راور ،	۲ نفر	کرمان
	رفسنجان ، انار ، نوق ، زرند ، کوهبنان ، خنامان	۱ «	رفسنجان
	سیرجان وایلات سته ، پاریز ، بردسیر ، اقطاع ، ایل افشار ، ایل لك ، بزنجان ، ارزویه ، رابر ، قریة العرب .	۱ «	سیرجان
	راین ، تهرود ، بم ، نرماشیر ، ریگان	۱ «	بم
	جیرفت اسفندقه ، جبال بارز ، رودبار ، ساردویه ، مهنی .	۱ «	جیرفت
	بلوچستان	۱ «	فهرج
گلپایگان و خوانسار کمره و محلات - دو نفر	گلپایگان وخوانسار .	۱ نفر	گلپایگان
	کمره ، سایر البلوك ، محلات	۱ «	محلات

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هرحوزه	عدهٔ نمایندگان هرحوزه	مرکزانتخابیه
گیلان - شش نفر	رشت وتوابع ، رحمت آباد ، رودبار.	۲ نفر	رشت
	انزلی ، غازیان وتوابع وتولم.	۱ «	انزلی
	خمسه طوالش ، ماسوله .	۱ «	گرگانرود
	فومن ، شفت، کسکر.	۱ «	فومن
	لاهیجان،لنگرود ، رودسر، دیلمان ، عمارلو.	۱ «	لاهیجان
مازندران - پنج نفر	ساری ، اشرف، سواد کوه، بندپی ، علی آباد، دودانگه،چهاردانگه .	۲ نفر	ساری
	بارفروش ، آمل ، مشهدسر، لاریجان ، نور، کجور، کلاردشت ، کلارستاق .	۳ «	بارفروش
ملایر و تویسرکان - ۲ نفر	ملایر وتویسرکان ، نهاوند .	۲ نفر	دولت آباد

اسامی ولایات وایالات	اسامی نقاط جزو هرحوزه	عدهٔ نمایندگان هرحوزه	مرکز انتخابیه
همدان ـ دو نفر	همدان ـ دردب ، بلوك مهربان، بلوك سردرود ، بلوك حاجیلو ، بلوك عاشقلو ، خدا بنده‌لو ، محال اسدآباد .	۲ نفر	همدان
یزد ـ چهار نفر	یزد ، حومـه ، اردکان ، کزاب ، رستاق ، اشك‌زر ، می‌بد، ندوشن ، مهریز ، هرات ، مروست ، بافق ، بهاباد ، شهر بابك ، تفت ، پیشکوه ، پشت کوه ، میان کوه .	۳ نفر	یزد
	نائین ، بافران ، محمدیه ، عقدا ، انارك.	« ۱	نائین
ایلات ـ پنج نفر	بختیاری .	۱ نفر	بتعیین وزارت داخله
	شاهسون آذربایجان .	« ۱	
	ترکمان یموت و کوکلان .	« ۱	
	قشقائی .	« ۱	
	ایلات خمسه‌فارس.	« ۱	
ملل متنوعه ـ چهار نفر	ارامنه آذربایجان و کلدانیان	۱ نفر	بتعیین وزارت داخله
	ارامنهٔ نقاط جنوب.	« ۱	
	زردشتی .	« ۱	
	کلیمی .	« ۱	

قانون اساسی معارف

مصوبهٔ پنجشنبه دهم‌شهرذیقعده۱۳۲۹قمری

مطابق بانهم عقرب ۱۲۹۰

مادهٔ۱ – مکتب ومدرسه عبارت است از تأسیساتی‌که برای تربیت اخلاقی و علمی وبدنی ابناء نوع دائر میگردد .

مادهٔ۲ – پروگرام‌مدارس ومکاتب ازطرف‌وزارت معارف‌معین میگردد و باید در پروگرام‌حیثیت علمی وصنعتی ونشو ونمای بدنی ملحوظ باشد .

مادهٔ۳ – تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است .

مادهٔ۴ – طریق تحصیل آزاد است لیکن هرکس بایدآن اندازه ازمعلوماتی‌را که دولت برای درجهٔ ابتدائی معین نموده تحصیل‌کند .

مادهٔ۵ – هرکس مکلف‌است اطفال‌خودرا ازسن‌هفت بتحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم ازاینکه درخانه باشدیا درمدرسه .

مادهٔ۶ – درصورت لزوم طبی‌یا وجود مانع بااطلاع مأمورین معارف تأخیر شروع درارسال طفل بمکتب جایزاست .

مادهٔ۷ – ملل‌غیر اسلامی درمدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان راندارند مجبور بتحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود .

مادهٔ۸ – مکاتب ومدارس بردوقسم است رسمی وغیر رسمی :
رسمی آنستکه ازطرف دولت دایر شده باشد ـ غیر رسمی آنستکه بانی‌مخصوص داشته باشد .

مادهٔ۹ – هرکس مدرسه غیررسمی افتتاح‌کند بایدبه اطلاع دولت برساند .

مادهٔ ۱۰ – کسی که میخواهد مدرسه افتتاح کند باید رعـایت شرایط ذیل را بنماید :

۱ – مدیر مدرسه کمتر ازسی سال نباید داشته باشد .

۲ – بنای مدرسه راموافق ملاحظات حفظ الصحه که ازطرف وزارت معارف مقرر شده است فراهم نماید .

۳ – درمدارس ابتدائی مدیر باید دارای تصدیقنامهٔ تحصیلات مدارس متوسطه و درمدارس متوسطه دارای تصدیق نامهٔ تحصیلات عالیه باشد .

۴ – مدیر مدرسه باید معروف بسوء عقیده واخلاق وعادات ذمیمه نبوده مرتکب جنحه وجنایتی نشده باشدومعلمینی راهم که انتخاب میکندباید علاوه برشرایط مزبوره هرکدام درفن خود تصدیق رسمی وزارت معارف رادارا باشند .

مادهٔ ۱۱ – هرکس درهرجا تحصیل کرده باشدتادرمقام امتحان رسمی برنیامده است درمدارس رسمی دولتی پذیرفته نخواهد شد .

مادهٔ ۱۲ – مفتشین دولتی درکل مدارس ومکاتب رسمی وغیر رسمی حق‌ورود وتفتیش دارند وهیچ مدیری درهیچ موقعی حق مخالفت ندارد .

مادهٔ ۱۳ – مدارسی که از اموال اوقاف دایر است نیز ازحیث امور اخلاقی و حفظ صحتی وترتیب تعلیمات وامتحانات وغیرها تااندازهٔکه باغرض واقف موافقت‌کند درتحت نظارت وزارت‌معارف است .

مادهٔ ۱۴ – وزارت‌معارف بـاید تدریس کتبی راکه‌مضر باخلاق ودین محصلین است ممنوع نماید وکتبی که ازطرف وزارت معارف ممنوع شده باشد درهیچ مدرسهٔ نباید تدریس بشود .

مادهٔ ۱۵ – مدارس ومکاتب برچهار نوع است:

۱ – مکاتب ابتدائی دهکده .

۲ – مکاتب ابتدائی بلدی .

۳ – مدارس متوسطه .

۴ – مدارس عالیه .

مادهٔ ۱۶ – هریك ازمکاتب ومدارس چهارگانه پروگرام مخصوص قانونی خواهد داشت ووزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرامهااست .

مادهٔ ۱۷ – پروگرام مکاتب ومدارس ابتدائیه ومتوسطه باید تعلیم واجبات دینی را بقدرلزوم شامل باشد .

مادهٔ ۱۸ – وزارت معارف ترتیب درجات ومراتب تحصیلیه رامعین نموده برای هرکدام امتحانات وتصدیقنامه‌ها برقرار خواهد نمودکه دخول درخدمات دولتی موقوف بداشتن آن تصدیقنامه‌ها خواهدبود .

مادهٔ ۱۹ – در هر ده و در هر محله از قصبات یك مکتب ابتدائی دهکده دایرمیشود .

مادهٔ ۲۰ – درشهرها برحسب عدهٔ نفوس وحاجت اهالی وکفایت مالیه محلیه یك یا چندین مدرسه ابتدائی ومتوسطه دایر خواهدشد .

مادهٔ ۲۱ – مدارس عالیه درطهران ودرمراکز عمده دایر خواهد شد.

مادهٔ ۲۲ – مخارج مدارس ابتدائیه درقصبات وبلاد بعهدهٔ دولت ومخارج آنها ازمحل مالیاتی که درهرمحل بموجب قانون برقرار میشود پرداخته خواهدشد .

مادهٔ ۲۳ – مخارج مکاتب دهکده نیز برعهدهٔ دولت وبموجب قانون ازمالکین دهکده واهالی دریافت خواهدشد .

مادهٔ ۲۴ ـ مخارج مدارس غیر مجانی دولتی ازمحل حق التعلیمی است که از شاگردان اخذ میشود وچنانچه کسری داشته باشد بر عهدهٔ دولت است.

مادهٔ ۲۵ ـ مکاتب ومدارس مجانی که بخرج دولت اداره میشودفقط برای تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد .

مادهٔ ۲۶ ـ ابنیهٔ متعلقهٔ بمکاتب ومدارس وسایر متعلقات مدارس ازمنقول وغیر منقول درتحت نظارت وزارت معارف است .

مادهٔ ۲۷ ـ قبول محصلین بیبضاعت درمدارس متوسطه وعالیه بطور مجانی بموجب قانون مخصوص خواهد بود .

مادهٔ ۲۸ ـ مجازات بدنی درمکاتب ومدارس ممنوع است .

نظامنامهٔ داخلی مجلس

شورای ملی

مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری

فصل اول

ریاست سنی - هیئت رئیسه موقتی
رسیدگی باعتبار نامه‌ها

ماده اول ـ در اولین جلسهٔ مجلس پس از افتتاح چه در دورهٔ تقنینیه وچه دردورهٔ اجلاسیه سالیانه مسن ترین نمایندگان بمقام ریاست نشسته وچهار نفرازجوانترین

اعضاء حاضره تاانتخاب هیئت رئیسه دائمی بسمت منشی گری معین میشوند .

ماده دوم - درابتدای دورۀ تقنینیه در همان جلسۀ اول فوراً پس از تعیین رئیس سنی درمجلس علنی باکثریت تام یك رئیس ودونایب رئیس که هرسه موقتی هستند متوالیاً بانتخاب فردی معین میشوند .

هرگاه در دونوبت اکثریت تام بدست نیامد در نوبت ثالث آنکس که نسبتاً اکثریت دارد منتخب است اعم از اینکه درنوبت اولی و ثانی در مورد او رأی داده یا نداده باشند.

اگر عدۀ آراء درمورد چندنفر مساوی شد یك نفراز آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد .

برای استخراج آراء سه نفر از اعضاء بحکم قرعه معین میشوند وپس از اتمام عمل نتیجه را رئیس سنی اعلام می کند.

مادۀسوم - رئیس موقتی فوراً بمقام خود جلوس نموده پس ازآن بحکم قرعه نمایندگان حاضره را بشش شعبۀ متساویه تقسیم می کند .

بعداز تقسیم نمایندگان بشعبات متساویه هرچندنفر که باقی بمانند یابعد برسند مرتباً از شعبه اول یك یك بشعب افزوده میشوند .

مادۀ چهارم - شعبات بدون فوت وقت برسیدگی اعتبارنامه‌ها و تشخیص صحت وسقم انتخابات شروع میکنند بدین طریق که اعتبارنامه‌ها و صورتهای مجلس انتخابات بترتیب حروف تهجی حوزه های انتخابیه و بطور تساوی مابین شش شعبه تقسیم میشوند .

هریك از این شعب باید یك مخبر از برای دادن راپورت انتخاب نماید هریك ازشعبات برای تسهیل امر وسرعت عمل می تواند از میان خود بحکم قرعه یك یاچند کمیسیون که هریك اقلامرکب از سه نفر باشد معین کند ولی بالاخره رسیدگی درخود

مادهٔ ۲۴ – مخارج مدارس غیر مجانی دولتی ازمحل حق‌التعلیمی است‌که‌از شاگردان اخذ میشود وچنانچه‌کسری داشته باشد برعهدهٔ دولت است.

مادهٔ ۲۵ – مکاتب ومدارس مجانی‌که بخرج دولت‌اداره میشودفقط برای‌تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است‌که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق‌شده باشد .

مادهٔ ۲۶ – ابنیهٔ متعلقهٔ‌بمکاتب ومدارس وسایر متعلقات مدارس ازمنقول وغیر منقول‌درتحت نظارت‌وزارت‌معارف‌است .

مادهٔ ۲۷ – قبول محصلین بیبضاعت درمدارس‌متوسطه‌وعالیه‌بطور مجانی‌بموجب قانون مخصوص‌خواهد بود .

مادهٔ ۲۸ – مجازات بدنی درمکاتب ومدارس ممنوع‌است .

نظامنامهٔ داخلی مجلس

شورای ملی

مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری

فصل اول

ریاست سنی - هیئت رئیسه موقتی
رسیدگی باعتبار نامه‌ها

ماده اول – در اولین جلسهٔ مجلس پس از افتتاح چه در دورهٔ تقنینیه وچه دردورهٔ اجلاسیه‌سالیانه مسن‌ترین نمایندگان بمقام‌ریاست نشسته وچهار نفرازجوانترین

اعضاء حاضره تاانتخاب هیئت رئیسه دائمی بسمت منشی گری معین میشوند .

ماده دوم ـ درابتدای دورهٔ تقنینیه در همان جلسهٔ اول فوراً پس از تعیین رئیس سنی درمجلس علنی باکثریت تام یك رئیس ودونایب رئیس که هرسه موقتی هستند متوالیاً بانتخاب فردی معین میشوند .

هرگاه در دونوبت اکثریت تام بدست نیامد در نوبت ثالث آنکس که نسبتاً اکثریت دارد منتخب است اعم از اینکه درنوبت اولی و ثانی در مورد او رأی داده یا نداده باشند.

اگر عدهٔ آراء درمورد چندنفر مساوی شد یك نفراز آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد .

برای استخراج آراء سه نفر از اعضاء بحکم قرعه معین میشوند وپس از اتمام عمل نتیجه را رئیس سنی اعلام می کند.

مادهٔسوم ـ رئیس موقتی فوراً بمقام خود جلوس نموده پس ازآن بحکم قرعه نمایندگان حاضره را بشش شعبهٔ متساویه تقسیم می کند .

بعداز تقسیم نمایندگان بشعبات متساویه هرچندنفرکه باقی بمانند یابعد برسند مرتباً از شعبه اول یك یك بشعب افزوده میشوند .

مادهٔ چهارم ـ شعبات بدون فوت وقت برسیدگی اعتبارنامه‌ها و تشخیص صحت وسقم انتخابات شروع میکنند بدین طریق که اعتبارنامه‌ها و صورتهای مجلس انتخابات بترتیب حروف تهجی حوزه های انتخابیه و بطور تساوی مابین شش شعبه تقسیم میشوند .

هریك از این شعب باید یك مخبر از برای دادن راپورت انتخاب نماید هریك ازشعبات برای تسهیل امر وسرعت عمل می تواند از میان خود بحکم قرعه یك یاچند کمیسیون که هریك اقلامرکب از سه نفر باشد معین کند ولی بالاخره رسیدگی درخود

شعبه بعمل آمده راپرت آن شعبه بتوسط مخبر بمجلس داده میشود .

مادهٔ پنجم - پس از آنکه مخبرین را پرتهای شعب را درمجلس قرائت نمودند درمورد انتخاباتی که صحت آن راشعبات تصدیق نموده و در مجلس معارض ندارند مجلس جداگانه رأی میدهد و رئیس اسامی آنهائیکه صحت انتخابشان محقق شده اعلام میکند.

درصورتیکه راپرت شعبه مشعر برعدم صحت انتخابی باشد یااینکه درباب انتخاب شخصی از بین نمایندگان معارض باشد مباحثهٔ آن درهمانروزیکه راپرت قرائت میشود واقع نخواهدشد .

مادهٔ ششم - نمایندگانی که هنوز صحت وسقم انتخاباتشان محقق نشده است حق نطق ودادن رأی را ندارند ولی چه درشعبه و کمیسیون وچه در مجلس در مورد انتخاب خودشان نمی‌توانند رأی بدهند و طرح قانونی هم نمی‌توانند پیشنهاد کنند.

درصورتیکه پذیرفتن نمایندهٔ بموجب رأی مجلس بعهدهٔ تعویق افتاده باشد نمایندهٔ مزبور در هیچ امری حق‌دادن‌رأی‌ندارد .

فصل دوم

هیئت رئیسه دائمی

مادهٔ هفتم - وقتیکه صحت اعتبار نامهٔ سه ربع نمایندگان حاضر تصدیق شد میتوان بانتخاب هیئت رئیسه دائمی شروع نمود .

مادهٔ هشتم - هیئت رئیسه دائمی مرکب است از یك رئیس و دو نایب رئیس وچهارمنشی و سه مباشر که یکنفر از آنها رئیس دفتر خواهد بود .

انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و مباشرین موافق مادهٔ (۲) خواهد بود باستثنای آنکه تعیین منشیان و مباشرین بطریق انتخاب جمعی است .

مادهٔ نهم – هیئت رئیسه‌دائمی تاششماه درمشاغل خود باقی است و همه ساله درچهاردهم میزان وچهاردهم حمل تجدید انتخاب بعمل‌میآید.

مادهٔ دهم – درموقع افتتاح مجلس که عبارت از اول هردورهٔ اجلاسیه است پس از انتخاب هیئت رئیسه دائمی موافق اصل (۱۰) قانون اساسی مجلس خطابهٔ بحضور اعلیحضرت همایونی عرض میکند و درضمن دایر شدن مجلس را اطلاع‌میدهد.

مادهٔ یازدهم – اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفا یا فوت نماید مسن‌ترین نایبان رئیس مجلس را منعقد و استعفانامه را قرائت یافوت را اعلام کرده مجلس را ختم می‌کند و درظرف سه‌روز درتحت ریاست همان نایب رئیس مجدداً مجلس منعقد وبطوریکه درمادهٔ (۸) ذکرشد رئیس انتخاب‌میشود .

فصل سوم

شعبات کمیسیونها – راپرتها – اسناد و نوشتجات

مادهٔدوازدهم – شعبیکه برطبق مادهٔ (۳) تشکیل یافته هرسه ماه بسه‌ماه بطور قرعه تجدید میشوند مقصود عمده از تشکیل این شعبات آن است که هروقت مطلب یالایحهٔ یا طرح قانونی پیشنهاد مجلس میشود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا ملاحظه ومداقه شده واگر تشکیل کمیسیونی لازم آید هریك از شعبات پس از مذاکرات و مباحثات موافق عدهٔکه مجلس معین کرده است برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند و نیزهروقت کمیسیونی باید تشکیل شود رجوع بشعبات می‌شود که

اعضای آن را از بین خود انتخاب کنند مگر اینکه بترتیب مادهٔ(۲۲)عمل شود.

رئیس ومنشی هرشعبه مطابق مادهٔ دوم انتخاب میشود .

درموقع مذاکرات یا انتخابات بدون اینکه نصف بعلاوه یکنفر حاضر باشند نبایدرأی بدهند .

انعقـاد شعبات تاوقتی کـه رئیس آن معین نشده است بر عهـدهٔ رئیس مجلس است .

مادهٔ سیزدهم - شعبات درکارهای خودشان بایدموافق دستوریکه مجلس معین کرده است رفتار نمایند و در هرجلسه باید صورت مجلسی ازمذاکرات خود ترتیب داده واسامی اشخاصی که حاضرند درصورت مزبور ذکرشود .

مادهٔچهاردهم - درشعبات شروع بمذاکرهٔ طرح یالایحهٔ قانونی ممکن نیست مگر بیست وچهار ساعت بعداز آنکه آن لوایح یاطرحهای قانونی توزیع شده باشند باستثنای مواقعیکه فوریت آن از طرف مجلس تصدیق‌شده باشد .

مادهٔ پانزدهم * - مجلس‌شورای ملی‌هرششماه‌مقارن‌تجدیدانتخاب هیئت رئیسه هفت کمیسیون ازمیان خود بطریق انتخاب جمعی‌معین میکند که‌اسامی آنها ازقرارتفصیل‌ذیل‌وهریك نظر بتعیین مجلس مرکب ازشش الی دوازده عضواست .

(اولا) کمیسیون خارجه .

(ثانیاً) کمیسیون داخله .

(ثالثاً) کمیسیون نظام .

(رابعاً) کمیسیون عدلیه .

(خامساً) کمیسیون قوانین‌مالیه .

(سادساً) کمیسیون معارف واوقاف وصنایع مستظرفه .

(سابعاً) کمیسیون پست و تلگراف و فواید عامه و فلاحت و تجارت و صنایع.این کمیسیونها بهیچوجه بـاسایر کمیسیونهائی که ممکن‌است مجلس‌تشکیل‌آنهارارأی دهدمنافات نخواهد داشت .

---

* مادهٔ۱۵ بموجب‌قانون۲۶مهرمـاه۱۳۰۵ اصلاح شده‌است .

مادهٔ شانزدهم - در ابتدای هردوره اجلاسیه سالیانه هریك از شعبات یك نفرعضو برای‌کمیسیون محاسبات مجلس معین می‌نماید وتمام محاسبات راجعه بمجلس بعهدهٔ این کمیسیون است چنانکه ذکر خواهد شد هیچ یك از اعضاء هیئت رئیسه نمیتواند دراین‌کمیسیون بسمت عضویت معین‌شود.

مادهٔهفدهم - دررأس هرسه ماه در موقع تجدید شعبات یك کمیسیون شش نفری موسوم بکمیسیون عرایض و مرخصی و یك کمیسیون دیگری مرکب از شش‌یا دوازده‌نفر موسوم بکمیسیون مبتکرات معین‌میشود .

مادهٔهیجدهم - یك‌کمیسیون موسوم بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در اول هردورهٔ اجلاسیه ازشعبات معین میشود .

درجلسات این‌کمیسیون اعضاء حاضره و غائبه و معذوره معین و فردای‌آن روز اسامی آنها درروزنامهٔ رسمی درج خواهد شد .

مطالب ذیل راجع باین کمیسیون است :

(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال‌بعد .

(۲) تمام لوایح یاطرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج‌سال‌بعداست.

مادهٔ نوزدهم - اگر لوایح یاطرحهای قانونی‌که متضمن تقاضای وجوه اضافی یافوق‌العادهٔ سال‌جاریه یاگذشته است بمجلس پیشنهاد شد آن لوایح و طرحها باید بکمیسیون بودچه سال اخیر رجوع شود مگر درصورتیکه دورهٔ تقنینیه بسرآمده و طوری‌شودکه انعقادکمیسیون سال قبل ممکن نباشد درچنین موقع لوایح فوق رجوع بکمیسیون بودجه موجوده‌میشود .

مادهٔبیستم - مجلس همیشه میتواند رسیدگی لوایح و طرحهای قانونی راکه درمادهٔ (۱۹) و فقرهٔ ثانی مادهٔ (۱۸) ذکر شدبکمیسیون مخصوص‌دیگری رجوع‌نماید ولی چنین کمیسیون مخصوص که‌مأمور رسیدگی لوایح مزبوره‌است فقط باید درکلیه

لایحه راپرتی بدهد بدون آنکه بتواند درباب خرج عقیده پیشنهاد نماید.

هرگاه رأی کمیسیون مزبور بالایحه مساعد باشد باید نتیجه ملاحظات خود را بکمیسیون بودجه اطلاع داده واین کمیسیون در ظرف ده روز عقیدهٔ خود را درباب تصویب خرج پیشنهاد کند.

در این صورت عقیده و رأی کمیسیون بودجه باید مستند بدلایل موجه بوده و طبع شده وضمیمه را پرت کمیسیون مخصوص بشود.

مواردی که بموجب این نظامنامه فوری نامیده میشوند از قواعد فوق مستثنی است.

مادهٔ بیست ویکم – مجلس بملاحظهٔ اهمیت طرح یالایحه قانونی میتواند رأی بدهد که از هرشعبه یك یادو یاسه نفر برای عضویت کمیسیون مخصوص آن طرح یالایحه انتخاب شوند.

مادهٔ بیست ودوم – برحسب خواهش یك نفر از نمایندگان در موقع رجوع لایحه یا طرح قانونی بشعبات مجلس می‌تواند قرار بدهد تعیین اعضای کمیسیون یا درخود مجلس ویا درشعبات بترتیب انتخاب جمعی موافق اکثریتی که در مادهٔ (۲) ذکر شده بعمل آید.

درصورتی‌که تعیین اعضاء کمیسیون‌ها بطریق انتخاب جمعی بشعب راجع شود باید هرشعبهٔ علیحده آراء خود را استخراج نموده و مجموع آراء درشعبه اول تعداد شده وبرئیس مجلس اظهار و او بمجلس اعلام نماید.

ماده بیست وسوم – کمیسیونهائی که برای امور مخصوص تشکیل شده‌اند هرگاه طرح یالایحه قانون جدیدی مربوط بهمان امور پیشنهاد شود مجلس میتواند طرح یالایحه جدیده را بهمان کمیسیون رجوع نماید.

راپورتهائی که کمیسیونهای دورهٔ سابق تقنینیه به مجلس پیشنهاد کرده‌اند

ممکن است بکمیسیونهای جدید رجوع شود و این یا برحسب خواهش خود کمیسیونهای جدید و یا برحسب تقاضای ده نفر از نمایندگان است .

چنین تقاضا باید بتوسط رئیس بمجلس اظهار شود درصورتیکه این خواهش از طرف کمیسیونها باشد لازم باخذ رأی نیست واگر از طرف نمایندگان باشد بدون مباحثه بقیام وقعود رأی گرفته میشود .

هرکمیسیونی که راپورت کمیسیون دورهٔ سابق باو رجوع شده باشد میتواند همان راپورت را بدون تغییر قبول نماید و دراین صورت کمیسیون مزبور یکی از اعضاء خود را برای تأیید ومدافعه آن معین میکند .

درصورتیکه کمیسیون تغییر یك یاچند ماده آنرا لازم بداند راپورتی که بمجلس میدهد فقط محدود بهمان موادخواهدبود .

ماده بیست و چهارم ـ درصورتی که یکی از اعضای کمیسیونی از عضویت کمیسیون یانمایندگی استعفاداده یافوت نماید باید همان شعبه که شخص مستعفی یا متوفی را بعضویت کمیسیون انتخاب کرده بود دیگری را بجای او معین نماید و اگر دورهٔ شعبه مزبوره بسرآمده است باید برای همین امر موقتاً منعقد شود در دو مورد اخیر یعنی درصورت استعفا از نمایندگی وفوت هرگاه در موقع انعقاد شعبه مذکوره نماینده دیگری بجای مستعفی یامتوفی داخل مجلس شده است باید موقتاً داخل آن شعبه‌شده او درانتخاب عضوکمیسیون شرکت نموده پس از آن بترتیب مقرره مادهٔ (۳) داخل شعبه خود بشود .

و هرگاه درموقع انعقاد شعبه مذکوره هنوز بجای متوفی یا مستعفی دیگری به مجلس داخل نشده است شعبه مزبور بدون اینکه منتظر شود عضوکمیسیون را معین میکند .

ماده بیست و پنجم - کمیسیونها پس از انتخاب بدون تأخیر در تحت ریاست مسن‌ترین اعضاء خود منعقد ویك رئیس ویك نایب رئیس و بمناسبت اهمیت یك یا دو منشی و یك مخبر که عقیدهٔ کمیسیون را به مجلس راپورت میدهد بترتیب مادهٔ (۲) انتخاب مینمایند.

تمام کمیسیونهای مادهٔ (۱۵) باید دوماه بدو ماه صورتی از خلاصه اعمال در مجلس علنی تقدیم نمایند و صورت مزبوره در روزنامهٔ رسمی طبع خواهد شد هر طرح یالایحهٔ قانونی که بکمیسیون راجع میشود باید راپورت آن منتها در ظرف دو ماه از تاریخ ارجاع داده شود والاصاحب لایحه حق‌دارد از مجلس درخواست کندکه مباحثه آنرا جزو دستور مجلس قرار دهند.

درهرجلسه اسامی اعضاء حاضره‌کمیسیون در صورت مجلس ثبت میشود.

مادهٔ بیست و ششم - راپورت کمیسیون در خصوص طرح یالایحه‌قوانینی که‌بآن ارجاع شده درمجلس علنی‌داده میشود درصورتیکه مجلس تصویب نماید در همان جلسه قرائت میشود.

را پرت مزبور باستثنای مواردیکه مجلس فوریت آن راتصدیق میکند لااقل بیست وچهار ساعت قبل‌از مباحثه طبع وتوزیع میشود.

مادهٔ بیست و هفتم - هیچ‌یك از نمایندگان نمی‌تواند در زمان‌واحد دربیش از دو کمیسیون که مشغول کارند عضویت داشته باشد مگر درکمیسیون تحقیق انتخاب و کمیسیون محاسبات مجلس‌که از این قاعده مستثنی است.

کمیسیونهائی که تمام راپرتهای خود را بمجلس تقدیم نکرده‌اند کمیسیون مشغول بکار محسوب میشوند بنابر این درموقع انعقاد شعبات برای انتخاب اعضای کمیسیون بتوسط هیئت رئیسه صورت اعضائی که موافق قسمت اول همین ماده غیر قابل انتخابند برئیس آن شعبه‌داده‌میشود.

درصورتیکه شخصی غیر قابل انتخاب بوده و درشعبه منتخب شده باشد رئیس مجلس برئیس شعبه مراتب را اطلاع داده تجدید انتخاب را درخواست می نماید.

مادهٔ بیست و هشتم ـ تمام اسناد و نوشتجات راجعه بموادی که باید در کمیسیونها و شعبات مباحثه شود بتوسط رئیس مجلس بآن کمیسیونها داده میشود.

اعضاء مجلس میتوانند اسنادی که برای تدقیق لوایح قانونی بکمیسیونها یا شعب فرستاده شده ملاحظه نمایند لیکن اسناد مزبوره ازکمیسیون باید بیرون نرود و باعث تأخیر کارکمیسیون هم نشود.

پس ازآنکه مجلس درباب لایحه یاطرحی رأی داد اسناد و صورت جلسات راجعهٔ بآن دردفتر ضبط میشود.

فصل چهارم

درباب لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد میشود

مادهٔ بیست و نهم ـ لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد می‌شود باید بتوسط یکی از وزراء یامعاونین وزراء درمجلس علنی داده شود.

درصورتیکه مجلس یاوزیر یامعاون اوقرائت آنرا لازم دانند این لایحه پس از قرائت تسلیم رئیس میشود.

مادهٔ سی‌ام ـ لوایح مذکوره که طبع و توزیع خواهند شد باید دارای مقدمهٔ باشدکه متضمن دلایل آن است.

لوایح بتوسط رئیس مجلس بشعبه ها یاچنانکه درمادهٔ(۲۳) ذکرشد بکمیسیون موجود فرستاده میشودکه پس از راپرت آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شور شود.

ماده بیست و پنجم ـ کمیسیونها پس از انتخاب بدون تأخیر در تحت ریاست مسن‌ترین اعضاء خود منعقد و یك رئیس و یك نایب رئیس و بمناسبت اهمیت یك یا دو منشی و یك مخبر که عقیدهٔ کمیسیون را به مجلس راپورت میدهد بترتیب مادهٔ (۲) انتخاب مینمایند .

تمام کمیسیونهای مادهٔ (۱۵) باید دوماه بدو ماه صورتی از خلاصه اعمال در مجلس علنی تقدیم نمایند و صورت مزبوره در روزنامهٔ رسمی طبع خواهد شد هر طرح یالایحهٔ قانونی که بکمیسیون راجع میشود باید راپورت آن منتها در ظرف دو ماه از تاریخ ارجاع داده شود والاصاحب لایحه حق‌دارد از مجلس درخواست کندکه مباحثه آنرا جزو دستور مجلس قرار دهند .

درهرجلسه اسامی اعضاء حاضره کمیسیون در صورت مجلس ثبت میشود .

مادهٔ بیست و ششم ـ راپورت کمیسیون در خصوص طرح یالایحه‌قوانینی‌که‌بآن ارجاع شده درمجلس علنی‌داده میشود درصورتیکه مجلس تصویب نماید در همان جلسه قرائت میشود .

راپرت مزبور باستثنای مواردیکه مجلس فوریت آن راتصدیق میکند لااقل بیست وچهار ساعت قبل‌از مباحثه طبع وتوزیع میشود .

مادهٔ بیست و هفتم ـ هیچ‌یك ازنمایندگان نمی‌تواند در زمان‌واحد در بیش از دو کمیسیون که مشغول کارند عضویت داشته باشد مگر درکمیسیون تحقیق انتخاب و کمیسیون محاسبات مجلس‌که از این قاعده مستثنی است .

کمیسیونهائی که تمام راپرتهای خود را بمجلس تقدیم نکرده‌اند کمیسیون مشغول بکار محسوب میشوند بنابر این درموقع انعقاد شعبات برای انتخاب اعضای کمیسیون بتوسط هیئت رئیسه صورت اعضائی که موافق قسمت اول همین ماده غیر قابل انتخابند برئیس آن شعبه‌داده‌میشود .

درصورتیکه شخصی غیر قابل انتخاب بوده و درشعبه منتخب شده باشد رئیس مجلس برئیس شعبه مراتب را اطلاع داده تجدید انتخاب را درخواست می نماید .

مادهٔ بیست و هشتم - تمام اسناد و نوشتجات راجعه بموادی که باید در کمیسیونها و شعبات مباحثه شود بتوسط رئیس مجلس بآن کمیسیونها دادهمیشود.

اعضاء مجلس میتوانند اسنادیکه برای تدقیق لوایح قانونی بکمیسیونها یاشعب فرستاده شده ملاحظه نمایند لیکن اسناد مزبوره ازکمیسیون باید بیرون نرود و باعث تأخیر کارکمیسیون هم نشود .

پس ازآنکه مجلس درباب لایحه یاطرحی رأی داد اسناد و صورت جلسات راجعهٔ بآن دردفتر ضبطمیشود .

فصل چهارم

درباب لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد میشود

مادهٔ بیست و نهم - لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد می‌شود بایدبتوسط یکی از وزراء یامعاونین وزراء درمجلس علنی دادهشود .

درصورتیکه مجلس یاوزیر یامعاون اوقرائت آنرا لازم دانند این لایحه پس‌از قرائت تسلیم رئیس‌میشود .

مادهٔ سی‌ام - لوایح مذکوره که‌طبع و توزیع خواهند شد باید دارای مقدمهٔ باشدکه متضمن دلایل آن‌است .

لوایح بتوسط رئیس‌مجلس بشعبه ها یاچنانکه درمادهٔ(۲۳) ذکرشد بکمیسیون موجود فرستاده میشودکه پس از راپرت آن‌کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شور شود .

مادهٔ‌سی‌ویکم ـ وزراء یامعاونین ایشان می‌توانند برای دادن توضیحات در کمیسیون حاضرشوند و همچنین کمیسیون می‌تواند وزراء را برای دادن توضیح دعوت نماید .

مادهٔ‌سی‌ودوم ـ هرگاه دولت لایحه قانونی به‌مجلس فرستاده و بروفق اصل (۲۴) قانون اساسی تصویب عهدنامهٔ که بایکی از دول خارجه بسته می‌شود تقاضا نمود درباب مواد عهدنامهٔ رأی گرفته نمی‌شود و تغییری هم‌درمتن آن‌داده نمی‌شود .

اگردرضمن شور اول یادوم بعضی از نمایندگان دربرخی از شرایط اعتراض وایرادی دارند این‌اعتراض وایراد باید بعنوان رجوع بکمیسیون در مجلس اظهار شود قبول یارد رجوع بکمیسیون وقتی مطرح‌میشودکه لااقل بیست‌وچهار ساعت قبل اعتراضات مزبوره طبع وتوزیع شده‌باشد .

هرگاه مجلس پس‌از مباحثات‌درباب ارجاع بکمیسیون این مسئله راقابل‌توجه دانست آنوقت بکمیسیون‌رجوع‌مینمایند .

درموقع شور ثانوی کمیسیون راپورتی درباب موارد اعتراض طبع و توزیع کرده ودرضمن آن‌عقیدهٔ‌خود را درباب تصویب یارد یا تعویق لایحه بیان مینماید و پس از آن مجلس ملاحظات خود راکرده ورأی‌قطعی‌میدهد .

درصورت رد یاتعویق لایحه مجلس بدین طریق رأی میدهد : مجلس شورای ملی بدولت تکلیف میکند که درباب شرایط معترض علیها مجدداً بادولت متعاهده داخل‌مذاکره وگفتگوشود .

درمواقعی‌که فوریت لایحه مزبوره از طرف مجلس تصدیق شده باشد شرایطی که بکمیسیون رجوع میشود راپرت آنراکمیسیون مزبور معجلا پس‌از ختم مباحثات شرایط بلااعتراض بمجلس پیشنهاد میکند .

فصل پنجم

در طرحهای قانونی که ازطرف اعضای

مجلس پیشنهاد میشود

مادهٔ سی و سومـ هرطرحی راکه نمایندهٔ پیشنهاد میکند باید بطرز قانون ماده بماده نوشته شده ودارای مقدمهٔ که متضمن دلایل آن است بوده باشد .

طرح مذکور پس از آنکه پانزده نفرمذاکرهٔ آنرا تصویب کرده باشند کتباً برئیس داده میشود رئیس میتواند آن را بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید .

مادهٔ سی و چهارم ـ همچنین هر نمایندهٔ میتواند طرحی راولو اینکه مذاکره آن راپانزده نفر تصویب نکرده باشند بتوسط رئیس به کمیسیون مبتکرات بفرستد ولی راپرت کمیسیون در باب آن طرح وقتی مطرح مذاکره در مجلس خواهد شد که اقلا پانزده نفراز نمایندگان مذاکره آن را تصویب کرده باشند .

مادهٔ سی و پنجمـ پس از آنکه پانزده نفرمذاکره طرحی را تصویب نمودند اگر طرح مزبور بکمیسیون مبتکرات رجوع شدراپرت آن کمیسیون بایداقلا بیست وچهار ساعت قبل ازمذاکره طبع وتوزیع شود وهرگاه بکمیسیون مبتکرات رجوع نشده باشد روزمباحثه منوط بقرارداد مجلس است و بایداقلا بیست وچهار ساعت قبل آن طرح طبع وتوزیع شده باشد .

مادهٔ سی و ششمـ هرطرحی که بکمیسیون مبتکرات رجوع میشودباید درظرف پانزده روزراپورت مختصری ازآن طرح به مجلس داده شود و تصریح نمایدکه آن طرح قابل توجه یاردیاتعویق است ونیز می تواند فوریت طرح را اظهار نماید .

مادهٔ سی و هفتم ـ در روزی که برای مباحثات معین شده است مجلس در باب طرح مزبور اساساً و بطورکلی مذاکره کرده و در خصوص قبول توجه یا عدم توجه رأی میدهد .

مادهٔ سی و هشتم ـ در صورت عدم توجه آن طرح رد شده محسوب می‌شود و در صورت قبول توجــه بشعبات فرستاده مـــی‌شود که کمیسیونی برای آن تشکیل دهند و نیز ممکن است بکمیسیونی که قبل ازوقت تشکیل و مربوط باین طرح است رجوع نمایند .

هرگاه کمیسیون مبتکرات ملتفت شودکه طرح مزبور مربوط به‌کمیسیونی است که قبل‌ازوقت تشکیل شده‌میتواند ازمجلس تقاضا نمایدکه آن طرح را بهمان‌کمیسیون رجوع نمایند .

مادهٔ سی و نهم ـ بعداز وصول راپرت کمیسیون طرح قانونی بموقع شور گذارده خواهدشد .

مادهٔ چهلم ـ صاحب یا صاحبان طرح قانون حق دارندکه در کمیسیون حاضر شده توضیحات بدهند .

مادهٔ چهل و یکم ـ صاحب طرح در هر موقع ولو در موقع مباحثات حـــق دارد کـــه آنرا مسترد دارد اگر عضو دیگری طرح مزبور را اختیارکرد مذاکرات اعاده میشود .

مادهٔ چهل ودوم ـ اگرطرح قانون‌که ازطرف نماینده پیشنهادشده استراجع بیکی ازوزرای مسئول باشدموافق اصل (۴۰) قانون‌اساسی بایدآن وزیررامطلع‌نموده که خودیا معاون اوحاضرشده مذاکرات درحضور اوبعمل‌آید .

مادهٔ چهل وسیم ـ هرگاه طرحی بمجلس آمده قابل‌توجه‌نشد آن‌طرح‌را تاشش‌ماه

دیگر نمیتوان مجدداً بمجلس پیشنهادکرد ولی اگرقابل توجه شده وبعد بشعبات یا کمیسیونی فرستاده شدهمجدداً برای مباحثه بمجلس آمده چنانچه دراین موقع آن طرح ردشود تاسهماه دیگر نمی توان دوباره آنرا بمجلس پیشنهادکرد .

مدلول این ماده در بارهٔ عهدنامه جاتیکه بادول خارجه بسته می شودمجری نیست.

فصل ششم

درباب استیضاح وسؤالات از وزراء

مادهٔ چهل و چهارم- هر نمایندهٔکه ازوزیری میخواهداستیضاحی نمایدباید تقاضای خودراکتباً برئیس داده وموضوع استیضاح رادرضمن معین نماید .

رئیس آنرا درمجلس قرائت میکند ومجلس بایدآن تقاضاراقبول نموده پس از آنکه ازاظهارات وزیریاوزراء درباب تعیین روزیکه استیضاح باید بعمل آید مستحضر شدبدون مباحثه دراصل موضوع قراردروز استیضاح رامیدهد .

استیضاحاتیکه در باب امور سیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از یکماه بعهدهٔ تعویق بماند .

مادهٔ چهل و پنجم- استیضاح نماینده ازنماینده ممنوع است.

مادهٔ چهل و ششم- درروز معین بعداز آنکه وزیر یا هیئت وزراءدر مجلس حاضر وتوضیحات داده شده پس از ختم مذاکرات هریك از نمایندگان حق دارد نسبت بوزراء ازمجلس رأی مثبت یامنفی یاساکت خواستارشود .

مادهٔ چهل وهفتم – رأی مثبت آنست که تصدیق مجلس را نسبت باظهارات هیئت وزراء بیان نماید .

ورأی منفی بعکس متضمن عدم تصدیق مجلس نسبت بوزراء است .

ورأی ساکت‌آنست‌که درباب تصدیق وعدم‌آن ساکت‌است .

مادهٔ چهل وهشتم- رأی ساکت ازاینقرارداده‌می‌شود .

مجلس شورای‌ملی پس‌ازاستماع توضیحات وزیر یاهیئت وزراء مباحثات مطلب مطرح شده‌راختم مینماید- رأی‌مثبت یامنفی ازاینقراراست :

مجلس شورای ملی پس‌از استماع توضیحات وزیر یا وزراء اظهارات ایشان را تصدیق نموده ومباحثه مطلب مطرح شده راختم‌مینماید .

یااینکه : مجلس شورای ملی پس‌از استماع توضیحات وزیر یا وزراء باکمال تأسف اظهارات ایشان راموقع قبول ندانسته ومباحثات مطلب‌مطرح شده‌راختم‌مینماید.

مادهٔ چهل ونهم- تقاضای رأی‌مثبت‌ومنفی بایدکتباً برئیس‌داده‌شود .

مادهٔ پنجاهم- رأی‌ساکت درصورتیکه ازطرف یکی ازاعضاء خواسته شودحق تقدم‌دارد باین‌معنی‌که اول‌درمورد رأی‌ساکت اخذرأی میشوداگرقبول نشددررأی‌مثبت یامنفی رأی‌گرفته‌می‌شود .

مادهٔ پنجاه‌ویکم- هرگاه رأی ساکت رد شود مجلس میتواند مستقیماً درباب رأی‌مثبت ومنفی‌رأی داده‌یااینکه بتقاضای یکی ازنمایندگان مسئله‌را رجوع بشعبات نمایدکه پس‌ازراپرت‌کمیسیون منتخب‌ازشعبات مجلس رأی خودرا بدهد .

درصورت رجوع بشعبات مانند موارد فوری پس‌از اصغای راپرت‌کمیسیون رأی داده خواهدشد .

چنانچه عقیدهٔ‌کمیسیون درمجلس قبول‌نشودخودمجلس درباب رأی مثبت‌ومنفی رأی‌خواهد داد .

مادهٔ پنجاه‌ودوم- درهرموقعی‌که مجلس مستقیماً رأی‌میدهد حق‌تقدم وتأخر آراء مثبت‌ومنفی بسته‌بقرارداد خودمجلس‌است .

مادۀ پنجاه‌وسیم- استیضاحی که تقاضاشده است و بعد صاحب آن مسترد ساخته نمایندگان دیگر میتوانند آنرا اختیار نموده عنوان نمایند .

درباب سؤالات

مادۀ پنجاه‌وچهارم - نمایندگان میتوانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء سؤالات نمایند از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود .

مادۀ پنجاه‌وپنجم- فقط نمایندۀ که سؤال نموده حق دارد بطور اختصار مجدداً بوزیر جواب بگوید .

مادۀ پنجاه‌وششم- درمطالبی که استتار آنها لازم است وزیر میتواند امتناع از جواب نماید .

فصل هفتم

درمباحثۀ لوایح قانونی و اصلاحات

مادۀ پنجاه وهفتم- باستثنای موارد فوری هیچ لایحه قانونی را نمیتوان قطعاً رأی داد وقبول کرده مگر اینکه دومرتبه واقلا بفاصله پنجروز در بارۀ آن شورشده باشد.

مادۀ پنجاه وهشتم- وقتی که مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید مواد آن لایحه یك یك مباحثه شود .

رئیس دراینخصوص ازمجلس رأی میخواهد اگر درباب مباحثات ماده بماده رأی داده نشد رئیس رد لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده بماده قبول شد شروع بمباحثات شده درباب هریك از مواد واصطلاحات راجعه مذاکرات بعمل میآید پس از آن درخصوص شور ثانوی مجلس رأی میدهد .

درشور ثانوی در خصوص هریك از مواد لایحه و اصلاحات راجعه رأی گرفته میشود پس‌از این ترتیبات یك رأی قطعی درکلیه لایحه داده میشود ولی قبل‌از دادن این رأی هریك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی‌که بطورکلی در رد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید.

مادهٔ پنجاه‌و نهم- ترتیبات شور مرتبهٔ اول و مرتبهٔ دوم در موارد ذیل مجری نخواهد بود:

(اولاً) بودجهٔ دخل وخرج مملکتی.

(ثانیاً) قوانینی‌که راجع بتقاضای وجوهی برای مخارج مخصوص‌است.

(ثالثاً) قوانین راجع بمنافع‌محلی.

دراین‌سه‌فقره یك شورکافی‌است ومباحثات‌آن بترتیب موارد فوری است‌چنانکه ذکرخواهدشد.

ولی درهرصورت اصلاحات یامواد الحاقیه‌که درضمن شور پیشنهاد میشود باید موافق ترتیبات ماده‌شصت‌وسه بعمل‌آید.

مادهٔ‌شصتم - اصلاحاتی‌که ازطرف یك‌یاچندنفراز نمایندگان پیشنهاد میشود مادهٔ قانون یافصل بودجه راکه اصلاح راجع به‌آن است باید تصریح نماید اصلاحات مزبوره نوشته شده برئیس داده‌میشود ورئیس‌آنرا بکمیسیون مربوط به‌آن میفرستد.

اصلاحاتی‌که پس‌از توضیح وتشریح تأیید ومدافعه نشود مجلس دربارهٔ‌آن شور نخواهدکرد.

*اصلاحاتی که ازطرف نماینده پیشنهاد میشودمانند طرح قانونی قبل ازوقت باید قابل توجه شود.

مادهٔ شصت و یکم- هراصلاحی که در بین جلسه پیشنهادشده ولی رأی در بارهٔ آن گرفته نشده باشد بایدقبل ازجلسه آتیه طبع وتوزیع شود.

اصلاحات جدیدی که بعدازختم شور اول پیشنهاد میشود بایداقلا یك روزقبل از شروع بشورثانوی بکمیسیون مربوط بآن رجوع وطبع وتوزیع شود.

مادهٔ شصت ودوم - اصلاحاتی که درضمن مباحثات شور اول * وثانی پیشنهاد میشود درصورتیکه مخبر کمیسیون مربوط بآن تقاضا نماید باید رجوع بکمیسیون شود.

مادهٔ شصت وسوم - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد میشود در صورتیکه ازطرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطوراختصار آنرا توضیح واستدلال میکندوفقط اعضاءکمیسیون حق جواب دارندپس ازآن مجلس درباب قبول توجه یاعدم قبول توجه رأی میدهد.

درصورت قبول توجه آن اصلاح بکمیسیون فرستاده میشود.

دربارهٔ این قبیل اصلاحات نمی توان همانروزی که پیشنهاد شده است رأی داد.

مادهٔ شصت و چهارم-درصورتیکه صاحبان اصلاحات تقاضا نمایندحق دارنددر کمیسیون حاضرشده توضیحات بدهند.

مادهٔ شصت و پنجم- درقانون بودجه هیچ طرحی راکه مستلزم ازدیاد مقرری

---

* این قسمت بعداً بموجب اصلاح مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری بطریق ذیل اصلاح شده است:

« اصلاحاتی که درشوراول ازطرف نماینده پیشنهادمیشود پس ازقرائت درمجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوطه بآن رجوع شود ».

* بموجب اصلاح مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ لفظ (اول) حذف شده است.

یامددمعاش یاوظیفه باشد بعنوان مادهٔ الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهادکرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یاشغل یاوظایف بوده خواه باعث توسعهٔ هریك از این سه فقره خارج ازحدود قوانین جاریه باشد .

فصل هشتم

در باب عرایض

مادهٔ شصت و ششم- عرایض بایدکتبی وباامضاء یامهر بوده وصاحب بطور واضح خودرامعرفی کرده باشد وبعلاوه محل اقامت عارض ویادرصورت تعدد امضاء منزل یکی ازعارضین قیدشده باشد .

عرایضی که بمجلس داده می‌شود بایدباسم رئیس باشد وممکن است بتوسط یکی ازنمایندگان هم عریضه داده‌شود ودراین صورت نمایندهٔ مزبور درحاشیه عریضه تسلیم آنراقیدکرده وامضاء می‌نماید .

چنانچه عریضه ازطرف اجتماعاتی باشدکه درمعابر عامه تشکیل یافته است پذیرفته نخواهدشد .

مادهٔ شصت و هفتم- رئیس پس‌ازملاحظهٔ عرایض مزبوره آن رابدایرهٔ صورت مجلس رجوع مینماید و در آنجا عرایض بترتیب ورود در کتابچهٔ مخصوصی نمره گذاشته شده اسم و منزل عارض و همچنین خلاصه عریضه ثبت میشود و در صورتیکه عریضه بعنوان رئیس نباشد اسم نماینده‌که عریضه بتوسط اوداده شده‌است ثبت‌میشود.

مادهٔ شصت و هشتم- عرایض پس‌از آنکه ثبت‌شد بکمیسیون عرایض فرستاده

میشود لیکن آنهائیکه راجع بطرح قانونی باشد که در تحت ملاحظه کمیسیون مخصوصی است رئیس مجلس مستقیماً بهمان کمیسیون ارجاع میکند و این ارجاع هم ممکن است از طرف کمیسیون عرایض شود.

هریك از اعضاء مجلس میتوانند ازمضمون عرایض مستحضر شوند دراینصورت باید برئیس کمیسیونی که آن عرایض بهآنجا محول شدهاست رجوع نمایند.

مادهٔ شصت و نهم - کمیسیون پس از رسیدگی بعرایض آنها را بترتیب ذیل مرتب مینماید:

(۱) عرایضی که رجوع آنها را بیکی از وزارتخانهها صلاح میداند.

(۲) عرایضی که علاوه برارجاع بیکی ازوزارتخانهها کمیسیون صلاح میداندکه بملاحظه مجلس برسد.

(۳) عرایضی که رجوع آنها را بمجلس ووزراء بیفایده میداند.

دایرهٔ صورت مجلس صاحب عریضه را از هریك ازاین سه قراریکه کمیسیون دربارهٔ عریضه او داده است مسبوق داشته و نمرهٔ عریضه را باومیدهد.

* **مادهٔ هفتادم** - هرهفته یك ورقهکه متضمن مطالب ذیل است طبع شده بین نمایندگان توزیع میشود:

(۱) اسم ومنزل صاحب عریضهو نمرهٔ عریضه.

(۲) موضوع عریضه بطوراختصار.

(۳) اسم مخبر کمیسیون.

(۴) قراریکه کمیسیون درباب عریضه داده است و بطوراختصاردلایل آن.

---

* مادهٔ ۷۰ بعداً بموجب اصلاح مصوب دوم ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ قمری جملهٔ اول بطریق ذیل اصلاح شده است:

«هرهفته چهار نسخه که متضمن مطالب ذیل است نوشته دراطاق تنفس گذاشته میشود».

معذلك کمیسیون میتواند درصورتیکه اعضاء حاضر متفقاً رأی داده باشند فقط در ورقه بذکر نمره و اسم صاحب عریضه و قراریکه کمیسیون درآن خصوص داده اکتفا نماید .

مادهٔ هفتادویکم ـ هر نماینده حق دارد تامدت یك ماه بعداز تقسیم ورقه مزبور درمجلس علنی راپورت عریضه را بخواهد قطع نظرازاینکه عریضه مزبورداخل درطبقه اول یادویم یاسیم بوده باشد .

درصورت چنین تقاضا راپورت باید بمجلس داده شود پس از انقضای موعد فوق الذکر هریك ازقرارهای سه گانه کمیسیون قطعی خواهد بود .

مادهٔ هفتادودوم ـ راپورت عرایض را کمیسیون درمجلس علنی میدهد تقدم یافوریت رسیدگی بهریك ازآنها را میتوان تقاضا نمود .

مجلس رأی خود را دراین تقاضا که دلیل آن باید مختصراً بیان شود اظهارمیدارد .

مخبر کمیسیون یایکی از وزراء میتواند دراین باب اظهارات بنماید.

مادهٔ هفتادوسوم ـ کمیسیون های مخصوص که بعضی عرایض بآنها رجوع میشود باید در راپورت خود متذکرآن عرایض بشوند .

وزراء منتها در ظرف دو ماه بواسطه ورقهٔ کـه طبع و بین اعضاء توزیع میشود اشعار خواهند نمود که در خصوص عرایض کـه بآنها فرستاده شده چه اقدامی کرده اند .

فصل نهم- در مواردفوری

مادهٔ هفتاد و چهارم- درموقعیکه لایحه یاطرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء

یاصاحب طرح یایکی از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آن راتصدیق نماید .

مادهٔ هفتاد و پنجمـ این چنین تقاضا با مقدمهٔ که حاوی دلایل آن باشد اظهار میشود و پس از آن مجلس در فوریت و عدم فوریت آن رأی میدهد .

مادهٔ هفتاد و ششمـ اگر مجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور رایابه شعبات یا بیکی از کمیسیونهای مربوط بآن که از سابق تشکیل شده رجوع مینماید.

ونیز مجلس میتواند خود فوراً بآن لایحه یاطرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رأی داده شود .

مادهٔ هفتاد و هفتمـ طرح یالایحهٔ قانونی که فوریت آن تصدیق شده باشد فقط یك نوبت در بارهٔ آن شور میشود و در این شور بدواً در بارهٔ آن بطور کلی و رویهمرفته مباحثه میشود پس از آن در باب صلاحیت مذاکره فرداً فرد مواد آن رئیس از مجلس کسب رأی مینماید .

مادهٔ هفتاد و هشتمـ اگر مجلس از مباحثه در مواد امتناع نماید آن طرح یا لایحه ردشده محسوب میشود والا مباحثات اعاده شده و مذاکرات منحصر بهر یك ازمواد و اصلاحات راجعه خواهد بود .

مادهٔ هفتاد و نهمـ هر اصلاح یامادهٔ الحاقیه که درضمن مباحثات اظهار میشود بایددلایل آن بطوراختصار بیان شوددرصورتیکه وزیر یامخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یامادهٔ الحاقیه بکمیسیون رجوع شود .

هرگاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه ازمجلس رأی خواسته میشود مجلس پس ازاستماع اظهارات مخبر کمیسیون در این باب رأی میدهد .

اصلاح یامادهٔ الحاقیه درصورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود .

یامددمعاش یاوظیفه باشد بعنوان مادهٔ الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهادکرد و همچنین استطرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یاشغل یاوظایف بوده خواه باعث توسعهٔ هریك ازاین سه فقره خارج ازحدود قوانین جاریه باشد .

فصل هشتم

در باب عرایض

مادهٔ شصت وششم ـ عرایض بایدکتبی و باامضاء یامهر بوده وصاحب بطور واضح خودرامعرفی کرده باشد وبعلاوه محل اقامت عارض ویادرصورت تعدد امضاء منزل یکی ازعارضین قیدشده باشد .

عرایضی که بمجلس داده می‌شود بایدباسم رئیس باشد وممکن است بتوسط یکی از نمایندگان هم عریضه داده شود ودراین صورت نمایندهٔ مزبور درحاشیه عریضه تسلیم آنراقیدکرده وامضاء می نماید .

چنانچه عریضه ازطرف اجتماعاتی باشدکه درمعابر عامه تشکیل یافته است پذیرفته نخواهدشد .

مادهٔ شصت وهفتم ـ رئیس پس ازملاحظهٔ عرایض مزبوره آن رابدایرهٔ صورت مجلس رجوع مینماید و در آنجا عرایض بترتیب ورود در کتابچهٔ مخصوصی نمره گذاشته شده اسم و منزل عارض و همچنین خلاصه عریضه ثبت میشود و در صورتیکه عریضه بعنوان رئیس نباشد اسم نماینده‌که عریضه بتوسط اوداده شده است ثبت میشود.

مادهٔ شصت وهشتم ـ عرایض پس از آنکه ثبت شد بکمیسیون عرایض فرستاده

میشودلیکن آنهائیکه راجع بطرح قانونی باشدکه درتحت ملاحظه کمیسیون مخصوصی است رئیس مجلس مستقیماً بهمان کمیسیون ارجاع میکند واین ارجاع هم ممکن است ازطرف کمیسیون عرایض شود .

هریك از اعضاء مجلس میتوانند ازمضمون عرایض مستحضر شوند دراینصورت باید برئیس کمیسیونی که آن عرایض به آنجا محول شده است رجوع نمایند .

مادهٔ شصت و نهم ـ کمیسیون پس از رسیدگی بعرایض آنها را بترتیب ذیل مرتب مینماید :

(۱) عرایضی که رجوع آنها را بیکی از وزارتخانه‌ها صلاح میداند .

(۲) عرایضی که علاوه برارجاع بیکی ازوزارتخانه‌هاکمیسیون صلاح میداندکه بملاحظه مجلس برسد .

(۳) عرایضی که رجوع آنها را بمجلس ووزراء بیفایده میداند .

دایرهٔ صورت مجلس صاحب عریضه را از هریك ازاین سه قراریکه کمیسیون دربارهٔ عریضه او داده است مسبوق داشته و نمرهٔ عریضه را باومی‌دهد .

٭ **مادهٔ هفتادم** ـ هرهفته یك ورقه‌که متضمن مطالب ذیل است طبع شده بین نمایندگان توزیع میشود :

(۱) اسم ومنزل صاحب عریضه‌و نمرهٔ عریضه .

(۲) موضوع عریضه بطوراختصار .

(۳) اسم مخبر کمیسیون .

(۴) قراریکه کمیسیون درباب عریضه داده است و بطوراختصاردلایل آن .

---

* مادهٔ ۷۰ بعداً بموجب اصلاح مصوب دوم ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ قمری جملهٔ اول بطریق ذیل اصلاح شده است:

«هرهفته چهار نسخه که متضمن مطالب ذیل است نوشته دراطاق تنفس گذاشته میشود» .

معذلك کمیسیون میتواند درصورتیکه اعضاء حاضر متفقاً رأی داده باشند فقط در ورقه بذکر نمره و اسم صاحب عریضه و قراریکه کمیسیون درآن خصوص داده اکتفا نماید .

مادهٔ هفتادویکم ـ هر نماینده حق دارد تامدت یك ماه بعداز تقسیم **ورقه** مزبور درمجلس علنی راپورت عریضه را بخواهد قطع نظرازاینکه عریضه مزبورداخل درطبقه اول یادویم یاسیم بوده باشد .

درصورت چنین تقاضا راپورت باید بمجلس داده شود پس از انقضای موعد فوق الذکر هریك ازقرارهای سه گانه کمیسیون قطعی خواهد بود .

مادهٔ هفتادودوم ـ راپورت عرایض را کمیسیون درمجلس علنی میدهد تقدم یافوریت رسیدگی بهریك ازآنها را میتوان تقاضا نمود .

مجلس رأی خود را دراین تقاضا که دلیل آن باید مختصراً بیان شود اظهارمیدارد .

مخبر کمیسیون یایکی از وزراء میتواند دراین باب اظهارات بنماید.

مادهٔ هفتادوسوم ـ کمیسیون‌های مخصوص که بعضی عرایض بآنها رجوع میشود باید در راپورت خود متذکرآن عرایض بشوند .

وزراء منتها در ظرف دو ماه بواسطه ورقهٔ که طبع و بین اعضاء توزیع میشود اشعار خواهند نمود که در خصوص عرایض که بآنها فرستاده شده چه اقدامی کرده‌اند .

فصل نهم- در مواردفوری

مادهٔ هفتاد و چهارم- درموقعیکه لایحه یاطرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء

یاصاحب طرح یایکی ازنمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نمایدکه فوری بودن آن راتصدیق نماید .

مادهٔهفتاد وپنجم- اینچنین تقاضا با مقدمهٔکه حاوی دلایل آن باشد اظهار میشود وپس‌ازآن مجلس‌درفوریت وعدم‌فوریت آن‌رأی‌میدهد .

مادهٔهفتادوششم- اگرمجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور رایابه شعبات یا بیکی ازکمیسیونهای مربوط بآن که‌ازسابق تشکیل شده‌رجوع‌مینماید.

ونیزمجلس میتواند خود فوراً بآن لایحه یاطرح قانونی رسیدگی‌کند واین در صورتی استکه مخصوصاً دراین باب‌رأی داده‌شود .

مادهٔ هفتاد وهفتم- طرح یالایحهٔ قانونی‌که فوریت آن تصدیق شده باشد فقط یك‌نوبت دربارهٔ‌آن شورمیشود ودراین شور بدواًدر بارهٔ‌آن بطورکلی ورویهمرفته مباحثه میشود پس از آن در باب صلاحیت مذاکره فرداً فرد مواد آن رئیس از مجلس کسب رأی مینماید .

مادهٔهفتادوهشتم- اگرمجلس ازمباحثه درمواد امتناع نمایدآن طرح‌یا لایحه ردشده محسوب میشود والا مباحثات اعاده شده و مذاکرات منحصر بهر یك ازمواد و اصلاحات راجعه خواهدبود .

مادهٔ هفتادو نهم- هراصلاح یامادهٔ الحاقیه‌که درضمن مباحثات اظهار میشود بایددلایل‌آن بطوراختصاربیان شوددرصورتیکه وزیریامخبرکمیسیون تقاضا نمایدباید آن اصلاح یامادهٔ الحاقیه بکمیسیون‌رجوع شود .

هرگاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود درباب قبول توجه ازمجلس رأی خواسته میشود مجلس پس‌ازاستماع اظهارات مخبرکمیسیون دراین‌باب‌رأی میدهد .

اصلاح یامادهٔ الحاقیه درصورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع‌میشود .

مادهٔهشتادم- پس‌ازدادن رأی‌دربارهٔ هریك ازمواد لایحه یاطرح قانونی باید برای کلیه‌آن نیزرأی گرفته‌شود .

وقبل‌ازاین رأی اخیرهر نماینده حق‌داردکه دررد و قبول‌آن ملاحظات خود را بطورکلی اظهاردارد .

وهمچنین مجلس میتواند قبل‌ازرأی دادن به‌مجموعه لایحه یاطرح مذکوره‌آنرا بکمیسیون رجوع نماید تاکمیسیون درآن تجدید نظرکرده با رعایت تناسب فصول و موادآنرا مرتب‌نماید .

و اگرکمیسیون این ارجاع را بخواهد باید لایحه یا طرح مزبور بکمیسیون فرستاده شود .

کمیسیون نتیجهٔ عمل خودرا بدون فوت وقت‌تقدیم مجلس نموده ولایحه یاطرح قرائت شده ومباحثاتی‌که درآن باب میشودفقط راجع بانشاءآن لایحه یاطرح خواهد بود لاغیر.

مادهٔهشتادویکم -درصورتیکه مجلس فوریت‌لایحه یاطرحی راتصدیق‌ننماید مباحثه ورأی‌دادن درآن بطورمعمول صورت‌میگیرد .

طرح یالایحه قانونی‌که فوریت‌آنرا مجلس تصدیق‌کرده باشد درصورت تقاضای یکی از نمایندگان وپس‌ازآنکه راپورت‌کمیسیونی‌که مأمور رسیدگی آن است تسلیم شده‌باشد مجلس میتواند فوریت‌آن راسلب نماید .

درصورتیکه مباحثات مواد فرداًفرد شروع شده باشد سلب فوریت را نمیتوان تقاضا نمود ولی پس‌از ختم مباحثه مواد وقبل‌از رأی‌گرفتن درکلیه قانون ممکن‌است.

فصل دهم

طریقهٔ رأی دادن

مادهٔ هشتادودوم - رأی‌دادن درمجلس کلیتاً برسه‌قسم است:

(۱) قیام‌وقعود .

(۲) رأی‌علنی .

(۳) رأی‌مخفی .

مادهٔ هشتادوسیم- درتمام مسائل بایدبقیام وقعود رأی گرفت مگردر مواقعی که درمواد (۸۵) و(۸۶) و(۹۰) این نظامنامه قیدشده‌است .

مادهٔ هشتاد وچهارم- نتیجه رأی به قیام وقعود را رئیس ومنشیان تشخیص میدهند .

هرگاه دفعهٔاولی نتیجه مشکوك باشددردفعهٔ ثانی بهمان طریق رأی گرفته‌میشود دراینصورت درمیان دفعه‌اولی ودفعه ثانی کسی حق نطق ندارد وهمچنین اگردفعه ثانی هم‌مشکوك شد و لازم رأی‌گرفتن بواسطهٔ اوراق باشد مابین این‌دو عمل نیزکسی حق نطق ندارد .

مادهٔ هشتادوپنجم- درمواردذیل اخذرأی علنی بااوراق حتمی‌است :

(اولا) بعدازاینکه دودفعه بواسطه قیام‌وقعود نتیجه مشکوك باشد .

*(ثانیاً) درتمام لوایح قانونی‌که تقاضای اجازهٔ مخارج‌مینماید .

* (ثالثاً) در لوایح قانونی‌که مالیات یـا عوارض برقرار میکند ویا مالیات و

---

* فقره دوم وسوم مادهٔ ۸۵ درجلسهٔ ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری بطریق ذیل تفسیرشده :

« هرچند تا کنون در مجلس عمل براین بوده که در هریك از مواد لوایح قـانونی مذکور در فقره دوم و سوم مـاده هشتاد و پنجم با اوراق اخذ رأی شود لیکن مادهٔ مزبور این ترتیب را حتمیت نـداده و رأی با اوراق در موقع اخذ رأی کلی لوایح مـزبوره کفایت‌می‌کند» .

عوارضی که سابقاً برقرار بوده است تغییر میدهد .

مادهٔ هشتادوششم- رأی علنی بااوراق را هر موقع میتوان تقاضا نمود مگر درموارد ذیل:

(اولا) درصورتیکه درتغییر وتوضیح یکی ازمواد این نظامنامه اختلافی حاصل شده ومنجر بدادن‌رأی‌شود .

(ثانیاً) درمواردی‌که درمواد (۱۱۱) و(۱۲۷) و(۱۳۲) ذکرشده است.

رأی علنی بااوراق راممکن است‌قبل‌ازاینکه ازروی قاعده‌قیام وقعودرأی‌گرفته شودتقاضا نمود .

و همچنین است درصورتیکه بعداز یکمرتبه مطابق قیام وقعود رأی‌گرفته شده ونتیجه مشکوك باشد .

مادهٔهشتاد وهفتم- تقاضای رأی علنی با اوراق باید کتباً بعمل آید و لااقل پنج نفراز اعضای مجلس آن را امضاء نموده برئیس بدهند ولی درصورتیکه یکدفعه بواسطهٔ قیام وقعود رأی‌گرفته شده و مشکوك شد تقاضای شفاهی یکی از نمایندگان کافی است .

اسامی این‌پنجنفرفوق بااسامی رأی دهندگان مخالف وموافق درصورت مجلس نوشته خواهد شد .

مادهٔهشتادوهشتم- ترتیب‌گرفتن رأی علنی بااوراق ازاینقراراست :

هر نماینده دارای دوورقه مختلف اللون‌است‌که‌اسم‌آن نماینده درروی‌آنهاچاپ شده‌است .

ورقه سفیدعلامت قبول وورقه‌آبی علامت رد است.

و درموقع‌گرفتن رأی پیشخدمت مخصوص اطاق مجلس ظرف رأی را نـزد هر

نماینده برده و نماینده ورقه خود را در آن میاندازد پس از آنکه تمام اوراق جمع شد رئیس ختم اخذ اوراق را اعلام میکند و فوراً ظرف رأی را در محل نطق آورده و منشیان استخراج آراء نموده و نتیجه را رئیس اعلام مینماید .

هیئت رئیسه باید بعد از سایرین رأی بدهند .

مادهٔ هشتاد و نهم ــ درصورتیکه ده نفر از نمایندگان تقاضا نمایند اخذ رأی علنی با اوراق باید در محل نطق بعمل آید بشرط اینکه این تقاضا کتباً نوشته شده و امضا شده باشد .

اسامی امضاءکنندگان یك یك خوانده شده و حضور آنها در مجلس معین میشود و ترتیب اخذ رأی از اینقرار است :

هر نماینده پس از آنکه یك مهرهٔ تفتیشیه از یکی از منشیان گرفت ورقهٔ رأی خود را در ظرف رأی که در محل نطق است انداخته مهره را در ظرفی که در روی میز منشیان دست راست است میاندازد و بعد شمارهٔ اوراق و مهره‌های تفتیشیه موافق مادهٔ قبل بعمل آمده و تطبیق میشود .

مادهٔ نودم ــ در تمام مواقعی که اخذ رأی علنی با اوراق ممکن یا حتمی القبول است هرگاه پانزده نفر از اعضاء کتباً تقاضا نمایند باید رأی مخفی گرفته شود اسامی اشخاصی که این تقاضا را می‌کنند در روزنامهٔ رسمی درج خواهد شد .

مادهٔ نود و یکم ــ اخذ رأی مخفی بترتیبی است که درباب اخذ رأی علنی با اوراق درمحل نطق ذکر شد ولی در عوض اوراق مهره‌های سفید وسیاه استعمال میشود مهرهٔ سفید علامت قبول و مهرهٔ سیاه علامت رد است .

منشیان مهره‌های رأی را در یك ظرفی ریخته و بطور آشکار شماره نموده و مهره‌های سفید را از سیاه جدا مینمایند و از همین قرار مهره‌های تفتیشیه را میشمارند .

نتیجه را لااقل سه منشی معین نموده ورئیس آنرا اعلام میدارد .

مادهٔ نود ودوم ـ درموقع اخذ رأی علنی بااوراق یا اخذ رأی مخفی هرگاه خواندن اسامی نمایندگان برای تحقیق حضور تقاضا شود مجلس بدون مباحثه درآن باب رأی میدهد .

دراینصورت اسم هریك از نمایندگان را یکی ازمنشیان بصدای بلند ذکر کرده و همان شخص رأی خود را درظـرف مخصوص میاندازد پس ازختم این عمل مجدداً اسامی قرائت میشود تاآنهائیکه دردفعه اول خارج اطاق بودند بتوانند رأی بدهند .

مادهٔ نودوسوم ـ انتخاباتیکه درمجلس عمومی یادر شعبات یا درکمیسیونها میشود باید برأی مخفی باشد .

درموقع انتخابات درمجلس عمومی یکظرف درمحل نطق ودیگری درروی میز منشیان گذارده میشود .

هرنماینده ورقه رأی خودرا درپاکت سربازگذاشته درظرف اول ومهرهٔ تفتیشیه را درظرف ثانی میگذارد .

برای استخراج آراء سه نفربقرعه معین میشود .

درانتخابات مجلس عمومی بغیراز انتخابات هیئت رئیسه بطریق ذیل عمل میشود :
یکی ازظرفها دراطاف مجاورمجلس درتحت نظارت یکی ازمنشیان ودو نفراز نمایندگانی که بقرعه معین شدند گذاشته میشود.
هریك از نمایندگان ورقه رأی خودرا آمده درآن ظرف میاندازد بدون اینکه جلسه برای این امر تعطیل شود.
مستخرجین آراء درمحاذی اسامی رأی دهندگان علامتی میگذارند.
ساعت شروع باخذرأی وختم آنرا رئیس بتصویب مجلس معین مینماید استخراج آراء بطریق معمول بعمل می آید.

قسمت اخیر مادهٔ ۹۳ بموجب قانون ۲۱ آذرماه ۱۳۰۶ اصلاح شده است.

فصل یازدهم

درباب بعضی ترتیبات راجعه برأی ومذاکرات

مادهٔ نود و چهارم – هریك ازنمایندگان حق دارد ازمجلس تقاضا نماید که طرح یا لایحهٔ قانونی که بمجلس آمده است مسکوت عنه بماند باین معنی که شور و مذاکره درآن طرح یا لایحه صلاح ومناسب نیست .

درطرحهای قانونی که فوریت آن ازمجلس خواسته نشده باشد اگرطرح مزبور بکمیسیون مبتکرات رجوع شده باشد تقاضای سکوت را نمی‌توان پیشنهادکرد مگر بعد ازوصول راپورت کمیسیون مزبورواگر بکمیسیون مبتکرات رجوع نشده باشد پس ازآمدن طرح بمجلس برأی قبول توجه در هرموقع میتوان سکوت را تقاضا نمود دربارهٔلوایح قانونی که ازطرف دولت پیشنهاد میشودتقاضای سکوت‌پس ازوصول‌راپرت کمیسیون درهرموقع ممکن است .

در موقعی که راجع بطرح یا لایحهٔ قانونی تقاضای سکوت شود در خصوص رد یا قبول این تقاضا قبل از آن که دربارهٔ خود مطلب اخذ رأی شود رأی گرفته می شود .

مادهٔ نودوپنجم – درصورتیکه درمطلب‌معینی تقاضاهای مختلف درمجلس‌شده ومنجر بأخذ رأی شود تعیین حق تقدم وتأخر با مجلس است مگرمواقعی که تقدم‌آن در این نظامنامه مصرح است .

مادهٔ نودوششم – اصلاحاتی که دربارهٔ مطلبی‌پیشنهاد میشود قبل ازخودمطلب دربارهٔآن اصلاحات رأی‌گرفته میشود .

مادهٔ نودوهفتم – تقاضاهائیکه راجع بدستورمذاکرات مجلس یاراجع بحق

تقدم است و نیز آنهائیکه راجع برعایت نظامنامهٔ داخلی است همیشه برمسئله اصلی تقدم دارد ومذاکرات مسئله اصلی را توقیف مینماید .

ولی هرگاه شخصی مشغول نطق درمسئله اصلی شده باشد تـا نطق اوتمام نشود مطالب مذکوره تقاضا نمیشود .

مادهٔ نود وهشتم ـ درطرحها ولوایح قانونی اولا باید ماده بماده وبعد درکلیه آن رأی گرفته شود .

مادهٔ نودونهم ـ درمسائل وموادی که مشتمل برفقرات مختلفه استاگرتجزیهٔ آن ولوازطرف یکنفرخواسته شود بایدآن ماده یامسئله تقسیم‌شده‌وجزو بجزورأی گرفته شود ولی پس ازآنکه درجزوآخررأی گرفته شد مجدداً باید درمجموع قسمتهائیکه قبول شده است رأی گرفته شود .

مادهٔ صدم ـ عدهٔ کافی برای مذاکرات وگرفتن رأی موافق اصل هفتم قانـون اساسی است تشخیص عدهٔ حضار بعهدهٔ هیئت رئیسه است .

مادهٔ صد ویکم ـ نتیجه مذاکرات مجلس را رئیس با صدای بلند ازاین‌قرار اعلام میکند :

مجلس فلان مطلب‌راقبول‌کرد یا مجلس‌فلان مطلب‌راردکرد .

فصل دوازدهم
ترتیب جلسات

مادهٔ صد ودوم ـ افتتاح جلسات وحفظ ترتیب مذاکرات واجرای نظامنامه و حفظ نظم بعهدهٔ رئیس است .

هریك از نمایندگان در صورتیکه از نظامنامه تخلفی مشاهـده شود حق دارد مراتب را اخطار نماید .

مادهٔ صد وسوم - منشیان مجلس مواظب و ناظـر تحریر صـورت مجلس خواهند بود .

صورت مجلس هرجلسه را یکی ازمنشیان درابتدای مذاکرات جلسه بعدقرائت میکند وصورت مزبوره پس ازقبول مجلس بامضای رئیس یا نایب رئیس که در آن جلسه بجای رئیس بوده است و نیز اقلا بامضای دو نفر ازمنشیان می‌رسد .

مادهٔ صدوچهارم - قبل ازآنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتجات ومطالبی که راجع بمجلس است باطلاع نمایندگان میرساند .

مادهٔ صد و پنجم - نوشتجاتیکه بمجلس میرسد ممکن است باسم رئیس فرستاده شده یا درجلسهٔ رسمی بمقام ریاست تقدیم شود مجلس درصورتی که مفید بدانـد امر بطبع آن نوشتجات مینماید .

مادهٔ صدوششم - هریك ازاعضاءکه میخواهد نطق نماید باید اول از رئیس اجازه خواسته پس ازتحصیل آن بکرسی نطق رفته ومطلب خود را عنوان نماید .

واگرکسی خواسته باشدکه درجای خود ایستاده نطق مختصری نمایدآنهم موقوف باجازهٔ رئیس است .

مادهٔ صدوهفتم - منشیان اسامی، نمایندگان را بترتیبی که درمجلس یـا در خارج مجلس اجازه میخواهند ثبت میکنند .

اگر اجازهٔ نطق راجع بلوایح یاطرح قانونی باشد قبل ازتسلیم راپرت کمیسیون بمجلس اسامی نمایندگان برای نطق ثبت نمیشود .

مادهٔ صدوهشتم - درمباحثات ناطقین بایـد متناوباً بترتیب مخالف و موافق نطق نمایند .

دربارهٔ وزراء یا معاونین آنها ویا مخبرین کمیسیونهاکه مأمورتأیید ودفاع لوایح

یا طرح قانونی هستند لازم به ثبت اسم نیست و هروقتی که اجازهٔ نطق بخواهند اجازه بآنها داده میشود .

مادهٔ صدونهم ـ اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمتی بـه یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهـار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نمایندهٔ مذکور برای تبرئه و رفـع اشتباه اجازهٔ نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد .

مادهٔ صدودهم ـ ناطق بایـد از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس اورا متذکر میسازد واگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که اوازموضوع خارج نشده است یا آنکه خارج ازموضوع شدن دلایل دارد دراین باب اجازه داده نخواهد شد .

مادهٔ صدویازدهم ـ هرگاه رئیس در ضمن یك نطق دو نوبت بناطقی اخطار انحراف ازموضوع نمود و بازناطق مداومت نمایـد دردفعهٔ سیم رئیس بتصویب مجلس میتواند ناطق رااز تکلم درآن موضوع درتمام جلسه منع نماید ومجلس دراین باب بدون مباحثه بقیام وقعود رأی میدهد .

مادهٔ صدودوازدهم ـ کلیتاً قطع کلام واستعمال الفاظ زشت وتعرضات شخصی وهرگونه حرکات ونمایشاتی که موجب بی‌نظمی مجلس باشد ممنوع است .

مادهٔ صدوسیزدهم ـ رئیس قبل ازاینکه مباحثه مطلبی را ختم نماید عقیدهٔ مجلس راکسب میکند، اگر درباب عدم ختم مباحثات اجازهٔ نطق خواسته شد فقط بیك نفر اجازه داده میشود در صورتیکه در این باب اخـذ رأی لازم شد بواسطهٔ قیـام و قعود رأی گرفتـه می‌شود ـ هرگـاه در نوبت اول و ثانی نتیجه مشکوك شد مباحثات اعاده میشود .

پس ازختم مباحثات دیگر بکسی اجازه نطق داده نمیشود مگر درباب ترتیب عبارتی که ازروی آن مجلس باید رأی بدهد .

مادهٔ صد وچهاردهم - چنانچه درمجلس همهمه وغوغا برپا شود بقسمی که رئیس نتواند ازآن جلوگیری نماید ازجای خود قیام میکند .

چنانچه برخاستن رئیس موجب اسکات نشود اعلام می‌کندکه جلسه را تعطیل خواهدکرد با وجود این اگر سکوت حاصل نشود جلسه را یك ساعت تعطیل کرده و نمایندگان بشعبات خود میروند وپس ازانقضای ساعت مجدداً جلسه منعقد میشود .

و هرگاه اغتشاش و غوغا عودکند رئیس جلسه را ختم‌کرده بروز دیگر محول خواهدکرد .

مادهٔ صدوپانزدهم - رئیس قبل ازاینکه جلسه را ختم نماید درباب دستور جلسهٔ‌آتیه یعنی تعیین روزوساعت وموضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوری که باین ترتیب قرارداده شده است درمحوطه مجلس و در روزنامه‌های رسمی اعلان خواهد شد ولی مجلس درهرموقعی که لازم بداند میتواند دستورخود را تغییر بدهد .

مادهٔ صد وشانزدهم - بطورکلی تمام تکالیف رئیس درموقع غیبت بعهدهٔ نایبان رئیس است .

فصل سیزدهم

درباب غیبت ومرخصی

مادهٔ صدوهفدهم - هیچ یك‌ازنمایندگان بدون اجازهٔ مجلس نمیتواندغیبت نماید ولی درصورت فوریت رئیس میتواند اجازه داده وبعد مجلس را دراولین جلسه مسبوق نماید .

مادهٔ صدوهیجدهم -- درموقعی که مرخصی خواسته میشود بکمیسیون مخصوص مرخصی رجوع شده وکمیسیون مزبوررأی خود را میدهد .

رئیس درموقعی که استدعای مرخصی را بمجلس عرضه میدارد رأی کمیسیون را هم درباب هریك از آنها اظهار میدارد .

مادهٔ صدونوزدهم ــ نمایندهٔ که بدون مرخصی غیبت کرده است مقرری او برای مدت غیبت مقطوع است و همچنین است دربارهٔ اشخاصیکه بیش از آنچه اجازه داده شده است غیبت مینمایند .

مادهٔ صدوبیستم ــ اشخاصی که بدون عــذرموجه غایب میشوند جزو غائبین بدون اجازه هستند .

* اشخاصی که در سه جلسه متوالی یـا شش مرتبه در ظرف سی روز بــدون عذر موجه نیمساعت از موعد مقرر تخلف می کنند بمنزله آنهائی هستند که یکروز غیبت غیر موجه کرده باشند .

* نمایندگانی که در سه جلسه متوالی یـا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع

---

* جمله دوم مادهٔ ۱۲۰ درجلسهٔ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری (دوره دوم تقنینیه) بطریق ذیل اصلاح شده است :

« نمایندگان از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بــدون اجازه تأخیر نمایند یـا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبث نمایند بهر نیم ساعت تأخیر و بهرسه غیبت در یك جلسه در موقع دادن رأی ثمن مقرری یك روزه آنها کسر خــواهد شد و بعلاوه مدت غیبت آنهــا در صورت مجلس و در روزنامه رسمی اعلان میشود » .

* جمله سوم مادهٔ ۱۲۰ درجلسهٔ ۲۹ سنبله ۱۳۰۳ شمسی (دوره پنجم تقنینیه) بقرارذیل اصلاح شده است :

« نمایندگانی که در سه جلسهٔ متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع دادن رأی درمطالبی که جزو دستورآن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند بمنزله کسانی هستند که بعده همان جلسات بدون عذرموجه غیبت کرده اندو نمایندگانی که درجلسات مقرره شعبه وکمیسیون بدون عذرموجه تأخیر کرده اند نسبت بهر نیم ساعت تأخیریك دوازدهم مقرری روزانه آنها کسر خواهد گردید بدون اینکه برای هریك جلسه کمیسیون این جرم از نصف مقرری یك روزه تجاوز نماید بعلاوه هریك از اعضاء کمیسیونها که در دوجلسه متوالی و یا

بقیه پاورقی درصفحهٔ بعد

دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند و نیز آنهائی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند بمنزله کسانی هستند که بعده همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده‌اند .

مراتب فوق را باید مباشرین تشخیص ومعین نمایند اسامی غائبین بی‌عذر موجه در روزنامه‌های رسمی قید خواهدشد .

ماده صدو بیست‌و یکم – اعتراضات راجعه به غیبت به هیئت رئیسه اظهار میشود و هیئت مزبوره پس از آنکه عقیدهٔ کمیسیون را تحصیل کرد دربارهٔ آن حکم میکند .

فصل چهاردهم

درباب انتظام مجلس

مادهٔ صدو بیست‌ودوم – تنبیهاتیکه ازبابت حفظ نظم درموردنمایندگان‌میتوان مجری داشت‌ازاینقراراست :

اولا– اخطار .

ثانیاً – اخطار باقیددرصورت‌مجلس .

ثالثاً – مؤاخذه .

رابعاً – مؤاخذه‌باممنوع بودن ازحضور درجلسات‌موقتاً .

مادهٔصدو بیست‌وسوم – اخطارکه ازمختصات رئیس‌است دربارهٔ ناطقینی است که ازدائره نظم‌خارج‌میشوند ونیزدربارهٔ اعضائیست‌که بواسطهٔ عدم رعایت مادهٔ(۱۱۲) یابه‌اقسام دیگرباعث بی‌نظمی میشوند .

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

درچهار جلسه متناوب بدون عذرموجه درمدت سی روز بکمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستعفی خواهند بود » .

مادهٔ صدو بیست و چهارم ـ درصورتیکه بیکی از نمایندگان در دفعهٔ اولی اخطاری شده باشد ودرهمان جلسه مجدداً مستحق همین تنبیه بشود این دفعه اسم او درصورت مجلس قید خواهدشد .

ماده صدو بیست و پنجم ـ اخطار باقید درصورت‌مجلس موجب‌قطع عشر مقرری یکماهه‌است .

مادهٔ‌صدو بیست و ششم ـ ناطقی‌که باو اخطاری شده واطاعت‌ننماید هرگاه‌برای برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده‌خواهدشد .

هر نمایندهٔ که بدون اجازه حرف زده یا نطقی‌نماید وازاین جهت باو اخطاری بشود هرگاه برای برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده نخواهد شد مگردرآخر جلسه الااینکه رئیس اجازهٔ نطق را مقتضی‌بداند .

پس‌ازبیانات‌نماینده دربرائت‌ذمه خود هرگاه رئیس‌قانع‌نشده واخطاررادرمورد آن شخص برقرارداشت مراتب را منشیها یادداشت‌خواهندکرد .

مادهٔ صدو بیست و هفتم ـ هرگاه بناطقی دریك جلسه دو مرتبه اخطار شود مجلس میتواند در صورت تقاضای رئیس حق نطق را در آن جلسه از او سلب نماید .

رأیی‌که دراین‌باب‌گرفته میشود بقیام وقعود بدون‌مذاکره‌خواهدبود .

مادهٔ صدو بیست و هشتم ـ مؤاخذه‌درموارد ذیل‌است :

اولا ـ نمایندهٔ‌که پس‌ازاخطار باقید درصورت‌مجلس درهمان جلسه مجدداً از دایرهٔ نظم‌خارج‌میشود .

ثانیاً ـ نمایندهٔ‌که درظرف سی‌روز شش‌مرتبه مورد اخطارواقع شده‌باشد .

ثالثاً ـ نمایندهٔ که در مجلس منشأ غوغائی شده یا اینکه محرك امتناع جمعی ازکار بشود.

رابعاً ـ نمایندهٔ که بیك یـا چند نفر از نمایندگان دیگر فحش داده یـا تهدیدنماید .

ماده صدو بیست و نهم ـ مؤاخذه بامنع حضور درمواردذیل است:

اولا ـ نمایندهٔ کـه پس از مؤاخـذه در همان جلسه مجدداً از دایـرهٔ نظم خارج می‌شود .

ثانیاً ـ نمایندهٔ‌که درظرف ششماه دومرتبه مؤاخذه‌شده‌باشد .

ثالثاً ـ نمایندهٔ‌که مردم‌را درمجلس علنی به‌زدوخوردیاجنگ خانگی یا بضدیت ونقض‌قوانین‌اساسی دعوت‌وترغیب نماید .

رابعاً ـ نمایندهٔ کـه نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس یا برئیس هتك شرف‌نماید .

خامساً ـ نمایندهٔ که نسبت بیك یـا چند نفر از هیئت دولت فحش داده یـا تهدیدنماید .

سادساً ـ نمایندهٔ‌که نسبت بدولت‌توهین‌نماید .

ماده صدوسی‌ام ـ در صورتیکه تنبیه مؤاخـذه بـا منع حضور دربارهٔ نمایندهٔ رأی داده شده باشد نمایندهٔ مزبور تـا هفت جلسه حق شرکت در امور مجلس ندارد .

پس‌ازرأی مجلس رئیس نماینده را دعوت به‌بیرون رفتن میکند هرگاه اطاعت نکند رئیس جلسه راختم مینماید ولی مجدداًمیتواند منعقدکند .

درصورت عدم اطاعت و نیز درصورتیکه مؤاخذه با منع حضور دربارهٔ نمایندهٔ باشد‌که درظرف ششماه قبل همین تنبیه درحق او مجری شده باشد تنبیه فوق مضاعف خواهدبود .

ماده صدوسی‌و یکم ـ چنانچه شخص نماینده قبل‌ازانقضاء مدت معینه داخل

عمارت مجلس بشود بحکم مباشرین دستگیر شده درمحل مخصوص که برای این امر معین شده است مدتی که متجاوز ازسه روز نباشد توقیف میشود .

اگر نمایندهٔ مزبور داخل محل انعقاد مجلس بشود پس ازآنکه هیئت رئیسه حضور اورا به مجلس اخطار نمود رئیس جلسه راختم نموده ومباشرین بحکم رئیس در توقیف نماینده بطوریکه درفوق ذکرشد اقدام مینمایند .

مادهٔ صدوسی ودوم ـ مؤاخذه ونیز مؤاخذه بامنع حضور باید به تقاضای رئیس باشد اخذ رأی بقیام وقعود خواهد بود .

نمایندهٔ که دربارهٔ اویکی ازاین دوفقره تنبیهات خواسته شده است حق دارد خود شخصاً اگر بعضی اظهاراتی دارد بنماید یا بتوسط دیگری از نمایندگان ازطرف خود آن اظهارات را به مجلس عرضه دارد .

رأی مجلس در باب مؤاخذه و مؤاخذهٔ با منع حضور در صورت مجلس قید خواهد شد .

ماده صدوسی وسوم ـ مؤاخذه موجب قطع ربع حقوق یك ماهه و مؤاخذهٔ بامنع حضورموجب قطع نصف حقوق یکماهه است .

ماده صدوسی وچهارم ـ درصورتیکه در محوطه مجلس از طرف یکی از نمایندگان جنحه یاجنایتی بروز نماید رئیس مراتب را باطلاع مجلس رسانیده ومذاکرات فی الفورقطع میشود .

درصورتیکه نمایندهٔ مزبور بخواهد توضیحات بدهد اجازه داده میشود پس از آن باید بحکم رئیس از مجلس خارج شده و به محلی که در مادهٔ (۱۳۱) ذکر شد برود چنانچه اطاعت ننماید یا اینکه در مجلس غوغائی بشود رئیس جلسه را ختم می نماید .

هیئت رئیسه وقوع جنحه وجنایترا بدیوانخانه اطلاع میدهد .

فصل پانزدهم

در باب دوائر و محاسبات

ماده صدوسی و پنجم - ادارهٔ مجلس در تحت دوشعبه منشعب میشود :
(۱)شعبهٔ تقنینیه .
(۲)شعبهٔ اداری .

شعبهٔ تقنینیه عبارت است از دارالانشاء هیئت رئیسه و دایره تحریر صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و دایره تندنویسی ودایره ارسال مراسلات ومطبوعات راجع بقوانین .

شعبهٔ اداری عبارت است ازدارالانشاء مباشرت ودایره دفترخانه وکتابخانه وصندوق وابنیهٔ مجلس .

مادهٔ صدوسی وششم - شعبه تقنینیه درتحت ریاست ونظارت عالیه رئیس مجلس است ولی مخارجیکه برای دوائراین شعبه لازم میشود باید قبل ازوقت بتصدیق مباشرین رسیده باشد .

شعبهٔ اداری درتحت ریاست و نظارت مباشرین است .

ماده صدوسی وهفتم - تحقیق و تصفیه محاسبات مجلس راجع بکمیسیون محاسبات است ولواینکه محاسبات تفریغ نشده سابق باشد و نیز تفتیش کلیه اشیاء منقوله مجلس برعهدهٔ کمیسیون مزبوراست .

بودجهٔ مجلس را هرساله مباشرین معین کرده بکمیسیون محاسبات میدهند و کمیسیون پس ازمداقه و رسیدگی برای تصویب آنرا درمجلس علنی بعرض میرساند .

مخارج مجلس مانند بودجهٔ مملکتی باید برای مدت یکسال معین شود درآخر

هر سال کمیسیون محاسبات از انجام وظایف محوله راپرتی بمجلس میدهد .

مادهٔ صدوسی و هشتم ـ مباشرین ازمیان خود یکنفر برای محاسبات مخارج بانتخاب معین میکنند.

برای اینکه حوالجات درصندوق مجلس کارسازی شود :

اولاً ـ باید در بودجهٔ مجلس آن خرج تصویب شده باشد .

ثانیاً ـ اسنادیکه برای صحت خرج در نظامنامهٔ محاسبات مجلس معین شده است منضم بآن حواله باشد .

ثالثاً ـ آن حواله باید بامضای مباشری که برای محاسبات مخارج مجلس معین شده است رسیده باشد .

فصل شانزدهم

در باب نظم داخلی و خارجی مجلس

اختیارات رئیس

مادهٔ صدوسی و نهم ـ حفظ امنیت محوطهٔ مجلس محول برئیس است . عدهٔ قوای نظامی که برای این امر لازم است بسته بقرارداد خودرئیس ودرتحت اوامر اواست .

مادهٔ صدو چهلم ـ رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری قواعد نظم مجلس است .

مادهٔ صدوچهل و یکم ـ بغیر از وزراء و معاونین ایشان و رئیس دارالانشاء و رئیس کابینه هیئت رئیسه و نیز رئیس و اعضای دایره صورت مجلس و رئیس و اعضاء دایره تندنویسان مجلس وهمچنین پیشخدمتان مخصوص اطاق مجلس هیچکس

بهیچ عنوان در موقع جلسه درمحل مخصوص اجلاس نمایندگان حق دخول ندارد .

مادهٔ صد وچهل ودوم - مخبرین جراید و تماشاچیان با داشتن بلیط در محل مخصوص که خارج از محل اجلاس نمایندگـان برای آنها معین شده است حق دخول دارند .

مادهٔ صدوچهل وسیم - مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنهـا علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فـوراً اخراج خواهد شد .

مادهٔصدوچهل وچهارم - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمحاکم مرجع جلب میشود .

فصل هفدهم

در مسائل متفرقه

مادهٔ صد وچهل وپنجم - هیئتهائی که مجلس صلاح میداند در بعضی ازمواقع ازطرف مجلس حضور بهمرسانند عدهٔ اعضاء آنها بسته بقرارداد مجلس است .

مادهٔ صدوچهل وششم - در مواقعیکه هیئت مـزبوره مـأمور بگفتگو و مذاکره مطلبی نباشد از قبیل تبریك و تشریفات و غیره اعضاء آن هیئت بقرعه معین میشوند و رئیس یا یکی از نایبان رئیس ودونفر از منشیان لزوماً جزء هیئت مزبوره هستند ولی درمواردیکه هیئت مأمورمذاکره وگفتگوئی است اعضاء آن بسته بانتخاب مجلس است .

مادهٔ صد وچهل وهفتم - هر نمایندهٔکه بانتخاباورسیدگیوصحتآن معلوم شده است میتواند ازشغل نمایندگی استعفا بدهد.

هرگاه نمایندهٔ قبل از رسیدگی استعفا بدهد این مسئله باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد .

مادهٔ صد وچهل وهشتم - استعفا نامه بعنوان رئیس مجلس نوشته میشود و رئیس در ظرف یك هفته آنرا باطلاع مجلس رسانیده و بعد سوادی برای وزیر داخله می‌فرستد .

مادهٔ صدوچهل‌ونهم - هیئت رئیسه در باب ترتیب صورت مجلس و صورت مشروح مجلس ونیزدرباب ترتیبات داخلی دوائروتعیین شغل وتکالیف اجزاء نظامنامهٔ مرتب خواهدکردونیزمباشرین یك نظامنامه درباب محاسبات مجلس‌مرتب‌کرده بمجلس پیشنهاد میکنند .

مادهٔ صدوپنجاهم - نظامنامهٔ داخلی‌مجلس‌مورخهٔ بیست ونهم شعبان ۱۳۲۴ منسوخ وازدرجهٔ اعتبار ساقطاست .

مواد الحاقیه

۱- درانتخاباتیکه باکثریت نسبی‌ازطرف مجلس میشودهرگاه یکی ازمنتخبین استعفا دهد بجای او انتخاب جدید خواهد شد .

۲- نمایندگانی که درکمیسیون بودجه عضویت ندارند می‌توانند بدون شرکت در مباحثات هنگام انعقاد جلسات کمیسیون بودجه حاضر شده و مذاکرات را استماع نمایند .

۳- مقرری نمایندگان مجلس‌شورای ملی از تاریخی‌که صحت اعتبارنامه ایشان درمجلس تصدیق شود محسوب خواهد بود .

فهرست

قسمت دوم- امتیازات

مصوب دوره دوم قانونگذاری

قسمت دوم

امتیازات

قسمت دوم

امتیازات

قانون

راجع بقرارداد پوست بره

مصوب ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری

مابین اولیای دولت قویشوکت روسیه بتوسط وزیر مختار دولت معظم الیها از یکطرف واولیای دولت علیه ایران بتوسط وزیر مالیه ازطرف دیگر این قرارنامهٔ حاضره از تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸ بتفصیل ذیل منعقد گردید .

(اولا) - قراردادی که در بیست وهفتم شهر صفر ۱۳۲۷ هجری مطابق اول حمل سنهٔ تخاقوی‌ئیل فیما بین مأمورین محمد علی میرزاواقاست نرسس اف تاجر باشی روس درطهران منعقد ودر ۱۲ ماه مارت سنهٔ ۱۹۰۹ در دفتر اسناد سفارت سنیه روس درتحت نمرهٔ ۹۰ ثبت گردیده وحال متعلق بتجارتخانهٔ برادران علی‌اف میباشدازطرف هردودولت محکوم به بی‌اعتباری و نسخ گردید .

(ثانیاً) - در عوض وجهی که تجارتخانهٔ برادران علی اف برای انعقاد قرارداد مزبوره منسوخه صرف نموده دولت علیه ایران متعهد است مبلغ دویست هزار تومان بدون تنزیل بپول ایران در مدت پنجسال به‌اقساط متساویه هرسالی چهل‌هزار تومان تمام برای اول اکتبر هرسال بتجارتخانهٔ برادران علی اف بپردازد و شروع بپرداخت این وجه از هذه السنه خواهد بود .

(ثالثاً) ـ ضامن ترتیب پرداخت هرساله وجه مزبور بمحل آن از حیث مبلغ وموعد بتجارتخانه بـرادران علی اف حق جوازی است که اولیای دولت علیه ایران درهذه‌السنه ایت ئیل قانوناً مقرر می‌فرمایند که از این تاریخ از پوست بره که در تمام خاك ایران خریداری می‌شود چه در مدت این قرارداد وچه بعدازآن درنقاطی که صلاح میدانند غیر ازگمرکات از قرار ذیل اخذمینمایند :

از پوست شیراز دانهٔ سه شاهی .

از پوست خراسان دانه پنج شاهی .

از پوست سایر نقاط ایران دانهٔ هفده شاهی و نیم .

(رابعاً) ـ برای مزید اطمینان از وصول مرتب اقساط مذکوره درفصل سوم دولت علیه ایران از این تاریخ تاانقضای مدت این قرارداد کشتار بره و خرید وفروش پوست آنرا درممالك محروسه جزبترتیبی که درفصل هفتم این قرارددادمذکوره است قدغن نفرموده و بهیچ عنوان عوارضی دیگر برپوست بره تحمیل نخواهدنمود .

(خامساً) ـ تمام وجوهی که از این عایدات جمع می‌شود متدرجاً بتوسط اولیای دولت علیه ایران بشعبه طهران بانك استقراضی ایران در حساب علی اف‌ها تحویل خواهد شد تاتکمیل مبلغ چهل هزار تومان مذکور و دولت علیه متعهد است که قبل از تکمیل مبلغ مزبور از این عایدات بهیچوجه بمصارف دیگر نرساند و درصورتیکه این عایدات کفایت تکمیل وجه‌فوق‌الذکر را ننماید اولیای دولت ایران متعهدندکه درهرصورت برای اول ماه اکتبر هرسال کسر این وجه را ازعایدات دیگردولتی برسانند .

(سادساً) ـ اولیای دولت علیه ایران متعهدند که این حق جوازی را که از پوست‌های بره خریداری برادران علی‌اف هم بایدهمیشه دریافت نمایند تامدت‌پرداخت اقساط پنجگانه نقداً نگرفته قبض رسید مأخوذ دارند و همان قبوض بجای وجه نقد

تاچهل هزار تومان مذکور درفصل فوق تسلیم بانك استقراضی خواهد شد .

(سابعاً) ـ درمدت این پنج‌سال هرگاه دولت علیه ایران برای محافظت نسل بره‌بخواهدهرسال یك ماه بمناسبت هرمحلی درتمام ایران غیر از فارس‌کشتار بره‌را قدغن نماید این قرار داد مانع نخواهد بود ومقرر گردیدکه خریداران پوست بره‌از تبعه روس هیچیك حق ندارند احدی را بکشتار بره‌مجبور کنند .

(ثامناً) ـ این قراردادکه نسختین نوشته شده برای طرفین بـدون تغییر لازم الاجرامیباشد .

قانون

امتیازنامهٔ طلاشوئی آستانه عراق

مصوب۱۹شعبان ۱۳۲۸ قمری

۱ ـ امتیاز طلاشوئی درطول رودخانه دواب وشعبی‌که داخل برودخانه میشود از قریهٔ‌آزنا تاقریه ده سفیدکه طول آن عبارت از ده هزار و پانصد و هفتاد ذرع است وعرض از هرطرف ساحل یکصد و چهل وچهار ذرع است بمدت بیست سال شمسی بآقای میرزاعلی محمدخان و شهاب الممالك و حاجی سید ابوالحسن و حسین آقا تاجران طهرانی داده میشود

۲ ـ امتیاز و استخراج سایر فلزات در حدود معینهٔ ذیل بشرکاء داده میشود بمدت سی‌سال شمسی ـ حدشمالی از قریه آزنا بطرف مغرب پنجهزار ذرع‌کهمنتهی میشود بقریهٔ پاموسی ـ حدغربی از قریه پاموسی بطرف جنوب غربی هشتهزار ذرع کهمنتهی میشود بنقطهٔ که در نقشه بعلامت (ب) تخصیص داده شده ـ حد جنوبی از نقطه (ب) بطرف شرق هفتهزار ذرع که منتهی میشود بنقطه که درنقشه بعلامت (د)

معرفی شده ـ حدشرقی از نقطۀ (د) بطرف شمال‌شرقی هشتهزار ذرع که منتهی میشود بقریۀ آزنا موافق حدود مزبور کلیۀ اراضی که در حوزۀ این امتیاز واقع میشود تخمیناً یك فرسخ مربع وبشکل چهار ضلعی غیر منظم که قریۀ آستانه تقریباً درمرکز واقع‌میشود .

۳ ـ هرگاه صاحبان امتیاز درضمن طلاشوئی یااستخراج معادن مذکوره معادن جواهرات یااشیاء عتیقه‌کشف نمایند ازاین‌امتیازخارج ومتعلق بدولت‌خواهدبود .

۴ ـ ازکل عایدات ازمعادن‌فلزات ده‌درصد وازعین طلای‌استخراج شده‌نیزبدون موضوع نمودن‌خرج ده‌درصد باید بدولت عایددارند .

۵ ـ هیچیك ازصاحبان امتیاز وشرکاء واشخاصیکه این امتیازوحق شرکت‌بآنها منتقل میشود مجازنخواهند بود قسمت خودرا بتبعه خارجه انتقال نموده ویانزدآنها وثیقه ورهن بگذارند هرگاه خودیا وراث آنها داخل تبعیت خارجه شوند این‌حق‌از اوساقط وباید امتیاز وسهم خودرا بتبعۀ داخله انتقال نماید ودر صورتیکه‌کسی ازتبعۀ داخله خریدار نباشد دولت بقیمت عادله خریداری خواهدنمود .

۶ ـ اگر صاحبان امتیاز بخواهند ازاتباع خارجه برای شرکت یاکمپانی‌قبول نمایند باید بتصویب مجلس شورای ملی‌باشد .

۷ـ صاحبان‌امتیازاگربخواهنددرحوزۀ امتیاز ایجاد راهی نمایند جهت‌حمل و نقل‌مواد معدنی ازمحل استخراج بمرکز حوزه مجازهستند .

۸ ـ زمین هائیکه صاحبان امتیاز میخواهند طلا شوئی ویـا استخراج معادن ویا ایجاد راه نمایند اگر متعلق بمالك مخصوص باشدترضیۀ خاطرمالك بعهدۀصاحبان امتیازاست .

۹ ـ صاحبان امتیازاگر درطلا شوئی ازتاریخ امضاء تایکسال‌شروع بهاستخراج

نکردند ودرمعدن سایر فلزات تامدت دوسال دیگر استخراج ننمودند این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهدبود .

۱۰ ـ هرگاه درطول مدت امتیاز یکسال درطلاشوئی ودوسال متوالی درمعادن بدون اجازه واطلاع وزارت فواید عامه تعطیل وتأخیر نمایند امتیاز لغو واز درجهٔ اعتبار ساقط خواهدشد .

۱۱ ـ اشیاء واموال غیرمنقوله ازهر قبیل بعد از انقضای مدت متعلق به دولت خواهدبود .

۱۲ ـ پس ازانقضای مدت‌امتیاز باتساوی شروط حق تقدم باصاحبان این‌امتیاز خواهدبود .

قانون

امتیاز تأسیس کارخانه چرم وصابون سازی

به ربیع زاده وشرکاء

مصوب ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۸ قمری

مادهٔ اول ـ آلات و ادوات یك دستگاه ماشین چرم سازی و یك دستگاه ماشین صابون پزی ویکدستگاه ماشین روغن‌کشی‌که ربیع زاده وشرکاء وارد میکنند ازحقوق‌گمرکی معاف خواهدبود وهمچنین ادوات ضمیمهٔ‌که برای ماشین‌های مزبوره واردمیکنند .

مادهٔ دوم ـ ادویه ودهنیات متعلق بصابون سازی درمدت شش‌سال ازحقوق گمرکی معاف خواهد بود .

مادهٔ سوم - صورت اسامی و مقدار ادویه و دهنیاتی که در هر سال برای کارخانه لازم است تا مدت شش سال موقوف بتعیین و تصدیق وزارت فواید عامه خواهد بود.

مادهٔ چهارم - هرگاه معلوم شود که ربیع‌زاده وشرکاء ادویه ودهنیاتیکه برای استعمال درکارخانه آورده‌اند بفروش رسیده باشد بعدها ازمعافیت گمرکی بکلی محروم خواهد بود.

مادهٔ پنجم - درصورتیکه راجع بمنابع این کارخانه مالیاتی درمملکت وضع شودکارخانجات مزبوره **از** تاریخ امضای آن قرارداد تاپنجسال ازمالیات معاف خواهند بود ولی مالیات صنفی معموله را باید بپردازد.

مادهٔ ششم - علامت ومهر وقالبهای مخصوصی این کارخانجات بکلی ممنوع ازتقلید است.

مادهٔ هفتم - درصورتیکه ربیع‌زاده و شرکاء بخواهند در کنار رودخانه کرج یا جاجرود بنای کارخانه‌های فوق را بنمایند معادل ده هزار ذرع اراضی بایر اطراف رودخانه چنانچه متعلق بدولت باشد و قابل بنای کارخانه باشد از طرف دولت بربیع‌زاده و شرکاء تا مدتیکه کارخانه چرم‌سازی در آن نقطه برقرار است داده میشود.

مادهٔ هشتم - ربیع‌زاده و شرکاء میتوانند از آب رودخانه بقدر شرب اجزاء کارخانه و حوض‌های دوائی جهت نرم نمودن و شست و شوی چرمها بمصرف برسانند.

مادهٔ نهم - فاضل آب فاسد کارخانه بهیچ وجه نباید داخل رودخانه بشود.

مادهٔ دهم - این تخصیصات برای ربیع زاده و شرکاء مادامی مستقر است

کـه تمام شرکاء تبعه داخله باشند هـرگاه به نحوی از اتباع خارجـه در این شرکت دخالت پیدا کنند از آن تاریخ ببعد این تخصیصات از شرکاء سلب خواهد شد .

قانون

تجدید قرارداد نقره

با بانك شاهنشاهی

مصوب ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری

مادۀ اول ـ وزارت‌مالیه مجاز است که قرارداد مورخه اول‌حمل ۱۲۳۸ را درباب خرید وحمل نقره با بانك شاهنشاهی‌ایران بارعایت‌تغییرات ذیل‌ازاول‌حمل ۱۳۲۹ تاآخر حوت ۱۳۳۰ تجدیدنماید :

۱ ـ تعیین مقدار نقرۀ کـه بموجب قرارداد سابق یك صدو بیست کرور مثقال بوده بسته بصلاحدید دولت است کـه در رأس هر ماه مقدار آن را معین خواهد نمود .

۲ ـ مقدار نقرۀ‌که بانك‌بطورمساعده برای دولت‌تهیه خواهدنمود الی‌سیصدهزار لیره‌بوده ومیزان منفعت ازبابت‌کلیه وجوهاتیکه بانك پیشکی میدهد بقرار صدی پنج خواهد بود .

ضمیمه

بموجب قرارداد حاضره که فیمابین بانك شاهنشاهی ایران از طرفی و اولیای دولت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران ادام‌الله بقاء دولته از طرف دیگر منعقد است بانك شاهنشاهی ایران تعهد مینماید که بشرایط ذیل برای ضرب در

ضرابخانه مبارکه نقرهٔ قرص بابت حساب دولت علیه ایران خریداری نموده و بایران حمل نماید :

(اول) - مدت دوام این قرارداد از تاریخ بیست‌ویکم ماه مارس (۱۹۱۰) الی بیست‌ویکم ماه مارس (۱۹۱۱) مسیحی که مطابق‌است بااول‌حمل (۱۳۲۸) الی‌اول‌حمل (۱۳۲۹) دریکسال تمام خواهدبود .

(دوم) - چون دولت علیه ایران حمل‌نقره را برای ضرب در ضرابخانه بکلی منحصر بخودشان فرموده‌اند فقط ببانك شاهنشاهی وکالت میدهندکه نقره را بابت حساب دولت علیه خریداری نموده حمل بطهران نماید و دولت علیه ایران در مدت دوام این قرارداد تعهد میفرمایندکه هیچ مقدار نقره بتوسط دیگری حمل نفرمایند مگر بتوسط بانك شاهنشاهی ایران لاغیر ونقرهٔ راهم‌که بتوسط دیگران از خارجه حمل شده باشدخریداری نفرمایند و نیز دولت علیه تقبل مینمایدکه قیمت نقره وتمام مخارج حمل آنرا بطهران بانضمام حق بیمه و غیره هرچه راکه بانك شاهنشاهی از بابت دولت علیه ایران داده است بطوریکه در ماده هشتم ذکر شده عاید و مرحمت فرمایند .

(سوم) - دولت علیه ایران تعهد میفرمایندکه هرمقدار برات خارجه برای حمل نقره مطلوب‌لازم شود تمام را از بانك شاهنشاهی ایران ابتیاع‌فرمایند لاغیر .

(چهارم)-قیمت‌کلیه‌اینگونه بروات این قسم معین میشود که در هرمظنه که بانك شاهنشاهی‌ایران بروات تلگرافی حوالهٔ لندن را خریداری‌کند ازقرارصدی‌سه ربع علاوه برآن میزان با دولت حساب نماید هنگامی‌که مظنه برات خارجه معین میشود قیمتی‌راهم‌که از آن‌قرار نقره باید خریداری شود آنهم در همان مجلس‌معلوم و معین‌خواهدشد .

(پنجم) ـ مقدار نقره که در تحت شرایط این قرارداد باید حمل شود عبارت از یکصد و بیست کرور مثقال خواهد بود ولی مقرر است که هرگاه بواسطه نرخ بروات خارجه و قیمت نقره حمل این مقدار مقرون بصرفه نباشد درآنصورت طرفین هیچیك مجبور به حمل آن نخواهند بود .

(ششم) ـ دولت علیه ایران تقبل میفرمایند بمیزان قیمت تمام نقره که در عرض مدت استقرار این قرار حمل میشود بقرار صدی ربع ببانك شاهنشاهی ایران حق العمل مرحمت فرمایند و این حق العمل از روی قیمت نقره که به لیره داده می‌شود حساب شده بهمان میزانی که قیمت هر فقره نقره ابتیاعی تسعیر میشود به قران مسعر گردد .

(هفتم) ـ بانك شاهنشاهی ایران تقبل مینماید هر مبلغ تنخواهی که بدفعات برای خریداری نقره لازم شود الی مبلغ دویست هزار لیره انگلیسی تدارك و تهیه نماید و معادل عوض آنرا از عملکرد ضرب آن نقره از ضرابخانه مبارکه مأخوذ و دریافت دارد میزان منفعت کلیه این وجوهاتیکه بانك پیشکی میدهد بقرار صدی نه درسال خواهد بود .

(هشتم) ـ تمام نقره‌هائیکه در عرض راه الی طهران و در بانك و درمدت سکه شدن و غیره درضرابخانه خواهد بود در حکم وثیقه وجوه پیشکی دادهٔ بانك است ولی مقرر است که فواید تقریبی حق دولت علیه است از هرفقره نقره که بضرابخانه فرستاده بشود باید به خود دولت برسد وهرگاه لازم شود بدفعات میتوانند آن را از پیش دریافت فرمایند مشروط براینکه تأدیه و پرداخت قیمت نقره ومخارج و تنزیل بانك کاملا ملاحظه و منظور نظر باشد و نیز مقرر است که مقدار نقره موجودی ضرابخانه در دفعات واحده برای آنکه ضرابخانه بدون انفصال بتواند مشغول کار باشد قریب پنجاه هزار لیره کافی خواهد بود .

قانون

اجازهٔ امتداد لوله نفت از بیجارخاله الی کنار شهررشت

مصوب لیلهٔ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول - از طرف دولت علیه به برادران نوبل اجازه داده میشود که ازکنار بندر بیجار خاله لولهٔ آهنی برای جریان نفت بطول یك فرسخ مستقیماً تا راه شوسه پیربازارورشت کشیده در محل موسوم به (کوماکو) به راه شوسه مزبوره داخل نموده وازکوماکو تاکنار شهررشت لوله‌را متوازی‌باراه وازکنارراه عبور داده به انباراداره نوبل‌کنارشهر رشت‌وارد نمایند .

توضیح آنکه‌کلیه مسافتیکه بطول‌آن لوله‌کشیده میشود دو فرسخ وسبع فرسخ خواهدبود .

مادهٔ دوم- برادران نوبل برای‌کشیدن لوله‌از صاحبان املاك اراضی لازمه را بعرض یك‌ذرع‌ونیزمحل‌ابنیه چوبی وانباری راکه برای‌اینکارلازم است‌باطلاع‌وتصویب اولیای دولت‌علیه ورضایت صاحبان اراضی باسندکتبی وامضای طرفین بمهرکارگذاری برای یك‌مدتی‌که زیاده‌ازپانزده سال‌نباشد اجاره‌خواهندکرد .

مادهٔسوم-مدت این‌اجازه پانزده‌سال خواهدبود وپس‌از انقضای مدت برادران نوبل بایدتمام‌لوله ممتده واشیاء منقوله خود رابرداشته وفقط‌پل وعماراتی راکه برای محافظت لوله‌بنانموده‌اند بصاحبان املاك بلاعوض واگذارکنند مگردرموردیکه باجازه دولت‌بدیگری انتقال یابد .

مادهٔ چهارمـ درهر هفته ادارهٔ نوبل بایدربع آن مقدار نفتی را که ممکن است ازلوله جاری شود برای تجار نفت‌فروش اتباع داخله جریان دهد وترتیب تقسیم جریان این مقدار نفت را تجارداخله باکمپانی نوبل باطلاع کارگذاری گیلان خواهندداد مشروط براینکه تجارمزبورنفت خودشان راباکرجی دربیجارخاله حاضرنموده وازاداره نوبل دررشت بوسیله بوشکه مخصوص خودویابواسطه لوله‌که ازانبارنوبل به انبارهای شخصی خودخواهند ساخت تحویل بگیرند .

مادهٔ پنجمـ اشخاصی که حق حمل ربع نفت رادر هرهفته بااین لوله دارندازتجار داخله باید بوده و باتجارتخانه‌های خارجه رسماً شراکت نداشته باشند .

مادهٔ ششمـ قرارکرایه نفتی راکه تجارداخله بتوسط لوله‌جاری میکنند دولت با کمپانی نوبل بطور عدالت ورعایت طرفین خواهدداد .

مادهٔ هفتمـ دهنه‌لوله‌که اداره‌نوبل خواهدکشید دوگره‌و نیم خواهدبود .

مادهٔ هشتمـ مستحفظی لوله مزبور باما‌لکین اراضی است‌عملجات ومستحفظین تماماً اتباع دولت علیه خواهند بود وحقوق مستحفظی ازکمپانی نوبل برضایت آنان ادا خواهدشد .

مادهٔ نهمـ اداره‌نوبل نمیتواند بهیچ اسم‌ورسم‌بعنوان خسارت لوله یاغیرآن از صاحبان اراضی یا اولیای دولت علیه ایران ادعای خسارتی بنماید و هرگاه اختلافی مابین کمپانی نوبل و صاحبان اراضی یا مستحفظین لولـه روی بدهد تسویه آن در کارگذاری خواهدشد وکمپانی‌نوبل‌حق هیچ نوع تعرض مستقیماً با‌آنها نخواهندداشت.

مادهٔ‌دهمـ این‌اجازه بهیچوجه شامل‌انحصار نیست‌ودولت علیه‌میتواند بهرکس بخواهداجازه تمدیدلوله برای‌نفت بدهد .

قانون

امتیاز چرم سازی

مصوبه غرۀذیقعدۀ ۱۳۲۹قمری

مادۀ واحده- وزارت تجارت مجازاست‌که بترتیب ذیل درآوردن ماشین‌آلات چرم‌سازی باجلالیانس تبعۀدولت علیه‌ایران مساعدت نماید:

اول- ماشین وآلات چرم سازی تامبلغ سی‌هزار تومان ارزش از حقوق‌گمرکی معاف خواهدبود .

دوم-هرمقدار دواجات ورنگ‌که برای مصرف پنج‌سال صنعت چرم سازی لازم ومخالف با قوانین مملکتی نباشد جلالیانس مجاز است تا مدت پنجسال پس‌از امضاء باتعیین مقدارمصرف‌کارخانه ازطرف وزارت فواید عامه بدون پرداختن حقوق‌گمرکی ازخارج وارد نماید .

سوم - تامدت دوسال پس‌ازامضاء اگرجلالیانس ماشین‌وآلات چرم‌سازی را تهیه نکرده وبکارنیندازد ازاین دوفقره معافیت محروم خواهدبود .

چهارم - دو فقره اختصاص معافیت از حقوق گمرکی که دولت برای این اجازه به‌جلالیانس تبعه دولت علیه ایران میدهد شخصی و بهیچوجه قابل انتقال بغیر نخواهد بود .

قانون

امتیاز تأسیس سیم نقاله

مصوبۀ پنجم ذیقعده ۱۳۲۹ قمری

مادۀ اول - امتیاز تأسیس سیم نقاله مطابق مواد ذیل از کهریزك بطهران واز طهران به‌اوشان بشرکت قندسازی داده میشود .

مادهٔ دوم ـ شرکت قندسازی میتواند درموقع لزوم ازمرکز (اوشان) رشتهٔ سیم نقاله خودرا تا بهر یك از معادن ذغال سنگ که میتواند از برای خود درحدود لار و رودبار تهیه نماید (ونیزازمرکز کهریزك ازبرای حمل چغندرکه میتواند در ورامین و شهریار تهیه کند) پس ازاجازه وزارت فواید عامه امتداد دهد .

مادهٔ سوم ـ مدت این امتیاز ازتاریخ امضاء پنجاه سال شمسی است .

مادهٔ چهارم ـ هر مقدار ذغال برای مصرف کارخانه وادارهٔ قندسازی کهریزك لازم باشد پس ازتعیین وزارت فوایدعامه ازهرگونه مالیات وعوارض دولتی درظرف مدت مزبورمعاف است .

مادهٔ پنجم ـ خارج ازمصرف کارخانهٔ هرمقدار ذغال سنگی که بمصرف فروش میرسد باید حقوقی راکه فعلا برقراراست یا بعدها ازطرف دولت بطور عمومی برقرار میشود بپردازد .

مادهٔ ششم ـ شرکت مزبوره نباید ذغال را در ده سال اول از خرواری سه تومان وپنجهزار دینار درمراکزی که سیم کشیده میشود زیادتر بفروشد مگردرمواردی که معادن یا خط راه دچار صدمه و خسارتی بشود که دولت زیادی قیمت را معین وتصویب نماید وبعداز ده سال هرپنجسال بهپنجسال دولت باکمپانی نرخ ذغال را معین خواهد نمود .

مادهٔ هفتم ـ شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی که از برای مصارف سوخت کارخانجات که در طهران واطراف طهران فعلا دایر است یا بعد ازاین دایر خواهد شد و از روی موازین علمی ازطرف دولت معین و تشخیص داده شود بطوراستثناء بعداز وضع سهم استهلاك سرمایه وسایرمخارج بعلاوه دهیك فایده خالص بفروش برساند .

مادهٔ هشتم - شرکت مجازاست بعلاوهٔ ذغال‌سنگ اجناس دیگر ومسافر را با سیم نقاله حمل‌ونقل نماید ونیزازکلیه عایدات‌که ازحمل‌ونقل اجناس واشخاص عاید شرکت میشود مطابق دفاترشرکت ده‌یك باید به‌دولت پرداخته شود .

مادهٔ نهم - هرگونه لوازم سیم نقاله و لوازم استخراج ذغال از معدن راجع باین امتیاز از خارجه وارد بشود با اطلاع وزارت فواید عامه ازحقوق گمرکی معاف خواهد بود .

مادهٔ دهم - درنقاطی که پایه‌های سیم نقاله در اراضی بایرهٔ دولتی واقـع میشود برای نصب پایه‌های سیم مزبور باندازه یك دایره‌که قطرآن هشت ذرع میباشد دولت بشرکت واگذار مینماید ودر اراضی شخصی بعداز تحصیل رضایت مالك بقیمتی که مالك راضی بـاشد و همچنین در اراضی دایر دولتی قیمت عـادله محلی را خواهد پرداخت .

مادهٔ یازدهم- هرنقطه ازنقاط‌که خط سیم‌نقاله واقع شود وشرکت بخواهد در آن محل انباریا جای‌کارگران بنانماید درصورتیکه در اراضی بایره دولت واقع شود بدون ادای هیچ وجهی باتعیین وزارت فواید عامه دولت اراضی لازمه رابشرکت اعطا خواهد فرمود .

مادهٔدوازدهم- شرکت مزبورحق نداردکه این‌امتیازرا جزئاً یاکلاً بنحوی از انحاء به‌تبعهٔ خارجه انتقال‌داده یاوثیقه ورهن بگذارد مگرباجازهٔ مجلس شورای ملی ونیزشرکت حق‌ندارد سهام‌شرکت رابه‌تبعهٔ خارجه واگذار نماید مگرباجازه دولت و باتعهدقبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت‌که بامضای‌دولت‌خواهدرسید .

مادهٔ سیزدهم-بعداز انقضاء مدت‌این امتیازخط سیم مزبوربهر نقطه‌که‌کشیده شده‌باشد باتمام متعلقات‌آن مجاناً بدولت علیه واگذارمیشود .

مادهٔ چهاردهم– پس از انقضاء مدت این امتیاز درصورتیکه دولت بخواهد این خط سیم رابدیگری واگذار نماید باتساوی شروط این شرکت حق تقدم خواهد داشت .

مادهٔ پانزدهم– هرگاه شرکت مزبور ازتاریخ امضاء این امتیازنامه تامدت‌سه سال‌بدون عذرموجه وموانع فوق‌العاده‌که وزارت فواید عامه صحت‌آنرا تصدیق نماید سیم نقاله وکارخانه قند سازی را دایر ننماید این امتیاز از درجـه اعتبار ساقط خواهد بود .

مادهٔشانزدهم– هرگاه در ظرف مدت این امتیاز شرکت مزبوره ازدایرداشتن کارخانه قند سازی منصرف شود ویاکارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت و شرکت سیم نقاله باید قرارداد جدیدی در قیمت ذغال با دولت بدهد .

قانون

قرارداد استخراج معدن‌اکسیدوفرجزیرهٔ هرمز

مصوب ۱۰ ذیقعده ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول– دولت معدن اکسیددوفر جزیزهٔ هرمز را از ابتدای حمل ایت‌ئیل ۱۳۲۸ تامدت ده سال شمسی بشرایط ذیل بآقای حاجی معین‌التجار واگذار مینماید مشروط براینکه‌کلیه تعهداتی‌که مطابق یك‌قرارداد علیحده‌که درکابینه وزراء سابق بتاریخ ۱۶شهر ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ بامستراستریك مقرر گردیده تا انقضاء مدت قرارداد که پنج‌سال شمسی است حاجی معین‌التجارکاملا مرعی داشته وهرگاه برخلاف فصول آن قرارداد رفتاری کندکه موجب ضرر دولت باشد خسارات وارده بر دولت را از عهده برآید .

مادهٔدوم- دولت متعهد میشودکه ازهر مقدار خاکی‌که علاوه بر سیزده هزار تن‌اکسیددوفر موجودی حاجی معین‌التجارکه دولت ابتیاع‌کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره‌که درازای یازده هزارو دویست و نود وچهار تن وجه قیمت آن بمعزی‌الیه حواله شده‌که‌برداشت نمایدتامیزان سی‌هزار تن‌که بموجب‌قرارداد باید بمستر استریك تحویل داده شود صدی پانزده بعنوان مصارف استخراج بحاجی‌معین‌التجار بدهد مشروط براینکه اگرخاك موجودی حاجی معین‌التجار کمتر ازسیزده هزارتن شد قیمت کسررا تاسیزده هزارتن ازقرار هرتنی چهل‌ودو شلینك‌ونیم بدولت علیه بپردازد واگر خاك موجودی‌بیشترازسیزده هزارتن گردید حاجی‌معین‌التجارقیمت مقدارعلاوه‌رامطالبه نخواهدکرد .

مادهٔ سوم - حاجی معین‌التجارملتزم است که بقیه قیمت خاك خریداری مستر استریك را بعد از وضع سیزده هزار تن تا انقضای مدت قرارداد استریك بدولت کارسازی دارد ودرصورت نرساندن اقساط مقرره دولت قادر برفسخ این قرارداد خواهد بود .

مادهٔ چهارم - اگر تا انقضاء مدت قرارداد دولت با مستر استریك‌که پنجسال اول باشد حاجی معین‌التجار اضافه بر سی هزار تن که دراین مدت بمستر استریك فروخته‌شده باستریك یادیگری بفروشد معادل صدی هفتادوپنج باید قیمت‌آنرا بدولت کارسازی دارد .

مادهٔ پنجم - پس‌ازانقضاء مدت قرارداد استریك هرمقدارخاکی‌که ازجزیرهٔ مزبوراستخراج‌شود مقرراً صدی‌هفتادوپنج‌آن حق‌دولت‌است وصدی‌بیست‌وپنج ازبابت مصارف وحق‌الزحمه بحاجی‌معین‌التجار تعلق خواهدگرفت .

مادهٔ ششم - تمام معاملاتی‌که حاجی‌معین‌التجاردرمدت ده‌سال درخصوص‌خاك قرمز اکسید دوفر باهرکس بنماید باید باطلاع دولت باشد .

مادهٔ هفتم ـ اگر حاجی معین التجار درمدت ده سال بیش از آن مقدار خاکی که بمصرف فروش میرسد استخراج وذخیره نماید متعلق بدولت خواهد بود .

مادهٔ هشتم ـ قرارداد لازم برطبق مواد فوق فیمابین وزارت فواید عامه وآقای حاج معین التجار نسختین مبادله میگردد .

قانون

راجع باجارهٔ خالصجات اطراف طهران وخوار

مصوب ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۲۹

مادهٔ اول ـ وزارت مالیه درصورتیکه موفق باداره کردن خالصجات دولتی اطراف طهران وخوار نشود مجاز است املاك مزبوره را بطورمزایده باتصویب خزانه دارکل باجاره دهد درصورت تساوی شرایط وحصول اطمینان ازپرداخت مال الاجاره حق تقدم بارعایای محل خواهد بود .

مادهٔ دویم ـ مستأجرین باید تبعهٔ دولت ایران باشند ودر تحت تأمین وحمایت خارجه هم نباشند وهرگاه درظرف مدت اجاره حصه یکی ازشرکاء بیکی ازتبعهٔ خارجه انتقال یابد دولت حق فسخ آنرا نسبت بآن حصه خواهد داشت .

مادهٔ سیم ـ مدت اجاره ازپنج سال بایدتجاوز نکند .

قانون

اجازه خرید بیست کرور مثقال نقره

مصوب ۱۰ شعبان ۱۳۲۹

مادهٔ اول ـ وزارتمالیه مجاز است که بآقای میرزا عبدالله معین الرعایا اجازه

دهد که از ابتدای برج اسد هذه السنه تنگوزئیل لغایت یك سال شمسی با مراعات قرارداد بانك شاهنشاهی مقدار دوازده کرور مثقال نقره از قرار هرمثقال یك قران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوك دریافت دارد .

مادهٔ دوم - وزارت مالیه‌مجازاست که بآقای میرزا محسن معتمدالتجار اجازه دهد که از ابتدای برج اسدهذه‌السنه تنگو زئیل لغایت یك سال شمسی بامراعات قرار داد بانك شاهنشاهی مقدار هشت‌کرور مثقال نقره از قرار مثقالی یکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آن را قران مسکوك دریافت‌دارد .

مادهٔسوم - آقایان معین الرعایا و معتمدالتجار درصورت لزوم مجازند این بیست‌کرور مثقال نقره را اضافه برقرار داد دولتی بتوسط بانك شاهنشاهی درظرف یکسال شمسی وارد نموده ودرضرابخانه‌سکه‌نمایند .

قانون

واگذاری انحصار عراده رانی از مشهدسرالی بارفروش

مصوب۲۴ جمادی‌الاخر۱۳۲۸

مادهٔ اول - انحصار عراده رانی از مشهد سرالـی بارفروش ازقرار شروط مفصله در ذیل بشهریار خداداد پارسی معروف بساسانی تبعهٔ دولت علیه ایران واگذارمیشود .

مادهٔ دوم - خط راه‌همان‌راهی است‌که تاکنون محمولات بتوسط قاطر ویابو از بارفروش بمشهد سر و از مشهد سر ببار فروش حمل و نقل میشود و ابتداء آن

از لب دریای بندرمشهد سر یعنی از آن نقطه است که مال التجاره و غیره از دریا نقل بخشکی میشود و انتهای آن شهر بارفروش است .

مادهٔ سوم ـ ساسانی تعهد میکند قطعه راه مذکور در فوق را بخرج خود تعمیر و عراده رو نماید یعنی امتداد سه فرسخ راه را شوسه ساخته بعرض پنج ذرع وهر کجا که خط راه کمتر از پنج ذرع باشد باید اراضی طرفین راه را برضای مالك وتصدیق خبره خریداری نموده برعرض راه بیفزایدکه هیچ نقطه راه کمتر از پنج ذرع نباشد و دونهر جنبین خط راه باید خارج و اضافه برعرض راه و هرکدام یك ذرع باشد .

مادهٔ چهارم ـ ساسانی متعهد است ازمکاریها و اشخاصی که در این خط راه بتوسط چارپایان مسافرت مینمایندو حمل و نقل مال التجاره و سایر محمولات میکنند بهیچ اسم و رسم حق العبور مطالبه نکند و کمافی السابق در مسافرت و حمل و نقل محمولات آزاد باشند .

مادهٔ پنجم ـ اتباع خارجه بهیچ قسم مداخله وشرکت در این قرارداد نباید داشته باشند یعنی ساسانی حق هرنوع بیع و شرا و نقل و انتقال و اجاره و وثیقه دادن وشرکت دراین راه را با اتباع خارجه یاکسی که در حمایت خارجه باشد ندارد وهرگاه یکی ازشرکاء تبعهٔ یکی از دول خارجه شد حق شرکت از او سلب خواهد شد باین معنی که سهم خود را باید بیکی از تبعهٔ داخله بقیمت عادله انتقال بدهدولی شرکت باتبعهٔ داخله را مجاز است .

مادهٔ ششم ـ ساسانی مجاز استکه هر قسم عراده از قبیل چهار چرخه وغیره دراین راه بکار بیندازد و اگر دیگران خواسته باشند عراده از هرقبیل راه بیندازند ذهاباً و ایاباً مبلغ پنجهزار دینار باید بهساسانی بپردازند ذهاباً دوهزارو پانصد دینار ایاباً دوهزار وپانصددینار .

مادهٔ هفتم - مدت این امتیاز از تاریخ امضای آن لغایت(۱۸) سال‌شمسی تمام است.

مادهٔ هشتم - صاحب امتیاز باید بعداز انقضاء مدت امتیاز تمام خط راه را دائر و آباد وعراده و آنچه متعلق براه و ملزومات عراده رانی است تعمیر شده و بی عیب بکارگذاران دولت واگذار نموده تحویل بدهد و دو توقفگاه در دو محل مقصد ومرکزساخته وبعدازختم مدت بدولت واگذار نماید.

مادهٔ نهم - هرگاه در زمـان امتیاز ساسانی کارگذاران دولت علیه خواسته باشند امتیاز راه‌آهن این خط را بیکی از اتباع دول خارجه یا داخله بدهند یا خود دولت بخواهد بسازد ساسانی حق خواهد داشت که آنچه را برای ساختن راه خرج کرده از قیمت عراده و غیره از روی ثبت وصورت دفتر تجارت خود به‌تقسیم ۱۸ساله مدت امتیاز از دولت یا از کسیکه میخواهد این امتیاز را بگیرد دریافت داشته راه وعراده‌های خود را واگذار نماید (۲) یعنی باید خرجی که از برای ساختن راه وعرابه نموده است به‌هیجده قسمت نموده هر چند سالی که از مدت امتیاز گذشته است حقی نخواهـد داشت و هر چند سالی که باقی مانده است باید بهمان نسبت باو بپردازند.

مادهٔ دهم - هرگاه ساسانی از تاریخ امضاء قرارنامه الی ششماه شروع بکار کردو تا دو سال راه را ساخت و تمام کرد که همه‌جا عراده رو باشد قرارنامه منفسخ خواهد شد.

مادهٔ یازدهم - ساسانی وقتی میتواند اخذ حق‌العبور نماید که راه ازهرحیث تمام شده باشد و اتمام راه وقتی مصدق خواهد شد که ازطرف مأمورین وزارت فوائد عامه بازدید شده و راپرت آن بوزارتخانه رسیده تصدیق نامه در دست صاحب امتیاز

بوده باشد بدون داشتن این تصدیق‌نامه دیناری باسم حق‌العبور از مترددین حق اخذ نخواهد داشت .

مادهٔ دوازدهم ـ ساسانی متعهد است عمله‌جاتی‌که دراین راه خواهدگذاشت تبعه دولت علیه باشند .

مادهٔ سیزدهم ـ هرگاه درطول مدت امتیازدرحسن ترتیب‌ودوران‌راه ازطرف صاحب امتیازقصوری‌شود وخرابی‌درراه بهم رسدکه ساسانی دراصلاح آن‌مسامحه‌نماید کارگذاران دولت خود آن اصلاحات را مرمت نموده مصارف مزبوره را باضافه خرج مأمور ازصاحب امتیاز دریافت خواهندکرد .

فهرست

قسمت سوم - قوانین موقتی

مصوب

دورهٔ دوم قانونگذاری

(قسمت سوم ـ قوانین موقتی)

قسمت سوم

قوانین موقتی

مصوب کمیسیون قوانین عدلیه

قانون اصول تشکیلات عدلیه ومحاضر شرعیه وحکام صلحیه

مصوب کمیسیون عدلیه مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۹ قمری

کتاب اول

اصول تشکیلات عدلیه

مقدمه

مادهٔ ۱ ـ محاکم عدلیه بردونوع است : عمومی واختصاصی .

مادهٔ ۲ ـ محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیرآنچه قانون صراحتاً استثناء کرده است .

محاکم عمومی بدودرجه است:اول ابتدائی دوم استیناف برای مواردیکه قانون معین‌میکند

مادهٔ ۳ ـ برای سهولت جریان وتسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائیه محاکم صلحیه درجاهائیکه قانون معین میکند برقرار میشود .

مادهٔ ۴ ـ محاکم اختصاصی آنست که بهیچ امری‌حق رسیدگی راندارد غیر آنچه‌قانون

این قانون بموجب قوانین ۲۵ حمل ۱۳۰۲ و ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ نسخ واصلاح‌شده‌است .

صراحتاً اجازه داده است مثل محاکم تجارت و نظامی وغیرها که تشکیلات و ترتیبات آنها بموجب قانون علیحده معین میشود .

مادهٔ ۵ ـ مافوق محاکم مزبوره درمادهٔ (۲) فقط درپایتخت مملکت ایران دیوان تمیز تشکیل میشود .

مادهٔ ٦ ـ تقسیمات مملکت ایران ازحیث تأسیس محاکم عدلیه ازقرار تفصیل ذیل است :
(اولا) حوزهٔ صلحیه (ثانیاً) حوزه ابتدائیه (ثالثاً) حوزهٔ استینافیه .

مادهٔ ۷ ـ حوزهٔ صلحیه عبارت است از قسمتی از خاك ایران که در قلمرو یك محکمه صلحیه است .

مادهٔ ۸ ـ حوزهٔ ابتدائیه عبارت است ازقسمتی ازمملکت ایران که در قلمرو یك محکمه ابتدائی واقع است وهریك ازحوزه‌های ابتدائیه مشتمل است برحوزه‌های صلحیه .

مادهٔ ۹ ـ حوزهٔ استینافیه مرکب است ازحوزه‌های ابتدائیه .

مادهٔ ۱۰ ـ قوهٔ قضائیه دیوان تمیز شامل کلیه محاکم عدلیه مملکت ایران است .

مادهٔ ۱۱ ـ صلحیه‌ها ومحاکم ابتدائی واستیناف بماهیت امور وقضایاموافق قانون رسیدگی کرده حکم میدهند ودیوان تمیزدرغیر مواردی که قانون استثنا کرده داخل درماهیت دعاوی نشده فقط حق نقض وابرام احکام ونظارت درمحافظت قوت قانون واجراء آنرا بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد .

مادهٔ ۱۲ ـ برای تحقیقات راجعه بجنحه وجنایات مستنطقین معین میشوند .

مادهٔ ۱۳ ـ درنزد محاکم عدلیه ادارهٔ مدعی عمومی برای ایفای وظایف مقرره تأسیس میشود .

مادهٔ ۱۴ ـ حدود و وظایف و ترتیب اقدامات محاکم و ادارات عدلیه بموجب قوانین مقرره تعیین میشود .

مادهٔ ۱۵ ـ رؤساء و اعضاء محاکم و صاحبان مناصب و مستنطقین عدلیه را دولت معین می کند .

مادهٔ ۱۹ ـ درمعیت محاکم اشخاص مفصلهٔ ذیل میباشند :
۱ ـ مأمورین اجراء واحضار واعلام .
۲ ـ منتظرین خدمت رسمی .
۳ ـ وکلاء رسمی .
٤ ـ طبیب قانونی ومترجم (درصورت لزوم)، ترتیبات راجعه بتأسیس هرکدام ازمشاغل مزبوره بموجب قانون معین میشود .

باب اول

در تشکیل محاکم عمومی

فصل اول

در محاکم صلحیه

مادهٔ ۱۷ ـ محاکم صلح درجاهای مفصلةالذیل تأسیس میشوند :
(اولا) درشهرها . (ثانیاً) درمرکز بلوکات .

مادهٔ ۱۸ ـ ممکن‌است دریك‌بلوك یاشهر بزرگی بحسب‌مقتضیات محلی‌صلحیه های‌متعدده تشکیل‌شود (دراینصورت‌آن شهریا بلوك‌بچندین حوزهٔ صلحیه‌تقسیم میشود) ونیزممکن‌است بواسطهٔ مقتضیات محلی ازبرای چندمحله یابلوك‌یك‌صلحیه تأسیس شود (دراین صورت آن چند محل یك حوزه صلحیه راتشکیل مینماید) .

مادهٔ ۱۹ ـ عده حوزه‌های صلحیه رانظر بمقتضیات‌وقت‌ومحل وزیر عدلیه معین وپس از تصویب مقامات لازمه صورت‌آنرا اعلان مینماید .

مادهٔ ۲۰ ـ محکمه صلحیه عبارت‌است ازامین‌صلح ویکنفر فقیه‌که صلاحیت قطع‌وفصل دعاوی راجعه بمحکمه صلح را در موارد امور شرعی داشته باشد ، فقیه مذکور موسوم است بحاکم صلح .

مادهٔ ۲۱ ـ برای امین صلح علامت ومهر مخصوصی مقرراست .

مادهٔ ۲۲ ـ امنای صلح‌برای رسیدگی دائمی محل‌معینی خواهند داشت‌ولی شکایات رابا رعایت حدودقانونی‌درهر نقطهٔ ازنقاط‌حوزهٔ‌خود قبول‌میکنند ودرموارد لازمه‌موافق اصول محاکمات خودشان تنهایا باتفاق فقیه محکمه بمحل وقوع دعوارفته درمحل رسیدگی مینمایند .

مادهٔ ۲۳ ـ درصورت غیبت‌یامرض امین‌صلح یکی ازامناءصلح نزدیکترین محل‌بطوریکه قبلامابین امناء صلحیه مقررشده موقتاً وظایف‌اورا انجام‌میدهد ویاقائم مقامی‌برای امین‌صلح غایب یامریض موقتاً برحسب نظامات معین‌میشود ،

مادهٔ ۲۴ ـ امناء صلح بقدر لزوم اجزاء تحریر و ثبت و ضبط‌خواهند داشت . احضار واعلام وهمچنین‌اجرای احکام‌محاکم صلحیه‌بعهدهٔ اشخاصی است که‌درموارد (۱۹۶)الی (۲۲۹) مقرر است .

مادهٔ ۲۵ - محاکم صلح درتحت نظارت ادارهٔ مدعیهای عمومی و وزیر عدلیه‌واقعند .

مادهٔ ۲۶ - باحکام غیرقطعی محاکم صلح‌موافق اصول محاکمات در محکمهٔ ابتدائی که درحوزهٔآن واقعند استینافاً رسیدگی میشود .

احکام قطعی محاکم صلحیه‌قابل تمیز نیست .

مادهٔ ۲۷ - محکمه صلح‌فقط درحوزهٔ صلحیه خودحق رسیدگی رادارد .

مادهٔ ۲۸ - هرگاه متداعیین وسایر اشخاصی که در محل رسیدگی امناء صلح حضور دارند رعایت‌نظم وترتیب وقواعد مقرره رانمودندامناء صلح‌باید دودفعه اخطارنمایند ودرصورتیکه اخطارات آنهابی‌نتیجه ماندمرتکب خلاف‌اگر ازمتداعیین است ازدوالی بیست وچهار ساعت‌نسبت بدرجات تقصیرمحکوم بتوقیف خواهدبود واگرازغیر متداعیین است‌امین صلح‌باید اوراازمحکمه اخراج نماید .

مادهٔ ۲۹ - هرگاه ازاشخاص مذکوره درماده قبل توهینی نسبت بامین صلح یایکی از اجزاء محکمه واقع شود امین صلح حق دارد که صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مرتکب‌نزد مدعی‌العموم بدایت بفرستند .

مادهٔ ۳۰ - محاکم صلح‌حق دارند باتمام ادارات مستقیماً مکاتبه نمایند .

مادهٔ ۳۱ - امناء صلح مکلفند که راپورت‌های راجعه‌بجریان امورحوزه‌صلحیه‌خودشان‌را سالی دو مرتبه مرتب نموده یك نسخه آنرا درموعد مقرر مستقیماً بوزارت عدلیه‌ونسخه دیگررا درامور حقوقی‌برئیس محکمهٔابتدائی متبوعه‌ودرامور جزائی بمدعی‌العموم محکمه مذکوره‌بفرستند که‌بعد ازملاحظه اشخاص مذکوره موافق ترتیب مقرر ودرموعدی که وزارت عدلیه معین واعلام میکندبآن وزارت‌ارسال شود . علاوه برراپورت‌های سالیانه‌امنای صلح‌مکلفند که برحسب‌تقاضای وزارت عدلیه یااداره مدعی‌العموم درهرموقع اطلاعات وراپورتهای لازمه رابدهند .

مادهٔ ۳۲ - ترتیب دفاتر صلحیه‌ها بموجب دستورالعمل وزارت عدلیه موافق نظامنامه‌های داخلی محاکم معین میشود .

مادهٔ ۳۳ - دستورالعمل هائیکه برای اجرای قوانین یا توضیحات آن لازم است بامنای صلحیه داده‌شوداداره مدعی‌العموم لایحدآنرا مرتب کرده وبعدازمداقه بوزیرعدلیه پیشنهادمیکند .

فصل دویم

درمحاکم ابتدائیه

مادهٔ ۳۴ - در هر حوزهٔ ابتدائیه یك محکمه ابتدائی برای رسیدگی بدعاوی حقوقیه و

جزائیه تشکیل میشود . صورت محل‌هائیکه بایددرآنجاها محاکم ابتدائی تشکیل‌شود وعدۀاطاقهای محاکم ابتدائی رابحسب اقتضاءمحل و کثرت وقلت‌دعاوی وزارت‌عدلیه معین‌وپس ازتصویب مقامات لازمه اعلان‌مینماید .

مادۀ ۳۵ - در هر محل که محکمه ابتدائی فقط دارای یك‌اطاق باشد درآن اطاق گاهی بامور حقوقی و گاهی بامور جزائی رسیدگی میشود ودرجاهائیکه اطاقهای محکمه متعدد است تخصیص اطاقهای مزبور بهریك ازنوع دعاوی حقوقی و جزائی باموافقت مقتضیات محلی باوزارت عدلیه است .

مادۀ ۳۶ - محکمۀ ابتدائی درتحت ریاست یکنفر رئیس میباشد ورئیس مزبور درصورت تعدداطاقها بقدرلزوم معاونین خواهد داشت . رئیس‌محکمه ریاست‌یکی ازاطاقها ومعاونین ریاست اطاقهای دیگررا درعهده میدارند .

مادۀ ۳۷ - درهر یك از اطاقها علاوه برئیس اطاق دوعضو موظف خواهند بود . لااقل یکی ازاعضاء هراطاقی بایدازاهل علم‌بوده بصیرت‌کامله بمسائل واحکام فقهیه‌داشته باشد .

مادۀ ۳۸ - درهر محکمه ابتدائی یك‌دفتردار برای تحریرات لازمه وثبت تقریرات و ضبط اوراق وغیره مقرراست . دفتردار مزبور مدیری دفترخانه محکمه رابعهده داشته درصورت تعدد اطاقهای محکمه بقدر لزوم درتحت ریاست خودتقریر نویس وثبات وضباط خواهد داشت .

مادۀ ۳۹ - عدۀ اجزای دفترخانه موافق مقتضیات وقت‌ومحل بتوسط وزیر عدلیه معین و بتصویب مقامات لازمه میرسد .

مادۀ ۴۰ - محاکم ابتدائی دعاوی حقوقیه وجزائیه راکه بموجب‌قوانین راجع‌بآنهااست پذیرفته وآنچه‌راکه خارج ازصلاحیت آنهااست ردمینمایند .

دعاوی راجعه بمحاضرشرع رامحاکم ابتدائی پذیرفته به محاضر مزبوره رجوع میکنند و همچنین اطاقهای حقوقی بدعاوی حقوقی واطاقهای جزائی بدعاوی جزائی رسیدگی کرده وآنچه راکه ازخصایص آنهانیست ردنموده یااطاقی راکه مرجع‌است بمتداعیین اعلام مینمایند .

مادۀ ۴۱ - محاکم ابتدائیه‌دعاوی حقوقیه‌راکه بموجب‌قوانین موضوعه راجع‌بآنها است وهمچنین دعاوی جزائیه رادر تقصیری که بدرجۀجنحه است بدایتاًوبقرارداد های‌غیر قطعی‌محاکم صلحیه استینافاً رسیدگی نموده‌حکم میدهند ودرجنایات درجاهائیکه محکمۀ جنائی تشکیل نشده مطابق‌اصول محاکمات جزائی رسیدگی نموده حکم میدهند .

مادۀ ۴۲ - درجاهائیکه محکمه‌تجارتی تشکیل‌نشده اطاق‌حقوقی محکمه‌ابتدائی بدعاوی تجارتی‌نیز موافق‌قانون محاکم‌تجارت رسیدگی نموده‌حکم میدهد .

مادۀ ۴۳ ـ درصورتیکه محکمۀ ابتدائی دارای یك اطاق باشد یکنفر مستنطق در آن محکمه مقرراست وهرگاه محکمۀ مذکور بیش ازیك اطاق داشته باشد عده مستنطقین رابارعایت مقتضیات محلی و کثرت وقلت دعاوی وزیرعدلیه معین مینماید .

مستنطقین بدو درجه تقسیم میشوند و مستنطق درجه اول رئیس دائرۀ استنطاق میباشد . در صورت قلت دعاوی جزائی وزیرعدلیه میتواند یکی ازاعضاء محکمه را بارعایت مادۀ (۷۶) بسمت مستنطقی معین نماید .

مادۀ ۴۴ ـ درجاهائیکه محاکم عدلیه کاملا موافق قوانین مقرره تشکیل شده درمعیت محکمۀ ابتدائی دایرۀ ثبت اسناد بطوریکه قانون مخصوص آن معین میکند تأسیس میشود .

فصل سیم

در محکمۀ استیناف

مادۀ ۴۵ ـ درهر حوزۀ استینافیه یك محکمۀ استیناف تأسیس میشود .

وزیر عدلیه عدۀ حوزه‌های استینافیه و جاهائی راکه باید مقر محکمه استیناف باشد و همچنین عدۀ اطاق‌های محکمه استیناف را با ملاحظۀ مقتضیات محل معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد میکند .

مادۀ ۴۶ـ درصورتیکه محکمه استیناف دارای یك اطاق باشد یك رئیس ویك معاون دوم و دونفرعضوخواهد داشت که گاه باموررحقوقی وگاه باموررجزائی رسیدگی خواهند نمود و هرگاه محکمۀ مذکوره دارای دواطاق باشد مرکب خواهد بود ازیك رئیس ویك معاون اول (رئیس شعبه) ودومعاون دوم وچهارعضو. دراین صورت رئیس محکمه استیناف ریاست یکی از اطاقهارابالخصوص بعهده گرفته وریاست اطاق دیگررا بعهده معاون اول واگذارمینماید یکی از اعضاء بنوبت عضومحقق معین وجلسه محکمه مرکب ازسه نفرمیباشد .

مادۀ ۴۷ـ درمعیت هریك ازمحاکم استیناف دفترخانه مقرراست دفتردارمحکمه مدیری دفتر وثبت وضبط اوراق محکمه را درعهده خواهد داشت و تقریرنویس‌های محکمه درمقابل او مسئولند .

مادۀ ۴۸ـ محاکم استیناف احکام وقرارهای محاکم ابتدائی حوزۀ خود را درامورحقوقیه وجزائیه وتجاری موافق اصول محاکمات و قانون تجارت استینافاً رسیدگی مینماید . صلاحیت محاکم استیناف درجنایات دراصول محاکمات جزائی مقرراست .

فصل چهارم

در تشکیل دیوان تمیز

مادهٔ ۴۹- دیوان تمیز فقط درپایتخت تأسیس میشود .

مادهٔ ۵۰ - دیوان تمیزمنشعب می‌شود بدواطاق حقوقی وجزائی. تجزیهٔ امورجزائی از امورحقوقی وتخصیص اطاق جداگانه بهرکدام ازنوع امورمذکوره منوط بمقتضیات وقت‌وتصویب وزیرعدلیه ومقامات لازمه است .

مادهٔ ۵۱ - هراطاقی مرکب است ازیك رئیس اطاق وچهارمستشار. یکی ازرؤسای اطاق ریاست دیوان تمیز برعهده دارد .

مادهٔ ۵۲ - دیوان تمیزباحکامی که دراصول محاکمات حقوقی وجزائی مقرراست تمیزاً (بدون داخل شدن درماهیت و اصل دعاوی و قضایا) رسیدگی می کند جزدر مواردی که اصول محاکمات استثناء می کند .

مادهٔ ۵۳ - دردیوان تمیزیك دفترخانه مقرراست که درتحت ریاست یك‌دفتردارمیباشد . تقریرنویسهای محکمه تمیزدرتحت ریاست مشارالیه ثبت وضبط را درعهده‌داشته مسئول‌اوخواهند بود دفترخانه مذکوربقدرلزوم اجزاء خواهد داشت.

فصل پنجم

در ترتیبات داخلی محاکم عمومی

مبحث اول

درجلسات محاکم

مادهٔ ۵۴ - جلسات محاکم عمومی بدوطریق میشود : جلسه محاکمه واداری(مشاوره).

مادهٔ ۵۵ - جلسه محاکمه نیزبردوقسم است : اولا بطورمعمولی که هراطاق بدعاوی

مرجوعه رسیدگی نموده حکم میدهد. ثانیاً بطورفوق‌العاده وآن درصورت تعدد اطاقها تشکیل مییابد ازاجتماع عمومی اعضاء اطاقها درتحت ریاست رئیس محکمه .

موارد جلسات فوق‌العاده محاکم بموجب قوانین ونظامنامه‌ها مقرراست .

مادهٔ ۵۶ - جلسات محاکمه (خواه معمولی باشد خواه فوق‌العاده) علنی است مگردر مواردی که اصول محاکمات حقوقی وجزائی استثناء کرده است .

مادهٔ ۵۷ - جلسات اداری (مشاوره) محاکم برای انجام اموراجعه بانتظامات داخلی محاکم وترتیب دستورالعمل‌ها وتهیه لوایح ودادن قرارهائی است که باید درجلسات اداری بعمل آید وقانون ونظامنامه‌ها مواردآنرا معین کرده وآن نیزبردوقسم است: بطورمعمولی که هراطاق باموراجعه بآن اطاق رسیدگی نموده قرارمیدهد وبطورفوق‌العاده که درصورت تعدد اطاقها اعضاء اطاقها درتحت ریاست رئیس محکمه باموراجوعه رسیدگی مینمایند .

جلسات اداری محکمه درهرحال غیرعلنی است .

مادهٔ ۵۸ - برای اینکه جلسات معمولی محاکم قانونی محسوب شود درجلسات معمولی محاکم ابتدائی واستیناف علاوه بررئیس اطاق لااقل دونفرازاعضاء محکمه باید حاضرباشند ودر جلسات معمولی محکمهٔ تمیزعلاوه بررئیس اطاق چهارنفرازاعضاء .

مادهٔ ۵۹ - جلسات فوق‌العاده (اجتماع عمومی) محاکم وقتی قانونی میباشد که لااقل دو ثلث اعضاء محکمه درتحت ریاست رئیس محکمه یا قایم‌مقام اودرجلسه حاضرباشند وعدهٔ اعضاء نباید زوج باشد .

مادهٔ ۶۰ - پس ازانعقاد محکمه هریك از رؤسا و اعضاء باید دردفتری که برای حاضروغایب درمحکمه مقرراست اسم خودشان را بنویسند وذیل اسامی را رئیس یا قائم‌مقام او امضاء نماید و پس از شروع بمحاکمه عضوی که حاضر نبوده حق ندارد اسم خود را در دفتر بنویسد .

مادهٔ ۶۱ - دردفترمزبورباید مدت وتفصیل محاکماتی که درجلسات میشود قید شده و همچنین تصریح شود باینکه جلسه محاکمه بوده یا اداری معمولی بوده یافوق‌العاده ودرصورتیکه درموعد معین محاکمه نشود یا اینکه درساعات کم وکسری روی دهد باید تخلف را در دفتر توضیح نمود .

مادهٔ ۶۲- مدعیان عمومی محکمه ابتدائی یا قائم‌مقام آنها باید سواد دفترمذکوررادردوم وهفدهم هرماهی بپارکه استیناف بفرستند ولی بدواً تحقیقات لازمه خود رادرصحت یاعدم صحت آن دفترباید نموده باشند .

مادهٔ ۶۳- مدعیان عمومی استیناف پس ازاینکه تحقیقات وتدقیقات خود رانمودند در

تهران درپنجم و بیستم هرماه صورت دفتررا بوزیرعدلیه تقدیم می‌نمایند ودرولایات ماهی یك مرتبه صورت دفتررا بوزارت عدلیه می‌فرستند .

مادهٔ ۶۴ـ ترتیب نشستن رؤساء واعضاء محاکم درجلسات محکمه برحسب رتبه‌واقدمیت درخدمت خواهد بود .

مادهٔ ۶۵ ـ دعاوی که بهریك ازشعب یااطاقهای محکمه رجوع شده است‌به‌ترتیب‌الاقدم فالاقدم رسیدگی میشود جزدراموفوری که تقدم‌آن منوط برأی رئیس است .

مادهٔ۶۶ ـ محکمه میتواند تحقیق و تدقیق اموررا بیك یا چند نفرازاعضاء خود محول نماید واین عضورا درمحکمه ابتدائی و استیناف عضومحقق ودرمحکمه تمیزعضو ممیز نامند اعضاء مذکوره مکلفند که صورت اسناد دعاوی را مرتب نموده بدفتردارمحکمه بدهند که دردفتر ثبت شود وراپورت مذکورباید درمدتی که محکمه معین می کند حاضرشود .

تاریخ رجوع عمل باعضاء مذکورتوسط دفتردار درمحکمه ثبت میشود .

مادهٔ ۶۷ـ درصورتیکه پس ازانقضاء مدت معینه محقق یا ممیزراپورت خودرا نداد باید دلیل‌آنرا کتباً برئیس اطاق یا شعبه تقدیم نموده تزیید مدت را بخواهد ودرصورتی که مدت‌مهلتی که داده میشود منقضی شده وراپورت مزبوربازتهیه نشودآن‌شغل بدیگری تفویض خواهد شد و مراتب بتوسط مدعی‌العموم‌بوزارت عدلیه راپورت می‌شود .

مادهٔ ۶۸ ـ درجلسات محکمه هیچیك ازاعضاء بدون اجازه رئیس نمیتوانندتکلم نمایند و اگرخواستن توضیحی را ازمتداعیین لازم بدانند بعدازتحصیل اجازه ازرئیس سؤال خواهند کرد.

مادهٔ ۶۹ـ هیچ کس حق ندارد درحین محاکمه کلام متکلم را قطع نماید جزرئیس در موردی که بیانات متکلم را خارج ازموضوع بحث دید باید اخطارنماید .

مادهٔ ۷۰ـ بعد ازانعقاد محکمه ازمدتی که برای محاکمه مطلبی معین‌میشودنبایدقسمتی بجلسهٔ ادارهٔ یا باموردیگری مصروف گردد .

مادهٔ ۷۱ـ امور راجعه بمحاکم بر دونوع است : فوری وعادی . امور فوری برعادی مقدم است .

مادهٔ ۷۲ـ پس ازاتمام محاکمه اعضاء ورئیس محکمه بطوریکه دراصول محاکمات مقرر است مشاوره نموده ورئیس محکمه دراخذآراء ازرأی کوچکترین عضومحکمه ازحیث اقدمیت شروع کرده بعد ازگرفتن رأی سایراعضاء رأی خود را اظهارخواهد کرد .

مبحث دوم

درمراتب رئیس ومعاونین واعضاء

مادهٔ ۷۳ـ درصورتیکه محکمه دارای اطاقهای متعدده باشد رئیس محکمه ریاست‌هریك

اطاقهائی را که بخواهد اختیار میکند ودرمواردیکه لازم شود ریاست هریك ازاطاقها رانیزمی‌تواند بنماید ولی دراینصورت باید درتمام مدت جلسه ریاست داشته باشد . اطاقیکه رئیس ریاست آنرا اختیار کرده اطاق اول نامیده میشود .

مادهٔ ۷۴ـ درصورتیکه رئیس محکمه بانجام مشاغل وتسویهٔ امورمرجوعه که مخصوص او است مشغول بوده یا غایب باشد یکی ازاعضاء همان اطاق بحکم اقدمیت قائم‌مقام اوخواهد بود .

مادهٔ ۷۵ـ درصورتی که معاون رئیس بواسطهٔ اشتغال بامورمرجوعه یا غیبت نمی‌تواند در اطاق خود حاضر شود یکی از اعضاء همان اطاق بحکم تقدم در خدمت قائم مقام او خواهد بود .

مادهٔ ۷۶ـ درمورد دومادهٔ قبل یکی ازمستنطقین یا یکی ازاعضاء معاون را(رجوع بمادهٔ ۲۳۱) میتوان برای تکمیل عده بجلسهٔ محکمه دعوت نمود ولی مستنطقی که تحقیقات دعوای جزائی را کرده درمحاکمه راجعه بهمان دعوی نمی‌تواند بعضویت دعوت شود .

ماده ۷۷ـ درمواردیکه عدهٔ اطاقهای محکمه متعدد بوده ودفتردارنتواند بشخصه ایفای وظیفه درتمام جلسات محکمه نماید درهراطاقی درغیاب اویکی ازتقریرنویسها قائم‌مقام اومیباشد ولی درجلسات فوق‌العادهٔ محکمه باید خود دفتردار بشخصه حاضر باشد .

مادهٔ ۷۸ـ اشخاصیکه باهم قرابت نسبی تا درجهٔ چهارم،قرابت سببی تادرجهٔ سیم دارند می‌توانند دریك جلسه بسمت ریاست یا عضویت با همدیگر (مجتمعاً) حاضر باشند .

مادهٔ ۷۹ـ سالی یکمرتبه تبدیل اعضاء ورئیس هریك ازاطاقها خواهد شد بدین‌ترتیب که رئیس واعضاء اطاقی باطاق دیگرمأمورمیشوند بطوریکه رئیس واعضاء یك اطاق بیش ازیك سال با هم نباشند ـ تبدیل رئیس‌واعضاء درجلسهٔ فوق‌العادهٔ ادارهٔ محکمه مرتب بعد ازامضای وزیرعدلیه بموقع اجرا گذارده میشود .

مبحث سیم

درتقسیم کارها

مادهٔ ۸۰ـ عرایض به رئیس محکمه داده می‌شود ومشارالیه باید وقت‌معینی‌برای گرفتن عرایض تعیین نماید .

مادهٔ۸۱ـکلیه عرایض را باستثنای اموری‌که درمادهٔ آتیه مذکور است رئیس‌محکمه میان اطاقها تقسیم می‌کند ورئیس بایدهمیشه پیشرفت وسرعت جریان اموررا درتقسیم‌کارها منظور دارد .

مادهٔ ۸۲ ـ بدعاوی راجعه بدولت وایالات وولایات وتأسیسات وخیریات عمومی در اطاقی که رئیس محکمه بالخصوص ریاست دارد رسیدگی می‌شود .

و هرگاه دعاوی مذکوره از نوع امور جزائی بوده و رئیس محکمه ریاست اطاق حقوقی را بالخصوص اختیار کرده باشد بدعاوی مذکوره برحسب اصول دراطاق جزائی رسیدگی می‌شود .

مادهٔ ۸۳ ـ بعد از این که عرایض تقسیم شد جواب امور بعهده رؤسای اطاقها خواهد بود .

مادهٔ ۸۴ ـ دردفترخانه محکمه باید دفتر مخصوصی برای اموریکه راجع بتکالیف رئیس است موجود باشد وهردفعه مطلبی که ثبت می‌شود باید باسم طرفین یا وکلای ایشان در آن دفتر مندرج گردد و در ستون مخصوص ارجاعاتی که رئیس محکمه باطاقها نموده و همچنین تصریح اینکه دعوا از امور مستعجله است یا عادی شده کلیه مندرجات بامضای رئیس برسد و همچنین کلیه امور راجعه بهر یك از اطاق ها بترتیب نمره در دفتری ثبت خواهد شد .

مبحث چهارم

در نظم اطاق محاکمه

مادهٔ ۸۵ ـ نظم اطاق محکمه بعهدهٔ رئیس اطاق است ودراجتماعات عمومی بعهدهٔ رئیس محکمه ودرصورت غیبت رئیس باقائم مقام اوست .

تنبیه ـ من بعد دراین مبحث برای اختصار بجای رئیس اطاق یارئیس شعبه یا رئیس محکمه لفظ رئیس فقط استعمال خواهد شد .

مادهٔ ۸۶ ـ افتتاح وختم جلسه با رئیس یا قائم مقام اوست .

مادهٔ ۸۷ ـ دراطاق محاکمه اشخاص خارج ازهیئت حاکمه یاپارکه یا اصحاب دعوا علیحده درجائی که برای آنها معین شده می‌نشینند .

مادهٔ ۸۸ ـ برای اجرای اوامر رئیس دراطاق محکمه یکنفر ازمأمورین اجرا خواهد بوددرصورتیکه مأمورین اجرا بواسطه مشاغل خودشان نتوانند حاضر شوند بتصویب رئیس محکمه یکنفر ازمأمورین احضار یا پیشخدمتهای محکمه قائم مقام اوخواهد شد .

مادهٔ ۸۹ ـ اداره کردن جلسه بعهده رئیس است ومشارالیه حافظ نظم وترتیب بوده مراقبت مینماید که باترتیبات مقرره محاکمه بعمل آید واشخاصی که حق تکلم ودخالت رادرمحاکمه دارند بعدازتحصیل اجازه ازرئیس بیانات خودرا مینمایند.

مادهٔ ۹۰ ـ اشخاصی که دراطاق محاکمه هستند باید قواعد نظم و ترتیب را قویاً رعایت نموده اوامر رئیس را اطاعت نمایند .

مادهٔ ۹۱ ـ هرگاه اشخاص خارجی (تماشاچی) ازمفادماده قبل تجاوز نمایند رئیس حق داردآنها را ازاطاق محاکمه اخراج نماید واگرمقاومت نمایندازیك الی بیست وچهارساعت حکم توقیف آنها را بدهد .

مادهٔ ۹۲ ـ هرگاه درموردمادهٔ قبل ممکن نباشد خاطی رامعین کردواخطارات رئیس مثمرثمری نشود رئیس میتواندکلیه اشخاص خارجی را ازمحکمه خارج نماید .

مادهٔ ۹۳ ـ هرگاه تخلفات مذکوره درمادهٔ (۹۱) ازطرف اصحاب دعوایا وکلای آنها ناشی شود رئیس دودفعه اخطاروضمناً بخاطی اعلام مینماید که دردفعهٔ سیم او رامجازات خواهدداد وهرگاه بازخاطی مرتکب خلاف قاعده شده رئیس باهمیت تقصیرازشش الی چهل وهشت ساعت حکم توقیف اورا خواهد داد .

مادهٔ ۹۴ ـ مفادمادهٔ قبل لازم الرعایه است همچنین درمواردیکه یکی ازاصحاب دعوا الفاظی استعمال کندکه باعث هتك عرض وناموس طرف مقابل است یا نسبت بطرف خودافشاء کند اوضاع واحوالی راکه هیچ مربوط بقضیهٔ که درتحت محاکمه است نبوده و برای توضیح مطلب لزومی نداشته باشد .

مادهٔ ۹۵ ـ هرگاه ازطرف اشخاصی خارج یامتداعیین توهین یاهتك شرف نسبت برئیس یااعضاء محکمه بشودرئیس حق دارد صورتمجلسی دراین باب مرتب نموده بامقصر بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی رادارد بفرستد .

مادهٔ ۹۶ ـ برای حفظ و وقایع نظم و ترتیب و همچنین در مواردی که امنیت و آزادی محکمه تهدید میشود رئیس حق دارد از نظمیه یا در مواقع فوتی از نزدیك‌ترین قوه نظامی استمداد نماید . این تقاضای رئیس باید بلاتأخیر وهمان طوری که خواسته است مجری شود .

مبحث پنجم

در راپورتهای محاکم

مادهٔ ۹۷ ـ محاکم وادارات مدعیان عمومی باید سالی دو مرتبه راپورتهای احصائیه خودرادرجریان امور وعده امورتسویه شده ومتراکمه وسایراطلاعات بوزیرعدلیه تقدیم نمایند طرزوترتیب راپورتهای مذکوره موافق نمونه خواهدبودکه وزیرعدلیه مرتب وبمحاکم وادارات مذکوره خواهد فرستاد

مادهٔ۹۸- راپورتهای مذکوره درمادهٔ قبل رارؤساء محاکم بامدعی‌العموم محکمه که درنزدآن مأموریت دارد ترتیب خواهندداد .

مادهٔ۹۹- راپورتهای محاکم ابتدائی‌درجلسه فوق‌العاده‌اداری محاکم مذکوره مداقه شده وبمحکمهٔ استیناف متبوعه ارسال میشود .

مادهٔ ۱۰۰ - در محکمهٔ استیناف از راپورت‌های محاکم ابتدائی و راپورت های محکمه استیناف راپورت عمومی مرتب و بعد از مداقه در جلسهٔ فوق العاده اداری بوزیر عدلیه تقدیم میشود .

مادهٔ۱۰۱- راپورتهای مدعیان عمومی‌محاکم ابتدائی بمدعی‌العموم محکمهٔ استیناف تقدیم و مشارالیه ازراپورتهای مزبوره وراپورت پارکهٔ استیناف راپورت عمومی ترتیب داده بوزیرعدلیه تقدیم‌میکند .

مادهٔ۱۰۲- راپورتهای محکمهٔ تمیزدرجلسه فوق‌العاده‌اداری‌مطرح مداقه شده بوزیر عدلیه فرستاده میشود .

مادهٔ۱۰۳- هرگاه توضیحاتی‌لازم باشدکه درراپورتهای محاکم نتوان مندرج نمود لایحه‌جداگانه مشعر بر توضیحات مذکوره براپورتهامنضم وماحصل‌راپورت‌باراپورتهای گذشته مطابقه و مقایسه خواهد شد .

ماده ۱۰۴- هرگاه عده‌کلیه اموربی‌اندازه زیادیاکم‌شده‌باشد یاهمین زیادی وکمی درنوعی ازامورحاصل شده باشد باید جهت‌آنرا محاکم وادارات تصریح نمایند· وزیرعدلیه ازراپورتهای محاکم وادارات مدعیان‌عمومی‌راپورت‌عمومی‌ترتیب‌داده بمقامات‌لازمه پیشنهاد میکند راپورت مزبوربرای اطلاع عامه طبع ومنتشر خواهد شد.

مادهٔ ۱۰۵ - علاوه برراپورتهائی‌که رؤساء محاکم و مدعیهای عمومی دو دفعه در عرض سال میدهند باید محاکم و ادارات مدعی عمومی اطلاعاتیراکه وزیر عدلیه از آنها میخواهد در مواعدی که از طرف وزارت عدلیه مقرر گشته بوزیر عدلیه تقدیم نمایند . دستورالعمل و طرز راپورتهای مذکوره را وزات عدلیه مرتب و بجاهای لازم اعلام‌مینماید.

مادهٔ۱۰۶- ترتیب محاسبات عایدات عدلیه وراپورتهای راجعهٔ بآن بطوری است‌که وزیرعدلیه باموافقت وزارت مالیه معین واعلام خواهدکرد .

باب دوم

درتشکیل اداره مدعیهای عمومی

مقدمه

ماده۱۰۷- مسئولیتی‌که ناشی میشود از جرم دارای دو حیث است :

یکی حیثیت شخصی و دیگری حیثیت عمومی . حیثیت شخصی در وقتی است که ضرر جرم یا تقصیر بشخص معین تعلق گیرد وحیثیت عمومی درموقعی است که ضرر راجع بحقوق عامه باشد. لهذا ادارهٔ مدعیهای عمومی بحکم قانون برای حفظ حقوق عامه تأسیس میشود.

مادهٔ۱۰۸ـ مدعیهای‌عمومی عبارتندازهیئتی‌ازرؤساء ضابطین عدلیه که درمواردمقرره قانونی درمحاکم عدلیه حاضر بوده وظایف خود را نسبت بحفظ حقوق عامه ونظارت‌اجرای قوانین انجام میدهند .

مادهٔ۱۰۹ـ درمواردمحاکمات جزائیه مدعی عمومی یاقائم‌مقام‌اوحاضر میباشد اعم‌از اینکه محاکمه راجع بجنحه‌باشدیاجنایت . دراین‌مواردمدعی عمومی حکم وکیل‌جماعت را دارد یعنی وکیل است برای مدافعه وحفظ حقوق و منافع عامه .

مادهٔ۱۱۰ـ درمحاکمات حقوقی مدعی عمومی بی‌طرف است جزدرمواردیکه قانون باو دخالت میدهد .

مادهٔ ۱۱۱ـ از حینی‌که مدعیان عمومی نمایندهٔ دولتند در محاکم عدلیه بجریان امور درمحاکمی‌که در نزدآنها مأموریت دارند نظارت داشته مراقب می‌باشند که تجاوز از حدود قانونی نشودو تجاوزات وسوءِ جریان امورا بمقامات لازمه راپورت مینمایند .

فصل اول

درتشکیل وترکیب اداره مدعیهای عمومی

مادهٔ۱۱۲ـ ادارهٔ مدعیان عمومی‌درتحت ریاست‌فایقهٔ وزیرعدلیه تشکیل‌میشود. ادارهٔ مزبوره منشعب میشود بسه شعبهٔ مفصلةالذیل : شعبهٔ دیوان تمیز . شعبهٔ محکمهٔ استیناف.شعبهٔ محکمهٔ ابتدائی .

تنبیه ــ برای اختصار بجای شعبهٔ ادارهٔ مدعی‌عمومی‌من‌بعدلفظ‌پارکه استعمال‌میشود.

مادهٔ۱۱۳ـ پارکه دیوان تمیز مرکب است ازمدعی عمومی‌کل ویکنفر معاون اوکه موسوم است بوکیل عمومی محکمه تمیز .

مادهٔ۱۱۴ـ پارکه محکمه استیناف عبارت است ازمدعی‌عمومی اول ویك وکیل‌عمومی برای هراطاقی‌و(درصورت لزوم) یك معاون وکیل‌عمومی .

مادهٔ۱۱۵ـ پارکه بدایت تشکیل میشودازمدعی عمومی محکمه ابتدائی ویکنفرمعاون اوبرای هراطاقی ازاطاقهای حقوقی وجزائی.

مادهٔ۱۱۶ـ کلیه ترتیبات اداره واعمال هرپارکه تفویض بمدعی‌العموم‌آن پارکه است ووکلای عمومی درتحت ریاست مدعی عمومی بامور راجعه بخودشان رسیدگی مینمایند .

مادهٔ ۱۱۷ - هر گاه مدعی عمومی بعلت مخصوصی از اجراء وظیفه خود باز ماند یکی از وکلای عمومی بحکم اقدمیت در خدمت قایم مقام او خواهد بود و همچنین در صورت مرض یا غیبت مدعی عمومی یکی ازوکلای عمومی بحسب قدمت در خدمت وظایف او را انجام میدهد .

مادهٔ ۱۱۸ - مدعی عمومی هریك از وکلای عمومی راکه صلاح بداند مأمور بامور هریك از اطاقهای محکمه که درنزدآن مأموریت دارد مینماید و وکلای عمومی درموقع حضور درهریك ازاطاق محاکم بنام مدعی عمومی نطق واظهار رأی خواهند کرد .

مادهٔ ۱۱۹ - وکلای عمومی درامورمهمه بایدنتیجه عقاید خودشانرا بمدعی عمومی اظهار دارند . درصورتیکه مشارالیه عقیده وکیل عمومی را تصویب نکرد و وکیل عمومی اصرار درحفظ عقیده خودنمود مدعی عمومی میتواند وکیل عمومی دیگری راانتخاب نماید که مطلب را چنانکه مدعی عمومی عقیده دارد درمحکمه اظهار نماید .

مادهٔ ۱۲۰ - درمواردیکه قانون حضورمدعی العموم رادرمحکمه تقاضا مینماید مدعی العموم باید حاضرشده وظایف خودرا انجام بدهد. وهر گاه نتواند درتمام اطاقهای محکمه بشخصه حاضر شود درهر اطاقی که صلاح بداند حاضر میشود ولی درجلسات عمومی محاکم وهمچنین درموارد مهمه جلسات معمولی مدعی عمومی بایدشخصاً حاضر شود .

مادهٔ ۱۲۱ - هر گاه یکی از وکلای عمومی ازایفای وظیفه خودمعذورماند وسایر وکلای عمومی نیزبواسطه مشاغل فوق العاده یافوتی نتوانند بجای اومعین شوند بحکم وزیر عدلیه یکی ازاعضاء محکمه موقتاً وظیفه وکیل عمومی را انجام میدهد .

فصل دوم

در وظایف مدعی عمومی

مبحث اول

درامور حقوقی

مادهٔ ۱۲۲ - مواردی را که مدعی عمومی باید دخالت درمحاکمات حقوقی نماید مواردابلاغ گویند ودرموارد مذکوره رئیس محکمه مکلف است اوراق راجعه بدعوارابمدعی عمومی آن محکمه قبل ازاستماع دعوا تبلیغ نماید .

مادهٔ ۱۲۳ ـ موارد ابلاغ از قرار تفصیل است .

اولاً ـ دعاوی راجعه بمنافع عامه و حقوق عمومی مثل شارع عام و میاه و انهار و مراتع مباحه و امثال آنها چه آن دعوی مابین اهالی دو محل باشد یا یك محل چه طرفین دعوا محصور باشند و چه نباشند .

ثانیاً ـ دعاوی راجعه بدولت چه آن دعوی متعلق بخزانه مالیه باشد یا خزانه اوقاف عمومی یا دیون عمومی یا عوارض دولتی وغیره .

ثالثاً ـ در دعاوی راجعه بوجوه بریه وامور خیریه که جهت عمومی داشته باشد (نسبت بوصیت نامه‌های عمومی و وقف نامه‌های عمومی و امثال ذالك) .

رابعاً ـ در موارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶) .

خامساً ـ در دعاوی متعلقه بصلاحیت محاکم و ردحکام عدلیه .

سادساً ـ در دعاوی متعلقه بصغیر و مجنون وسفیه که قیم یا ولی خاص دارند .

سابعاً ـ در دعاوی حقوق راجع بافلاس .

ثامناً ـ در موارد ادعای جعلیت اسناد و محاکمه آن .

تاسعاً ـ در دعاوی حقوقی شخصیه که ناشی گردد از جرائم چه در محکمه جزائیه بدعاوی مذکوره رسیدگی شود وچه درمحکمه حقوق .

مادهٔ ۱۲۴ ـ هرگاه دعوا راجع بهصغیر یا مجنون یا سفیه بوده و اشخاص مذکوره قیم یا ولی خاص نداشته باشند. وهمچنین در مواردیکه دعوا راجع است بغایب مفقودالاثر که حیات و ممات او معلوم نیست مدعی العموم قبل از مداخله بمجتهد جامع الشرایط عادل اطلاع داده و بعداز تعیین قیم یا ولی مداخله مینماید .

مادهٔ ۱۲۵ ـ مدعی عمومی حق دارد اوراق هردعوائی را که بخواهد از محکمه مطالبه کند تا جدا کند آنچه را که تعلق بوظیفه او دارد .

مادهٔ ۱۲۶ ـ مدعی عمومی هر محکمه حق مراقبت و نظارت بر تمام احکام صادره از آن محکمه را دارد .

مادهٔ ۱۲۷ ـ مداخله درمحاکمات شرعیه خارج از وظیفه مدعی العموم است و درمحاکم تجارت اگر دعوای افلاس باشد حق مداخله دارد بطوریکه در مادهٔ (۱۲۳) مذکور است .

مادهٔ ۱۲۸ ـ مدعی عمومی درهر دعوائی که مداخله مینماید باید طرفدار حق بوده و با فکار و رأی خود تقویت نماید طرفی را که بمقتضای قانون محق فهمیده است .

مادهٔ ۱۲۹ ـ مدعی عمومی درمدت سه روز از فردای تبلیغ اوراق باید مداخله یا عدم مداخله را کتباً برئیس محکمه اطلاع دهد و درصورت عدم مداخله باید محکمه قبل از صدور حکم افادات مدعی عمومی را در عدم مداخله شفاهاً استماع نموده در اوراق ضبط و در صورت حکم درج نماید .

مادهٔ ۱۳۰ـ اگرزیاده‌ازسه‌روزمدعی‌عمومی اوراق‌را معطل‌نموده وجواب بمحکمه ندهد مسئول‌خواهدبود واگراز تعطیل‌اوراق ضرروخسارتی برمتداعیین‌واردآید حق‌شکایت‌براوومطالبه‌ضرر وخسارات راازاو دارند .

مادهٔ ۱۳۱ـ اگرمحکمه قرارداد برمداخلهٔ مدعی‌العموم در محاکمه مشارالیه نمیتواند امتناع نماید بلکه حاضرشده وعقیدهٔ خودرا اظهارمیدارد .

مادهٔ ۱۳۲ـ درصورتیکه مدعی‌العمومی‌مداخلهٔ خودرابرئیس‌محکمه اطلاع‌داد بایدازطرف محکمه روزووقت رؤیت دعوی باواخطارشود تادروقت مقرره حاضرشود .

مادهٔ۱۳۳ـ مداخلهٔ مدعی‌العمومی در موارد ابلاغ بردو قسم است : مداخله اصلیه ومداخله تبعی .

مادهٔ ۱۳۴ـ مداخله اصلیه درمواردیست که دعوامربوط بحقوق‌عمومی ومنافع عامه‌است (رجوع بفقرهٔ اول‌ودوم‌وسیم‌وچهارم مادهٔ۱۲۳) دراین‌صورت مدعی‌العموم مثل‌مدعی‌یامدعی علیه دخالت‌مینماید (زیراکه وکیل‌است ازجهت‌مدافعه وحفظ حقوق عمومی) وچون حقوق واختیارات اوهمان حقوق‌واختیارات مدعی‌یامدعی‌علیه‌است لذااگرمتداعیین خصوصی‌دعوای خودراباصلاح‌ختم نمایندصلح‌آنها خللی‌بحقوق‌عمومی واردنمی‌آورد ومدعی‌عمومی‌بنام حقوق‌عمومی‌محاکمه راتعقیب میکند واگرمحکمه حکم داد ومدعی‌العموم برآن حکم تسلیم ننمود مدعی‌العموم حق اعتراض (استیناف واعادهٔ محاکمه وتمیز) راموافق‌اصول محاکمات حقوقی‌دارد . وهمچنین هرگاه مدعی یامدعی‌علیه خصوصی‌محکوم‌شده وتسلیم‌برحکم محکمه نمود مدعی‌عمومی باوجود تسلیم‌آنها حق اعتراض‌را دارد .

مادهٔ ۱۳۵ـ درمداخلهٔ تبعی (رجوع‌بفقرهٔ پنجم‌وششم‌وهفتم‌وهشتم مادهٔ۱۲۳) مدعی‌العموم چون طرف‌نیست وفی‌الواقع‌بسمت مشاورحقوق درمحکمه حاضرشده بیان‌عقیده می‌نماید. لهذااگر متداعیین‌خصوصی‌منازعه خودرابصلح‌ختم یابرحکم محکمه تسلیم‌نمودند مدعی‌العموم‌تعقیب‌نمی‌نماید وحق‌هیچگونه اعتراض‌راندارد .

مادهٔ ۱۳۶ـ درموارد نقض‌قوانین‌فقط وقتی‌مدعی‌العموم مداخله‌مینماید که بموجب حکم قطعی‌نقض‌قانون‌شده وهیچیك‌ازطرفین‌درموعد مقررتمیز آن‌حکم راخواستار نشده‌باشند. دراین‌صورت مدعی‌العموم هرمحکمه مراتب‌رابمدعی‌العموم دیوان‌تمیز اطلاع میدهد که اوبرای محافظت قانون تمیزحکم‌رابخواهدلیکن‌دراینموارد نقض‌دیوان تمیز درباره طرفین‌دعوا مؤثرنمیباشد وفقط‌برای‌حفظ قانون است .

مادهٔ ۱۳۷ـ درصورت مداخلهٔ اصلیه هرچند مدعی‌عمومی بصفت مدعی‌محاکمه مینماید ولی نمی‌تواند ابتداء شروع بمحاکمه نماید بلکه بعد از اقامهٔ دعوا نمودن مدعی خصوصی مداخله مینماید .

مادهٔ ۱۳۸ ـ درکلیه مداخلات مدعی عمومی کفایت نمی کند که تقریر و افادات خود را شفاهاً وعلناً اظهار دارد بلکه باید کتباً بمحکمه بدهد .

مادهٔ ۱۳۹ ـ درصورتیکه مدعی عمومی مداخلهٔ اصلیه در دعوی نماید باید در تمام جلسات محاکمه خودش یا قائم مقامش حاضر شود و استماع شهادت شهود و تقریر خصم را بنماید و اگر محتاج بکشف وتحقیق موضوع مدعی به گردد باید درمقام کشف آن نیز حاضر شود و باید حکم درحضور او بطرفین قرائت وتفهیم شود .

ودرصورتی که مداخلهٔ عمومی مداخلهٔ تبعی باشد حضور او درجلسات محاکمه ودرروز کشف متنازع فیه بجهت معاینه ودرروز صدور حکم وقرائت آن بر طرفین هیچیك لازم نیست فقط باید بعدازختم مذاکرات طرفین اظهار عقیده نماید .

مادهٔ ۱۴۰ ـ درصورت مداخله تبعی مدعی عمومی محکمه نبایداستماع نماید افادات مدعی عمومی را مگر بعدازتمام شدن افادات ومذاکرات متداعیین ومتداعیین حق ندارند که بعدازتقریر مدعی عمومی تکلم نمایند بلکه محاکمه بانطق مدعی العموم ختم می شود واگرمتداعیین برتقریراو اعتراض داشته باشند می توانند بر ورقه نوشته بهرئیس تقدیم دارند .

مادهٔ ۱۴۱ ـ اگرمداخله مدعی عمومی اصلیه باشد هریك ازمتداعیین میتوانند باجازه رئیس اعتراض ودفاع ازخود نمایند (زیرا که مدعی عمومی دراینصورت متخاصم است) .

مادهٔ ۱۴۲ ـ مدعی عمومی نباید داخل شود دراطاق مذاکره یااینکه بااعضای محکمه شرکت دردادن رأی نماید .

مادهٔ ۱۴۳ ـ مدعی عمومی ازجمیع مصارف ورسوم متعلقه بتمام محاکم معاف است ودرمواردی که برای استیناف وتمیز تأمینات لازم است مدعی عمومی مستثنی است .

مادهٔ ۱۴۴ ـ مدت استیناف ومدت تمیز ازبرای مدعی عمومی درمداخلات اصلیه همان مدت مقرره ازبرای مدعی شخصی میباشد ودرمورد ماده (۱۳۶) مدت مقرر ندارد هروقت مطلع شود می تواند تمیز نماید .

مبحث دوم

در امور جزائی

مادهٔ ۱۴۵ ـ مدعی های عمومی مکلفند اعمالی را که متضمن خلاف یاجنحه یاجنایت است تفتیش وتعاقب نمایند .

مادهٔ ۱۴۶ ـ وظایف مدعیهای عمومی ازحیث تفتیش وتعاقب مجرمین وطریق عمل کردن آنها بوظایف خود وحدود اختیارات آنها دراصول محاکمات جزائی مصرح است .

باب سیم

درحکام وصاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

فصل اول

درشرایط واوصاف

مادهٔ ۱۴۷ - رؤساء واعضاء محاکم وصاحب منصبان ومستخدمین عدلیه کلیه بایددارای شرایط واوصاف ذیل باشند :

(اولا) تابعیت ایران، (ثانیاً) دین اسلام (ثالثاً) سن که باید کمتر از آنچه ذیلامعین شده است نباشد .

۱- برای اعضاء ووکلای عمومی محکمهٔ ابتدائی ومستنطقین درجه دوم ودفتر دارهای محاکم واشخاصی که دریکمقام بااشخاص مذکورهستند (۲۵) سال .

۲ - برای مدعی العموم بدایت واعضاء ووکلای عمومی محکمهٔ استیناف ومستنطقین درجه اول ومعاونین وکلای عمومی استیناف واشخاصی که دریك مقام باآنها هستند (۳۰) سال.

۳- برای رؤساء محاکم ابتدائی ومدعی العموم استیناف واعضای تمیز واشخاصی که در مقام باآنها مساویند (۳۵) سال .

۴- برای رؤساء محاکم استیناف ومدعی العموم تمیز ورؤساء تمیز (۴۰) سال .

(رابعاً) دادن امتحانات علمی وعملی درانجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب وبعداز گذشتن ازمقامات لازمه طبع واعلام خواهد کرد (مادامیکه مدرسه حقوق تأسیس واعضاء واجزاء برای محاکم وادارات عدلیه تهیه نشده است) .

مادهٔ ۱۴۸ - اشخاص مفصله ذیل نمیتوانند درعدلیه مستخدم شوند :

اولا - اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجنحه وجنایت درتحت محاکمه هستند یا بواسطه اتهام بجنحه وجنایت درتحت محاکمه بوده برائت ذمه حاصل نکرده اند .

ثانیاً - کسانیکه بواسطهٔ ارتکاب بجنحه وجنایات محکوم بحبس یا مجازاتی شدیرتر شده اند .

ثالثاً - اشخاصیکه ورشکسته اعلان شده اند .

رابعاً - اشخاصیکه درتحت قیمومت یاولایت شرعی هستند.

خامساً ـ کسانیکه معروف بفسادعقیده اسلامی باشند .
سادساً ـ اشخاصیکه متظاهر بارتکاب منکرات واتصاف باخلاق ذمیمه هستند .
سابعاً ـ کسانیکه ازادارات دولتی بعدازمحاکمه اخراج شده‌اند .

فصل دوم

درنصب حکام وصاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

مادهٔ ۱۴۹ـ رؤساء ومستشاران دیوان تمیز ورؤساء و اعضاء محاکم استیناف ورؤساء محاکم ابتدائی و اشخاصیکه باحکام مذکوره دریك رتبه هستند بتصویب وزیر عدلیه معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشوند. و اعضاء محاکم ابتدائی ومستنطقین درجه دوم و امنای صلحیه و اشخاصی راکه باآنها دریك رتبه هستند وزیرعدلیه معین وبصدور حکم او منصوب می‌شوند .

مادهٔ ۱۵۰ـ درصورتیکه جای عضوی‌درمحاکم ابتدائی یااستیناف یاجای مستنطقی باز شوددرجلسه فوق‌العاده اداری‌محکمه باحضورمدعی‌العموم درباب‌اشخاصی‌که شرایط‌مذکوره درفصل‌اول رادارا بوده‌ولیاقت اشغال‌جای خالی رادارند مذاکره بعمل‌آمده صورت اشخاص لایق راترتیب میدهند .

مادهٔ ۱۵۱ـ بعدازاینکه اشخاص مذکوره رضایت خودرا باشغال جای خالی اظهار کردند صورت مذکوردرماده قبل‌بتوسط رئیس‌محکمه بوزیرعدلیه تقدیم می‌شود.

مادهٔ ۱۵۲ ـ وزیر عدلیه از صورت مذکوره در ماده قبل یااز اشخاص دیگری‌که شرایط واوصاف فصل‌اول رادارا هستنداشخاصی راکه صلاح میداند موافق قانون‌معین‌مینماید.

مادهٔ ۱۵۳ـ مدعی‌العموم‌کل (دیوان‌تمیز) ومدعی‌العموم استیناف بتصویب وزیرعدلیه واذن‌حاکم شرع معین وبصدور فرمان همایونی منصوب میشوند. معاون مدعی‌العموم استیناف (مدعی‌العموم‌بدایت) ازمیان‌اشخاصی‌که مدعی‌العموم استیناف معرفی‌نموده بتصویب وزیرعدلیه معین‌وبصدور فرمان همایونی منصوب میشود.

مادهٔ ۱۵۴ـ دفتردارهای محاکم ابتدائی‌واستیناف وتمیزوسایر اجزاءدفترخانه‌محاکم راوزیرعدلیه معین‌وبصدورحکم اومنصوب‌میشوند .

مادهٔ ۱۵۵ـ منشی‌های هرپارکه رامدعی‌العموم‌آن پارکه معین‌میکند ودرنصب‌منشی‌های مزبوره‌حکم‌وزیرعدلیه صادر میشوند .

مادهٔ ۱۵۶ـ حکام و صاحب‌منصبان عدلیه‌که تازه بمشاغل خودمعین شده‌اند قبل از

مباشرت بشغل خودشان درجلسه فوق‌العاده علنی محکمه که در آن یا نزدآن مأموریت دارند باید بموجب صورتیکه جداگانه معین‌شده استقسم یاد نمایند. امنای صلح درجلسه فوق‌العاده علنی محکمه ابتدائی قسم‌یاد مینمایند. ورقه‌قسم رارؤساء محاکم بدائره سجل‌احوال وزارت عدلیه خواهند فرستاد .

مادهٔ۱۵۷- تقریرنویسها وسایراجزاء محاکم ومنشیهای‌ادارات‌مدعی عمومی‌درجلسه معمولی‌علنی قسم‌یاد مینمایند .

فصل سیم

درعزل و حرکت حکام عدلیه و صاحبمنصبان

اداره مدعی‌العموم و مرخصی آنها

مادهٔ۱۵۸-درمواردمفصله حکام‌عدلیه وصاحب‌منصبان ادارهٔمدعی‌العموم ازشغل خود معزول‌میشوند :

۱- درصورتی‌که مرتکب عملی شوندکه برخلاف شرف‌آنها باشد یادلالت‌کند بر ارتشاء یاعدم درستی وفساداخلاق .

۲ - اشتغال بشغل‌یا حرفه دیگری ازقبیل تجارت ودلالی و غیره باداشتن مقام رسمی در خدمت عدلیه .

۳ - درصورتیکه اعمال وافعالشان عالماً عامداً مغایر قانون ونظامات عدلیه باشد .

٤ - درصورتیکه بواسطه ارتکاب بجنحه وجنایت در محکمه‌که صلاحیت‌رسیدگی رادارد محکوم شده باشند .

٥ - در مواردیکه فاقدشرایط اوصافی شوندکه برای‌حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه مقرراست (مواد ١٤٧ و ١٤٨) .

مادهٔ ۱۵۹ - درموارد ماده قبل عزل‌حکام عدلیه و صاحبمنصبان اداره مدعی‌العموم بعد ازرسیدگی بحکم مجلس عالی (رجوع بمادهٔ ١٨١) بعمل‌میآید ووزیر عدلیه‌حکم مجلس‌مذکور رابموقع اجراء میگذارد .

مادهٔ ۱۶۰ - هرگاه‌حکام و صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه بواسطه‌مرضی درمدت چهار ماه‌نتوانند درسرخدمت حاضرشوند وباوجود آن‌استعفاء ازشغل خودننمایند باید بآنها اخطار شود که‌استعفا نمایند .

و هر گاه درمدت دوهفته بعدازاین اخطار استعفاء نکردند مستعفی محسوب خواهند شد این اخطاررا باعضاءِ محاکم واجزاء ادارات رؤساء مستقیم آنها خواهند کرد .

مادهٔ ۱۶۱ ـ صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه سالی یکماه حق مرخصی دارند وموعد آن بتوسط وزیرعدلیه معین خواهد شد .

مادهٔ ۱۶۲ ـ اجازه مرخصی درصورتیکه علاوه بر آنچه قانوناً برای حکام و صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه مقرر شده استدعا شود منوط بتصویب وزیرعدلیه است .

فصل چهارم

درحقوق وحدود حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه

مادهٔ ۱۶۳ ـ حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه درخدمت دولتی محسوب، وازکلیه حقوق وامتیازاتیکه برای مستخدمین دولت مقرراست بهره‌مند میباشند .

مادهٔ ۱۶۴ ـ حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه نمیتوانند باشغل خود هیچ شغل وحرفه دیگری چه درادارات رسمی باشد چه غیررسمی توأم نمایند ولی قبول عضویت افتخاری درانجمنهای خیریه درصورتیکه مانع ازایفای وظایف ایشان نباشد جایزاست .

مادهٔ ۱۶۵ ــ مراتب حکام وصاحبمنصبان اداره مدعیان عمومی ومستخدمین عدلیه ازقرار ذیل است :

۱ ــ ریاست دیوان تمیز ومدعی عمومی دیوان مذکور .

۲ ــ ریاست شعبه دیوان تمیز .

۳ ــ مستشاری دیوان تمیز وریاست محکمه استیناف ومدعی عمومی استیناف ووکالت عمومی دیوان تمیز .

٤ ـ ریاست شعبه استیناف ووکالت عمومی استیناف .

٥ ـ ریاست محکمه ابتدائی ومدعی عموعی محکمه ابتدائی .

٦ ـ عضویت محکمه استیناف ومعاونت وکالت عمومی استیناف ومستنطقی درجه اول وریاست شعبه ابتدائی وریاست محکمه تجارت .

۷ ـ عضویت محکمه ابتدائی ومعاونت مدعی عمومی بدایت و مستنطقی درجه دوم وامانت صلح

۸ ـ معاونت عضویت محکمه ابتدائی .

۹ ـ دفترداری محاکم .

۱۰ ـ تقریرنویسی محاکم ومنشیگری اداره مدعیهای عمومی .

۱۱ ــ ثباتی وضباطی محاکم .

۱۲ ـ مأمورین اجراء .

مادهٔ ۱۶۶ ـ محاکم عدلیه پایتخت وولایات ازحیث عدهٔامور راجعه بآنها وقلت وکثرت دعاوی به سه درجه منقسم میشوند وترتیب مقرری هریك ازدرجات مذکوره بطوری است که علیحده موافق قانون معین گردیده .

مادهٔ ۱۶۷ ـ وقتیکه محاکم عدلیه بهیئت اجتماع باید درمواقع رسمی حاضر شوند بترتیب ذیل خواهند بود :

(اول) دیوان تمیز (دوم) محکمه استیناف (سوم) محکمه ابتدائی (چهارم) محکمه تجارت (پنجم) محکمه صلحیه .

فصل پنجم

درنظارت بمحاکم وصاحب منصبان ومستخدمین عدلیه

مادهٔ ۱۶۸ ـ مقامات مفصله نسبت بمقاماتیکه ذیلا تصریح شده است نظارت دارند: دیوان تمیز بامجلس عمومی آن نسبت بتمام محاکم ایران غیر ازاداره مدعیهای عمومی محاکم استیناف نسبت بمحاکم ابتدائی غیرازپارکه استیناف وبدایت . محکمه ابتدائی نسبت بمحاکم صلحیه .

ماده ۱۶۹ حق نظارت اقدامات مفصله راحاوی است . مقام بالاتر حق دارد :

اولا ـ درمورد شکایات ازاحکام موافق اصول محاکمات ازمقام پائین تر اطلاعات وتوضیحات لازمرا بخواهد .

ثانیاً ـ درصورت مشاهده بی نظمی یا سوء استعمال یا مسامحه درانجام وظایف مقرره ازوزیرعدلیه خواهش نمایدکه اخطارات لازمه نسبت بمقام پائین تر بعمل آید .

ثالثاً ـ هرگاه مقامات پائین تر ازحدود خودتجاوز نمایند تا اندازهٔ که اصول محاکمات بمقامات بالاتر اجازه میدهد آن اقدامات را فسخ مینمایند .

مادهٔ ۱۷۰ ـ رؤساء محاکم عدلیه نسبت برؤساء شعب ومعاونین واعضاء واجزاء دفتر خانه محاکم حق نظارت را دارند ومراقبت مینمایندکه اموراز نظم وترتیب خارج نشده و اعضاء واجزاء ازوظایف خود تخلف ننمایند .

مادهٔ ۱۷۱ ـ صاحب منصبان واجزاء پارکه بدایت درتحت نظارت مدعی العموم بدایت وصاحبمنصبان واجزای پارکه استیناف ومدعی العموم بدایت درتحت نظارت مدعی العموم استیناف واقعندوتمام مدعیهای عمومی استیناف ومدعی العموم دیوان تمیز درتحت نظارت ریاست عالیه وزیر عدلیه واقعند .

مادهٔ ۱۷۲ ـ محاکم ورؤساء آنها حق ندارند درامور ادارهٔ مدعی‌العموم دخالت یا نظارتی نمایند وهر گاه بی‌نظمی دراداره مزبوره مشاهده کنند یا برئیس آن اداره اطلاع میدهند یا بوزیر عدلیه راپورت مینمایند .

مادهٔ ۱۷۳ ـ مدعی‌العموم ووکلای عمومی هر گاه بی‌نظمی یا اختلال واغتشاشی در محاکم مشاهده کنند مستقیماً برؤساء آن محاکم اطلاع میدهند ویا بمدعی‌العموم اول استیناف ومشارالیه مکلف است که اطلاعات مزبوره‌را بهوزیر عدلیه راپورت نماید .

مادهٔ ۱۷۴ ـ وزیر عدلیه نظارت عالیه وعمومی نسبت بکلیه محاکم وادارات عدلیه ایران دارد ومیتواند هر نوع اطلاعات وتوضیحاتی که لازم بداندازمحاکم عدلیه ورؤساء آنها بخواهد ونیزمیتواند بتوضیحات کتبی اکتفا ننموده تقاضای توضیحات شفاهی کند .

مادهٔ ۱۷۵ ـ وزیرعدلیه حق دارد تفتیشات لازمه رادرمحاکم وادارات مدعی‌العموم وسایر دوایر عدلیه‌نموده اخطارات واقدامات‌لازمه رابرای‌جلوگیری از بی‌نظمی یاتراکم‌امور یامسامحه ومماطله وامثال آن‌نماید ودرمواقعیکه لازم بداندآنهارا بمعرض مسؤلیت ومؤاخذه وسیاست درآورد .

مادهٔ ۱۷۶ ـ تفتیش مذکوردرماده قبل‌راوزیر عدلیه میتواند مستقیماً بیکی‌ازمأمورین وزارتخانه یااشخاصی‌که طرف‌اطمینان اوهستند ویا بیکی ازرؤساء واعضاء محاکم یاپارکه‌ها رجوع نماید .

مادهٔ ۱۷۷ ـ وزیر عدلیه میتواند بمدعی‌های عمومی تعلیمات لازمه درجلوگیری از بی‌نظمی اموزداخلی محاکم ونقض‌قوانین‌وقواعد وانتظامات داخلی‌آنها بدهد .

مادهٔ ۱۷۸ ـ دفترخانه‌های‌محاکم‌درتحت‌نظارت رؤساء محاکم‌است‌واجزاءدفترخانه درتحت‌نظارت دفترداروظایف مقرره راانجام‌میدهند .

فصل ششم

درمسئولیت حکام وصاحب‌منصبان ومستخدمین عدلیه

مادهٔ ۱۷۹ ـ تخلف حکام و صاحب‌منصبان عدلیه از حدودیکه برای آنها مقرر شده وهمچنین‌تقصیرات‌راجعه‌بخدمت یامسامحه ومماطله‌آنهادرانجام‌وظایف خودشان‌باعث‌مسئولیت ومجازات اداره‌انتظامی‌است .

مادهٔ ۱۸۰ ـ تنبیهات‌وسیاسات که‌برای‌حکام وصاحب‌منصبان‌عدلیه درصورت‌محکومیت آنهادررسیدگی‌اداری‌انتظامی مقرراست ازقرارذیل‌است :

اولا ـ تحذیر کتبی .

ثانیاً - توبیخ وشماتت کتبی بدون درج درورقه خدمت .
ثالثاً - توبیخ وشماتت کتبی بادرج آن درورقه خدمت .
رابعاً - کسر گذاشتن ازمقرری ماهیانه الی یك ثلث درمدت ازیك ماه الی شش ماه .
خامساً - تنزل ازشغلی بشغلی پائین تر .
سادساً - انفصال موقتی .
سابعاً - انفصال ازشغل وخدمت عدلیه .

مادۀ ۱۸۱ - رسیدگی بتقصیرات اداره رؤساءواعضاء محاکم ومعاونین اعضاء محاکم ابتدائی و صاحب منصبانی که با آنها دریك مقام هستند درمجلس رسیدگی اداری (یا مجلس رسیدگی عالی) که دروزارت عدلیه تشکیل میشود بعمل خواهد آمد - ورسیدگی بتقصیرات دفتردار واجزاء دفترخانه محاکم واشخاصی که باآنها دریك مقام هستند درمجلس فوق العاده اداری همان محکمه که در آن مشغول خدمت هستند .

مادۀ ۱۸۲ - رسیدگی اداری شروع میشود :
اولا - بتکلیف وزیرعدلیه وآن درصورتی است :
۱- که شکایتی ازحکام وصاحب منصبان عدلیه ازطرف اشخاصی بشود وپس ازتحقیقات اولیه معلوم شود که شکایت وارداست .
۲- بموجب شکایت محکمه .
۳- بموجب اطلاعات صحیحه که بوزیرعدلیه رسیده یاخودوزیرعدلیه تحصیل کرده .
(ثانیاً) درمواردی که بموجب حکم محکمه که صلاحیت دارد حاکم یا صاحب منصب عدلیه محکوم بارتکاب جنحه یاجنایتی شده ووزیرعدلیه برای صدورقرارعزل مقصررا بمجلس اداری میفرستد .

مادۀ ۱۸۳ - وزیرعدلیه نسبت بحکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه ورؤساء محاکم نسبت بدفتردار واجزاء دفترخانه محاکم مذکوره حق تحذیر کتبی وتوبیخ وشماتت رابادرج آن درورقه خدمت بدون رسیدگی اداره دارند .

مادۀ ۱۸۴ - رسیدگی اداری بعدازانقضای یك سال اززمان وقوع تقصیرجایز نیست وقانوناً نمیتواند شروع شود .

مادۀ ۱۸۵ - درمواردی که رسیدگی اداری بشکایت محکمه شروع میشود جهات آنرا رئیس محکمه درجلسه معمولی اداری محکمه بااسناد ودلایل مطرح مینماید وبعدازمداقه لازمه صورت مجلس نوشته شده بوزیرعدلیه تقدیم میشود .

مادۀ ۱۸۶ - درصورتیکه ازملاحظه و رسیدگی بشکایت متظلمین ازحکام عدلیه علت

صحیحی برای رسیدگی اداری کشف شود آن رسیدگی اداری را نمیتوان موقوف داشت ولو اینکه متظلم شکایت خودرا پس بگیرد .

مادهٔ ۱۸۷ ـ مجلس رسیدگی عالی بعد از تحصیل اطلاعات و خواستن توضیحات وجمع آوری اسناد واوراق لازمه شروع برسیدگی مینماید .

مادهٔ ۱۸۸ ـ هر گاه مجلس مذکور حضور متشکی عنه یا متهم را لازم بداند بایدمشار الیه شخصاً حاضر شود ودرصورتیکه بدون عذرموجه درموعد مقرر حاضر نشد این عدم حضور او باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد .

مادهٔ ۱۸۹ ـ درمحاکمه اداری رد اعضاء مجلس بموجب اصول محاکمات جایز است .

مادهٔ ۱۹۰ ـ رسیدگی مجلس عالی غیر علنی است .

مادهٔ ۱۹۱ ـ قبل از اینکه مجلس رسیدگی عالی حکم بدهد رأی مدعی عمومی را که صلاحیت حضور را دارد میشنود و بعد توضیحات آخری متهم را اصغا میکند .

مادهٔ ۱۹۲ ـ هر گاه درحین رسیدگی اداری تقصیر دیگری کشف شود موافق اوضاع واحوال یا مجلس بهر دو تقصیر توأماً رسیدگی میکند ویا بتقصیری که اخیراً کشف شده است جداگانه موافق ترتیبات مقرره رسیدگی مینماید .

مادهٔ ۱۹۳ ـ حکم مجلس بعداز صدور فوراً بمتهم ابلاغ میشود وهر گاه غایب باشد بمحکمه برای ابلاغ حکم احضار میشود ودرصورتیکه درمحکمه دیگری که درشهر دیگری است باشد بدان محکمه فرستاده میشود که درجلسهٔ فوق العاده اداری آن محکمه بمحکوم ابلاغ شود .

مادهٔ ۱۹۴ ـ هر گاه درحین محاکمه اداری کشف شود که مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی شده محاکمه مجلس عالی توقیف ومقصر موافق اصول محاکمات جزائی بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب میشود و پس از صدور حکم قطعی محکمه مذکوره مجلس عالی برسیدگی تقصیر ادارهٔ مداومت کرده حکم میدهد هر گاه مقصر درمورد جنحه یا جنایت درمحکمه عمومی محکوم بحبس یا جزائی شدیدتر شده باشد مجلس رسیدگی عالی حتماً حکم عزل را میدهد .

مادهٔ ۱۹۵ ـ هر گاه حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه بواسطه اتهام بجنحه یا جنایت جلب بمحاکمه جزائی شوند درصورتیکه مجازات تقصیر متهمین موافق قانون حبس یا جزائی شدیدتر باشد مشار الیهم ازشغل خود موقتاً منفصل خواهند شد وانفصال یا عودت آنها بشغل خودشان منوط بختم محاکمه جزائی ورأی مجلس عالی است .

باب چهارم

در دوایر واشخاصی که وابسته بمحاکم میباشند

فصل اول

در مأمورین اجرا ومأمورین احضار و اعلام

مبحث اول

در شرایط واوصاف مأمورین اجرا

مادهٔ ۱۹۶ ـ مأمورین اجرا برای اجرای احکام وقراردادهای محاکم معین میشوند عدهٔ مأمورین مذکوررا وزیرعدلیه موافق مقتضیات محل ووقت معین مینماید .

مادهٔ ۱۹۷ ـ مأمورین اجرا باید همان شرایط واوصاف را دارا باشند که درمواد (۱۴۷) (۱۴۸) برای مستخدمین عدلیه مقرراست .

مادهٔ ۱۹۸ ـ مأمورین اجرا رادرطهران وزیرعدلیه ودرولایات مدعی العموم بدایت یا رئیس محکمه ابتدائی (درصورتیکه مدعی العموم نباشد) معین میکنند .

مادهٔ ۱۹۹ ـ اشخاص مذکوره نمیتوانند بشغل خودشان مباشرت نمایند مگر بعد از ودیعه گذاشتن وجه الضمانه درصندوق عدلیه که هرگاه ازاعمال غیرقانونی آنها خسارتی بر کسی وارد آمد ودرمحکمه ثابت شود ازوجه الضمانه مذکوره پرداخته شود . مقدار وجه الضمانه مذکوررا درطهران وزیرعدلیه ودرولایات محکمه ابتدائی معین میکند عوض وجه الضمانه مأمورین اجرا میتوانند ضامن معتبر بدهند ومبلغ ضمانت نیزجداگانه معین میشود .

مادهٔ ۲۰۰ ـ مأمورین اجرا باید قبل ازمباشرت بشغل خودشان درجلسهٔ اداری فوق العاده محکمه که درنزدآن مأموریت دارند قسم یاد نمایند .

مادهٔ ۲۰۱ ـ پس ازیادکردن قسم مزبور بمأمورین اجراء تصدیق نامه داده میشود و بعلاوه صاحبمنصبان مزبور لباس ومهرمخصوصی خواهند داشت (موافق نظامنامه) .

مادهٔ ۲۰۲ ـ محل اقامت مأمورین اجرا راکه درنزد محکمه مأموریت دارند باید رؤساء محاکم مذکوره معین نمایند و تغییر محل اقامت بدون اجازه رئیس محکمه مستلزم انفصال آنها ازشغل خودشان است .

مادهٔ ۲۰۳ ـ محل اقامت اشخاص مذکوره باید درهمان شهریا محلی که مقرمحکمه است بوده ولی بکلی خارج ازمحکمه باشد .

مادهٔ ۲۰۴ ـ نصب مأمورین اجرا بعد ازیکسال ازمباشرت آنها بشغل خودشان بعمل می‌آید .

مادهٔ ۲۰۵ ـ درصورت عدم کفایت مأمورین اجرا محاکم میتوانند اجرای احکام را بصاحب‌منصبان نظمیه رجوع نمایند ودراین موارد حق‌الزحمهٔ که برای مأمورین اجرامقرر است بصاحبمنصبان نظمیه داده خواهد شد .

مادهٔ ۲۰۶ ـ مأمورین اجراوصاحبمنصبان نظمیه درمورداجرای احکام درتحت‌نظارت مدعی‌العموم بدایت ودرمواقعی که شك وشبهه درمفاد قوانین راجعهٔ باجراء یا مضمون حکم برای‌آنها حاصل شود یا بعضی ازمواد حکم را نفهمند باید برؤساء محاکمی که‌حکم‌داده‌اند رجوع نموده دستورالعمل بخواهند .

مبحث دوم

درحقوق مأمورین اجراء

مادهٔ ۲۰۷ ـ برای مأمورین‌اجراحقوق‌دولتی‌مقرراست . بعلاوهٔ‌حقوق‌دولتی‌مأمورین مزبوره حق‌الزحمهٔ مخصوصی ازحق اجرای احکام که دولت اخذ می‌کند دریافت خواهند داشت مقدارحق‌الزحمه مزبوره ازاحکامی که مقدار مدعا به‌آن معین است ازهریك‌صد تومان چهارقران میباشد ویا ازهرده تومان چهارصد دینار کسورده تومان بحساب نمی‌آید .

مادهٔ ۲۰۸ ـ حق‌الزحمه مذکوره درصندوق مخصوصی که وزیرعدلیه معین‌خواهدکرد جمع شده سالی دومرتبه مابین مأمورین اجرای حوزه‌های ابتدائیه تقسیم خواهد شد .

مادهٔ ۲۰۹ ـ هرگاه بعضی ازمأمورین‌اجرا قبل ازانقضاء مدت شش ماه منفصل‌یافوت شدند نسبت بمدت خدمت‌آنها قسمت‌آنها بخود یا ورثه‌آنها داده خواهد شد .

مادهٔ ۲۱۰ ـ مأمورین‌اجرا درصورتیکه درانجام وظایف خود ساعی‌بوده‌وخلاف‌قوانین ونظامات عدلیه رفتارنکرده باشند مثل مستخدمین دولتی حق ارتقاء رتبه ودرجات‌راخواهند داشت (موافق قانون استخدام ونظامنامه‌ها) .

مادهٔ ۲۱۱ ـ درصورتیکه نسبت بمأمورین اجرا درموقع اجرای احکام مقاومت یا سوء رفتاری شود مشارالهیم حق دارند از نظمیه محل استعانت نمایند ومأمورین نظمیه مکلفند که بدون تأخیر بآنها کمك نمایند . این استعانت باید بموجب سند کتبی باشد مگر در موارد فوری .

مادهٔ ۲۱۲ ـ هرگاه توهین یا مقاومتی نسبت بمأمورین اجرا شود مشارالیهم صورت مجلسی درآنباب مرتب وبامضای شهودومطلعین واجزای نظمیه (درصورتیکه باشند) میرسانند همچنین درصورتیکه نظمیه محل تقاضای آنها را انجام ندهد صورت مجلسی مرتب میشودو بامضای مطلعین میرسد .

مادهٔ ۲۱۳ ـ صورت مجلس مذکور بمدعی‌العموم بدایت یا بیکی ازمعاونین او تبلیغ میشود تا تحقیقات وتفتیشات لازمه وجلب مقصرین بمحکمهٔ قانونی بعمل آید .

مبحث سوم

در تکالیف مأمورین اجراء

مادهٔ ۲۱۴ ـ اجرای احکام محاکم موافق قوانین مقرره دراصول محاکمات بعهدهٔ مأمورین اجرا است .

مادهٔ ۲۱۵ ـ مأمورین اجرا نمی توانند مأموریتی را قبول نمایندکه راجع بعیال آنها یا باشخاصی است که با آنها قرابت نسبی تا درجه چهارم وقرابت سببی تا درجه سیم دارند وهمچنین اجرای احکامی را که راجع است بمخدومین یا خادمین آنها ولو نسبت بزمان سابق .

مادهٔ ۲۱۶ ـ مأمورین اجرا باید دردفاتر مخصوصی کلیه اقدامات خود راثبت نمایند ودفاترمذکوره را موافق ترتیبی که دراصول محاکمات مقرراست نگاه داشته وبجاهای لازمه درمواقع مقرره تقدیم میکنند .

مادهٔ ۲۱۷ ـ مجازات اداری مأمورین اجرا ازقرارتفصیل است :

(اولا) توبیخ وشماتت .

(ثانیاً) کسرمقرری ماهیانه الی یك ثلث ازیکماه الی ششماه .

(ثالثاً) محرومیت ازحق‌الزحمه مقرره درمادهٔ (۲۰۷) .

(رابعاً) تنزل ازشغلی بشغلی .

(خامساً) انفصال موقتی .
(سادساً) انفصال ازخدمت عدلیه . توبیخ وشماتت وتوقیف را خود رئیس محکمه یا مدعی‌العموم بدایت میتواند بعد ازاینکه شخصاً رسیدگی کرد مجری دارد . سایرمجازاتهای اداری درطهران بحکم وزیرعدلیه ودر ولایات بحکم جلسه فوق‌العاده اداری محکمه معین می‌شود .

مادهٔ ۲۱۸– هرگاه برمدعی‌العموم بدایت معلوم شودکه مأموراجرا وجوهی‌را که نزد اوامانت بوده است تفریط کرده است ووجه‌مزبور بیش ازوجه‌الضمانه است فوراًازمحکمه ابتدائی توقیف اموال اورا بقدرکفایت خواسته مقصررا بمحکمهٔ‌که صلاحیت رسیدگی‌رادارد جلب می‌کند .

مادهٔ ۲۱۹– شکایت ازعمال نظمیه‌که درتحت نظارت واوامرصاحب منصباجراانجام وظایف مینمایند راجع بمأموراجرا است .

مادهٔ ۲۲۰– هرگاه بواسطه اقدامات غیرقانونی مأمورین اجرا خسارتی بر‌اشخاص وارد شود مشارالیهم موافق قانون مجازات اداری خواهند شد .

مادهٔ ۲۲۱– مأمورین اجراکه وجه‌الضمانه‌آنهاکلایا جزاً بتأدیه خساراتصرف‌شده است موقتاًازشغل خود منفصل وفقط پس ازتودیع وجه‌الضمانه یا تکمیل مقدارقانونی‌آن‌بشغل خود معاودت خواهند نمود .

مبحث چهارم

دررئیس مأمورین اجرا

مادهٔ ۲۲۲ – برای مأمورین اجرای هـرحوزه استینافیه یك نفررئیس اجرا معین می‌شود .

مادهٔ ۲۲۳– رئیس مزبوررا درطهران وزیرعدلیه تعیین ومنصوب مینمایدودرولایات مدعی‌العموم استیناف انتخاب و معرفی می‌نمایـد و پس از تصویب وزیـر عدلیـه بحکم او منصوب میشود .

مادهٔ ۲۲۴– وظایف رئیس مذکورازقرارتفصیل است :
۱– نظارت نسبت بمأمورین اجرا ازحیث اجرای وظایفشان .
۲– تسویهٔ اختلافاتی‌که فیمابین‌آنها روی میدهد .
۳– رسیدگی بشکایاتی‌که ازآنها درمواقع انجام وظایفشان میشود .

۴- تقسیم حق‌الزحمهٔ مقرره درماده (۲۰۷) مابین آنها .

۵- تحذیروتوبیخ وشماتت صاحب منصبان اجرا درموارد تقصیرات جزئی یا قصور و اقدام درمقامات لازمه برای دادن مجازات شدیدتر درموارد تقصیرات مهمه .

۶- درموارد مهمه رئیس مأمورین اجرا خودش اجرای احکام را می‌نماید .

مادهٔ ۲۲۵- اشخاصی‌که ازاقدامات رئیس مأمورین اجرا شکایت دارند درظرف دو هفته ازوقوع ماده شکایت درطهران بوزیرعدلیه و در ولایات بمدعی‌العموم استیناف شکایت خود را رجوع مینمایند .

مبحث پنجم

مأمورین احضار و اعلام

مادهٔ ۲۲۶- احضارواعلام بعهدهٔ مأمورین اجرا است ومأمورین مذکوره برای تبلیغ احضارواعلام درتحت نظارت خودشان مأمورین احضار خواهند داشت . عدهٔ مأمورین‌مزبوره بتعیین رؤساء محاکم وتصویب وزیرعدلیه است .

مادهٔ ۲۲۷- مقررات مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۷ و ۲۲۰ شامل مأمورین احضارنیز میباشد .

مادهٔ ۲۲۸- مأمورین احضارازمستخدمین دولت محسوب نیستند ولی‌مواجبی برای آنها بطوری‌که بودجه وزارت عدلیه معین میکند مقرراست .

مادهٔ ۲۲۹- مأمورین احضارلباس و مهرمخصوص داشته در مواقع انجام وظایف خودشان موافق اصول محاکمات ونظامات عدلیه رفتارمینمایند .

فصل دوم

در مباشرین و دفتر راکد ثبت اسناد و مدیر ثبت

مادهٔ ۲۳۰- تشکیل وترتیب دائره ثبت اسناد وحقوق وحدود وتکالیف وترتیب‌انجام وظایف‌آنها بطوریست‌که درقانون مخصوص مقرراست .

فصل سوم

درمنتظرین رجوع شغلی

مادهٔ ۲۳۱- اشخاصیکه دارای شرایط و اوصاف مقرره بوده امتحان دخول بخدمت

عدلیه را داده‌اند ولی بواسطهٔ نبودن جا منتظر خالی شدن محل واشغال آن باترتیبات مقرره هستند منتظرین خدمت نامیده می‌شوند.

مادهٔ ۲۳۲- اشخاص مذکوره را رئیس محکمه میتواند برای کمک باعضاء محکمه یا باجزای دفترخانه وفراگرفتن وآموختن عملیات کاردعوت نماید.

مادهٔ ۲۳۳- منتظرین مادامیکه داخل درخدمت عدلیه نشده‌اند موظف نمیباشندولی درمواردیکه معاون عضوی واقع می‌شوندکه بدون عذرموجه غایب شده است یااستعفاء یافوت نموده ویا بالاخره بشغل دیگری معین شده است مقرری آن عضورا دریافت مینماید.

مادهٔ ۲۳۴- منتظرین را فقط بمحاکم ابتدائی ودفترخانه آن وپارکه بدایت میتوان پذیرفت وعده منتظرین خدمت درهرمحکمه ابتدائی بعده اطاقها خواهدبودمادامیکه اشخاص مذکوره دردفترخانه محکمه میباشندتابع قوانین ونظامات عدلیه بوده اوامرودستورالعملهای مقامات لازمه را مجری میدارند.

مادهٔ ۲۳۵- همینکه جائی بازشد رئیس محکمه منتظرین وابسته محکمه خودراامتحان عملی موافق پروگرام مقرره نموده وصورت امتحانات رابا شرح اخلاق ورفتارآنهاچنانکه درمادهٔ (۱۵۰) مذکوراست بوزارت عدلیه میفرستد.

فصل چهارم

درو کلای رسمی عدلیه

مبحث اول

درشرایط و اوصاف و کلای رسمی

مادهٔ ۲۳۶- وکلای عدلیه بردوقسمند: رسمی وغیررسمی. وکلای رسمی اشخاصی هستند که شغل خودشان را وکالت درمحاکم قرارداده وبدین صفت معرفی شده‌اند. وکلای غیررسمی کسانی هستندکه عمل بوکالت را شغل خود قرارنداده واگروکالتی را میکنند برسبیل اتفاق می‌باشد.

مادهٔ ۲۳۷- وکلای رسمی باید دارای صفات ذیل باشند:

(اولا) تابعیت ایران (ثانیاً) سن که لااقل باید سی سال باشد.

(ثالثاً) معلومات معینه که پروگرام آن بتوسط وزارت عدلیه جداگانه مرتب و اعلام

خواهد شد واشخاصی که داوطلب شغل وکالت رسمی درعدلیه هستند باید موافق پروگرام مزبور درمجلس امتحان (۱۴۷) امتحانات لازمه داده تصدیقنامه دردست داشته باشند .

مادهٔ ۲۳۸ ـ اشخاص مفصله نمیتوانند وکلای رسمی یا غیررسمی شوند :

(اولا) اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجنحه وجنایات که مجازات آنها حبس یا جزائی شدیدتراست درتحت محاکمه هستند .

(ثانیاً) محکومین بمجازات مذکوره .

(ثالثاً) اشخاصی که ازخدمت دولتی بعد ازمحاکمه اخراج شده‌اند .

(رابعاً) اشخاصی که شغل موظفی درادارات رسمی دولتی یا ملتی دارند .

(خامساً) اشخاصی که بحکم محکمه ازوکالت ممنوعند .

(سادساً) اشخاص ورشکسته .

(سابعاً) کسانیکه درتحت قیمومت یا ولایت شرعی هستند .

مادهٔ ۲۳۹ ـ اشخاصی که میخواهند درعدلیه وکیل رسمی شوند باید قبل ازامتحان استدعا نامه ارسال داشته درآن اسم واسم پدروشهرت و اقامتگاه وسن وشغل سابق خود را درج نمایند بانضمام شهادت نامه درحسن اخلاق خود ازمعاریف ومعتمدین محل خوداستدعا نامه مزبوردرطهران بوزیرعدلیه ودرولایات برئیس محکمه استیناف یاابتدائی داده میشود.

مادهٔ ۲۴۰ ـ امتحانات مذکوره درماده (۲۳۷) درطهران در وزارت عدلیه و در ولایات درمحاکم استیناف با حضورمدعی‌العموم استیناف بعمل میآید . صورت اشخاصی که امتحان داده و اوصاف مقرره را دارا هستند با اوراق امتحانیه بوزارت عدلیه فرستاده میشود دادن تصدیقنامه در طهران منوط بتصویب وزیرعدلیه ودرولایات بتصویب رئیس‌محکمه استیناف است ومقامات مذکوره مکلفندکه مداقه لازمه را در عدم تخلف از مواد این فصل بعمل آورند .

مادهٔ ۲۴۱ ـ وکلای رسمی عدلیه پس ازآنکه برطبق مواد فوق‌صلاحیت خودشان‌را ظاهرداشتند باید قبل ازمباشرت بشغل خودشان درمحکمه استیناف درجلسه اداری قسم یاد نمایند . صورت قسم نامه جداگانه مرتب است .

مادهٔ ۲۴۲ ـ هرگاه پس‌ازدادن تصدیق‌نامه ثابت‌شودکه داوطلب شغل‌وکالت‌اظهاراتش جعلی ودارای صفات مقرره نبوده تصدیق‌نامه ازاومسترد وبمحکمهٔ که صلاحیت داردجلب واز ششماه الی یکسال بسته باهمیت تقصیرمحکوم بحبس خواهد بود .

مادهٔ ۲۴۳ ـ مدعی‌العموم هرگاه درامتحانات و اجرای مواد این فصل مسامحه یا بی‌نظمی مشاهده کند بوزیرعدلیه راپورت خواهدکرد .

مادهٔ ۲۴۴ ـ تصدیق نامه همه ساله در برج حمل تجدید می‌شود و برای تصدیقنامه تعرفه ذیل مقرراست :

۱ـ برای وکالت درمحاکم صلحیه پنج تومان .
۲ـ برای وکالت درمحاکم ابتدائی واستیناف ده تومان .
۳ـ برای وکالت درمحکمه تمیز یازده تومان .

شخص واحد می‌تواند هرسه تصدیق را گرفته و در تمام محاکم حق وکالت رسمی را داشته باشد .

مادهٔ ۲۴۵ ـ اشخاصی که تصدیقنامه وکالت رسمی را ندارند ووکیل اتفاقی هم نیستند نمیتوانند درمحاکم عدلیه وکالت نمایند .

مادهٔ ۲۴۶ ـ هرگاه محاکم مشاهده کنند که وکلای رسمی ازحدودخودتجاوزمینمایند یا مرتکب اعمالی میشوند که درانظارقبیح ورکیك بوده موافق مقام آنها نیست حق دارند رأساً یا به تکلیف مدعی‌العموم درجلسه اداری فوق‌العاده محکمه برفتارواعمال آنها رسیدگی کرده مجازات اداری ذیل را بآنها بدهند :

(اولا) توبیخ وشماتت .
(ثانیاً) ممنوع داشتن آنها ازشغل وکالت ازیك الی سه ماه .
(ثالثاً) خارج کردن اسامی وکلای رسمی از لوحه وکلای رسمی عدلیه در جلسات مزبوره مدعی‌العموم باید عقیدهٔ خود را اظهاردارد .

مادهٔ ۲۴۷ ـ درمورد فقره دوم وسوم ماده قبل هرگاه وکلای محکوم و مدعی‌العموم شکایتی ازحکم محاکم داشته باشند درظرف دوهفته ازتاریخ اعلام حکم میتوانند ازحکم محکمه ابتدائی استیناف وازحکم محکمه استیناف تمیز بدهند .

مادهٔ ۲۴۸ ـ علاوه برمجازات مذکوره درمادهٔ قبل وزیر عدلیه میتواند تحقیقات لازمه راجع برفتار و اعمال وکلای عدلیه نموده ودرصورتیکه اطلاعات صحیحه از سوء اخلاق یا اعمال آنها تحصیل کرد آنها را از وکالت در عدلیه ممنوع دارد .

مادهٔ ۲۴۹ ـ اسامی وکلای رسمی عدلیه باید دردفترمخصوص وهمچنین درلوحه مخصوص که دراطاق پذیرائی محکمه نصب می‌شود ثبت شود .

مبحث دوم

در تکالیف وکلاء

مادهٔ ۲۵۰ ـ وکلاء عدلیه حق ندارند ادعای موکلین خودرا بخود بطورمصانعه وساختگی

یا درظاهر باسم دیگری ودر باطن بخود بای نحوکان انتقال نمایند. درصورت وقوع چنین امری دعاوی آنها درعدلیه پذیرفته واستماع نخواهد شد .

مادهٔ۲۵۱- وکلاء رسمی عدلیه بایدقبل ازدخالت درکاربا موکل خودشان قرارشرایط لازمه را درحق الوکاله بدهند ولی نمیتوانند اجرت یومیه قرارداد نمایند واین سندتمبرشده راباید بمحکمه ارائه بدهند .

مادهٔ۲۵۲- عموم وکلاء بایدقبل ازشروع بمحاکمه وکالتنامه معتبره تمبرشده بمحکمه تقدیم کنند. ودرصورتیکه یکنفر ازوکلاء درکلیه امورشخصی موکل خودش وکالت داشته باشد گذشته ازآنکه وکالتنامهٔ کل باید تمبرشود باید برای هردعوائی که متعلق بموکل اوست یك سواد وکالتنامه کل را تمبر کرده بمحکمه بدهد .

مادهٔ۲۵۳- درصورتی که ثابت شود که وکیلی خیانت بموکل خودنمود وباطرف ساخته باولین خیانت اسم او ازلوحهٔ وکلاء محوشده وخواه وکیل رسمی باشد خواه غیررسمی در روزنامه درج میشودوهرگز بوکالت پذیرفته نخواهدشد. واین مجازات مانع ازدعوی خسارتی که موکل میتواند بوکیل اقامه نماید نخواهد بود .

مادهٔ۲۵۴- در صورتی که وکیلی بوکالتنامه تقلبی داخل در عمل وکالت شود علاوه براینکه در محکمهٔ که صلاحیت دارد محکوم بمجازات خواهد شد اسم اواز لوحهٔ وکلاء محو وخواه وکیل رسمی باشد خواه غیررسمی در روزنامه اعلان وحکم بر بطلان عملی که استناداً بآن وکـالت کرده است میشود بعلاوه بـاید از عهدهٔ کلیه خسارات وارده برموکل خود نیز برآید .

مادهٔ ۲۵۵- درصورتی که وکیل در عدم حضور خود عذر موجهی داشته باشد بـاید قبل از افتتاح محکمه برئیس محکمه کتباً اظهار دارد واگر وکیل در توکیل باشد یك نفر وکیل معتمدی راقائم مقام خودنماید ویا آنکه بنزدیکترروزی که محکمه برقراراست حضور خود را مقرر دارد .

مادهٔ۲۵۶- هرگاه وکیل دروقت مقرردرمحکمه حاضر نشده و بتقصیر اوکار محکمه بتأخیر افتاد درجلسهٔ دوم اظهارات او بدون الصاق تمبریك تومان بوکالتنامه ودر جلسه سوم بدون الصاق دوتومان مسموع نخواهد شد ودردفعه چهارم ازمدت یکماه الی بسه ماه تعیین آن محکمه درتمام محاکم بوکالت پذیرفته نخواهدشد و بعلاوه موکل حق ادعاء و مطالبه خسارت راازوکیل خواهدداشت .

مادهٔ۲۵۷- وکلاء بایدکلیه اسنادراجعهٔ بدعوی راحاضرداشته که درموقع لزوم ارائه دهند ودرصورتیکه موکل نخواهد اسنادش را تفویض وکیل نماید باید خودش باوکیل حاضر شودیابکسی که محل وثوق اواست بدهد تادر موقع محاکمه ارائه شود .

مادهٔ۲۵۸- درصورتیکه وکیل برای اثبات مدعای موکل خوددلیل موجهی داشته باشد

ولی ابراز آن دلیل درآنساعت ازامکان خارج باشدباید درمحکمه ملتزم شود که درروزمعین حاضر شده وعمل را ختم نماید .

مادهٔ۲۵۹- وکلاء بهیچوجه نمی‌توانند ازموضوع محاکمه خارج شوند و هردفعه‌که میخواهند نطق‌کنند باید ازرئیس محکمه اجازه بخواهند .

مادهٔ۲۶۰- دروکالتنامه باید اسم وشهرت وکیل وموکل ومحل اقامت آنها وموضوع وحدود وکالت مصرح باشد .

مادهٔ۲۶۱- اقدامات وکیل بایددرحدود وکالتش باشد ووظایف اوبطوری است‌که در قوانین‌شرع ونظامات عدلیه‌مقرر است .

مادهٔ۲۶۲- هرگاه موکل درمحکمهٔ‌که صلاحیت دارداثبات‌کندکه وکیل تکاهل‌در حفظ‌حقوق‌اوکرده دراینموضوع وکالت وکیل‌دیگرپذیرفته نشده وبتأدیه حق‌الوکالهٔ‌که‌گرفته است وسایر خسارات موکل بعد ازثبوت ملزم خواهد شد .

مادهٔ ۲۶۳- درصورتی‌که وکیل از وکالت خود استعفاء نماید باید طوری قبلاً بموکل خود اطلاع داده باشد که مشارالیه بتواند وکیل جدیدی بمحکمه معرفی نماید . و هرگاه وکیل بمفاد این ماده عمل نکرد و موجب فوت حقی از حقوق قانونیه موکل شد وکیل مستعفی ملزم است از عهدهٔ خسارت و مصارف متعارفه که از این جهت برموکل وارد شده برآید .

مواد الحاقیه باصول تشکیلات عدلیه

مادهٔ (۱) - اکیداً ممنوع است که حکام عدلیه و صاحبمنصبان ادارهٔ مدعی العموم دسته بندی یا اتحادی نمایند برای تعطیل محاکم و ادارات یا توقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری بهیئت اجتماع ازقبیل‌ترتیب اعتراض‌نامه وامثال‌آن . قدغن مزبورشامل دفتردارهای محاکم وتقریرنویسهاوثبات وضباط ومأمورین اجراواحضارووکلای رسمی‌عدلیه نیز میباشد .

مادهٔ (۲) - اقدام مذکوردرمادهٔ قبل مستلزم انفصال فوری مقصرین بوده و منفصلین دیگر بخدمت عدلیه پذیرفته نخواهند شد.

کتاب دوم

در محاضر شرعیه و حکام صلحیه

باب اول

در تشکیلات محاضر شرعیه و مجالس فوق العاده

مادهٔ ۱ ـ محاضر شرعیه که مراجع رسمی محاکم عدلیه است و موافق مقررات قانونیه امور بآن ارجاع و احکام صادره از آن بموقع اجرا گذاشته میشود در مرکز و ایالات و ولایات بحسب مقتضیات محل تعیین خواهد شد .

مادهٔ ۲ ـ مراجع رسمی مذکوره محاضری خواهد بود که وزارت عدلیه بعد از تشخیصات قانونی آنها را بدین سمت شناخته و مرجع قرار میدهد ولی هر گاه متداعیین بتراضی مجتهد دیگری را برای ارجاع امر خود از عدلیه تقاضا نمایند عدلیه این تقاضا را قبول کرده ارجاع مینماید حکم صادر از محضر مزبور مثل احکام صادره ازمراجع رسمی خواهد بود .

مادهٔ ۳ ـ هرمحضری عبارت است از یکنفر مجتهد جامع الشرایط که حاکم محضر نامیده میشود و دونفر معاون قریب الاجتهاد .

مادهٔ ۴ ـ وزارت عدلیه شخصی را که لااقل دو نفر ازعلماء مرجع تقلید مشخص ومعرفی نمودند بمرجعیت وقضاوت خواهد شناخت .

مادهٔ ۵ ـ در محلی که تصدیق شده گان مراجع تقلید بقدر کفایت نباشند وزارت عدلیه میتواند از تصدیق شده گان مزبور تقاضا نماید اشخاص دیگری را معرفی و تصدیق نمایند و بعد از معرفی و تصدیق دو نفر از آنان وزارت عدلیه میتواند تصدیق‌شده گان را برسمیت بپذیرد .

مادهٔ ۶ ـ هر گاه عدهٔ تصدیق شده گان درمحلی بیشتر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه کسانی راکه اکثر تصدیقاً هستند و درصورت تساوی تصدیقات اوثق آنان را مرجع قرارخواهد داد .

مادهٔ ۷ ـ اگرعدهٔ تصدیق شده گان درمحلی کمتر ودرمحلی زیادتراز قدرکفایت باشد وزارت عدلیه میتواند عده ناقصه را از زایده تکمیل نماید .

مادۀ ۸_ وزارت عدلیه در محل ازاشخاصی که بترتیب مواد مذکورۀ فوق مشخص و معرفی‌شده‌اند مستقیماً یا بتوسط رئیس عدلیه محل تقاضای تصدی قضاوت رامینماید وهریك‌از اشخاص مذکوره که قبول تقاضای وزارت‌عدلیه رانمودند درمرکزمستقیماً ودرایالات وولایات بتوسط رئیس عدلیه محل بوزارت مزبوره اطلاع خواهند داد .

مادۀ۹_ اسامی اشخاصی که قبول‌قضاوت رانموده‌اند بامشخصات ومعینات ومحل‌اقامت دردفتر تسجیل احوال ودفتر حوزۀ ابتدائیه ثبت خواهد شد وحقوق آنان ومعاونین ومحررین آنان بقراری است که در بودجه معین‌است .

مادۀ۱۰_ حاکم هرمحضر دونفرمعاون ویکنفر محرر خود را موافق شرایط مقرره انتخاب وبوزیرعدلیه معرفی‌مینماید .

مادۀ۱۱_ مجلس فوق‌العاده مرکب است ازحکام محاضر شرعیه وحکام صلحیه .

مادۀ۱۲_ عدۀ اعضای مجلس فوق‌العاده لااقل پنج نفر خواهد بود .

مادۀ۱۳_ هرگاه درمحلی حکام محاضرشرعیه وصلحیه که مراجع هستند از پنج نفر کمترباشند ازسایراهل علم آنمحل کسانیکه دارای شرایط قضاوت باشندبرای عضویت مجلس فوق‌العاده موقتاً دعوت خواهند شد و آراء آنها مناط اعتبار است .

مادۀ۱۴_ در موقعی که یکی از حکام شرعیه یا صلحیه فوت شود یا استعفاء دهد یا بسببی ازاسباب از شغل خود منفصل شود مجلس فوق‌العاده منعقد شده باکثریت آراء شخصی راکه قابل‌قضاوت باشدمشخص وبوزارت عدلیه معرفی مینمایند ووزارت عدلیه مختاراست که شخص تصدیق شده را بمرجعیت رسمی بشناسد یا بقسمی که درمادۀ (۴) و مادۀ (۵) مذکور است رفتارنماید .

مادۀ۱۵_ حکام محاضرشرعیه ومحاکم صلحیه بزوال‌صفت اجتهادیاعدالت که درمجلس فوق‌العاده بثبوت برسد بکلی ازشغل قضاوت منفصل میشوند.

مادۀ ۱۶ _ حکام محاضر شرعیه و صلحیه بیکی از سه جهت از مرجعیت رسمی منفصل می‌شوند :

۱_ درصورتیکه درمطلبی که بآنان مرجوع شده موجبات قطع دعوی‌موجود باشد واو بخلف وقطع وفصل را باندازۀ طول بدهند که باعث تضییع حقوقی شود .

۲ _ درصورتیکه از وظایف مقررۀ قانونی که در مواد سابقه وآتیه مذکور و معین شده تخلف نمایند .

۳_ درصورتیکه بدون تصویب وزارتعدلیه غیبت یا مسافرت نمایند .

مادۀ۱۷_ انفصال یکی‌ازحکام محاضرشرعیه وصلحیه درموقع تخلف ازوظایف مقرره قانونی بعد ازتکرار آنست دومرتبه‌که درکرت اولی وثانیه ازطرف وزارت‌عدلیه‌بآنان کتباً اخطار میشود ودردفعه سوم ازشغل خودمنفصل‌میشوندوپس ازآن وزارت‌عدلیه آنان‌را برسمیت نخواهدشناخت .

مادهٔ۱۸ ـ هر گاه یکی از حکام محاضر شرعیه یا حکام صلحیه برای امر مهمی بخواهد بیشتر از دو هفته غیبت از محضر یا محکمه نماید باید شخصی را که بصفت اجتهاد و عدالت متصف باشد در مجلس فوق‌العاده معرفی و مشخص نماید بعد از تصدیق اکثریت مجلس مزبور بوزارت عدلیه پیشنهاد مینماید و پس از تحصیل تصویب وزارت عدلیه میتواند غیبت یا مسافرت نماید .

باب دوم

در وظایف و ترتیب جلسات محاضر شرعیه و مجلس فوق‌العاده

مادهٔ۱۹ ـ اشتغال محاضر شرعیه بامور راجعه بآنها موافق دستوری خواهد بود که وزارت عدلیه معین می‌نماید .

مادهٔ ۲۰ ـ حکم صادر از محاضر را اولا حاکم محضر و بعد از آن دو نفر معاون امضاء خواهند نمود .

مادهٔ۲۱ ـ در احکام صادره از محاضر ذکر مدارك ودلایل حکم لازم است .

مادهٔ۲۲ ـ ثبت و ضبط تقریرات وتحریرات درمحاضر شرعیه بعهدهٔ محرر است .

مادهٔ۲۳ ـ احکام محاضر دردفتر محضر باید بتمام‌کلمات ثبت شود ومحرر نمرهٔ ثبت را درخود حکم قید نماید .

مادهٔ۲۴ ـ تقریرات طرفین وشهود واسامی آنان ودلایل وقراین که طرفین بآن استناد مینمایند باید درصورتمجلس قید شود .

مادهٔ۲۵ ـ محاکمات محضرعلنی خواهد بود مگر درصورتیکه منافی عصمت باشد یا طرفین سری بودن را تقاضا نمایند .

مادهٔ۲۶ ـ حکم صادر ازمحضر قطعی است وموافق قانون بموقع اجرا گذاشته میشود وشکایت ازحکم محضرموجب تأخیراجرا نمیشود مگر درصورتیکه از مجلس فوق‌العاده حکم صریح در توقیف اجرا صادر شود .

مادهٔ۲۷ ـ حاکم محضر بعد ازصدور حکم نمیتواند حکم خود را تغییر بدهد مگر در موردیکه قانوناً اعادهٔ محاکمه (تجدید نظر) جایز باشد .

مادهٔ۲۸ ـ مراجع رسمی ازرسیدگی بامریکه بآنها ارجاع شده وحق رسیدگی دارند نمی‌توانند امتناع نمایند مگر درصورتیکه دلیل موجه داشته باشند .

مادهٔ ۲۹ ـ چون محاکم ابتدائیه هرحوزه امور شرعیه خود را باید بمحاضر شرعی

که در همان حوزه واقع است ارجـاع نماید هریك از محاضر شرعیه بـاموری رسیدگی خواهند کرد که از محکمهٔ ابتدائیه که محاضر مزبوره در حـوزهٔ همان محکمه واقع است ارجـاع میشود .

مادهٔ ۳۰ـ اموریکه درمجلس فوق‌العاده رسیدگی می‌شود از اینقرار است :

۱ـ اموریکه دریکی ازمحاضر شرعیه یا درنزدیکی ازحکام صلح پیحیدهٔ ومشکل باشد ومحضر یا محکمه صلح تقاضای رسیدگی وحل آنرا در جلسه فوق‌العاده بنمایند .

۲ـ شکایتی که ازحکم یا حاکم یکی ازمحاضر شرعیه یـا معاونین آنها یاحکام صلحیه نموده باشند وازعدلیه ارجاع شده باشد اعم ازاینکه مدعی عمومی باشد یا خصوصی .

۳ـ مطالبیکه راجع بتنظیمات وترتیب محاضرشرعیه است که پس ازمذاکره ومشاوره تصفیه نمودهٔ بوزارتعدلیه پیشنهاد مینمایند تااقدامات مقتضیه دررفع نواقص بعمل آید .

۴ ـ مسائل فقهیه که حکم شرعی آن از برای یکی از حکام محاضر یا حکام صلح محل شبهه باشد .

۵ـ تعیین عوض حاکم محضرشرع یـامحکمه صلحیه که مستعفی یا متوفی یامنفصل‌شده باشد درصورت تقاضای وزارت عدلیه بقسمیکه در مـادهٔ ۱۴ مذکور است .

مادهٔ ۳۱ـ حکم صادرازمجلس‌فوق‌العاده باکثریت آرأء خواهدبود ودرصورت تساوی آراء رأی طرفیکه حکام محاضر شرعیه درآنطرف زیادتراست مرجح است .

مادهٔ ۳۲ـ حاکمی که ازاویاحکم اوشکایت شده دروقت رسیدگی بآن شکایت نمی‌تواند عضو مجلس فوق‌العاده واقع شود ولی اورا برای دادن توضیحات میتوانندحاضر نمایند .

مادهٔ ۳۳ـ درمجلس‌فوق‌العاده مسن‌ترین‌حکام محاضرشرعیه شمت ریاست خواهدداشت ونظم جلسه بعهدهٔ او خواهد بود .

مادهٔ ۳۴ـ مجلس فوق‌العاده درهرهفته یکروزمنعقد میشود ولی درموقع لزوم وزارت عدلیه میتواند تکثیر جلسات را تقاضا نماید .

باب سیم

درتشخیص وتعیین حکام صلحیه

مادهٔ ۳۵ـ محکمه صلحیه خواه درمحلات شهرها وخواه درمرکز بلوکات چنانچه در

اصول تشکیلات عدلیه مقرراست دارای یکنفر فقیه عادل خواهد بود که‌لااقل ادنی درجۀ اجتهاد را دارا باشد .

مادۀ ۳۶- تشخیص حکام صلحیه در بدوامر بطریق امتحان خواهد بود .

مادۀ ۳۷ - تصدیق دو نفر از مراجع تقلید در بارۀ حکام صلح کافی و مستغفی از امتحان است .

مادۀ۳۸- بعد از تشکیل محاکم صلحیه هر گاه حاکمی مستعفی یا متوفی یا بسببی از اسباب منفصل گردید وزارتعدلیه مخیراست که بطریق امتحان عوض اورا منتخب کند یااز مجلس فوق‌العاده تقاضا نماید عوض اورا تشخیص داده بوزارتعدلیه معرفی نماید .

ماده۳۹- شرایط واوصاف حکام صلح عیناً همان شرایط واوصافی است که برای امنای صلحیه تعیین شده است .

مادۀ۴۰- ترتیب تعیین و نصب حکام صلح بلاتفاوت موافق ترتیب تعیین ونصب امنای صلحیه خواهد بود .

مادۀ۴۱- موجبات انفصال حکام صلح موافق موجبات انفصال حکام محاضرشرعیه است بعلاوه تخلف ازمقررات قانونی محاکم صلحیه نیزموجب انفصال آنان است .

مادۀ۴۲- هیئت ممتحنه مرکب خواهد بودلااقل ازسه نفر ازتصدیق شدگان مراجع تقلید با حضور نماینده ازطرف وزارت عدلیه .

تبصره - مراد ازتصدیق‌شدگان کسانی هستندکه لااقل دونفراز مراجع تقلید اهلیت ولیاقت آنانرا برای قضاوت‌ورسیدگی بامور شرعیه تصدیق کرده باشد .

مادۀ۴۳- اکثریت آراء هیئت ممتحنه مناط اعتبارخواهدبود .

مادۀ ۴۴- هیئت ممتحنه بعد از تصدیق اهلیت و تشخیص قابلیت امتحان شده‌گان صورت مجلس امتحان و آراء خود را بتوسط نمایندۀ وزارت عدلیه بوزارت مزبوره ارسال خواهند داشت .

مادۀ ۴۵-هرگاه امتحان شده‌گان زیادتر ازکفایت حوزۀ ابتدائیه باشند با تساوی درجات آنان اهالی مجلس برای صلحیه همان محل مقدم ومرجح بردیگران خواهند بود .

مادۀ۴۶- هرگاه‌امتحان‌شدگان‌دریك‌محل‌زیادتراز احتیاج‌محل باشند باتساوی‌سایر شروط وزارت عدلیه بقرعه حکام صلح را معین خواهد کرد .

کتاب سوم

(*) قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی

مصوب کمیسیون قوانین عدلیه
مورخ ۲۶ رمضان و ۱۹ ذی قعدهٔ ۱۳۲۹ قمری

مواد عمومی

مادهٔ ۱– محاکم عدلیه بدعاوی حقوقی که راجع بآنهااست موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یافصل مینمایند و آنچه راکه موافق قانون راجع بآنها نبوده از خصایص محاکم اختصاصی است ردمینمایند و اموریکه راجع بمحاضر عدول مجتهدین جامع الشرایط است پذیرفته و بطوریکه قانون معین میکند بمحاضر مزبوره ارجاع کرده و بر طبق احکام آنها حکم اجرا میدهد .

مادهٔ ۲– محاکم عدلیه فقط وقتی شروع برسیدگی دعاوی حقوقی مینمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را بطوری که قانون معین میکند کرده باشند .

مادهٔ ۳ – محاکم عدلیه مکلفند که بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده و بموجب آن حکم داده یافصل نمایند. و درصورتی که قوانین موضوعه مملکتی کامل یاصریح نباشد ویاناقص ویا متناقض باشد باید محاکم عدلیه موافق روح ومفاد عمومی

---

*قسمتی ازاین قانون بموجب قانون ۲۳ جوزا–۲–۱۳۰۲ ومقررات موقتی مصوب طبق اختیارات ۲۷ بهمن ۱۳۰۵–۱ـ وقوانین ۲۹ اسفندماه ۱۳۰۶ و ۱۱ دی‌ماه ۱۳۰۷ و ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ و ۳ تیرماه ۱۳۰۹ و ۷ تیرماه ۱۳۰۹ و ۲۵ آبان ۱۳۱۰ نسخ واصلاح شده‌است ومواد منسوخه واصلاح شده باحروف ریزچیده شده است .

قوانین موضوعه امور را قطع وفصل نمایند .

مادهٔ۴ـ اکیداً ممنوع است که محاکم عدلیه بعذر اینکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یاصریح نیست ویا ناقص ومتناقض است صدور حکم را توقیف کنند. متخلفین از این قاعده درحکم اشخاصی خواهند بود که استنکاف از احقاق حق کرده باشند .

مادهٔ۵ ــ در محاکم عدلیه بماهیت دعاوی حقوقی فقط تـا دو درجه می‌توان رسیدگی نمود.

مادهٔ۶ـ درمحاکم عدلیه هیچ دعوائی نمیتواند از حیث ماهیت قابل رسیدگی دردرجه بالاتر باشد مادام که دردرجه پائین‌تر درآن باب حکم صادر نشده‌است .

مادهٔ۷ـ هیچ ادارهٔ دولتی ومقام رسمی نمی‌تواند حکم محکمه عدلیه راتغییر بدهد مگر خود محکمه که حکم داده است یا محکمه بالاتر در مواردیکه قانون معین می‌کند .

باب اول

اصول محاکمات حقوقی درمحاکم صلحیه

فصل اول

درصلاحیت محاکم صلحیه

مادهٔ۸ـ امورراجعه بمحاکم صلحیه ازقرارتفصیل ذیل است :

اولاـ دعاوی مشروحه ذیل درصورتیکه مدعی‌به بیش ازدویست وپنجاه تومان نباشد .

الف‌ـ دعاوی راجعه باعیان اموال ازمنقول وغیرمنقول .

ب‌ـ دعاوی راجعه بدیون ازقبیل ثمن ومبیع وقرض واجرت عمل کارگر وشاگردوخادم وخادمه وحق‌الجعاله و حق‌الوکاله وحق‌النفقه والکسوه و حق‌السبق وامثال آن ودعاوی راجعه بخسارت و

غرامت ازقبیل خسارات وارده برحاصل ومحصول زراعتی ومستغلات واملاك وامثال آن درصورتیکه مدعی به بیش ازمبلغ دویست وپنجاه تومان نباشد یادرهنگام اقامه دعوی مقدار مدعی به را نتوان صحیحاً تعیین کرد .

ج-دعاوی راجعه بمنافع چه متعلق باشخاص باشدازقبیل اجیروعمله وکارگرچه متعلق بمنافع اعیان باشدازقبیل مال الاجاره وحق السکنی وامثال آن .

د-دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق الشفعه حق العبور حق المجری وامثال آن .

هـ-دعاوی راجعه بحقوق غیرمالی مثل حق الحضانه حق الوصایه حق الولایه وامثال آن .

و- دعاوی حاصله ازهتك شرف بواسطه اظهارشفاهی یا کتبی علنی یاغیر علنی غیراز مواد مطبوعات و همچنین دعـاوی حاصله از ضرب وشتم درصورتیکه مدعی اقامـه دعوی حقوقی کند نه جزائی .

ثانیاً-دعوای تصرف عدوانی درغیرمنقول تاهرمقداری که باشددرصورتیکه این دعوی درظرف سه ماه ازتاریخ تصرف عدوانی اقامه شود والادعوی راجع بمحکمه ابتدائی است .

ثالثاً-دعوی ممانعت ازحق کسی درملك دیگری ازقبیل حق العبورحق مرتع حق مجری حق ناودان وامثال آن درصورتیکه اززمان ممانعت اولیه بیش ازسه ماه نگذشته باشدوالابمحکمه ابتدائی رجوع خواهد شد .

رابعاً- خواهش تأمین وحفظ دلائل وامارات مدعی به تا هرمبلغی که باشد .

خامساً- اصلاح ذات البین در هر دعوائی و تا هر مقداری کـه مدعی به باشد موافق مواد (۸۸) و(٥٦) .

مادۀ۹-دعاوی مفصله ذیل بمحاکم صلحیه راجع نیست ولومقدارمدعی به دویست وپنجاه تومان یاکمترباشد :

(۱) دعاوی مربوطه بمنال دیوانی .

(۲) دعاوی راجعه بامتیازاتیکه ازطرف دولت داده میشود .

مادۀ۱۰- دعاوی درهمان محکمه صلحیه اقامه میشود که مدعی درحوزۀآن ساکن یامقیم است وهرگاه مدعی بخواهد میتواند بصلحیه نیزرجوع نماید که مدعی علیه درحوزۀآن اقامتگاه دائمی یاموقتی دارددولی دربلوکات هرگاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خودش رجوع نمایدباید مخارج عادیه مسافرت وتوقف مدعی علیه راکه احضارشده است بمشارالیه بپردازد وبعدهرگاه حقانیت او ثابت شدمدعی میتواند درجزوخسارت خوداین مصارف را هم موافق قانون ازمدعی علیه بیحق ادعا و مطالبه نماید .

مادهٔ۱۱ - دعاوی راجعه باموال غیرمنقوله درصلحیهٔ بایداقامه‌شود که مال غیرمنقول درحوزهٔ آن‌واقع است اگرچه مدعی‌ومدعی علیه‌هم درآن‌حوزه ساکن یامقیم نباشند .

مادهٔ۱۲-هرگاه یك ادعاراجع بچندمدعی علیه‌باشد که درحوزه‌های صلحیهٔ‌مختلفه مقیمند مدعی‌میتواند یکی‌ازصلحیه‌های مزبوره رااختیارکرده اقامهٔ دعوی نماید .

مادهٔ۱۳-درتمام مواردطرفین میتوانند تراضی‌نموده بهرمحکمهٔ صلحیه که بخواهندرجوع نمایند، تراضی‌طرفین دردفترمحکمهٔ صلحیه قید شده بامضای طرفین میرسد ودرصورتیکه متداعیین سوادنداشته‌باشند این‌نکته قیدمیشود .

مادهٔ۱۴ - ادعای متقابل یعنی دعوائی که در جواب دعوای مدعی اقامه میشود و مبتنی بریك اساس وازیك‌منشاء ناشی‌شده یابکلی مربوط بیکدیگر باشد راجع‌بهمان محکمه صلحیه‌است که دعوای اصلی درآنجا اقامه شده است . ولی هرگاه ادعای متقابل نظربمقدار مدعی به راجع بمحاکم صلحیه نباشد حاکم صلح رسیدگی ننموده بطرفین اعلام میکند که بمحکمه‌ابتدائی حقوق رجوع نمایند .

مادهٔ ۱۵ - درموارد اختلافاتیکه درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه حاصل میشود هرگاه طرفین اختلاف درحوزهٔ یك محکمه ابتدائی واقع‌باشند رفع‌اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل می‌آید و اگر در حوزه‌های محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع‌اختلاف راجع بمحکمه ابتدائی استکه دعوای‌مختلف‌فیه بدواً درحوزهٔ‌آن اقامه‌شده . وهرگاه دعوای مختلف‌فیه دریك‌تاریخ درحوزه‌های مختلفه محاکم ابتدائی اقامه شده‌باشد رفع‌اختلاف بامحکمهٔ استیناف است .

مادهٔ ۱۶ - اگراختلافی درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه ومحاکم ابتدائی حاصل‌شود رفع‌آن باآن محکمه استینافی‌استکه طرفین اختلاف درحوزهٔ‌آن واقعند . وهرگاه طرفین اختلاف درحوزه‌های استینافیه مختلفه واقع‌باشند رفع‌اختلاف بعهدهٔ‌آن محکمه استیناف استکه دعوای مختلف‌فیه بدواً درحوزهٔ‌آن اقامه شده‌است . وهرگاه دعوای مختلف‌فیه دریك تاریخ درحوزه‌های مختلفه محاکم استینافی اقامه‌شده‌باشدرفع اختلاف بادیوان تمیزاست .

مادهٔ ۱۷ – ارباب رجوع درموارد حدوث اختلاف بیکی ازمحاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمه را که صلاحیت رسیدگی دارد درخواست مینمایند . ودرخواست مذکور باتوضیحات خودمحکمه بمقامی که موافق‌مادهٔ (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع‌اختلاف رادارد تقدیم‌شده رسیدگی بدعوائی‌که باعث اختلاف‌شده است تاصدورحکم‌آن مقام بتأخیر میافتد .

فصل دوم

در عرضحال و احضار

مادهٔ ۱۸ – عرضحالی‌که بمحاکم صلحیه دراقامه دعوی داده میشود ممکن‌است کتبی یاشفاهی باشد .

مادهٔ ۱۹ – عرضحال‌شفاهی‌رامحکمه صلحیه دردفتر ثبت‌کرده‌برای عارض‌قرائت می‌کند وبعد بامضای عارض میرساند . هرگاه عارض سواد نداشته‌باشد دیگری‌ازطرف عارض‌امضا می‌نماید وجهت‌آن دردفترقیدمیشود .

مادهٔ ۲۰ – هرگاه عرضحال خارج ازصلاحیت محکمه صلح‌باشد محکمه صلح قرار عدم قبول عرضحال را با جهات آن داده عرضحال را بصاحبش رد میکند . و هرگاه عرضحال شفاهی باشد محکمه صلح بخواهش عارض سوادی از قرار خودش بعارض میدهد .

مادهٔ ۲۱ – در عرضحال چه کتبی باشد وچه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد :

۱– اسم‌وشهرت ومحل اقامت‌وشغل‌خود ومدعی علیه وهمچنین اطلاعات‌مذکوره را درباب مطلعین ازقضیه درصورتی‌که مدعی باطلاع‌آنها استناد میکند برسبیل اجمال قید میکند .

۲- دلایل موجوده ادعای خودرا .

۳-مقدارمدعی به‌مگر درمواردی‌که تعیین مقدار ممکن‌نیست .

۴-توضیح اینکه چه‌میخواهد یاچه اقدامی بایدبشود .

مادهٔ۲۲- مقدارمدعی به‌مبلغی است که در عرضحال صریحاً قیدشده است بضمیمه اجرت المثل وخسارت که بوجه‌مدعی به‌تاروزاقامه دعوی‌ضمیمه شده‌وعارض تأدیهٔ آنرا تقاضامیکند .

مادهٔ۲۳- هرگاه درمقدار مدعی به اختلافی مابین متداعیین حاصل شود باید در موعدی که محکمهٔ صلح معین می‌کند مقدار مدعی به بواسطهٔ تحقیقات‌محلی‌یا استعلام از مطلعین واهل خبره معین‌شود .

مادهٔ۲۴ -مدعی میتواند اسنادخود رابمحکمه صلح‌سپرده قبض رسیددریافت‌دارد .

مادهٔ۲۵- بموجب عرضحال مدعی‌محکمه صلح مدعی علیه را احضار وبمدعی موعد حضور اورا اعلام‌میدارد .

مادهٔ۲۶- احضارمتداعیین بتوسط احضاریه بعمل‌میآید ودراحضارنامه نکات مفصله ذیل باید تصریح شود :

۱-اسم وشهرت وشغل‌ومحل اقامت مدعی ومدعی‌علیه .

۲- موضوع ادعا .

۳-باید درکجا احضار شونده‌حاضرشود .

٤-تاریخ حضور(روزوماه وسال) باتعیین ساعت درمواقع‌لازمه .

٥-اسم‌مأمور احضاروبااداره که احضارنامه راتبلیغ‌میکند .

٦-هرگاه احضارشونده حاضرنشود چه نتیجه برای‌اوخواهد داشت .

درمورد دعوت مطلعین وسایراشخاص تاریخ ومحل دعوت واینکه بتقاضای کی‌وجهت‌دعوت چیست‌باید تصریح‌شود ومطلعین مجبور بحضورنیستند .

احضارنامه بایددونسخه‌باشدوهردونسخه راامین‌صلح‌امضا میکند .

مادهٔ۲۷-موعدمقرربرای حضورمدعی علیه‌درمحکمه نبایدازتاریخ ابلاغ‌احضارنامه بمدعی علیه کمترازیك روزباشد ونیزبرای هرچهارفرسخ مسافت از اقامتگاه مدعی علیه تامحکمه‌بر مدت مزبوره یکروز علاوه‌میشود .

مادهٔ۲۸-احضارنامه باشخاص لازم‌یابتوسط مأمورین‌احضار یاپلیس محل‌ویاضابط و کدخدا وغیره ابلاغ میشود .

مادهٔ۲۹-احضاریه بایدبخود احضارشونده ابلاغ شودودرصورتیکه احضارشونده غایب باشد

مادهٔ ۱۷ -- ارباب رجوع درموارد حدوث اختلاف بیکی ازمحاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمه را که صلاحیت رسیدگی دارد درخواست مینمایند . ودرخواست مذکور باتوضیحات خودمحکمه بمقامی که موافق مادهٔ (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع اختلاف رادارد تقدیم‌شده رسیدگی بدعوائی که باعث اختلاف‌شده است تاصدورحکم آن مقام بتأخیر میافتد .

فصل دوم

در عرضحال و احضار

مادهٔ ۱۸ ـ عرضحالی که بمحاکم صلحیه دراقامه دعوی داده میشود ممکن‌است کتبی یاشفاهی باشد .

مادهٔ ۱۹ ـ عرضحال‌شفاهی رامحکمه صلحیه دردفتر ثبت کرده برای عارض‌قرائت می‌کند وبعد بامضای عارض میرساند . هرگاه عارض سواد نداشته‌باشد دیگری‌ازطرف عارض‌امضا می‌نماید وجهت‌آن دردفترقیدمیشود .

مادهٔ ۲۰ ـ هرگاه عرضحال خارج ازصلاحیت محکمه صلح‌باشد محکمه صلح قرار عدم قبول عرضحال را با جهات آن داده عرضحال را بصاحبش رد میکند . و هرگاه عرضحال شفاهی باشد محکمه صلح بخواهش عارض سوادی از قرار خودش بعارض میدهد .

مادهٔ ۲۱ ـ در عرضحال چه کتبی باشد وچه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد :

۱ـ اسم‌وشهرت ومحل اقامت‌وشغل‌خود ومدعی علیه وهمچنین اطلاعات‌مذکوره را درباب مطلعین ازقضیه درصورتی‌که مدعی باطلاع آنها استناد میکند برسبیل اجمال قید میکند .

۲– دلایل موجوده ادعای خودرا .

۳–مقدارمدعی به‌مگر درمواردی‌که تعیین مقدار ممکن‌نیست .

۴–توضیح اینکه چه‌میخواهد یاچه اقدامی بایدبشود .

مادهٔ۲۲– مقدارمدعی به‌مبلغی است که در عرضحال صریحاً قیدشده است بضمیمه اجرت المثل وخسارت که بوجه‌مدعی به‌تاروزاقامه دعوی‌ضمیمه شده‌وعارض تأدیهٔ آنرا تقاضامیکند .

مادهٔ۲۳– هرگاه درمقدار مدعی به اختلافی مابین متداعیین حاصل شود باید در موعدی که محکمهٔ صلح معین می‌کند مقدار مدعی به بواسطهٔ تحقیقات‌محلی‌یا استعلام از مطلعین واهل خبره معین‌شود .

مادهٔ۲۴ -مدعی میتواند اسنادخود رابمحکمه صلح‌سپرده قبض رسیددریافت‌دارد .

مادهٔ۲۵– بموجب عرضحال مدعی‌محکمه صلح مدعی علیه را احضار وبمدعی موعد حضور اورا اعلام میدارد .

مادهٔ۲۶- احضارمتداعیین بتوسط احضاریه بعمل‌میآید ودراحضارنامه نکات مفصله ذیل باید تصریح شود :

۱–اسم وشهرت وشغل‌ومحل اقامت مدعی ومدعی‌علیه .

۲– موضوع ادعا .

۳–باید درکجا احضار شونده‌حاضرشود .

٤–تاریخ حضور(روزوماه وسال) باتعیین ساعت درمواقع‌لازمه .

٥–اسم‌مأمور احضارویااداره‌ٔ که احضارنامه راتبلیغ‌میکند .

٦–هرگاه احضارشونده حاضرنشود چه نتیجه برای‌اوخواهد داشت .

درمورد دعوت مطلعین وسایراشخاص تاریخ ومحل دعوت واینکه بتقاضای کی‌وجهت‌دعوت چیست‌باید تصریح‌شود ومطلعین مجبور بحضورنیستند .

احضارنامه بایددونسخه‌باشدوهردونسخه راامین‌صلح‌امضا میکند .

مادهٔ۲۷–موعدمقرربرای حضورمدعی علیه‌درمحکمه نبایدازتاریخ ابلاغ‌احضارنامه بمدعی علیه کمترازیك روزباشد ونیزبرای هرچهارفرسخ مسافت از اقامتگاه مدعی علیه تامحکمه‌بر مدت مزبوره یکروز علاوه‌میشود .

مادهٔ۲۸–احضارنامه باشخاص لازم‌یابتوسط مأمورین‌احضار یاپلیس محل‌ویاضابط وکدخدا وغیره ابلاغ میشود .

مادهٔ۲۹–احضاریه بایدبخود احضارشونده ابلاغ شودودرصورتیکه احضارشونده غایب باشد

احضاریه راماًموراحضار بیکی ازاهل خانه مدعی علیه یابه مباشر ملك ویابیکی ازهمسایگان او در صورتیکه ابلاغ احضاریه رادرعهده بگیرند تسلیم نموده درنسخهٔ دیگررسیدمیگیرد .

مادهٔ۳۰- درصورتیکه هیچیك از اشخاص مذکوره درماده قبل نباشند مأمور احضار یك نسخه احضاریه رادرشهر بصاحبمنصب یاکمیسری نظمیه ودرده بکدخدا میسپارد و درنسخهٔ دیگر رسید میگیرد .

مادهٔ۳۱- مأمور احضار درحین ابلاغ احضارنامه روی آن تاریخ ابلاغ راقید میکند ودر نسخهٔ دیگراحضارنامه گیرنده آن باید رسیدوتاریخ ابلاغ احضاریه رانوشته امضا نماید وآن نسخهٔ ثانوی راماًموراحضار بمحکمهٔ صلح تسلیم میکند. هرگاه گیرنده احضاریه نتواند یانخواهد امضاء بدهد درروی هر دونسخه صریحاً نوشته میشود که احضاریه بکی و درچه تاریخ تسلیم شده و چرا امضاء نشده است .

مادهٔ۳۲-مأموراحضار درموارد ذیل نمیتواند تبلیغ احضارنامه نماید :

۱-بوالدین واجداد واحفادخود .

۲- باقربای خودتادرجهٔ سوم وهمچنین بمخدوم وخدمهٔ سابق خود .

مادهٔ۳۳- موعدی راکه محکمه صلح برای حضور متداعیین معین کرده است برضایت آنها میتواند بتأخیر بیندازد.

فصل سوم

در اقدامات ورسیدگی محکمه صلح

مبحث اول

درحضور متداعیین ورسیدگی محکمه صلح درمواردی که محکمهٔ مذکوره حق حکم رادارد .

مادهٔ۳۴- درموعد مقرر طرفین یاشخصاً درمحکمهٔ صلح حاضر میشوند یاوکیل میفرستند .

مادهٔ۳۵-رسیدگی محکمهٔ صلح علنی وشفاهی است ولی درموردعصمت محاکمه سری خواهدبود .

مادهٔ۳۶- درموارد ذیل مدعی علیه میتواند جواب مدعی را نداده دعوی رارد کند :

۱- وقتیکه رسیدگی بدعوائی خارج ازصلاحیت محکمهٔ صلح است ویاراجع بمحکمهٔ صلح دیگری است .

۲-وقتی که همان محکمهٔ صلح یامحکمهٔ صلح دیگری ویادر محکمهٔ دیگری همان دعوی

مابین همان اشخاص یادعوای دیگری که مناسبت تامه باادعای مدعی دارد سابقاً عنوان شده ودرتحت رسیدگی است .

۳-درصورتیکه ادعای مدعی تماماً راجع بمدعی علیه دیگری است .

٤-درصورتیکه مدعی صلاحیت اقامه دعوارانداردر .

۵-درصورتیکه وکیل مدعی وکالت ازطرف اوندارد .

مادهٔ ۳۷ – بعداز شروع برسیدگی محکمهٔ صلح بدواً تکلیف صلح بطرفین نموده و سعی خودرا در اصلاح ذات‌البین حتی در حین محاکمه تعقیب میکند و فقط درصورت عدم موفقیت بعداز رسیدگی حکم‌میدهد .

مادهٔ ۳۸ – درصورت اصلاح صلح‌نامه کتبی نوشته‌شده بامضای طرفین یاوکلای آنها میرسد – وکاریکه بمصالحه تمام شده ازسر گرفتن آن جایز نیست .

مادهٔ ۳۹- درصورت‌عدم اصلاح‌بعدازشروع برسیدگی محکمه صلح بمدعی‌تکلیف میکند که ادعای خودرابیان واوضاع واحوال راتصریح کرده دلایل خودرا اقامه کند وبعد جواب توضیحات مدعی‌علیه راگوش میکند بعد بمدعی ومدعی علیه بنوبت اجازه دادن توضیحات رامیدهد وخودش توضیحات لازمه رامیخواهد وهمینکه مشاهده کرد که مسئله روشن وبقدر کفایت توضیح شده‌است مذاکرات راطرفین‌ختم‌میکند .

مادهٔ ۴۰- دردعوای تصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری درصورتیکه اقامه دعوای مزبوردر ظرف سه‌ماه ازتاریخ تصرف عدوانی بعمل آمده ومدعی به بیش‌از دویست وپنجاه تومان باشد محکمهٔ صلح‌داخل در مداقه اسنادی که دلالت برحق مالکیت مینماید نمیشود لهذا هرگاه درباب تصرف عدوانی مابین طرفین گفتگو ومنازعه باشد محکمه صلح‌تحقیقات خود راافقط درباب تصرف‌آن نموده‌مال‌غیرمنقول رابتصرف متصرف اول میدهد بدون‌اینکه بمدرك ومبنای حق مالکیت برسدوبطرفین اعلام‌میدارد که درباب‌حق‌مالکیت بمحکمه‌ابتدائی‌رجوع کنند .

مادهٔ ۴۱- تاخیررسیدگی بخواهش یك‌طرف فقط‌درموارد ضرورت‌بتصدیق محکمه‌وباندازهٔ لزوم قبول میشود .

مادهٔ ۴۲- هرگاه‌یکی ازمتداعیین تحصیل‌سندی یاسوادی راکه‌برای توضیح‌کاراولازم‌است ازادارات یامقامات رسمی‌لازم بداند محکمهٔ صلح باید برحسب خواهش او تصدیق کتبی بدهد که فلان‌سند یاسوادآن ویافلان استعلام برای‌فلان‌امرلازم است

مادهٔ ۴۳- درمواردذیل رسیدگی بدعواتوقیف‌میشود :

۱-برضایت تمام‌صاحبان‌دعوا .

۲-درصورت فوت یا جنون یا ظهور وعدم صلاحیت یکی از صاحبان دعوا .

۳-درصورتیکه یکی از اتفاقات مذکوره درفقره دوم نسبت بوکیل یکی از صاحبان دعوا بعمل آید .

مادهٔ۴۴- رسیدگی که موافق مادهٔ قبل توقیف شده بخواهش یکی ازمتداعیین یا اصحاب دعوا مجدداً شروع میشود .

مادهٔ۴۵- محکمهٔ صلح همینکه فهمید رسیدگی بدعوائی خارج ازصلاحیت اواست باید محاکمه را قطع کند .

مادهٔ۴۶-درمواردیکه محکمهٔ صلح بواسطهٔ ابهام یاعدم تصریح دچاراشکالاتی درحین رسیدگی میشود بایدمواد دستورمحاکم صلحیه رابامواد دستور محاکمات حقوقی سایرمحاکم تطبیق نموده رفع اشکال خودرا بنماید .

مبحث دوم

در رسیدگی محکمهٔ صلح در مواردیکه محکمه مذکوره فقط حق اصلاح رادارد

مادهٔ ۴۷ - رجوع بمحاکم صلحیه برای اصلاح ذات‌البین یا بتراضی طرفین دعوا و یا بمیل یکی از آنان بعمل میآید .

مادهٔ ۴۸ - ترتیب احضار و اعلام در مواردیکه محکمهٔ صلح فقط حق اصلاح ذات‌البین را دارد همان استکه در فصل دوم مذکور است ولی در احضار نامه باید تصریح شودکه معروض برای اصلاح بمحکمه دعوت‌میشود .

مادهٔ ۴۹ - بعداز حضور متداعیین محکمه باظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و تکلیف صلح و سعی در اصلاح ذات‌البین مینماید . در صورت عدم موفقیت باصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خودرا در دفتر نوشته بامضای طرفین میرساند . وهرگاه یکی از طرفین یا هردو طرف نخواهند امضاکنند مراتب رامحکمه صلح قیدمیکند .

مادهٔ ۵۰ - در مورد مادهٔ قبل محکمه صلح نباید طرفین را بیجهت معطل نماید وهمینکه مشاهده نمودکه طرفی یا طرفین حاضر باصلاح نیستند باید طرفین را بحال خودشان واگذارکرده و اعلام نمایدکه دعوای خودرا بمحاکمی‌که صلاحیت حکم را دارند رجوع نمایند .

مادهٔ۵۱ - هرگاه بعداز تبلیغ دو احضار نامه معروض حاضر نشده یا کتباً جواب دادکه حاضر باصلاح نیست محکمه مراتب را در دفتر قیدکرده وبعارض اعلام میداردکه بمحکمه‌که صلاحیت حکم را دارد رجوع نماید .

مادهٔ۵۲ - هرگاه مدعی‌علیه بعداز تبلیغ یك یا دو احضاریه حاضرشده وبعد استنکاف از حضور نمود محکمهٔ صلح بموجب مادهٔقبل‌رفتارمینماید .

مادهٔ۵۳ - استنکاف مدعی‌علیه از حضور در محکمه صلح یا عدم قبول صلح بعد از حضور در هر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین کارشانرا در محکمه دیگری‌که صلاحیت اصلاح را دارد بطیب خاطر رجوع نموده خواستار اصلاح‌شوند.

مادهٔ۵۴ - همینکه محکمه صلح باصلاح ذات‌البین موفق شد مراتب را در دفتر قیدکرده بامضای طرفین میرساند و صلح‌نامه ممضی بامضای امین‌صلح وحاکم‌صلح و ممهور بمهر محکمه مرتب نموده در دو نسخه بطرفین تسلیم مینماید .

مادهٔ۵۵ - هرگاه محکمه صلح از عرض حال مدعی مشاهده نماید که امراز امور مستعجله و فوتی بوده و اقدام لازم خارج از صلاحیت محکمه است یا محکمه تصورکندکه اقدام او در احضار طرف و اصلاح ذات‌البین موجب تضییع حق عارض خواهد شد بمشارالیه اعلام میدارد که بمحکمهٔ‌که صلاحیت اقدامرا دارد رجوع‌کند ومراتب را دردفتر خودقیدمی‌کند .

فصل چهارم

در دلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

مادهٔ ۵۶ـ مدعی بایدادعای خود راثابت کند ومدعی علیه که اعتراض میکند بایداعتراض خودرا مدلل دارد والااعتراض او منشاء اثر نیست .

مادهٔ ۵۷ـ محکمه صلح خودش درصدد تحصیل دلائل بر نمی آیدمدرك حکم او فقط دلایلی است که طرفین اقامه میکنند .

مادهٔ ۵۸ـ هر گاه بعداز اصغای اظهارات طرفین محکمه صلح مشاهده کند که بعضی ازاوضاع و احوال که برای حل مسئله اهمیت دارد بدون دلیل مانده مطلب رابطرفین اعلام نموده موعدی رابرای دادن توضیحات واقامه دلایل معین میکند .

مادهٔ ۵۹ـ اشخاصی که ظنین هستند براینکه تحقیقات محلی واستطلاع ازمطلعین واستعلام از اهل خبره بعدهاممکن نخواهد بودیالااقل مشکل خواهد شدمیتوانند ازمحکمه صلح خواهش کنند که دلایل آنانرا تأمین کند .

مادهٔ ۶۰ ـ خواهش تأمین دلایل چه در حین محاکمه و چه قبل از اقامه دعوا ممکن است .

مادهٔ ۶۱ ـ خواهش تأمین دلایل درصورتیکه قبل از اقامه دعوا باشد راجع است بمحکمه صلحی که موضوع معاینه یاتحقیق در حوزهٔ آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزهٔ آن مقیمند . و هرگاه بعد از اقاعه دعوی(درحین محاکمه) باشداقدام آن راجع بمحکمه صلحی استکه مشغول برسیدگی است . در اینمورد درصورتیکه تأمین دلایل فوریت داشته باشد طرفین میتوانند باجازهٔ محکمهٔ که مشغـول رسیدگی است بمحکمه صلحی که دلایل در حوزهٔ آن واقع استرجوع نمایند . و محکمه حق

ندارد در دادن اجازه با وجود فوریت مطلب مسامحه نماید .

مادهٔ ۶۲ ــ خواهش تأمین دلایل چه کتبی باشد چه شفاهی باید حاوی نکات ذیل باشد :

۱ ـ اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او .

۲ ـ اشاره باوضاع و احوالی که مبتنی است بر دلایلی که تأمین آنرا میخواهند .

۳ـ جهت خواهش تأمین دلایل .

مادهٔ ۶۳ - در مواردیکه تأمین دلایل فوریت داشته باشد اجازهٔ آنرا محکمهٔ صلح میدهد بدون اینکه بدواً طرف راا حضار کند و اینقرار محکمه صلحیه قابل شکایت نیست .

مادهٔ ۶۴ ــ بعداز تأمین دلایل محکمه صلح بخواهش مستدعی تأمین موافق دستوری رفتار مینماید که درباب معاینه محل و خواستن عقیده اهل خبره و استعلام از اهل محل مقرر است .

مادهٔ ۶۵ ــ درمواردیکه مستدعی تأمین دلایل طرف خودرا معین نکرده اجرای آن در صورتی بعمل می آید که از برای خواهش کننده ممکن نباشد اسم طرف خودرا معین نماید .

مادهٔ ۶۶ ــ مقصود از تأمین دلایل حفظ آنست و بهیچوجه دلالت نمیکند بر اینکه دلایلی که تأمین شده حتماً در حین محاکمه مدرك ادعای صاحب آن خواهد بود یادلایل تأمین شده حتماً معتبر خواهد بود .

مادهٔ ۶۷ - هرگاه طرف مستدعی تأمین برای حضور در موقع اجرای تأمین احضار نشده باشد و یا احضاریه به او نرسیده باشد حق دارد درحین رسیدگی بدعوا تخلفی راکه از ترتیب قانون شده است خاطر نشان کند .

مبحث دوم

درباب شهود

مادهٔ ٦٨ ـ هرگاه در دعاوی که راجع بمحاکم صلحیه است طرفین یاطرفی محتاج باقامه شهود شدند ومحکمهٔ صلح اقامهٔ آنرا مفید وموافق قانون دانست موضوع شهادت رامعین کرده بطرفین اعلام میدارد .

مادهٔ ٦٩ ـ درروزمعین شهود درمحکمه حاضرشده بعدازاظهار اسم وشغل وسن ومحل اقامت خودشان متعهد میشوند که حقیقت رابگویند وهرگاه شهود قرابت نسبی یاسببی بایکی ازمتداعیین داشته باشند نیزاظهار داشته ودرجه قرابت خودرا معین میکنند وهمچنین اگرخادم یامخدوم یکی ازمتداعیین باشند نیزاعلام میدارند. ودرموارد قرابت وباخادم ومخدوم بودن شهود درامور شرعیه موافق مادهٔ (٧٤) عمل مینماید .

مادهٔ ٧٠ ـ شهود شهادت خودشان رایك یك درحضورحاکم صلح ومتداعیین (هرگاه حاضر باشند) ادامینمایند. وهرگاه یکی ازمتداعیین اظهاری راجع برردشهود داشته باشدپس ازاظهار در صورت مجلس قید شده وبامضای ردکننده میرسد . وهرگاه ردکننده سواد نداشته باشد یا نتواند امضاء کند این نکته درصورت مجلس قیدمیشود . قبول یاعدم قبول حاکم صلح ردکننده رابقانون شرع انور خواهد بود .

مادهٔ ٧١ ـ متداعیین حق ندارند درحین اداء شهادت کلام شهود را قطع کنند ولی بعدازآن حاکم صلح میتواند بخواهش طرفین یاخودش رسماً سؤالات لازمه را ازشهود بکند .

مادهٔ ٧٢ ـ هرگاه برای غوررسی بشهادت شهود معاینه محل لازم یامفید باشد حاکم صلح شهادت شهود رادرمحل استماع میکند .

مادهٔ ٧٣ ـ شهادت شهود باقیداسم وشهرت وشغل ومحل اقامت وقرائت وتعهدی که داده اند تماماً درصورت مجلس درج وبرای هریك ازشهود قرائت شده بامضای آنها میرسد ودرصورت بیسوادی یاعدم استطاعت امضاء این نکته درصورت مجلس قید میشود وبعد صورت مجلس بامضای حاکم صلح وتقریرنویس میرسد .

مادهٔ ٧۴ ـ کیفیت اداء وشروط شهادت واختلاف شهود واختلاف اظهارات آنها ورد وجرح شهود بعداز اداء شهادت یاامتناع آنها از اداء شهادت وسایر مسائل راجعه بشهود موافق قوانین شرع انور خواهد بود .

مبحث سوم

در حلف و تحلیف

مادهٔ ۷۵- درمواردیکه محاکمه طرفین منجر بحلف و تحلیف شود این نکته در صورت مجلس قید و حلف و تحلیف درحضور حاکم صلح (فقیه) بعمل خواهد آمد .

مادهٔ ۷۶- اتیان بقسم راجع بخود متداعیین است و ربطی بوکیل ندارد .

مبحث چهارم

در اقرار

مادهٔ ۷۷- هرگاه یکی از متداعیین درحین رسیدگی یامحاکمه کتباً یاشفاهاً اقرار صریح بامری کند که دلالت برحقانیت طرف او نماید دلایل دیگری ازطرف بهیچوجه خواسته نخواهد شد .

مادهٔ ۷۸- اقرار یکی ازشرکاء درامری فقط دربارهٔ اقرار کننده معتبر است وضرر متوجه سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند .

مبحث پنجم

در اسناد کتبی

مادهٔ ۷۹- اسناد کتبی خواه رسمی باشد خواه عادی و کلیه نوشتجاتی که طرفین ابراز میکنند باید مورد مداقهٔ محکمهٔ صلح بشود .

مادهٔ ۸۰ - اعتبار اسناد رسمی بنحویست که در باب دوم این کتاب و قانون ثبت اسناد مذکور است .

مادهٔ ۸۱- هیچکس نمیتواند اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی کند که خودش آن سند را داده و امضاء کرده و یا ازطرف او آن سند داده شده است و بامضای او رسیده است بلکه درمقام رد یا باید ادعای جعلیت نسبت بآن نماید و یا مدلل نماید که بجهتی ازجهات قانونی آن سند از اعتبار افتاده است و اگر سکوت کند سکوت او دلیل بر قبول نیست .

مادهٔ ۸۲ ـ اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدواً بطرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف میکند که آن اسناد را پس بگیرد. هرگاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد حاکم صلح بطرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت وخیم آن ادعا را درصورت عدم ثبوت آن خاطر نشان میکند اگر باوجود آن مدعی جعلیت درادعای خود ثابت ومصر باشد حاکم صلح رسیدگی کار را توقیف کرده اسنادی را که نسبت ساختگی بآنها داده شده نزد مدعی عمومی محکمه بدایت میفرستند که موافق قانون در محکمه بدایت بمسئله جعلیت اسناد رسیدگی شود.

مادهٔ ۸۳ ـ ادعای جعلیت نسبت باسنادیکه برای صدور حکم اهمیت ندارد مانع از توقیف محاکمه نمیشود.

مبحث ششم

در معاینهٔ محلی وعقیدهٔ اهل خبره

مادهٔ ۸۴ ـ معاینهٔ محلی باحضور اهل خبره یا بی حضور آنها بخواهش یکی از متداعیین یا بتصویب محکمه صلح بعمل میآید.

مادهٔ ۸۵ ـ معاینهٔ درحضور امین صلح بافقیه محکمه ومتداعیین ودونفر شاهد صحیح که کتباً یا شفاهاً احضار شده باشند بعمل میآید.

مادهٔ ۸۶ ـ هرگاه متداعیین بعداز آگاهی واعلام بدون عذرصحیح دروقت مقرر حاضر نشوند عدم حضور آنان مانع از معاینه نمیشود وحق شکایت هم بعداز معاینه از محکمه صلح نخواهند داشت.

مادهٔ ۸۷ ـ محکمهٔ صلح میتواند بنظر خودش یا بخواهش متداعیین یا یکی از آنان اطلاعات اهل خبره را بخواهد.

مادهٔ ۸۸ ـ دراین صورت متداعیین بتراضی یك یاسه نفر از اهل خبره انتخاب میکنند وهرگاه تراضی نشد عده لازم راخود محکمه صلح معین میکند ودراینصورت طرفین حق دارند که بموازین ردیا جرح شهود آنانرا ردیا جرح کنند.

مادهٔ ۸۹ ـ ازمعاینه محلی وافادات اهل خبره صورت مجلسی مرتب میشود که بامضای امین یا حاکم صلح ومتداعیین وشهود وخبره میرسد وهرگاه کسی ازحضار سواد نداشته باشد درصورت مجلس قید میشود. درصورتیکه معاینهٔ محلی وعقیدهٔ اهل خبره قاطع باشد حاکم صلح میتواند فوراً درخود محل حکم بدهد.

فصل پنجم

در تأمین مدعی به

مادهٔ ۹۰ـ تأمین مدعی به بخواهش مدعی درصورتی بعمل میآید که یااسناد رسمی در دست بوده یامدعی به درمعرض تفریط و تضییع بوده و تدارک آن ممکن نباشد .

مادهٔ ۹۱ـ ترتیب تأمین مدعی به که ازمحاکم صلحیه تقاضامیشود موافق قوانینی است که در باب دوم این کتاب مصرح است .

مادهٔ ۹۲ـ بتقاضای مدعی محکمهٔ صلح حق دارد ازمدعی علیه که اقامتگاه معین دائمی واموال غیرمنقول ندارد تقاضا کند که درصورت استیناف حکم امین صلح وثیقه یا کفیل معتبر ازاهل محل برای تأمین مدعی به بدهد .

مادهٔ ۹۳ـ هرگاه مدعی علیه آن تقاضا راقبول نکرد محکمه صلح حق دارداموال منقوله مدعی علیه راباندازهٔ مدعی به توقیف کند .

فصل ششم

در حکم

مادهٔ ۹۴ـ محکمه صلح بعداز شنیدن اظهارات و دلایل طرفین تمام اوضاع و احوال مسئله رادر نظر گرفته واهمیت اعتبار دلایل را سنجیده حکم میدهد واین حکم نباید برخلاف قوانین باشد .

مادهٔ ۹۵ـ محکمه صلح حق نداردد رباب چیزی حکم بدهد که ادعا نشده است یا بیشتر ازآنچه متداعیین تقاضا کرده اند حکم بدهد .

مادهٔ ۹۶ ـ در موارد احکام قطعی محکمه صلح در خود حکم موعدیرا معین میکنندکه محکوم علیه در ظرف آن موعد طوعاً حکم را مجری دارد .

مادهٔ ۹۷ ـ در صورتیکه برمحکمه صلح ثابت شود که محکوم علیه نمیتواند تمام محکوم به رابپردازد میتواند نظر بمبلغ محکوم به واستطاعت محکوم علیه برای تأدیه وجه اقساطی قرارداده و درآن باب تصدیق بطرفین بدهد .

مادهٔ ۹۸ـ هر گاه محکوم علیه درسر وعده اقساط را نرسانیده محکمهٔ صلح بتقاضای محکوم له حکم تأدیهٔ بلاتأخیر وجه را میدهد .

مادهٔ ۹۹ـ احکام غیرقطعی (قابل استیناف) محکمهٔ صلحیه فقط در موارد ذیل وآنهم درصورت تقاضای محکوم له درصورتیکه بتوان تصور کرد که تعویق اجرا باعث اشکالات در اجرای حکم در آتیه خواهد شد موقتاً قابل اجرااست :

۱ـ درموردیکه حکم محکمهٔ صلح مبتنی بر سندرسمی است ادعاء جعلیت نسبت بآن استناد نشده است یاحکم محکمه صلح بموجب سندغیررسمی است ولیکن طرفی که برضد اوآن سند اقامه شده است اعتبار واصالت آن سند را اعتراف کرده است .

۲ـ درمواردیکه محکمهٔ صلح در باب تصرف عدوانی کسی در اموال دیگری حکم تخلیه نداده است و یا بواسطهٔ انقضای مدت اجاره حکم داده که شیئی اجاره شده بصاحبش رد و تسلیم شود .

۳ـ هر گاه درموارد اجیرشدن و اجیر کردن و استخدام و ادعائی که از این نوع تعهدات شخصی حاصل می‌شود محکمه صلح حکم بدهد که شخص اجیر شده یا مستخدم مرخص است .

۴ـ هر گاه مدعی تأمین صحیح برای اجرای موقت بدهد وبرعهده بگیرد تمام خساراتی راکه ازنسخ یا نقض حکم محکمه صلح دردرجات بالاترحاصل تواند شد .

۵ ـ درموارد احکام غیابی درصورتیکه ابلاغ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب عادتاً ممکن نباشد .

مادهٔ ۱۰۰ـ درتمام صورخمسه درمادهٔ قبل ازشخصی که خواستگاراجرای موقت شده باین ترتیب تأمین خواسته میشود اگرموضوع حکم اموال معین باشد صورتی ازآن برداشته بدست امینی سپرده تسلیم آنرا بمحکوم له وهمچنین فروش آنرا ممنوع می‌دارند . وهر گاه مدعی به وجه باشد بعد ازوصول درجای مطمئن توقیف میکنند ودرسایرموارد کفیل معتبر گرفته می‌شود .

مادهٔ ۱۰۱ ـ بعد ازصدورحکم محکمهٔ صلح حکم را بطور اختصار نوشته وبمتداعیین علناً اعلام میدارد .

مادهٔ ۱۰۲ ـ درحین اعلام حکم محکمهٔ صلح مکلف است برای طرفین توضیح نماید که حکم قطعی است یا غیرقطعی وبکدام محکمه ودرچه مدت می‌توانند رجوع کنندوهر گاه درمدت مقرره اقدام نکردند حکم قطعی خواهد شد .

مادهٔ ۱۰۳ ـ محکمهٔ صلح باید حکم خود را درظرف یك هفته ازتاریخ صدور آن

نوشته بمحکوم له داده وسواد حکم کتبی را نیز باشخاص لازم درظـرف سه روز ازتـاریخ رجوع بدهد .

مادهٔ ۱۰۴- احکام کتبی محکمهٔ صلح باید مواد ذیل را حاوی باشد :

۱- تاریخ صدور حکم .

۲- اسم وشهرت وشغل متداعیین .

۳- اوضـاع واحوال کار بطوراختصار .

۴- ماحصل حکم ودلایل وملاحظاتی که مدرك حکم است .

۵- مقدارخساراتی که محکوم له ازمحکوم علیه مطالبه نموده وحکم صادرشده یا در تحت رسیدگی است .

۶- تصریح باینکه حکم فوری‌الاجرا یا قابل اجرای موقت است .

۷- امضای حاکم (فقیه) وامین صلح .

فصل هفتم

دراحکام غیابی و اعتراضات

مادهٔ ۱۰۵- هرگـاه مدعی علیه بعد ازدومرتبه احضاردرمحکمه صلحیه حاضر نشده و توضیحات کتبی هم (موافق مـادهٔ ۱۰۶) نفرستاد حاکم صلح بخواهش مدعی شروع بـه رسیدگی نموده بعد ازتوضیحات حکم غیابی میدهد . وهرگاه درااثنای محاکمه‌مدعی‌حاضر نشد وبمحکمه هم اطلاع ندادکه درغیـاب اورسیدگی نمایند حاکم صلح رسیدگی‌راموقوف می‌دارد ولی مدعی می‌تواند تجدید رسیدگی و محاکمه را تقاضـا نمـاید و بایـد بهمان محکمه‌عرضحال مجدد بدهد . محکمه درصورت تقاضـای مدعی‌علیه بدلایل رسیدگی کرده حکم غیـابی میدهد .

مادهٔ ۱۰۶- مدعی علیه می‌تواند حاضر نشده توضیحات کتبی خود را مستقیماً یابتوسط وکیل فرستـاده وخواهش کند که سواد حکم محکمه را باو ابلاغ نماینـد . دراین صورت توضیحات کتبی مدعی علیه بمدعی ارائه شده وحکمی که صادرمیشود غیابی نخواهد بود .

دراین موارد درصورتیکه توضیحات شفاهی مدعی علیه ضرورت داشته باشد حاکم‌صلح مدعی‌علیه یا وکیلش را احضارمیکند .

مادۀ ۱۰۷ ـ مدعی نیز میتواند ازحاکم صلح خواهش کند که درغیاب اورسیدگی کرده سواد حکم راباو ابلاغ کند . ولی اگر حاکم صلح حضور مدعی یـا وکیل اورا لازم دید احضار خواهد کرد . وهرگاه مدعی تقاضای محکمه صلحرا اطاعت نکرد رسیدگی موقوف میشود مگر اینکه مدعی علیه خواهش رسیدگی وصدور حکم کند .

مادۀ ۱۰۸ ـ هرگاه حاکم صلح مطلع شود که جهت‌عدم حضورمدعی یامدعی علیه موانعی بوده که رفع آن ممکن نبوده است یاآنکه احضار نامه بموقع نرسیده است رسیدگی را بتعویق انداخته موعد مجددی برای حضور متداعیین معین میکند ومراتب رابطرفی که حاضر شده شفاهاً وبطرف غائب کتباً اعلام داشته وجهات عدم حضور رادر صورت مجلس قید میکنند .

مادۀ ۱۰۹ - هرگاه مدعی علیه درسرموعد حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد بیانات اورا باید محکمه صلح استماع نماید و حکمی که بعداز استماع توضیحات و دلایل او صادر میشود غیابی محسوب نمیشود .

مادۀ ۱۱۰ ـ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود ودرظرف دوهفته از روز وصول حکم محکوم علیه غایب حق‌دارد اعتراض نموده تجدید رسیدگی رابخواهد . وهرگاه درمدت مقرربدون عذرموجه‌اعتراض نکردحکم‌قطعی بموقع‌اجرا گذاشته خواهدشد وغایب‌برحجت خودباقی میماندواعتراض اوهمه‌وقت مسموع‌است واحکام‌غیر قطعی‌را محکوم علیه فقط میتواند در مدت‌مقرر استینـاف نماید .

مادۀ ۱۱۱ ـ همینکه اعتراض‌نامه محکوم‌علیه رسید محکمه‌صلح موعد جلسه‌را معین و بطرفین‌اطلاع میدهدوبعد ازرسیدگی مجدد حاکم صلح‌حکم داده‌حکم‌سابق‌را ازاعتبارمیاندازد .

مادۀ ۱۱۲ ـ خواه در حین اظهار اعتراض و خواه پس از آن تازمان صدور حکم مجدد محکوم علیه که حاضرشده میتواندتوقیف اجرای موقت حکم غیابی راهرگاه دربارۀ اوصادر شده بخواهد وباین خواهش اوباید درظرف سه‌روز جواب قطعی‌داده شود . هرگاه حاکم‌صلح اجرای موقت‌را معوق گذاشت وطرف‌تأمین مدعابه‌را خواست اقدام لازم برای‌تأمین مدعابه موافق قوانین بعمل میآید .

مادۀ ۱۱۳ ـ درصورتیکه دررسیدگی ثانوی‌باز مدعی‌علیه حاضرنشد بخواهش‌مدعی‌حکم غیابی‌ثانوی صادرمیشود واین‌حکم غیابی‌بموقع اجرا گذاشته شده‌وغایب برحجت خودباقی‌میماند . ودرموارد احکام‌غیر قطعی‌حکم غیابی را میتوان درحدود قوانین استیناف نمود .

فصل هشتم

درشکایت ازاحکام وقرارهای محاکم صلحیه

مادۀ ۱۱۴ ـ احکام‌حاکم صلح (فقیه‌محکمه) قطعی‌است .

مادهٔ ۱۱۵ - احکام امنای صلحیه را در صورتیکه مبلغ مدعی به بیش از بیست تومان بوده باشد یا اینکه قیمت مدعی به معلوم نباشد میتوان در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود و مدت استیناف از تاریخ اعلام حکم بیست و یك روز است . بعد از انقضاء مدت مزبوره حکم امین صلح قطعی میشود .

مادهٔ ۱۱۶ - در شکایت استینافی باید مستأنف جهات عدم صحت حکم را بیان کند وادعای جدیدی در این شکایت پذیرفته نمیشود .

مادهٔ ۱۱۷ - عرضحال استینافی در دو نسخه بهمان امین صلحی که حکم داده است داده میشود واومکلف است که قبض رسید بمستأنف داده یك نسخه از شکایت نامه را بااوراق رسید گی وتمام متعلقات کار بمحکمه ابتدائی بفرستد ونسخه دیگری رابطرف مقابل ابلاغ نماید .

مادهٔ ۱۱۸ - از اقدامات امین صلح نمیتوان قبل از استیناف حکم او شکایت نمود مگر در موارد مفصله ذیل که قبل از صدور حکم هم ممکن است :

۱ - شکایت از تعطیل وتعویق رسید گی .

۲ - شکایت از عدم قبول عرضحال واعتراض نامه برحکم غیابی وعرضحال استینافی واعاده محاکمه (تجدید نظر) .

مادهٔ ۱۱۹ - قرار هائی راکه امین صلح میدهد میتوان فقط با حکم استیناف نمود مگر قرار هائی راکه امین صلح درباب درخواست تأمین مدعی به واجرای موقت میدهد که بدون حکم هم میتوان استیناف کرد .

مادهٔ ۱۲۰ - درکلیه مواردیکه بموجب دوماده قبل میتوان ازقرارهای امین صلح شکایت بااستیناف نمود ازقرار های حاکم صلح هم شکایت بااستیناف ممکن است جزدر مورد عدم قبول عرضحال استینافی .

مادهٔ ۱۲۱ - درموارد سه ماده قبل شکایت بایددرظرف یکهفته از تاریخ اقدامی که باعث شکایت باابلاغ قرارهائی که داده شده است بعمل آید مگرشکایت از تعطیل وتعویق که مدت ندارد ودرهروقت قابل استماع است .

مادهٔ ۱۲۲ - شکایت ازقرارهای امین وحاکم صلح مستقیماً بخودمحکمه ابتدائی داده میشود در محکمه ابتدائی بشکایت های مذکوره در مادهٔ (۱۱۸) و (۱۱۹) بدون احضار متداعیین رسید گی میشود . ولی هرگاه متداعیین خواستندحاضر شوند توضیحات شفاهی آنها را محکمه استماع میکند .

فصل نهم

در ترتیب رسید گی استینافی درمحکمه ابتدائی

مادهٔ ۱۲۳ - روز محاکمه رامحکمه معین کرده بطرفین درضمن احضار به اطلاع میدهد .

مادهٔ ۱۲۴ ــ مستأنف علیه می‌تواند تا روزی که برای محاکمه معین شده است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد. عدم حضور متداعیین مانع ازرسیدگی وصدور حکم نمی‌شود. وهمچنین عدم حضور یکطرف مانع ازدادن توضیحات شفاهی طرف دیگر نمی‌شود.

مادهٔ ۱۲۵ــ رسیدگی استینافی باحکام امنای صلحیه علنی است و شفاهی اول حکم امین صلح که باعث شکایت شده است قرائت می‌شود بعد مواد شکایت مستأنف بعد توضیحات کتبی مستأنف علیه (هرگاه باشد) پس ازآن مابین طرفین مذاکره شفاهی شروع میشود.

مادهٔ ۱۲۶ــ تحقیقات راجعه بصحت دلایل را یاخود محکمه ابتدائی یا یکی‌ازاعضاء آن برحسب مأموریت ازطرف محکمه مجری میدارد.

مادهٔ ۱۲۷ــ رئیس محکمه می‌تواند توضیحات لازمه را ازطرفین بخواهد و همینکه مشاهده نمود که مسئله بقدرکفایت روشن شده است مذاکره شفاهی را قطع می‌کند.

مادهٔ ۱۲۸ــ رئیس محکمه باید سعی‌کافی برای اصلاح ذات‌البین بنماید وهرگاه طرفین راضی باصلاح شدند این نکته درصورت مجلس قید وبامضای طرفین میرسد.

مادهٔ ۱۲۹ــ درمواردی‌که باید موافق قانون مدعی‌العموم محکمه ابتدائی‌درمحاکمه حقوقی حاضرشود خود یا معاونش حاضرشده‌قبل ازصدورحکم عقیده خود رااظهارمیدارد.

مادهٔ ۱۳۰ــ امین صلح را که حکم داده است وحاکم صلح راکه قرارداده است می‌توان برای توضیحات بمحکمه خواست.

مادهٔ ۱۳۱ــ ترتیب اتخاذآراء قطعی اعضاء محکمه وصدورحکم و اعلام وانشاءآن بطوری است‌که برای محاکم ابتدائی معین شده است.

مادهٔ ۱۳۲ــ احکام استینافی محاکم ابتدائی قطعی است ودرحدود قوانین‌اجرامیشود.

فصل دهم

درتمیزاحکام محاکم ابتدائی که استینافاً صادرمی‌شود

مادهٔ ۱۳۳ــ درموارد ذیل می‌توان احکام محاکم ابتدائی راکه استینافاً صادر شده است تمیز نمود:

۱ــ درصورت نقض قوانین یا سوء تفسیرآن.

۲ــ درصورتی‌که مواد قانون اصول محاکمات رعایت نشده باشد وآن‌مواد باندازهٔ مهم باشدکه بواسطهٔ نقض‌آن مواد نتوان حکم را حکم قانونی دانست.

فصل یازدهم

ردو جرح امنای صلحیه

مادهٔ ۱۳۴- درموارد مفصله ذیل امین صلح باید خودش ازرسیدگی امتناع نماید و متداعیین می‌توانند اورا رد نمایند :

۱- وقتیکه امین صلح نفع شخصی درادعائیکه اقامه شده است داشته باشد .

۲- وقتیکه امین صلح با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم داشته باشد .

۳- وقتیکه امین صلح قیم یکی ازمتداعیین است یا کفیل اموراوست و یا یکی ازمتداعیین مباشرامورامین صلح است .

۴- وقتیکه امین صلح یا زوجه اووارث یکی ازمتداعیین هستند .

۵- وقتیکه امین صلح با یکی ازمتداعیین یا اشخاصی که باآنها قرابت سببی یا نسبی دارند محاکمهٔ جزائی داشته‌اند ویك سال اززمان ختم آن محاکمه نگذشته است .

۶- درصورتیکه مابین امین صلح ویکی ازمتداعیین یا عیال اومحاکمه حقوقی در محکمه دیگری مطرح است .

۷- وقتی که امین صلح سابقاً اظهارعقیده کتباً درباب ادعائی که اقامه‌شده نموده است.

مادهٔ ۱۳۵- رد امین صلح باید با تعیین مدرك باشد . در صورتیکه رد ازطرف مدعی باشدبایدقبل ازشروع برسیدگی و اگرازطرف مدعی علیه است لااقل درنوبت اول که بمحکمه حاضرمی‌شود بعمل آید .

هرگاه اعلام ردکتبی نباشد باید درصورت مجلس قید وبامضای ردکننده برسد .

مادهٔ ۱۳۶- همین که امین صلح اظهارات مدعی یامدعی علیه راصحیح‌دانست‌رضایت خود را درورقه رد یا درصورت مجلس قید وامضاءکرده عرضحال عارض را با منضمات‌آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی می‌فرستد .

مادهٔ ۱۳۷- هرگاه امین صلح اظهارات راجعهٔ برد را مقرون بصحت ندید اعلام‌رد را با توضیحات خودش درظرف دوروزازتاریخ وصول اظهارمزبورنزد مدعی‌العموم محکمهٔ ابتدائی‌که درحوزه‌آن واقع است فرستاده منتظرحکم‌محکمهٔ مذکوره میشود.محکمهٔمذکوره مکلف است‌که درظرف یك هفته با حضورمدعی‌العموم رسیدگی‌کرده حکم قطعی بدهدحضور متداعیین دررسیدگی محکمهٔ ابتدائی لازم نیست .

فصل دوازدهم

دراجرای احکام محاکم صلحیه

مادهٔ ۱۳۸ـ احکام محاکم صلحیه درموارد مفصله ذیل قطعی وقابل اجرااست :

۱ـ احکام حاکم صلح .

۲ـ احکام قطعی امنای صلحیه .

۳ـ احکام غیرقطعی امنای صلحیه درصورتی که درموعد مقرراستیناف نشده .

۴ـ احکام غیابی حاکم صلح که درمدت مقرره اعتراض نشده .

۵ـ احکام غیابی امنای صلحیه که درموعد مقرراعتراض واستیناف نشده .

مادهٔ ۱۳۹ـ درمواردیکه حکم محکمه صلح قطعی شده و همچنین درموارد اجرای موقت محکمهٔ صلح بخواهش ذیحق ورقهٔ اجرائیه باومیدهد .

مادهٔ ۱۴۰ـ احکام محاکم صلح بتوسط اشخاصیکه درباب چهارم قانون موقتی تشکیلات عدلیه نوشته شده بموقع اجرا گذارده میشود . تمام اشخاص مفصله درحین اجرای حکم تابع اوامر محکمهٔ صلح هستند .

مادهٔ ۱۴۱ـ اجرای احکام محاکم صلح موافق قوانینی است که کلیه برای اجرای احکام عدلیه مقرراست .

باب دویم

اصول محاکمات حقوقی درمحاکم ابتدائیه

فصل اول

درتجدید صلاحیت محاضرشرعیه ومحاکم ابتدائی

مبحث اول

درصلاحیت محاضرشرعیه

مادهٔ۱۴۲*ـ دعاوی حقوقی غیر ازمواردیکه قانوناً از خصایص محاکم صلحیه است ابتدا بمحاکم ابتدائی رجوع میشود .

*ازمادهٔ ۱۴۲ الی آخر درتاریخ ۱۹ ذی‌قعده ۱۳۲۹ تصویب شده است .

مادهٔ ۱۴۳- دعاوی حقوقی راجع بامور عرفیه وهمچنین امور شرعیه‌که خارج از صلاحیت محاکم عدلیه نباشد محاکم عدلیه بترتیبی که قانون محاکمات حقوقی معین‌می‌کند رسیدگی خواهدکرد .

مادهٔ ۱۴۴-امورشرعیه موضوعاتی‌است که‌بموجب قوانین‌شرع انور اسلام‌مقرراست .

مادهٔ ۱۴۵- مواردذیل رامحاکم عدلیه بمحضرعدول مجتهدین ارجاع‌خواهندکرد :

الف- موردی که منشاء اختلاف و نـزاع جهـل بحکم شرعی یا جهل بموضوعات شرعیه باشد .

ب - دعاوی راجعه بنکاح وطلاق .

ج - احکام غیابی درامورشرعیه .

د - مواردیکه حکم‌بافلاس یا حکم بحجرمفلس یاحکم بتوقیف مال ممتنع‌ازادای‌دین یا حکم بتقاص لازم میشود .

تبصره - اگرچه حکم بافلاس کلیتاً ازوظایف حکام شرع است لیکن مراد ازحکم بافلاس‌که دراینجا ذکر شده افلاس حقوقی است .

ه - مواردی‌که قطع و فصل خصومت جز بـاقـامه شهود (بینه) یـا بحلف و احلاف ممکن نیست .

و - مواردیکه احکام شرعیه طرفین یا یکی ازآنان متناقض یا مجمل ومبهم‌باشد .

تبصره - مراد از احکام احکام صادره ازحکام شرع است درقضایا نـه مطلق اسناد و نوشتجات .

ز - مواردی که نزاع در اصل وقفیت یـا اصل وصیت یـا تولیت متولی یا وصـایت وصی باشد .

ح - موردیکه نصب متولی یا ناظرشرعی یا قیم یا وصی لازم شود .

مادهٔ ۱۴۶- درمواردیکه شرعی وعرفی بودن امرمحل اشتباه شودتراضی متداعیین برای رسیدگی عدلیه لازم است .

مادهٔ ۱۴۷- در مواردیکه امـرشرعی مشتبه باشدکه امورمذکوره درمادهٔ (۴) از مختصات محاضرشرع است یا ازامورمشترکه است عدلیه حق رسیدگی گرچه طرفین‌تراضی نمایند نخواهد داشت وباید بمحضرعدول مجتهدین رجوع نماید .

مادهٔ ۱۴۸- غیر از موارد مادهٔ (۱۴۵) در امورشرعیه در صورتیکه متداعیین بدواً

تراضی برسیدگی محاکم عدلیه نمایند محکمه رسیدگی خواهد کرد والا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود .

مادهٔ ۱۴۹ ـ درمورد شکایت ازحکم یا حکام شرع عدلیه مطابق قانون تشکیلات بجلسه عمومی عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد .

مبحث دویم

در صلاحیت محاکم ابتدائی

مادهٔ ۱۵۰ ـ محاکم ابتدائی بکلیه دعاوی که بموجب قانون راجع بمحاکم عمومی است رسیدگی مینماید باستثناء اموری که قانون بمحاکم صلحیه اختصاص داده .

مادهٔ ۱۵۱ ـ ادعا یا درمحکمه ابتدائی اقامه میشود که مدعی درحوزهٔ آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا درمحکمهٔ که مدعی علیه درحوزهٔ آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد ومستثنیات این ماده بموجب قوانین معین است . هرگاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خود رجوع نماید باید مخارج عادیهٔ مسافرت و اقامت مدعی علیه رادرمحل اقامت خود بپردازد و بعد درصورتیکه ذیحق شد میتواند مبلغی را که از این بابت تأدیه کرده است درجزء خسارت خود منظور داشته ازطرف خود مطالبه نماید .

مادهٔ ۱۵۲ ـ محلی که شخص در آنجا از حیث شغل یا کسب یا خدمت قلمی یا نظامی و یا علاقه ملکی اقامت دارد اقامتگاه دائمی محسوب میشود .

مادهٔ ۱۵۳ ـ هرگاه میزان اقامت شخص مدعی علیه از حیث علاقه ملکی است وعلاقه ملکی درمحل‌های متعدد دارد مدعی از میان آن محل‌ها محلی راانتخاب میکند که مدعی علیه درآنجا است .

مادهٔ ۱۵۴ ـ هرگاه مدعی علیه اقامتگاه دائمی نداشته باشد مدعی میتواند در

محل اقامت موقتی مدعی علیه اقامه دعوا نماید . توقف مختصر مسافر درحین مسافرت که عادتاً وافی بمدت اتمام محاکمه نیست از این قاعده مستثنی است و اقامت موقتی حساب نمیشود .

مادهٔ۱۵۵ - درمورد اقامت موقتی مدعی علیه میتواند خواهش کندکه کار را بمحکمهٔ احاله نمایند که اقامتگاه دائمی او درحوزهٔ آن واقع است . دراینصورت محکمه بارضایت مدعی مسئول مدعی علیه را اجابت می‌نماید . مدعی علیه‌که نتواند اقامتگاه دائمی خود را درایران ثابت نمایدحق چنین‌خواهشی‌را ندارد .

مادهٔ۱۵۶ - هرگاه مدعی‌علیه درخارج ایران بوده و درایران اقامتگاه دائمی او معین نباشد مدعی میتواند اقامه دعوا در محکمهٔ نمایدکه مدعی علیه درحوزه آن اموال غیر منقوله‌دارد .

مادهٔ۱۵۷ - دعاوی حاصله از حق مالکیت وهرحق دیگری نسبت باموال‌غیر منقوله و همچنین ادعا برخسارتی که باموال غیر منقوله وارد آمده است در محکمهٔ رسیدگی میشودکه اموال غیر منقوله درحوزهٔ آن واقع است .

مادهٔ۱۵۸ - ادعای‌که راجع است بمدعی علیهم متعدد یا اموال غیر منقول متعددکه درحوزه‌های مختلف ابتدائی اقامت دارند و یاواقعند بانتخاب مدعی دریکی از محاکم مذکوره‌که صلاحیت دارد اقامه میشود .

مادهٔ۱۵۹- دعوای متقابل (دعوائی‌که درجواب ادعای مدعی اقامه میشود و مربوط بآن‌ادعا است) درهمان محکمهٔ‌که دعوای اصلی مطرح رسیدگی است اقامه‌میشود مگراینکه دعوای متقابل خارج از صلاحیت آن‌محکمه باشد .

مادهٔ۱۶۰ - هرگاه هنگام رسیدگی بدعوائی‌دعوی‌دیگری پیداشودکه ازحیث ضمانت مربوط بادعای‌اولی(اصلی)باشدبادعای ثانوی نیزدرهمان‌محکمه‌اولی رسیدگی

خواهدشد . ولی اگر بقرینه یا بعضی نوشتجات ثابت شودکه ادعای اولی فقط برای جلب مدعی علیه دعوای ثانی است بمحکمهٔ که قانوناً مرجع آن دعوا نیست مدعی علیه دعوای ثانی حق داردکه آن دعوا را ازآن محکمه بمحکمهٔ که راجع است احاله نماید .

مادهٔ ۱۶۱ - در تمام دعاوی متداعیین میتوانند بتراضی محکمه ابتدائی دیگری را غیر ازآنچه قانون معین میکند برای رجوع انتخاب نمایند .

مبحث سوم

در اختلاف حاصله ازصلاحیت محاکم عدلیه وترتیب تسویه آن درمحاکم عدلیه

مادهٔ ۱۶۲ـ هرمحکمه باید خودش معین کند دعوائی که درمحکمه اقامه شده است بآن محکمه راجع است یا نه و نباید از محکمهٔ که از حیث درجه بالاتر است در آن باب تعلیمات بخواهد اشخاصی که از قرار محکمه در باب صلاحیت آنها شکایت دارندمیتوانند به محاکمی که ذیلا مذکور است رجوع کنند سواد مصدق قرار محکمه را در باب رد یا قبول عرضحال بایدبشکایت نامه ضمیمه نمایند بدین ترتیب مسئله اختلاف درصلاحیت محاکم مطرح میشود .

مادهٔ ۱۶۳ـتسویه اختلافات حاصله فیمابین محاکم ابتدائی راجع بمحکمه استینافی است هرگاه طرفین اختلاف دریك حوزه استینافیه نباشند تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیزاست .

مادهٔ ۱۶۴ـ شکایت نامه در دو نسخه داده میشود یکی بمحکمه استیناف تقدیم ویك نسخه آن بطرف مقابل ابلاغ شده بعدترتیبی که برای رسیدگی بقرارهای محاکم ابتدائی درمحکمه استیناف مقرراست اقدام میشودورسیدگی محکمه ابتدائی موقتاً تا صدورحکم محکمه عالی بـاید توقیف شود .

مادهٔ ۱۶۵ - اختلافات راجعه بصلاحیت در محکمه استیناف باحضور مدعی العموم آن محکمه مطرح وقطع و فصل میشود .

مادهٔ ۱۶۶ - اختلاف حاصله ما بین محاکم ابتدائی ومحاکم تجارتی نیز موافق مواد - (۱۶۲) الی (۱۶۵) تسویه میشود .

مادهٔ ۱۶۷ - تسویه اختلافات حاصله فیما بین محاکم استیناف راجع بمحکمه تمیز است .

مادهٔ ۱۶۸ - اشتباهات حاصله از اینکه کاری که درمحاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است باادارات دیگر دولتی بایددرمحاکم حل وتسویه شود .

مادهٔ ۱۶۹ - طرح اختلاف درمورد ماده قبل یا بواسطه شکایت اشخاص از قرار محکمه بعمل میآید وباادارهٔ که کار راخارج از صلاحیت محکمه عدلیه میداند بتوسط مدعی العموم مراتب را بهدلایل لازمه برئیس آنمحکمه اعلان می کند .

مادهٔ ۱۷۰ - درمورد شکایت اشخاص از قرار محکمه ابتدائی درباب صلاحیت (رجوع بمادهٔ ۱۶۲) وهمچنین درمورد اختلاف حاصل فیما بین محکمه مذکوره و ادارهٔ دولتی حل مسئله راجع بمحکمه استیناف است . ورسیدگی محکمه ابتدائی تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف میشود لیکن محکمهابتدائی میتواند موافق قوانین تأمین مدعی به را بخواهد .

مادهٔ ۱۷۱ - درمحکمه استیناف مجلس مخصوصاً درتحت ریاست رئیس اول آن محکمه مرکب از حاکم محل وسه نفر عضو محکمه استیناف و دونفر از رؤساء ادارات محلی بحکم اقدمیت تشکیل و باحضور رئیس ادارهٔ که طرف اختلاف است بموضوع اختلاف رسیدگی میشود . وحکمی که از مجلس مذکور با اکثریت پس از اظهار عقیده مدعی العموم استیناف صادر میشود قطعی است .

مادهٔ۱۷۲ - هرگاه طرفین اختلاف محکمه استیناف و یکی از ادارات دولتی باشد بترتیبی که در مادهٔ (۱۶۸) مذکور است حل مسئله بمحکمه تمیز رجوع میشود.

مادهٔ۱۷۳ - درمورد ماده قبل درمحکمه تمیز مجلس مخصوصی مرکب ازپنج نفر اعضاء شعبه حقوقی محکمه تمیز وپنج نفر از اعضای شورای دولتی درتحت ریاست رئیس اول محکمه تمیز تشکیل و بمسئلهٔ مختلف فیها رسیدگی وحکم قطعی صادر میشود.

فصل دوم

در وکلای متداعیین

مادهٔ۱۷۴ - وکلای متداعیین بایددارای شرایط و اوصافی باشند که در مواد (۲۳۶ الی ۲۳۸) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است.

مادهٔ۱۷۵ - وکالت نامهٔ که بوکیل رسمی و غیر رسمی داده میشود باید بعداز تصدیق موثقین محلی بتصدیق مباشر ثبت اسناد یاحاکم صلح برسد و یا درمحاضر شرع که مراجع رسمی عدلیه‌اند یادریکی از ادارات رسمی دولتی یا ملتی که موکل شغل و خدمتی در آن اداره دارد تصدیق شود و یا بالاخره در دفتر خانه حکومتی یانظمیه مصدق شودکه بعبارت‌اخری علم بتحقیق وکالت حاصل شود.

مادهٔ۱۷۶ - هرگاه درمحلی مباشر ثبت اسناد و حاکم صلح و ادارات دولتی هیچیك نباشند تصدیق موثقین اهل محل کافی است.

مادهٔ۱۷۷ - هرگاه وکالت نامه غیر مصدق یاوکالت شفاهی باشد باید موکل در محکمه‌حاضر شده اقرار بصحت وکالت وکیل یا وکالت‌نامه و امضای خود نموده این نکته دردفتر محکمه ثبت شده بامضای موکل برسد.

تنبیه ـ درامور راجعه بمحاکم صلحیه تصدیق ضابط یا کدخدا یا ادارهٔ پلیس محل هم پذیرفته است . وهرگاه وکالت شفاهی باشد در نزد حاکم صلح اظهار و در دفتر ثبت و بامضای موکل میرسدو اگر موکل سواد نداشته باشد شخص دیگری ازطرف او امضاء مینماید و این نکته در دفتر قید میشود .

مادهٔ۱۷۸ ـ وکیل نماینده موکل خودش است وهراقدامی که در حدود وکالت نامه نماید کاملا بموکل تعلق میگیرد .

مادهٔ۱۷۹ ـ در وکالت نامه باید صریحاً قید شود که وکیل حق اقدامات ذیل را کلا یا بعضاً دارد و الا اقدامات وکیل در این موارد بموکل تعلق نخواهدیافت :

۱ ـ حق استیناف ۲ـ حق دادن تمیز ۳ ـ حق صلح ۴ـ حق انتخاب محضر شرع ۵ ـ حق اظهار جعلیت نسبت بسند طرف مقابل و جواب دادن بطرف در صورتیکه اوچنین اظهاری بکند ۶ـ حق انتخاب حکم برای حکمیت ۷ـ حق وکالت در توکیل ۸ ـ حق تعیین مصدق .

مادهٔ۱۸۰ ـ موکل حق دارد هر زمان که بخواهد وکیل خودرامعزول کند و باید بمحکمه مراتب راکتباً یا شفاهاً اطلاع بدهد در اینصورت هرگاه موکل مدعی علیه است محکمه مجبور نیست که رسیدگی را بتعویق بیاندازد . ولی اگر مدعی است بسته بخواهش مدعی علیه است که محکمه کاررا توقیف نماید ویا منتظر تعیین وکیل جدیدی نشده رسیدگی را تعقیب بکند .

مادهٔ۱۸۱ ـ اقدامات وکیل که در حدود وکالت نامه اوقبل از اعلام عزل بخوداو وبمحکمه شده است کاملا معتبر خواهدبود . اظهار شفاهی درعزل وکیل بایددرصورت مجلس قید وبامضای موکل برسد .

مادهٔ۱۸۲ ـ وکیل حق داردکه ازوکالت خود استعفاءکند ولی بعدازاستعفاء

محکمه وکالت اورا برای طرف مقابل نخواهد پذیرفت و درصورت غیبت موکل وکیل باید طوری قبل از وقت اورا از استعفای خود مطلع نماید که موکل بتواند در موعد مقرر شخصاً درمحکمه حاضر شود یاوکیل جدیدی بفرستد.

مادهٔ ۱۸۳ ـ هرگاه موکل در همان شهریکه مقر محکمه است نباشد باید وکیل استعفای خودرا درهمان وقتی که بموکل مینویسد بمحکمه اعلام نماید.

مادهٔ ۱۸۴ ـ رئیس محکمه دراینصورت نظر بمسافت موعدی را معین می‌کند که تا انقضای آن وکیل استعفاء نکرده درحدود وکالت خودکارهای موکل خودرا انجام بدهد اگر وکیل قبول کرد تا انقضای موعد دروکالت خود باقی خواهد بود.

مادهٔ ۱۸۵ ـ در صورت فوت وکیل کاریکه در تحت رسیدگی است توقیف میشود تا وقتی که موکل وکیل جدیدی معین کند و یا تا زمانیکه طرف مقابل موکل احضار اورا از محکمه بخواهد. هرگاه بعد از احضار در موعد مقرر طرف غائب حاضر نشد ووکیل جدیدی هم معین نکرد محکمه بخواهش طرف برسیدگی مداومت مینماید.

فصل سوم

در عرایض

مادهٔ ۱۸۶ ـ محکمه بدون عرضحال شروع برسیدگی نمیکند ودرعرضحال باید نکات مفصله قید شود:

(۱) تعیین محکمهٔ که بآن عرضحال داده میشود (۲) اسم و رسم پدر وشغل واقامتگاه مدعی و مدعی علیه (۳) تعیین قیمت مدعی به مگر اینکه ممکن نباشد (۴) بیان اوضاع و احوالی که باعث ادعا شده است بطوریکه مقصود واضح وروشن باشد (۵) اقدامی راکه از محکمه تقاضا میکنند.

مادهٔ ۱۸۷ ـ دعاوی متعددهٔ که مدرك ومبنای آنها مختلف است نباید دریك عرضحال

نوشته شود ولواینکه راجع بیك شخص باشد . دراین مواردبرای هرادعائی باید عرضحال مخصوصی داده شود .

مادهٔ ۱۸۸- عرضحال رامی‌توان شخصاً بمحکمه داد یا بتوسط وکیل یاپست فرستاد وکالت وکیل را در دادن عرضحال می‌توان روی خود عرضحال قیدکرد .

مادهٔ ۱۸۹- بواسطهٔ مرض یا بی‌سوادی ممکن است که‌کسی دیگر از طرف عارض عریضه را امضاء کند ولی این نکته باید در عرض حال یا جهت آن قید شود . و نیز هرگاه‌کسی از جانب دیگری عرضحال میدهد باید در عرضحال جهت‌حق عریضه دادن را صریحاً قید کند .

مادهٔ ۱۹۰- باید عرضحال بزبان فارسی نوشته شود ولی امضاء ممکن است بزبان غیرفارسی باشد دراینصورت مترجم محکمه یاکسیکه معروف‌محکمه است وزبان امضاء را می‌داند امضاء را تصدیق می کند .

مادهٔ ۱۹۱- مطالبی‌که بعرضحال ضمیمه می‌شود(۱) اسنادی‌که مدرك ادعای عارض است یا سواد سند مصدق آنها و در صورتیکه مدعی نخواهد که اصل یاسوادمصدق خودرا بعرضحال ضمیمه کند میتواند بعضی از فقرات یا نکات اسناد مذکوره را خارج نویس کرده ضمیمه نماید و یا مفاد سند را در عرضحال یا درورقه جداگانه بیان نماید (۲) هرگاه اسناد در زبان غیرفارسی نوشته شده باشد ومدعی اسناد مزبوره را بعرضحال ضمیمه کرده باشد باید ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسی نیز ضمیمه شود(۳) وکالتنامه وکیل در موقعی‌که او عرضحال میدهد .

مادهٔ ۱۹۲- درباب اسنادیکه ضمیمه می‌شود قواعد مفصله ذیل باید رعایت شود :

۱- باید درخود عرضحال یا درفهرست جداگانه نوشتجات واسنادیکه ضمیمه میشود صریحاً قید شود .

۲- هرگاه مدعی سوادسندی را بعرضحال خودضمیمه مینماید باید سواد مصدق باشد یاسوادی راکه متداعیین‌تصدیق کرده‌اند بمحکمه بدهند .

۳- درصورتیکه اسناد خیلی مفصل باشد مثل دفترتجارتی و امثال آن‌جاهائیکه‌مدرك عرض اوست ازدفتر خارج نویس‌کرده ضمیمه عرضحال می‌نماید .

مادهٔ ۱۹۳- مواردیکه عرضحال مسترد می‌شود از قرار ذیل است :

۱- وقتی‌که درعرضحال معین‌نیست‌که چه‌کس اقامه دعواکرده‌است ومدعی علیه‌کیست ومدعی به‌چیست‌ومدعی چه اقدامی را تقاضا میکند .

۲- وقتی‌که خود مدعی عرضحال را نداده و صلاحیت عریضه دهنده در دادن عریضه معلوم نیست .

۳- وقتی‌که قیمت مدعی‌به معین‌نشده است و بغیر از موردی است‌که تعیین‌آن ممکن نیست و یـا مدعی به مالی نیست . درکلیه این موارد عرضحال با توضیح جهت‌عدم قبول آن بصاحب آن مستقیماً (هرگاه خودش حاضرباشد) یاتوسط وکیل ویا با پست اعاده میشودکه عرضحال بطوریکه قانون تقاضـا میکند داده شود .

مادهٔ ۱۹۴- ازاین اقدام رئیس محکمه عارض میتواند درظرف دوهفته ازروز اعلام یا وصول عرضحالی‌که مسترد است بمحکمه استیناف شکایت نماید .

مادهٔ ۱۹۵- مواردیکه عرضحال را قبول کرده ولی بمجرای قانونی نمیاندازند از قرار ذیل است :

اولا - درصورتیکه مدعی‌محل‌اقامت مدعی علیه‌را معین نکرده یابطور مبهم‌نشان‌داده وقید هم نکرده است‌که محل اقامت مدعی علیه را نمی‌داند .

ثانیاً - وقتی که بعرضحال و سواد آن وسواد اسناد موافق قانون تمبر الصاق تمبر نشده است .

ثالثاً - درمواردیکه اسناد یا سوادهای مذکوره در عرضحال یا در فهرستی‌که ضمیمه عرضحال شده‌است نباشد .

رابعاً - وقتیکه مخارج اعلان یا مخارج لازم دیگری تأدیه نشده باشد .

خامساً - هرگاه محل اقـامت مدعی معین نشده بـاشد . در موارد چهار فقره اولی این ماده بمدعی نواقص عرضحال را اطلاع داده از روز ابلاغ هفت روز مهلت میدهندکه نواقص مزبوره را رفع نماید و هرگاه نکرد عرضحـال را بصاحبش مسترد میدارند . پس ازآن تجدید اقامه دعوا مستلزم تجدید عرضحال است در مورد فقره آخری اعلانی درباب اینکه عریضه بمجرای قـانونی نیفتاده نوشته شده در اطاق پذیرائی محکمه در مدت یکماه بدیوار نصب می‌شود و عرضحال بامنضمات آن در دفترخانه محکمه بطور امانت می‌ماند تا صاحبش پیدا شود .

مادهٔ ۱۹۶- بعد ازاینکه عرضحال قبول و بمجرا افتاد رئیس محکمه کار را موافق نوبت مقرره بیکی ازاعضاء می‌سپاردکه در تحت نظارت اومقدمات‌کار تهیه شود و عرضحال را بامنضمات‌آن بدفترخانه محکمه برای اقدامات لازمه میفرستد .

تنبیه - ترتیب جریان کار در دفترخانه و ترتیب دوسیه و غیره در نظامات داخلی محاکم مقرر است .

فصل چهارم

در تقویم مدعی به

مادهٔ ۱۹۷ ـ قیمت مدعی به مبلغی است که در عرضحال قید شده است .

مادهٔ ۱۹۸ ـ تقویم مدعی به بترتیب ذیل بعمل میآید :

۱ ـ درصورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعی به عبارت است ازوجه نقد مذکور درعرضحال بعلاوه خسارتی که از تعویق تأدیه آن تا روز اقامه دعوا برداین واردشده است لیکن اثبات مدعی به دایم الملازمه باثبوت خسارت نیست .

۲ـ دردعاوی راجعه باموال غیرمنقوله قیمت مدعی به مبلغی است که مدعی معین کرده و مدعی علیه درجلسه اول محاکمه آن مبلغ را تکذیب نکرده است .

۳ـ دردعاوی چندنفر مدعی که هریك یك قسمت ازکل رامطالبه می نمایند قیمت مدعی به مساویست با حاصل جمع تمام قسمتهائیکه مطالبه میشود .

۴ـ در دعـاوی که موضوع آن حقوقی است کـه بمواعد معین پرداخته می شود مثل مال الاجاره ووجه کرایه وغیره قیمت مدعی به حاصل جمع تمام اقساطی است که مطالبه میشود هرگاه تأدیه حق مزبور محدود بزمان معین نباشد یا مادام العمر باشد قیمت مدعی به مساویست بحاصل جمع آنچه که بایددرظرف ده سال کار سازی شود .

مادهٔ ۱۹۹ ـ درمواردیکه مابین متداعیین درتعیین قیمت اموال غیر منقوله که موضوع ادعااست منازعه واختلافی حاصل شود حد وسط قیمت هائیکه متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب خواهدشد یعنی قیمتی راکه مدعی ومدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع راتنصیف مینمایند هرگاه موضوع اختلاف مابین اظهارات متداعیین زیاد باشد یا درصورتیکه ازبرای محکمه تردیدی درباب قیمت واقعی مدعی به غیرمنقول حاصل شود به تحقیقات محلی واستعلام عقیده اهل خبره محکمه قیمت واقعی رامعین میکند .

فصل پنجم

دراقدامات محکمه قبل ازرسیدگی بدعوا

مبحث اول

احضار بمحکمه وابلاغ احضار نامه

مادهٔ ۲۰۰ ـ درروی عرضحال که قبول شده است رئیس محکمه حکم احضار مدعی علیه را

میدهد هر گاه محل اقامت مدعی علیه معین باشد بتوسط احضاریه احضار میشود والا بتوسط اعلان درمطبوعات .

مادهٔ ۲۰۱ ـ احضاریه دردو نسخه نوشته‌شده و نکات مشروحه ذیل را حاوی است :

۱ ـ تاریخ ۲ ـ اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت مدعی ومدعی علیه ۳ ـ اسم مأمور احضار ٤ـ موضوع ادعا ٥ ـ تعیین محکمه که رسیدگی خواهد نمود ٦ ـ موعد احضار ۷ ـ نتیجه عدم حضور مدعی علیه موافق قانون. هر گاه دراحضاریه رعایت نکات مفصله نشده باشد احضاریه باطل است وحکم بطلان باید ازمحکمهٔ که احضاریه فرستاده است داده‌شود .

مادهٔ ۲۰۲ ـ احضارنامه باسواد عرضحال مدعی وسواد نوشتجات واسناد (درصورتیکه بعرضحال ضمیمه شده‌باشد) بمدعی علیه درمحلی که مدعی نشان داده‌است ابلاغ میشود .

مادهٔ ۲۰۳ ـ هر گاه مدعی علیه درحوزه همان محکمه اقامت داشته باشد که اورا احضار میکند احضار نامه بتوسط مأمور احضار ابلاغ میشود واگر درحوزهٔ محکمه دیگری است احضار نامه توسط آن محکمه ابلاغ میشود. واگر مدعی علیه درجائی باشد که محکمه نداشته باشد احضار نامه بتوسط اداره پلیس محل ابلاغ خواهد شد. احضارنامه راجعه بمدعی علیه که درخارجه اقامت دارد بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود .

مادهٔ ۲۰۴ ـ احضارنامه بامنضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود وهر گاه مشارالیه درمنزل خود نباشد بیکی ازاهل خانه یا کسان او که متصدی امور او هستند تبلیغ میشود . واگر اشخاص مذکوره نباشند یا نخواهند رسید بدهند مأمور احضار درشهر یك نسخه‌را باداره نظمیه یا کمیسری محل ودرده به کدخدا تسلیم کرده درنسخه ثانی رسید میگیرد .

مادهٔ ۲۰۵ ـ مأمور احضار درحین ابلاغ احضارنامه بمدعی علیه تاریخ ابلاغ رادرنسخهٔ احضارنامه که ابلاغ میکند قید کرده رسید درنسخه ثانوی احضارنامه میگیرد . ودرنسخه ثانوی نیز تاریخ ابلاغ رایادداشت میکند . هر گاه گیرنده احضارنامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد این نکته‌را مأمور درنسخهٔ ثانوی احضارنامه باجهت آن یادداشت میکند .

مادهٔ ۲۰۶ ـ مأمور احضار میتواند درمواقع لازمه یك یا دو نفر شاهد ازاهل محل ویا ازاداره نظمیه محل باخود همراه بردارد که درصورت امتناع مدعی علیه ازقبول احضارنامه ازمراتب مطلع و شاهد باشند .

این نکته درنسخه دیگر احضارنامه قید وبامضای شهود میرسد .

مادهٔ ۲۰۷ ـ احضارنامه رامیتوان بمدعی علیه درخارج خانه او وهم ابلاغ کرد .

مادهٔ ۲۰۸ ـ دعاوی راجعه بشرکت‌ها مطلقاً احضارنامه ها بمدیر یامباشر امور تسلیم میشود. وهمچنین در دعاوی راجع بورشکسته یك نسخه احضارنامه بکسی ابلاغ می‌شود که بحکم

محکمه مأمور اداره کردن امور مفلس است و دیگری بخود مفلس و در نسخه ثالث ورابع رسید گرفته میشود .

مادهٔ ۲۰۹ ـ درصورتیکه مدعی علیه یکی از ادارات رسمی باشد احضارنامه برئیس آن اداره ابلاغ میشود . وهرگاه رئیس مذکور احضارنامه راقبول نکند یاغایب باشد احضارنامه بامین صلح محل یا مدعی العموم محکمه ابتدائی ابلاغ ومشارالیه یک نسخه احضارنامه را گرفته نسخه ثانوی را امضا می کند .

مادهٔ ۲۱۰ ـ اسامی اشخاصی که احضار میشوند اعلان شده ودراطاق انتظار محکمه بدیوار نصب میشود . واین اعلان تاروزیکه برای حضور احضار شونده درمحکمه مقرراست باید دراطاق مذکور بماند .

مادهٔ ۲۱۱ ـ مأمور احضار نمی تواند درموارد ذیل ابلاغ احضارنامه نماید :

۱ ـ باشخاصی که اسلاف یااعقاب اوهستند .

۲ ـ به برادر و خواهر و برادرزاده وخواهر زاده وغیره تا اقربای درجه سیم .

۳ ـ بعیال واقربای عیال خودتادرجه سیم (٤) بمخدوم وخدمه سابق (٥) درمضان تهمت .

مادهٔ ۲۱۲ ـ هرگاه مدعی علیه بموجب احضارنامهٔ اولیه حاضرنشد دراحضارنامه دوم باید این مطلب صریحاً قیدشود .

مادهٔ ۲۱۳ ـ درصورتی که احضارنامه موافق مقررات این فصل ترتیب یاتبلیغ نشود بحکم محکمه که احضاریه فرستاده است ازدرجه اعتبار ساقطاست .

مادهٔ ۲۱۴ ـ درصورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه رامعین کند بتوسط اعلان درمطبوعات احضار میشود .

مادهٔ ۲۱۵ ـ هرگاه در عرضحال مدعی اشاره شده است که مدعی علیه درفلان جای ایران اموال غیرمنقولی دارد علاوه براعلان مذکور در ماده قبل احضارنامه را برای مباشر یامستأجرعلاقه مدعی علیه نیزمیفرستد .

مادهٔ ۲۱۶ ـ احضارمدعی علیه درمطبوعات سه دفعه متوالی بایداعلان شود . مقصود ازمطبوعات روزنامه‌های رسمی یانیم رسمی پایتخت وولایات است وهمچنین بعضی ازروزنامه‌هائیکه بزبان خارجه طبع میشودولی بمیل مدعی اعلان درسایرجراید هم که زیاد منتشرمیشود جایز است جزآنکه مخارج اعلان درروزنامه‌جات غیررسمی جزوخسارت مدعی درصورتیکه ذیحق شودمحسوب نخواهد شد مضمون اعلان درروزنامه‌ها همان مضمون احضارنامه است بافهرست اسنادیکه مدعی بعرضحال خودش ضمیمه کرده .

تنبیه ـ وزیر عدلیه در اول هرسال مطبوعاتی را که بزبان خارجه منتشر

میشود واعلانات عدلیه باید در آن درج شود معین کرده در روزنامه‌های رسمی ونیم رسمی اعلان میدارد .

مبحث دوم

موعد احضار بمحکمه

مادۀ ۲۱۷ـ مواعد مفصله برای حضور متداعیین در محکمه مقرر است :

۱ـ هر گاه اشخاصی که احضار میشوند در ایران اقامت داشته باشند دو هفته و در موارد فوری باجازه رئیس محکمه که درروی عرضحال باید قید شود احضارمدعی علیه زودتر هم ممکن است .

۲ـ هر گاه درخارجه اقامت داشته باشد . برای ممالك دول همجوار دوماه و ممالك دول غیرهمجوار سه ماه و برای ممالك بعیده مثل (آمریکا) واقصای شرق و غیره چهارماه .

مادۀ ۲۱۸ـ مواعد مفصله درفقره اول ودوم ماده قبل از روزابلاغ احضارنامه بمدعی علیه محسوب میشود واز برای اشخاصیکه درایران هستند بهرچهار فرسخ مسافت اقامتگاه مدعی‌علیه تامقرمحکمه یکروز اضافه میشود. موعد مذکور درفقره سوم ازروزطبع آخرین اعلان‌درمطبوعات‌محسوب میشود .

مادۀ۲۱۹ـ هر گاه مدعی بعدازاعلان درمطبوعات ازمحل‌اقامت مدعی‌علیه مطلع شد میتواند خواهش فرستادن احضارنامه بنماید ودراینصورت مواعد موافق فقره اول ودوم ماده (۲۱۷) معین میشود .

مادۀ ۲۲۰ـ درصورت احضار چند نفر مدعی علیه بموجب یك عرضحال طویلترین موعد احضارکه درباره یکنفر ازآنان باید قانوناً معین شود شامل تمام آنان شده و دریك موعد احضار میشوند .

مادۀ۲۲۱ـ هر گاه احضارشونده‌درخارجه اقامتگاه‌دائمی‌داشته ودرایران احضارنامه باوتبلیغ شود موعداحضارموافق فقره‌اول مادۀ(۲۱۷)خواهد بودمگراینکه محکمه باقتضای موقع برموعد احضار بیفزاید .

مادۀ ۲۲۲ـ درصورتیکه قواعد راجعه باحضار رعایت نشده واین عدم رعایت باعث بطلان احضارنامه وتجدید موعد بشود طرفی که‌ازنقض‌قواعد احضارمتضررشده‌میتواند‌ازکسی که باعث خسارت شده تمام خسارت خود را مطالبه وبعد ازثبوت دریافت نماید .

مبحث سوم

در حضور بمحکمه و انتخاب محل اقامت

مادهٔ ۲۲۳ـ در موعد مقرر متداعیین باید خود یاوکیلشان درمحکمه حاضر شده در دفترخانه محکمه محل اقامت خود را معین کنند .

مادهٔ۲۲۴ـ کلیه نوشتجات راجعه بمتداعیین ازمحکمه بمحل اقامتی که معین کرده‌اند فرستاده میشودومادام که تغییرمحل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده‌اند نمیتوانند بعدم اطلاع ازمفاد نوشتجاتی که باقامتگاه اولی آنان فرستاده شده معتذر شوند .

مادهٔ ۲۲۵ـ هرگاه متداعیین یاوکلای آنها محل اقامت خودشان رامعین نکنندکلیه نوشتجات راجعه بآنان دردفترخانه محکمه می‌ماندومتداعیین نمیتوانندبعدم اطلاع ازمفادآن نوشتجات معتذر شوند .

مبحث چهارم

در مقدمات کتبی دعوا

مادهٔ ۲۲۶ـ درموعدیکه برای حضور درمحکمه معین شده‌است مدعی‌علیه بایدجواب کتبی بادعای مدعی (بعرضحال او) بدهد و دراین جواب صریحاً قید میشودکه مدعی علیه ادعای مدعی ودلایل اورا قبول یا ردمیکند درصورت ردمدعی‌علیه میتواند اوضاع واحوال و دلایلی راکه دارد کتباً تصریح کند. درباب تقدیم اسناد مدعی‌علیه موافق‌فقره اول ودوم وسوم مادهٔ (۱۹۱) وتمام فقرات مادهٔ(۱۹۲) رفتار خواهدکرد .

مادهٔ ۲۲۷ـ بعد ازوصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات بمدعی ابلاغ شده جلسه رسیدگی معین و بطرفین اعلام میشود .

مادهٔ ۲۲۸ ـ هرگاه مدعی علیه در رأس موعد مقرر جواب نداد مدعی میتواند از رئیس‌محکمه تعیین‌جلسه رسیدگی‌فوراً بخواهد ومدعی‌علیه بااحضارنامه برای‌جلسه رسیدگی احضار میشود .

مادهٔ ۲۲۹ - همین که کاری بجلسه رسیدگی محول شد دردفتری که نوبت رسیدگی کارها را معین می کنند ثبت می شود .

فصل ششم

در رسیدگی بدعوا

مادهٔ ۲۳۰ - قرائت راپورت عذر محکمه و مذاکرات طرفین در جلسه علنی محکمه بعمل می آید .

مادهٔ ۲۳۱ - هرگاه رسیدگی علنی منافی بااصول مذهبی یانظام اجتماعی (مخل امنیت و آسایش عمومی) یامضر باخلاق حسنه باشد محکمه بصوابدید خود وتصدیق مدعی العموم میتواند مشاوره نموده قرار جلسه سری را بدهد ، این قرار محکمه در دفتر محکمه ثبت و علانیه اعلام می شود .

مادهٔ ۲۳۲ - همچنین جلسه محکمه را بتراضی طرفین یابتقاضای یکطرف میتوان سری نمود بشرطی که محکمه خواهش آنان راموافق مادهٔقبل بداند ومدعی العموم موافق باشد .

مادهٔ ۲۳۳ - قرار محکمه درباب سری بودن جلسه همیشه بعدازاظهار عقیده مدعی العموم درآن باب بعمل می آید .

مادهٔ ۲۳۴ - راپورت کار راعضو محکمه بموجب اسناد یا دلائلی که طرفین در عرضحال و جواب بر عرضحال کتباً بمحکمه تقدیم کرده اند میدهد ولی بهیچ وجه مجاز نیست که اظهار عقیده نماید .

مادهٔ ۲۳۵ - بعد ازراپورت مزبورمذاکرات طرفین شروع می شودهرگاه یکطرف حاضر نباشدطرف دیگرمی تواند توضیحات شفاهی خود رابدهد .

مادهٔ ۲۳۶ - مذاکرات طرفین عبارتست ازاینکه اول مدعی و بعد مدعی علیه تقاضای خودشان رابیان کرده اوضاع واحوال ودلایل آنراذکرمیکنند .

مادهٔ ۲۳۷ - درمذاکرات شفاهی هریك ازمتداعیین میتوانند دلایل تازهٔ که درلوایح کتبی خودشان ذکر نکرده اند اقامه کنند ، درصورت اظهار اوضاع واحوال جدیدی که درلوایح طرفین ذکرنشده یااقامه دلایل جدیدی برای ثبوت مطلب طرف مقابل میتواند استمهال نموده تأخیر جلسه را خواهش کند .

مادهٔ ۲۳۸ ـ مدعی میتواند تقاضای اولی‌خود را که درعرضحال تصریح کرده کم و کسر کندولی بهیچوجه نمیتواند آنرا زیاد کند یاماهیت ادعای خودرا تغییردهد ویاکلیتاً تقاضائی‌بکند کهازعرضحال اومستقیماً مفهوم وحاصل نیست .

مادهٔ ۲۳۹ ـ موارد مفصله تغییر ماهیت ادعاء یاتقاضا حساب نمی‌شود :

(۱) وقتی‌که مدعی موضوع‌ادعای خودرا واضحتر معین‌و محدودمی‌کند .

(۲) وقتی که مدعی اجرت‌المثل وخسارت خودرامعین وعلاوه می‌کند .

(۳) درصورت نقدیا فروش اموال مدعی که مشارالیه قیمت‌آنرا ازمدعی علیه می‌خواهد .

مادهٔ ۲۴۰ ـ درصورتی که مدعی‌بخواهدتغییر درماهیت تقاضای‌خود بدهد باید مراتب‌را کتباً درهمان جلسه‌بمحکمه اظهار کند .

مادهٔ ۲۴۱ ـ رئیس محکمه وبا اجازه اواعضای محکمه می‌توانند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفی‌توضیحات لازمه‌راخواسته تقاضای‌جواب صریح‌دررد یاقبول اوضاع واحوال دلایل واسناد بنمایند .

مادهٔ ۲۴۲ ـ درصورتی که دریك ادعاچند تقاضاشده باشدواختلاط آنهابا یکدیگر باعث اشکال‌رسیدگی‌شود محکمه‌میتواند آن‌چندتقاضارا از همدیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات‌خودشان‌را نسبت‌بهر‌تقاضائی جداگانه بدهند .

مادهٔ ۲۴۳ـ دراثناءمذاکرات شفاهی رئیس‌محکمه‌تکلیف صلح‌بطرفین‌می‌کند وهرگاه‌طرفین مصالحه نمودند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد و مفاد آن غیر قابل استیناف است .

مادهٔ ۲۴۴ ـ هرگاه مصالحه نشد مذاکرات طرفین امتداد می‌یابد و همین که رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلایل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم می‌کند .

مادهٔ ۲۴۵ ـ مدرك‌حکم محکمه دلایل کتبی‌است که‌طرفین‌بمحکمه‌تقدیم‌می‌کنندوهمچنین دلایل‌شفاهی آنان که درحین مذاکره شفاهی اظهار می‌دارند ودرصورت مجلس‌نوشته شده بامضای طرفین می‌رسد .

مبحث دوم

دردعوای‌متقابل

مادهٔ ۲۴۶ ـ مدعی علیه حق دارد که در مقابل ادعای مدعی اقامه دعوا نماید و چنین

دعوی را در صورتی که مربوط بدعوی اولی (اصلی) بـاشد دعوی متقـابل نامند وبدان دعوی درهمان محکمه بادعوی اصلی رسیدگی می‌شود مگراینکه دعوی متقابل‌نوعاً ازصلاحیت محکمه خارج باشد .

مادهٔ ۲۴۷ - درصورتی که ادعای مدعی علیه درمقابل ادعای مدعی دعوای متقابل نباشد یاباشد ولی رسیدگی به‌آن دعوی خارج ازصلاحیت آن محکمه باشد محکمه بادعای مدعی علیه‌در ضمن دعوای اصلی رسیدگی نمی‌کند بلکه‌باید مدعی‌علیه درهمان محکمه یامحکمهٔ که صلاحیت دارد علیحده اقامه دعوی نمـاید .

مادهٔ ۲۴۸- دعوی متقابل لااقل درجلسه اولی محکمه اقامه می‌شود .

مادهٔ ۲۴۹- هرگاه درجلسه‌محکمه اقامه دعوی متقابل‌شد جلسه رسیدگی‌را بخواهش یکی ازطرفین می‌توان بتأخیرانداخت درصورت تأخیررسیدگی رئیس محکمه مدتی را ازسه روز الی یکهفته معین می‌کندکه مدعی علیه عرضحال کتبی داده اسناد ودلایل خودرا بمحکمه ابراز نمـاید .

مبحث سوم

عقیدهٔ مدعی العموم

ماده ۲۵۰- مداخلهٔ‌مدعی‌العموم درمحاکمه‌حقوقی‌درمواردی‌است که‌در باب‌دوم‌قانون موقتی تشکیلات عدلیه مقرراست مواد (۱۲۲)الی(۱۴۴) قانون مزبور .

مادهٔ ۲۵۱- درجلسه رسیدگی بعد ازراپورت عضومخبرومدافعه طرفین‌مدعی‌العموم عقیده خود را اظهـارمیدارد ومفاد عقیده مشارالیه درصورت مجلس قید می‌شود .

فصل هفتم

درترتیبات اختصاری‌محاکمه

مادهٔ ۲۵۲- هرگاه متداعیین تراضی نمایند و محکمه هم مانعی نداشته باشد کلیه دعاوی را می‌توان بترتیبات اختصاری رسیدگی نمود .

مادهٔ ۲۵۳- علاوه بر ماده قبل درموارد مفصله ذیل قواعد محاکمه اختصاری باید رعایت شود :

۱- دعاوی حاصله ازمعاملات وقراردادهائیکه موضوع آن وجه یا اموال منقوله باشد وهمچنین اجاره واستیجاره خانه وانبارودکاکین وامثال آن .

۲ - ادعای خسارت ازبابت خسارات وارده براموال منقوله کسی .

۳- ادعای خسارت وارده براموال غیرمنقوله وبصرف عدوانی کسی دراموال غیرمنقوله دیگری درصورتیکه حق مالکیت مدعی دراموال غیرمنقوله ثابت باشد .

۴- منازعات واختلافاتی که ازاجرای احکام محاکم حاصل میشود .

۵- دعاوی راجعه بامتیازاتی که برای استکشافات واختراعات داده شده است .

مادهٔ ۲۵۴- درمحاکم اختصاری رئیس محکمه بموجب عرضحال روزجلسه رسیدگی را معین میکند وطرفین احضار میشوند . این موعد باید طوری معین شودکه مابین ابلاغ احضارنامه وروزرسیدگی کمتر ازیکهفته وبیشتر ازدوهفته نباشد . بموعد مزبور مدت مسافت هم اضافه میشود .

مادهٔ ۲۵۵- در امورفوریه اگرمسافت اقامتگاه مدعی علیه ازمحکمه بیش ازچهار فرسخ نیست رئیس می‌تواند روزجلسه را زودترازموعدیکه درماده قبل مقررشده معین نماید وحق داردکه طرفین را برای اول جلسه محکمه که بعد ازروزابلاغ احضارنامه خواهد شد احضار کند .

مادهٔ ۲۵۶- مدعی باید تمام اسناد خود یا سوادآنها را با عرضحالی که می‌دهد تقدیم کند و مدعی علیه باید تمام اسناد خود را در اول جلسه محاکمه که حاضر می‌شود ابراز نماید .

مادهٔ ۲۵۷ - در صورتیکه مدعی نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را تقاضا کند وهرگاه محکمه این خواهش مدعی علیه را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکند و تأخیرآن جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین .

مادهٔ ۲۵۸- مدعی نیزمی‌تواند تعویق جلسه را بخواهد ولی فقط درصورتیکه مدعی علیه اقامه دلایلی کندکه تکذیب آن برای مدعی مقدورنباشد مگر بارائه اسناد جدیدی . در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسهٔ دیگری معین می‌شود وتعویق جلسه دیگر جایزنیست مگربتراضی طرفین . هرگاه محکمه یقین حاصل کندکه دعوی پیچیده و مشکل

بوده و بمرافعات شفاهی توضیح نمیشود میتواند بطرفین تکلیف کند که هر کدام در اوراق کتبی تقاضا ودلایل خودشان را بمحکمه تقدیم کنند .

مادهٔ ۲۵۹ـ سایر ترتیبات محاکمه اختصاری مثل ترتیبات محاکمه عادی است .

فصل هشتم

دردلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

مادهٔ ۲۶۰ ـ مواد عمومی راجع بدلایل وتأمین دلایل و امارات بترتیبی است که درمواد (۵۶) الی (۶۷) این کتاب مقرراست .

مبحث دوم

در تحقیقات ازاهل محل

مادهٔ ۲۶۱ـ درموارد منازعات راجعه بمساحت وحدود ملکی درصورتیکه یکی از طرفین یا هردوطرف باطلاع اهل محل متمسك شوند ولواینکه بطورکلی ذکرکنند واسامی مطلعین را نبرند محکمه میتواند تحقیقات محلی بعمل آورد .

مادهٔ ۲۶۲ـ برای اجرای تحقیقات محلی محکمه یکی ازاعضای خودرا مأمورنموده وقت تحقیقات را مستقیماً یا بتوسط ادارهٔ نظمیه محل بطرفین اطلاع میدهد .

مادهٔ ۲۶۳ـ طرفین میتوانند بعد ازورود عضومحکمه بمحل درباب تحقیقات ازاهل محل تراضی بانتخاب اشخاصی نمایند که درمحل ساکن یامقیمند ونیزمیتوانندد رمحل تراضی نموده حل مسئله را بتصدیق مصدقین که مرضیاً انتخاب کرده اند واگذار نمایند .

مادهٔ ۲۶۴- عضومحکمه صورت اشخاصی راکه متداعیین انتخاب کرده‌اند مرتب نموده بامضاء طرفین میرساند .

مادهٔ ۲۶۵- درصورت عدم تراضی طرفین درانتخاب اشخاص عضومحکمه اقدام باستماع مطلعینی که طرفین یا یکی ازآنان باومعرفی مینمایند میکند . طرفین حق دارند که مطلعین یکدیگررا درموارد مفصله رد کنند :

۱- درصورتیکه یکی ازمطلعین خادم یا مخدوم یکی ازطرفین است .

۲- اشخاصیکه با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارند یا قیم یا مباشر یا وکیل یکی ازطرفین هستند ویا یکی از متداعیین محاکمه دارند یا در قضیه ذی نفعند .

مادهٔ ۲۶۶- ترتیب استعلام واجرای تحقیقات ازاشخاص مذکوره درماده‌قبل بطوری است که برای شهود مقرراست وباید بقید التزام کتبی متعهد شوندکه موافق حقیقت امر و حقانیت اطلاعات خود را اظهار کنند .

مادهٔ ۲۶۷- عدم حضورمتداعیین مانع ازاجرای تحقیقات نخواهد بود .

مادهٔ ۲۶۸ - تعیین صحت و اعتبار تحقیقات محلی منوط بنظرمحکمه است مگر در مواردی که طرفین تراضی درانتخاب اشخاص نموده وحل مسئله را فقط بتصدیق آنهاواگذار کرده‌اند .

مبحث سیم

دراسناد کتبی

اول درترتیب ابرازوخواستن اسناد کتبی

مادهٔ ۲۶۹- اسنادکتبی عبارتست ازکلیه نوشتجات طرفین اعم ازاینکه رسمی باشد یا عادی .

مادهٔ ۲۷۰- هرگاه طرفی سندی ابرازکندکه درآن سند بسند دیگری رجوع‌شده باشد طرف مقابل حق دارد ابرازآن سند دیگررا هم بخواهد .

مادهٔ ۲۷۱- هرکدام از متداعیین حق دارند ابرازاصل اسناد طرف را بخواهند

مگر اینکه طرف مقابل ثابت نماید که اصل سند مفقود شده است و تحصیل آن بهیچوجه ممکن نیست .

مادهٔ ۲۷۲ ـ هر گاه سندی مدرك ادعا یا اظهار یکی ازطرفین بوده در نزد طرف مقابل باشد بتقاضای طرف بایدآن سند ابرازشود . ودراینصورت طرفی که ابرازسند را از طرف مقابل تقاضا میکند باید صریحاً اظهار کند که چه سندی را میخواهد وجهت ادعای او که آن سند درنزد طرف مقابل است چیست .

مادهٔ ۲۷۳ ـ درمورد ماده قبل در صورتیکه طرف مقابل اعتراف وجود سند را در نزد خود نموده ولی امتناع ازابرازآن نماید محکمه میتواندآن سند را ازجمله دلایل مثبته مسئله بداند .

مادهٔ ۲۷۴ ـ درموارد دعاوی راجعه باموورتجارتی وحرفتی هر گاه طرفی اشاره بدفاتر واسناد شرکتی بکند دفاترواسناد مزبوره باید درمحکمه ابرازشود . درصورتیکه تسلیم دفاتر واسناد مزبوره درمحکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مأمور مینماید که با حضورطرفین دفاترواسناد مزبوره را معاینه وآنچه لازم است خارج نویس نماید .

مادهٔ ۲۷۵ ـ هر گاه ابرازتمام سند یااظهارعلنی مفادآن درمحکمه بـرای یکی از متداعیین یا شخص ثالثی یا ادارهٔ دولتی بملاحظات شخصی یا دولتی صحیح یامناسب نباشد محکمه یکی ازاعضای خود را مأموریت میدهد که با حضورطرف یا طرفین آن سندرامعاینه وفقط آنچه راکه لازم وراجع بکاراست خارج نویس نماید .

مادهٔ ۲۷۶ ـ برای تحصیل اصل سند یـا اطلاعات دیگری که راجع بمسئلهٔ متنازع فیها و درادارات دولتی یا نزد مستخدمین دولتی است ازمحکمه تصدیقی بتقاضا کننده داده میشود که فلان سند یا فلان اطلاع درفلان موعد لازم است .

مادهٔ ۲۷۷ ـ ادارات ومستخدمین دولتی باید فوراً سواد مصدق اسناد رابا اطلاعات لازمه بشخصی که تصدیق نامـه محکمه را ابراز میکند بدهند چه خواهش اوشفاهی باشد چه کتبی .

تنبیه ـ بدون ابرازتصدیق نامه هم ادارات واشخاص مذکوره مکلفند که اطلاعات لازمه وسواد مصدق اسناد را بشخصی که تقاضا میکند بدهند ولی تقاضا باید کتبی باشد .

مادهٔ ۲۷۸ ـ هر گـاه ابرازاصل اسناد لازم باشد ادارات و اشخاص مذکوره درماده (۲۷۶) بعد ازابرازتصدیق نامه محکمه اصل اسناد را مستقیماً بخودمحکمه میفرستند . فرستادن دفاترامورجاریه بمحکمه لازم نیست . استخراج ازآن دفاتر درصورتیکه مصدق بتصدیق اداره باشدکافی است .

مادهٔ ۲۷۹ـ هرگاه یکی ازمتداعیین ازبابت دعوی جنحه وجنایت ادعای خسارتی نمایدکه رجوع به دوسیه آن جنحه وجنایت لازم باشد باید دوسیه مزبور بمحکمهٔ که تقاضای آنرا کرده است فرستاده شود .

مادهٔ ۲۸۰ـ هرگاه ادارات ومستخدمین دولتی نتوانند درموعدی که محکمه معین کرده است اسناد یا اطلاعات لازمه را بدهند تصدیقی بتقاضا کننده داده تصریح مینماید که برای چه تاریخ اسناد یا اطلاعات را خواهند داد و بموجب این تصدیق محکمه موعد جدیدی برای رسیدگی معین میکند .

دوم - دراعتبار اسناد کتبی

مادهٔ ۲۸۱ ـ محکمه نمیتواند هیچ سندی را بدون مداقه در مفاد آن و بدون دلیل رد کند .

مادهٔ ۲۸۲ـ اسنادیکه راجع بمعاملات وتعهدات وتقبلات میباشد بردونوع است: اسناد رسمی وعادی . اسناد رسمی ازقرارتفصیل ذیل است :

۱ـ اسنادیکه دراداره ثبت اسناد بطوریکه قانون معین کرده ثبت یاتصدیق شده باشد.

۲ـ تسجیلات وتصدیقات محاضر شرعیه که مراجع عدلیه‌اند دراموورراجعه بآنها .

۳ـ تصدیقات محاکم عدلیه در صورتیکه خارج از صلاحیت آنها نباشد و همچنین تصدیقات ادارات دولتی دراموری که راجع بآنهااست درصورتی که تصدیق خارج ازصلاحیت آنها نباشد .

مادهٔ ۲۸۳ـ اسناد عادی سندی است که غیر از اسناد رسمی باشد .

مادهٔ ۲۸۴ـ اسناد رسمیه درحق طرفین ووارث وقایم مقام آنها معتبراست تااندازهٔ که قانون معین کرده (رجوع بقانون ثبت اسناد و مواد آتیه) .

مادهٔ ۲۸۵ـ اسنادعادی دردومورد اعتباراسناد رسمی راداشته دربارهٔ طرفین معاهدین وورات وقایم مقام آنان معتبر است :

اولاـ درمواردی که اسناد مزبوره را طرفی که برعلیه آن اقامه‌شده‌است تصدیق نماید .

ثانیاًـ درصورتیکه در محکمه ثابت شود که‌سندمزبورراطرفی که‌ردکرده‌است‌فی‌الواقع امضاء ومهرنموده است .

مادهٔ ۲۸۶ـ اظهارشك وترديد واظهار بی‌اطلاعی نسبت باسناد رسمی پذیرفته نیست و

فقط میتوان ادعای جعلیت نسبت باسناد مذکوره نمود ویا ثابت نمود که اسناد مذکوره بجهتی ازجهات قانونی ازاعتبارافتاده است .

مادهٔ ۲۸۷ـ اظهار شك وتردید نسبت باسناد عادی جایزاست مگرازطرف شخصی که باسم او آن سند نوشته شده ومهر وامضای اورا دارد نسبت باین نوع اسناد نیز فقط ادعای جعلیت پذیرفته است .

مادهٔ ۲۸۸ـ هر گاه رعایت قانون تمبردراسنادی که موافق قانون مزبور بایستی تمبر شده حق تمبررا بپردازد نشده باشدعدم رعایت قانون مزبور باعث ردآن اسناد درمحاکم عدلیه نمیتواند بودولی درصورتیکه حق قانونی تمبراین نوع اسنادتأدیه نشده باشد محکمه موافق قانون تمبرمجازات خاطی را معین میکند .

مادهٔ ۲۸۹ـ سواداسناد درصورتیکه بتوسط ادارات یا اشخاصی که صلاحیت تصدیق را دارند تصدیق شده باشد حکم اصل سند را دارد مگردرمواردی که طرف مقابل عدم تطابق سوادرا بااصل دعوی ثابت نماید .

مادهٔ ۲۹۰ـ درمواردیکه سواد مصدق حکم اصل سند را داردبجای اصل اسنادپذیرفته است مگردر مواردیکه قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکند .

مادهٔ ۲۹۱ـ اسنادیکه درممالك خارجه موافق قوانین آن ممالك نوشته شده است در محاکم عدلیه ایران اسناد قانونی شناخته میشود مادامیکه مفاد آنها مخالف باقوانین ایران نباشد مگرآنکه اعتبارآنها تکذیب وبدرجه ثبوت برسد .

مادهٔ ۲۹۲ـ درموردماده قبل اسنادیکه درممالك خارجه نوشته شده است فقط درصورتی درمحاکم عدلیه ایران پذیرفته است که (اولا) سفارت یا قونسولگریهای ایران درخارجه تصدیق کرده باشند که اسنادمذکوره موافق قوانین مملکت متوقف فیهای آنان نوشته شده است و(ثانیاً) مفاد اسناد مذکوره برخلاف قوانین ایران نباشد .

مادهٔ ۲۹۳ـ دفاترتجارتی درمورد دعوای تاجری برتاجری درصورتیکه این دعوی ازمحاسبات ومطالبات تجارتی حاصل شده باشد دلیل حساب میشود .

مادهٔ ۲۹۴ـ دفترتجارتی درمواردمفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود(اولا) درصورتیکه مدلل شودکه اوراق جدیدی بدفترداخل کرده‌اند یا دفترتراشیدگی دارد. (ثانیاً) وقتی که دردفتربعضی بی‌ترتیبی واغتشاش کشف شودکه برنفع صاحب دفترباشد (ثالثاً) وقتی که تاجر بموجب همان دفترسابقاً اقامه دعوی را درباب طلبی نموده و مدلل شده است که تأدیه طلب اوشده‌است ودرادعای خودبیحق است. (رابعاً) وقتی که بحکم محکمه صاحب دفترورشکسته بتقصیراعلام شده است .

(خامساً) در مواردیکه موافق قوانین تاجر مسلوب الحقوق اعلام شده است.در موارد مذکوره دفتر تجارتی که برنفع صاحب آن دلیل نمیشود برضرر اوسندیت دارد .

مادهٔ ۲۹۵- امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد برعلیه امضاکننده دلیل است .

مادهٔ ۲۹۶- هرگاه امضای اجرای تعهدی درخود تعهدنامه نشده ودر نوشته علیحده شده باشدآن نوشته برعلیه امضاکننده دلیل است در صورتیکه درنوشته مصرح باشدکه بکدام تعهد یا معامله مربوط است .

مادهٔ ۲۹۷- دراسناد رسمی تاریخ سند معتبراست ولی دراسناد عادی تاریخ سندفقط دربارهٔ اشخاصی معتبراست که درترتیب آنشرکت نموده‌اند وهمچنین دربارهٔ وراث وقایم مقام آنان . ولی سایراشخاصیکه ضرری برای خوددرآن اسناد تصورمینمایند میتوانند تاریخ سند راتردید یاتکذیب نمایند(رجوع بمادهٔ ۲۸۴ الی۲۸۷) .

مادهٔ۲۹۸- اسنادیکه درمحکمه ابرازمیشودومعتبرند ممکن‌است برنفع طرف مقابل دلیل باشد دراین موارد ابرازکننده سندحق ندارد ازسند خوداستنکاف نماید ویا ازمحکمه خواهش‌کند سند او راکان لم یکن فرض‌کنند .

مادهٔ ۲۹۹- اگر در حین ترتیب ویا بعد ازترتیب یا ردوبدل اسناد رسمی فیمابین چندنفر بعضی ازآنان مقاوله‌نامه مخفیانه منعقد نمایندکه نتیجه آن نسخ‌کلیه یابعضی ازمواد آن باشد مقاوله مذکوره فقط درحق اشخاصیکه آنرا امضایامهرکرده‌اندمعتبرخواهدبود و سایرین برعایت مفاد آن مجبور نمی‌باشند .

مبحث چهارم - در اقرار

مادهٔ ۳۰۰- اقرارکتبی است درصورتیکه دریکی از نوشتجات‌که بمحکمه داده شده است اظهار شده باشد . وشفاهی است درموردیکه درحین مذاکره در محکمه بعمل‌آید. در اقرارشفاهی طرفی‌که میخواهد ازاقرارطرف دیگراستفاده نماید باید ازمحکمه خواهش‌کند که مخصوصاً اقرارمزبور درصورت مجلس قید شود .

مادهٔ۳۰۱- هرگاه‌کسی اقراربامری نمایدکه دلیل حقانیت طرف‌است خواستن‌دلیل دیگربرای ثبوت آن حق لازم نیست .

مادهٔ۳۰۲- اگرمحکمه ازدلایل وشواهدعلم حاصل‌کرد باقرارشخصی درحکم اقرار شفاهی است .

مادهٔ ۳۰۳- اقرار یکی از شرکاء دلیل است فقط نسبت بشخصی که اقرار کرده وشامل سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند .

مادهٔ ۳۰۴- اقرار مدعی افلاس درامور راجعه باموال خود بملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء حکم نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین شود .

فصل نهم

در رسیدگی بصحت دلایل

مبحث اول - در مواد عمومی

مادهٔ ۳۰۵ - رسیدگی بدلایل بخواهش یکی از متداعیین و یا بنظر خود محکمه بعمل میآید . ولی محکمه وقتی برسیدگی دلایل اقدام میکند که در باب صحت آن مابین طرفین منازعه باشد .

مادهٔ ۳۰۶- رسیدگی بدلایل درجلسه علنی محکمه بعمل میآید باستثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را میتوان بیکی از اعضای محکمه محول کرد .

مادهٔ ۳۰۷- تاریخ ومحل رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود ومنوط بمیل متداعیین است که خودشان حاضر شوند یا وکیل بفرستند .

مادهٔ ۳۰۸- عدم حضور متداعیین بعد ازاطلاع مانع ازاجرای تحقیقات ورسیدگی نمیشود مگراینکه حضور آنان برای تصدیق اصالت و هویت موضوع تحقیقات لازم باشد .

مادهٔ ۳۰۹- در باب تحقیقات صورت مجلس مرتب و بامضای متداعیین که حضور داشته‌اند میرسد .

مادهٔ ۳۱۰- هرگاه موضوع تحقیقات درحوزهٔ محکمهٔ دیگری واقع است سوادقرار محکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوی است بدان محکمه ارسال میشود . بعدازوصول سوادمزبور محکمه مذکوره مکلف است که تحقیقات لازمه را بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات خودرا بمحکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوا است بفرستند .

مبحث دوم - در معاینه محلی

مادهٔ ۳۱۱- محکمه میتواند بنظر خودش یا بخواهش یکی از متداعیین برای معاینه محلی یك یاچندنفر ازاعضای خود رامأمور کند .

مادۀ ۳۱۲– درقرارمحکمه راجع باجرای معاینه محلی‌محل وموضوع ووقت معاینه باید معین شود .

مادۀ ۳۱۳– صورت معاینه محلی باید نوشته شودو بامضای اشخاصی که معاینه رااجرا می‌دارند ومتداعیین برسد . نقشه محل درصورت لزوم باید منضم بصورت مزبورشود .

مادۀ ۳۱۴ – صورت مذکوره در جلسه محکمه قرائت میشود و طرفین حق دارند که توضیحات شفاهی خودشانرا بدهندولی حق ندارند اعتراضی بکنند که بموجب معاینه محلی مدلل شده ودرموقع ترتیب صورت معاینه آن اعتراض را نکرده‌اند .

مادۀ ۳۱۵ – صورت معاینه محلی را نمیتوان بواسطه شهودی که در حین معاینه حاضر نبودند ویا حاضر بوده واعتراضات خود را درموقع ترتیب صورت مجلس مزبورقید نکرده‌اند تکذیب کرد .

مادۀ ۳۱۶– مخارج معاینه محلی را محکمه از برای هردفعه علیحده معین نموده بدفترخانه محکمه اطلاع میدهد . هرگاه معاینه محلی را یك طرف خواستار شده مخارج آن برعهده‌اواست . واگر طرفین تقاضاکرده‌اند یا بنظرمحکمه بوده‌است بالمناصفه برعهده طرفین است .

مبحث سوم - عقیده اهل خبره

مادۀ ۳۱۷ – در مواردی که موضوع تحقیقات مطلبی است که اطلاعات مخصوصه لازم دارد محکمه می‌تواند بنظر خودش و یا بخواهش یکی از متداعیین بعقیدۀ اهل‌خبره رجوع کند .

مادۀ ۳۱۸ – محکمه موضوع تحقیقات و اشخاصی راکه برای تحقیقات انتخاب شده‌اند و موعد حضور آنان را در محکمه یا جای دیگر در قرارداد خودمعین میکند ودر مسائلی که تحقیقات مفصله دقیقانه‌لازم است یکی‌ازاعضای خودرا برای نظارت‌تحقیقات‌مزبوره مأمور میکند .

مادۀ ۳۱۹– اهل خبره را باید طرفین بتراضی معین کنند وهرگاه تراضی نشدخود محکمه بقرعه معین میکند . عدۀ منتخبین باید طاق باشد .

مادۀ ۳۲۰– فقط اشخاصی باید ممیزی را قبول کنندکه بمناسبت علم یاشغل ویاکسب

دارای معلوماتی که لازم است باشند و ممیزین میتوانند استعفا نموده یا قانوناً مردود شوند .

مادهٔ ۳۲۱ ــ درصورتیکه اهل خبره به تراضی طرفین تعیین شده باشند رد آنان پذیرفته نمیشود درصورتیکه در تعیین اهل خبره تراضی نشده باشد رد آنان در مدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعیین راجع به تعیین اهل خبره باید اظهار شود مگر اینکه جهات رد بعد معلوم شود . درصورت اخیر رد اشخاص خبرهٔ که معین شده اند باید قبل از شروع آنان تحقیقات بعمل آید .

مادهٔ ۳۲۲ ــ هرگاه تحقیقات درخارج از محلی که محکمه واقع است باید اجرا شود، محکمه میتواند تعیین اهل خبره را (درصورت عدم تراضی طرفین) بعضوی که مأموریت نظارت واجرای تحقیقات را دارد واگذار کند که در آنجا بقرعه معین کند .

مادهٔ ۳۲۳ ــ اهل خبره باید عقیده خود را با جهات آن کتباً اظهار کنند . درصورتیکه اهل خبره سواد نداشته باشند یا زبان فارسی را خوب ندانند وهمچنین درموردی که موضوع تحقیقات ساده وروشن است محکمه میتواند بعقیدهٔ شفاهی آنان اکتفا کند ولی عقیده شفاهی اهل خبره دراین موارد درصورت مجلس درج و بامضای آنان میرسد .

مادهٔ ۳۲۴ ــ درصورتیکه تکمیل یا توضیح تحقیقات اهل خبره لازم شود محکمه میتواند تکمیل یا توضیح لازم را از آنان بخواهد و یا عقیده اشخاص خبره دیگری را که مجدداً معین شده اند تحصیل کند .

مادهٔ ۳۲۵ ــ درمواردی که اهل خبره بعد از قبول مأموریت بدون عذر موجه حاضر نشوند و یا حاضر شده درموعد مقرر عقیدهٔ خود را اظهار ننمایند مستحق حق الزحمه نیستند وبجای آنان موافق قانون اشخاص دیگری انتخاب یا معین خواهند شد .

مادهٔ ۳۲۶ ــ حق الزحمه اهل خبره را قبل از مباشرت آنان به تحقیقات درصورتیکه متداعیین معین نکرده اند باید محکمه تعیین کند و مقدار حق الزحمه که محکمه معین میکند بسته به کمیت و کیفیت ووقت وارزش زحمتی است که اهل خبره متحمل شده اند . قرار محکمه دراین باب باید فوراً مجری شود واهل خبره نمیتوانند ازاین قرار محکمه شکایت نمایند .

مادهٔ ۳۲۷ ــ مخارج تحقیقات را بدواً هر کدام از متداعیین که رجوع بخبره راخواهش کرده باید بپردازد . وهرگاه این اقدام را طرفین متفقاً خواهش کرده اند ویا بنظر محکمه رجوع باهل خبره لازم شده است مخارج بالمناصفه بعهده طرفین است .

مادهٔ ۳۲۸ ــ درصورتیکه عقیده اهل خبره بااوضاع واحوال محقق ومعلوم مسئله موافقت نداشته باشد محکمه متابعت آن عقیده را مینماید .

مبحث چهارم

دررسیدگی باسناد کتبی

اول - قواعد عمومی

مادهٔ ۳۲۹ - رسیدگی باصل محاسبه ودفاتر یا درمحکمه بعمل میآید یا درمحلی که اسناد کتبی آنجا است . واین رسیدگی رامیتوان درصورت لزوم بیکی ازاعضاء محکمه محول کرد .

مادهٔ ۳۳۰ - موعدرسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود که هرگاه بخواهند حاضرباشند .

مادهٔ ۳۳۱ - دررسیدگی بمحاسبه ذیل هرصفحهٔ راکه رسیدگی شده عضو محکمه وطرفین امضاء میکنند وهرگاه مدعی ومدعی علیه متعدد باشند ازهر طرف یك نفر انتخاب وذیل صفحه‌ها راامضا میکنند .

مادهٔ ۳۳۲ - بعد ازختم تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده وتصریح مینمایند که‌موارد اختلافات یامنازعه کدام است .

مادهٔ ۳۳۳ - هرگاه صورت‌محاسبه وحسابها طولانی ودرهم‌باشد محکمه میتواند برای واضح کردن آن‌اهل خبره‌را معین کند .

مادهٔ ۳۳۴ - هرگاه درحین‌ابراز سندی که‌بزبان‌غیر فارسی‌نوشته شده‌است ترجمه‌فارسی آن‌سند تقدیم میشود نظرباهمیت آن‌سند ومفادآن منوط‌برأی محکمه است که بآن‌ترجمه اکتفا نماید ویا تحقیقات لازمه درتطابق آن بااصل بعمل آورد . ولی هرگاه طرفی که برضد اوآن سند ابراز شده‌است‌این تحقیقات رابخواهد محکمه‌باید آنرامجری دارد .

مادهٔ ۳۳۵ - درموردماده قبل‌تحقیقات راجع‌بترجمه اسناد کتبی یابتوسط مترجمین‌عدلیه یابتوسط خبره بعمل میآید

دوم - رسیدگی باسناد درصورت اظهار تردید

(شك وشبهه) دراعتبارآن

مادهٔ ۳۳۶ - هرگاه طرفی‌اظهار تردیددراعتبار سندی که طرف‌دیگر ابراز کرده‌بنماید

یااظهار دارد که ازصحت وسقم آن اطلاعی نداردمحکمه بترتیب ذیل رفتارخواهد کرد .

مادهٔ ۳۳۷ ـ اظهار تردید باید بعد ازارائه سند طرف مقابل تاانتهای جلسهٔ اول محاکمه بعمل آید .

مادهٔ ۳۳۸ ـ درمقابل این اظهار تردید طرف دیگر باید درهمان جلسه صریحاً اعلام نماید که آن سندرا استرداد میکندیانه . هرگاه صاحب سند اعتراضی نکرده وباسندخودرا استرداد نمودمحکمه باسناددیگررجوع میکندولی این رفتارواظهار صاحب سند دلیل بر بطلان آن نخواهدبود. هرگاه صاحب سند سندخودرا استرداد نکردباعتبار آن سند رسیدگی میشود .

مادهٔ ۳۳۹ ـ رسیدگی باعتبارسند ازقرار تفصیل است :

۱ ـ تدقیق درصحت سند وتطبیق مفادآن بااسناد دیگر .

۲ ـ تحقیقات ازشهودی که درسندقیدشده است ویاازشهودواماراتیکه طرفین بهشهادت آنان برای تکذیب یاثبوت اصالت متمسك شده اند .

۳ ـ مطابقه خط وامضای سند متنازع فیه بـا خط وامضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است .

مادهٔ ۳۴۰ ـ تدقیق درصحت سند وتطبیق مفادآن بـااسناد دیگر ممکن است ازطرف رئیس محکمه بعهده یکی ازاعضاء محکمه واگذار شودوعضو مذکور بعدازاجرای تحقیقات ذیل سند راامضا میکند ودراینمورد برای تطبیق باسند مشکوك باید اسنادی را انتخاب کرد که یارسمی باشد و یاطرفین اصالت آن اسنادرا اعتراف کرده باشند .

مادهٔ ۳۴۱ ـ هرگاه تراشیدگی وامثال آن درسند باشد عضو محکمه در صورت مجلس قید وبامضای طرفین میرساند .

مادهٔ ۳۴۲ ـ تدقیق خط ومهر بترتیبی بعمل میآید که در مواد (۳۵۶) الی (۳۶۳) مقرر است

سوم ـ درادعای جعلیت اسناد

مادهٔ ۳۴۳ ـ ادعای جعلیت اسنادرا درکلیه احوال محاکمه میتوان نمود وطرفی که میخواهد ادعای جعلیت کند بایداعلام نامه مخصوصی دراین باب بمحکمه بدهدهرگاه درحین جلسه این اظهار بشود درصورت مجلس محکمه قید بامضـای اظهار کننده میرسد .

مادهٔ ۳۴۴ ـ نسخه ثانوی اعلام نامه مدعی جعلیت ویـا سواد صورت مجلس بخود طرف مقابل یاموکل اودرصورتیکه وکیل وکالت جواب چنین اعلام نامهٔ راداشته باشدابلاغ میشود . ومشارالیه مکلف است که درظرف یك هفته صریحاً جوابی که داردبدهد .

مادهٔ ۳۴۵ ـ درصورتیکه درسر وعده جواب طرف مقابل نرسدویا جوابی برسد که مشعر براسترداد سندباشد محکمه آن سندرا ازعداد دلایل صاحب سند خارج کرده بموجب دلایل دیگر اگر موجود باشد رسیدگی میکند .

مادهٔ ۳۴۶ ـ درصورتیکه طرف مقابل اعتراض نموده بخواهدازسند خوداستفاده کند مضمون آن بمدعی جعلیت ابلاغ ودرظرف یك هفته مشارالیه باید دلایل خودرا کتباً بمحکمه تقدیم کند . هرگاه مدعی جعلیت در ادعای خود باقی مـاند محکمه بخواهش اوقرار رسیدگی بادعای جعلیت را میدهد .

مادهٔ ۳۴۷ ـ قرار محکمه درباب رسیدگی بادلایل مدعی جعلیت بطرف ابلاغ میشود . ومشارالیه مکلف است که درظرف یك هفته از روز ابلاغ اعتراض خودرا بادلایل بمحکمه تقدیم کند واصل سندی راکه موضوع ادعای جعلیت است در ظرف سه روز از تـاریخ اعلام قرار مذکور بمحکمه تسلیم نماید والا محکمه میتواند بخواهش مدعی جعلیت سند مذکور را ازجزو دلایل طرف خارج نماید .

مادهٔ ۳۴۸ ـ محکمه بعداز وصول اعتراض طرف مقابل تحقیقات لازمه را بطوریکه در رسیدگی باصالت اسناد وخط ومهر قانوناً مقرراست بعمل میآورد و هرگاه رجوع باهل خبره و تحقیقات ازشهود و مطلعین لازم شود محکمه وظایف خودرا موافق قوانین مقرره مجری میدارد ونتیجه تحقیقات درجلسه محکمه قرائت وپس ازاستماع مذاکرات شفاهی طرفین واظهار عقیده مدعی العموم محکمه قرارلازم رادرباب عدم جعلیت ویاجعلیت سندداده ودر صورت اخیرسند جعلی راازعداد دلایل صاحب سند خارج مینماید .

مادهٔ ۳۴۹ ـ شخصی که ادعای جعلیت سندی رانموده ودرموعد مقرر بدون عذدر صحیح دلایل خودرا بمحکمه تقدیم ننموده ویاتقدیم نموده ولی محکمه ادعای اورا بی مدرك ومأخذدانسته محکوم است بمجازاتی که ازبرای مفتری معین شده است .

مادهٔ ۳۵۰ ـ درصورتیکه بعد ازاجرای تحقیقات محکمه جعلیت سندثابت شودبدون اینکه جاعل آن معلوم باشد . وهمچنین درموردیکه مدعی جعلیت شخص معینی راکه درحال حیات است بساختن آن سند متهم نماید محکمه حقوق سند مزبور رابا اوراق راجعه بمسئله جعلیت نزدمدعی عمومی میفرستد . و در صورت اخری (اتهام شخص بساختن سندی) محکمه حقوق رسیدگی بکار را توقیف نموده منتظر ختم عمل در محکمه جزا میشود . ویـا بخواهش یکی از متداعیین رسیدگی کار راتـا اندازهٔ که مربوطه بسند متنازع فیه وادعای جعلیت نیست دنبال کرده باتمام میرساند .

مادهٔ ۳۵۱ ـ هر گاه بواسطه اتهام شخصی بساختن سندی کار بتوسط مدعی عمومی بمحکمه جزا ارجاع شد ومحکمه جزا حکم برائت متهم راصادر وقراری درباب جعلیت یااصالت سندنداد بخواهش یکی ازمتداعیین محکمه حقوق می‌تواند اجرای تحقیقات رادرباب سند نموده وقرار رد یاقبول آنرا بدهد .

مادهٔ ۳۵۲ ـ در حکمی که محکمه در باب جعلیت اسناد می‌دهد بـاید تکلیف اسناد و نوشتجات راجعهٔ بادعای جعلیت معین شود . هرگاه وجود اسناد و نوشتجات مزبوره در دفترخانه محکمه دیگر لزومی نداشته باشد محکمه قرار اعاده آنها را بصاحبان آنها ازمتداعیین ومطلعین وغیره میدهد و اسنادی که ادعای جعلیت بآنها شده ولی بجعلیت آنها حکم صادر نشده است نیز بصـاحبان اسناد رد میشود . و همچنین اسنادی که ازادارات خواسته شده است و یـا دریکی از تأسیسات عمومی امانت بوده بخود آنها مسترد میشود . واسنادی که جعلیت آنها ثابت شده در حضورمحکمه ومدعی‌العموم ابطال ودردفترمحکمه ضبط میشود .

مادهٔ ۳۵۳ ـ درکلیه موارد مذکوره درماده قبل اعاده اسناد و نوشتجات فقط وقتی بعمل میاید که‌حکم محکمه درآن‌باب قطعی شود مگراینکه بواسطه تقاضای ادارات یاتأسیسات عمومی صدورحکم مخصوصی دربـاب استرداد لازم شود .

مادهٔ ۳۵۴ ـ هیچکدام ازاعضاء ومنشی‌های محاکم حق ندارند ازاسناد ونوشتجاتی که ادعای جعلیت بآنها شده است سوادی بکسی بدهند مگر بحکم محکمه ولی‌ازنوشتجاتیکه ادعای جعلیت نسبت بآنها نشده‌است منشی محکمه برضایت طرفین می‌تواند سوادی‌بآنان‌بدهد.

مادهٔ ۳۵۵ ـ هرگاه منشی‌های محاکم ازمفاد ماده قبل تخلف ورزنـد: اولا ـ ازشغل خودشان منفصل خواهند شد. ثانیاً ـ ازبیست الی چهل تومان ازمقرری آنان کسر خواهدشد .

چهارم - در تدقیق خط ومهر

درمورد اظهار تردید وادعای جعلیت

مادهٔ ۳۵۶ ـ هرگاه کسی که خط ومهر باواسناد داده‌شده درحال حیات‌است ازاومطالبه می‌شود که مجدداً چیزی بخط خود بنویسد تـا تطبیق نمایند . ودراین باب ودرخود خط و مهر نهایت تدقیق بعمل می‌آورند .

مادهٔ ۳۵۷ ـ هرگاه خط ومهر بکسی اسناد داده شده است که فوت شده وورثه‌متوفی تکذیب یا اظهار تردیدی یا بی‌اطلاعی نمایند ترتیب تدقیق آنست که سه‌نفر ازاهل‌خبره بتراضی

طرفین معین می‌شوند ودرصورت عدم تراضی محکمه بقرعه معین میکند که درتحت نظـارت عضومحکمه بسند متنازع فیه رسیدگی شود و مراتب درصورت مجلس قید و بامضای طرفین می‌رسد .

مادهٔ ۳۵۸ـ اگردرنزد شخصی‌که مهریا خط خود را انکارمیکند نوشتهٔ‌از نوشتجات مشروحهٔ درماده بعد پیدا شود با خط ومهراومقایسه وتطبیق میشود واگرپیـدا نشد منکر را مجبوربکتابت می‌نمایند تـا خطی راکه انکارکرده با خط جدید مطابقه شود .

مادهٔ ۳۵۹ـ هرگاه طرفین درنوشتجاتی‌که اساس تطبیق ومعاینه اسناد میشود ومتفق نشدند نوشتجات ذیل را مأمورمحکمه مأخذ معاینه وتطبیق قرارمیدهد :

۱ـ نوشتجاتی‌که دارای مهریا امضای مصدق درحضور محکمه یا مباشرت ثبت اسناد میباشد ویا آنهائی‌که راجع بدعاوی بوده ودرحضورمحکمه ممضی وممهورشده‌اند .

۲ـ بعضی نوشتجات رسمیهٔ‌که منکردرموقع دیگری نوشته باشد .

۳ـ اسناد عادیه‌که منکر سابقاً اقرار و اعتراف‌کرده باشد باینکه آن اسناد بخط و مهراواست .

تبصره ـ خط ومهراسنادی راکه منکرانکارمی‌کند اساس تطبیق نمیتوان قرارداد .

مادهٔ ۳۶۰ـ اگراوراق ونوشتجاتی‌که باید تطبیق شود دریکی از ادارات باشد در مورد ادعای جعلیت باید اوراق مذکوره را بمحل تطبیق بیاورند ادارات دولتی‌بقیدمسئولیت مکلفندکه حکم محکمه را دراین باب مجری دارند والا مدعی جعلیت‌که ازعدم اجرای‌حکم محکمه متضررشده است حق دارد ادعای خسارت را ازادارات بنمـاید .

مادهٔ ۳۶۱ـ اگرحمل اوراق مذکوره ممکن نباشد ویا دارنده‌آنها درشهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد محکمه بموجب راپورت عضومحکمه حکمی میتواند صادرکندکه بموجب‌آن تدقیق خط ومهردرمحلی‌که نوشتجات‌واوراق‌مذکوره‌واقع‌است‌بعمل‌آید .

مادهٔ ۳۶۲ـ اشخاصی‌که نوشته‌شدن سند متنازع فیه ویا مهروامضاء شدن سند مزبور را دیده‌اند وهمچنین اشخاصی‌که دربعضی اتفاقات مطلعند وازاطلاعـات‌آنان میتوان حقیقت مسئله راکشف نمود احضارشده اظهارات‌آنان بعد ازدادن التزام درصحت شهادت استماع و سندمذکوره بآنـان ارائه وکلیه اظهارات‌آنان درصورت مجلس قید شده بامضای‌آنان‌میرسد.

مادهٔ ۳۶۳ـ پس ازتدقیقات و رسیدگی درخصوص صحت وسقم خط تکذیب شده یـا تردید شده لایحهٔ متضمن مراتب رسیدگی ونتیجهٔ‌آن ازطرف عضومحکمه واهل خبره نوشته و امضاء شده بـا اسناد متنازع فیهـا بمحکمه تقدیم میشود ومحکمه در حضور طرفین لایحهٔ مزبوره را قرائت وبعد ازمذاکرات طرفین قرارلازم درباب اعتباراسناد متنازع فیها یاعدم اعتبار میدهد .

فصل دهم

دراظهارات و تقاضاهای اتفاقی

مبحث اول

درایرادات

مادهٔ ۳۶۴ـ مدعی علیه که بمحکمه احضار شد است میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد درمواد مفصله ذیل ایراد نماید :

(۱) ـ وقتیکه دعوای راجع بمحکمه دیگری است .

(۲) ـ وقتیکه درهمان محکمه یا محکمهٔ دیگری همان مسئله ما بین همان اشخاص در تحت رسیدگی است ویا اگرهمان مسئله نیست مسئله ایست که باادعای مدعی ارتباط کامل دارد.

(۳) ـ درموردی که ادعای مدعی کاملا راجع بمدعی علیه دیگری است .

(۴) ـ درصورتیکه شخصی که اقامه دعوا کرده صلاحیت آنرا ندارد .

(۵) ـ درصورتیکه وکیل طرف مقابل وکالت ازموکل خود نداشته باشد .

مادهٔ ۳۶۵ـ درمورد فقرهٔ پنجم ماده قبل حق ایراد را مدعی هم دارد .

مادهٔ ۳۶۶ـ نقض قوانین راجعهٔ بترتیب صورت عرضحال باعث نمیشود که مدعی علیه ازدادن جواب امتناع نماید .

مادهٔ ۳۶۷ـ درفقره اول و چهارم و پنجم مادهٔ (۳۶۴) خود محکمه هم مکلف است قطع نظرازاینکه ایراد ازطرف متداعین شده یا نشده ازرسیدگی بدعوی امتناع نماید.

مادهٔ ۳۶۸ـ خواه مدعی علیه ایرادات مذکوره درمادهٔ (۳۶۴) را درضمن جواب کتبی که بادعای مدعی میدهد درج کند خواه علیحده محکمه مکلف است که بدواً قبل ازرسیدگی بماهیت دعوا بایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قراری بدهد .

مادهٔ ۳۶۹ـ قرارمحکمه درباب قبول ایراد قابل شکایت است ومیتوان قبل ازاستیناف حکم محکمه درباب ماهیت دعوا قرارمذکوررا استیناف نمود قرارمحکمه را درباب رد ایراد

فقط درموردی میتوان قبل ازصدورحکم دراصل دعوا استیناف نمود که ایرادراجع بصلاحیت محکمه باشد موعد این شکایت ازروزاعلام قرارمحکمه یك هفته است وبنظرمحکمه است که نسبت باوضاع واحوال کار بمحاکمه اصل دعوا مداومت نماید ویا آنرا تا صدورحکم محکمه استیناف توقیف کند .

مادۀ ۳۷۰- درمواردیکه مدعی علیه ایرادات مفصله ذیل را بنماید حق ندارد از محکمه بخواهدکه بایرادات وعلیحده ازماهیت دعوا رسیدگی شود .

۱- ایراداتیکه مدعی حق اقامه دعوی را ندارد .

۲- ایراداتیکه حق دعوا قبل ازاقامۀآن بواسطۀ تأدیه مدعی به یااجرای قراردادیا تعهد یا بواسطه صدورحکم محکمه عدلیه یا مصالحه وامثال آن ساقط شده است .

مبحث دوم

درتأمین مدعی به

اول - قواعد عمومی

مادۀ ۳۷۱- تأمین مدعی به رامیتوان درابتدای دعوایادرحین محاکمه درخواست نمود.

مادۀ ۳۷۲- درخواست تأمین مدعی به را درابتدای دعوا درصورتی محکمه می پذیرد که بداند عدم قبول آن باعث تضییع حقوق مدعی درآتیه خواهد شد .

مادۀ ۳۷۳- درصورتیکه محکمه درخواست تأمین مدعی به راکه درعرضحال شده است رد نماید مدعی میتواند درحین محاکمه ازنودرخواست مزبوررا بنماید .

مادۀ ۳۷۴- درخواست تأمین را فقط درادعائی میتوان نمودکه قیمت یاعین مدعی به آن معین باشد .

مادۀ ۳۷۵- قبول یا رد درخواست تأمین مدعی به منوط بنظرمحکمه استمگر در صورتیکه ادعای مدعی مبتنی براسناد رسمی وامارات صدق ویا مدعی بهدرمعرض تضییع باشد.

مادۀ ۳۷۶- قرارمحکمه را درباب درخواست تأمین میتوان علیحده ازاستیناف اصل دعوا استیناف نمود . شکایت ازقبول تأمین باعث تعویق اجرای آن نمیشود ولی شکایت ازقرار

محکمه در باب موقوفی حکمی که در باب تأمین صادرشده بود باعث تعویق اجرای آن میشود وتأمین بحالت خود باقی میماند .

مادهٔ ۳۷۷ـ تأمین مدعی به را رئیس محکمه باحضوردونفرعضومحکمه میتواند اجازه بدهد درصورتیکه درخواست آن وقتی شده است که محکمه جلسه ندارد و بنظر رئیس محکمه اقدام تأمین تأخیرپذیر نیست .

مادهٔ ۳۷۸ ـ در صورت ماده قبل رئیس محکمه حکمی بعنوان دایره اجرا صادر میکند که مثل احکام محاکم بموقع اجرا گذارده میشود . ولی رئیس محکمه مکلف است که دراولین جلسه محکمه اقدام خودش را بمحکمه اعلام نماید وتصدیق یا تغییرحکم رئیس منوط بقرارمحکمه است .

مادهٔ ۳۷۹ـ درصورتیکه مدعی علیه بموجب حکم قطعی عدلیه بری‌الذمه بشود حق خواهد داشت خساراتی را که باوازتأمین مدعی به تعلق گرفته است ازمدعی مطالبه کند .

دوم ـ اقسام تأمین مدعی به

مادهٔ ۳۸۰ـ اقسام تأمین مدعی به از قرار تفصیل است . توقیف اموال غیر منقوله مدعی علیه توقیف اموال منقوله و دادن ضامن و در صورت عدم امکان اقسام مذکوره دادن کفیل .

تبصره ـ مالی که درخواست تأمین آن شده باید ازمستثنیات دین نباشد .

مادهٔ ۳۸۱ـ مدعی باید درحین استدعای تأمین قیمت آنرا نیزمعین کند .

مادهٔ ۳۸۲ـ اموال غیرمنقوله که توقیف می‌شود باید متناسب باشد بامبلغ مدعی به و مدعی به باید درحین درخواست تأمین صریحاً قید کند که کدام مال غیرمنقوله مدعی علیه را میتوان توقیف نمود .

مادهٔ ۳۸۳ـ هرگاه اجرای قسمی ازاقسام تأمین برای ادعای مدعی کافی نباشد نظر بمقدارمدعی به میتواند کلیه اقسام را اجرا نمود .

مادهٔ ۳۸۴ـ درموقع تأمین توقیف غیرمدعی به ازاموال مدعی علیه جایزنیست مگردر صورتیکه توقیف عین مدعی به ممکن نباشد .

مادهٔ ۳۸۵ـ هرگاه ملکی که عین مدعی به توقیف شودمدعی علیه حق نداردمحصولات آنرا تصرف کند یااشجار آنرا بیندازد مگرباندازه‌ای که برای حفظ خود ملك ازخرابی لازم

است ودراین مورد محکمه می‌تواند بخواهش مدعی بمتداعیین اجازه نظارت نسبت بمحصولات وکلیه اشجارواقعهٔ درملك بدهد .

مادهٔ ۳۸۶ـ درخواست مدعی علیه رادرباب تغییر قسمی ازتأمین بقسمی دیگریامالی بمال دیگردرصورتی محکمه می‌تواند قبول نماید که مدعی راضی باشد باستثناء دوموردذیل که رضایت مدعی لازم نیست :

۱ـ هرگاه مدعی‌علیه ثابت نماید که تأمینی که تکلیف میکند معادل تأمین سابق است وبرقراری تأمین سابق او را تضییق مینماید .

۲ـ درصورتی که مدعی علیه درعوض اقسام مذکوره درماده (۳۸۰) بقدرکفایت وجه نقد یا اسناد معتبره بنرخ روز تأمین بدهد .

سوم - در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله

مادهٔ ۳۸۷ـ حکم کتبی محکمه در باب توقیف باداره ثبت اسناد ارسال و درآن صریحاً اسم و اسم پدر و لقب و شغل مدعی علیه و موضوع ادعا و مقدار مدعی به و اسم ملك توقیف شده قید می‌شودحکم مذکورتوسط دایرهٔ ثبت اسنادبدایرهٔ اجرا فرستادهٔ میشود.

مادهٔ۳۸۸ـ مدعی میتواند سواد این قراررا هرچند نسخهٔ که لازم باشد برای ارائه بمقامات رسمی از محکمه بخواهد ومادام که قرارمحکمه دراعتبارخود باقی است سوادهای مزبورهٔ حکم اصل قرار محکمه را دارد .

مادهٔ۳۸۹ـ بعداززوال جهت توقیف رفع آن نیز بموجب حکم کتبی محکمه که باداره ثبت اسناد ارسال میشود بعمل میآید ومدعی علیه حق گرفتن سواد را بطوریکه در ماده قبل مصرح است دارد اعتبار سواد همان است که در آن ماده قید شده .

مادهٔ۳۹۰ـ مخارج تحصیل حکم کتبی محکمه درتوقیف ورفع آن ومخارج سوادحکم مذکور ومخارج ادارهٔ ثبت اسناد موافق تعرفه است که قانوناً مصرح است .

چهارم - ترتیب توقیف اموال منقوله

مادهٔ۳۹۱ـ اموال منقوله مدعی‌علیه درمحل خودتوقیف میشودتوقیف اموالی که ضایع شدنی‌است ممنوع است .

مادهٔ ۳۹۲ـ درضمن درخواست توقیف مدعی باید معین کند که کدام مال باید توقیف

شود و نزدکی است ودرکجا واقع است و نکات مذکوره درحکم کتبی محکمه نیز باید صریحاً قید شود .

مادهٔ ۳۹۳ ـ توقیف اموال منقوله بترتیبی باید بعمل آید که قانون اجرای احکام عدلیه معین کرده است .

مادهٔ ۳۹۴ ـ بعد از اینکه صورتی از اموال توقیف شده برداشته شد باید در همانجا که واقع است مهر و موم شده و از صاحب آن اموال التزام حفظ آن اموال گرفته شود ودرصورت تفریط مجازات صاحب اموال بطوری است که درقانون اجرای احکام عدلیه مقرر است .

مادهٔ ۳۹۵ ـ هرگاه صاحب اموال ازدادن التزام امتناع نماید اموال مزبوره بشخص دیگری بطوریکه قانون اجرای احکام عدلیه معین میکند سپرده خواهد شد .

مادهٔ ۳۹۶ ـ هرگاه اموال منقوله یاوجوه نقدی که بایدتوقیف شود درنزدشخص ثالثی باشد ورقه اجرائیه درباب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ وقبض رسید دریافت میشود ومراتب رافوراً بمدعی‌علیه نیزاعلام مینمایندسایراقدامات دراین باب بترتیبی است که درقانون اجرای احکام عدلیه مقرراست .

پنجم - درباب ضمانت

مادهٔ ۳۹۷ ـ برای تأمین مدعی به ممکن است یك یا چند نفر ضامن بشوند در صورتیکه ضامن یك‌نفر نباشد هرکدام ازآنان باید صریحاً قیدکنندکه چه مقدار ازمدعی به را تضمین‌مینمایند .

مادهٔ ۳۹۸ ـ ضامن میتواند فقط ضمانت تأدیه وجه را بنماید یعنی قید نمایدکه درصورت ثبوت مدعی به برعهده من‌است که فلان مبلغ را بپردازم ویا صریحاًضمانت تأدیه فوری وجه رانماید ضمانت اولی را ضمانت مقید و دومی را ضمانت مطلق یاکامل نامند .

مادهٔ ۳۹۹ ـ ضمانت اشخاص مفصله ذیل قبول نمیشود :

(۱) اعضاء محاکم وادارهٔ مدعی‌العموم .

(۲) وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود .

(۳) کلیه اشخاصی‌که بموجب قانون حق قرارداد یا تعهدی را ندارند .

(۴) مفلسین .

مادهٔ ۴۰۰- قبول ضمانت راجع بمحکمهٔ است که قرار تأمین مدعی به‌را داده است .

مادهٔ ۴۰۱- مدعی‌علیه که درعوض خودضامن میدهدیا باید ضامنها راشخصاً درمحکمه حاضرکند ویاضمانت‌نامه بخط ومهر وامضای خود آنان که‌دراداره‌ٔ ثبت اسناد تصدیق شده به محکمه تقدیم کننددرهردومورد مدعی‌علیه مکلف‌است‌درصورت تقاضای مدعی‌استطاعت ضامنهای خودرا درمحکمه ثابت کند .

مادهٔ ۴۰۲ - رئیس محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یا وصول ضمانت نامه بخط و مهر ضامن روزی را معین میکندکه طرفین درجلسه محکمه حاضرشده درباب پذیرفتن‌ضامن مذاکره نمایند .

مادهٔ ۴۰۳- محکمه از ضامنی که حاضر شده اطلاعات لازمه را در باب عایدات ومحل اقامت و شغل واوضاع واحوالی‌که بموجب مادهٔ (۳۹۹) میتواند مانع ضمانت اوبشود از او بخواهد .

مادهٔ ۴۰۴- درموردیکه مدعی درروز معین حاضرنشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای‌کلیه مدعی‌به یا قسمتی از آن‌کافی است قبول کند .

مادهٔ ۴۰۵- ضمانت ضامنی‌که خودش در محکمه حاضرشده در صورت مجلس قید و بامضای اومیرسدواین تصدیق‌صورت مجلس‌همان اثرضمانت‌نامه را داردکه بخطومهروامضای ضامن باشد .

مادهٔ۴۰۶- هرگاه حکم قطعی محکمه رامحکوم علیه مجری نداشت ضامن‌کامل‌مکلف است‌که بعدازابلاغ ورقه اجرائیه مبلغی راکه ضمانت‌کرده است فوراً بپردازدولی ضامن‌مقید درصورتی مسئول است‌که دارائی‌محکوم علیه‌کفایت تأدیه محکوم به را ننماید یامحکوم‌علیه از اداء امتناع نماید .

مادهٔ ۴۰۷- قبل ازصدور حکم قطعی مدعی بهیچوجه حق نداردتأدیه مدعی‌به را از ضامن بخواهد ولی بعدازصدورحکم مذکور مدعی میتواند توقیف مال‌ضامن‌کامل رابا ندازهٔ که ضمانت‌کرده است موقتاً تا وقتیکه محکوم به اداء نشده است بخواهد .

مبحث سوم

درجلب شخص ثالث

مادهٔ۴۰۸- مدعی‌علیه درصورتی که خودرامحق به جلب شخص‌ثالثی بمحکمه دانسته

خواستار آن بشود باید عرض حال در این باب به محکمه قبل از موعدیکه برای حضور او در محکمه معین شده است بدهد .

مادهٔ ۴۰۹ـ مدعی نیز درصورتیکه بخواهد برای جواب باعتراض مدعی‌علیه شخص ثالثی را به محکمه جلب کند میتواند درجلسه اول محکمه این اظهار را بنماید ولی عرض حال خودرا دراین باب باید لااقل فردای آنروز بدهد .

مادهٔ ۴۱۰ـ باید درعرض حال اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت شخص ثالث وجهت جلب او به محکمه صریحاً قید شود .

مادهٔ ۴۱۱ـ محکمه یك نسخه ازسوادعرض حال راجع به جلب شخص ثالث را بمشارالیه ودیگری بطرف مقابل ازمتداعیین ابلاغ می‌نماید .

مادهٔ ۴۱۲ـ بعد ازوصول عرض حال برئیس محکمه مشارالیه نظر بمحل اقامت شخص ثالث وطبیعت کارموعدی را برای حضوراومعین می‌کند واگر جلسه محکمه معین شده باشدآن را تغییرمیدهد .

مادهٔ ۴۱۳ـ هرگاه یکی ازمتداعیین درباب جلب شخص ثالث اعتراض نماید محکمه باید بعد ازرسیدگی باظهارات طرفین قرارلازم را بدهد .

مادهٔ ۴۱۴ ـ هرگاه شخص ثالث حاضر نشد محکمه رسیدگی را تعقیب می‌کند در این صورت و در صورتی‌که شخص ثالث جواب داده از حضور خود استنکاف ورزد طرفی‌که جلب شخص ثالث را خواستار شده است میتواند از محکمه تأمین مدعی به را نسبت بشخص ثالث بخواهد .

مادهٔ ۴۱۵ـ شخص ثالث در صورتیکه حاضر شد مجاز است‌که تمام نوشتجات کار را که دردفترخانه محکمه است ملاحظه نماید و توضیحات کتبی بدهد ودرتمام مذاکرات شفاهی شرکت نماید .

مادهٔ ۴۱۶ـ مخارج اظهار شخص ثالث بعهدهٔ کسی است‌که جلب اورا خواستار شده است ولی‌اگرشخص‌ثالث حاضر نشد طرفی‌که خواستارجلب اوشده بود بعدازختم دعوای اصلی می‌تواند اقامه دعوی بر او نماید .

مبحث چهارم

دخول شخص ثالث بدعوا

مادهٔ ۴۱۷ـ هرگاه شخص‌ثالثی بملاحظهٔ نفعی‌که برای اوازمحق‌شدن‌یکی‌ازمتداعیین

حاصل است بخواهد در دعوائی شرکت نماید میتواند در هرمرحلهٔ از مراحل کار عرض حال داده اظهار نماید که باکدام یك ازمتداعیین میخواهد شرکت نماید وسواد عرض حال شخص ثالث به متداعیین ابلاغ میشود .

مادهٔ ۴۱۸ـ ازقرار محکمهٔ که راجع به رد یا قبول عرض حال مذکور در ماده قبل صادر میشود متداعیین وشخص ثالث میتوانند قبل ازاستیناف اصل دعوا شکایت نمایند .

مادهٔ ۴۱۹ـ هرگاه دخالت شخص ثالث مربوط به محق شدن مدعی یامدعی علیه نبوده ومقصود ازدخالت اواظهار حق است مستقلا نسبت بمالی که موضوع دعوا مابین متداعیین است بایددرعرض حال صریحاً قید شود که طرف اویکی ازمتداعیین است یاهردوطرف وتمام جهات ودلایل را ذکر نماید .

مادهٔ ۴۲۰ـ ترتیبات رسیدگی درموارد دخول شخص ثالث همان است که کلیه برای رسیدگی بدعاوی مقرراست و عرض حال را باید خود شخص ثالث یا وکیل ثابت الوکاله اش بدهد وسواد آن به متداعیین ابلاغ شود .

مبحث پنجم

در رد حکام عدلیه

مادهٔ ۴۲۱ـ حکام عدلیه درموارد مفصلهٔ ذیل باید ازرسیدگی امتناع نمایند ومتداعیین نیز حق خواهند داشت آنها را ردکنند .

(۱) وقتیکه خود حاکم یا عیال او یا اشخاصی که باحاکم قرابت نسبی تا درجه سوم دارند وهمچنین اشخاصی که بامشارالیه قرابت سببی تا درجه سوم دارند یا محاکمه راجع بخدمه حاکم است .

(۲) وقتی که حاکم یاعیال او وارث یکی ازمتداعیین است ویا بایکی از متداعیین دعوا دارد .

(۳) وقتی که حاکم قیم یاولی یکی ازمتداعیین است یاکفیل اموراواست ویاآنکه یکی ازمتداعیین مباشرامور حاکم است .

مادهٔ ۴۲۲ـ امتناع حاکم ازرسیدگی یا رداوبایدلااقل درجلسه اول رسیدگی بعمل آید مگرآنکه جهت رد حاکم درحین محاکمه حادث شود .

مادهٔ ۴۲۳ـ اظهار رد باید کتبی باشد ویا شفاهی اظهار شفاهی درصورت مجلس قید و بامضای اظهار کننده میرسد دراظهار رد باید جهات آن بادلایل ذکر شود .

مادهٔ ۴۲۴ـ خواهش رد به محکمه ابلاغ ومحکمه مکلف است که لااقل تاجلسه دیگر جواب بدهدهر گاه جواب مذکور بدون عذرموجه بیش ازمدت معینه بتعویق افتد دلیل براعتراف حاکم مردود خواهد بود .

مادهٔ ۴۲۵ـ جواب حاکمی که رد را قبول نکرده است بی‌حضور اودرجلسه مشاوره (سری) محکمه باحضور مدعی‌العموم مطرح مداقه می‌شود .

مادهٔ ۴۲۶ ـ قرار محکمه در باب قبول رد حاکم قطعی است و قابل شکایت نیست ولی قرار محکمه در باب عدم پذیرفتن رد قابل شکایت است قبل از استیناف حکم در اصل دعوا .

مادهٔ ۴۲۷ـ شکایت نامه بمحکمه که قرار داده است درظرف سه روزازاعلام قرارمزبور داده می‌شود و محکمه مکلف است که شکایت نامه را بلاتأخیر بمحکمهٔ عالی با استخراج از صورتمجلس ومنضمات آن وسواد قرار محکمه بفرستد مادام که محکمه عالی درباب شکایت رأی نداده است حاکم مردود نمیتواند در همان کار رسیدگی نماید .

مادهٔ ۴۲۸ـ هر گاه چندنفر ازاعضاء محکمه ردشوند وعده باقی‌مانده برای رسیدگی کافی نباشد رسیدگی توقیف شده اظهاررد وجوابهای اعضاء مردوده بمحکمه عالی فرستاده میشود که تکلیف رامعین کنند ومحکمه عالی‌درصورتیکه خواهش ردرا قبول کرد برای تکمیل عده اشخاصی که موافق قانون تشکیلات صلاحیت دارند قایم مقام معین میکند ویا آن‌کاررا بمحکمه دیگری که‌درهمان‌درجه باشدمحول‌می‌کند .

مادهٔ ۴۲۹ـ درمحکمه تمیزدرصورتی که دارای بیش ازیك شعبه باشد بمسائل راجعه به رد وامتناع حکام عدلیه درمجلس عمومی رسیدگی میشود .

مبحث ششم - در توقیف وتعقیب وبطلان محاکمه

مادهٔ ۴۳۰ـ توقیف محاکمه در موارد مفصله ذیل بعمل میآید :

۱ـ برضایت اصحاب دعوا .

۲ـ درصورت فوت یا جنون یا مسلوب الحقوق شدن یکی از متداعیین و یا وکیل یکی از آنان .

مادهٔ ۴۳۱ـ در موارد فقره دوم ماده قبل درصورتیکه محاکمه بدرجه صدور حکم رسیده باشد یعنی مذاکرات شفاهی‌طرفین ختم شده باشدمحکمه می‌تواندعقیده مدعی‌العموم را درمواردیکه قانون تقاضامیکند شنیده حکم بدهد .

مادهٔ ۴۳۲ ـ در صورتی کـه توقیف محاکمه برضایت اصحاب دعوا شده بـاشد طرفین بـاید همان وقت بمحکمه اعلام نمایند که کدام یك از آنان مخارج محاکمه را بعهده میگیرند .

مادهٔ ۴۳۳ـ هرگاه یکی ازمتداعیین ازبابت مخارج محاکمه مقروض محکمه باشد درصورت توقیف محاکمه فوراً حکم بتأدیهٔ مخارج مزبوره میشود بدون آنکه محکمه منتظر تعقیب محاکمه (بعد ازتوقیف) بشود .

مادهٔ ۴۳۴ـ درموقع عزیمت یکی از متداعیین بمحل مأموریت نظامی یا مأموریت دولتی یامسافرت عادی محاکمه توقیف نمیشود ومحکمه فقط مهلت کافی بعازم مسافرت یامأموریت برای تعیین وکیل میدهد .

مادهٔ ۴۳۵ ـ درصورت توقیف محاکمه محکمه میتواند بخواهش یکی از اصحاب دعوا مدعی به را موافق قانون تأمین نماید .

مادهٔ ۴۳۶ـ تعقیب محاکمه بعدازتوقیف بارضایت متداعیین وبخواهش یکی ازآنان بعمل می‌آید ودرصورت آخری باید عارض کتباً خواهش تعقیب محاکمه را نموده ازمحکمه احضارطرف رابخواهد .

مادهٔ ۴۳۷ـ تعقیب محاکمه درهمان محکمه بعمل می‌آیدکه توقیف شده است .

مادهٔ ۴۳۸ـ هرگاه محاکمه توقیف شده ودرمدت یکسال از تاریخ توقیف خواهش تعقیب محاکمه نشود آن محاکمه کان لم یکن فرض خواهدشد وبرای تجدیدمحاکمه عارض باید عرضحال مجدد بدهد .

مادهٔ ۴۳۹ ـ هرگـاه در دوسیه محاکمه توقیف شده اقرار و اعترافـات طرف و اطلاع مطلعین ضبط شده بـاشد و بعد در حین محاکمه مجدداً اشخاص مذکوره (مطلعین) در حـال حیات نباشند متداعیین میتوانند در محاکمه مجدد از دوسیه محاکمه توقیف شده استفاده نمایند .

فصل یازدهم

در حکم

مبحث اول

در صدور حکم

مادهٔ ۴۴۰ـ بعد ازختم مذاکره شفاهی متداعیین واظهار عقیده مدعی‌العموم محکمه

هر گاه بتواندفوراً رأی میدهد والارئیس‌واعضاء باطاق مخصوص رفته بعدازمشاوره درامریکه موضوع محاکمه بوده اظهارعلم خودشان را مینمایند .

مادهٔ ۴۴۱ ـ اتخاذ رأی بـاین ترتیب بعمل می‌آیدکه رئیس محکمه اول از رأی کوچکترین عضومحکمه ازحیث مقام شروع کرده بعد ازهمه رأی خود را اظهارمینماید .

مادهٔ ۴۴۲ ـ رأی محکمه باکثریت آراء اعضاء آن معلوم می‌شود .

مادهٔ ۴۴۳ ـ رأی محکمه بـاید کتباً نوشته شده بامضای رئیس و اعضای محکمه برسد و ایـن رأی کتبی در جلسهٔ علنی محکمه بـاید قرائت شود ولـو اینکه مـذاکره شفاهی طرفین در جلسه سری بعمل آمده باشد محکمه بعد از امضای رأی کتبی حق‌تغییر آنرا ندارد .

مادهٔ ۴۴۴ ـ در رأی‌کتبی نکات مفصله باید قید شود :

۱ـ تاریخ جلسه محکمه .

۲ـ اسم و شهرت اعضاء محکمه‌که رأی داده‌اند و مدعی العموم که عقیدهٔ خود را اظهار داشته .

۳ـ اسم وشهرت مدعی‌ومدعی‌علیه .

۴ـ موضوع دعوی و جهات و دلایل حکم وتصریح اجرای موقت درصورتیکه در آن باب رأی داده شده بـاشد وهمچنین تصریح اینکه مخارج محاکمه برعهدهٔ کیست .

مادهٔ ۴۴۵ ـ درامور غامضه‌که مشاوره طولانی‌لازم داشته باشد هیئت حاکمه میتواند دادن رأی راتا جلسه دیگر که نهایت‌آن پنج روزاست بتأخیراندازد ولی رئیس محکمه مکلف است‌که این نکته را درجلسه علنی محکمه اعلام نماید .

مادهٔ ۴۴۶ ـ بعد از قرائت رأی‌کتبی محکمه رئیس روزی را معین میکندکه حکم محکمه نوشته شده بـرای قرائت بطرفین داده شود و آن روز قانونـاً روز اعلام حکم محسوب میشود .

مادهٔ ۴۴۷ ـ حکم محکمه بـاید در ظرف پنج روز از روز اعلام رأی‌کتبی انشاء و بامضای رئیس واعضاء و منشی محکمه برسد .

مادهٔ ۴۴۸ ـ رأی محکمه یاراجع بماهیت دعوا است‌کلیتاً ویاببعضی مسائل‌که درحین رسیدگی بدعوا حادث و مطرح میشود رأی محکمه درصورت اولی حکم و درصورت ثانوی قرار نامیده میشود .

مادهٔ ۴۴۹ ـ احکام و قرارهای محکمه را یکی از اعضاء که در وقت دادن رأی جزو اکثریت بوده بانتخاب رئیس انشاء میکند درحکم باید علاوه بررأی‌کتبی نکات مفصله تصریح شده بـاشد :

۱ـ تقاضای متداعیین وعقیدهٔ مدعی‌العموم (درصورتیکه اظهارعقیده نموده) .
۲ـ دلائل محکمه که مدرك حکم است .

مادهٔ ۴۵۰ـ بعد ازاینکه حکم تهیه شد طرفین میتوانند آنرا در دفترخانه محکمه قرائت نموده و سوادی ازآن یا از صورت مجلس و اعلانات و احکامات محکمه راجع بآن حکم بگیرند .

مادهٔ ۴۵۱ـ بجای سوادطرفین‌حق دارندکه خلاصه حکم راکه عبارت ازرأی کتبی محکمه‌وملاحظاتی‌که مبنای رأی محکمه بوده بخواهند سوادها وخلاصه احکام بامضای‌رئیس محکمه و منشی میرسد .

مادهٔ ۴۵۲ـ هرگاه منشی (دفتردار) قبل ازاینکه حکم موافق قانون بامضاء برسد سواد آنرا بکسی بدهد ازشغل خودمعزول وبخدمت دولتی قبول نخواهد شد .

مادهٔ۴۵۳ـ هرگاه مدعیهای‌عمومی بعدازمداقه دراصل‌احکام ملاحظه‌کنندکه‌برخلاف قوانین صادرشده است بوظیفه خودرفتار مینمایند .

مادهٔ ۴۵۴ـ هیچ حکم یاقراریرا نمیتوان مجری‌داشت مگراینکه بطرفین یابوکیل آنان اعلام شده باشد .

مادهٔ ۴۵۵ـ هرگاه وکیل استعفاکرده یافوت شده باشد اعلامات لازمه با قیدجهت آن‌بموکل میشود .

مبحث‌دوم - در احکام غیابی

مادهٔ ۴۵۶ـ دراموری‌که رسیدگی به‌آن ازخصائص محاکم عدلیه است درصورتیکه یکی از متداعیین یـا هردوطرف در موعد مقرر درجلسه محاکمه حاضر نشوند قواعد ذیل باید مرعی شود :

۱ـ هرگاه مدعی‌علیه حاضرنشد مدعی میتواند از محکمه خواهش‌کندکه بتوضیحات شفاهی اورسیدگی‌گردد حکم بدهد ویا آنکه مدعی علیه را مجدداً احضارکند .

۲ـ هرگاه مدعی حاضرنشد بدون اینکه ازمحکمه خواهش‌کرده باشدکه درغیاب او رسیدگی‌کرده‌حکم بدهدمحکمه رسیدگی راموقوف نموده وبخواهش‌مدعی‌علیه حکم خسارات وارده برمدعی علیه را بواسطه احضار بی‌جهت میدهد و یاآنکه بخواهش مدعی‌علیه شروع برسیدگی‌کرده واقداماتیکه باید محکمه قانوناً برای تهیه حکم از قبیل رسیدگی بدلایل و غیره بنماید بعمل می‌آورد در صورت موقوفی محاکمه مدعی میتواند عرضحال مجدد داده تجدید محاکمه نماید .

مادهٔ ۴۵۷ ـ هرگاه هیچ کدام از طرفین حاضر نشدند بدون اینکه از محکمه خواهش رسیدگی را درغیاب خودشان کرده باشند رسیدگی بدعوا از نوبت خارج و بدان کار رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه یکی ازمتداعیین رسیدگی بدعوا رابخواهند .

مادهٔ ۴۵۸ ـ هرگاه مدعی علیه حاضر نشد ولی درجواب کتبی خود ازمحکمه خواهش نمود که در غیاب او بموجب جوابی که داده است رسیدگی کرده وحکم بدهد این حکم محکمه غیابی محسوب نخواهد شد دراین مورد مدعی علیه میتواند ازمحکمه خواهش کند که سواد حکم محکمه را باقامتگاه واقعی او برساند منوط بنظر محکمه است که حضور مدعی علیه را دراین موارد برای دادن توضیحات شفاهی بخواهد یانه .

مادهٔ ۴۵۹ ـ مدعی علیه نیز میتواند خواهش کند که محکمه درغیاب اورسیدگی کرده حکم بدهد وچنین حکمی غیابی محسوب نخواهدشد هرگاه حضورمدعی رامحکمه برای دادن توضیحات شفاهی لازم بداندمیتواند اورااحضار کند واگرمدعی حاضر نشد محکمه رسیدگی راموقوف میدارد ویابخواهش مدعی علیه شروع برسیدگی میکند .

مادهٔ ۴۶۰ ـ درصورتیکه مدعی اقامه دلایلی کند که محتاج به رسیدگی باشدمدعی علیه در موعدمقرر حاضرنشود محکمه بدون اینکه حکم درماهیت دعوانماید قراردرباب رسیدگی بدلایل میدهد واین قرار محکمه درحکم حضوری محسوب بوده ازاین جهت قابل اعتراض نخواهد بود .

مادهٔ ۴۶۱ ـ هرگاه مدعی علیه غایب قبل ازاینکه محکمه رأی بدهد حاضرشد محکمه حضور اورا پذیرفته توضیحات شفاهی اورامنظور خواهد داشت وحکمی که پس ازآن صادر میشود غیابی محسوب نخواهد شد .

مادهٔ ۴۶۲ ـ هرگاه درکاری مدعی علیهم متعدد باشند وبعضی حاضر شده برخی حاضر نشوند حکم محکمه بعداز رسیدگی نسبت بسهم آنان که حاضر نشده‌اند غیابی خواهد بود همین طوراست درموارد مدعی های متعدد حکمی که باحضور بعضی ازآنان صادر میشود نسبت بغائبین ازآنان غیابی محسوب خواهد بود .

مادهٔ ۴۶۳ ـ سوادحکم غیابی به محکوم علیه غایب دراقامتگاهی که انتخاب کرده وبه محکمه اطلاع داده است ابلاغ میشودوهرگاه مدعی علیه غایب اقامتگاه خودرااطلاع نداده است دراقامتگاهی که مدعی به محکمه نشان داده است ابلاغ میشود .

مادهٔ ۴۶۴ ـ هرگاه اقامتگاه محکوم علیه غایب رامدعی معین ننماید حکم غیابی اعلان میشود وهرگاه مدعی علیه غایب مال غیر منقولی داردسواد حکم بدانجا نیزفرستاده میشود .

مادهٔ ۴۶۵ ـ محکوم علیه غایب میتواندبرحکم غیابی اعتراض نمایدومدت این اعتراض هشت روزاست قبل ازانقضاء مدت مزبوره اجرای حکم غیابی جایز نیست مگر درمواردی که محکمه قانوناً حکم اجرای موقت را داده باشد .

مادهٔ ۴۶۶ - مدت مذکوره در ماده قبل ازتاریخ ابلاغ واقعی سوادحکم‌غیابی بمدعی علیه غایب حساب میشود حق‌مسافت هم‌برای هرچهار فرسخ‌محل اقامت محکوم علیه غایب ازمقر محکمه یك‌روز منظور میشود .

مادهٔ ۴۶۷ - هر گاه محکوم علیه غایب درمدت مقرره اعتراض ننمود اعتراض اودیگر پذیرفته‌نخواهد شدولی مشارالیه میتواند درمدت مقرره حکم صادررا استیناف نماید .

مادهٔ ۴۶۸ - در اعتراض خود برحکم غیابی محکوم علیه غایب باید یا جواب دعوای مدعی را بدهد یا اگر جواب خود را سابقاً داده است بآن اشاره کرده نسخ حکم غیابی را خواستار شود .

مادهٔ ۴۶۹ - عرضحال اعتراض دردومورد به‌صاحبش عودت‌داده میشود :

۱ - درصورت انقضای مدت اعتراض .

۲ - درصورتیکه وکیل وکالت‌نامه‌خودرا بعرضحال ضمیمه نکرده باشد ومراتب درصورت مجلس محاکمه قید میشود .

مادهٔ ۴۷۰ - عرضحال اعتراض بلااثر میماند وقرار محکمه درآن‌باب بصاحب آن اعلام میشود که نواقص رارفع نماید :

۱ - وقتیکه‌موافق‌تعرفه که قانوناً مقرراست مخارج‌محاکمه تأدیه نشده‌باشد .

۲ - وقتیکه عده سوادها بقدرکفایت نباشد . در صورتیکه سواد سندی را باعتراض نامه منضم نموده باشد .

مادهٔ ۴۷۱ - قرار محکمه‌را درباب‌عدم قبول‌اعتراض برحکم غیابی میتوان قبل ازصدور حکم‌محکمه دراصل‌دعوا استیناف نمودولی قرارمحکمه رادرباب قبول‌اعتراض فقط‌میتوان باحکم دراصل‌دعوا استیناف کرد .

مادهٔ ۴۷۲ - همین که محکمه‌اعتراض محکوم‌علیه غایب‌را قبول کردسوادی ازاعتراض‌و منضمات آنرابطرف‌مقابل فرستاده‌روزجلسه‌را معین‌وبطرفین اعلام‌میکندبعدازرسیدگی مجددمحکمه حکمی‌میدهد که حکم‌سابق‌را ازاعتبار میاندازد .

مادهٔ ۴۷۳ - اعتراض محکوم‌علیه غایب‌حکم اجرای‌موقت راتوقیف نمیکند مگر اینکه دراول اعتراض‌یا درحین محاکمه ثانوی مادام‌که حکم مجدد صادر نشده است محکوم علیه غایب توقیف اجرای موقت‌حکم غیابی‌را بخواهدباین خواهش مدعی‌علیه محکمه مکلف‌است که بقبول‌یا عدم‌قبول درظرف سه‌روز جواب بدهد .

مادهٔ ۴۷۴ - درموارد مستعجله‌درباب توقیف‌اجرای موقت‌حکم‌غیابی‌رئیس محکمه‌میتواند رأی‌بدهد ولی‌مکلف است که بعدموافق مادهٔ (۳۷۸) رفتارنماید .

مادهٔ ۴۷۵ - هر گاه محکوم علیه غایب بعداز اعتراض‌وقبول اعتراض اوبرای رسیدگی ثانوی بازحاضر نشد وحکم غیابی ثانوی صادر شد محکوم علیه غایب دیگر نمیتواند برای حکم

ثانوی مجدداً اعتراض نماید ولی میتواند حکم ثانوی را درمدت مقرره استیناف نماید .

مادهٔ ۴۷۶- هرگاه مدعی درمدت یك سال اجرای حکم غیابی راکه صادروموافق قانون بمحکوم علیه غایب اعلام‌شده تقاضا نکند دیگرحق تقاضای‌اجرای آنرانخواهدداشت .

مبحث سوم - دراجرای موقت احکام

مادهٔ ۴۷۷- احکام محاکم ابتدائی مادام‌که اعتبار احکام قطعی را نیافته است اجرا نمی‌شود مگراینکه خود محکمه درباب اجرای موقت دراحکام قراربدهد .

مادهٔ ۴۷۸- اجرای موقت‌احکام فقط بخواهش یکی ازمتداعیین میشودوآنهم‌مخصوص است بموارد مفصله ذیل :

۱- وقتی‌که حکم بموجب اسنادی صادرشده‌که اعتبارآنها محقق است ویاآنکه حکم بموجب اسناد عادی صادرشده ولی طرف اعتبارآن اسناد را اعتراف‌کرده .

۲- وقتی‌که موعد اجاره منقضی شده وبموجب حکم محکمه مستأجرمحکوم شده‌است برد یا تسلیم یا تخلیه عین مستأجره .

۳- درموقعی‌که محکمه حکم‌کرده است‌که عین مدعی‌به ازتصرف عدوانی خارج‌شده بمالك ذیحق تسلیم شود.

۴- وقتی‌که درمنازعات راجعه باجیرنمودن واجیرشدن حکم محکمه درباب مرخصی اجیرصادرشده است .

۵- درکلیه مواردی‌که اوضاع واحوال مدلل‌کندکه بواسطه تأخیراجرای‌حکم یاقرار محکمه خسارت‌کلی برای محکوم‌له حاصل خواهد شد ویاآنکه تأخیرباعث‌عدم اجرای‌حکم یا قراردرآتیه خواهد بود .

مادهٔ ۴۷۹- تأمینی‌که درمورد اجرای موقت ازمحکوم‌له خواسته میشود بطوری است‌که درمادهٔ (۳۸۰) معین است .

مادهٔ ۴۸۰- محکمه می‌تواند نسبت بخواهش اجرای موقت موضوع‌کلی قراراجرای بعضی ازاجزاءآن را بدهد ولی درصورتیکه تفکیك جزء ازکل ممکن باشد .

مادهٔ ۴۸۱- درصورتیکه ازاجرای موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی‌وارد بیاید که نتوان مقدارآنرا صحیحاً معین‌کرد و تأمین ازمحکوم‌له‌گرفت خواهش اجرای موقت پذیرفته نمی‌شود ولواینکه محکوم‌له تأمین لازم را بدهد موافق مادهٔ (۴۷۹) .

مادهٔ ۴۸۲- هرگاه محکمه ابتدائی درحکم یا قراری‌که میدهد دراجرای‌موقت آن

حکم یا قراررائی نداده باشد دیگر نمیتواند مجدداً درآن باب رأی بدهد و محکوم‌له فقط میتواند بمحکمه استیناف رجوع نموده اجرای موقت را بخواهد .

مادهٔ ۴۸۳ـ محکمه استیناف خواهش محکوم له را بطرف ابلاغ کرده رسیدگی کرده حکم می‌دهد بدون اینکه رسیدگی بخواهش اجرای موقت را منوط برسیدگی بماهیت دعوی بدارد .

باب سیم

دراستیناف احکام

فصل اول

مواد عمومی

مادهٔ ۴۸۴ـ احکام غیرقطعی محاکم ابتدائی درموعدی که قانون معین مینمایدقابل استیناف است .

مادهٔ ۴۸۵ـ احکام مفصلةالذیل قابل استیناف نیستند :

۱ـ احکامی که ازمحاکم ابتدائی استینافاً صادرشده (نسبت باحکام محاکم صلحیه) .

۲ـ احکام غیرقطعی محاکم ابتدائی که بواسطه انقضای موعد استینافقطعی‌شده‌اند .

۳ـ احکام محاکم ابتدائی که برطبق احکام عدول مجتهدین جامع‌الشرایط کتباًصادر شده است .

۴ـ احکامی که برطبق حکم حکم یا مصدقین صادرشده است که متداعیین بموجب‌سند درتعیین آنان تراضی کرده رأی آنان را قاطع دعوی دانسته‌اند .

۵ـ درصورتیکه‌متداعیین بموجب سند تراضی کرده باشند که بدعوای آنان فقط یك‌دفعه رسیدگی و بطورقطعی حکم صادرشود .

۶ـ احکام مستند با قراراسناد یا صورت مجلس دردومورد مذکورفقره چهارم وپنجم باید بامضای اصحاب دعوا ممهوروممضی باشد .

مادهٔ ۴۸۶ـ دعوائی که غیرقابل استیناف است درصورتی که متداعیین هم باستیناف آن راضی باشند ودرحکم محکمه ابتدائی هم ذکرنشده باشدکه‌آن حکم بطورقطعی‌صادرشده

است استیناف نمی‌شود حتی اگر اتفاقاً درآن حکم قید شده باشد که استیناف آن ممکن است بازآن حکم را استیناف نمیتوان نمود .

مادهٔ ۴۸۷ ـ اگردعوا را جهات عدیده باشد ممکن نیست یکی از آن جهات را تقریباً استیناف نمود ولی ممکن است قرارهائی را که قبل ازصدورحکم یا با حاکم داده می‌شود در مواردی که قانون اجازه داده است علیحده از حکم استیناف نمود رجوع بمواد (۱۶۲) و (۱۶۳) و (۳۶۹) و (۳۷۶) و (۴۱۸) و (۴۲۶) و (۴۷۱)و(۴۸۴)و(۵۰۴).

مادهٔ ۴۸۸ ـ قرارهائیکه از محکمه درخصوص دعـوای صلاحیت صادر میشود قابل استیناف‌است‌لیکن درصورتیکه رسیدگی بدعوا ازوظایف محکمه بوده که رسیدگی کرده است وبیك سبب قانونی نقل آن به محکمه دیگرهم ممکن بوده ولی قبل ازشروع بمحاکمه نقل آن را به محکمه دیگر درخواست ننموده‌اند در این صورت قراریکه درآن خصوص داده میشود قابل استیناف نخواهدبود .

مادهٔ ۴۸۹ ـ لازم‌است‌تقاضای استیناف‌ازطرف مدعی‌یامدعی‌علیه‌ویاقائم مقام‌آنان‌مثل‌وراث واوصیاء ووکلاءمأذون براستیناف وسایر اشخاصیکه قانوناً این‌سمت رادارند بشود .

فصل دوم

در موعد استیناف

مادهٔ۴۹۰ ـ مهلتی که‌برای‌استیناف‌احکام‌محاکم‌ابتدائی‌معین‌شده‌است‌برای‌اشخاصیکه‌درایران مقیمند (۳۱) روزاست وبرای کسانی که درخارجه مقیمندمدت موافق مـادهٔ (۲۱۷) است‌مهلت استیناف ازتاریخ ابلاغ‌حکم بطرفین‌یا محل‌اقامت آنان محسوب میشود هرگاه محل اقامت یکی‌از متداعیین که درایران مقیمند درشهریکه مقرمحکمه استیناف است نباشد برمدت مقرربه هرچهار فرسخ‌مسافت یك‌روز علاوه میشود .

مادهٔ ۴۹۱ ـ درموارد حکم غیابی مدت استیناف از روز انقضای مهلت اعتراض محسوب می‌شود .

مادهٔ ۴۹۲ ـ مهلت استیناف قرارهای محکمهٔ که قابل‌شکایت استینافی است ازروز اعلام آن‌قرارها بطرفین یك‌هفته است .

مادهٔ ۴۹۳ ـ اگرصدور حکم ازروی سندمجعول باشدمدت مهلت‌استیناف ازتاریخ‌اثبات جعلیت‌آن سنددر محکمه محسوب‌میشود واگریکی ازطرفین‌را سندی‌بوده‌باشد که‌مدارحکم‌برآن سنداست ومحکومیت طرف‌مذکور بواسطه‌کتمان آن‌سند دردست طرف‌مقابل باشدمهلت استیناف

ازتاریخ وصول آن سندبدست صاحب خود شروع میشود درصورت اخری صاحب سندباید روزوصول سندرابدست خود فقط بموجب نوشته ثابت نماید .

مادهٔ ۴۹۴ ـ درصورت فوت یاجنون مستأنف قبل ازانقضای مدت استیناف جریان استیناف توقیف شده وابتدای مدت ازتاریخ ابلاغ حکم بوراث یاقیم یاقایم مقام مستأنف محسوب خواهد شد ابلاغ حکم رامیتوان بتمام وراث من حیث المجموع نمودبدون تعیین اسم وشغل آنان .

مادهٔ ۴۹۵ ـ باانقضای مدت استیناف حق استیناف هریك ازطرفین ساقط میشود ولی اگردر مدت استیناف ازطرف قایم مقام طرفین استیناف نشده باشد متضرر حق خواهد داشت که درمحکمه ابتدائی برقایم مقام خوداقامه دعوانماید .

فصل سوم

در عرضحال ومقدمات رسیدگی استینافی

مادهٔ ۴۹۶ ـ استیناف دعوا بتقدیم عرضحال میشودواین عرضحال باید مستقیماً به محکمه استیناف داده شودوتاریخ تقدیم وثبت آن ابتدای دعوای استینافی خواهدبودولازم است درآن عرضحال اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت مستأنف ومستأنف علیه وحکم وقراریکه استیناف میشودواینکه صدور حکم ازکدام محکمه است وتاریخ ابلاغ آن بمستأنف وجهت استیناف وطلب حضورمستأنف علیه یاوکیل اوبمحکمه درج شود .

مادهٔ ۴۹۷ - بعرضحال مذکور بایدضمیمه شود :

۱ ـ لایحهٔ که متضمن ادعاء واعتراضات مستأنف باشد .

۲ ـ التزامنامه مستأنف که هرگاه غیرمحق درآید خسارات وارده برمستأنف علیه را ازمصارف محاکم ابتدائی واستینافی خواهد پرداخت .

۳ ـ قبض صندوق محکمه درباب ودیعه نهادن مبلغی که عبارت است ازصدی چهارمبلغ محکوم بحکم محکمهٔ ابتدائی وهرگاه موضوع استیناف مالی نباشد مطلقاًده تومان است .

٤ ـ وکالت نامه مصدقه وکیل درصورتیکه عرضحال را وکیل تقدیم میکند .

مادهٔ ۴۹۸ - ازمبلغ مذکوردرماده قبل درصورتیکه مستأنف غیرمحق درآید بمستأنف علیه درازای مصارف محاکمه وخسارات وارده براو که ثابت شده تأدیه خواهدشد تأدیه مصارف محاکمه برتأدیه خسارات مقدم است واگرمستأنف محق شد مبلغ مذکوربه اومستردمیشود هرگاه مصارف وخسارات مستأنف علیه بعد ازثبوت حقانیت او بیش ازمبلغی است که درصندوق گذاشته شده است مستأنف بموجب التزامنامهٔ بحکم محکمه خواهد پرداخت .

مادهٔ ۴۹۹ ـ هر عریضهٔ استینافی که دارای شرایط مذکوره در مادهٔ (۴۹۶) و (۴۹۷) نباشد قبول نخواهد شد عدم قبول عرضحال باید در ظرف سه روز از تاریخ ورود عرضحال بدفتر خانه محکمه استیناف از طرف دفترخانه مذکوره بعارض اعلام شود که نواقص را رفع نماید و اگر بمرتب شدن عریضه جدیدی محتاج باشد مستأنف را تاانقضای مهلت استیناف این حق خواهد بود هرگاه بواسطه مسامحه یااهمال مأمورین محکمه اعلام مذکور درموعد مقرر بعمل نیامدو مهلت استیناف منقضی شد مستأنف میتواند بمحکمه شکایت نماید ومحکمه بعداز ثبوت حقانیت مستأنف مهلت استیناف اورا تجدیدنموده مراتب رابمدعی العموم اطلاع میدهد .

مادهٔ ۵۰۰ - درصورتیکه مهلت استیناف منقضی شده باشد عرضحال مستأنف بموجب قرار محکمه استیناف باومسترد میشود .

مادهٔ ۵۰۱ - سواد مصدق عرضحال بامنضمات آن بمستأنف علیه ابلاغ میشود ومشارالیه در ظرف یك هفته لایحهٔ که متضمن جوابهای اواست ترتیب داده وبمحکمه تقدیم مینمایدپس ازآن جلسه رسیدگی معین وبطرفین اعلام میشود هریك ازمستأنف ومستأنف علیه باید شخصاً یا وکیل آنان در روز معین برای رؤیت دعوا درمحکمه استیناف حضور بهم رسانند و اگر یکی ازآنان برخلاف این قاعده رفتار کرد بموجب درخواست طرف حکم غیابی داده میشود ولی در اینصورت محکوم علیه غایب میتواند برحسب قانون در محکمه استیناف بآن حکم اعتراض نماید .

مادهٔ ۵۰۲ ـ در موارد استیناف احکامی که با ترتیبات اختصاری صادر شده است ترتیب لایحه از طرف مستأنف و مستأنف علیه لازم نیست بلکه مستأنف باید فقط عرضحال استینافی بضمیمه قبض صندوق و التزامنامه که در مادهٔ (۴۹۷) مذکور است تقدیم نماید و نسخه ثانوی عرضحال با احضاریه بطرف مقابل ابلاغ و برای جلسهٔ که معین شده است احضار میشود .

مادهٔ ۵۰۳ـ اگردریك حکم یاقراریکه استیناف شده اجرای موقتی آنهادرج نشده باشد استیناف آن حکم یا آنقرار اجرای آنها را بتأخیر میاندازد .

مادهٔ ۵۰۴ـ هرگاه اجرای موقت حکم یاقراریکه قابل استیناف است قانوناً جایز بوده واین نکته درحکم یاقرار تصریح نشده باشد مستأنف علیه میتواند قبل ازرسیدگی بدعوای استیناف عریضهٔ تقدیم کرده وتأمین بدهد که درصورت محکومیت خودمبلغ محکوم به را رد نماید و پس از آن ازمحکمه استیناف اجرای موقتی آن حکم یا قرار را درخواست کند و همچنین اگرمحکمه ابتدائی بدون سبب قانونی قراراجرای موقتی حکم راداده باشد مستأنف میتواند که بروفق اصول مستأنف علیه را معجلا به محکمه استیناف جلب واجرای موقتی آن حکم را منع نماید .

مادهٔ ۵۰۵ ـ اگر محکمه ابتدائی درمواردیکه قانوناً مأذون به‌اصدارحکم قطعی بوده درحکم خودقطعی بودن حکم راقید نمایدویا قیدکندکه آن حکم قابل استیناف است استیناف آن حکم قبول نخواهد شد وهر گاه محکمه درمواردیکه مأذون باصدارحکم قطعی نبوده در حکم خود قطعی بودن آنرا قیدکرده باشد استیناف آن حکم قبول خواهد شد در مورداخیر محکمه استیناف اجرای حکم را تعطیل نمیکند تا وقتی که غیرقطعی بودن آن ثابت شود بعد ازثبوت بایدمعجلا طرفین را احضار وتکلیف حکم را معین نماید .

فصل چهارم

در شرایط و ترتیب رسیدگی استینافی

مادهٔ ۵۰۶ ـ ممکن نیست کـه در محکمه استیناف ادعای جدیدی نمود یعنی ادعائی‌غیرازآنکه درمحکمه ابتدائی شده‌است ولی‌دعاوی مفصله‌ادعای جدیدمحسوب میشود :

۱ـ اگر مستأنف تقاضای تأدیه قیمت مالی رابنمایدکه درمحکمه ابتدائی محکوم به بوده است که طرف فروخته ویا مفقود داشته .

۲ـ درصورتیکه درمقابل اصل ادعاکه راجع بطلب باشدادعای تقاص یاحساب بشود.

۳ـ ادعای وجه اجاره وپس افتادن آن وسایر متفرعات ازقبیل ضررروزیان که بعداز صدور حکم ابتدائی بمدعی به اصلی تعلق گرفته .

۴ـ وقتی‌که ابراز دلایل جدیدی برای ابطال ادعای اصلی بشود .

مادهٔ ۵۰۷ ـ کسی غیرازصاحبان دعوی که درمحاکمه ابتدائی بوده‌اندحق نداردداخل دعوای استینافی شود .

مادهٔ ۵۰۸ ـ اگرمستأنف دعوای خودرا بدون عذرموجه قانونی سه ماه متوالی‌ترك نماید بنا بخواهش مستأنف‌علیه محکمه درسقوط دعوای استینافی قراری داده وحکم محکمه ابتدائی بمنزله حکم قطعی محسوب میشود .

مادهٔ ۵۰۹ ـ اصول وقواعدیکه درمحاکم ابتدائی درخصوص ترتیبات محاکمه وصدور حکم رعایت میشود درمحاکم استیناف نیزمرعی خواهد بود مگر درمواردیکه صریحاً تکلیف آنها دراین باب کتاب معین است .

مادهٔ ۵۱۰ ـ محکمه استیناف هر گاه دید حکمی‌که تقاضای استیناف آن‌شده‌قابل استیناف نبوده قراری داده عرضحال را رد وحکم محکمهٔ ابتدائی را تأیید میکند وهر گاه

بعد از رسیدگی مستأنف را محق دید مجدداً بماهیت دعوا رسیدگی نموده حکم میدهد.

مادهٔ ۵۱۱ ـ هر گاه باحکامی که ازمحکمه استیناف غیاباً صادر میشود اعتراض شود بدعوای اعتراضی درخود محکمه استیناف بروفق اصول محاکمات رسیدگی میشود.

مادهٔ ۵۱۲ ـ احکام حضوریکه از محاکم استیناف صادر میشود و همچنین احکامی که غیاباً صادر شده و در موعد مقرر برای اعتراض عریضهٔ اعتراض داده نشده باشد قطعی محسوب میشود.

مادهٔ ۵۱۳ ـ هریك ازطرفین که درمحکمه استیناف غیرمحق درآمدبتأدیه کلیه مصارفی که طرف کرده و مطالبه مینماید اعم ازمصارف محکمهٔ ابتدائی واستیناف به نحویکه درمادهٔ (۴۹۷) و (۴۹۸) مذکور است محکوم خواهد شد.

باب چهارم

در وسایل فوق العاده برای اعتراض برحکم

فصل اول

دراعتراض شخص ثالث بعد ازصدور حکم

مادهٔ ۵۱۴ ـ اگردرخصوص دعوائی حکمی صادر شودکه برحقوق شخص ثالث خللی واردآورد وآن شخص چه اصالتاًوچه بتوسط وکیل نه درحین محاکمه وصدورحکم بمحکمه احضار شده ونه درمحاکمه دخالت کرده باشدممکن است که برآن حکم اعتراض نماید.

مادهٔ ۵۱۵ ـ درمورد ماده قبل شخص ثالث حق داردکه بهرگونه حکم و قرار صادر از محاکم ابتدائی واستیناف اعتراض نماید وهمچنین چون حکم درحق غیرازکسانی که اورامعین کرده‌اندنافذومجری نیست شخص ثالث میتواند برحکم اوهم اعتراض نماید،

مادهٔ ۵۱۶ ـ اعتراض مذکور دردومادهٔ قبل بردوقسم است: اعتراض اصلی واعتراض طاری (غیراصلی) اعتراض اصلی عبارت است ازاعتراضی که ابتداء ازطرف شخص ثالث واقع شوددرحالی که فیمابین اووشخصی که حکم درحق اوصادر شده است سابقاً دعوائی بوقوع نرسیده باشد اعتراض طاری (غیراصلی) اعتراض یکی ازطرفین است برحکمی که سابقاًازیك محکمه صادرشده ودراثنای محاکمه طرف دیگربرای اثبات مدعای خودآن حکم را ابرازنمود.

مادهٔ ۵۱۷ - هرگاه محقق شود که دعوای شخص معترض بی اصل است معترض بتحمل خساراتی را که ازبابت اعتراض او بطرف مقابل وارد آمده وثابت شده محکوم میشود .

مادهٔ ۵۱۸ - اعتراض اصلی را باید بموجب عریضهٔ تقدیم نمود واین عریضه بمحکمه رجوع میشود که حکم معترض علیه از آنجا صادر شده واحضار طرفین نیز بعمل میآید .

مادهٔ ۵۱۹ - اعتراض طاری (غیر اصلی) کتباً یا شفاهاً بدون اینکه محتاج به تقدیم عرضحال جدید و احضار طرفین باشد بمحکمهٔ که دعوی در آنجا رؤیت میشود بیان خواهد شد ولی اگر درجه آن محکمه پست تر از محکمهٔ باشد که حکم معترض علیه را صادر کرده است لازم است که معترض عریضهٔ بمحکمه که حکم را صادر کرده است تقدیم نماید وطرفین موافق اصول بآن محکمه احضار شوند .

مادهٔ ۵۲۰ - ممکن است که اعتراض طاری (غیر اصلی) تارور اجرای حکم معترض علیه اقامه شود وبعد ازاجرای حکم معترض علیه هم شخص ثالث میتواند اعتراض نماید و هرگاه مدلل نماید که حقوقی که اساس ومأخذ اعتراض است بجهتی از جهات قانونی ساقط نشده است .

مادهٔ ۵۲۱ - درصورت وقوع اعتراض طاری غیر اصلی ازطرف شخص ثالث هرگاه محکمه موافق اصول و کیفیات مسئله مشاهده کند حکمی که درخصوص اعتراض مذکور صادر میشود تغییر در اصل دعوی خواهدداد حکم اصل دعوی را بتأخیر انداخته منتظر نتیجه دعوی اعتراض میشود والابه دعوای اصلی رسیدگی کرده منفرداً قطع مینماید .

مادهٔ ۵۲۲ - اعتراض شخص ثالث اجرای احکام قطعی را بتأخیر نمی اندازد ولی اگر ثابت گردد که ازاجرای حکم معترض علیه خطریا ضرری واقع خواهدشد که جبران آن درآتیه ممکن نخواهد بود محکمه که دعوای اعتراض در آن اقامه شده است بعد از تحصیل تأمین صحیح ازشخص معترض قراری در تأخیر اجرای حکم معترض علیه بمدت معین میدهد .

مادهٔ ۵۲۳ - اگر محقق شود که اعتراض شخص ثالث مقبول است ازحکم معترض علیه فقط مواد راجعه بحقوق شخص معترض ردمیشود وباقی مواد حکم بحال خودباقی میماند ولی اگر مواد حکم مذکور غیرقابل تفکیك باشد دراینصورت کلیه آن حکم ردمیشود .

فصل دوم

در اعاده محکمه - (تجدید نظر)

مبحث اول

در موارد اعاده محاکمه

مادهٔ ۵۲۴ - درصورت وجود یکی از جهات اعادهٔ محاکمه دراحکامی که بطور

قطعی حضوراً از محاکم ابتدائی و استیناف صادر شده و همچنین دراحکامی که غیاباً صادر وقطعی شده (بواسطهٔ انقضای مدت اعتراض در محکمه استیناف و انقضای مدت استیناف احکام غیابی محکمهٔ ابتدائی) میتوان اعادهٔ محاکمه‌نمود .

مادهٔ ۵۲۵ - دراین‌صورت‌باید خود یا وکیل شخصی‌که مستدعی‌اعادهٔ‌محاکمه است عریضهٔ متضمن استدعای خود تقدیم وجهت یاجهاتی راکه‌برای‌اعادهٔ‌محاکمه‌قانوناً معین‌شده است درعریضه خود بیان‌نماید.

مادهٔ۵۲۶ - جهات اعاده محاکمه ازقرار تفصیل‌است :

۱ - صدور حکم در مطلبی‌که موضوع ادعا نبوده .

۲ - درصورتیکه حکم بمقدار بیشتر ازمدعی‌به‌صادرشده‌است .

۳ - درصورتیکه از محکمه ابتدائی یا استیناف حکم قطعی صادر شده وحکم مذکور مغایر باحکم سابقی است‌که همان محکمه درخصوص همان‌دعواو مابین همان اصحاب دعوا داده است بعبارت‌اخری درصورت صدور حکم جدیدی بر خلاف حکم سابق بدون اینکه سبب‌قانونی‌وجودداشته وموجب‌این‌مغایرت باشد .

۴ - درموردی‌که دره‌فاد یك‌حکم موادمتضاد باشد .

۵ - درصورتیکه طرف مقابل مستدعی اعادهٔ محاکمه حیله وتقلبی نموده باشد که درحکم محکمه اثری داشته باشد .

۶ - اگر ثابت‌گردد که اسناد و نوشتجاتی که اساس حکم و قرارمحکمه اتخاذ شده است مزور ومجعول بوده است .

۷ - اگر بعداز صدور حکم اسناد و نوشتجاتی که راجع بآن حکم‌است بدست صاحب آن بیاید وثابت شودکه آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یاباعث کتمان آنها بوده .

۸ - هرگاه محقق‌شودکه درمواردیکه قانون دخالت مدعی‌العموم‌را درمحاکمه

حقوقی تقاضا میکند محاکمه بدون مداخله او شده وحکم برعلیه طرفی صادرشده که حضور مدعی‌العموم برای حفظ منافع اوست .

مبحث دوم

در موعد اعاده محاکمه

مادهٔ ۵۲۷ ـ مدت مهلت معینه برای اعادهٔ محاکمه همان است که برای استیناف قانوناً معین شده است و هرگاه عرضحال اعادهٔ محاکمه در ظرف همان مدت تقدیم نشود قبول نخواهد شد .

مادهٔ ۵۲۸ ـ اگر حکم درحضور طرفین صادر شده باشد مدت استدعای اعادهٔ محاکمه درغیر ازموارد مندرجه درمواد (۵۳۰) الی (۵۳۳) از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یابه محل اقامت آنان واگر غیابی باشد از انقضای مدت معینه برای اعتراض و استیناف یعنی ازتاریخ قطعی‌شدن برآن حکم محسوب میشود .

مادهٔ ۵۲۹ ـ اگرسبب اعاده محاکمه فقره اول و دوم مادهٔ (۵۲۶) و طرفی که متضرر شده است ادارهٔ خیرات عمومی باشد از موعد مقرر مستثنی است .

مادهٔ ۵۳۰ ـ درمورد مادهٔ قبل هروقت مدعی (ادارهٔ خیرات عدومی) بتواند ثابت کندکه حکم در خارج از موضوع ادعا یا زیادتر از مقدار مدعی‌به صادر شده حق اعاده محاکمه را خواهد داشت .

مادهٔ ۵۳۱ ـ مدت اعاده محاکمه در مواردی که از خصایص محاکم عدلیه است درحق صغارکه ولی یاقیم نداشته‌اند از تاریخ ابلاغ حکم بصغار یابه‌محل اقامت آنان بعد از وصول بحد بلوغ محسوب میشود و هرگاه ولی یاقیم داشته‌اند درروز ابلاغ حکم بولی یاقیم محسوب میشود .

مادهٔ ۵۳۲ ـ اگر سبب اعادهٔ محاکمه مجعول یامزور بودن اسنادی باشد که ابراز شده یا بواسطه حیله و تقلبی که طرف مقابل کرده و یا بجهت وجود بعضی اسناد و نوشتجات مکتومه در نزد طرف مقابل یااشخاص دیگر که ابراز آنها در حین محاکمه نشده دراین سه مورد مهلت قانونی برای تقدیم عرضحال اعاده محاکمه از روز ثبوت جعلیت اسناد یامحقق شدن حیله و تقلب طرف مقابل درمحکمه که صلاحیت دارد یا روزوصول نوشتجات مکتومه بدست صاحب آنها محسوب خواهد شدولی درموردکشف تقلب و اسناد مکتومه لازم است که اثبات بروز آن بواسطه اسنادکتبی باشد .

مادهٔ ۵۳۳ ـ اگر محکوم علیه قبل از انقضای مدت اعاده محاکمه وفات کند یامجنون شود ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یاولی محسوب خواهدشد .

مبحث سیم

دراستدعای اعاده محاکمه و ترتیب رسیدگی

مادهٔ ۵۳۴ ـ عرضحال اعادهٔ محاکمه باید بهمان محکمه داده شود که حکم را صادرکرده است وهمان هیئت حاکمه که حکم راداده‌اند اعادهٔ محاکمه مینمایند اگر استدعای اعادهٔ محاکمه برای ابطال حکمی باشد که از یك محکمه صادر شده و در محکمهٔ دیگردرحین رسیدگی بدعوای دیگری جزء دلایل اقامه شده است واستدعای اعادهٔ محاکمه به محکمه آخری داده شود آن محکمه مکلف است که عرضحال اعادهٔ محاکمه را به محکمهٔ که حکم راصادرکرده‌است رجوع نماید و خودش موافق احوال وکیفیات مسئله‌کاری راکه درتحت رسیدگی است تاختم اعادهٔ محاکمه توقیف نماید و یارسیدگی را تعقیب کرده به‌انجام برساند .

مادهٔ ۵۳۵ -- عریضهٔ اعادهٔ محاکمه قبول نمیشود مگر اینکه عارض برای تأدیهٔ ضرر و زیانی که بطرف مقابل میتواند وارد شود مبلغی درصندوق محکمه ودیعه گذاشته قبض آن را بعرضحال ضمیمه کند مبلغ مذکور در اعادهٔ محاکمه معادل باصدی پنج مبلغ یاقیمت محکوم به خواهدبود . ودیعه گذاشتن مبلغ مذکور باعث نمی‌شودکه متضرر نتواند بیش از آن مبلغ ادعای خسارات نماید هر گاه استدعای اعادهٔ محاکمه راجع بدولت و ادارات دولتی است ودیعه مبلغ مذکور لازم نیست درمواردی که نتوان محکوم به راتقدیرکرد (موضوع آن مالی نباشد) مقطوعاً بیست و پنج تومان ودیعه گذاشته می‌شود .

مادهٔ ۵۳۶ ـ استدعای اعادهٔ محاکمه اجرای حکمی را که اعادهٔ آن استدعا شده‌است بتأخیر نمی‌اندازد و اگر تأخیر اجرای آن استدعا شده باشد محکمه نمیتواند بمجرد استدعا بهیچوجه من‌الوجوه حکم بتأخیر اجراء نماید .

مادهٔ ۵۳۷ ـ درمحاکمهٔ که بموجب استدعا اعادهٔ محکمه میشود غیراز جهاتی که در مادهٔ (۵۲۶) مندرج‌است سبب‌دیگری را نمیتوان موضوع محاکمه‌قرارداد .

مادهٔ ۵۳۸ ـ اگر ظاهر گردد که استدعای اعادهٔ محاکمه مبنی براساس نیست استدعای مذکور رد وعارض بتأدیه خسارت طرف مقابل از وجه نقدی‌که در صندوق محکمه ودیعه گذاشته است محکوم می‌شود و هر گاه طرف‌مقابل‌ثابت‌نمایدکه‌خسارت او بیش از مبلغی است که در صندوق محکمه ودیعه گذاشته است عارض غیر محق بتأدیه باقی خسارت طرف مقابل نیز محکوم می‌شود .

مادهٔ ۵۳۹ ـ اگر اسبابی که برای اعادهٔ محاکمه ذکر شده موافق قانون موجود باشد قراری در محکمه داده میشودکه بموجب آن‌استدعای اعاده محاکمه قبول شود ومبلغی‌که درصندوق محکمه امانت است بصاحب آن‌رد شود و اجرای حکم سابق به تأخیر افتد و طرفین بحالت قبل از صدور حکم سابق که باعث اعادهٔ محاکمه

شده است معاودت مینمایند ولی اگر محکوم به سابق حاوی چند ماده بوده و اعادهٔ محاکمه راجع به بعضی از آن مواد باشد اجرای بقیه موادبه‌تأخیر نمی‌افتد .

مادهٔ ۵۴۰ - پس از اینکه محکمه درباب قبول اعادهٔ محاکمه قرار لازم داد بماهیت دعوی در همان محکمه باحضور طرفین رسیدگی و تحقیقات شده حکم جدیدی صادر می‌شود .

مادهٔ ۵۴۱ - درخصوص حکمی‌که برحسب استدعای اعادهٔ محاکمه صادر شده است دیگر استدعای اعادهٔ محاکمه نمیتوان نمود .

فصل سوم

در تمیز احکام

مبحث اول

در مواد عمومی

مادهٔ ۵۴۲- احکام مفصلة الذیل قابل تمیز هستند .

۱- احکام حضوری محاکم استیناف .

۲- احکام غیابی محاکم استیناف که مدت اعتراض برآنها منقضی شده است .

۳- احکام قطعی محاکم ابتدائیه .

۴- احکام قابل استیناف که از محاکم ابتدائی چه حضوراً وچه غیاباً صادر شده ولی بواسطهٔ انقضای مدت استیناف قطعی گشته‌اند .

مادهٔ ۵۴۳- احکام مفصله قابل تمیز نیست :

۱ـ احکامی که از محاکم عدلیه برطبق احکام عـدول مجتهدین جامع الشرایط صادر شده .

۲ـ احکامیکه مستند باقرار صریح باشد .

۳ـ حکم حکم ومصدقین که طرفین درانتخاب آنان تراضی نموده و بموجب التزام قانونی حکم آنانرا قاطع دانسته‌اند .

۴ـ درصورتیکه طرفین بالتزام قانونی ملتزم بسقوط حق تمیز شده باشند .

مادهٔ ۵۴۴ـ مهلت تمیز برای سکنه ایران دوماه است و برای کسانیکه مقیم ممالك خارجه‌اند سه ماه وابتدای این‌مدت از قرار تفصیل است :

۱ـ برای احکام محاکم استیناف (الف) ـ درصورتیکه حکم حضوری باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) ـ درصورتیکه غیابی باشد از روز انقضای مدت اعتراض برآن .

۲ـ برای احکام محاکم ابتدائی (الف)ـ درصورتیکه حکم حضوری بطور قطعی صادر شده باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) ـ اگر حکم حضوری قابل استیناف بوده‌واستیناف نشده باشدازروزانقضای مدت استیناف (ج) ـ هر گاه حکم محکمه ابتدائی غیابی باشد ازروز انقضای مدت استیناف .

مادهٔ ۵۴۵ـ مدت تمیز بواسطه فوت محکوم علیه توقیف شده وابتدای مدت ازتاریخ ابلاغ حکم بورثه یا قیم آنان محسوب خواهد شد .

مبحث دوم

در ترتیب استدعای تمیز

مادهٔ ۵۴۶ـ استدعای تمیز بموجب تقدیم عرضحال میشود و این عرضحال درطهران مستقیماً بمحکمه تمیزودرخارج طهران بمحکمه استیناف واگر نباشد بمحکمه ابتدائی تقدیم خواهد شد وقبض رسید دریافت‌میشود .

مادهٔ ۵۴۷ـ عرضحال درظرف مدت مذکور درمادهٔ (۵۴۴) بیکی ازمقامات مذکور باید داده وثبت شود والا مدت تمیزمنقضی خواهد شد ولازم است که درعرضحال تاریخ روز وماه وسال واسم وشهرت‌وشغل ومحل اقامت مدعی و مدعی‌علیه و اینکه حکمی که تمیزمیشود ازکدام محکمه صادرشده وتاریخ ابلاغ حکم محکمه‌کی بوده‌است وچه مغایرتی باقانون دارد صریحاً قید شود .

مادهٔ ۵۴۸ـ بعرضحال مذکور در ماده قبل باید منضم شود :

۱ـ صورت حکمی که تمیز میشود .
۲ـ لایحهٔ متضمن مواد ادعا وادله مستدعی تمیز وایضاح وتفاصیل اعتراضات او .
۳ـ قبض صندوق محکمه ابتدائی یا استیناف در وصول مبلغی که برای ضمانت ضرر و زیان طرف مقابل درصورت محق بودن او بودیعه گذاشته میشود مقداراین مبلغ مساویست با صدی پنج قیمت محکوم بهحکمی که تمیز میشود و هر گاه محکوم به را نتوان تقدیر کرد (یعنی موضوع حکم مالی نباشد) پانزده تومان مقطوعاً ودیعه گذاشته میشود .

مادهٔ ۵۴۹ ـ عرضحالی که بروفق دو ماده قبل نباشد قبول نمیشود و اگر مدت تمیز منقضی نشده باشد به مستدعی تمیز در ظرف سه روز از طرف دفترخانه اعلام می‌شود که نواقص عرضحال را رفع کند و اگر مدت تمیز منقضی شده باشد عرضحال بصاحبش رد می‌شود .

مادهٔ ۵۵۰ ـ هر گاه دفترخانه محکمه ابتدائی یا استیناف نواقص عرضحال تمیزی را درموقع خود بعارض اعلام ننماید ومدت تمیزمنقضی گرددعارض می‌تواند به محکمه تمیز شکایت نماید ومحکمه مذکوربعد ازرسیدگی واثبات حقانیت عارض دوهفته مهلت می‌دهدکه نواقص عرضحال خود را تکمیل نماید و هر گاه درمدت مذکوره‌عارض نواقص مذکوره را رفع نکرد عرضحال قطعاً ردمیشود وهر گاه محکمه ابتدائی یا استیناف بدون سبب قانونی عرض‌حال را ردکند پس از شکایت بدیوان تمیز محکمه تمیز قراری دربرقراری حق تمیز عارض داده ومهلتی‌که درهرحال نباید بیش ازمهلت قانونی باشد برای تقدیم عرضحال معین می‌کند ومراتب را درهردو مورد بمدعی‌العموم محکمه تمیز اعلام میدارد .

مادهٔ۵۵۱ـ استدعای تمیز اجرای احکام را تاوقتی‌که احکام نقض نشده است بتأخیر نمی‌اندازد ولی‌هر گاه اجرای حکم موجب ضرروزیانی برای مستدعی شودکه تدارك‌آن در آتیه ممکن نباشد ومستدعی تمیزتأمین صحیح بطوریکه برای تأمین‌مدعی‌به مصرح است بدهد براینکه درصورت عدم حقانیت مثل‌محکوم به راتسلیم طرف مقابل خواهد نموداجرای حکم بتاخیرمی‌افتد هر گاه‌لازم شودکه محکوم‌به نقدی ودیعه گذاشته شوددرطهران بصندوق وزارت عدلیه ودر ولایات بصندوق محاکم تسلیم میشود .

مادهٔ۵۵۲ ـ سوادعرضحال ولایحه‌که موافق مادهٔ (۵۴۸) باید منضم بعرضحال باشد ازطرف دفتردارمحکمه مصدق شده ودرعرض يك هفته از تاریخ تقدیم آن بمدعی‌علیه ابلاغ میشود ومدعی‌علیه نیزمکلف است‌که درظرف يك هفته ازتاریخ وصول سواد عرضحال ولایحه باولایحه جوابیه متضمن اظهارات ومدافعات وتمام ادله‌که برضداعتراضات مدعی‌داردترتیب داده‌وبدفترخانه محکمه‌که تقدیم عرضحال شده است بدهد .

مادهٔ ۵۵۳ ـ درصورتیکه عریضهٔ تمیزی به محکمه‌ابتدائی یااستیناف‌تقدیم‌شده باشد

دفتردار محکمه مکلف است سواد عرضحال و منضمات آنرا مصدق نموده و بمدعی علیه ابلاغ نماید وپس ازاینکه لایحه جوابیه رادرظرف یك هفته دریافت داشت توضیحات طرفین رارئیس محکمه درلف یادداشت اگرلازم باشد بااولین پست بمحکمه تمیز ارسال داردواگرعرضحالی که مستدعی بطریق مذکوردرفوق بدفترخانه محکمه تقدیم نموده است جامع شرایط مقتضیه نباشد بمشارالیه اخطارمیشود که شرایط راتکمیل نمایدولی اگرمستدعی تمیز آنراتکمیل نکندو همچنین درصورتیکه مدعی علیه در ظرف یك هفته لایحه جوابیه را ندهد عریضه تمیزی بتأخیر نیافتاده فوراً بمحکمه تمیزفرستاده میشود دراین صورت دفتردارابتدائی یا استیناف بایددر یادداشتی که بعریضهٔ مذکوره منضم و به محکمه تمیزارسال میدارد تاریخ تقدیم عرضحال و منضمات آن را وکیفیت اخطاری که بمستدعی شده است تصریح نماید وهریك از مأمورین محاکم که بواسطه عدم رعایت این ماده وماده (۵۵۰) سبب تأخیرارسال عریضه وباعث ضرر یکی ازطرفین شده مورد مجازات خواهد بود .

مبحث سیم

دراحضارمتداعیین وترتیب رسیدگی

مادهٔ ۵۵۴ـ پس ازوصول عریضه به محکمه تمیزوانقضای یك هفته ازابلاغ آن بمدعی علیه بحسب ترتیب ثبت عرایض دردفترمخصوص روز حضوردرمحکمه معین شده وطرفین یا وکیل آنان بمحکمه احضارمی‌شوند واگرمدعی علیه درطهران اقامت داشته باشد مهلتی که دورقه احضاریه معین میشود نباید کمتر ازیك هفته ازتاریخ ابلاغ ورقه مذکوره باشد و اگردر خارج باشد برای هرچهارفرسخ مسافت یك روز برمدت مذکوراضافه میشود .

مادهٔ ۵۵۵ـ اوراق احضاریه که بخارج داده میشود باید ازطرف رئیس محکمه تمیز برئیس محکمه ابتدائی که درمحل اقامت احضارشونده واقع است فرستاده شود رئیس مذکور مکلف است که ورقه مذکوره را به محض وصول بشخص یا به محل اقامت احضارشده موافق اصول احضار ابلاغ و رسید احضار شونده را درضمن مراسله جوابیه برئیس محکمه تمیز ارسال دارد .

مادهٔ ۵۵۶ـ رئیس هرشعبه عرایض واعتراضات واجوبه واسناد طرفین را با دوسیه محکمه که حکم آن تمیزمی‌شود با نظریات بیك یا چند نفر از اعضای شعبه برای تحقیق و تدقیق داده ومدتی که زیادترازده روزنباشد ازبرای دادن راپرت معین می‌نماید .

مادهٔ ۵۵۷ـ بعد از اینکه ممیز تحقیقات خود را تمام ودرحضور اعضاء قرائت نمود

بدواً دیوان تمیز در مسئله رد یا قبول عرضحال تمیزی موافق قانون مداقه نموده قرار رد یا قبول را میدهد و هرگاه قرار قبول داد شروع برسیدگی تمیزی در اصل دعوی می نماید و رئیس شعبه آنچه را که صلاح بداند از متداعیین استفسار میکند و سؤال و جواب را منشی نوشته طرفین در خاتمه آن مهر و امضا می نمایند .

مادهٔ ۵۵۸ـ بعد از اتمام استیضاح از طرفین در راپرت ممیز آنچه ضرورت داشته باشد اصلاح میشود .

مادهٔ ۵۵۹ـ ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رأی بطریقی است که موافق اصول محاکمات مقرر است .

مادهٔ ۵۶۰ـ بعد از اینکه اعضاء شعبه حقوق رأی دادند طرفین احضار و رأی دیوان تمیز از نقض و ابرام بر آنها قرائت میشود .

مادهٔ ۵۶۱ـ صورت رأی با امضاء اعضاء شعبه باید بمنشی تسلیم شود که در دفتر باقید نمره و تاریخ ثبت نماید .

مادهٔ ۵۶۲ـ محکمه تمیز بدعوا از روی لوایح و نوشتجات رسیدگی و تدقیق میکند احضار طرفین بمحکمه فقط برای توضیح اظهارات و اعتراضات و جوابهائی است که در عریضه و لوایح آنها بیان شده است بنا براین بعد از آنکه در روز معین نوشتجات موجوده در حضور طرفین یا در غیاب یکی از آنان در صورت عدم حضور بعد از احضار قرائت شد محکمه به تدقیقات تمیزی مباشرت کرده و حکمی که صادر میشود معتبر خواهد بود .

مادهٔ ۵۶۳ـ اگر تدقیق دعوی در روز معین تمام نشد و بجلسه دیگری محول گشت روز حضور معین شده بطرفین اعلام میشود و اگر طرفین در روز مذکور حاضر نشدند در غیاب آنان برسیدگی مداومت خواهد شد .

مادهٔ ۵۶۴ـ هرگاه علاوه بر توضیحات و اوراقی که طرفین تقدیم کرده‌اند اطلاع بسایر نوشتجات مقتضی باشد محکمه تمیز میتواند سایر اوراق را خواسته مطالعه نماید .

مادهٔ ۵۶۵ـ مقصود از تمیز تدقیق در حکمی است که تمیز شده و درصورت توافق حکم مذکور با قوانین و اصول محاکمه آن حکم ابرام و الا نقض میشود .

مبحث چهارم

درموارد نقض و ابرام

مادهٔ ۵۶۶ـ درموارد چهارگانه ذیل احکام نقض میشود: (۱) اگر محکمه که حکم

داده است خارج ازصلاحیت قانونی خودبدعوائی رسیدگی کرده (۲) هرگاه رسیدگی‌موافق صلاحیت قانونی محکمه بوده ولی حکم برخلاف قانون صادرشده (۳) اگربادعائی برخلاف اصول محاکمه رسیدگی شده وعدم رعایت اصول مذکوره بدرجهٔ اهمیت داردکه حکم را از اعتبارحکم قانونی میاندازد (۴) اگراحکامیکه ازدومحکمه دریك موضوع وماده صادرشده مباین همدیگرباشد .

مادهٔ ۵۶۷- هرگاه قضیه درمحکمه‌رؤیت‌شده باشدکه رسیدگی بآن اصالتاًازخصایص آن محکمه نبوده وهمچنین اگربدعوای تجارتی درمحکمه حقوق ویا بدعوای حقوقی در محکمه تجارتی ویا بدعوائی که ازخصایص محاکم شرعیه است درمحاکم عرفیه ویابدعوائی که ازخصایص محکمه ابتدائیه است در محکمه استیناف و یا بدعوائی که ازخصایص محکمه استیناف است درمحکمه ابتدائی یا خارج ازمرجع استینافی آن دعوی رسیدگی شده‌باشدحکم صادرنقض میشود ولواینکه دراثنای رسیدگی خواه درمحکمه ابتدائی وخواه دراستیناف از قبل هیچیك ازمتداعیین دراین خصوص اعتراض نشده باشد ولی اگردعوائی ازخصایص یکی ازمحاکم تجارتی بوده ودرمحکمه تجارتی دیگررسیدگی شده و یا راجع بیکی از محاکم ابتدائیه بوده و درمحکمه ابتدائیه دیگررؤیت شده ودر اثنای رسیدگی هیچیك ازطرفین اعتراض نکرده‌اند حکم صادر نقض نمیشود .

مادهٔ ۵۶۸- حکم صادردرخصوص دعوائی مادام‌که حکم مذکوربا قوانین جاریه‌که درحین وقوع آن‌دعوی‌معتبرومجری بوده‌مخالف نباشد نقض نمیشود .

مادهٔ ۵۶۹- هرگاه عین مفاد حکم مطابق یکی‌ازمواد قانونی است ولی اسباب‌موجه حکم با ماده قانونی دیگری که معنی دیگری دارد تطبیق شده‌آن حکم نقض میشود .

مادهٔ ۵۷۰- اگردردعوائی‌که ازقراردادی ناشی شده بمفاد صریح سند یا بقانون و نظامنامه متعلقه بآن قرارداد معنی دیگری داده شود حکم صادردرآن خصوص‌نقض میشود.

مادهٔ ۵۷۱- اصول وکیفیاتی‌که برای تأیید مفاد حکمی درخود حکم مندرج‌استدر محکمه تمیزمحقق ومعتبرمحسوب است ولی چنانچه از اوراقی‌که اساس‌آن اصول وکیفیات است ویا ازاسناد ونوشتجاتی‌که طرفین درحین محاکمه ابراز میکنند عدم صحت مندرجات مذکوره ثابت‌گردد حکم مذکور نقض میشود .

مادهٔ ۵۷۲- هرگاه دریکی ازمحاکم برخلاف اصول محاکمه بدعوائی‌رسیدگی‌شده باشد دردومورد حکم‌آن محکمه نقض میشود :

۱- هرگاه اصول محاکمه‌که رعایت نشده بوظایف محکمه راجع بوده‌وعدم رعایت اصول مزبوربدرجهٔ اهمیت داشته‌که درحکم محکمه نافذ و مؤثربوده وبهمان جهت نمیتوان حکم محکمه را حکم قانونی دانست .

۲- اگرمدعی یامدعی‌علیه بعدم رعایت اصلی ازاصول ترتیبات محاکمه‌اعتراض‌نموده باشند وبآن اعتراض رسیدگی نشده باشد .

مادهٔ ۵۷۳- اگراحکام متغایر ازیك محکمه ویا ازمحاکم ابتدائی که درحوزهٔ یك محکمه استیناف هستند صادرشده ودرموقع اعاده محاکمه یا استیناف برخلاف قوانین مقرره نسخ نشده باشد درمحکمه تمیز نقض میشود .

مادهٔ ۵۷۴- هرگاه احکام متغایر ازدومحکمه صادر شده واحکام مذکوره متعلق بیك دعوی وراجع بمتداعیین معین باشد بدون اینکه صورت قضیه تغییر کرده باشددراین‌صورت حکم ثانی نقض وحکم اولی نیزدرصورتیکه مخالف قانون باشد نقض میشود .

مادهٔ ۵۷۵- اگریك حکم مغایرصریح قانون باشد یا اصول ترتیبات‌محاکمه رعایت نشده باشد وآن عدم رعایت بدرجهٔ اهمیت داشته باشدکه درحکم محکمه مؤثروآن را از اعتبارحکم قانونی بیاندازدآن حکم نقض میشود ولودلایلی‌که بمستدعی تمیز برای‌نقض‌اقامه میکندکافی وموجب نقض نباشد .

مبحث پنجم

دراقدام محکمه تمیز بعد ازنقض

مادهٔ ۵۷۶- محکمه تمیزباصل وماهیت دعوائیکه حکم‌آن را نقض میکند رسیدگی ننموده رسیدگی را به محکمهٔ‌که قانون معین میکند محول میدارد .

مادهٔ ۵۷۷- اگرحکم بواسطه عدم صلاحیت محکمه نقض شده محکمه تمیزدعوی‌را مستقیماً بمحکمهٔ‌که صلاحیت رسیدگی را دارد محول می‌کند و درسایرموارد بشعبه دیگر همان محکمه‌که حکم منقوض را داده است رجوع میکندواگرمحکمه بیش ازیك شعبه‌نداشته باشد خود دیوان تمیزمحکمه راکه درعرض محکمه حاکمه است معین و رسیدگی مجدد را بدان ارجاع مینماید .

مادهٔ ۵۷۸- اگریکی ازدوحکم مغایرهم‌که بصورت قطعی صادرشده‌موافق‌قانون‌بوده ودیگری نقض شود مجدداً بدعوی رسیدگی نمیشود ولی هرگاه هردونقض شوند دعوی به محکمهٔ‌که موافق ماده قبل محول میشود تا بعد ازرسیدگی حکم مجدد صادرشود .

مادهٔ ۵۷۹- برای تصحیح حکم منقوض یا تجدید رسیدگی بدعوی بعدازنقض تقدیم عریضه جدید لازم نیست بلکه ارائه حکم محکمه تمیز کافی است .

مادهٔ ۵۸۰- هرگاه حکمی درمحکمه تمیز بواسطه وجود یك یاچندین سبب ازاسبابی

که موجب نقض میشود نقض شده و برای تجدید رسیدگی به‌محکمه مرجوعه محول گشته‌اگر مفاد حکم ثانی که صادرمیشود بهمان علت و اسبابیکه مفاد حکم منقوض مبتنی بر آن بوده مستند باشد ومجدداً یکی ازطرفین نقض‌آن رابخواهند هیئت عمومی محکمه تمیزدرخصوص آن حکم تدقیقات جدیده بعمل‌آورده‌وعنداللزوم آنرا نقض میکنند و اگرحکمی که درخصوص نقض ثانی داده میشود مستند به‌همان علل واسبابی باشدکه موجب نقض حکم اولی شده بود محکمهٔ که دعوی به‌آن محول‌میشود بامتثال حکم محکمهٔ تمیز مکلف است .

مادهٔ ۵۸۱- درحکمی که درمحکمه تمیز صادرمیشود بایداسم‌وشهرت‌وشغل‌ومحل‌اقامت طرفین‌وحکمی که به تمیزرجوع‌شده است وخلاصهٔ اعتراضات وادله طرفین واسبابی که‌موجب نقض یا تصدیق‌آن حکم میشود ذکرشود .

مادهٔ ۵۸۲- تمام احکام دیوان تمیز باید بتوسط مدعی‌العموم دیوان مذکور بوزیر عدلیه تقدیم شود .

مبحث ششم

درتمیزیکه ازطرف مدعی‌العموم تقاضا میشود

مادهٔ ۵۸۳- چنانچه درمادهٔ (۱۳۶) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است مدعی‌العموم دیوان تمیزحق دارد برای محافظت قانون حکم قطعی را که برخلاف قوانین صادر شده تمیز نماید .

مادهٔ ۵۸۴- تقاضای تمیزازطرف مدعی‌العموم دیوان تمیز مدت ندارد هروقت مطلع شد میتواند تمیز نماید .

مادهٔ ۵۸۵ - رسیدگی تمیزی که تقاضای‌آن ازطرف مدعی‌العموم شده چون برای حفظ قانون است بدون حضورمتداعیین بعمل می‌آید وهرگاه حکم نقض شد نقض بلاارجاع خواهد بود .

مادهٔ ۵۸۶- نقض‌محکمه تمیزدرموردسه‌ماده قبل‌فایدهٔ برای‌متداعیین نخواهدداشت.

باب پنجم

در مواعد

فصل اول

قواعدعمومی در حساب کردن مواعد

مادهٔ ۵۸۷ ـ مواعدی راکه قانون معین نکرده باید بنظر و تصویب محکمه معین شود و موعدی راکه محکمه معین میکند باید موافقت داشته باشد با امکان انجام امری که برای ایفای آن موعد تقاضا یا تعیین شده (ماه که در مواعد قانون معین شده و میشود سی روز تمام است) .

مادهٔ ۵۸۸ ـ هرگاه روز آخر موعد مصادف شود با روز تعطیل ادارات آن روز که ادارات تعطیل است بحساب نمیرود وروز آخر موعد روزی خواهد بود که ادارات بعداز تعطیل باز میشوند .

تبصره ـ در تعطیل ادارات اعیاد ملی ومملکتی وروزهای مخصوص سوگواری مذهبی رعایت خواهد شد .

مادهٔ ۵۸۹ ـ هرگاه در روزی که برای حضور تعیین متداعیین در محکمه معین شده است محکمه جلسهٔ نداشته یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد انقضاء موعد روزی خواهد بود که محکمه جلسه داشته وحاضر باشد .

مادهٔ ۵۹۰ ـ در مواعدی که محکمه روز وتاریخ انقضای آنرا مخصوصاً معین کرده است درهمان روز و تاریخ منقضی میشود .

فصل دوم

در دادن مهلت و تجدید مواعد

مادهٔ ۵۹۱ ـ دادن مهلت فقط یکدفعه جایز است باستثناء دو مورد ذیل که میتوان بیش از یکدفعه مهلت داد: (۱) درصورت تراضی متداعیین یا اصحاب دعـوا (۲) در صورتی که تقاضا کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاریکه محکمه خواسته است بواسطهٔ حدوث موانعی بوده که رفع آن موانع در حیطهٔ اقتدار تقـاضا کننده نبوده است .

مادهٔ ۵۹۲ ـ دادن مهلت بعد از انقضای مدت قانونی درموارد ذیل ممنوع است :

۱ ـ برای اعتراض بر حکم غیابی و تقدیم عرضحال استینافی چه از حکم و چه از قرار محکمه و عرضحال راجع باعتراض شخص ثالث بعد از صـدور حکم و اعادهٔ محاکمه و تمیز .

۲ ـ وقتی که متداعیین بعداز انقضاء موعدی که معین شده بود مجدداً استمهال نمایند مگر اینکه در مورد فقره ثانوی بمحکمه ثابت نمایند که در اعلام مدت مهلت مزبوره سهو یا خطائی شده است که بدان جهت رعایت قوانین راجعه بموعد راممکن نبود .

مادهٔ ۵۹۳ ـ مرض متداعیین را با امکان توکیل نمی توان جهت عـدم استفاده از موعد و استمهال قرارداد .

مادهٔ ۵۹۴ ـ خواهش تجدید موعد درصورتی پذیرفته است که موانع یامعاذیر تقاضاکننده مشروع بوده و رفع موانع در حیطهٔ اقتدار او نباشد.

مادهٔ ۵۹۵ ـ خواهش تجدید موعد منقضی بمحکمهٔ راجع است که اوراق

ونوشتجات به‌آن محکمه ارسال‌شده است وهمان محکمه‌بتقاضای مزبوررسیدگی کرده قرار میدهد .

مادهٔ۵۹۶ ـ هرگاه‌کسی استدعای تجدید موعد نماید باید در ظـرف دو هفته استدعای مزبور بعمل آید و ابتدای این موعد از تاریخی است‌که‌محکمه‌قرار خودرا درباب انقضای موعد مقرر اعلام نموده است حق مسافت یك‌روز برای هرچهارفرسخ بر موعد مزبور علاوه میشود .

مادهٔ۵۹۷ ـ سواد خواهش تقاضا کننده بطرف مقابل اعلام و تاریخ حضور طرفین در محکمه معین و بآنان ابلاغ میشود .

مادهٔ۵۹۸ ـ درصورت قبول خواهش تقاضاکننده موعد جدیـدی معین و این موعد جدید بهیچوجه نباید بیش از موعدیکه قانوناً مقرر است باشد وابتدای موعد مجـدداً از تاریخ اعلام قرار محکمه در باب قبـول خواهش تجدید موعد حساب خواهد شد .

باب ششم

در اجرای احکام محاکم عدلیه

فصل اول

در قواعد عمومی

مبحث اول

درمقدمات اجرا

مادهٔ۵۹۹ ـ هیچ حکمی از احکام محاکم عدلیه بموقع اجرا گذاشته نمیشود

مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین میکند از محکمهٔ که صلاحیت دارد صادر شده باشد .

مادهٔ ۶۰۰ ـ احکام محاکم عدلیه فقط وقتی بموقع اجرا گذاشته میشود که محکوم له این تقاضا را از محکمه بکند ومحکوم له که اجرای حکم خودرامیخواهد بایدکتباً یاشفاهاً صدور ورقهٔ اجرائیه را تقاضا نماید .

مادهٔ ۶۰۱ ـ ورقهٔ اجرا باید بامضای رئیس ومنشی محکمه رسیده بمهر محکمه ممهور باشد هرگاه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند یاحکم راجع باموال منقول یاغیر منقول متعدد باشد میتوان بعدهٔ هرکدام ورقه اجرائیه داد .

مادهٔ ۶۰۲ - در ورقه اجرائیه باید اسم مأموراجرا صریحاً نوشته شود و بعد از تبلیغ ورقه اجرائیه تمام عملیات اجرا بعهده اوست .

مادهٔ ۶۰۳ ـ مأموراجرا مکلف است بتقاضای محکوم علیه اصل ورقه اجرائیه را باوارائه دهد .

مادهٔ ۶۰۴ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیباشد .

مادهٔ ۶۰۵ ـ محکوم علیه و محکوم له میتوانند هر یك دو نفر شاهد برای حضور در حین عملیات اجرا دعوت نمایند ولی عدم حضور شهود مانع ازاجرای حکم نخواهد بود .

مادهٔ ۶۰۶ ـ محکوم له حق دارد وسیلهٔ اجرای حکم را بمأمور اجرا بنماید وهرگاه مشارالیه آن وسیله رادر نظر نگرفت تقاضا کند که این نکته در دفتر مشارالیه نوشته شود .

مادهٔ ۶۰۷ ـ محکوم له حق دارد درحین عملیات اجرا حاضر باشد ولی نمیتواند دخالت در امر اجرا نموده تعلیماتی بدهد که از وظایف مأمور اجرااست .

مادهٔ ۶۰۸ ـ مأمور اجرا باید مطالب مفصله دردفترخودش درج نماید :

(۱) ‑ اسم و اسم پدرخودومحکمهٔ که از آن مأموریت دارد (۲) ‑ مفادحکم محکمهٔ که بموقع اجرا گذاشته میشودوتاریخ وصول ورقه اجرائیه باو(۳)‑ اسم وشهرت وشغل محکوم له ومحکوم علیه وشهودی که حاضرند (۴)‑تاریخ شروع باجرا ومحلی که درآنجا حکم اجرا میشود (۵)‑ اقداماتی که کرده است و تاریخ هر اقدامی (۶)‑ تصریح بمهلت‌هائی که داده شده‌است یا توقیفاتی که در حین اجرا بعمل آمده است(۷)‑ مقدار محکوم به و تاریخ تسلیم آن بمحکوم له (۸)‑ حق اجرائی که بخزانه تسلیم شده است .

مادهٔ ۶۰۹‑ مأمور اجرا بتقاضای محکوم له ومحکوم علیه باید سواد مصدقی از مندرجات دفترخود بآنان بدهد وحق سواد درتعرفه معین است .

مادهٔ ۶۱۰‑ بعداز مباشرت باجرامأمور اجراحق ندارد اجرای حکم راتعطیل یاتوقیف ویاقطع نمایدمگر بقرار محکمهٔ که حکم داده است یا بابرازقبض محکوم له که ازمحکوم علیه مبلغ محکوم بدرسیده است و یابالاخره رضایت نامهٔ کتبی محکوم له در تعطیل یاتوقیف ویاقطع اجرا. تخلف مأموراجرا ازوظایف خود باعث مجازاتی که معین شده‌است خواهد بود .

مادهٔ ۶۱۱‑ مأمور اجرا محکوم به را به محکوم علیه تسلیم نموده قبض رسید میگیرد و هرگاه محکوم به نباید بمشارالیه داده شود بمحکمهٔ کـه حکم داده است تسلیم می‌شود .

مادهٔ ۶۱۲‑ درصورتیکه مال محکوم علیه کفایت حق طلبکار یا طلبکاران را ننماید مأموراجرا مبلغ محکوم به را بمحکمه تسلیم می‌نمایدکه موافق فصل ششم این باب رفتار بشود .

مادهٔ ۶۱۳‑ اجرای حکم را مأمور اجرا در روی ورقه اجرا قیدکرده بمحکمهٔ که آنرا داده‌است مستردمیدارد وبمحکوم علیه قبض اجرای حکم رامیدهد .

مادهٔ ۶۱۴ـ هرگاه محکوم‌علیه درحین اجرا فوت شود تازمان معین شدن ورثه یا قیم (درصورت صغیر بودن آنها) اجرا توقیف میشود .

مادهٔ ۶۱۵ـ شکایت ازمأمورین اجراو تخلفات آنان ازحدود قانونی به مدعی العموم محکمهٔ راجع است که مأمور اجرا درآن محکمه مأموریت دارد ولی منازعات راجعه بمفاداحکام راجع است بمحکمهٔ که حکم داده‌است .

مادهٔ ۶۱۶ـ شکایات مزبوره باید درظرف دوهفته از تاریخ وقوع ماده شکایات یا اظهارات بعمل آید والابی اثر خواهدماند .

مادهٔ ۶۱۷ـ شکایت ازمأمورین اجراباعث تعویق یاتوقیف اجرای حکم نمیشود مگراینکه قرار محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد بتقاضای مدعی العموم آن باب صادر شود .

مادهٔ ۶۱۸ـ درمورد حدوث اختلاف و منازعه در مفاد حکم تقدیم احضار نامه باعث تأخیر اجرای حکم خواهد شد تازمانیکه محکمهٔ که حکم را داده است قرار لازم رابدهد .

مادهٔ ۶۱۹ـ بعدازوصول اظهارنامه محکمه سواداظهارنامه رابطرف مقابل ابلاغ نموده معجلامشارالیه رابرای رسیدگی احضارمی‌کند ولی عدم حضور احضار شده باعث تعویق رسیدگی ودادن قرار نمی‌شود .

مبحث دوم

در کیفیت اجرا

مادهٔ ۶۲۰ـ هرگاه محکوم علیه طوعاً مدلول حکم محکمه راقبول ننموده مأمور اجرابموجب موادآتیه مدلول حکم رااجرا مینماید.

مادهٔ ۶۲۱ ـ هرگاه محکوم به عین معین از منقول یا غیر منقول است و برای مأمور اجرا ممکن است که گرفته بمحکوم‌له تسلیم نماید عیناً گرفته بذی حق خواهد داد واگر برای تسلیم آن یا تخلیهٔ محل مدتی لازم باشد باندازهٔ لزوم مهلت داده میشود .

مادهٔ ۶۲۲ ـ اگر محکوم علیه اقدام بتصرف دادن محکوم به نکند مأموراجرا موافق قانون اقدام کرده بتصرف محکوم له میدهد و هرگاه محکوم به عین معین است ولیکن محکوم علیه اصرار درانکاردارد یامخفی کرده است و دسترسی بآن شیئی نیست محکوم علیه ممتنع محسوب خواهد شد .

مادهٔ ۶۲۳ ـ هرگاه محکوم علیه ممتنع مال منقول یا غیر منقول دیگری دارد برای اداء دین او در ازای عین محکوم به‌توقیف میشود (رجوع بفصل دوم این باب) واگرمال دیگری که دسترس بآن باشد نداشته باشد یا مال منقول یا غیرمنقول محکوم علیه ممتنع ایفای دین اورا ننماید موافق موادآتیه رفتارمیشود .

مادهٔ ۶۲۴ ـ درصورتی که محکوم علیه مدعی افلاس شده و اثبات نمود یا افلاس او ازسابق معلوم بود شخص او ازتوقیف مصون است ولیکن ذمهٔ مدیون مشغول است و هروقت تمکن حاصل نماید محکمه بموجب اظهار طلبکار درصدد مطالبهٔ حق او برمیآید .

تنبیه ـ مقصود ازمفلس غیراز ورشکسته به‌تقصیراست یاورشکسته به‌بی‌احتیاطی که مجازات‌آنان درقانون مجازات معین شده .

مادهٔ ۶۲۵ ـ اگر افلاس محکوم علیه معلوم نیست وخودش هم در صدد اثبات افلاس برنیامده وامتناع‌از ادای دین‌دارد محبوس‌میشود وهرگاه درائنای حبس افلاس اومحقق‌شد رها میشود .

مادهٔ ۶۲۶ ـ اگر طلب‌کار خودش قبل ازانقضاء مدت حبس استدعای خلاصی محبوس را نماید مجدداً حق‌استدعای حبس اورا نخواهد داشت .

مادهٔ ۶۲۷ - هرگاه محکوم‌له ثابت نماید که محکوم‌علیه درصدد فرار است حق دارد بتوسط مأموراجرا ضامن یاکفیل ازاو بخواهد درصورتیکه محکوم‌علیه امتناع از دادن ضامن یاکفیل نماید به‌تقاضای محکوم‌له توقیف میشود .

فصل دوم

درتوقیف اموال منقوله

مبحث اول

درمواد عمومی

مادهٔ ۶۲۸ - عدم حضورمحکوم‌له ومحکوم‌علیه وشهود مانع‌ازاجرای توقیف نخواهد بود .

مادهٔ ۶۲۹ - مأمور اجرا باید درموارد مفصله مأموری ازنظمیه برای حضور درعملیات توقیف دعوت نماید:(۱) هرگاه درخانه یااطاق بسته‌است ویاقفل است وباز نمیکنند (۲) هرگاه توقیف درغیاب محکوم‌علیه بعمل میآید .

مادهٔ ۶۳۰ - اشیاء مفصله‌که ازمستثنیات دین است توقیف نمیشود:(۱) لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریهٔ مدیون و خانوادهٔ اولازم است (۲) آذوقهٔ موجوده بقدراحتیاج یك ماهه مدیون و نفقه وکسوه اشخاص واجب‌النفقه (۳) اسناد مدیون باستثنای کاغذهای قیمتی و سهام شرکت‌ها (۴) لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب نظام حاضر خدمت (۵) اسباب و آلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دوابی که برای زراعت لازم است .

مبحث دوم

در ترتیب صورتیکه از اموال منقوله برداشته می‌شود

مادهٔ ۶۳۱ ـ قبل از توقیف اموال منقوله باید صورتی مرتب شود که در آن کلیه اسامی اشیاء نوشته شود ودرموقع لزوم کیل‌ووزن وعدد اشیاء معین شود در صورت اشیاء طلا و نقره هرگاه عیار آنها معین باشد قید میشود در جواهرات عدد و اندازه و صفات و اسامی آنهــا معین می‌شود و درکتابها اسم کتاب و مؤلف و تاریخ طبع و در صورت تصویر و پرده هــای نقاشی مفاد پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش و در مال التجاره چه در انبار باشد و چه درجای دیگر اسم مال التجاره و عدهٔ عدل و نمرهٔ آنها تصریح میشود از اسهام وکاغذهای قیمتی عدد ونوع وقیمت اسمی آنها درصورت معین میشود .

مادهٔ۶۳۲ ـ درصورت اشیاءکلیاً باید نویا مستعمل بودن آنها قید شود .

مادهٔ۶۳۳ ـ درمواردی‌که صورت‌اشیاء موجودباشد مأموراجرا صورت جدیدی ترتیب نداده بهمان صورت رسیدگی‌کرده اختلاف را قید می‌کند .

مادهٔ۶۳۴ ـ هرگاه نسبت بهاشیائی‌که بایدتوقیف شوداشخاص ثالث اظهارحقی نمایند مأموراجرا اسم مدعی وچگونگی اظهار اورا قید می‌کند .

مادهٔ۶۳۵ ـ عدد وکیل‌ووزن باید تمام حروف و با اعداد نوشته شودصورت‌باید قیطان‌کشیده وممهوربمهرمأمور اجرا باشد .

مادهٔ۶۳۶ ـ در صورت باید تاریخ شروع وانجام نوشته شده وتصحیحات‌که در

صورت سهو و اشتباه بعمل میآید درآخر صورت تصریح و به امضای مأمور اجرا برسد تراشیدن وپاك‌کردن درصورت ممنوع است .

مادهٔ۶۳۷ـ درمواردیکه داین ومدیون وشهود حاضر باشند صورت بامضای آنها میرسد وهرگاه امتناع ازامضاءنمایند مراتب درصورت قید می‌شود .

مادهٔ۶۳۸ـ اشخاص مذکوره در مادهٔ قبل می‌توانند ایـرادات خود را در باب صورت مرتبه بمأمور اجرا اظهارنمایند وهرگاه مأموراجرا ایراداتآنانرا قبول‌نکرده درآخرصورت جهات آنرا قید میکنند .

مادهٔ۶۳۹ـ بتقاضای داین ومدیون مأمور اجرا بـاید سوادی ازصورت مرتبه بآنها بدهد حقی‌که ازآنهاگرفته میشود موافق تعرفه است .

مادهٔ۶۴۰ـ هرگاه از اموال منقوله در جای محفوظ معینی باشد مأمور اجرا مدخل‌آنجارا بسته ومهروموم می‌نماید . وهرگاه اشیاء جای محفوظ‌ومعین‌نباشدبهرکدام از اشیاء کاغذی وصل کرده مهرمی‌کند داین و مدیون نیز می‌توانند مهرخود راپهلوی مهرمأمور اجرا بزنند .

مادهٔ ۶۴۱ ـ هرگاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاء توقیف شده بشودباید اشیاء مزبوره را جداکرده طوری توقیف‌نمایندکه بتوان سرکشی و مراقبت نمود .

مادهٔ۶۴۲ـ هرگاه داین ومدیون در موقع عملیات توقیف حاضرنشوند یاحاضر شوند وایرادی ننمایند بعدحق ایراد وشکایت رااز اقدامات مأموراجرا نخواهندداشت باستثنای مواردیکه توقیف باید معجلا بدون انتظار حضور داین و مدیون مجری شود (مثلا درمورد توقیف اشیائی‌که ضایع شدنی است) .

مبحث‌سوم

در تقویم اموال منقوله

مادهٔ۶۴۳ـ تقویم اموال منقوله درحین توقیف بعمل می‌آید و درصورت درج

میشود . تقویم‌را داین میکند با حضور مدیون ودرصورت اختلاف درقیمت اشیاء هرکدام از طرفین حق دارند تقاضای تقویم مقوم را نمایند مخارج مقوم بعهدهٔ شخصی است‌که که اوراخواستارشده است .

مادهٔ ۶۴۴– هرگاه طرفین‌درانتخاب مقوم تراضی ننمایند یاطرفی حاضر نشود یا امتناع ازتقویم نماید مدعی‌العموم ودرغیاب اورئیس محکمه مقوم را معین میکند. عدهٔ مقومین باید طاق باشد و در صورتیکه اکثریت حاصل نشود حد وسط قیمتهای مقوم را مأمور اجرا اختیار میکند .

مبحث‌چهارم

در حفظ اموال توقیف شده

مادهٔ ۶۴۵ – اموالی‌که باید توقیف شود در همانجاکه هست توقیف میشود و در صورت لزوم بجای محفوظی نقل میشود . در هرحال باید اموال توقیف شده را بشخص مسئولی سپرد .

تبصره – اموال دیگری را به اسم مال مدیون در غیر خانه مدیون نمی‌توان توقیف‌کرد .

مادهٔ ۶۴۶ – هرگاه در انتخاب چنین شخص مسئولی داین و مدیون تراضی نکردند مأمور اجرا معین میکند .

مادهٔ ۶۴۷ – مأمور اجرا بایدحتی‌المقدورکسی را معین‌نمایدکه دارائی‌داشته و بدون نقل اشیاء بجای دیگر مسئول حفظ آن‌شود .

مادهٔ ۶۴۸ – مأمور اجرا نمیتواند بدون‌تراضی‌کتبی طرفین اموال توقیف‌شده را باشخاص ذیل بسپارد : (۱) باقوام و اقربای خود تا درجه سوم (۲) بداین ومدیون

و عیال آنان وهمچنین باشخاصی‌که با داین و مدیون قرابت نسبی و سببی تا درجه سوم دارند و بمخدومو خدمهٔ آنان‌مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال‌توقیف شده‌پیدا نشود .

مادهٔ ۶۴۹ ـ سواد صورت اموال توقیف شده بشخصی‌که مسئولیت حفظ را بر عهده‌گرفته داده شده و قبض رسید دریافت میشود .

مادهٔ ۶۵۰ ـ شخص حافظ حق‌الحفظ میگیرد . وهرگاه داین و مـدیون در این باب تراضی نکردند حق مزبور موافق تعرفهٔ مقرره خواهد بود .

مادهٔ ۶۵۱ ـ حافظ اشیاء توقیف شده حق ندارداشیاء توقیف شده‌را استعمال نماید یا بکسی بدهد و الا ازحق‌الحفظ مقرر محروم و بعلاوه مسئول خسارات وارده خواهد بود .

مادهٔ ۶۵۲ ـ هرگاه حافظ اموال توقیف شده در اموال مذکوره تعدی نماید عـلاوه بر تأدیهٔ خسارت وارده از یك ماه الی یکسال بسته به اهمیت تقصیـر حبس خواهد شد .

مادهٔ ۶۵۳ ـ هرگاه اشیاء توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ اشیاء مزبوره باید حساب آنرا بدهد .

مادهٔ ۶۵۴ ـ حق‌الزحمهٔ حافظ اشیاء توقیف شده را در صورتیکه مـدیون امتناع از ادای دین کرده مشار الیه باطلاع‌مأمور اجرا میپردازد و درصورتیکه‌اشیاء فروخته شود از بقیه اشیاء مبیعه داده میشود وهرگاه مدیون امتناع نکرده باشدداین تأدیه میکند .

مبحث پنجم

در توقیف اموال منقوله مدیون که در نزد اشخاص ثالث است

مادهٔ ۶۵۵ – هرگاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقوله دیگری از مدیون نزد اشخاص ثالث میباشد ورقه اجرائیه درباب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ و رسید ورقه دریافت میشود و مراتب را فوراً بمحکوم علیه نیز کتباً اعلام مینماید .

مادهٔ ۶۵۶ – بموجب رسیدی که میسپارند اشخاص ثالث مکلفند که اموال توقیف شده را بصاحب آن ندهند .

مادهٔ ۶۵۷ – مقامات رسمی بعد از گرفتن ورقهٔ اجرائیه مکلفند که از اموال محکوم‌علیه که در نزد آنها است چیزی بمشارالیه ندهند مگر اشیائی که از مستثنیات دین است .

مادهٔ ۶۵۸–نقض دو مادهٔ قبل موجب مسئولیت شخص ثالث و مقامات رسمی درمقابل محکوم‌له خواهد بود. ودرصورتیکه محکوم‌علیه مفلس باشد کسی که مال را بمحکوم‌علیه داده باید تأدیه خسارت محکوم‌له را بقدر آنچه داده بنماید .

مادهٔ ۶۵۹– هرگاه بموجب قرارداد اشخاص ثالث وجهی باقساط معینه بمحکوم علیه دادنی باشند درالتزامی که بعداز ابلاغ ورقهٔ اجرائیه میدهند باید صریحاً قید نمایند که چند قسط پرداخته شده و تأدیه اقساط دیگری برذمهٔ آنها هست یا نه و چه وقت خواهند داد و بعداز ابلاغ ورقهٔ اجرائیه باشخاص ثالث اقساط را باید درنزد خود آنان توقیف نمود یا درنزد امینی که متداعیین یا داین و مدیون انتخاب کرده‌اند . و هرگاه تراضی نکنند درنزد امینی که محکمه معین می‌کند .

مادهٔ ۶۶۰–درمورد مادهٔ قبل هرگاه معلوم شود اشخاص ثالث اطلاعاتی که داده‌اند

موافقت باواقع امر ندارد وکمتر از آنچه نزد آنان بودصورت داده‌اند باید ازعهدهٔ خسارت محکوم‌له برآیند .

مادهٔ ۶۶۱ـ درصورتیکه حقوق دیوانی مدیون توقیف شود مراتب ذیل لازم الرعایه‌است : (۱) هرگاه‌مدیون معیل یا صاحب اولاد باشد فقط ربع حقوق او بداین تأدیه میشود والاثلث (۲) خرج مسافرت و مواجب اهل نظام کـه در جنگ‌هستند توقیف نمیشود .

مادهٔ ۶۶۲ـ در مواردیکه طلب داین بایداز حقوق دیوانی پرداخته شود ورقهٔ اجرائیه باداره بتوجه مدیون یااداره لازمه دیگرابلاغ وکسر ازحقوق وتأدیه‌آن بداین بعهدهٔ رئیس آن اداره‌است .

فصل سوم

در توقیف اموال غیر منقوله

مبحث اول

موادعمومی

مادهٔ ۶۶۳ـدرمواردی‌که محکوم علیه‌امتناع‌ازادای محکوم‌به‌نموده‌ومحکوم‌به غیر منقول باید بتصرف طلب‌کار داده شود وهمچنین درمواردی‌که تأدیه دین باید از اموال غیرمنقوله داین‌بعمل‌آید مأموراجرا اطلاع نامهٔ بمدیون فرستاده اعلام میدارد که هرگاه درظرف دوماه از تاریخ ابلاغ‌آن طلب‌داین تأدیه نشودمال غیر منقول‌بتصرف محکوم‌له داده‌خواهد شدیاازمال مذکور ادای‌دین بعمل خواهد آمد در همان وقتی

که اعلان مذکور بعمل می آید مال غیرمنقول مدیون توقیف و بدایره ثبت اسناد اطلاع داده میشود .

مادهٔ۶۶۴ – از روز وصول اعلام مذکور مدیون نمیتواند مال غیر منقول را بکسی دیگرانتقال بدهد مگر بشرط معین درمادهٔ (۶۶۵) و نیزحق ندارد از اشیاء و اسباب متعلقه بمال غیر منقول چیزی بفروشد یا انتقال دهد . ازاشجار وجنگل فقط باندازهٔ میتواند بیاندازدکه برای حفظ مال غیرمنقول ازخرابی لازم باشد. تخلف ازمفاد این ماده مستلزم حبس است که بسته باهمیت تقصیر بنظرمحکمه از یك ماه الی شش ماه معین خواهد شد و بعلاوه درموقعیکه محکوم علیه معین باشد مسؤل خساراتی است که بردا ین واردآمده است .

مادهٔ۶۶۵–درمدت دوماه که معین شده قبل ازانقضای مدت مزبوره مدیون میتواند مال غیرمنقول توقیف شده را بفروشد یارهن بگذارد :

(۱) در موردی که قبل از اجرای صیغه معامله مبلغ محکوم به را بـا اطلاع محکمه که مـال توقیف شده در حوزهٔ آن واقع است بمدیون پـرداخته قبض رسید دریافت دارد .

(۲) درصورت رضایت داین در فروش مال غیر منقوله بتوسط مدیون .

مادهٔ۶۶۶ – قراردادها و تعهدات راجعه بمال غیر منقول درصورتیکه قبل از ابلاغ اطلاع نامه منعقد شده بـاشد بعد از آنهم در قوت خود باقی است ولی هرگاه قرارداد یا تعهدی بعد ازابلاغ اطلاع نامه منعقد شده باشد مدیون میتواند نقض آنرا ازمحکمه بخواهد . درصورتیکه ثابت کند قراردادهای مذکوره برضرر مال غیرمنقول منعقد شده است .

مبحث دوم

در ترتیب صورت اموال غیر منقوله

مادهٔ ۶۶۷ – بعد از انقضاء موعد مذکوره در مادهٔ (۶۶۳) مأمور اجرا بترتیب دادن صورت اموال غیرمنقوله مباشرت میکند و تاریخ اقدام خود را بمدیون اطلاع میدهد .

مادهٔ ۶۶۸ -- در صورت مزبور بایدقیدشود : (۱) تاریخ و مفاد ورقهٔ اجرائیه که بموجب آن اجرای حکم بعمل میآید (۲) محلی که مال غیرمنقول درآنجا واقعست یعنی درکدام ولایت و بلوك و ناحیه یا شهر و محله واقع است (۳) توصیف مال غیر منقول بطریق اختصار (۴) مال مزبور متعلق به کی است مال یك مالك است یا مشاع است اشخاص دیگر حقی بآن مال دارند یا نه و اگر دارند چه نوع حقی است به چه مبلغ مرهون شده است .

مادهٔ ۶۶۹ – و نیز در صورت مزبور بایدتصریح شود : (۱) حدود ملك و همسایه‌های آن (۲) مساحت ملك از هرطرفی و اراضی و جنگل هرگاه معین باشد و مزارع و عدد قنوات (۳) سایر اطلاعات راجعه به وضع ملك (از وضع زراعت وحشم و اسباب زراعت و مسافت از شهر و راههای معتبره و غیره) که کاشف از حال و وضع ملك تواند شد .

مادهٔ ۶۷۰ – درصورتیکه نتوان مساحت تحقیقی ملك را معین کرد باید مأمور اجرا مقدار بذرافشان وحاصل را تحقیق کرده درصورت قید نماید .

مادهٔ ۶۷۱ – درصورت راجعه بخانه باید قید شود: (۱) خانه ازچه ساخته شده (۲) اندازهٔ خانه ازعرض وطول وارتفاع (۳) عدهٔ اطاقها وانبار وزیرزمین وغیره هرگاه خانه

بچند قسمت یا حیاط علیحده تقسیم شده باشد که متصل بهمدیگر باشند صورت هر یك جداگانه برداشته میشود .

مادۀ ۶۷۲ ـ در صورت راجعه بکارخانجات اطلاعات مصرحهٔ در مادهٔ قبل قید میشود بعلاوه عدد ماشین آلات و تعیین حاصل کارخانه .

مادۀ ۶۷۳ ـ مدیون درحین ترتیب صورت باید اسناد راجعه بملك یا مال غیرمنقول را بمأمور اجرا ارائه بدهد و هرگاه ندهند حق ندارد بعدها از عدم صحت صورتی که مأمور اجرا ترتیب داده است شکایت کند .

مادۀ ۶۷۴ ـ هرگاه حدود یا قسمتی از ملك متنازع فیه باشد مراتب درصورت قید شده تصریح می‌شود که طرف منازعه کیست ودرکجا بمنازعه رسیدگی میشود .

مادۀ ۶۷۵ ـ هرگاه قسمتی ازملك برای أداء دین کافی است صورت همانقسمت مرتب میشود مگراینکه قسمت رااز کل نتوان تجزیه کرد یااگرقابل تجزیه باشد تجزیه باعث خرابی ملك شود .

مادۀ ۶۷۶ ـ صاحب ملکی که قابل تجزیه است حق دارد که قسمتی از آن را در مقابل دین خود از کل تجزیه کرده همان را برای عملیات اجرا بمأمور اجراء واگذار کند .

مبحث سوم

در تقویم اموال غیر منقوله

مادۀ ۶۷۷ ـ داین باید قیمت ملك را تا اتمام ترتیب صورت اموال غیر منقوله کتباً معین وامضاء نموده بمأموراجرا بدهد این تقویم نامهٔ داین به مدیون درصورتی که درحین ترتیب صورت حاضر بوده تبلیغ میشود .

مادهٔ ۶۷۸ ـ صاحب ملك هرگاه تقویم داین را نازل دید حق دارد درظرف یك هفته ازتاریخ ابلاغ تقویم‌نامه باوقیمت ملك راازروی حدوسط فایدهٔ خالص سه‌سال آخری ملك معین نموده وبمأموراجراء بدهد هرگاه صاحب ملك کمتر ازسه‌سال مالك بوده حدوسط فایدهٔ خالص زمان مالکیت خودرا معین میکند .

تبصــره ـ مقصود ازفایده خالص منافعی است که برای مالك بعدازوضع مخارج عادیه مرسومهٔ ملك ومالیات وعوارض دیوانی ازهرقبیل می‌ماند .

مادهٔ ۶۷۹ ـ مدیون باید اطلاعاتی را که درجواب کتبی خود می‌دهد مبتنی براسناد وصورت حساب نموده هرگاه لازم‌شود اسناد ونوشتجات مزبوره را ارائه‌دهد .

مادهٔ ۶۸۰ ـ جواب کتبی مدیون بداین تبلیغ میشود ومشارالیه مختاراست یا تقویم مالك‌را قبول کند ویادرصورت رد درظرف یکهفته باطلاعات مندرجه درآن کتباً اعتراض نماید .

مادهٔ ۶۸۱ ـ درصورتیکه مابین داین و مدیون درباب حد وسط فائدهٔ خالص ملك را موافقت حاصل نشود باطلاعات اهل خبره رجوع میشود عدهٔ خبره بایدطاق باشد وهرگاه طرفین درانتخاب آنان نکردندمدعی‌العموم معین میکند وهرگاه مدعی‌العموم نباشد رئیس محکمه .

مادهٔ ۶۸۲ ـ هرگاه مدیون حاضر نباشد مدعی‌العموم اهل خبره را معین میکند .

مادهٔ ۶۸۳ ـ بعدازتعیین حدوسط فایدهٔ خالص مال‌غیرمنقول قیمت عادله مال مزبورمعین میشود باینطورکه ازتحقیقات محلی باید معلوم‌کردکه نسبت حدوسط‌خالص عایدی درعرض سه‌سال‌آخری به‌قیمت ملك چیست وازنسبت مزبوره وحدوسط خالص عایدی‌مال‌غیرمنقول‌توقیف شده درعرض سه‌سال‌که اهل خبره معین‌کرده‌اند قیمت ملك را معین‌نمود .

مادهٔ ۶۸۴ ـ بعداز ترتیب صورت مال غیرمنقول و تقویم آن مأمور اجرا اوراق راجعه بمال مزبوررا بمحکمهٔ که باید مال غیرمنقول را به تصرف مدیون بدهد یا از قیمت آن ادای طلب داین را بنماید می‌فرستد .

مادهٔ ۶۸۵ ـ تحقیقات محلی بترتیبی بعمل می‌آید که دراصول محاکمات حقوقی مذکوراست .

مبحث چهارم

درحفظ مال غیر منقول توقیف شده

مادهٔ ۶۸۶ ـ مال غیرمنقول بعداز ترتیب صورت و تقویم درتصرف مالك سابق موقتاً می‌ماند بارعایت شرایطی که درمادهٔ (۶۶۲) مذکوراست .

مادهٔ ۶۸۷ ـ مدیون درمورد مادهٔ قبل مکلف است مال غیرمنقول را موافق صورت تحویل گرفته وموافق آن تحویل بدهد .

مادهٔ ۶۸۸ ـ درصورتیکه مال غیرمنقول دردست مدیون بماند مشارالیه مکلف است که حساب عایدات آنرا بدهد .

مادهٔ ۶۸۹ ـ درصورتیکه منافع مال غیر منقول توقیف شود منافع مذکوره به‌امینی که داین و مدیون بتراضی معین کرده‌اند سپرده میشود و درصورت عدم تراضی بشخص امینی که مدعی‌العموم و اگر مدعی‌العموم نباشد رئیس محکمه کتباً معین میکند .

فصل چهارم

درتأدیهٔ طلب داین

مادهٔ ۶۹۰ ـ هرگاه بعدازانقضای موعدیکه برای تأدیه طلب داین معین شده

طلب مزبور را مدیون ادا نکرد باطلاع مدعی‌العموم (و درجائیکه مدعی‌العموم نباشد به اطلاع رئیس محکمه) ورضایت داین عین مال توقیف شده را بقدر طلب بقیمتی که تقویم شده بداین میدهند اگر داین راضی نشدکه از عین بردارد بترتیبی که‌درفصل پنجم مذکور است باطلاع مدعی‌العموم از مال باندازهٔ طلب داین درمعرض فروش گذاشته میشود وطلب داین تأدیه میشود وهرگاه مال‌قابل تجزیه نباشد تماماً فروخته شده و معادل طلب داین تأدیه وبقیه بصاحب مال مسترد میشود .

مادهٔ۶۹۱ ـ هرگاه مال‌نزد داین مرهون باشدبعد ازانقضای مدت دین‌بمدیون اطلاع داده میشودکه برای ادای دین حاضر شود در صورت عدم حضور و تأدیه دین مال موهون تقویم شده وبرضایت دادن معادل طلب از عین مال مرهون باو داده میشود والا درحکم مادهٔ قبل خواهد بود .

فصل پنجم

در فروش اموال توقیف‌شده

مبحث اول

در فروش مال‌منقول

مادهٔ۶۹۲ ـ بعداز ترتیب صورت مال وتقویم آن داین و مدیون باید بمأمور اجرا اعلام نمایندکه بتراضی درباب محل و موعد فروش چه‌قراری داده‌اند هرگاه طرفین در این‌باب تراضی نکردند مأمور اجرا از قرارمواد ذیل رفتار می‌کند .

مادهٔ۶۹۳ ـ محل‌فروش را مأموراجرا معین مینماید وباید محل مزبورخارج از محل‌هائیکه از طرف دولت یابلدیه معین‌شده است نباشد و اگرمحل‌ها متعددباشد

یامعین نشده باشد درمحلی فروش بعمل میآیدکه برای منافع مدیون ترجیح داشته باشد .

مادهٔ ۶۹۴ ـ درمواردی که حمل اموال منقوله بمحل دیگری باعث مخارج زیاد است اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشود بفروش میرسد .

مادهٔ ۶۹۵ ـ فروش درحضور مأمور اجرا و مأمور نظمیه و یکنفر از طرف مدعی العموم باید بعمل آید .

مادهٔ ۶۹۶ ـ موعد فروش را مأمور اجرا نظر بکمیت و کیفیت اشیاء توقیف شده معین میکند و موعد مزبور نباید کمتر از یك هفته و بیش از دوماه باشد ابتدای این موعد از روز اتمام ترتیب صورت و تقویم است دراشیاء ضایع شدنی یااشیائی که حفظ آنها باعث مخارج زیادی است میتوان موعد راکمتر قرارداد .

مادهٔ ۶۹۷ ـ تأخیر از موعد مقرر در مادهٔ قبل برضایت طلب کاران یاطلب کار ممکن است .

مادهٔ ۶۹۸ ـ اعلان فروش را مأمور اجرا بعمل آورده ودراعلان باید محل و تاریخ (روز و ساعت) فروش و اسم صاحب مال وتقویم آن تصریح شود .

مادهٔ ۶۹۹ ـ اعلان بایدلااقل یك هفته و درموارد فوری لااقل یك روز قبل از تاریخ فروش در ادارهٔ نظمیه محل ومعابر نصب شود وهرگاه قیمت مال بیش ازشصت تومان باشد باید در روزنامه هم اعلان مزبور درج شود .

مادهٔ ۷۰۰ ـ داین و مدیون میتوانند علاوه براعلاناتی که بواسطهٔ مأمور اجرا بعمل می آید خودشان هم بخرج خودشان اعلانات لازمه را درمطبوعات وغیره بعمل آورند .

مادهٔ ۷۰۱ ـ درصورت تغییر روز فروش بحکم محکمه یاتراضی طرفین باید تغییر روز و جهت آن مجدداً اعلان شده و مراتب دردفتر مأمور اجرا قیدشود .

مادهٔ ۷۰۲ ـ مصنفات یامترجمات خطی و همچنین مصنفات و مترجمات چاپی

که هنوز برای خریدوفروش منتشر نشده بدون رضایت مصنفین یامترجمین در حال حیات آنان وبدون رضایت وراث وقایم‌مقام آنان درحال ممات بمعرض بیع نمیآید .

مادهٔ۷۰۳ ـ هرگاه‌کسی مصنفات یامترجمات دیگری را برای طبع وانتشارخود یاحق طبع را خریده یاباومنتقل شده باشد فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره‌یاحق طبع جایزاست ولی هرگاه تعهدی منتقل الیه نسبت‌بمصنف یا مترجم قبول‌کرده باشد خریدارثانوی باید قبلا اجرای تعهد مزبوررا بعهده بگیرد .

مادهٔ۷۰۴ ـ ابتیاع مصنفات ومترجمات وپرده‌های نقاشی‌وسایرصنایع مستظرفه حق مالکیت ادبی یا صناعی را بخرنده نمیدهد .

مادهٔ۷۰۵ ـ در روزهائی‌که برای فروش معین شده است مردم می‌توانند اشیاء را معاینه نمایند فروش دردوساعت بظهرمانده شروع ویك بغروب مانده ختم می‌شود و هرگاه درروزمعین تمام نشد بروزدیگرمحول میشود .

مادهٔ۷۰۶ ـ داین می‌تواند مثل سایرمردم درخرید شرکت نماید ولی اشخاصی که صورت را ترتیب داده‌اند یا تقویم‌کرده‌اند وهمچنین اجزاء ادارهٔ‌نظمیه و مأمورین اجرا وسایراشخاصی‌که مباشر امرفروش هستند نمیتوانند درخرید شرکت‌کنند صاحب مال می‌تواند خواهش کندکه بعضی ازاموال اورا مقدم یا مؤخر بفروشند ویا اینکه خودش قیمت مال را حاضرکرده منع ازفروش نماید .

مادهٔ۷۰۷ ـ دروقت فروش مأموراجرا قیمت هرچیزی را بطوریکه داین و مدیون یا مقوم معین‌کرده‌اند اعلان‌کرده می‌پرسدکی بیشترمیدهد وقیمتی راکه‌خرنده تکلیف می‌کند دودفعه بلند اعلام مینماید تاآنکه یقین حاصل نمایدکه دیگرکسی بیشترنمیدهدآنوقت سه دفعه میگویدکی بیشترمیدهد ودردفعه‌آخری چکش را میزند وبعد ازآن دیگراضافه قیمت قبول نمیشود ومال متعلق بکسی است‌که بالاترین‌قیمت را قبل اززدن چکش‌آخری قبول‌کرده .

مادهٔ ۷۰۸ ـ تاریخ فروش و نمرهٔ شیئی فروخته شده و بالاترین قیمتی که داده شده است واسم وشهرت خریدار در دفتر مأمور اجرا نوشته شده بامضای خریدار میرسد و اگر نتواند امضاء کند کسی دیگر از طرف او امضا می‌کند وجهت قید می‌شود .

مادهٔ ۷۰۹ ـ مشتری باید تمام قیمت را نقد بدهد مگر اینکه طرف اطمینان داین ومدیون ومأمورین اجرا باشد یا داین قبول کند .

مادهٔ ۷۱۰ ـ هرگاه مأمور اجرا مشاهده کند که مال فروخته شده برای ادای طلب داین کافی است فروش را توقیف نموده بقیهٔ مال را بصاحب آن مسترد میدارد .

مادهٔ ۷۱۱ ـ درموارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد: (۱) هرگاه مشتری حاضر نشود یا بیش از یك نفر نباشد (۲) درصورتی که هیچ کس بیش از قیمتی که برای اشیاء درحین تقویم معین شده مشتری نشود .

مادهٔ ۷۱۲ ـ درصورتیکه فروش بواسطه حاضر نشدن مشتری بعمل نیاید طلب کاران می‌توانند خواهش اعلان فروش جدید را بنمایند یا اینکه اشیاء را بقیمتی که معین شده بردارند رأی طلب کاران دراین مورد نسبت باکثریت مبلغ طلب آنان مناط اعتبار است .

مادهٔ ۷۱۳ ـ درصورتیکه دردفعه دوم هم فروش بعمل نیاید اشیاء توقیف شده بصاحب آن مسترد شده طلب کاران میتوانند درصورتیکه راضی بـه برداشتن عین مـال نباشند تأدیهٔ طلب خود را ازمال دیگر مدیون بخواهند .

مادهٔ ۷۱۴ ـ درموارد ذیل فروش ازدرجهٔ اعتبار ساقط است :

(۱) هرگاه معلوم شود که شیئی فروخته شده مال مدیون نبوده است.

(۲) وقتی که کسی مال را خریده است که حق خرید را نداشته است .

(۳) وقتی که مال را زودتر ازموعد مقرر فروخته‌اند .

(۴) درصورتیکه کسی را بدون جهت قانونی مانع ازخریدن شده اندیا بالاترین قیمت راکه تکلیف کرده است ردکرده اند .

(۵) درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشددرمورد فقره اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن برمیگردد وخریدار باید پول خودرا ازمدیون مطالبه نمایدوهرگاه معلوم ومحقق شودکه مواضعه دراین باب مابین مدیون وطلبکاران بوده خریدار باید پول خودرا ازمدیون وطلبکاران مطالبه نماید .

مبحث دوم

درفروش اموال غیرمنقوله

مادهٔ۷۱۵- ترتیبات فروش اموال غیرمنقوله مثل اموال منقوله است باستثنای مواردیکه تکلیف آنها دراین مبحث معین است .

مادهٔ۷۱۶- صورت اموال غیرمنقوله برئیس محکمهٔ ابتدائیکه مال غیرمنقول در حوزهٔ آن واقع است داده میشودومشارالیه مأموراجرارا برای فروش مال معین میکند داین مدیون نیزمیتوانند در انتخاب مأمور مزبور تراضی نمایند فروش درشهری که مقر محکمهٔ ابتدائی است بعمل میآید .

مادهٔ۷۱۷-موعد فروش مال غیرمنقول که کمتر ازسیصد تومان قیمت داشته باشد یکماه است ومالیکه ازسیصد تومان الی پنج هزار تومان قیمت داشته باشددوماه و برای اموال غیرمنقوله که قیمتش بیش ازپنج هزار تومان است سه ماه.ابتدای تاریخ مزبوراز روزاعلان فروش است(چه توسط اوراق چه درمطبوعات) .

مادهٔ۷۱۸-در اعلان باید تصریح شود(۱) اسم وشهرت صاحب ملك وطلبکار(۲) اسم واسم پدر و محل اقامت مأموراجرا (۳) محل مال غیرمنقول وتعریف مختصر آن

(۴) تصریح اینکه تمام ملك فروخته میشود یاقسمتی از آن و کدام قسمت ها (۵) ملك مرهون است یا نه و هرگاه مرهون است نزد کیست و بااجازهٔ او فروخته میشود (۶) تاریخ ومحل فروش (۷) قیمتی که از آن مزایده شروع خواهد شد .

مادهٔ ۷۱۹- لااقل باید یکماه قبل از تاریخ فروش درخود ملك ودرملك محلی که فروش بعمل خواهد آمد اعلان مزبور نصب شود .

مادهٔ ۷۲۰- اوراق راجعه بملك ازصورت مرتبه وتقویم بایددر دفترخانهٔ محکمه برای اشخاصی که میخواهند تحصیل اطلاعات نمایند حاضر باشد .

مادهٔ ۷۲۱- برای فروش هرمال غیرمنقولی ورقهٔ ترتیب داده میشود که درآن اسم ملك وقیمتی راکه فروش ازآن شروع میشود درج مینمایند .

مادهٔ ۷۲۲- درحین فروش یك نفر امین ازطرف رئیس محکمه ومدعی العموم حاضر شده نظارت می نمایند وبعداز قرائت ورقه مأمور اجرا میپرسد که کی بیشتر میدهد قیمتهائی که تکلیف میشود در ورقه بااسم تکلیف کننده درج وبحضار اعلام میشود و بعد ورقه بامضای شخصی که بالاترین قیمت راداده است وداین ومدیون ومأمور اجرا وامین ناظر میرسد .

مادهٔ ۷۲۳- هرگاه فروش بعمل نیامد وکسی برقیمت تقویم نیفزود طلبکاران میتوانند ملك را بقیمتی که تقویم شده بردارند یاتقاضای فروش جدیدرا درهمان محل یا درشهری که بیشترمرکزیت داشته باشد بنمایند .

مادهٔ ۷۲۴- هرگاه در دفعهٔ ثانی هم فروش بعمل نیامد طلبکاران باید ملك رابقسمی که مقوم معین کرده است قبول کنند و یاتأدیهٔ دین خود راازمال دیگرمدیون بخواهند .

مادهٔ ۷۲۵ - در موارد ذیل فروش از درجهٔ اعتبار ساقط است : (۱) هرگاه معلوم شودکه ملك مال مدیون نبوده است (۲) وقتی که کسی ملك را خریده استکه حق خرید را نداشته است (۳) وقتیکه مال را زودتر از موعد مقرر فروخته‌اند

(۴) درصورتیکه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالاترین قیمتی را که تکلیف کرده است رد کرده اند (۵) درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد در مورد فقرهٔ اول این ماده عین ملك بصاحب واقعی آن برمیگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هرگاه محقق شودکه در این باب مواضعه مابین مدیون و طلبکاران بوده خریدار پول خود را از مدیون وطلبکاران باید مطالبه نماید .

مادهٔ ۷۲۶ ـ هرگاه ملك مشاع باشدصورتی از تمام ملك برداشته میشود ولی سهم مدیون بفروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملك را بخواهند . در اینصورت حاصل فروش مابین داین و شرکاء باندازهٔ سهم آنان تقسیم میشود . و اگر منازعه مابین شرکاء ومدیون درسهم هریك باشد بعد از رسیدگی محکمه حاصل فروش تقسیم میشود .

مادهٔ ۷۲۷ ـ مالك ملکی که صورت آن مرتب و تقویم شده است حق دارد از محکمه توقیف مزایده را بخواهد درصورتیکه بتواند ثابت کندکه منافع خالص ملك در عرض دوسال برای ادای دین او کافی است خواهش توقیف بمحکمه داده میشودکه مزایده درحوزهٔ آن بعمل میآید .

مادهٔ ۷۲۸ـ درموردمادهٔ قبل مدیون بایدتأمینات صحیحه درباب رسانیدن اقساط بدهد وانتخاب یکی از اقسام تأمین منوط بتراضی طرفین است . هرگاه در رأس وعده مدیون قسط مقرررا نپرداخت طبکارمیتواند فروش ملك را مجدد تقاضاکند یاقسط رااز موضوع تأمین بردارد .

مادهٔ ۷۲۹ـ شخص ثالث که حقی بملك توقیف شده داردیا ملك توقیف شده را مال خودمیداند میتواندبرای توقیف مزایده عرضحال بمحکمهٔ که صلاحیت داردبدهد.

ودراین مورد شخص ثالث با داین ومدیون احضارمیشوند وبمحکمهٔ‌که باید مزایده در حوزهٔ آن بعمل آید مراتب اطلاع داده میشود .

مادهٔ۷۳۰ ـ درصورتیکه محکمه دلایل شخص ثالث را قوی یافت مزایده را توقیف ومدعی به داین راتاصدورحکم موافق قوانین‌تأمین مینماید.ولی‌هرگاه حق‌شخص ثالث راجع بقسمتی ازملك باشد مزایدهٔ سایر قسمتها توقیف نمیشود .

مادهٔ ۷۳۱ ـ شکایات از عدم رعایت قوانین راجعه بترتیب صورت و تقویم و سایر اقدامات مأمور اجرا در عرض یك هفته از تاریخ وقوع ماده شکایت بمدعی العموم داده میشود ومشارالیه مأمور اجرا را تغییر داده بمادهٔ شکایت رسیدگی میکند.

مادهٔ۷۳۲ ـ شکایت از بی ترتیبی مزایده در ظرف یك هفته بعد از وقوع آن بمدعی العموم داده میشود و مدعی العموم هرگاه شکایت را صحیح دانست مراتب را بمحکمه رجوع میکند . قبل‌ازصدور حکم محکمه دراین موردملك بتصرف خریدار داده نمیشود .

فصل ششم

در تقسیم حاصل فروش مابین‌طلبکاران متعدد

مادهٔ۷۳۳ ـ هرگاه حاصل‌فروش مال مدیون ایفای دین رانتماید‌باید بمحکمهٔ ابتدائی تسلیم شود و هرگاه طلبکاران تراضی در بـاب تقسیم آن نکردند بترتیب ذیل رفتار میشود .

مادهٔ۷۳۴ ـ رئیس محکمه یکی از اعضاء را معین میکندکه تقسیم را مرتب کند. تقسیم نامه بطلبکاران‌ارائه میشودکه هرشکایتی‌دارنددرظرف یکهفته ازتاریخ ارائه تقسیم نامه بمحکمه بدهند .

مادهٔ ۷۳۵ – هرگاه شکایتی اظهار نشود محکمه تقسیم نامه را امضا میکند و الا رسیدگی کرده قرار قاطع میدهد .

مادهٔ ۷۳۶ – طلبکاریکه ورقهٔ اجرائیهٔ خود را بعد از امضای ورقهٔ تقسیم نامه بمحکمه ابراز کرده است حق شرکت در تقسیم آن ندارد . ولی طلبکار مزبور وهمچنین طلبکارانی که بتمام حق خودشان نرسیده‌اند می‌توانند ایفای حق خودشان را ازسایر اموال مدیون بخواهند و هرگاه مدیون چیزی نداشته باشد اعلام افلاس او را تقاضا کند .

فصل هفتم
دراتخاذ وسایل برای تأدیهٔ دین

مادهٔ ۷۳۷ – هرگاه مال منقول‌وغیرمنقول‌مدیون‌کفایت‌ادای‌دین‌را‌ننماید طلبکار میتواند ازمحکمه بخواهدکه مدیون را حاضر کرده استعلام نمایدکه وسایل دیگری برای ادای دین دارد یانه و اگر دارد کدام است و محکمهٔ که مدیون در حوزهٔ آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد مدیون را احضار و اظهارات اورا در صورت مجلس می‌نویسد .

مادهٔ ۷۳۸ – مدیون میتواند خودش بدون احضارمحکمهٔ‌که درحوزهٔ‌آن اقامت دارد درمحکمه حاضرشده اظهاراتی راجع باداء دین خود یا عدم قدرت براداءبنماید.

مادهٔ ۷۳۹ – مدیون بعد ازاحضاردرموعد مقرر درمحکمه حاضرمیشود وهرگاه محل اقامت مدیون درمقر محکمهٔ ابتدائی نباشد وبواسطهٔ بعدمسافت‌نتواننددرمحکمهٔ ابتدائی‌حاضرشوددرنزدیک‌ترین محکمهٔ صلح اظهارات خود رامینماید وصورت‌مجلس معجلا ازمحکمهٔ صلح بمحکمهٔ ابتدائی فرستاده میشودکه برای موعدمقرردرمحکمهٔ ابتدائی حاضرباشد .

مادهٔ ۷۴۰ ـ هرگاه مدیون در محکمهٔ ابتدائی یا محکمهٔ صلح حاضر نشد رئیس محکمه حکم میدهد که اورا بمحکمهٔ ابتدائی یا محکمهٔ صلح جلب نماید (موافق جلب در موارد امور جزائی) . وهرگاه مدیون فرار کرد یا پنهان شد اقـدام لازم در پیدا کردن مدیون بعمل آمده حکم محکمه وقرار محکمه درجلب اواعلان میشود .

مادهٔ ۷۴۱ ـ بعد از پیدا کردن مدیون مشارالیه را بمحکمه حاضـر میکنند و محکمه رسیدگی کرده قرار توقیف اورا بواسطهٔ عدم اطاعت حکم محکمه درباب احضار میدهـد و مدیون از توقیف خارج نمی‌شود مگر باثبات افلاس خود یـا بدادن کفیل (ضامن تن) .

مادهٔ ۷۴۲ ـ هرگاه مدیون محکوم علیه افلاس خود را ثابت کرد ولی معلوم شد که افلاس ازروی تقصیر هست بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی دارد جلب وموافق قانون مجازات محکوم خواهد شد .

مادهٔ ۷۴۳ ـ هرگاه مدیون قادر برادای دین باشد ولی امتناع ازادای آن نماید واستیفای دین ازمال اوممکن نباشد محکمه بتقاضای داین حکم حبس اورا تازمانیکه ادای دین نماید خواهد داد .

مادهٔ ۷۴۴ ـ هرگاه مدیون بعد ازدادن کفیل فرار کرد یـا پنهان شد کفیل ملزم است به اداء دین اوواگر نداد درحکم خود محکوم علیه است .

مادهٔ ۷۴۵ ـ درمورد مـادهٔ (۷۴۳) که حبس اسباب وصول دین است اشخاص مفصله حبس نمی‌شوند : (۱) صغارومجانین واشخاصی که بیش ازهفتاد سال دارند. (۲) زنان حامله یا زنانیکه از وضع حملشان چهل روز نگذشته است . (۳) اولیـای اطفال درصورتیکه آنها بواسطهٔ توقیف والدین بیمعاش بمانند. (۴) مریض درصورتیکه طبیب حرکت یا توقیف مریض را مضر بداند .

مادهٔ ۷۴۶ ـ مدیون که توقیف خود را برخلاف قانون میداند می‌تواند ازمأمور

اجرا تقاضا نماید که اورا نزد رئیس محکمهٔ ابتدائی ببرند ومأموراجرامکلف است بقید مسئولیت که این تقاضای اورامجری دارد رئیس محکمه هرگاه توقیف را برخلاف قانون دید فوراً حکم استخلاص مدیون را میدهد .

مادهٔ ۷۴۷ – در دفترمأموراجرا باید قید شود : (۱) ورقهٔ که مدرك حبس است . (۲) مقداردین . (۳) مدت توقیف . (۴) محل اقامت طلبکار . (۵) مخارج اجرای قرار محکمه درباب توقیف .

مادهٔ ۷۴۸ – هرگاه مدیون درمحکمه برای دادن توضیحات راجعه باداى دین حاضر شد با حضورطلب کاران باظهارات اورسیدگی میشود و هرگاه معلوم شود که مدیون مفلس نبود و افلاس اوجعلی است حکم بتوقیف اوشده موافق قانون مجازات میشود .

مادهٔ ۷۴۹ – هرگاه مدیون مستخدم دولت باشد مأموراجرا فوراًقرارمحکمه را درباب توقیف برئیس ادارهٔ متبوعهٔ مدیون اطلاع میدهد که اگرمال دیوان نزد او باشد گرفته شود . قرار محکمه درباب توقیف مدیون توسط رئیس اداره باید فوراً بموقع اجراگذاشته شود .

باب هفتم

در اصلاح و حکمیت

فصل اول - درصلح متداعیین

مادهٔ ۷۵۰ – درهر مرحله از مراحل وهردوری از ادوار محاکمه حقوقی طرفین میتوانند بمحکمهٔ اعلام نمایند که میخواهند منازعهٔ خود را بصلح تمام نمایند .

تبصره – متداعیین درمحکمهٔ تمیز باعث توقیف رسیدگی محکمهٔ مذکوره نمیشود

ولی حکمی که صادر میشود فقط برای محافظت قانون است و اثری برای متداعیین نخواهد داشت .

مادهٔ ۷۵۱ - درصورتیکه درمحاکمه مدعی یامدعی‌علیه متعدد باشند هرکدام ازآنان می‌توانند علیحده ازسایرین باطرف یا اشخاصی که طرف هستند صلح نمایند .

مادهٔ ۷۵۲ - اشخاصیکه میخواهند محاکمهٔ خود را بصلح تمام نمایند یا باید عرضحال بمحکمه داده تقاضای‌صلح رابنمایند ویاهرگاه‌درخارج‌صلح کرده‌اندصلح‌نامه را در ادارهٔ ثبت اسناد یامحکمهٔ صلح بتصدیق برسانند و یا در محکمه حاضر شده اقرار بصحت صلح کنند .

مادهٔ ۷۵۳ - عرضحال تقاضای اصلاح که ممضی بامضای طرفین دعوی است بمحکمهٔ داده میشودکه مشغول رسیدگی‌است وهرگاه عرضحال مزبور باپست یا توسط وکیل بمحکمه ارسال میشود باید قبلا درمباشرت ثبت‌اسناد یامحکمهٔ صلح یادریکی از ادارات رسمی مصدق شود .

مادهٔ ۷۵۴ - درصورتیکه صلح باید درمحکمه داده شود قبل ازترتیب‌صلح‌نامه محکمه سؤالات لازمه را از طرفین نموده یقین حاصل مینماید که طرفین راضی بصلح هستند بشرایطی‌که تراضی‌حاصل‌کرده‌اند وبعدصورت مجلس مرتب و بامضای‌طرفین واعضاء محکمه میرسد وبعد عقدصلح جاری میشود .

مادهٔ ۷۵۵ - هرگاه صلح طرفین صورت نگیرد گذشت‌هائی‌که طرفین هنگام تراضی بصلح بهمدیگر کرده‌اند لازم‌الرعایه نیست .

مادهٔ ۷۵۶ - امـوریکه بصلح‌میگذرد بکلی‌قطع وتمام‌شده‌محسوب است وطرفین و وراث و قایم مقام‌آنان دیگر بهیچ وجه نمی‌توانند امور مزبوره‌را از سر بگیرند.

فصل دوم

در حکمیت

مادهٔ ۷۵۷ ـ کلیه اشخاصی که صلاحیت دعوارا دارندمی توانند منازعهٔ خودرا بحکمیت یك یاچندنفر که بعدهٔ طاق بتراضی انتخاب کرده‌اند واگذار نمایند .

مادهٔ ۷۵۸ ـ تراضی طرفین بقطع دعوا ازطریق حکمیت بایددرقرارنامهٔ مخصوصی تصریح شود قرارنامه مذکور بامضای طرفین دعوا باشخاصی که حکمیت مسئله‌را قبول کرده‌اند بایدبرسد قرارنامه مذکور بایددرضمن عقدلازم مرتب وطرفین درقرارنامه بایدبه‌قاطعیت اتفاق یا اکثریت آراء حکم ملتزم شوند .

مادهٔ ۷۵۹ ـ درقرارنامه مذکوره بایدصریحاً قیدشود (۱) اسم‌واسم پدروشغل طرفین و حکم (۲) موضوع منازعه که بایدبحکمیت قطع شود غیرازاطلاعات مذکوره شرایط دیگری هم که مخالف‌قانون نباشدمی‌توان ذکر کرد .

مادهٔ ۷۶۰ ـ هرگاه موعدمعینی برای‌حکم حکم‌درقرارنامه معین نشده باشدبایدحکم‌حکم خودرا درظرف دوماه ازتاریخ ثبت‌قرارنامه دردفتر محکمه‌بدهد .

مادهٔ ۷۶۱ ـ تاانقضای مدت‌مذکور درماده قبل‌طرفین حق ندارند بمحکمه رجوع نمایندیا تعقیب محاکمه‌را ازمحکمه بخواهند .

مادهٔ ۷۶۲ ـ قرارنامه بایددر اداره‌ثبت اسنادیا درمحکمهٔ صلحیه‌یا درمحکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوائی است که‌به حکمیت‌رجوع شده‌مصدق شود هرگاه تصدیق قرارنامه بهیچ‌وسیله از وسایل‌مزبوره میسر نشود درموردیکه دعوادرمحکمه رسیدگی‌می‌شود بایدطرفین وحکم‌ها درمحکمه حاضرشده اقراربصحت قرارنامه نمایندواقرار آنان‌ضبط شود .

مادهٔ ۷۶۳ ـ هرگاه‌دعوائی درمحکمه‌درتحت رسیدگی‌است ابرازقرارنامه مصدق‌حکمیت دعوارا درهرمرحله ازمراحل وهردوری ازادوار محاکمه باستثنای محاکمهٔ‌تمیزی توقیف‌مینماید ولی‌تأمین مدعی‌به اگربعمل آمده‌است بقوت‌خود باقی میماند مگراینکه درقرارنامه حکمیت رفع آن‌قید شده‌باشد .

تبصره ـ هرگاه‌در دورتمیزی کاری به‌حکمیت‌قطع‌شد حکم‌دیوان تمیزفقط برای‌محافظت قانون‌است واثری‌برای متداعیین نخواهد داشت .

مادهٔ ۷۶۴ ـ تغییرحکم قبل‌ازصدور حکم‌آنان فقطدرموارد ذیل‌جایز است(۱) بتراضی طرفین (۲) بتقاضای یك‌طرف درصورتی که بعدازترتیب قرارنامه حکمیت‌قرابت سببی تادرجه‌سیم

مـابین حکم یکی از متداعیین و طرف مقابل او حادث یـا محاکمه مـابین آنان حاصل شود تقاضای تغییر حکم در مورد دوم این ماده نظر بمبلغ مدعی به راجع است یـا بمحکمۀ صلح و یا بمحکمه ابتدائی .

مادۀ ۷۶۵ ـ حکم‌ها دررسیدگی وحکم تابع ترتیب اصول محاکمـات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین را ننمایند وهمچنین متابعت شرایط قرارنامه حکمیت را بنمایند کلیه اسنادو نوشتجات راطرفین بحکم‌ها می‌دهند .

مادۀ ۷۶۶ ـ درموارد ذیل حکمیت مرفوع میشود (۱) درصورت تراضی طرفین (۲) در صورت فوت یا جنون یکی ازمتداعیین (۳) اگردرحین رسیدگی کشف اوضـاع واحوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت درحکم حکم نافذ ومؤثر بوده و تفکیك جهت حقوقی ازجزائی ممکن نباشد (٤) هرگاه طرفین بعدازفوت یاجنون یارد بعضی ازحکمها بجای آنان کسی را انتخاب ننمایند یاکار رابه حکمیت حکمهائیکه بعدۀ‌طاق باقیمانده‌اند واگذار نکنند .

مادۀ ۷۶۷ ـ هرگاه حکم‌ها درموعد مقرر حکم ندهند طرفین می‌توانند تراضی خودشان وحکم‌ها موعدجدیدی برصدور حکم معین کنند .

مادۀ ۷۶۸ ـ هرگاه تراضی متداعیین وحکم‌ها درتعیین موعدجدیدی حاصل نشود یاحاصل شودوحکم‌ها نتوانندحکم خودشان رادرموعد مقرربدهند حکمیت ملغی میشود .

مادۀ ۷۶۹ ـ حکم‌ها حکم را موافق انصاف ودلیل میدهند قبل ازصدور حکم حکمها مشاوره نموده ورأی آنها باکثریت مناط اعتبار است .

مادۀ ۷۷۰ ـ درحکم بایداسم وشهرت متداعیین وحکم‌ها موضوع منازعه واسباب ومدرك حکم تصریح شود وبه امضای حکم‌ها برسد .

مادۀ ۷۷۱ ـ هرگاه بعضی ازحکم‌ها ازامضای حکم امتناع نمایند سایرین امضا نموده واین امتناع رادر حکم قید می‌نمایند حکمی که بامضای اکثریت حکم‌ها رسیده است همان اعتبار دارد که بامضای تمـام حکم هـا رسیده بـاشد مگر اینکه اتفاق را طرفین منـاط قاطعیت قرار داده باشند .

مادۀ ۷۷۲ ـ حکم حکم قابل استیناف وتمیز نیست .

مادۀ ۷۷۳ ـ بعدازاعلام ویاابلاغ حکم حکم بطرفین وظیفه حکم‌ها بانجام رسیده وحکم حکم نظر بمبلغ مدعی به درمدت یك هفته بمحکمه صلح یامحکمه ابتدائی که حکم حکم درحوزۀ آن صادرشده است داده میشود .

مادۀ ۷۷۴ ـ احکام حکم بتقاضای یکی ازمتداعیین نسخ می‌شود (۱) درصورتی که حکم آنان بعداز انقضای موعدی که معین شده بودصادر شده باشد . (۲) درصورتی که قرارنامه بامضای تمـام اشخاصی که بایدموافق مادۀ (۷۵۸) آن‌را امضانمایندنرسیده باشد .

مادهٔ ۷۷۵ - احکام حکم ها در موارد ذیل باطل واز درجه اعتبار ساقط است (۱) نسبت باشخاصی که در ترتیب قرارنـامه حکمیت شرکت نداشته اند یـاا گر داشته‌اند مأذون نبوده اند (۲) نسبت بمطالبی که موضوع حکمیت نبوده (۳) نسبت بمسائل و دعـاویکه مربوط بجنحه و جنایت است . (٤) نسبت بامور یکه ازخصایص رسیدگی عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است .

مادهٔ ۷۷۶ - شکایت ازحکمیت وتقاضای نسخ‌وافتادن حکم‌حکم ازاعتبار بمحکمهٔ راجع است که اصل‌حکم حکم‌ها بدان محکمه تقدیم شده .

مادهٔ ۷۷۷ - مدت‌شکایت ازحکم‌حکم یك‌ماه است‌وابتدای مدت‌مزبورازروز اعلام‌یاابلاغ حکم‌حکم محسوب میشود .

مادهٔ ۷۷۸ - احکام‌حکمها موافق قواعدی که برای‌اجرای احکام محاکم عدلیه مقرر است بموقع اجراگذاشته می‌شود .

مادهٔ ۷۷۹ - ورقهٔ اجرائیه را محکمهٔ که حکم حکم بدان تقدیم شده است میدهـد .

باب هشتم

درمخارج عدلیه

فصل اول

درمخارج محاکمه

مادهٔ ۷۸۰ - مخارج محاکمه عبارتست:(۱) از حق تمبریکه بر اوراقی‌که بمحکه داده میشود تعلق میگیرد (۲) ازحقی‌که برای خرج احکام اخذ میشود .

مادهٔ ۷۸۱ - حق‌تمبر ازعرضحال‌کتبی یاشفاهی وعرضحال متقابل واعتراض برحکم غیابی و اعتراض شخص ثالث بعد ازصدور حکم و عرضحال یـا شکایت نامه استینافی وعرضحال اعـادهٔ محاکمه و تمیزی ووکالت نامه والتزام نامه وورقهٔ اجرائیه یك قران است باستثنای محاکم صلحیه‌که ازاوراق مذکوره آنچه بمحاکم صلحیه داده میشود ده‌شاهی اخذ میشود .

مادهٔ ۷۸۲ ـ خرج احکام صادره از محاکم صلحیه و ابتدائی نسبت بمبلغ مدعی به از قرار تومانی یکشاهی است .

مادهٔ ۷۸۳ ـ ربع خرج احکام درحین دادن عرضحال وسه ربع دیگر درحین صدور حکم اخذ میشود وهرگاه درعریضه قدرمدعی به معین نشده باشد باحضور مدعی معین میشود ودرصورتیکه تعیین مقدار مدعی به دروقت دادن عرضحال ممکن نباشددر محاکم صلحیه دوقران ودرمحاکم ابتدائی پنج قران گرفته میشود وبقیه در بعد از تعیین مدعی به درحین صدور حکم اخذ میشود .

مادهٔ ۷۸۴ ـ محکمه مکلف است که مقدار مدعی به را قبل ازصدور حکم معین نماید وهرگاه قیمت آنرا نتوان معین کرد یعنی مدعی به موضوع مالی نداشته باشدبقیه خرج حکم درمحاکم صلحیه هشت قران ودرمحاکم ابتدائی دوتومان گرفته میشود .

مادهٔ ۷۸۵ ـ خرج احکام محاکم استیناف وحکمی که بعد ازاعتراض به حکم غیابی صادر میشود دومقابل خرج حکم معمولی است مادهٔ (۷۸۲) ولی ازمحکوم به حکمی که مورد استیناف یااعتراض است دریافت میشود .

مادهٔ ۷۸۶ ـ برای استیناف قرارهائیکه موافق اصول محاکمات حقوقی استیناف آنها علیحده ازخود حکم جایز است در محاکم ابتدائیه دو قران ودر سایر محاکم پنج قران دریافت میشود ربع خرج ابتداء اخذ و سه ربع دیگر درحین صدور حکم دریافت میشود .

مادهٔ ۷۸۷ ـ درمورد اعتراض شخص ثالث واعادهٔ محاکمه وتمیز خرج حکم سه مقابل خرج حکم معمولی است مادهٔ (۷۸۲) وتابع قواعد مادهٔ (۷۸۵) است .

مادهٔ ۷۸۸ ـ خرج حکم درمحکمهٔ که پس از نقض محکمهٔ تمیز رسیدگی می کند تومانی نیم شاهی است ازمحکوم به حکمی که نقض شده است .

مادهٔ ۷۸۹ ـ خرج قرار اجرای موقت که درمحکمهٔ عالی داده میشود قبل از

دخول دراساس دعوی بطوری است که برای سایر قرارها مقرراست .

مادهٔ ۷۹۰ ـ درارجاع بشرع وقرار رجوع بحکمیت وقراررجوع به‌مصدقین واهل‌خبره خواه‌بعد ازقبول عرضحال حوزه درحین رسیدگی درمحاکم صلحیه یکقران ودرسایر محاکم پنج‌قران اخذمیشود .

مادهٔ ۷۹۱ ـ ازقرار توقیف اموال درمحاکم صلحیه دوقران ودر سایر محاکم یك‌تومان دریافت میشود .

مادهٔ ۷۹۲ ـ درخواهش کتبی یاشفاهی تأمین دلایل که ازمحاکم صلحیه میشود یك قران ودرصورت مجلسی‌که مشعر بر اقدامات محکمهٔ صلحیه درتأمین دلایل است پنج قران دریافت میشود .

فصل دوم

درخرج اجرای حکم

مادهٔ ۷۹۳ ـ حقی‌که برای اجرای حکم بعد ازاجراء اخذ میشود عشر مبلغ محکوم بهاست .

مادهٔ ۷۹۴ ـ مخارجی‌که درحین اجرای حکم پیش‌میآید ازقبیل حق‌الزحمهٔ اهل خبره وتقویم اموال منقوله وغیر منقوله وحق حفظ اموال هرگاه بتراضی داین و مدیون معین نشده‌باشد تاوقتیکه تعرفه‌آن مقرر واعلام‌شود موافق اجرةالمثل متعارفی توسط رئیس محکمه معین میشود .

فصل سوم

در مخارج دفترخانه

مادهٔ ۷۹۵ ـ خرج سواداحکام واوراقی‌که از دفترخانه طرفین مجازند بگیرند

برای هر صفحه در محاکم صلحیه یك قران در سایر محاکم دوقران گرفته میشود پانزده سطر یك صفحه محسوب است و هر سطری بیست و پنج کلمه حساب میشود .

مادۀ ۷۹۶ - خرج مهر محکمه برای تصدیق مطابقت سواد بااصل یك قران است .

مادۀ ۷۹۷ - برای سایر تصدیقاتی که ازدفترخانه محکمه درحدود صلاحیت آنها داده میشود درمحاکم صلحیه دوقران ودرسایر محاکم چهار قران است .

فصل چهارم

درباب اشخاصی که استطاعت تأدیۀ مخارج عدلیه را ندارند

مادۀ ۷۹۸ - اشخاصی که افلاس و عدم استطاعت خود را درمحکمه ثابت کرده‌اند ازتأدیه مخارج عدلیه معافند .

مادۀ ۷۹۹ - اشخاص مذکوره بایدتصدیقنامۀ ازادارۀ که درآن خدمت می کنند یاازمحکمۀ صلح یا ازمعاریف موثقه که آنان را می‌شناسند درمحکمه ارائه نمایند .

مادۀ ۸۰۰ - درتصدیقنامه بایداطلاعات صحیحه درباب، دارائی ووضع معیشت وترتیب گذران خانه مدعی افلاس یا عدم استطاعت اوداده شود .

مادۀ ۸۰۱ - هرگاه معلوم می‌شود که مدعی افلاس دراظهار خودکاذب بوده‌است دومقابل وجهی که ازتأدیه آن معاف شده‌است ازاودریافت خواهدشد .

مادۀ ۸۰۲ - رسیدگی بعدم استطاعت مدعی افلاس ازکلیۀ مخارج عدلیه معاف‌است .

مادۀ ۸۰۳ - هرگاه مدعی افلاس محکوم‌له واقع شود مخارج عدلیه ازمحکوم به‌بعد از اجرای حکم موضوع خواهد شد .

مادۀ ۸۰۴ - معافیت مدعی افلاس از مخارج عدلیه باعث معافیت اوازتأدیه خسارت طرف اودرصورت محکومیت اونخواهد بود .

فصل پنجم

در تعلق مخارج عدلیه

مادهٔ ۸۰۵ ــ درمواردیکه اقدام محکمه بموجب قانون مستلزم تأدیهٔ حقی است اداء حق بعهدهٔ شخصی است که از محکمه آن اقدام را مطالبه مینماید ولی درحین صدور حکم یاپس ازآن مخارج مزبور بطوریکه درمواد آتیه مذکور است بیکی ازمتداعیین تعلق میگیرد .

مادهٔ ۸۰۶ ــ هرگاه طرفین یا یکی از آنان درضمن عقدلازم ملتزم شده باشند که درصورت محکوم علیه شدن مخارج عدلیه وخسارت طرف (یعنی محکوم‌له) راتأدیه نماید محکمه محکوم علیه رابتأدیهٔ حقوق مزبوره الزام مینماید .

مادهٔ ۸۰۷ ــ هرگاه التزام مذکور درمادهٔ قبل داده نشده باشد مخارج عدلیه را رجوع کننده(یعنی شخصی که خواستار اقدام یاقرار یاحکمی میشود) تأدیه مینماید چه عارض باشد وچه معروض ولی محکوم‌له حق دارد تأدیهٔ مخارج عدلیه و خساراتی راکه براو وارد شده است پس ازصدور حکم قطعی ازمحکوم علیه بخواهد و محکمه پس از رسیدگی وثبوت خسارت و تعیین مقدار آن حکم آن را میدهد .

مادهٔ ۸۰۸ ــ خرج مواردیکه قانون اصول محاکمات استثنا مینماید بمحکوم علیه درصورت محکومیت او تعلق نخواهدگرفت رجوع بمادهٔ (۲۱۶) و (۳۱۶) و (۳۲۷) .

مادهٔ ۸۰۹ ــ دعاوی که از پنج تومان کمتر است ازخرج عدلیه معاف است .

مادهٔ ۸۱۰ ــ درصورت اصلاح ذات البین بترتیب ذیل رفتار میشود: هرگاه اصلاح در جلسهٔ اول محکمه واقع شود فقط ربع دوم مخارج محاکمه مطالبه میشود وهرگاه

صلح در جلسات دیگر یا در وقتی صادر شود که رسیدگی دعوی بدرجهٔ صدور حکم رسیده است (یعنی مذاکرات شفاهی طرفین وعقیدهٔ مدعی العموم اصغا شده) ربع دوم و سوم دریافت میشود وهرگاه طرفین بعدازصدورحکم صلح نمایند این صلح آنان مؤثر تأدیه درخرج محاکمه نخواهدبود .

مادهٔ ۸۱۱ - در مورد مادهٔ قبل هرگاه طرفین معین نکردندکه خرج محاکمه بعهدهٔ کی است بالمناصفه ازطرفین مطالبه میشود.

مادهٔ ۸۱۲ - هرگاه بموجب حکم محکمه هر دو طرف هر یك از جهتی محکوم له و محکوم علیه باشند مخارج محاکمه نسبت بهمبلغ مدعی به یامحکوم به بمادهٔ (۷۸۳) الی (۷۸۸) نسبت به بی حق بودن هریك از طرفین بهر کدام تعلق می یابد .

فهرست

قسمت چهارم - کنتراتها

مصوب

دورهٔ دوم قانونگذاری

(قسمت چهارم ـ کنترات‌ها)

قسمت چهارم
کنتراتها

قانون

تجدید کنترات مسیو بیزو

کنترات مسیو بیزو برای مدت سه ماه و پرداخت سه هزار فرانك در تاریخ سوم ربیع‌الاول سنهٔ ۱۳۲۸ تصویب شده‌است.

قانون

تجدید کنترات مسیو مرنارد

کنترات مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات برای مدت چهار سال و ده هزار فرانك اضافه حقوق در تاریخ هشتم جمادی‌الثانیه سنهٔ ۱۳۲۸ تصویب شده‌است .

قانون

استخدام پنج نفر امریکائی

استخدام پنج نفر امریکائی برای وزارت مالیه در تاریخ دوم شوال سنهٔ ۱۳۲۸ بشرح ذیل تصویب شده‌است .

اول-ادارهٔ خزانهٔ ۳ نفر یکنفر مدیر برای تأسیس ادارهٔ خزانه درمرکز طهران و شعب آن درولایات بطوریکه عملیات آنها درطهران بیك مرکز جمع شود .

دوم- یکنفر محاسب برای معاونت مدیر مزبور و برای ترتیب یك محاسبه و دفترداری متشابهی در تمام دوائر دولتی باشرط تدریس دفترداری دریکی ازمدارس دولتی.

سوم- یکنفر مفتش برای تنسیق ادارات ولایات بتوسط مأمورین ایرانی ومواظبت دراجرای دستورالعملهای مرکز درایالات وولایات .

چهارم- ادارهٔ مالیات مستقیم دو نفر اول یکنفر مدیر برای تهیهٔ قوانین راجع بمالیات مستقیم و تفکیك ادارهٔ تعیین مالیات مستقیم ازادارهٔ تحصیلداری و تعدیل مالیات اراضی واملاك ازروی اصول صحیحه .

پنجم- یکنفر مفتش برای معاونت مدیرمزبور و مواظبت دراجرای دستورالعملها که ازمرکز بخارج داده میشود .

قانون

تجدید کنترات هشت نفر مستخدمین بلژیکی

مصوب ۱۸-۱۹ شوال ۱۳۲۸ هجری

بشرح ذیل تصویب شده‌است :

مسیووی بیه سه‌ساله باحقوق ۲۱ هزارو پانصد فرانك سالیانه .

مسیو گینه	«	«	«
مسیودوت	«	۱۹۵۰۰	«
مسیوللو	«	«	«
مسیو کله	«	۱۸۵۰۰	«

مسیو کرنلیس سه‌ساله سال‌اول۱۴سال‌دوم۱۵سال‌سوم۱۶هزارفرانك‌سالیانه.
مسیو هلونن « » » »
مسیو زوئن « » » »

قانون

تجدید کنترات چهارنفر مستخدمین گمرك

مصوب ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۸ قمری

تجدیدکنترات چهار نفرمستخدمین‌گمرك اهواز - بندر جز - بندرلنگه-ارومی بشرح ذیل تصویب شده است :

دونفر سه ساله باحقوق هریك ۱۲هزار فرانك‌سالیانه .

دونفر سه ساله « « ۸هزارفرانك سالیانه .

قانون

استخدام پنج نفر مستخدمین امریکائی

مصوب ۲صفر المظفر ۱۳۲۹ قمری

بشرح ذیل تصویب شده است :

یك نفر خزانه‌دار بادوهزارلیره انگلیسی حقوق سالیانه و مخارج‌مسافرت‌خود و فامیلش .

یك‌نفر مفتش برای تنسیق ولایات باحقوق ۵۰۰۰ دلارسالیانه .
یك‌نفر محاسب بجهت معاونت ادارهٔ خزانه۴۰۰۰ «
یك‌نفر مدیر اداره برای مالیات مستقیم ۶۰۰۰ «
یك‌نفر مفتش برای‌معاونت‌مدیرمالیات‌مستقیم۳۰۰۰ «

قانون

کنترات مسیو هازه

مصوب ۲۰ دلو مطابق ۹ صفر ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول - سالی دو هزار و ششصد تومان باقساط اربعه در اول هر سه ماه ششصد و پنجاه تومان دولت علیه ایران بمسیو هازه در مدت کنترات که پنجساله مقرر شده خواهد پرداخت .

مادهٔ دوم - بعد از انقضای خدمت و مدت کنترات او اگر دولت مایل بتجدید کنترات نباشد مبلغ یکهزار و دویست فرانك مخارج مراجعت او را خواهد پرداخت .

مادهٔ سوم - درصورتیکه دولت قبل از انقضای مدت کنترات بخواهد مسیو هازه را از خدمت مرخص نماید حقوق یکساله و یکهزار و دویست فرانك خرج معاودت بوطن را باو خواهد پرداخت ولی در صورتیکه مسیو هازه خدمات مرجوعه خود را انجام ندهد و دولت بخواهد باین دلیل کنترات او را ابطال نماید حقوق سه ماهه و خرج مراجعت را باو خواهد پرداخت .

قانون

تجدید کنترات مسیو مولیتر

مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول - مدت کنترات سه سال خواهد بود .

مادهٔ دوم - حقوق مسیو مولیتر سالیانه بیست و یکهزار و پانصد فرانك خواهد بود .

مادهٔ سوم - در کنترات باید ذکر شود که وظایف مدیر کل مطابق نظامنامه معین خواهد شد .

قانون

راجع باستخدام سه نفر مستخدم سوئدی برای ژاندارمری و دو نفر مستخدم فرانسوی برای وزارت عدلیه و داخله

مصوب ۱۸ ثور مطابق ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول ـ مبلغ چهل و چهار هزار فرانك برای هرساله سه نفر مستخدمین سوئدی بجهت ژاندارمری درمدت سه سال :

(۱) بیست هزار فرانك برای یکنفر سلطان .

(۲) بیست و چهار هزار فرانك برای دو نفر نایب .

مادهٔ دوم ـ شصت هزار فرانك برای دو نفر مستخدم فرانسوی بجهت عدلیه و داخله ازقرار نفری سالی سی هزار فرانك درمدت سه سال .

قانون

استخدام چهار نفر مستخدم آمریکائی برای وزارت مالیه

مصوب ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ واحده ـ وزارت مالیه مجاز است چهار نفر مستخدم آمریکائی مالیه با شرایط کنترات های سابق و مقرری های ذیل استخدام نماید : معاون مالیاتی چهار هزار دولار ـ معاون مالیاتی برای تفتیش سه هزار و پانصد دلار ـ معاون مالیاتی یك هزار و هشتصد دلار ـ معاون مالیاتی هزار و ششصد دلار و مقرری این چهار نفر از بابت شصت هزار تومان اعتباری که در قانون ۲۳ جوزا تنگوزئیل تصویب شده پرداخته میشود .

قانون

استخدام سه نفر مستخدم (دو نفر امریکائی و یکنفر از اروپائیهائی که در ایران هستند) برای وزارت مالیه

مصوب ۹ رجب ۱۳۲۹ قمری

مادۀ واحده - وزارت مالیه مجاز است سه نفر مستخدم مالیه که دو نفر آنها آمریکائی و یکنفر از اروپائیهائیکه در ایران هستند با شرایط عمومی سابقین و بامقرریهای سالیانه مفصله ذیل استخدام نماید و مقرری آنها از بابت شصت هزار تومان اعتباریکه موافق مادۀ هفتم قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ تصویب شده پرداخته میشود: معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری خزانه پنج هزاردلار - معاون مالیاتی سه هزاردلار - معاون مالیاتی یك هزارو پانصددلار .

قانون

ماده الحاقیه بکنترات مسیوهازه

مصوب دهم شعبان ۱۳۲۹ قمری

مادۀ الحاقیه - چنانچه مسیو هازه درمدت کنترات بدرجۀ علیل گردد که استعداد جانی برای خدمت نداشته باشد بتصدیق اطبا لازم است سالی هشتصد تومان مادام العمر باسم پانسیون باقساط معینه بمشارالیه مرحمت شود و اگـر در جنگ مقتول و مغلول شود همین مبلغ بعیال واولاد او تا بیست سال داده میشود و نیز پس از انقضاء مدت این پنج سال کنترات که ایام خدمت مشارالیه در ایران دوازده سال خـواهد بود چنانچه دولت ایران وجود مسیو هازه را برای خدمت لازم نداند و تجدید کنترات با او ننماید در پاداش خدمات دوازده ساله مشارالیه دولت ایران این هشتصد تومـان را مادام العمر

به مسیوهازه بدهد درصورتی که درظرف مدت این کنترات پنجسال که موقع خدمت مسیوهازه منقضی نشده باشد و بدون تقصیر دولت ایران در ظرف این مدت او را از خدمت معاف کند مادام العمر سالی ششصد تومان باقساط معین درحق او برقرار کندولی اگر درظرف این مدت پنجسال که کنترات مشار الیه منقضی نشده باشد وازطرف اوخلاف وتقصیر قانونی نظامی ظاهر گردد ازخدمت معاف وحق دریافت پانسیون را نخواهدداشت .

قانون

درباب تجدید کنترات مسیولاتس و استخدام یکنفر معلم طب فرانسوی و یکنفر معلم تاریخ طبیعی

مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول ــ وزارت علوم و معارف مجاز است کنترات مسیولاتس معلم فیزیك وشیمی را برای مدت سه سال از قرار پانزده‌هزار فرانك سالیانه تجدید نماید بااین شرط که علاوه برتدریس خدمات دیگر از قبیل تجزیه‌وعملیات شیمیائی‌راانجام‌دهد .

مادهٔ دوم ــ یکنفر معلم طب فرانسوی که درفرانسه دارای درجه آگرژه باشد ازقرار پانزده هزار فرانك بمدت سه‌سال استخدام‌نماید .

مادهٔ سوم ــ یکنفر معلم تاریخ طبیعی بجای دکتر کمبو بمدت سه‌سال ازقرار دوازده‌هزار فرانك سالیانه‌استخدام‌شود .

قانون

راجع باستخدام یکنفر صاحبمنصب اداری (آنتاندانس) وشش‌نفر صاحبمنصب قشونی سوئدی برای ژاندارمری

مصوب لیله ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ اول ــ مبلغ بیست و هشت‌هزار و پانصد تومـان برای استخدام یك نفر

صاحبمنصب اداری و شش‌نفر صاحبمنصب قشونی سوئدی بوزارت داخله اعتبار داده میشود .

مادهٔدوم – صاحبمنصبان مزبور که برای مدت‌سه سال استخدام میشوند مأمور تشکیل ادارهٔ مباشرت ژاندارمری‌وادارهٔکل دستجات ژاندارمری و تدریس درمدارس صاحبمنصبان‌کل و جزء وتابین ژاندارم ونظمیه دولت علیه خواهندبود .

قانون

راجع به‌تجدید کنترات سه ساله هفت نفر مستخدمین بلژیکی

مصوب ۲ شوال ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ واحده – وزارت مالیه مجاز است کنترات اشخاص مفصله ذیل را باین ترتیب تجدید نماید .

اسم	شغل	سال اول فرانك	سال دوم فرانك	سال سوم فرانك
مسیولو کیفر	رئیس گمرك انزلی	۱۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰۰
مسیوکنستان	رئیس گمرك بندربوشهر	۱۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰۰
مسیورانس‌کن	رئیس گمرك جلفا	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۷۰۰۰
مسیواندریو	رئیس گمرك آستارا	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰
مسیودکراو	رئیس گمرك بندرعباس	۱۳۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰
مسیو قوبرون	رئیس گمرك مشهدسر	۱۳۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰
مسیودوهم	مفتش گمرکات آذربایجان	۹۰۰۰	۹۵۰۰	۱۰۰۰۰

قانون

راجع باستخدام مستر نیو

مصوب ۹ شوال المکرم ۱۳۲۹ قمری

مادۀ اول ـ وزارت مالیه مجازاست مستر نیو را برای محاسبات وزارت پست و تلگراف سه ساله استخدام نماید .

مادۀ دوم ـ شرایط کنترات مستخدم مذکور همان شرایط عمومی مستخدمین امریکائی است وحقوق اوسالیانه چهارهزار توماناست که ازشصت هزار تومان اعتباری که سابقاً برای هیئت تفتیشیه داده شده است پرداخته خواهد شد .

قانون

راجع باستخدام بیست نفر صاحبمنصب سوئدی برای تشکیلات قشون ایرن

مصوب ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۹ قمری

مادۀاول ـ وزارت جنگ دولت علیه ایران مجاز است برای تشکیلات اداری و تعلیمات نظامی و تأسیسات علمی قشونی بیست نفر صاحبمنصب سوئدی بموجب مواد هشتگانه ذیل استخدام نماید .

مادۀ دوم ـ عدۀ صاحبمنصبانی که از دولت سوئد استخدام میشوند چهارده نفر صاحبمنصب صف وسه نفر صاحبمنصب اداری برای مدت سه سال خواهد بود .

مادۀسوم ـ سه نفر صاحبمنصب جزو دیگر نیز برای مدت سه سال از دولت

سوئد برای معاونت صاحبمنصبانی که در مادهٔ فوق ذکرشده است و برای تشکیل کادر قشون و تعلیم صاحبمنصبان جزو و افرادتابین استخدام میشوند .

مادهٔ چهارم – چهارده نفر صاحبمنصب صف بطریقه ذیل درنظام تقسیم میشوند:

وزارت جنگ	۳ نفر صاحبمنصب
پیاده نظام	۶ نفر «
سواره نظام	۲ نفر «
توپخانه	۱ نفر «
مدرسه نظامی	۲ نفر «

مادهٔ پنجم – سه نفر صاحبمنصب اداری نیز بطریقه ذیل تقسیم میشوند :

وزارت جنگ	۱ نفر صاحبمنصب
پیاده نظام	۱ نفر «
سواره نظام و توپخانه	۱ نفر «

مادهٔ ششم – تقسیم صاحبمنصبان جزو بطریقه ذیل خواهد بود :

سواره نظام	۱ نفر صاحبمنصب جزو
توپخانه	۱ نفر «

مدرسه نظامی صاحبمنصبان جزو ۱ نفر

مادهٔ هفتم – برای استخدام چهارده نفر صاحبمنصب صف وسه نفر صاحبمنصب اداری وسه نفر صاحبمنصب جزو ومبلغ ۵۸۳۷۳۰ قران اعتبار بوزارت جنگ داده میشود .

مادهٔ هشتم – تقسیم صاحبمنصبان کل وجزو مطابق فهرست ذیل است :

نوع خدمت ورتبه که باید درنظام سوئد دارا باشند	جمع جزء	جمع کل
رئیس مستخدمین نظامی برتبه یاور یا نایب سرهنگ	۱	
وزارت‌جنگ : سلطان برای پیاده نظام	۱	
سلطان برای توپخانه	۱	
سلطان برای اداره مباشرت نظام	۱	۴
سلطان برای پیاده نظام	۳	
پیاده نظام :		
نایب اول	۳	
سلطان برای اداره مباشرت پیاده نظام	۱	۷
سوار نظام : سلطان برای سوار نظام	۱	
نایب اول	۱	
صاحب منصب جز	۱	۳
توپخانه : نایب اول برای توپخانه	۱	
صاحب منصب جزء	۱	۲
برای اداره مباشرت توپخانه وسوار نظام ــ نایب اول	۱	۱
مدرسه نظامی صاحب منصبان : سلطان برای پیاده نظام	۱	۱
نایب پیاده نظام	۱	
مدرسه صاحبمنصبان جزو : صاحب منصب جزو	۱	۲
مجموع		۲۰ نفر

قانون

کنترات مسیو بوطن

مصوب ۱۸ شوال ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۹ میزان

مادهٔ اول ـ مسیو بوطن مداومت خواهد نمود مدت سه سال شمسی بخدمت دولت علیه ایران بسمت مهندسی قورخانه و کارخانجات نظامی و متعهد میشود که بطور شایسته تکالیف خودرا در این مشاغل بعمل آورده و نیز در مدت کنترات خود بالغ بسی نفر شاگرد راکه باو سپرده میشود بعملیات مکانیکی تعلیم کرده و هرگاه مسیو بوطن بیکی از شرایط مقرره با وزارت جنگ تخلف کند و یا موجبات عدم رضایت وزارت جنگ را فراهم نماید دولت مختار است که کنترات مشارالیه را فسخ نماید در اینصورت دیگر مسیو بوطن حق مواجب و مقرری را نخواهد داشت .

مادهٔ دوم ـ تاریخ تجدید این کنترات ازروز حمل ایت ئیل ۱۳۲۸ لغایت سه سال شمسی خواهدبود .

مادهٔ سوم ـ وزارت جنگ مجاز است مسیو بوطن مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی را برای مدت سه سال از قرار سالی دوهزاروچهارصد تومان استخدام نماید .

قانون

راجع به استخدام ده نفر مستخدمین امریکائی برای مالیه

مصوب ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۸ عقرب

مادهٔ اول ـ وزارت مالیه مجـاز است ده نفر مستخدمین مالیه امریکائی استخدام نماید .

مادهٔ دوم - شرایط عمومیه کنترات‌های ده نفر مستخدم آمریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین آمریکائی که تا بحال استخدام شده‌اند خواهد بود .

مادهٔ سوم - مبلغ بیست و چهار هزار و نهصد دلار حقوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکوره از بابت شصت هزار تومان اعتباریکه مطابق مادهٔ هفتم قانون ۲۳ جوزا بخزانه‌دار کل داده شده‌است تصویب میشود .

فهرست

قسمت پنجم - تصویبات مالی

مصوب

دورهٔ دوم قانونگذاری

قسمت پنجم

تصویبات مالی

قانون

راجع باعزام سی‌نفر شاگرد به‌اروپا برای تحصیل

مصوب ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۹

مادهٔ اول ــ درسنه تنگوزئیل ۱۳۲۹ سی نفرشاگرد ایرانی‌ازطرف دولت‌علیه برای تحصیلات ذیل باروپا فرستاده میشود :

برای معلمی	۱۵ نفر
برای علوم نظامی بقرار ذیل :	
پیاده نظام	۲ نفر
سوار نظام	۲ «
توپخانه	۲ «
مهندس نظام	۱ «
صاحبمنصب اداری	۱ «
برای مدرسه مهندسی طرق و شوارع ۲ »	

برای مدرسه حرف وصنایع	۲ نفر
شیمیست	۱ «
برای مدرسه فلاحت :	
مخصوص ابریشم	۱ «
فلاحت عمومی	۱ «

مادهٔ دوم ـ بعد ازسنهٔ تنگوزئیل تامدت پنجسال هر سال بیست نفر شاگرد جدید بخارجه اعزام میشودکه مشغول تحصیل علوم لازمه باشندوهرچند نفرازشاگردان که بعد ازفراغت تحصیل مراجعت بایران کنند ویا بواسطهٔ طفره ازتحصیلات ویا بجهات دیگر خارج شده ومحل خالی بماند عوض آنها مجدداً فرستاده میشود .

مادهٔ سوم ـ مخارج سی نفر شاگرد ازقرار نفری پانصد وپنجاه تومان مبلغ شانزده هزار وپانصد تومان سالیانه اعتبار بوزارت معارف داده میشود .

مادهٔ چهارم ـ مخارج ذهاب سی نفرشاگرد ازقرار یکصدتومان سه‌هزار تومان.

قانون

درباب اعدام محمدعلی میرزا وبرادران

مصوب ۳ شعبان ۱۳۲۹

مادهٔ اول ـ چون محمدعلی میرزای مخلوع مفسد فی‌الارض ودفع آن واجب است هیأت دولت مجازاست یکصد هزار تومان باعدام‌کننده یادستگیرکنندهٔ محمدعلی میرزاویاورثهٔ آنان بپردازد .

مادهٔ دوم ـ وزارت جنگ مجازاست مبلغ بیست وپنج هزار تومان بخود ویا وراث دستگیرکننده ویا اعدام‌کنندهٔ سالارالدوله ومبلغ بیست وپنجهزار تومان بخود یاوراث دستگیرکننده ویااعدام‌کنندهٔ شعاع‌السلطنه بپردازد .

قانون

راجع به قطع حقوق اشخاصی که با حکومت ملی ضدیت کرده‌اند

مصوب ۸ ذیقعده ۱۳۲۹

ماده واحده - اشخاصی که در طهران وسایر ولایات بعد از عفو عمومی ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ به ضدیت حکومت ملی بهر عنوان عملا قیام یا اقدام کرده اند حقوق دیوانی آنان نقداً وجنساً مقطوع است دولت اسامی اشخاصی که بموجب این قانون حقوق آنان مقطوع میشود باید درروزنامه رسمی اعلام نماید .

قانون

راجع به حقوقات اشخاصی که در جزو بودجهٔ دربار حقوق داشته‌اند

مصوب ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۹

مادهٔ۱ - از یك تومان تامأخذ شصت تومان ابقا میشود .

مادهٔ۲ - تامأخذ یکصد و بیست تومان شصت تومان بمأخذ مادهٔ (۱) مازاد آن دو ثلث ابقا میشود .

مادهٔ۳ - از یکصد و بیست تومان تامأخذ دویست تومان یکصد و بیست تومان بمأخذ مادهٔ (۲) مازاد آن پنج عشر ابقا میشود .

مادهٔ۴ - ازدویست تومان تامأخذ سیصد تومان دویست تومان آن بمأخذ مادهٔ (۳) مازادآن چهار عشرابقا میشود .

مادهٔ۵ - ازسیصد تومان تامأخذ چهار صدتومان سیصد تومان آن بمأخذ مادهٔ (۴) مازادآن سه‌عشر ابقامیشود .

مادهٔ۶ - ازچهارصد تومان تامأخذ پانصد تومان چهارصد تومان‌آن بمأخذمادهٔ (۵) مازادآن دوعشر ابقامیشود .

مادهٔ۷ - ازپانصد تومان تامأخذ یکهزار تومان پانصد تومان‌آن بمأخذ مـادهٔ (۶) مازادآن یك‌عشر ابقامیشود .

مادهٔ۸ - اشخاصی‌که نقدوجنس دارند وهمچنین اشخاصی‌که جنس فقط دارند جنس‌آنها بقرار خرواری سه‌تومان مسعر وبمأخذ موادفوق عمل‌شود .

مادهٔ۹ - این‌مواد شامل حقوق اشخاصی است‌که حقوق دیگری ندارند وفقط جزو بودجه سابق دربار موظف بوده‌اند امـا اشخاصی‌که درولایات ورکاب غیر ازاین حقوق علیحده دارند باید وزارت مالیه تحقیق نماید درصورتیکه حقوق‌خارج ازدربار آنها علاوه ازحقوق درباری است آنچه درجزو درباری دارند مقطوع وضبط میشودو درصورتیکه حقوق‌خارج آنهاکمتر ازحقوق درباری باشدآن حقوق خارجی ازآنچه درجزو بودجه درباری تصویب میشودکسر گذارده خواهد شد .

مادهٔ ۱۰ - حقوق اشخاصی‌که برضداساس‌حکومت‌ملی‌قیام‌واقدام‌نموده‌اند بکلی مقطوع وازاین قانون مستثنی است .

مادهٔ ۱۱ - مبلغ هیجده هزار وهفتصد وپنجاه وشش تومان وسه هزار ویکصد وپنجاه دینار نقد ومقدار ششصد وچهل وپنج خروار وشصت وسه من‌غله وسیصد وشصت

خروار و شصت و شش من کاه بموجب دو فرد طبع شده و دو ضمیمه آن شامل ۵۵ قلم مقطوع است .

مادهٔ ۱۲ - حقوق اداری ازاین قانون مستثنی وبکلی مقطوع است .

مادهٔ ۱۳ - متوفیات این حقوقات مطابق قانون متوفیات باید معمول شود .

نمرهٔ ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی	مبلغ د	مبلغ ق	مبلغ ت	سالیانه یاماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
۱	تصویب مصارف لازم قشونی برای مصارف دو ماهه سوار وسه ماهه سرباز مأمور گیلان.		۸	۱۳۱۴		یکمرتبه	۲۶ ذیحجه ۱۳۲۷
۲	تصویب مصارف مجاهدین مأمور اردبیل .			۱۰۰۰۰		«	« «
۳	مصارف معالجه حاج میرزا موسی خان میرپنجه .			۱۶۰۰		«	« «
۴	مقرری نایب باقرخان فراشباشی سابق مجلس .			۲۰	ماهیانه	مادام الحیات	۱۵ محرم ۱۳۲۸
۵	مقرری میرزا حسنخان مستخدم مجلس که درموقع بمباردمان پایش گلوله خورده .			۱۵	«	مادام الحیات	۱۵ محرم «
۶	حقوق ورثه مرحوم مصدق الدوله (عیـال ودو نفر صبیه هر کدام سالی چهل تومان وپسر کوچك سالی شصت تومان).			۱۸۰	سالیانه	۱۵ ساله	۲۰ محرم «
۷	حقوق ورثه میرزا محمد علیخان لشکرنویس .			۱۰۰	«	۱۵ ساله	۲۲ محرم «
۸	حقوق ورثه مرحوم اعتمادالدوله (دو پسر نفری یکصد تومان وصبایا وعیالش نفری پنجاه تومان) .			۶۵۰	«	۱۵ ساله	۲۲ محرم «
۹	حقوق ورثه مرحوم شیخ الاسلام قزوینی .			نصف از حقوق نقدی که داشته	«	۱۵ ساله	۲۲ محرم «
۱۰	مواجب ومخارج یك مفتش برای بازدید جنگلها .			۲۵۰	ماهیانه	۳ ماهه	غره صفر «
۱۱	بودجه موقتی چهارماهه تخاقوی ئیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت جنگ .		۹	۵۳۱۹	«	۴ ماهه	۸ صفر «
۱۲	حقوق ورثه مرحوم امین الوزاره .			۲۵۱	سالیانه	۱۵ ساله	۱۱ صفر «
۱۳	انعام ورثه مرحوم میرزا علی اصغرخان رئیس گمرك اشنویه			۱۵۰			۱۱ صفر «
۱۴	مواجب ژنرال قونسول اسلامبول .			۱۵۰	ماهیانه		۱۹ صفر «
۱۵	تتمه مخارج اردوی اردبیل وحقوق پس افتادهٔ مجاهدین .			۳۸۰۰۰			۲۲ صفر «
۱۶	بودجه موقتی چهارماهه تخاقوی ئیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت داخله .		۶	۳۰۶۱	«	۴ ماهه	۲۷ صفر «
۱۷	مخارج مراجعت ده نفر شاگرد ایرانی که درمدرسه نظامی اسلامبول مشغول تحصیل بوده اند.			۱۰۰۰			۲۷ صفر «
۱۸	بودجه موقتی چهارماهه تخاقوی ئیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت عدلیه.		۵	۶۸۷۶	ماهیانه	۴ ماهه	۸ ربیع الاول «
۱۹	مقرری ورثه مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا .			۵۰	ماهیانه	مادام الحیات	۱۸ ربیع الاول «
۲۰	بودجه چهار ماهه تخاقوی ئیل ۱۲۸۸ شمسی مجلس شورای ملی.	۱۵	۲	۴۸۹۱۹		۴ ماهه	۱۸ ربیع الاول «
۲۱	مخارج راه کارگذار سیستان .			۳۶۰			غره ربیع الثانی «

نمرهٔ ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی	مبلغ ت	ق	د	سالیانه یا ماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
۲۲	حقوق حاجی تقی خان .	۱۲۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ ربیع الثانی ۱۳۲۸
۲۳	مقرری ورثه مرحوم یحیی میرزا .	۲۰			ماهیانه	مادام الحیات	۱۰ ربیع الثانی «
۲۴	مقرری ورثه مرحوم عظیم زاده .	۱۵			ماهیانه	تاوقتیکه شوهر اختیار نکرده یافوت ننمایند	۱۰ ربیع الثانی «
۲۵	قروض مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا .	۸۳۰					۱۹ ربیع الثانی «
۲۶	حقوق ورثه مشهدی محمد ژاندارم مقتول درزنجان .	۳			ماهیانه	مادام الحیات	۱۹ ربیع الثانی «
۲۷	مخارج تحصیل قویم السلطنه .	۷۰			سالیانه	چهارساله	۷ جمادی الاولی «
۲۸	معافیت گمرک ماشین نجاری و تکمه سازی تجار آذربایجان .	۶۲۸					۱۱ جمادی الاولی «
۲۹	مخارج تعمیر کشتی های دولتی درخلیج فارس .	۲۰۰۰۰ فرانک					۸ جمادی الثانیه «
۳۰	مستمری ورثه مرحوم میرزا غلامحسین مقتول درحضرت عبدالعظیم (ع) .	۱۲۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۱	مستمری ورثه حاج سید آقا مقتول .	۶۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۲	مستمری ورثه دبیر همایون مقتول درحضرت عبدالعظیم (ع) .	۵۶			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۳	مستمری ورثه مرحوم ابوالحسنخان مدیر مدرسه آستارا .	۲۴۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۴	مستمری ورثه علی اکبر خان مقتول درزنجان .	۱۲۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۵	مستمری ورثه مشهدی تقی مقتول درقزاقخانه .	۱۰۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۶	مستمری ورثه حمزه مقتول دروقعهٔ مجلس .	۸۴			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۷	مستمری مادر اسمعیلخان مقتول دراستبداد صغیر .	۱۲۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۸	مخارج مسافرت مأمورین وزارت خارجه .	۲۵۰۰			سالیانه	مادام الحیات	۸ جمادی الثانیه «
۳۹	مستمری مسیو ژرژ بنتان رئیس گمرک ارومیه وعیال و اولاد مشارالیه.	۸۰۰			سالیانه	مسیو بنتان وعیال مادام الحیات اولاد تاحد بلوغ	۸ جمادی الثانیه «
۴۰	مخارج مأمورین خرید اسلحه .	۱۰۲۵					۱۳ جمادی الثانیه «
۴۱	مواجب چهارماهه یکصد و هفتاد و پنجنفر مجاهد .						۱۳ جمادی الثانیه «
۴۲	اعتبار بوزارت جنگ برای کرایه ماشین و آلات توپریزی ازگیلان بطهران .	۶۰۰۰					۱۵ جمادی الثانیه «

نمرهٔ ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی	مبلغ ت	ق	د	سالیانه یا ماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
۴۳	مستمری دکتر مورل .	۱۲۰۰			سالیانه	مادام‌الحیات	۱۹ رجب ۱۳۲۸
۴۴	مستمری والدهٔ آقا محمود .	۶۰			سالیانه	»	۲۳ » »
۴۵	مستمری آقا شیخ محمد صالح و آقاشیخ عبدالحسین .	۱۲			ماهیانه	»	۲۳ » »
۴۶	مستمری آقاشیخ حبیب‌الله گیلانی .	۶۰			سالیانه	»	۲۳ » »
۴۷	واگذاری دوهزارذرع ازاراضی نگارستان بمدرسه نقاشی و تصویب مخارج آن بمبلغ	۲۰۰۰				یکدفعه	۲۳ » »
۴۸	طلب حاج عدل‌السلطنه .	۳۴۳۵۳					۲۱ شعبان »
۴۹	مستمری آقا شیخ هادی استرابادی .	ده خروار جنس			سالیانه		۹ شوال »
۵۰	بودجه ایت‌ئیل ۱۲۸۹ شمسی مجلس شورای ملی .	۱۷۴۵۳۸			سالیانه	یکساله	۱۸ شوال »
۵۱	مقرری شجیع‌السلطان بانهٔ .	۱۰۰			ماهیانه	مادام که اموال مغصوبه‌اش مسترد نشده	سلخ شوال »
۵۲	حقوق صاحبمنصبان مستعفی ازقزاقخانه .	۴۲۴	۵	۶۵	»		۷ ذیقعده »
۵۳	حقوق سردارملی وسالارملی .	۹۰۰			»	مادام الحیات	۲۳ ذیقعده »
۵۴	اعتبار بوزارت داخله برای ساختمان قرانطینه درسرحدات شمال .	۲۰۰۰۰					۲۶ ذیحجه »
۵۵	توقیف وجه مأخوذی بلدیه ازبابت روشنائی واحتسابیه ازوزارت مالیه .	۱۸۰۶۳			سالیانه		۲۸ ذیحجه »
۵۶	مخارج اعزام چهارنفر شاگرد مدرسه‌سیاسی بپاریس .	۶۰۰					۳ محرم ۱۳۲۹
۵۷	تخفیف نصف مالیات قریه‌کهنویه‌ومعزآبادیزد .	۴۰۰			سالیانه	مادام‌که تعدیل نشده	۳ » »
۵۸	حقوق ورثه مرحوم حسام‌الاسلام .	۲۰			ماهیانه	مادام‌الحیات	۱۷ » »
۵۹	مستمری ورثه مرحوم قاضی قزوینی .	۱۸			»	»	۱۷ » »
۶۰	مخارج روزنامه‌رسمی (باقیداینکه‌طبع‌روزنامه‌درمطبعهٔ‌شاهنشاهی‌واجرت‌پست مجانی خواهد بود)	۴۳۴			»	۶ ماهه	۷ ربیع‌الاول »
۶۱	اعتبار بوزارت معارف واوقاف برای تکمیل بنائی واثاثیهٔ مدرسه‌نقاشی .	۲۳۰۰					۱۲ ربیع‌الاول »
۶۲	مستمری ورثه دکتر مورل بشرح ذیل :						
	عیال دکتر مورل	۳۰۰			سالیانه	مادام‌الحیات	۲۹ ربیع‌الثانی »

نمرهٔ ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی	مبلغ د	مبلغ ق	مبلغ ت	سالیانه یا ماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
	اولاددکترمورل			۵۰۰	سالیانه	۸ساله	۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۹
۶۳	مخارج امتدادسیم تلگراف ازعراق بگلپایگان وخوانسارومحلات وکمره .			۷۱۵۷			۲۹ ربیع الثانی »
۶۴	مخارج ساختمان تلگراف خانه وپست خانه درسرحد جلفادرسنه تنگوزئیل .			۵۷۰۰			۵ جمادی الاولی »
۶۵	مستمری مشهدی تقی مجاهداردبیلی .			۱۰۰	سالیانه	مادام الحیات	۵ » »
۶۶	مقرری کارگذارادسا .			۲۰۰	ماهیانه		۱۰ » »
۶۷	برقراری نصف حقوق مرحوم حامدالملك درحق ورثه بعلاوه ۵۰ تومان برقراری .			۵۰	سالیانه		۱۰ » »
۶۸	مقرری داودخان مجاهد .			۱۵	ماهیانه	مادام الحیات	۱۷ » »
۶۹	واگذاری ۱۳۷۷۰ذرع ازاراضی نگارستان بمدرسهٔ حقوق وسیاسی وتأسیس موزه وکتابخانه ملی وتصویب مخارج ساختمان مدرسهٔ حقوق وسیاسی بمبلغ .			۱۵۰۰۰			۱۹ » »
۷۰	تخفیف ۱۳۴ تومان تفاوت عمل صنف صباغ کاشان و۱۶۰ تومان نصف تفاوت عمل صنف دباغ کاشان			۲۹۴			۱۹ » »
۷۱	حقوق جنسی ورثه مرحوم آقاسیدعبدالله .			۲۰خروارغله	سالیانه		۲۴ » »
۷۲	حقوق ورثه مرحوم آقاسیدجمال الدین واعظ (علاوه برآنچه مطابق قانون متوفیات ازحقوق دیوانی دریافت میدارند) .			۲۰۰	سالیانه		۲۸ » »
۷۳	تفریغ بودجه ایت ئیل مجلس شورای ملی .						» » »
۷۴	مخارج استردادا سرای قوچان توسط میرزا اسمعیل خان فرزانه درعشق آباد (به تسعیر تومان)			۳۳۱۸ منات			۵ جمادی الثانیه »
۷۵	مقرری ورثه قانونی یوسف مجاهد .			۴	ماهیانه		۵ جمادی الثانیه »
۷۶	بودجه تنگوزئیل ۱۲۹۰ شمسی مجلس ملی .			۱۵۰۵۱۸	سالیانه	یك ساله	۲۶جمادی الثانیه »
۷۷	مقرری رخساره خانم همشیره عباسقلی خان (باقیدضبط حقوق مرحوم عباسقلی خان وحقوق شخصی رخساره خانم) .			۳۰	ماهیانه	مادام الحیات	۲۹جمادی الثانیه »
۷۸	مخارج راه حسن خان مجاهد تبریزی			۵۰			۷ رجب »
۷۹	مقرری وراث میرزا اسمعیل وآقاسیدحسن مجاهدمقتول .			۱۲	ماهیانه	مادام الحیات	۹ رجب »

نمره ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی
۸۰	تفویض قریه آوه خالصه بملکیت بوراث مرحوم آیةالله طهرانی (باقید اینکه ازتنگوزئیل مبلغ ۷۴ تومان نقد و ۲۷ خروار غله و ۱۶ خروار کاه مالیات برای این قریه برقرار میشود) .
۸۱	مخارج راه آقاشیخ محمدتقی مجتهد .
۸۲	مستمری مادر غلامحسین خان مجاهد مقتول (ماهیانه) .
۸۳	حقوق محسن خان مجاهد (ماهیانه) .
۸۴	حقوق اللهکرم خان پسر حیدرقلی خان وشعبانعلی خان ومحمدحسن خان اخوان حیدرخان .
۸۵	مستمری ماژراستاکس (معاون مالیه برای تشکیل ژاندارمری) از تاریخ انقضاء کنترات مصوبه رجب ۱۳۲۹ .
۸۶	مخارج راه میرزا محمدعلی خان ومیرزا عباس خان اخوان شیخعلی خان مجاهد مقتول .
۸۷	اعتبار بهیئت دولت برای مخارج نظامی ومخارج مخفیه .
۸۸	مقرری ادیب المجاهدین کرمانی .
۸۹	تخفیف مالیاتی قراء سیزده گانه غربی دزفول واخذعشریه ازعایدات مالکی .
۹۰	تخفیف فرع قنات یوسف آباد بفرویه یزد .
۹۱	مقرری ورثه عبدالعلی مجاهد .
۹۲	مقرری ورثه مشهدی محسن مجاهد (مادر ـ عیال ـ یك دختر و یك پسر).
۹۳	تخفیف نصف ثانی مالیات قنوات کسنویه ومعزآباد یزد .
۹۴	مقرری حاج میرزا آقای خوئی .
۹۵	مقرری ورثه مرحوم آقاسیدریحان الله .
۹۶	قطع حقوق مستشارالحکماء.
۹۷	تخفیف مالیات قنات یعقوبیه یزد واخذ عشریه ازعایدات .
۹۸	برقراری نصف حقوق اسدخان بختیاری درحق ورثه مطابق قانون متوفیات و همچنین برقراری مستمری دربارهٔ کلبعلی خان بختیاری اخوی مرحوم اسدالله خان بمبلغ :

مبلغ د	مبلغ ق	مبلغ ت	سالیانه یا ماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
					۲۱ سرطان ۱۶ رجب ۱۳۲۹
		۱۵۰۰			« « «
		۶۰	سالیانه	مادام الحیات	۲۸ « ۲۳ رجب «
		۱۸۰	سالیانه	مادام الحیات	۲۸ « ۲۳ رجب «
		۱۰۰۰		برای استخدام درگمرک	۲۸ « ۲۳ رجب «
		۲۵۰ لیره	سالیانه		۳ شعبان «
		۱۰۰			۱۰ شعبان «
		۳۰۰۰۰۰			۲۰ اسد ۱۷ شعبان «
		۱۵	ماهیانه	مادام الحیات	۱۷ شعبان «
				تا ممیزی جدید	۲۰ اسد ۱۷ شعبان «
	۵	۱۴۴		تا موقع ممیزی	۱۷ شعبان «
		۱۰	ماهیانه	۱۵ ساله	۲۳ اسد ۲۰ شعبان «
		۶	ماهیانه	۱۵ ساله	۶ رمضان «
		۴۰۰		تا ممیزی جدید	۶ رمضان «
		۲۰	ماهیانه	مادام الحیات	۱۴ رمضان «
		۱۰۰	ماهیانه	مادام الحیات	۱۶ رمضان «
		کلیه حقوق			۲۶ رمضان «
					۲ شوال «
		۴۰	سالیانه	مادام الحیات	۴ شوال «

نمرهٔ ترتیبی	خلاصه تصویبات مالی	مبلغ د	ق	ت	سالیانه یاماهیانه	برای چه مدت	تاریخ تصویب
۹۹	مقرری یفرم‌خان .			۳۶۰۰	سالیانه		۴ شوال ۱۳۲۹
۱۰۰	حقوق‌ورثه‌مرحوم‌یحیی‌خان‌سرتیپ (پسر ـ عیال‌وصبایا) [ازبابت‌حقوق‌مرحوم‌یحیی‌خان]			۵۰۰	سالیانه		۱۱ شوال »
۱۰۱	مقرری ورثه مرحوم وکیل‌التجار .			۲۰	ماهیانه	۱۵ ساله	۲۰ شوال »
۱۰۲	مخارج تحصیل مترجم نظام بعلاوه یکصدوبیست تومان خرج‌مسافرت .			۶۰۰	سالیانه	۳ ساله	۲۵ شوال »
۱۰۳	مقرری ورثه‌میرزا جوادمقتول .			۶	ماهیانه	مادام‌الحیات	۲۵ شوال »
۱۰۴	اعتبار بوزارت معارف برای اثاثیه پنج باب مدارس ابتدائی‌دولتی .			۳۵۰۰		یك دفعه	۸ ذی‌قعده »
۱۰۵	مقرری میرزامحمدخانقاهی .			۶	ماهیانه	مادام‌الحیات	۸ ذی‌قعده »
۱۰۶	مقرری نیابت‌سوم‌سفارت اسلامبول (پنجاه‌تومان‌مقرری وچهل‌تومان مخارج شام‌ونهار)			۹۰	ماهیانه	در مدت خدمت	۱۰ ذی‌قعده »
۱۰۷	مخارج معالجه‌ومعاش‌نظام‌الممالك .			۲۰	ماهیانه	مادام‌المرض	۱۲ ذی‌قعده »
۱۰۸	مقرری آتاشه‌سفارت‌لندن .			۵۰	ماهیانه	تاتصویب بودجه وزاتخارجه	۱۲ ذی‌قعده »
۱۰۹	اعتبار برای پرداخت طلب ارباب لطف‌الله‌ازبابت قیمت‌گندم .			۱۲۲۱۵		یکدفعه	۲۰ ذی‌قعده »
۱۱۰	مقرری وراث پلیس مقتول‌دربوشهر .			۴	ماهیانه		۲۴ ذی‌قعده »
۱۱۱	مقرری مادر میرمحمد علیخان‌قزاق‌مقتول .			۳	ماهیانه	مادام‌الحیات	« « «
۱۱۲	مقرری وراث میرزاحبیب‌الله‌مقتول .			۲۴	سالیانه	مادام‌الحیات	« « «
۱۱۳	مقرری حاجی علیقلی‌شتردار.			۱۸۰	سالیانه		« « «
۱۱۴	اعتبار باداره مباشرت برای طبع قوانین دورهٔدوم تقنینیه .			۳۵۰		یك دفعه	۲۶ ذی‌قعده »
۱۱۵	مقرری ورثه میرزا اسدالله خان مقتول (والده ـ چهارنفرخواهر ـ پدر ـ برادر).			۳۶۰	سالیانه	مادام‌الحیات	۳ ذی‌حجه »

فهرست

قسمت ششم - تصمیمات و مطالب متفرقه

مصوب

دورهٔ دوم قانونگذاری

قسمت ششم
تصمیمات متفرقه

اصلاح مادۀ ۷۰ نظامنامه داخلی

مصوب ۲ ذیقعده ۱۳۲۸

اصلاح مادۀ ۷۰ نظامنامه داخلی راجع بعرایض که طبع فهرست آنرا موقوف داشته فقط چهار نسخه نوشته در اطاق تنفس گذاشته شود .

اصلاح عوض جمله دوم مادۀ (۱۲۰) نظامنامه داخلی

مصوب ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹

نمایندگان از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند یا در موقع دادن رأی درمطالبی که جزودستور آن جلسات است بدون عذرموجه غیبت نمایند بهر نیمساعت تأخیر و بهرسه غیبت دریك جلسه در موقع دادن رأی ثمن مقرری یك روزه آنها کسرخواهد شد و بعلاوه مدت غیبت آنها درصورت مجلس ودرروزنامه رسمی اعلان میشود .

اصلاح مواد ۶۰ و ۶۲ نظامنامه داخلی

مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹

درماده شصت جمله اخیر حذف و بجای آن اینطور نوشته شود .

اصلاحاتی که درشوراول ازطرف نماینده پیشنهاد میشودپس ازقرائت درمجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوطه بآن رجوع شود .

درماده شصت و دولفظ (اول) حذف شود .

تفسیر فقره دوم وسوم ماده هشتاد وپنجم نظامنامه داخلی

مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹

هرچند تاکنون در مجلس عمل براین بوده‌که در هریك از مواد لوایح قانونی مذکور درفقره دوم وسوم ماده هشتاد وپنجم با اوراق اخذ رأی شودلیکن ماده مزبور این ترتیب را حتمیت نداده و رأی با اوراق در موقع اخذ رأی کلی لوایح مزبوره کفایت میکند .

٭ تصویب پرو گرام کابینه محمد ولی‌خان‌سپهداراعظم

مصوب ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۷

ضرورت این قاعده مسلم است که طالب هرمقصودی همیشه مقصود خود را

٭ تاریخ‌معرفی‌وزراء ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۷ بشرح ذیل :
سپهداراعظم‌رئیس‌الوزراءووزیرجنگ‌ـ سرداراسعدوزیرداخله‌ـ علاءالسلطنه‌وزیرخارجه مشیرالدوله‌وزیرعدلیه ـ صنیع‌الدوله‌وزیرمعارف وفوائدعامه ـ وثوق‌الدوله‌وزیرمالیه‌ـ سردار منصور وزیر پست وتلگراف .

معاونین :

ثقةالملك معاون وزارتخارجه (معرفی ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۷) ـ قوام‌السلطنه معاون وزارت داخله‌ـ محاسب الممالك معاون پست وتلگراف (معرفی۱۳محرم ۱۳۲۸) ـ امان‌الله میرزا معاون وزات جنگ (معرفی ۲۱ ع ۱ـ۱۳۲۸) ـ دبیرالملك معاون وزارت‌داخله (معرفی ۲۲ ع۲ ۱۳۲۸) میرزا محمدعلی‌خان وزیرزاده معاون وزارتخارجه (معرفی۲۹ج۲ ۱۳۲۸) ـ عمیدالحکماء معاون وزارت مالیه (معرفی۱۶ج۲ ۱۳۲۸) .

چون کابینه مستعفی شده بودمجدداً درتاریخ۱۹ ربیع الثانی۱۳۲۸ همان‌کابینه بمجلس معرفی گردید .

آنی‌الحصول آرزو میکند و حتی‌المقدور مایل است از عقباتیکه طی آنهاموقوف‌علیه حصول مقصود است‌گذشته زودتر به نیل مرام موفق شود .

هیئت حالیه وزراء نیز که طرفدار سلطنت مشروطه و هواخواه ترقی واصلاحات هستند نمیتوانند از این قاعده‌کلیه مستثنی باشند و البته قویاً آرزومندندکه با سرعت تمام اصول و قواعدی راکه امروز مایه سعادت وعظمت ملل متمدنه و دسترنج قرنها زحمت و فداکاری است فوراً بمقام اجراء آورده مملکت را بدرجه قصوای سعادت نائل سازند .

اما چنانکه معلوم است اسباب ولوازم حالیه و مشکلات و موانعی‌که نتایج سوء اداره سابق است با قصد و آرزوی آنها کاملا موافقت نمیکنند و ملاحظه فقد اسباب و عناصر عامله یا مدافعه با توغل اشخاص درعادات و اخلاق سابقه‌طبعاً حسن نیت اولیاء امور را مقهور قانون تکامل و ترقی تدریجی مینماید و از آنجاکه اساس بهترین سیاسات عالم برصدق و حقیقت است امروز هیئت وزراء باید فقط آرزو و مسلك خودرا مأخذ تعهد خدمات قرارنداده حتی‌المقدور از استعمال‌گزاف و اغراق در اقوال ومواعید احترازکنند بلکه نسبت تعهدات خود را با اسباب کار و استطاعت فعلی محفوظ داشته سعی نمایند که پس از ایفای وعده های سهل‌تر بـه انجام مقاصد عالی‌تر موفق‌شوند و مقاصد و خیالات را به‌نسبت اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت که طبعاً بعداز بحرانهای شدید در ترقی است ترفیع و تکمیل نمایند .

با رعایت مقدمات فوق اولین نقطه‌نظر دولت جدید و نخستین اصلاح اساسی که بتواند مقدمه اصلاحات دیگر شود سعی در حفظ نظم و امنیت مملکت است برای حصول این مقصود دولت از تهیه فوری قوائی که بتواند ضمانت امنیت را بنماید ناگزیر است و این قوا مرکب خواهد بود اولا از يك عده قشون منظم و مرتب که در نقاط مختلفه مملکت اردوی دائمی داشته‌باشند ثانیاً از قراسورانهائی کـه برای

حفظ طرق و شوارع لازم است ثالثاً ازپلیس ونظمیه در شهرها مسلم است ترتیبات اساسی قوای فوق‌الذکر خصوصاً قوای نظامی‌مداقه ومطالعات کامله‌لازم داردواصلاحاتی که در امر قشون‌در نظر است موقوف بدقت مخصوص وتقدیم لوایح قانونی آن بمجلس شورای ملی خواهد بود وچون قبل از اجرای اصلاحات اساسی‌مزبور ایجاد یك‌ترتیب موقتی که بتوسط آن ضمانت امنیت فوراً میسر شود لازم است عجالتاً دولت مجبور خواهد بود بتوسط عده‌از قوای سابق دولتی بالغ بر بیست وپنج الی سی‌هزار نفرحفظ انتظام و امنیت را نموده با فراغت خاطر بدون فوت وقت اصلاحات اساسی‌را پیشنهاد نماید و بدیهی است برای همین استفاده موقتی از قوای سابقه بایدمعاش‌هرعده‌که‌برای حفظ امنیت و انتظام استعمال میشوند بطور منظم‌وکافی ایصال‌نمودکه در مقام انجام خدمت و متابعت نظم و ترتیب عذری برای آنها باقی نباشد و بودجه مخارج همین قوائی‌که موقتاً برای حفظ امنیت استعمال میشوند نیز بمجلس شورای ملی‌پیشنهادشده تصویب مجلس نسبت به‌آن‌جلب خواهدشد .

در خصوص قراسوران و پلیس چون در غالب نقاط از سابق ترتیب معینی نداشته است حتی‌الامکان سعی میشود که از اول مطابق اصول صحیحه به برقراری آن اقدام شود .

محل دائمی مخارج فوق‌الذکر معلوم است از مالیاتهای دولتی خواهد بود وهرقدرکسر داشته باشد نیز باید محل آن در مملکت تدارك شود زیرا که اهالی مملکت که میخواهند به نعمت نظم و آسایش‌متنعم باشند باید از عهده مخارج آن‌نیز برآیند ولی‌چون عجالتاً برای شروع بعملیات اعتبار نقدی فعلی‌تقریباً معادل‌پنج‌کرور تومان لازم و تحصیل این اعتبار فعلا در داخله مملکت مشکل است تهیه آن از راه یك استقراض جدید بنظر انسب میآید ونظر به اهمیت فوری تأمین مملکت باید

بی‌درنگ داخل مذاکرات مساعده معادل مبلغ فوق شد و بعد ازآن بمذاکرات اصل استقراض شروع نمود .

این استقراض باید به‌ترتیبی باشدکه درضمن آن قروض جاریه مختلفه‌که دولت بافرع ومنافع‌گزاف مدیون‌است بقرض ثابت دولتی‌که بالطبع منافع‌آن سهل‌ترخواهد بودتبدیل شده ضمناً محل‌تأدیه منافع و استهلاك مبلغی‌کــه برای مخارج لازمه علاوه گرفته میشود نیز تأمین شده‌باشد ومعلوم است نتیجه مذاکرات راجع باستقراض باطلاع مجلس‌شورای ملی‌رسیده ختم‌آن منوط بتصویب مجلس‌خواهد بودچنانکه‌صورت‌مخارج آن وجوهات‌هم بجزء وتفصیل‌باطلاع وتصویب مجلس خواهدرسید .

برای اطمینان از رسیدن وجوه دولتی بمصارف مقرره و جلوگیری از مخارج بی‌قاعده و سوء استعمال وجوه دولتی‌کــه در این اواخر عادت شده بود و هم چنین برای تکثیرعایدات وتصحیح ترتیب جمع و خرج دولت فوراً شروع باصلاحات مالیه خواهد شد .

مهم‌ترین اصلاحی‌که دولت جدید درنظر دارد اصلاحات مالیه ودر میانه آنها آنچه‌دارای اهمیت فوری‌است ایجاد یك‌ترتیب ونظارت وتفتیش واقعی درترتیب تأدیه مخارج وبمصرف رسانیدن وجوه‌دولتی است‌حسن ترتیب واجرای این نظارت رادولت جدید یکی‌از بزرگترین‌ومهمترین‌اصلاحات دانسته اهمیت ولزوم‌آن رادر ردیف حفظ انتظام و امنیت مملکت فرض میکنند ولوایح لازمه را در ترتیب این نظارت بمجلس شورای ملی تقدیم وبتصویب مجلس خواهند رسانید در ضمن اصلاحات مالیه بـا یجاد دیوان محاسبات و ترتیب جمع آوری عایدات دولت در مرکز و تشکیل اداره خزانه داری عمومی‌که این جمله موجب تکمیل و تصحیح امر نظارت مالیه است‌نیز شروع شده‌وهم‌چنین درترتیب اخذمالیات وتصحیح تقسیم‌آن نیز تدریجاً مطالعات لازمه شده بترتیب الاهم‌فالاهم لوایح‌آن بمجلس پیشنهاد وبعدازتصویب بموقع اجرا خواهدرسید

درخصوص بودجه‌های ادارات، بدون تأخیر در ترتیب و تدوین آنها اقدام میشود که هر چه زودتر در جزو بودجه‌کل بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود ولـی چون برای تدوین بودجه‌ها دروزارتخانه‌هاومطالعه‌آنها در وزارت مالیه وتصویب درمجلس شورای ملی وقت وفرصت‌کافی لازم است ودرمدتی که هنوز بودجه‌های مز بوره تمام‌نشده تأخیر حقوق مستخدمین ادارات موجب تعطیل‌امورخواهدبود .

لهذا موقتاً برحسب ضرورت مخارج استمراری دولت‌مطابق بودجه‌هائی خواهد بودکه از اول دولت حـالیه معمول و متداول شده است و حتی‌الامکان سعی میشود بودجه‌کل معامله هرسال درموقعی‌که درقانون اساسی تصریح شده‌است حاضر وبمجلس پیشنهاد شود .

علاوه براقدامات فوق‌که برای‌تحصیل امنیت وانتظام واصلاح امورمالیه میشود ریختن طرح‌ادارات دولت نیزمطابق اصول مقتضیه جدیده‌لازم خواهد بود زیراکه تا ادارات دولتی‌که آلات قوه اجرائیه هستند براساس محکم گذارده نشود اتخاذ وسایل ترقی وآبادی مملکت میسر نخواهد بود .

برای ترتیب اساس ادارات باید مصمم شد براینکه از استخدام بعضی مستشارها ازخارج ناگزیریم‌که بارعایت مقتضیات حال مملکت ترتیب ادارات برروی اساسی گذاشته شودکه شعب‌آنها به‌یك دیگرمر بوط ومتناسب باشد زیراکه مسلم است اقتباس قواعد وقوانین مختلف ازممالك مختلفه در مقام عمل‌اسباب اشکال خواهد شد درضمن تصحیح و ترتیب ادارات اهتمام مخصوص در نظم و ترتیب عدلیه و معارف نیز لازم خواهد بود .

در خصوص عدلیه اهم اقداماتی که باید بشود وضع و ترتیب قوانین استکـه فوراً شروع شده بمجلس پیشنهاد میشود ولی قبل از آنکه قوانین مزبوره از مجلس بگذرد برای پیشرفت امور عدلیه لازم است‌که اولا قواعد ودستورالعملهای موقتی که

ازطرف وزارت عدلیه ابلاغ میشود موقتاً لازم الاجرا بوده مخالفت باآنها نشود .

وثانیاً قبل ازآنکه قوانین راجعه بانتخاب رؤسا واعضای محاکم عدلیه وضع شود وزیرعدلیه درانتخاب اعضاء اختیار تام داشته باشدکه مادام که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم برعهده بگیرد .

درباب معارف نیز لوایح وقوانینی که برای ترویج وترقی معارف لازم است بمجلس پیشنهاد خواهدشدکه بعدازمذاکره وتصویب درمجلس بموقع اجرا برسد ولی اشاره باین نکته لازم است که ایجاد یك ترتیب صحیح برای ترقی معارف مخارج ومصارف کافی لازم دارد وعجالتاً بامضایقه فعلی مالیه دولت غیرازاینکه برای ترویج معارف اهالی مملکت کمك و امدادنمایند تدبیر دیگر بنظر نمیرسد .

ترتیب مساعدتی که باید ازطرف عموم نسبت بامرمعارف بشود با بودجه معارف وقوانین آن وهمچنین ترتیب و مخارج یك عده متعلمین که برای تکمیل تحصیلات یا معاینه عملیات بخارجه اعزام خواهند شد ازطرف وزارت معارف بمجلس پیشنهاد خواهد شد .

درذیل کلیات مذکوره فوق اشاره باین مطلب نیز لازم است که البته هیئت وزراء حالیه دراجرای مواد قانون اساسی سعی واهتمام بلیغ خواهند نمود لیکن این مسئله معین است که پاره ازمواد قانون اساسی کلیات واصولی است که تاقوانین فرعیه وجزئیات ومتسنیات آنهاچنانکه درهمان مواد نیزاشاره شده است وضع وتدوین نشودآن اصول ومواد قابل اجرا نخواهند بود پس بهترین اقدامی که هیئت وزراء درخصوص اینقبیل مواد بتوانند تعهدکنندآنست که قوانین فرعیه که درحقیقت بمنزله تفسیرقوانین اساسی است هرچه زودترازادارات بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایندکه بعدازتصویب مجلس بموقع اجرا برسد .

☆ ☆ ☆

پرگرام کابینه آقای سپهدار اعظم با این قید که بودجه هیچ اداره ولواینکه موقتی یا سنواتی باشد نمیتوان بموقع اجراگذارد مگراینکه بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

درجلسه ۲۳ ذی‌قعده ۱۳۲۷ قمری بتصویب مجلس رسیده است .

تصویب پروگرام کابینه آقای مستوفی‌الممالك*

مصوب ۱۷ شعبان ۱۳۲۸

کابینه جدیدکه بتاریخ شانزدهم رجب تشکیل شده‌است پروگرام خودرا مطابق مواد ذیل به‌مجلس مقدس تقدیم مینماید :

۱- اقدام فوری درجلب مستخدمین خارجه .

۲- اصلاحات لازمه دردوایر نظمیه وامنیه - حسن اداره اموردرایالات وولایات مراقبت جدی دردفع مواد فسادی که صلح وآرامی رادرمملکت متزلزل نماید .

۳- تهیه‌قوای نظامی که عبارت باشد ازیك اردوی جدید منظم ازاسلحه ثلثه‌مرکب از ششهزاروششصدنفر درمرکز واردوی ساخلوهای لازمه بطرزقدیم بااصلاحات ممکنه در ولایات که مجموع عده‌آنها از۲۵ الی سی هزارنفرخواهدبود بااسلحه جدیدکه‌باید خریداری شود .

---

* معرفی رئیس‌الوزراء : ٤ رجب ۱۳۲۸ .

معرفی وزراء ، ۱۸ رجب ۱۳۲۸ بشرح ذیل :

مستوفی‌الممالك رئیس‌الوزراء - فرمانفرما وزیرداخله - نواب وزیر خارجه - حکیم‌الملك وزیرمالیه قوام‌السلطنه وزیرجنگ - دبیرالملك وزیرعدلیه - اسدالله میرزا وزیرپست وتلگراف .

مجدداً درتاریخ ۲٦ شوال ۱۳۲۸ کابینه بشرح ذیل معرفی گردید .

عون‌الدوله وزیرداخله - فرمانفرماوزیرجنگ - محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه - صنیع‌الدوله وزیر مالیه نواب وزیر خارجه - اسدالله میرزا وزیر پست و تلگراف - حکیم الملك وزیر معارف و اوقاف و فوائدعامه وانطباعات (معرفی ۷ ذی‌حجه) محتشم‌السلطنه وزیرخارجه (تاریخ معرفی غره محرم ۱۳۲۹) یمین‌الممالك معاون وزارت جنگ (تاریخ معرفی ۱۷ محرم ۱۳۲۹) .

۴ـ اصلاحات امور مالیه وتعدیل درعمل مالیات واقدام فوری درتأسیس دیوان محاسبات مطابق قوانین که از مجلس خواهد گذشت و تدارك وجهی برای مخارج ضروریه وکسر بودجه واجراء اصلاحاتی که در تکثیر عایدات وتقلیل مخارج ضرورت قطعی دارد .

۵ ـ اصلاحات لازمه‌در امور عدلیه و تنقیح و تنظیم قوانین و قواعد لازمه درحسن جریان امور در محاکم و قبل‌از آنکه قوانین راجعه بانتخاب رؤساء و اعضاء محاکم‌عدلیه وضع‌شود وزیرعدلیه بایددرانتخاب اعضاءاختیارتام داشته باشدکه‌مادام‌که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم برعهده بگیرد واقدام فوری در تأسیس محکمه تمیز .

۶ـ اصلاحات لازم در امور مدارس و فرستادن یك عده متعلمین برای تکمیل تحصیلات یامعاینه عملیات بخارجه .

۷ـ تقدیم لایحه در تشکیل (کنسی‌دتا) برای تنقیح قوانین قبل از تقدیم بمجلس مقدس .

پروگرام کابینه آقای‌میرزا محمد ولی‌خان سپهدار اعظم*

مصوب ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۹قمری

مقدمه

ملاحظه اوضاع امروزه مملکت بخوبی مدلل میداردکه تا درسبك اداره دولت

---

* معرفی‌رئیس‌الوزراء　۲ ع ۱/ ۱۳۲۹ .
معرفی وزراء درتاریخ ۹ ع۱/۱۳۲۹ قمری بشرح ذیل‌بعمل آمده‌است .
سپهدار اعظم رئیس‌الوزراء ووزیر جنگ‌موقتی ـ علاءالسلطنه وزیر فواید عامه ومعارف .
مستشارالدوله وزیر داخله ـ ممتازالدوله وزیر مالیه ـ معاون الدوله وزیر تجارت وپست‌وتلگراف
مشیرالدوله وزیر عدلیه ـ محتشم‌السلطنه وزیرخارجه .

بقیه در صفحه بعد

تغییر واضحی داده نشود وحسن جریان امور بطور کامل منظور نظر کارکنان دولت نباشد ازحیث انتظام امورمملکتی بهیچ نوع موفقیتی نایل نمی توان شد .

شرط اهم حصول این مقصود حفظ قدرت لازمه‌ایست که ملت برای تأمین مصالح خود به‌هیئت دولت می‌سپارد از آنجائیکه این قدرت تا کنون بطور کافی اعمال نشده است فتوری بانتظام امور راه یافته‌که آن بآن در تزاید وآتیه مملکت را تهدید مینماید .

درعلل واسباب این‌حال ناگوارکه تعمق‌شود برای جلوگیری‌آن ازاتخاذ وسایل چهارگانه ذیل ناگزیرخواهیم بود :

۱ـ رفع مواد فساد وتروریسم (یعنی دفع مواد مخالف مشروطیت ومخل‌آسایش بلاد واهالی ومانع حسن‌جریان امور دولت) .

این بلای مملکت ویران‌کن امروزسلامت مملکت را بمخاطره انداخته وهمان آزادی پرقیمت را که بااینهمه صدمات بدست آمده بشدت متزلزل ساخته است چون

بقیه از صفحهٔ قبل

درتاریخ ۲۶ ج ۱۳۲۹/۱ ممتازالدوله بوزارت پست وتلگراف وتجارت ومحمدابراهیم‌خان‌غفاری معاون‌الدوله وزارت مالیه منتقل ومعرفی گردیدند .

معاونین :

شریف‌الدوله	معاون وزارت داخله	(معرفی ۲۶ ع ۱۳۲۹/۱) .
امیراعظم	معاون وزارت جنگ	(معرفی ۱۱ ع ۱۳۲۹/۲) .
محاسب‌الممالك	معاون پست وتلگراف وتجارت	(معرفی ۱۳ ع ۱۳۲۹/۲) .
معاضدالملك	معاون وزارت مالیه	(« ۳ ج ۱۳۲۹/۲) .
مقتدرالملك	معاون وزارت خارجه	(« ٤ رجب ۱۳۲۹) .

مجدداً درتاریخ ۲۲ رجب ۱۳۲۹ وزراء بشرح ذیل معرفی شدند .

صمصام‌السلطنه‌وزیرجنگ ـ وثوق‌الدوله‌وزیرداخله ـ حکیم‌الملك‌وزیرعلوم ومعارف‌وفوایدعامه قوام‌السلطنه وزیرعدلیه ـ مشیرالدوله وزیرپست وتلگراف وتجارت ـ محتشم‌السلطنه وزیر خارجه معاون‌الدوله وزیرمالیه .

بالفعل قوانین لازمه وضع نشده و مسلم است بـا قوانینی که هرکس در خیال تصور میکند نمی‌توان دولت را اداره نمود و نظر باینکه سلامت مملکت اس اساس تمام قوانین است لهذا هیئت دولت بامسئولیت فوق‌العادهٔ که درمقابل خدا و خلق برعهده دارد برای رفع مواد مزبوره بای نحوکان اختیار تام میخواهد .

۲ ـ اعمال مجازات درموارد جنحه وجنایات و تقصیرات .

۳ ـ تأمین انتظامات ادارهٔ و حفظ اصول اطاعت درمیان طبقات مأمورین و اجزای ادارات دولت خصوصاً درنظام بوسیلهٔ مجازات اداره .

۴ ـ اجرای قانون مطبوعات آزادی جراید از اصول اولیه مشروطیت است لیکن بعضی از جراید تاکنون به‌سوء استعمال این نعمت غالباً مصلحت مملکت و مقتضیات وقت را اخلال وحیثیت دولت را درداخل و خارج تضییع کرده‌اند ووزرای عصر بعلت محظوراتیکه در موارد ارجاع بمحاکم عدلیه تصادم می‌کردند در اجرای قانون مطبوعات متوقف بوده‌اند علیهذا برای کابینه اختیاری لازم است که‌تا اصلاح محاکم عدلیه هرگاه جراید از حدود قانونی تجاوز کردندوزارت‌معارف‌قانون‌مطبوعات را بمحاکمهٔ اداره مجری دارد .

درصورتی‌که نمایندگان محترم بامقدمه فوق‌الذکر موافقت کامله داشته باشند پروگرام‌ذیل به‌مجلس شورای‌ملی پیشنهاد میشود و چون باخطراتی‌که وطن عزیز را تهدید میکند فقط محض فداکاری حاضر خدمت شده وکارمملکت را مهمتر از آن میدانیم‌که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد لهذا هرآن‌که تقویت مجلس نسبت بهیئت وزراء منظور نشود اشغال مسند وزارت را خیانیت دانسته استعفای خود را تقدیم خواهیم کرد .

پروگرام

۱ ـ اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲ ـ تشکیل اردوهای سیار و ساخلو درنقاط لازمه مطابق لایحه و بودجهٔ که بمجلس پیشنهاد شده است .

۳ ـ حفظ و تشیید روابط حسنه بادول متحابه .

۴ ـ تعقیب استقراضی که کابینه سابق بمجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است .

۵ ـ پیشنهاد بقیه بودجهٔ کل .

۶ ـ شروع باصلاحات مالیه بامستخدمین خارجه .

۷ ـ تجدید نظر درمالیات نمك محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بردولت و اهالی حاصل شده است .

۸ ـ تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارك لوایح قوانین موقتی درمواردیکه هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از مجرای خود نیست لوایح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منیع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید (بقای این هیئت تاوقتی است که شورای دولت دایر بشود) .

۹ ـ اصلاح عدلیه باتدارك ترتیبات مقدماتی که لوایح آنرا وزیرعدلیه موافق مادهٔ ۸ این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰ ـ اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور (اجرای پروگرام متحد درکلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد) .

۱۱ ـ توجه بامر تجارت گذراندن قانون شرکتها پیشنهاد لایحه قانون اطاقهای تجارتی .

۱۲ـ پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

پرو گرام کابینه صمصام السلطنه

مصوب ۹ رمضان ۱۳۹۲

مادهٔ اول ـ قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی میگذرد چون شرکت هیئت دولت درمباحثات آن لازم است وزراء مطالعه کرده رأی قطعی خودرا درمواد آن اظهار خواهند نمود .

مادهٔ دوم ـ چون درقوانین اساسی حاضره اصلی راجع بهکیفیت تجدید نظر درآنها نوشته نشده ودولت تجدید نظر درقوانین مزبوره رالازم میداند لهذا درموقع انتخابات آتیه ازطرف دولت اعلان میشود درصورتیکه ملت ایران بانظریات دولتدر

تاریخ معرفی : ۲۹ رجب ۱۳۲۹

وزراء درتاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۹ بشرح ذیل معرفی شدند :

صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء ووزیر جنگ ـ وثوق‌الدوله‌وزیر امور خارجه ـ قوام‌السلطنه وزیرداخله حکیم‌الملک‌وزیر مالیه ـ مشیرالدوله وزیرعدلیه ـ دبیرالملک‌وزیرپست وتلگراف علاءالسلطنه وزیر معارف وفواید عامه .

درتاریخ ۷ شعبان ۱۳۲۹ معاضدالسلطنه بوزارت پست وتلگراف معرفی ـ درشب ۹ رمضان میرزا اسدالله خان کردستانی بمعاونت وزارت پست وتلگراف معرفی گردیدند .

کابینه دوم صمصام‌السلطنه

تاریخ معرفی ۷ ذی‌حجه ۱۳۲۹ .

وزراء بشرح ذیل معرفی شدند .

صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء ووزیر داخله ـ مشیرالدوله وزیر معارف ـ وثوق‌الدوله وزیرخارجه معاضدالسلطنه وزیرپست وتلگراف ـ محتشم‌السلطنه وزیرعدلیه ـ ذکاءالملک وزیر مالیه سردار محتشم وزیر جنگ .

درتاریخ ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۲۹ تغییرات زیر درکابینه بعمل آمده است :

آقای ذکاءالملک وزیر عدلیه ـ آقای حکیم‌الملک وزیرمالیه ـ آقای قوام‌السلطنه وزیر داخله

اینموضوع موافق باشد اشخاصی راکه بنمایندگی انتخاب مینمایند حق تجدید نظر درقوانین اساسی داشته باشند بنا براین دولت برای اینکه رأی ملت‌را دراین باب بفهمد پس ازآنکه دوثلث ازتمام منتخبین حاضر شوند مجلس‌را برای صلاحیت درتجدیدنظر کافی دانسته درباب لزوم یاعدم لزوم تجدید نظر رجوع به‌رأی نمایندگان جدیدخواهد نمود وهرگاه باکثریت دوثلث آراء ازدو ثلث مزبور رأی به تجدید نظر داده شد رأی ملت معلوم وشروع بمذاکرات راجعهٔ بآن خواهد شد .

مادهٔ سوم ـ چون بـاید هیئت دولت بقدرکفایت مقتدر بوده و اختیاراتی‌که لازمهٔ تعهد مسئولیت است دارا باشندودرانجام تکالیف خود فقط مصالح مملکت رادر نظرگرفته ازالقاآت اشخاص یامجامع غیرمسئول بهیچ‌وجه متأثر نشود در مواقعی‌که این قبیل اشخاص یامجامع عقاید خودرا بدون اطلاع ورجوع باولیـای مسئول امور بموقع اجرا میگذارند ویا بواسطهٔ بعضی اقدامات ازقبیل انتشارات مجعول یاتشکیلات خفیه‌یا مشوب‌کردن اذهان در صدد تضعیف قوای‌دولت برمیآیند فوراً ازآنها جلوگیری نموده مرتکبین‌را مجازات خواهد داد .

مادهٔ چهارم ـ چون باید دولت درتمرکز قوای مملکت اهتمام فوری‌کرده از عدم مرکزیت وتشتت اقتدارات جلوگیری نماید برای ایفاء این مقصود تجدید نظردر قوانین انجمنهای ایالتی‌وولایتی وبلدی‌بااستفاده ازمستشارهائی‌که ازاروپاجلب شده‌اند لازم‌است وبه مجلس پیشنهاد خواهد شد وچون در قانون انجمنهای بلدی حق انفصال بدولت داده نشده است قبل ازآنکه نتیجه تجدید نظر معلوم وقـانونی شود دولت در انفصال آنها نیز مختار خواهد بود .

مادهٔ پنجم ـ اشخاصی که بواسطهٔ فقد قوانین فرعیه که بایستی برای قوانین اساسی نوشته شود از ابهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده کرده مخل نظم و آسایش

عمومی میشوند وباستناد بظواهرقوانین مجمل ومبهم بوسیلهٔ انتشارات یا وسایل دیگر با اقدامات دولت ضدیت مینمایند وحتی بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خودبقوانین ممالك دیگر متوسل میشوند باید دولت در جلوگیری و دفع ضرر آنها مختار باشد و کلیتاً از مفاسدی کــه ممکن است بــر سوء تأویل مجملات قوانین مترتب شود جلوگیری نماید .

مادهٔ ششم – چون برای برقراری نظم‌وامنیت درتمام مملکت که منظوراساسی دولت‌است ایجادقوای منظم‌کافی وعجالتاً تشکیل‌ژاندارمری مرتب‌درتحت اداره‌و تعلیم صاحب‌منصبان‌سوئدی‌لازم‌است برای‌ایفاء این‌مقصود دولت‌اقدامات‌لازمه رانموده‌لوایحی راکه برای‌سرعت جریان‌این‌مقصود وتکمیل‌آن‌لازم‌بداند بمجلس‌شورای ملی پیشنهاد خواهدکرد .

مادهٔ هفتم – بعضی ادارات وتأسیسات‌که بدون اقتضاء ضرورت واز روی عدم تجربه ایجادشده وبقای‌آنها بااحتیاجات‌فعلی‌مملکت متناسب‌نیست بلکه موقوف‌کردن یاتخفیف‌دادن‌آنها ازنقطه‌نظرمالیه ومقتضیات مملکت‌لازم‌است بایددولت در تخفیف یا حذف‌والغاء‌آنها مختارباشد .

مادهٔ هشتم – درباب‌اصلاحات اساسی‌وزارت‌عدلیه دولت‌مشغول مطالعات‌لازمه بوده وپیشنهادی بمجلس‌شورای‌ملی خواهدکرد قبل‌ازآنکه ترتیب مزبور پیشنهاد شود وصورت‌قانونی‌پیداکند هم‌اختیاری برای دولت‌لازم‌است‌که باقتضاء وقت‌وموقع اقداماتی راکه برای‌اجرای عدالت‌لازم میداند بنماید .

مادهٔ نهم – مادام‌که قانون مجازات ازمقامات مقننه نگذشته است باید دولت در دادن مجازات بترتیبی کــه هیئت وزراء قانون موقتی را مرتب خواهند نمود مختار باشند .

مادهٔ دهم – بدیهی است که پلتیك داخلی هرمملکت تایك اندازه بوضعیت

پلتیك وروابط خارجهآن مملکت مربوط است ومادام‌که درپلتیك خارجه یك مسلك مستقیم و مآل‌اندیشی اتخاذ نشود منظورات دولت در پیشرفت پلتیك داخلی نیز دچار اشکالات‌خواهدشد بنابراین دولت باید درروابط خارجی روشی اتخاذنمایدکه همراهی و اعتماد دول متحابه خصوصاً دولتی را کــه اهمیت روابط آنها مسلم است نسبت بدولت حاضره جلب‌نماید ومساعدت افکارعمومی باروشی‌که هیئت دولت اتخاذ میکند لازم است .

پروگرام هیئت وزراء عظام مشتمل بر ده ماده در جلسهٔ شب یکشنبه نهم شهر رمضان‌المبارك ۱۳۲۹ باکثریت تصویب شد .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسین

تصویب اختیارات تامه بههیئت وزراء برای نظامی کردن شهرودفع سلاح ازاشخاص غیرنظامی

مصوب ۲۶ رجب۱۳۲۸

هیئت وزراء پیشنهاد میکنندکه درطهران اختیارات‌تامه بآنها برای‌سه‌ماده‌داده شود باین ترتیب :

۱ـ اسلحه را بای نحوکان بدون استثنا از اشخاص غیر نظامی و غیر مطیع خلع نمایند .

۲ـ خلع اسلحه بحکم هیئت‌وزراء بتوسط‌نظمیه ومأمورین‌نظامی وقوای مرتب دولت خواهدبود .

۳ـ هر کس در مقابل این حکم تمرد کند بقوهٔ قهریه گرفتار و مجازات خواهد شد .

۴ـ از مجامع ومطبوعاتی که موجب فساد وهیجان باشد بقوهٔ قهریه جلوگیری خواهد شد .

پلتیك وروابط خارجهآن مملکت مربوط است ومادامکه درپلتیك خارجه یك مسلك مستقیم و مآلاندیشی اتخاذ نشود منظورات دولت در پیشرفت پلتیك داخلی نیز دچار اشکالاتخواهدشد بنابراین دولت باید درروابط خارجی روشی اتخاذنمایدکه همراهی و اعتماد دول متحابه خصوصاً دولتی را که اهمیت روابط آنها مسلم است نسبت بدولت حاضره جلبنماید ومساعدت افکارعمومی باروشیکه هیئت دولت اتخاذ میکند لازم است .

پروگرام هیئت وزراء عظام مشتمل بر ده ماده در جلسهٔ شب یکشنبه نهم شهر رمضانالمبارك ۱۳۲۹ باکثریت تصویب شد .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسین

تتمیم قانونی راجع بامتداد مجلس شورای ملی

مصوب ۲۱ ذی‌قعده ۱۳۲۹

مادهٔ اول - بنابراینکه از طرف ملت در پایتخت و نقاط مهمهٔ دیگر تقاضاهای عدیدهٔ تلگرافی وکتبی برای امتدادمجلس شورای ملی رسیده و تقاضاهای خودرا مبتنی براین دلایل نموده‌که اقدامات مرتجعین و دشمنان استقلال مملکت و اساس مشروطیت هنوزکاملا مرتفع نشده ومحتمل است‌که دربهار آینده نیز مشکلاتی برای دولت ومملکت پیش‌آید وتهیه جلوگیری ازمشکلات مزبوره منتهای ضرورت و فوریت رادارد وممکن است انتخاب نمایندگان جدید بتعویق افتد ودراین ایام فترت هم‌برای دولت مشکلاتی ظهورکند وبملاحظهٔ اینکه مجلس‌شورای ملی‌هم‌این احساس راکرده وآن اظهارات راتصدیق دارد علیهذا تاموقعی‌که مجلس آینده تشکیل قانونی یافته ونصف بعلاوهٔ یکنفر ازکلیه نمایندگان ملت‌درپایتخت حاضرشوند مجلس‌شورای ملی‌کماکان امتداد می‌یابد .

مادهٔ دوم - برای اینکه حتی‌الامکان امتداد مجلس حالیه بطول نیانجامد از طرف ریاست مجلس شورای ملی‌وهیئت وزراء بعموم انجمنهای ایالتی‌وولایتی وحکام وسایر مقامات لازمه مراتب ماده فوق اطلاع داده شده ودر تسریع انتخابات جدیده و اعزام نمایندگان هرمحل تأکید خواهد شد .

شماره ترتیب	خلاصه قسمتی از تصمیمات متفرقه	تاریخ تصویب
۱	تصمیم قانونی راجع به اجازهٔ ضرب چهار کرور تومان نقره بوزارت مالیه.	غره ذی‌حجه ۱۳۲۷
۲	تصمیم قانونی راجع بهاجارهٔ باغات دولتی بطرز مزایده.	۲۲ صفر المظفر ۱۳۲۸
۳	تصمیم قانونی راجع بقطع حقوق بانوی عظمی.	۷ ج۲ـ۱۳۲۹
۴	تصمیم قانونی راجع به ابقاء هیئت رئیسه وشعب وکمیسیونهای موجود تا انقضای دورهٔ تقنینیه وعدم تجدید آنان.	۱۴ شوال ۱۳۲۹

فهرست تاریخی

(فهرست مصوبات ادوار اول ودوم قانونگذاری بترتیب تاریخ تصویب)

(باستثنای قسمتی ازمصوبات مالی وتصمیمات ومطالب متفرقه)

دوره اول :	۱۷ شعبان ۱۳۲۴ مطابق ۱۲ میزان ۱۲۸۵	تا	۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ مطابق ۲ سرطان ۱۲۸۷
دوره دوم :	۲ ذی‌قعده ۱۳۲۷ مطابق ۲۳ عقرب ۱۲۸۸	تا	۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ مطابق ۲۸ قوس ۱۲۹۰

۲

۳

۵

۷

درست نامه

	سطر	غلط	صحیح
مقدمه (فهرست مصوبات)	۷	۲۴۰	۲۳۲
» » »	۸	۲۴۲ـ۵۱۴	۲۳۳ـ۵۸۴
» (فهرست بند اول)	۵	۵۲	۳۲
» » » »	۶	۳۴ـ۳۸	۳۳ـ۳۷
» » » »	۷	دو دوره	دو درجه
» » » »	۷	۳۹	۳۸
فهرست بنددوم ـ صفحهٔ ۵۴	۳	۵۳ـ۶۳	۵۵ـ۶۶
» » » »	۴	۶۴ـ۸۴	۶۷ـ۸۵
» » » »	۵	۸۵ـ۹۷	۸۶ـ۹۸
» » » »	۶	۹۸ـ۲۲۵	۹۹ـ۲۱۸
» » » »	۷	۲۲۶ـ۲۳۸	۲۱۹ـ۲۳۰
» » » »	۸	۲۳۹ـ۲۴۰	۲۳۱ـ۲۳۲